بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

واژه‌نامه شیلاتی و علوم دریایی

تدوین : دکتر محمدرضا بنازاده‌ماهانی ، دکتر حسین عمادی

ویراستار فنی : مهندس معصومه خادمی ، دکتر آریا اشجع‌اردلان

سرشناسه: بنازاده ماهانی، محمدرضا، ۱۳۲۳ -
عنوان و پدیدآور: واژه‌نامه شیلاتی و علوم دریایی/تدوین محمدرضا بنازاده ماهانی؛ حسین عمادی، ویراستاران فنی معصومه خادمی، آریا اشجع اردلان.
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تحقیقات شیلات ایران، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری: ۴۴۸ ص: مصور، نقشه.
شابک: ۳۰۰۰۰ ریال :ISBN 978-964-5856-19-7
یادداشت: فیپا
یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: M. R. Banazadeh Mahany. Fisheries and marine sciences dictionary (English to Persian)
موضوع: شیلات ـ واژه‌نامه‌ها ـ انگلیسی.
موضوع: زبان انگلیسی ـ واژه‌نامه‌ها ـ فارسی.
شناسه افزوده: عمادی، حسین، ۱۳۲۲-
شناسه افزوده: مؤسسه تحقیقات شیلات ایران.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۵ ۲و۹ب/SH۲۰۱
رده‌بندی دیویی: ۳۳۸/۳۷۲۰۰۳
شماره کتابخانه ملی: ۸۵ـ۳۱۱۸۵م

نام کتاب: واژه‌نامه شیلاتی و علوم دریایی
تدوین: دکتر محمدرضا بنازاده ماهانی، دکتر حسین عمادی
ویراستار فنی و ادبی: دکتر آریا اشجع اردلان
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۸۵
ناشر: موسسه تحقیقات شیلات ایران ـ مدیریت اطلاعات علمی
(خیابان فاطمی غربی ـ پلاک ۲۹۷ ـ تلفن ۶۶۹۱۹۱۳۳ -Web:www.IFRO.ir)
آماده‌سازی و نظارت بر چاپ: انتشارات قصیده‌سرا
شابک: ۷-۱۹-۵۸۵۶-۹۶٤-۹۷۸ ISBN 978-964-5856-19-7
قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

پیشگفتار

«ن والقلم و ما یسطرون...»

حمد و ثنای پروردگاری که با ارزانی مواهب بی حد و حصر خود در خشکی و دریا، بندگان خود را بی‌نیاز ساخت تا بهره‌برداری نمایند و شکرگزار باشند.

نظر به ضرورت آشنایی اساتید، محققین، کارشناسان و دانشجویان علاقمند به اصطلاحات شیلاتی و علوم دریایی، موسسه تحقیقات شیلات ایران اقدام به تنظیم سند طرحی مبتنی بر تهیه واژه‌نامه شیلاتی و علوم دریایی نمود که منتج به تدوین کتاب حاضر گردیده است و مشتمل بر هشت هزار واژه می‌باشد.

گرچه قبلاً پیرامون تهیه فرهنگ لغات و گردآوری واژه‌های صنایع شیلاتی، ناوبری و علوم دریایی کارهایی صورت گرفته است ولی واژه‌نامه‌ای که پاسخگوی نسبی نیاز بهره‌برداران و علاقمندان به این صنعت باشد، طبع نگردیده است. امید است اساتید، محققین، خبرگان شیلاتی و کارشناسان علاقمند با ارائه نظرات خود درتکمیل واژه‌نامه و رفع کاستی‌های آن در انتشارات بعدی، این مجموعه را یاری نمایند.

در اینجا لازم است از دست‌اندرکاران اجرای طرح و تدوین کتاب مذکور از جمله مجری محترم طرح آقای دکتر محمد رضا بنازاده ماهانی و اعضاء محترم کمیته علمی تدوین کتاب، آقایان دکتر حسین عمادی، دکتر حسن زارع مایوان، مهندس محمد رضا حسینی، سرکار خانم دکتر آریا اشجع اردلان و سرکار خانم مهندس معصومه خادمی که کار نظارت، تنظیم، ویرایش فنی و ادبی را عهده‌دار بوده‌اند، سپاسگزاری گردد. همچنین از سرکار خانم هنگامه خادم که امور مربوط به حروفچینی، صفحه‌آرایی تا مرحلهٔ چاپ را با دلسوزی پیگیری و به انجام رسانده‌اند، قدردانی می‌گردد.

عباسعلی مطلبی

رئیس موسسه تحقیقات شیلات ایران

Fisheries and Marine Sciences Dictionary

By :

Dr. M. R. Banazadeh Mahany

Dr. H. Emadi

In the Name of God

Preface

Let me begin in His name, the Creator of the universe who endued us with infinite wealth.

With due regard to the basic requirement and expectation of interested individuals in marine and fisheries sciences to the relevant terminologies, the Iranian Fisheries Research Organization sponsored a project to fulfill the gap, the outcome of which is this book that includes 8000 terminologies. Although efforts had been made earlier in compiling terminologies concerned with navigation, fisheries industries and marine sciences, they could satisfy individuals in spetific fields of interest. This book is, however, targeting a wider scope of marine-related subjects and, therefore, addresses a broader range of interested individuals. Your suggestions and opinions will certainly contribute to enhancing the scientific content of this book in the next edition.

I herewith express my gratitude to those involved in accomplishing this book, particularly Dr. M.R. Bannazadeh Mahani as the executive manager, Dr. H. Emadi, Dr. H. Zare Maivan, M.R. Hosseini, Drs. A.A. Ardalan and M. Khademi as the scientific editorial committee, and Ms. H. Khadem as the lay-out and printing manager.

A. Motalebi
Head of the Iranian Fisheries
Research Organization (IFRO)

A

abandonment ترک کشتی

abandon ship کشتی را ترک کنید، ترک کشتی در هنگام اضطرار

abatement تخفیف مجاز خسارت

abaxial بخش بیرونی یا قسمتی که دورتر از محور اصلی قرار دارد. بیشتر در تشریح اندامها و یا ریخت‌شناسی موجودات بکار می‌رود.

A B C = (Acceptable Biological Catch) میزان صید تخمینی یک منطقه که از طریق بررسیهای زیستی محاسبه می‌گردد ولی هیچگونه تضمین علمی ندارد.

A B C state وضعیت شیمیایی، میکروبی و اتمی

abdomen شکم ـ بخش بین سر و دم

abdominal شکمی

abeam پهلوی کشتی، زاویه ۹۰ درجه از دو سوی کشتی

aberation کجنمایی

able bodied seaman (AB) ملوان

Ablennes hians ماهی گرگوم

able seaman = AB مهناوی دوم

abnormal غیرعادی

aboard در کشتی، روی کشتی

aborting ترک کردن کشتی، دست کشیدن از کشتی

A خوب، درجهٔ تازگی ماهی، در بازار مشترک اروپا به کیفیت خوب (درجه ۲، بعد از عالی) اطلاق می‌گردد.

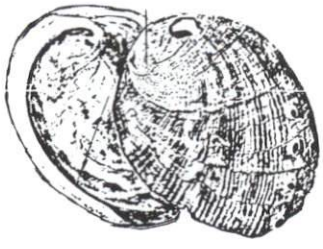
abacterial عاری از باکتری

abaft به سمت عقب‌کشتی، به سمت پاشنه کشتی

Abalistes stellaris خارماهی (خلیج فارس)

Abalistes stellatus ماهی گرگوم

abalone گوش دریا، آبالون، آبِه لونی، یک نرم‌تن خوراکی از ردهٔ شکمپایان، خانوادهٔ Haliotidae با یک جنس به نام *Haliotis* این جانوران شبیه به حلزونها نیستند ولی از نظر ظاهری، شبیه به صدفهای دوکفه‌ای (خوراکی) می‌باشند. بر روی صدف آنها یک ردیف سوراخ مشخص دیده می‌شود. بزرگترین گونه مربوط به جنس آبالون قرمز *(Haliotis)* است که صدفی بطول حدود ۳۰ سانتیمتر دارد.



آبالون قرمز

about turn عقب گرد

above board روی عرشه کشتی، دریانورد درستکار

abox پس زدن، عقب زدن

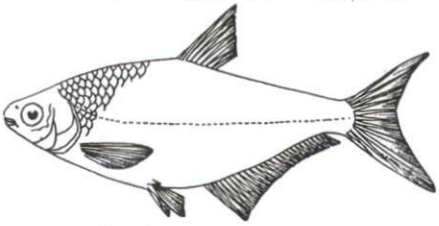
abraded = scuffed , chaffed فرسوده شده، سائیده شده، خراب شده از طریق فرسایش

Abramis ballerus ماهی سیم شمالی (ایران)

Abramis brama ماهی سیم (آب شیرین)

مراجعه شود به bream

Abramis sapa ماهی سیم پوزه کند (آب شیرین)



Abramis sapa ماهی سیم کند پوزه

abranchiate بدون انشعاب

abrasion = chaffing , scutting

فرسایش، سایش، ساییدگی، خراش، فرسودگی پوست و باله‌های ماهی در طول دورهٔ نگهداری. این پدیده علاوه بر اینکه باعث بد منظر شدن ظاهر ماهی می‌گردد، قسمتهای زخم مانندی نیز روی بدن آن ایجاد می‌نماید و راه را برای ورود باکتریها باز می‌کند.

abrasion platform سطح فرسایش،

سطح فرسایش یافتهٔ دریا که در نزدیک پایهٔ موج قرار داشته و نیروهای موجود در دریا، دائماً بر روی آن تأثیر می‌گذارند.

abreast پهلو به پهلوی کشتی

abridge کوتاه کردن

abrupt ناگهانی

A.B.S = American Bureau of Shipping

سازمان کشتیرانی (رده‌بندی) آمریکا

abscence indicator پرچمی که در غیاب فرمانده روی عرشه افراشته می‌شود.

absolute altitude ارتفاع مطلق

absolute humidity رطوبت مطلق،

بیشترین مقدار بخار آبی که یک واحد حجم هوا، در حالت اشباع دارد. رطوبت مطلق به دلیل حالت گازی هوا، تابعی از درجهٔ حرارت می‌باشد. افزایش دما، باعث افزایش رطوبت مطلق می‌گردد.

absolute magnitude قدر مطلق

absolute minimum حداقل مطلق، کمترین حد ممکن

absolute scale مقیاس مطلق

absolute temperature دمای مطلق (کلوین)

بین ۲۷۳ (نقطه انجماد) تا ۳۷۳ درجه (نقطه جوش) به ۱۰۰ درجه تقسیم بندی شده است.

absolute zero صفر مطلق،

پایین‌ترین دمای ممکن ۲۷۳/۱۵ - درجه سانتیگراد

absorption جذب، عبور مواد غذایی هضم شده از دستگاه گوارش به داخل رگهای خونی

absorption coefficient ضریب جذب،

این ضریب معمولاً نشان دهندهٔ مقدار انرژی جذب شده در واحد سطح یا توسط توده‌ای از مادهٔ حد واسط می‌باشد. این مقدار برای گازهای حل شده ، برابر است با حداکثر حجم گازی که می‌تواند در واحد حجم آب حل شود. ضریب جذب گازها معمولاً با افزایش درجهٔ حرارت و شوری کاهش می‌یابد.

absorption loss بخشی از انرژی است که در اثر تبدیل یک صورت از انرژی به صورت دیگر تلف می‌گردد. این انرژی معمولاً از نوع حرارتی است. تبدیل مزبور امکان دارد در درون مادهٔ حد واسط یا براساس انعکاس در یکی از حدود مرزی‌اش رخ دهد.

absorption nebula

مراجعه شود به dark nebula

absorption of light جذب تدریجی نور،

هنگامی که نور به داخل آب نفوذ می‌نماید، تدریجاً توسط لایه‌های آب جذب شده و به انرژی حرارتی تبدیل می‌گردد.

absorption spectrum طیف جذبی

aboundance فراوانی،
در ماهیگیری برای‌نشان دادن تعداد نسبی بکار می‌رود.

aboundant فراوان

abusive storage نگهداری نامناسب،
نگهداری ماهی در شرایط نامناسب که باعث آلودگی و فساد سریع آن می‌گردد.

abyss = abysm مغاک، بسیار عمیق

abyssal مغاکی، وابسته به عمق زیاد،
به اعماق ژرف اقیانوس اشاره دارد که معمولاً ۳۷۰۰ متر پایین‌تر است.

abyssal environment = abyssal zone
اعماق ژرف اقیانوس، یکی از ثابت‌ترین بیومهای (biomes) دریایی. دمای این منطقه حدود صفر تا دو درجهٔ سانتیگراد و شوری آن تقریباً ثابت (حدود ۳۵ در هزار) می‌باشد.
وجود اکسیژن کافی در این منطقه برای تداوم حیات حائز اهمیت است. جانداران این منطقه ازنظر غذایی کاملاً وابسته به غذای موجود در لایه‌های فوقانی آب می‌باشند. جانداران این منطقه بطور عمده شامل‌مصرف‌کننده‌های مواد معلق، ریزه‌خوارهای صافی کننده و یا گوشتخواران هستند. مشخص‌ترین وجه تمایز این جانداران با جانداران مناطق بالاتر اقیانوس، این است که این موجودات، قادر به تحمل فشار بسیار زیادی حدود ۲۰۰ تا ۷۰۰ اتمسفر می‌باشند. تنوع جانداران ساکن در این منطقه کم و سرعت تولید مثل و تکثیر آنها کند می‌باشد.

abyssal floor = abyssal plain کف مغاکی،
پهنهٔ گستردهٔ اعماق اقیانوسها، از این واژه اغلب به عنوان منطقه یا دشت مغاکی نام برده می‌شود، یعنی اعماق بیش از ۴۰۰۰ متر. عمق متوسط این ناحیه ۴۰۰۰ متر می‌باشد. این منطقه نسبتاً صاف، مسطح، سرد و تاریک است. فعالیتهای زمین لرزه‌ای در این منطقه یا بسیار کم است یا اینکه وجود ندارد. فرآیند اصلی زمین‌شناسی که در این محدوده انجام می‌شود، رسوبگذاری و ته‌نشینی است. به دشتهای مسطح عمقی اطراف جزایر اقیانوسی، دشتهای archipelagic می‌گویند.

abyssal gigantism غول ژرفی،
غول پیکری در عمق، پدیده‌ای که در برخی از گروههای سخت‌پوستان مشاهده می‌گردد که با افزایش عمق محیط زیست، اندازهٔ آنها بزرگتر می‌شود. مانند خرچنگ عنکبوتی ژاپنی که فاصله بازوهای طرفین آن ۴ متر است و در عمق ۴۰۰ متر زندگی می‌کند.

abyssal pelagic = abyssopelagic
ستونی از آب در اعماق بیش از ۴۰۰۰ متر. در این منطقه معمولاً جانداری یافت نمی‌گردد؛ به شرایط یا جاندارانی که تا عمق ۶۰۰۰ متر زندگی می‌کنند گفته می‌شود.

abyssal plain مراجعه شود به abyssal floor
دشتهای مغاکی منطقهٔ هم‌جوار منطقهٔ نظارت، که بین عمق ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ متر قرار دارد.

abyssal realm بخشی از موجودات دریایی که
پائین‌تر از ناحیهٔ نفوذ نور (زیر ۶۰۰ متر) زندگی می‌نمایند.

abyssal rock ژرفاسنگ، سنگهای آذرین
عمقی، این سنگها در اعماق زمین بوجود آمده‌اند و چون سرد شدن مواد مذاب ، برای تشکیل سنگ به کندی صورت گرفته است، بلورهای حاصله، درشت می‌باشند.

abyssal zone ناحیه مغاکی،
مراجعه شود به abyssal environment

abyssobenthic ۱) وابسته به موجودات عمق‌زی،
۲) بنابر عقیدهٔ برخی از صاحبنظران، این ناحیه در برگیرندهٔ تقریباً نیمی از عمیق‌ترین نواحی اقیانوس است.
۳) به ناحیهٔ عمیق دریا در زیر عمق ۴۰۰ تا ۶۰۰ فاتوم یا ۸۰۰ تا ۱۱۰۰ متر اتلاق می‌گردد.

abyssobenthos کف‌زیان ناحیهٔ ژرف

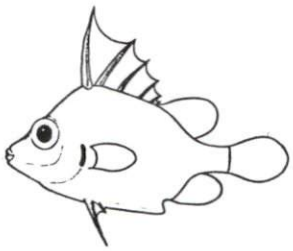
abyssopelagic ماهیان و سایر آبزیان پلاژیک ناحیه ژرف، به آن قسمت از اقیانوس گفته می‌شود که در زیر عمق ۳۷۰۰ متری قرار دارد.

AC = alternating current جریان متناوب

acamar ستارهٔ ظلیم

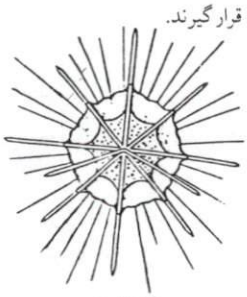
acantha خار یا تیغه

acanthaceous خاردار، تیغه‌دار



ماهی خاردار

Acantharia گروهی از آغازیان دریایی، این موجودات بسیار ریز، تنها ۱۰ درصد تودهٔ پلانکتون را در فصل شکوفایی پلانکتونی به خود اختصاص می‌دهند. این گروه دارای اسکلت سخت داخلی از جنس سولفات استرانسیوم ($SrSO_4$) هستند، که چون این ترکیب در اعماق بیش از ۲۰۰ متر کاملاً محلول است، به همین دلیل، اسکلت آکانتاریا پس از مرگ در اعماق دریا رسوب نمی‌نماید. آکانتارها خاصیت غوطه‌وری و مهاجرت عمودی دارند و چون جلبک یا دینوفلاژله در داخل خود نگه می‌دارند، جانداران سبزینه‌ساز هستند. در طول روز به سطح می‌آیند تا فتوسنتز نمایند و شب به اعماق می‌روند تا غذای دیگری مصرف کنند و یا مورد تغذیه قرار گیرند.



آکارنتاریا

acanthocephalan وابسته به شاخهٔ آکانتوسفالها که جاندارانی کوچک هستند. این جانداران کرمهایی (با طول حدود یک سانتیمتر یا ۰/۴ اینچ) می‌باشند که سری خاردار و بدنی سوسیس مانند دارند. تمام انواع آنها انگل بوده و به کرمهای رشته‌ای (Nematods) منسوب می‌شوند. اندامهایی برای چسبیدن به شکم میزبان خود دارند. حفرهٔ بدنی این جانداران تقریباً بطور کامل با غدد زایشی (gonads) پر شده است.

در مرحلهٔ لاروی در بدن سخت‌پوستان جورپا (میزبان واسط) بسر می‌برند. این جانداران گاهی میزبان خود را از طریق گرسنگی یا انسداد دستگاه گوارش از بین می‌برند.



شاخه آکانتوسفالها

Macracanthorhynchus hirudinaceus

acanthos خاردار، خار

acceleration of gravity شتاب جاذبه، شتاب اجسام در اثر نیروی جاذبه زمین، مقدار واقعی آن با تغییر مدار و نصف‌النهار ، و نیز ماهیت صخره‌های تشکیل دهندهٔ لایهٔ زیرین تغییر می‌کند و حدود ۹۸۰/۶۱۶ سانتیمتر در مجذور ثانیه است.

acceptable پذیرفتنی، پسندیده، مقبول، قابل قبول، دارای کیفیت مناسب، دارای ارزشی بالاتر از حداقل

accessory ابزار یدکی

accessory drive چرخ دنده اضافی

accident boat قایق نجات

acclimatation مراجعه شود به acclimatization

acclimatization عادت پذیری، سازش یابی، عمل یا فرآیند لازم برای عادت کردن از یک محیط به محیط دیگر، مانند عادت کردن ماهی آب شیرین به محیط آب شور، پدیده‌ای که از طریق آن موجود زنده به محیطی که بومی آن نیست سازش می‌یابد.

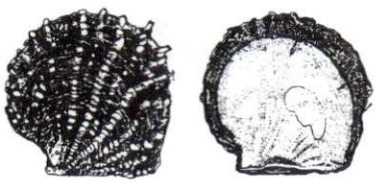
accomodation تسهیلات و تأسیسات اقامت در کشتی یا کرجی مسافربری

accretion ۱) برون افزونی، رشد یا گسترش اندازه از طریق افزایش بیرونی

۲) تشکیل طبیعی و تدریجی خاک در طی دوران بسیار طولانی و در اثر عوامل طبیعی، این حالت، با رسوب کردن مواد موجود در آب یا مواد انتقالی از طریق باد به دریا، در منطقهٔ ساحل ایجاد می‌شود.

accul خلیج عمیق

Acephales = Bivalves = Pelecypoda دوکفه‌ایها، یکی از رده‌های شاخهٔ نرمتنان می‌باشند. دارای تقارن دو طرفی بوده و بدن آنها درون صدفی سخت، مرکب از دو قسمت قرار دارد، و چون سر در آنها مشخص نیست آنها را بی‌سران نامیده‌اند. در آبهای شور یا شیرین یافت می‌شوند. دو کفه توسط رباط (ligament) لولایی به یکدیگر مفصل شده‌اند. توسط آبشش تنفس می‌نمایند. صدف مرواریدساز، از انواع مهم دوکفه‌ایها است.



صدف مرواریدساز

acequia جویبار، نهر آبیاری

acetone - dried خشک شده در آستون (CH_3COCH_3)، روشی که در آن از آستون بعنوان یک مادهٔ جاذب آب استفاده می‌شود. معمولاً غده هیپوفیز را در آستون خشک می‌کنند.

acid ترش، یک مولکول شیمیایی که یک پروتون (یون هیدروژن) را به یک مولکول باز منتقل می‌کند. مولکولی که در مقیاس pH زیر ۷ می‌باشد. مادهٔ ترشی که محلول در آب بوده و با بازها (قلیاها) ترکیب شده و نمک می‌سازد.

acid cure, to ماریناد کردن، نگهداری ماهی و محصولات دریایی در شوراب اسیدی یا ژله، با و یا بدون ادویه یا سایر چاشنی‌ها. در بعضی موارد نمک لازم نیست.

acid - fast روش رنگ‌آمیزی و رنگبری که در آن رنگها با اسید پاک نمی‌شوند.

acidity (basicity) درجهٔ اسیدی (بازی)، غلظت یا مقدار اسید (باز) موجود در آب یا در یک محلول. درجه اسیدی (بازی) آب دریاتوسط واحد pH بیان می‌شود و متوسط آن حدود ۷/۲ است. این درجه، در آب دریا تابعی از عمق، مقدار و ماهیت گازهای محلول در آب، شرایط مکانی و حضور یا عدم حضور حیات گیاهی و جانوری است.

acid number ارزش اسیدی

acidotrophy آبهایی که در آنها غلظت یون هیدروژن بالاست، واکنشهای اسیدی تولید می‌کنند و فاقد مواد هوموسی (humic) می‌باشند.

acid pickle محلول ماریناد، محلول مورد استفاده در «ماریناد کردن» ماهی و سایر محصولات دریایی

acid rain باران اسیدی، بارانهایی که در اثر آلودگی هوا، درجهٔ اسیدی آنها خیلی کمتر از ۷ است. این بارانها روی سلامت گیاهان، جانوران و انسان تأثیر می‌گذارند.

acid rock سنگ آذرین حاوی مقدار زیادی سیلیسیم، که بر خلاف آن، سنگ بازیک، دارای مقدار کمی سیلیسیم می‌باشد.

acid value ارزش اسیدی مربوط به چربی، محک شناسایی میزان تغییر کیفیت چربی ماهیان در طول دورهٔ نگهداری. این اندازه‌گیری از روی مقدار قلیای لازم برای خنثی کردن اسیدهای چرب آزاد محاسبه می‌شود.

Acipenser یکی از جنس‌های ماهیان خاویاری

Acipenser guldenstaedti تاس‌ماهی روس، چالباش



Acipenser guldenstaedti Brandt (تاسماهی روس (چالباش)

Acipenser nudiventris

ماهی شیپ، تاس ماهی شکم برهنه



ماهی شیپ (تاس ماهی شکم برهنه)

Acipenser nudiventris

Acipenser persicus

تاس‌ماهی ایران، پوزه سیاه، قره‌برون



تاس ماهی ایران (پوزه سیاه ـ قره‌برون)

Acipenser persicus

Acipenser ruthenus ماهی استرلیاد



Acipenser ruthenus ماهی استرلیاد

Acipenser stellatus ماهی ازون‌برون



Acipenser stellatus (اوزون برون ـ دراکول) ماهی پوزه‌دراز

Acipenser sturio تاس ماهی آلمانی



Acipenser sturio تاس ماهی آلمانی

Acipenseridae خانواده تاس ماهیان (آب شیرین)

Acipenseriformes راستهٔ ماهیان خاویاری که شامل دو خانوادهٔ تاسماهیان Acipenseridae و خانواده Polyodontidae می‌باشند.

acker بالا آمدن مه

ackmen دزد رودخانه‌ای

acknowledge تائید دریافت

acknowlegement خبر وصول، قدردانی

aclinic line استوای مغناطیسی

acorn سردکل، علامت بالای دکل

acorn worms گروهی از Hemichordates که سرشان شبیه فندق است. این گروه شبیه کرم نمی‌باشند. این جانداران در شن و گل و لای بستر دریا نقب می‌زنند و تا عمق حدود ۳۰۰۰ متری زندگی می‌کنند. اکثریت اعضای این گروه طولی حدود ۵ سانتی‌متر دارند، ولی گونهٔ *Balanoglossus gigas* بیشتر از ۱۸۰ سانتیمتر طول دارد. این گروه روشهای تغذیه‌ای متفاوت دارند. بعضی از اعضای این گروه آب دریا را فیلتر می‌کنند و برخی دیگر، غذا را در یک لایهٔ مخاطی به دام می‌اندازند و آنها را با مژکهای خود به داخل دهان هدایت می‌کنند. به صورت دو جنسی و از طریق تخمگذاری تکثیر می‌نمایند. بعضی از آنها تخمهای کوچک، زیاد و بدون ذخیره تولید می‌کنند و گروهی از آنها تخمهای بزرگ، کم و ذخیره‌دار بوجود می‌آورند. گونه‌هایی که در رسوبات عمقی زندگی می‌کنند، به احتمال زیاد شناگران آزاد هستند.

acoustic axis محور آکوستیک، منطقهٔ حداکثر عکس‌العمل که بطور طبیعی عمود بر انتقال دهنده صوت است.

acoustic mine مین صوتی

acoustic navigation دریانوردی صوتی

acoustic power میزان انرژی صوتی در

Acipenser guldenstaedti تاس‌ماهی روس، چالباش

acoustics علم تولید،

انتقال و ردیابی صدا، هر آشفتگی بوجود آمده در محیطهای گازی، مایع یا جامد، امواج صوتی را بوجود می‌آورد. این امواج برای تعیین اعماق اقیانوسها و نیز تهیهٔ نقشه از بستر آنها بکار می‌رود. روش کار به این ترتیب است که کشتی یا شناور، امواج صوتی را با سرعت معلوم به درون آب می‌فرستد این امواج پس از برخورد با بستر، باز می‌گردند. سپس دستگاههای گیرنده آنها را دریافت کرده و از روی مدت زمان رفت و برگشت صوت، فاصله را تعیین می‌نمایند. بر همین اساس، ماهیگیران از دستگاههایی به نام sonar برای یافتن ماهی تن استفاده می‌کنند.

acoustic systems سیستمهای ایجاد یا پذیرش امواج صوتی

acquittance رسید، پرداخت بدهی

acre جریب فرنگی، واحد سطح معادل ۰/۴۵ هکتار

Acre Bay خلیج آکر، شاخه‌ای از مدیترانه در شمال شرقی فلسطین اشغالی

acre - foot یک جریب آب،

حجم مقدار آبی که سطح یک جریب فرنگی و عمق حدود یک پا را می‌پوشاند. تقریباً معادل ۱۲۳۱/۷۲ مترمکعب آب است.

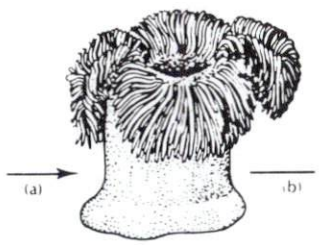
acre - inch معادل $\frac{۱}{۱۲}$ یک جریب آب

actin اکتین، عمده‌ترین نوع پروتئین که در ساختمان عضلات ماهی وجود دارد. از ترکیب اکتین و میوزین (myosin)، ماده انقباضی اکتومیوزین بوجود می‌آید، که ۶۵ تا ۷۵ درصد از پروتئین ماهی را تشکیل می‌دهد.

actine قسمت خارجی (ستاره‌ای شکل) اسفنجیان

acting sublieutenant ناوبان دوم موقت

Actinians راسته‌ای از مرجانهای دریایی که در برگیرندهٔ انواع شقایقهای دریایی بوده و از نظر نداشتن اسکلت سخت، با مرجانها تفاوت داشته و به صورت انفرادی وجود داشته و زندگی می‌کنند.



شقایق دریایی

Actiniarian راسته اکتی‌نیارها که شقایق دریایی هم جزو آنها است.

actinoid شعاعی، دارای شعاع، شعاع مانند

Actinomycetes اکتینومیستها، گروهی از قارچهای میکروسکوپی در دریاچه‌های آب شیرین و استخرهای پرورشی، که ماده‌ای به نام geosmin و ترکیبات مربوطهٔ دیگر را تولید می‌نمایند. به همین دلیل، باعث ایجاد بو و مزهٔ گِل در گوشت ماهی می‌شوند.

actinotrichium [actinotrichia = جمع] تیغهای ریز و مستطیل شکل در نوک استخوان بعضی ماهیان استخوانی

Actinozoa (zoan) مرجانها، جانور مرجانی

actinula مرحلهٔ لاروی مرجانها

action نبرد، جنگ

action station محل جنگ، وضعیت قرمز

activation analysis بمباران کردن نمونه‌هایی از صخره‌ها، آب یا فسیلها، با استفاده از نوترونها، پروتونها یا ذرات هسته‌ای دیگر، به منظور تعیین سن آنها. پرتوهای حاصله (خروجی) از نمونه، با نمونه‌های استاندارد مقایسه می‌گردد، که این امر به تعیین عناصر موجود در نمونه و تعیین سن آنها کمک می‌نماید. این روش، بر خلاف روش تعیین سن با استفاده از کربن،

adiabatic بی‌در رو

adiabatic gradient = a. process

شیب تغییر دما روی یک مقیاس فرعی دو هزار متری در دریا. تغییر ترمودینامیک، حالتی از یک سیستم که در آن هیچگونه انتقال حرارت یا توده در خطوط مرزی سیستم انجام نمی‌شود. در یک فرآیند آدیاباتیک همیشه، در اثر گرم شدن، تراکم و در اثر سرد شدن انبساط اتفاق می‌افتد.

adiabatic temperature change

تغییر دما در اثر تراکم یا انبساط یک سیال که هیچگونه افزایش یا افت حرارتی در محیط اطراف آن اتفاق نمی‌افتد. زمانی این نوع افت یا افزایش درجه حرارت انجام می‌شود که عمق اقیانوسها تغییر نماید. به عبارت دیگر افت یا افزایش درجهٔ حرارت در اقیانوسها، با تغییر عمق رابطهٔ مستقیم دارد.

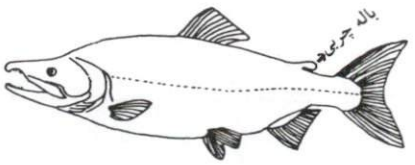
Adioryx rubra ماهی شنگو

adipose چربی، چرب مانند

adipose eyelids (of fish) پلکهای چربی

adipose fin بالهٔ چربی،

باله کوچکی از جنس چربی که در بخش عقبی بالهٔ پشتی بعضی از ماهیها مانند خانواده‌های آزاد ماهیان و گربه ماهیان دیده می‌شود.



باله چربی در ماهی آزاد

adjacent zone بخشی از حاشیهٔ دریا در مجاورت و ماورای دریای سرزمینی به عرض ۱۲ مایل که دولتهای ساحلی در آن دارای حقوق محدودی به منظور اعمال قوانین گمرکی، بهداشتی و مهاجرتی هستند.

admiral دریاسالار

admiral of the fleet فرمانده ناوگان ، دریابُد

admiral rear دریادار

نمونه‌ها را نابود یا خراب نمی‌کند.

active fishing صید متحرک،

ماهیگیری فعال، ماهیگیری با ابزاری که برای گرفتن ماهی حرکت می‌کنند.

active mission ship ناو آماده عملیات

actomyosin پروتئین انقباضی،

نوعی پروتئین محلول در نمک که در عضلات ماهی وجود دارد و ترکیبی از اکتین و میوزین است.

additional catch صید اضافی،صید جنبی،

ضمائم صید که به عمد یا به تصادف بدست آمده است.

additive افزودنی، مادهٔ حفظ کننده،

اضافه شونده، مادهٔ شیمیایی غیر غذایی که هنگام عمل‌آوری آبزیان به آنها افزوده می‌شود تا طول دورهٔ نگهداری آنها را افزایش دهد و نیز باعث بهتر نمودن رنگ و ظاهر محصول طبق ضوابط و مقررات استاندارد گردد.

Aden, Gulf of خلیج عدن،

منطقه‌ای با عمق زیاد، حد فاصل دریای سرخ و دریای عربی، و نیز میان سواحل آفریقا و عربستان. برجسته‌ترین خصوصیت بستر آن، وجود پشته Sheba است که ادامهٔ سازگان پشته‌ای اقیانوس هند است و محل فعالیت زلزله و آتشفشان می‌باشد. عمیق‌ترین بخش آن، ترانشهٔ Alula Fartak با عمق حدود ۵۳۶۰ متر می‌باشد. آب این خلیج گرمتر از آب اقیانوس است، زیرا جریانهای آب ورودی به آن کم و مقدار بارندگی ناچیز می‌باشد. به دلیل هوای داغ منطقه، شدت تبخیر این خلیج خیلی زیاد است و آب آن بصورت غیرعادی شور می‌باشد. تنگهٔ باب‌المندب آنرا به دریای سرخ وصل می‌کند.

adenosine triphosphate = ATP

مولکول حامل انرژی در موجود زنده، این ماده بعد از مرگ ماهی تجزیه شده و با اندازه‌گیری میزان تجزیهٔ آن می‌توان به کیفیت و تازه بودن ماهی پی برد.

adequate diet تغذیه مناسب، رژیم غذایی مناسب

admiral vice دریابان

admiralty ادارهٔ نیروی دریایی، (ادارهٔ) دریا سالاری

admiralty A.C. 16 A anchor لنگر زیر دریایی A.C.۱۶A

admiralty anchor لنگر زیردریایی

admiralty chart نقشه دریاداری

admiralty pattern anchor لنگر میله‌دار کشتی

Adriatic Plate صفحهٔ آدریاتیک،لبهٔ صفحه اوراسیا (اروپا) که مجاور صفحات یونان ـ آفریقا است.

Adriatic Sea دریای آدریاتیک، شاخه‌ای از آب دریای مدیترانه که ساحل شرقی ایتالیا را از بالکان و شبه جزیرهٔ یونان جدا می‌کند. این دریا حدود ۱۲۱۰۰۰ کیلومترمربع وسعت داشته و بیشترین عمق آن ۱۳۲۴ متر است. میانگین عمق آن نیز ۴۵۰ متر می‌باشد. مقدار مواد غذایی این دریا، مانند دریای مدیترانه کم است ولی اختلاف محدودهٔ جزر و مد آن به ۹۰ سانتیمتر می‌رسد که تقریباً سه برابر اختلاف محدودهٔ جزر و مدی دریای مدیترانه است.

adrift غوطه‌ور، دستخوش طوفان، شناور،سرگردان

adsorption ۱) چسبندگی مولکولهای گاز، مایع یا مواد محلول به یک سطح

۲) جذب سطحی، بوجود آمدن لایهٔ نازکی از مایع یا گاز در اطراف یک مادهٔ جامد که در آن هیچگونه واکنش شیمیایی میان مادهٔ جامد و مادهٔ جذب شده انجام نمی‌شود. فرآیندهای زیستی فراوانی در اقیانوسها وابسته به جذب سطحی هستند.

adult بالغ، سن بلوغ

adulterated تقلبی، خراب کردن عمدی کیفیت غذا از طریق افزودن مواد نامناسب به آن

adult specimen نمونه بالغ

adulterated تقلبی،

advanced fry نوزاد پیشرفته، ماهی جوان به ویژه از زمانی که کیسهٔ زرده جذب شده است. در مورد قزل آلا واژهٔ (parr) را ببینید.

advanced observer دیدبان مقدم، دیدبان جلو

advanced rigging ملوانی پیشرفته

advecting fog مه آبی، مه ایجاد شده روی آب

advection ۱) در اقیانوس شناسی به معنی جریان عمودی یا افقی آب دریا به صورت یک جریان دریایی است.

۲) فرآیند انتقال توده‌ای از هوا در اثر تغییر درجهٔ حرارت است.

۳) در علم شهاب شناسی، تحولات بسیار عظیم افقی در اتمسفر است.

adverse weather هوای نامساعد

Aegean مربوط به دریای اژه

Aegean Sea دریای اژه، شرقی‌ترین بازوی دریای مدیترانه که توسط یونان در غرب، ترکیه در شرق و کرت در جنوب احاطه شده است. تنگهٔ داردانل این دریا را به دریای مرمره و تنگهٔ بسفر آن را به دریای سیاه وصل می‌کند. مساحت کلی آن حدود ۲۱۴۰۰۰ کیلومترمربع است. عمیق‌ترین نقطهٔ آن ۳۵۴۳ متر عمق دارد.

aeolus موشک کوچک صوتی هواشناسی

aeration هوادهی

aerator هواده، هوارسان، هر نوع وسیله‌ای که هوا یا اکسیژن را به آب اضافه نماید.

aerial radar رادار هوایی

aerobe = aerobiont موجود هوازی، موجودی که برای ادامهٔ حیات خود به اکسیژن نیاز دارد.

aerobiont مراجعه شود به aerobe

aerodontalgia دندان درد غواصان که در اثر فشار آب ایجاد می‌شود.

aerography هوانگاری، شرح هوا

aerometer چگالی سنج هوا، دستگاه اندازه‌گیری چگالی و جرم هوا

aeronautical chart نقشه ناوبری هوایی

aeronautical meteorology

هواشناسی هوانوردی، بخشی از هواشناسی که با وضعیت هوای پرواز هواپیماها سر و کار دارد.

aeronautics دانش هوانوردی

aerosol ذرات ریز پخش شده در هوا که می‌توانند مایع یا جامد باشند. اجزاء اصلی آئروسلهای دریایی، نمک معمولی است که بصورت ذرات بسیار ریز می‌باشند. این نمک با عمل تبخیر آب دریا و یا بوسیلهٔ عمل امواج به هوا منتقل می‌گردد. آئروسلهای مایع، مانند مه، از قطرات آب تشکیل شده‌اند و در اثر عمل قطره پاشی امواج بوجود می‌آیند.

aestival pond استخر تابستانی، استخری که در سراسر فصل گرما حاوی مقداری آب است، اما در زمستان یخ می‌بندد.

Aetomyleus nichoffi رامک، سفره‌ماهی منقوط

afferent branchial آوران آبششی

affidavit سوگندنامه

affluent رود فرعی، رود یا جریانی که به یک رود دیگر یا به یک دریاچه می‌ریزد.

affrieght اجاره کشتی برای حمل کالا

affriegtment قرارداد حمل کالا با کشتی

aflatoxin نوعی سم قارچی، مادهٔ حاصله از قارچهای سبز یا آبی (با نام علمی *Aspergillus flavus*) که در پاره‌ای موارد در اثر نگهداری نامناسب غذای ماهی دارای آرد دانه‌های روغنی حاصل می‌گردد. مصرف آن باعث مرگ و میر می‌شود.

afloat شناور، در حال حرکت

afloat life زندگی ملوانی، زندگی در دریا

African Plate صفحهٔ تکتونیک که در اکثر مناطق قاره آفریقا گسترده شده است. در شمالی‌ترین لبهٔ آن، درهٔ شرقی rift یک منطقه کشیده است (صفحهٔ نزول کننده). در نهایت این شکاف عریض شده و به وسیله آب اقیانوس مورد تهاجم قرار می‌گیرد تا آن که صفحات قاره‌های آفریقایی و عربی را جدا می‌سازد.

aft پاشنه کشتی

aft breast طناب شماره ۵

aft console دستگاه کنترل عقب‌کشی

aft spring طناب شماره ۴، اسپرینگ پاشنه

after deck عقب کشتی

after-gibb, to «روده کشی» (gibb) شگ ماهی پس از شور کردن آن بصورت ماهی درسته

after glow ۱) پس‌تاب خورشید در غروب ۲) پس پژواک کشتی روی رادار

after part قسمت باریک شده عقب کشتی

against all risks insurance بیمهٔ تمام خطر

agar آگار، یک مادهٔ لزج بدون نیتروژن که از جلبک قرمزی به نام *Gelidium corneum* بدست می‌آورند. این ماده پلیمر مولکول گالاکتوز است و بعنوان سفت کننده در محیطهای کشت آزمایشگاهی و الکتروفورز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Agassiz, Alexander (1835-1910)

کاشف چگونگی تشکیل مرجانها. وی در سوئیس بدنیا آمد. چندین سفر به آلباتراز، دریای کارائیب و مسیر گلف استریم انجام داد.

Agassiz, Jean-Louis Rodolphe (1807-1873)

تاریخ نویس طبیعی که سهم اساسی در مطالعهٔ فسیل ماهیها و یخچالهای طبیعی دارد. وی در سوئیس متولد شد. در زوریخ و هیدلبرگ تحصیلات خود را ادامه داد و درجهٔ دکتری را از دانشگاه مونیخ در سال ۱۸۳۰ دریافت کرد. وی با کوویه Cuvier، کسی که در مورد طبقه‌بندی فسیل ماهیها مطالعه کرده است، همکاری می‌کرد و به پیشنهاد فردریک هامبولت، اولین سمت آکادمیک خود را بعنوان استاد تاریخ طبیعی در نوچاتل (Neuchatel) بدست آورد. وی رساله‌ای ۵ جلدی در مورد ماهیهای برزیل در سال ۱۸۳۴ به چاپ رسانید. او از

یخچالهای طبیعی برای توصیف پدیده‌هایی از قبیل Scars Scouring، صخره‌های انتقالی و Moraine (مخلوطی از سنگ و خاک که در اثر تودهٔ یخ غلتان جابجا و انباشته می‌شود) استفاده نمود. وی نظریهٔ داروین را در مورد تکامل گونه‌ها بر مبنای انتخاب طبیعی رد کرد، و اعتقاد داشت که تمام تغییرات ایجاد شده در موجودات زنده و فسیلها باقی می‌ماند. هیچ مکانیسمی برای نظریهٔ انتخاب طبیعی، تا زمان کار مندل بر روی ژنتیک، وجود نداشت، در نتیجه نظریهٔ آگاسیز که منطقی به نظر می‌رسید مورد قبول واقع شد.

age سن، تعداد سالهای گذرانده شده، معمولاً با اعداد رومی مشخص می‌شود یا با اعداد عربی به دنبال علامت مثبت

age at first capture سن در اولین صید

age at recruitment سن در رسیدن به حد صید

age-class (of fish) گروه سنی

age determination تعیین سن

age distribution توزیع سنی

age group گروه سنی

agency نمایندگی

agency fee حق نمایندگی

agent ۱) نماینده
۲) عامل ایجاد بیماری

agent , infective عامل ایجاد عفونت

age of ocean سن اقیانوس،
این امر هنوز ناشناخته است. برای تعیین عمر احتمالی اقیانوس دو توضیح زیر محتمل است :
۱) اگر قبول کنیم که آب برای پیدایش حیات روی زمین ضروری بوده است، پس اقیانوس باید حداقل هم سن قدیمی‌ترین فسیلها باشد و بطور وضوح اقیانوس نمی‌تواند از خود زمین کهن‌تر باشد.
۲) بطور عمده، براساس مطالعه و تعیین سن شهابهای آسمانی که با زمین برخورد کرده‌اند، عمر زمین حدود ۴/۵ بیلیون سال تخمین زده می‌شود. قدیمی‌ترین فسیلها مربوط به جلبکهای سبز ـ آبی، کلنی های قارچ، و کرمهای نقب زن در صخره‌های دورهٔ پرکامبرین است. دورهٔ پرکامبرین حدود ۶۰۰ میلیون سال پیش پایان یافت. بنابراین، می‌توان گفت، عمر اقیانوسها بین حدود ۶۰۰ میلیون و ۴/۵ بیلیون سال است. قدیمی‌ترین فسیلهای جلبکهای سبز ـ آبی در سنگهای فسیلی استرالیا (استروماتولیتها) کشف شده و به ۳/۵ بیلیون سال پیش می‌رسد. این ارقام با تکامل وسایل و تجزیه و تحلیل داده‌ها تغییر خواهد نمود.

age of ocean water مدت زمان سپری شده از هنگامی که تودهٔ آب در سطح دریا بوده است. در بسیاری از سطوح اقیانوسهای دنیا، چگالی آب سطحی در اثر کاهش دما، افزایش شوری و یا هر دو مورد افزایش می‌یابد و در نتیجه، آب به اعماق پایین‌تر فرو می‌رود. حرکت آب در این عمق بسیار کند و شرایط تا حدود زیادی پایدار است. دانستن اینکه تودهٔ آب چه مدت در این عمق می‌ماند، برای تعیین سرعت پایین روی آب و سرعتی که آبهای عمیق غنی از مواد معدنی به سطح آورده می‌شوند، مفید می‌باشد. مؤثرترین روش برای تعیین عمر آب اقیانوس، تعیین کاهش رادیو اکتیو درکربن ۱۴ است. در این روش فرض بر این است که تمام کربن ۱۴ موجود در اقیانوس از اتمسفر منشأ گرفته است و به تودهٔ آب پس از دور شدن از سطح اقیانوس، دیگر کربن ۱۴ وارد نمی‌شودو به این ترتیب عمر توده‌های آب با دقت ۱۰۰± سال تعیین می‌شود.

age of tide (age of phase inequality) فاصلهٔ زمانی بین ماه نو و ماه کامل و بیشترین اثر این فازها روی مقدار جزر و مد یا سرعت جریان جزر و مدی

agglomerat به صورت گلوله وگرد درآمدن

aggradation فرآیند ایجاد یک سطح بوسیله رسوب کردن دائمی یا منقطع، افزایش ضخامت سطح لایهٔ رسوبی

aggregate fishing روش صید تجمعی

aggregation تجمع، اجتماع

aggregation devices ابزار جلب کننده، عوامل ایجاد تجمع

aging techniques (fish) روشهای تعیین سن

Agnatha ماهیان بدون آرواره، دسته‌ای از ماهیان استخوانی ابتدایی. این نام به معنی بدون آرواره است و در نتیجه تمام اعضای این گروه غذاخواران مکنده یا صافی کننده هستند.

agonic line خطی که تمام نقاط سطح کرهٔ زمین، از زاویهٔ انحراف مغناطیسی نسبت به آن صفر است. به عبارت دیگر در روی این خط، مکان هندسی تمام نقاط مغناطیسی شمال و شمال حقیقی، بر روی یکدیگر منطبق می‌باشد. خط مزبور حالت خاصی از یک خط است که زوایای مساوی دارد. موقعیت این خط نشان دهندهٔ تغییرات در زمان است.

agribusiness بازرگانی کشاورزی، مجموعهٔ کشاورزی و تجارتهای وابسته

agriculture کشاورزی

aground کشتی به گِل نشسته

Aguaje آگواژ، مراجعه شود به El Nino

Agulhas Current جریان جنوبی اقیانوس در طول ساحل آفریقای شرقی. جریان سریع به سمت جنوب غربی در طول جنوب شرقی آفریقا. این جریان بصورت جریان شرق به غرب شروع می‌شود، ولی بوسیلهٔ خط ساحلی از مسیر خود منحرف می‌گردد. در این جریان دمای آب با عمق، تغییر می‌یابد. با وجود این، آب سطحی در تمام سال گرم است. بخشی از این جریان که بین ماداگاسکار و قارهٔ افریقا جریان دارد، به نام جریان موزامبیک نامیده می‌شود. در تمام طول سال قسمتی از جریان جنوب منطقهٔ حاره، به سمت جنوب برگشته و در طول ساحل شرقی افریقا ادامه یافته و جریان قوی فوق را تغذیه می‌نماید. عرض این جریان به سمت ۳۰ درجهٔ جنوبی باریک گشته و بصورت یک جریان واقعی درمی‌آید و تا حدود ۱۰۰ کیلومتری ساحل امتداد می‌یابد. در ۳۵ درجهٔ جنوبی، قسمت اعظمی از جریان در خلاف عقربه‌های ساعت حرکت می‌کند و به جریان رو به شرق در حال عبور، در عرض قسمت جنوبی اقیانوس هند می‌پیوندد، ولی قسمت کوچکی از جریان مزبور، اطراف دماغهٔ امیدنیک را دور زده و به داخل اقیانوس اطلس وارد می‌شود.

Ahaeocyantha گروهی از جانداران منقرض شدهٔ دورهٔ کامبرین (زیرین تا میانی). از دیدگاه طبقه‌بندی، یافتن جایگاه آنان مشکل است، ولی می‌توانند در یک راسته قرار گیرند و یا در ارتباط با مرجانهای استخوانی رده‌بندی شوند. این جانداران احتمالاً، حد واسط میان اسفنجها و مرجانها بوده‌اند. مختص آبهای گرم حاره‌ای و دریاهای کم عمق بوده‌اند و مانند اسفنجها غذا را می‌بلعیدند.

ahead بطرف جلو کشتی، به پیش

ahermatypic coral مرجانی که توان ایجاد جزایر مرجانی را ندارد و در بافتهای آن zooxanthellae بصورت همزیست زندگی نمی‌کند.

ahull وقتی بادبانهای کشتی برافراشته نیستند و کشتی رو به باد است.

aids to navigation کمکهای ناوبری

aigrette مرغ ماهیخوار

air هوا، مخلوطی از گازهای نیتروژن، اکسیژن و چند گاز کمیاب مانند دی‌اکسید کربن (گاز کربنیک)، بخار آب و مقادیر بسیار جزئی از ۲۰ گاز دیگر. هوا یک حد واسط گازی است که شامل آئروسلها و سوسپانسیونی از ذرات معلق بزرگتر بصورت پراکنده می‌باشد.

air bladder= swim bladder, gas bladder کیسهٔ هوا، کیسهٔ شنای ماهی، بادکنک پر از هوای موجود در گروهی از گونه‌های مشخص ماهیان و برخی دیگر از مهره‌داران. عمل آن در بیشتر ماهیان، هیدرواستاتیک است و در برخی از ماهیان، عامل تولید صدا است.

air blower دمندهٔ هوا

air bubble حباب هوا

air bubble curtain پرده حباب هوا،
جریان پیوسته‌ای از حبابهایی که از یک لولهٔ خرطومی رو بـه زوال و دارای سـوراخـهای فـاصله‌دار، خـارج می‌شود. از این سوراخها هوای پر فشار خارج می‌شود حصار کشیدن بـوسیلهٔ حـرکات مـحدود در بـعضی از ماهیها. نوعی ماهیگیری که در آن یک لولهٔ پلاستیکی سوراخ‌دار از جنس پلی‌اتیلن در مسیری از کف دریا قرار می‌گیرد تا جریانی از حباب به راه انـدازد. مسـیری کـه ماهی در آن حرکت می‌کند تا به حصار یک دام ساکـن برسد.

air bubble disease بیماری حباب هوا در ماهیها

air chief marshal سپهبد هوایی

air cock شیر هواگیری

air commodore سرتیپ موقت هوایی

air condition تهویه مطبوع

air cover پوشش هوایی

aircraft carrier ناو هواپیمابر

air drier = fish drier

air drying kiln دستگاه ماهی خشک کن

air - hole حفره هوا،
شکافی در یخ بر روی یک آبگیر

airlift pump پمپ بالابر هوایی،
نوعی پمپ آب که از طریق تزریق هوا بـه داخـل لولهٔ غوطه‌ور در آب، باعث بـالا آمـدن آب در داخـل لوله می‌شود.

airman سرباز نیروی هوایی

air marshal سرلشگر هوایی

air mass جریان تودهٔ عظیمی از هواکه
مسافت زیـادی را طـی مـی‌نماید؛ تـودهٔ یکـنواخت و متراکم هواکه به شرایط آب و هوایی و نیز به زمین یا آبی که توده از روی آن می‌گذرد بستگی دارد. انتها یا نوک آن مکانی است که همزمان با تأثیر متقابل یک توده به تودهٔ دیگر تغییر سـریع نشـان مـی‌دهد. بـعنوان مـثال، علامت اختصاری هواشناسی CPK نشانگر یک تـوده هوای سرد خشک قاره‌ای قطبی و MPK بیانگر هـوای سرد دریایی قطبی است.

air ploughing شکافتن هوا، هوادهی،
پمپ کردن هوا به درون لایهٔ زیرین بدون اکسیژن در یک آبگیر برای تشدید آمیختگی آبهای سطحی و آبهای عمیق و یا برای اکسیداسیون لایه‌های کفی

air pressure فشار هوا، نیرویی که هوا در واحد سطح به سطوحی که باآن در تماس است وارد می‌کند. واحد فشار هوا پاسکال (pa) می‌باشد کـه مـعادل یک نیوتن بر مترمربع است.

air stone سنگ هوا، نوعی پخش‌کنندهٔ هواکه ازکار بوراندوم متخلخل ساخته شده است.

air strategical command
فرماندهی استراتژیک هوایی

air support پشتیبانی هوایی

airtight هوا ناپذیر، غیر قابل نفوذ هوا

air to air missile موشک هوا به هوا

air to surface missile موشک هوا به زمین

air vice marshal سرتیپ هوایی

air way مسیر مشخصی که پرندگان مهاجر دریایی طی می‌کنند.

Aitoff's projection سیستم طرح نقشه مخروطی
آیتوفاکه در آن مساحت نقشه ثابت می‌ماند.

alarm push دکمه آژیر

Alaska Current شاخهٔ انتهایی جریان
آلوتیان که به سمت شـمال، بـه طـرف خـلیج آلاسـکا حرکت می‌کند. جریانی که بـه سـمت شـمال غـربی و غرب در طول ساحل کانادا و آلاسکا ادامه داشته و بـه جزایر آلوتیان می‌رسد. در برگیرندهٔ آب جـریان اطـلس شـمالی بـوده و دارای خـصوصیات یک جـریان گـرم می‌باشد، به همین دلیل بر شرایط آب و هوایـی تأثـیر گذارده، ولی مقدار آن در مقایسه با جـریانهای اطـلس

شمالی و نروژی و تأثیرشان بر آب و هوای شمال غربی اروپا کمتر است. مراجعه شود به جریان آلوتیان.

Alaska Scotch cure عمل‌آوری شگ ماهی به روش اسکاتلندی، یا اندکی تغییر در آلاسکا. همچنین به معنی این نوع تولید

albacore ۱) نوعی زیر دریایی ۲) ماهی تن بزرگ، آلباکور

albatross , bird یک نوع پرندهٔ دریایی بزرگ، پا پرده‌دار می‌باشد، این پرنده عضوی از جنس *Phoebtria* یا *Diomedia* است. ۱۵ گونه از این پرنده وجود دارد. بزرگترین و مشهورترین آنها گونهٔ *Diomedia exulans* می‌باشد. این پرنده سفید، با بالهایی به طول ۳/۵ متر و نوکی سنگین و قوی می‌باشد. غذای این گونه، معمولاً اسکوئید (از ردهٔ سرپایان) است. این پرندگان بزرگ، مدتهای طولانی به راحتی در دمای نیمه قطبی منطقهٔ فلات قاره زندگی می‌کنند. ماهها در آب زندگی کرده و تنها برای ساختن لانه و تخم‌گذاری به خشکی می‌آیند. این پرندگان بیشتر در نیمکرهٔ جنوبی یافت می‌شوند.

Albatross Research Vessel اولین کشتی که به عنوان کشتی تحقیقاتی ساخته شد. این وسیله برای کشف مناطق ماهیگیری اقتصادی بکار گرفته شد و طرح آن توسط ادارهٔ ماهیگیران آمریکا تعیین گردید.

albedo مقدار نور بازگشتی از اجرام سماوی یا سطوح بازگرداننده، نسبت مقدار تشعشع الکترو مغناطیسی منعکس شده بوسیلهٔ توده‌ای که نور بر آن تابیده و معمولاً بصورت درصد بیان می‌گردد. آلبدو آب در بعضی از اقیانوسها (تشعشع مستقیم خورشید) در حدود ۶ تا ۱۱ درصد در مدارهای ۴۰ درجهٔ عرض شمالی و جنوبی است.

Alberget salt نمک آلبرژه، نمک تصفیه شده به روشی که توسط آلبرژه ابداع شده است.

albinism بیماری که ماهی فاقد رنگدانه‌های طبیعی بوده و رنگ آن سفید است.

albino سفید، سفیدی، فقدان رنگدانه‌های طبیعی

Albula vulpes باند ماهی، ماهی صدف خوار

Albulidae خانواده باند ماهیان

albumin پروتئین سادهٔ محلول در آب و قابل انعقاد در برابر گرما

albuminoid شبه آلبومین، آلبومینوئید، پروتئین رشته‌ای که اثر حفاظتی یا نگهدارنده دارد. این پروتئین بخصوص در پوست، بافت پیوندی و فلسهای ماهی وجود دارد.

Alburnoides bipunctatus ماهی خیاطه (آب شیرین)

Alburnus alburnus ماهی سفید روز معمولی، ماهی مروارید (آب شیرین)

Alcatraz جزیرهٔ آلکاتراز در خلیج سانفرانسیسکو

Aldebaran چشم گاو، وبران، عین‌الثور

aldis lamp چراغ مخابره

Alectis ciliaris ماهی شنگ ، شینگ (گیش)

Alectis indicus ماهی گیش گوژپشت، پاپیل (مقوا)

Alepes macrurus ماهی گیش معمولی، گیش دم بزرگ

Alepes mate ماهی گیش مخطط

Alepes melanoptera ماهی گیش ریز، گیش باله سیاه

alert آماده باش

Aleutian Current جریان اقیانوسی که در طول مجمع‌الجزایر آلوتیان به سمت جنوب غربی جاری می‌شود. این جریان تقسیم می‌شود به طوری که بخشی از آن به سمت دریای برینگ در شمال باز می‌گردد و در طول ساحل شمالی جزایر آلوتیان جریان می‌یابد و بخش دیگر آن جریان آلاسکا را بوجود می‌آورد. آب سطحی جریان آلاسکا را بوجود می‌آورد. آب سطحی جریان آلاسکا سردتر است و با شوری کمتری نسبت به

آب موجود در عمق جریان دارد (جریان آلاسکا)

Aleutian Trench ترانشهٔ آلوتیان، منطقهٔ عمیق اقیانوسی که مرز جنوبی مجمع‌الجزایر آلوتیان را احاطه کرده است. عمیق‌ترین منطقهٔ این ترانشه، بیش از ۷۳۰۰ متر (۲۴۰۰۰ فوت) عمق دارد.

alevin لارو ماهی که هنوز ویژگیهای ساختمانی و ریخت‌شناسی ماهی بزرگ (بالغ) را پیدا نکرده است.

alewife نوعی شاه ماهی با نام علمی *Alosa pseudoharengus* و نام رایج ماهی پیرزن.

alfot سر دکل

alga [algae جمع] جلبک ،یک گروه قدیمی از گیاهان دیرین. گیاهان سبز فاقد ریشهٔ واقعی، ساقه و برگ که فقط از یک نوع سلول ساخته شده و دارای اندازهٔ متنوع، از میکروسکوپی تا گیاهان بزرگ می‌باشند. جلبکها شامل جلبکهای سبز ـ آبی، سبز، زرد، قهوه‌ای و قرمز است. تمام گونه‌ها اتوتروف (خود غذاساز) یا فتوسنتزکننده هستند. برخی از جلبکها، مانند دینوفلاژله‌ها و اوگلنا، تاژک دارند و متحرک می‌باشند. اساس رده‌بندی جلبکها بر مبنای ساختمان دیوارهٔ سلولی، رنگدانهٔ فتوسنتزی، ذخیره قندی و وجود مراحل متحرک در چرخهٔ زندگی است. جلبکها بعنوان تولید کنندگان آبزی، از تأمین کنندگان انرژی اولیه برای تداوم چرخهٔ انرژی در شبکه‌های غذایی اقیانوسها و محیطهای آبی محسوب می‌شوند.



انواعی از جلبکهای دریایی بزرگ

algae, blue - green (Cyanophyceae) جلبکهای سبز ـ آبی



جلبک‌های سبز ـ آبی

algae, brown (Phaeophyceae) جلبکهای قهوه‌ای

algae, eating جلبک خوار

algae, filamentous جلبکهای رشته‌ای



جلبک رشته‌ای *Stichococcus*

algae, green (Chlorophyceae) جلبکهای سبز

algae, red (Rhodophyceae) جلبکهای قرمز

algaecide = algicide جلبک کُش، مادهٔ شیمیایی که برای از بین بردن جلبکهای ناخواسته بکار می‌رود.

algae cultivation کشت جلبک

algal جلبکی، وابسته به جلبک

algal bloom شکوفایی جلبکی

algal flats پهنه‌های جلبکی

algal limestone = algal reef سنگ آهکی که حاوی مقادیر زیادی ترشحات کلسیمی ناشی از رشته‌داران است. صخره‌های متشکل از بقایای جلبکها

algalogy = phycology جلبک شناسی

algal ridge حاشیهٔ برآمده صخرهٔ رو به باد که بوسیله رشد رشته‌داران آهکی (رشته‌های آهکی جلبکها) بوجود آمده است.

algal rim لبهٔ باریک آویزان که با رشد جلبکهای آهکی در سمت مردابی دور از باد صخره و یا در سمت

رو به باد یک قطعه سنگ در مرداب، ساخته می‌شود.

Algenib ستاره جنب‌الفرس

alginic acid اسید آلژینیک، پلی ساکارید چسبندهٔ دیوارهٔ جلبکهای قهوه‌ای، پلیمر اسیدهای ماینورانیک و گلورونیک

Algol ستاره رأس‌الغول، ستاره غول

Alidode ستاره آلیداد، عضاده، جهت‌گیر

alien animal غیربومی، بیگانه، جانوری که بومی محیط زیست نیست

Alioth = Ephemeris سالنمای نجومی

alisphenoid بالی پروانه‌ای

alkaid ستاره قائد

alkalescent دارای خاصیت قلیایی

alkali قلیا (القلیاء عربی)

alkaline قلیایی

alkaline cured fish = lutefish نوعی فرآورده از ماهی مرکب

alkaline earth salt نمکهای قلیایی‌خاکی، نمکهای باریوم، کلسیم، استرانسیوم، منیزیوم و غیره که معمولاً در نمکهای معمولی بصورت ناخالصی وجود دارند.

alkalinity درجهٔ بازی، قلیائیت، ظرفیت و توانایی آب برای خنثی کردن اسیدها، با اندازه‌گیری کربناتها و یا بیکربناتهای آب می‌توان درجهٔ قلیائیت را حساب کرد.

alkalinity and acidity غلظت یون H^+ یا OH^- در یک مایع یا محلول که بصورت pH گزارش می‌شود. قلیائیت و اسیدیته تابعی از مواد معدنی و گازهای محلول می‌باشند.

alleway راهرو درکشتی

all hands تمام نفرات

alligator تمساح، سوسمار

allis shad (*Alosa alosa* L.) شگ ماهی چشم سیاه آلیس

allocation اختصاص جیره

allochthonous بیرونی، مواد رسوبی که از خارج به دریاچه یا دریا آورده می‌شوند. دارای منشأ خارجی

allopelagic آبزیان پلاژیک غیر بومی، مربوط به موجودات آبزی که در اعماق مختلف زندگی می‌کنند.

alluvial آبرفتی، رسوبی،ته‌نشینی، مربوط به رسوب و ته‌نشین

alluvium آبرفت، ته‌نشین، رسوب، فضولات شسته شده، انتقال یافته و انباشتی توسط جریانات، جزء مهم تشکیل دهندهٔ مواد مجتمع شده بر روی پوستهٔ زمین

alnico آلیاژی از آلومینیوم، نیکل، آهن و کبالت برای ساختن آهن‌ربا

Alosa alosa alosa شاه‌ماهی (آب شیرین)

Alosa (Caspialosa) caspia شگ ماهی چشم سیاه دریای خزر

Alosa fallax fallax شگ ماهی چشم سیاه گول زن

Alpha Centauri آلفای قنطورس، نزدیکترین ستاره به زمین با ۴/۳ سال نوری فاصله

alpha particle ذرهٔ آلفا،

۱) ذرهٔ دارای بار مثبت ساطع شده از یک هسته، که متشکل از دو پروتون و دو نوترون می‌باشد. تمام خصوصیات اندازه‌گیری شدهٔ این ذره، مانند هستهٔ اتم هلیوم است.

۲) این ذره بوسیلهٔ دادن شتاب مصنوعی به یک اتم هلیوم ایجاد می‌شود.

alpha ray پرتو آلفا که بوسیله تجزیهٔ مواد رادیو اکتیو تولید می‌شود. سرعت این تجزیه برای تعیین سن فسیلهای دریایی یا دیگر بقایا، و یا عناصر رادیو اکتیو بکار می‌رود. پرتو آلفا شبیه هستهٔ هلیوم، یعنی اتمی که از دو پروتون و دو نوترون تشکیل شده می‌باشد.

Alpheus رب‌النوع رودخانه (افسانهٔ یونان)

Altair ستارهٔ رأس السرطان، کرکس پرنده

alternating متناوب، متغیر

alternation of generation

تناوب نسلی بین حالتهای هاپلویید (گامتوفیتی) و دیپلویید (اسپوروفیتی) جلبکها و سایر گیاهان

altimeter ارتفاع سنج

altitude ارتفاع

altocumulus ابر متوسط آلتوکومولوس متشکل از توده‌های مدور صاف بین ۶۰۰ تا ۲۲۰۰ متری زمین

altostratus مراجعه شود به meteorology atmospheric science

Alvin Research Vessel

یک زیر دریایی ساخت آمریکا در سال ۱۹۶۴. این وسیلهٔ سرنشین‌دار و سبک تا عمق ۳۰۰۰ متر در شیب درهٔ میانی اقیانوس اطلس پایین رفته است. از این زیردریایی برای مطالعهٔ رشته کوههای اقیانوس اطلس، اقیانوس آرام و سایر مناطق عمیق دریا استفاده شده است.

A.M.A. (American Maritime Association)

انجمن دریایی آمریکا

ama لقب زنان غواص ژاپنی که در ساحل اقیانوس آرام صدف صید می‌کنند.

Amazon River رودخانهٔ آمازون،

آمازون بزرگترین رودخانه از نظر میزان آب است و مقدار بسیار زیادی آب را به اقیانوس اطلس جنوبی می‌ریزد، که بخش اعظم آن جریان شمال ـ مرکز آمریکای جنوبی را تشکیل می‌دهد. این رودخانه در نزدیک Obidas در برزیل باریک می‌شود. عرض رودخانه در این نقطه ۲/۵ کیلومتر (۱/۵ مایل) بوده و ترعه‌ای حدود ۷۰ متر دارد. طول این رودخانه ۶۲۷۵ کیلومتر می‌باشد و در طول خط نسبتاً مستقیمی از غرب به شرق، یعنی از پرو به مقصد نهایی‌اش (اقیانوس اطلس) جریان می‌یابد.

ambergris عنبر،

ماده‌ای مومی شکل و شناور دراقیانوس که توسط وال عنبر یا sperm whale تولید می‌گردد و در بقایای گوارشی این پستاندار وجود دارد. این ماده برای حفاظت دستگاه گوارشی وال در برابر قلابهای سخت اسکوئیدها که قسمت اعظم رژیم غذایی آن را تشکیل می‌دهند، لازم است. حالت تازهٔ این ماده سیاه، چرب و بودار است. پس از خشک شدن، به رنگ خاکستری ـ سیاه در می‌آید و کمی بوی مشک می‌دهد. این ماده مصارف دارویی و تثبیت کنندگی دارد. بخشی از عطر بوده و مواد معطر فرار را در عطر بصورت محلول نگه می‌دارد. به همین دلیل، برای مصارف عطرسازی، بصورت شیمیایی آن را می‌سازند.

ambient گرداگرد، محیطی

ambient noise صدای زیر آبی

ambient temperature

حرارت طبیعی محیط زیست

ameba = amoeba آمیب

amebiasis سرایت مرض در اثر آمیب

amelivoation بهسازی، بهبود، اصلاح

American brook trout

قزل‌آلای رودباری آمریکائی با نام علمی

Salvelinus fontinalis

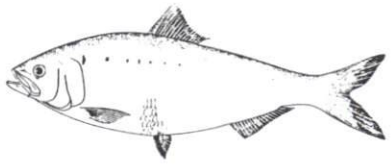
American catfish = brown bullhead

گربه ماهی آمریکایی کله گاوی با نام علمی

Iotalurus nebulosus

American shad

شگ ماهی چشم سیاه آمریکایی *Alosa sapidissima*



شگ ماهی چشم سیاه آمریکایی *Alosa sapidissima*

amides ترکیبات ازته که از ترکیب آمونیوم، با اسیدهای آلی حاصل می‌شوند.

amidship وسط کشتی

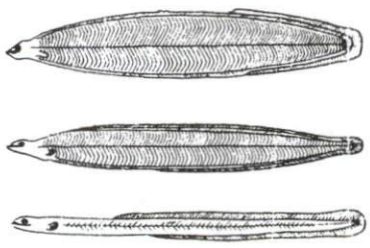
amine آمین، یک گروه از ترکیبات آلی که در ساختمان مولکول آن ازت وجود دارد. از نظر ترکیب شیمیایی وابسته به آمونیومها است و دارای بوی قوی آمونیاک می‌باشد. مقدار آن در ماهی تازه بسیار کم، ولی در ماهی در حال فساد، در اثر آنزیمهای مخصوص به مقدار زیاد وجود دارد.

amino acid اسید آمینه ، واحد ساختاری پروتئینها؛ یکی از ترکیبات آلی شیمیایی که در ساختمان آن یک گروه آمینو (amino) و یک گروه کاربوکسیل (carboxyl) وجود دارد. از ترکیب اسیدهای آمینه، پروتئین بوجود می‌آید. حدود ۲۰ نوع اسید امینه طبیعی وجود دارد که خوردن ۸ نوع از آنها برای انسان ضروری است، زیرا در بدن ما ساخته نمی‌شود. موجودات خود غذاساز، اسید امینه را از آب، دی‌اکسیدکربن و یون نیترات تهیه می‌کنند.

نحوهٔ اتصال اسیدهای آمینه، برحسب نوع پروتئین، متفاوت می‌باشد. هر پروتئینی، ترکیب خاصی از اسیدهای آمینه را دارد.

amitosis یک نوع تقسیم سلولی، تقسیم مستقیم یاخته

ammocoete larva لارو مار ماهی، لارو مار ماهی دریایی که در آبهای شیرین زندگی می‌کند و برای تخم‌ریزی به دریا مهاجرت می‌نماید.

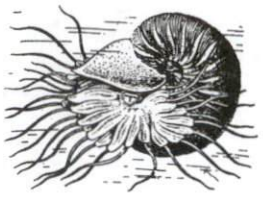


لارو مار ماهی

ammonia (NH_3) آمونیاک، ترکیب گازی شکل قلیایی بیرنگ، محلول در آب و با بوی تند زننده، که در ماهی در حال فساد تولید می‌شود. این ماده بویژه در سگ ماهی و کوسه‌ماهی هنگامی که پروتئین و اوره در اثر باکتریها تجزیه می‌شوند، تولید می‌گردد. باکتریهایی که موجودات زنده، یا غیر زنده را تجزیه می‌کنند، آمونیاک را به عنوان بخشی از فرآیند متابولیسم، آزاد می‌سازند. آمونیاک در دمای معمولی گاز است و در آب حل می‌شود. محلول آن هیدروکسید آمونیم (NH_4OH) می‌باشد.

ammonia nitrate نیترات آمونیوم

Ammonite آمونیتها، جزو فسیلهای سفالوپودها (سزپایان) می‌باشند که در دورهٔ کرتاسه از بین رفته‌اند. قبل از اینکه منقرض شوند گسترش زیادی داشته‌اند. گسترش آنها به دلیل شناور بودن نوزادهایشان بوده است. اندازهٔ متوسط آنها ۱۰ تا ۳۰ سانتی‌متر بوده است.



آمونیت

amnion پردهٔ دور جنین

amoeba = ameba آمیب، نام جنسی از ریشه‌پایان، (Rhizopoda) جزو پروتوزوآ می‌باشند. این گروه جانداران تک سلولی (میکروسکوپی) در آبهای شیرین یا شور بصورت انگل سایر موجودات به سر می‌برند. با تشکیل پاهای کاذب حرکت می‌نمایند و با تقسیم سادهٔ سلولی، تکثیر می‌یابند. حدود ۷۵ گونه دریایی از آمیبها شناخته شده است.



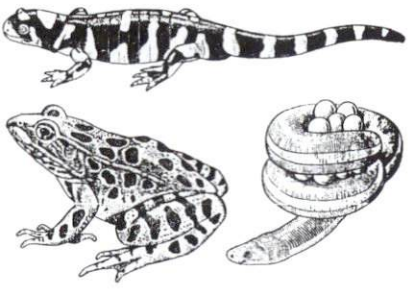
آمیب

amoeboid آمیبی شکل، مانند آمیب

amoy croaker ماهی شبه شوریده، ماهی کرچوک، ماهی غارغاروی آموی، ماهی با نام علمی *Argyrosomus amoyensis* می‌باشد. از خانوادهٔ شوریده ماهیان طبال است. این ماهی ۳۰ تا ۳۸ سانتی‌متر طول دارد. در خلیج فارس، دریای عربی، اقیانوس هند شرقی و دریای چین شمالی یافت می‌شود. ساکن آبهای ساحلی است و در بسترهای گلی تا عمق حدود ۶۰ متری زندگی می‌کند و تمایل به تشکیل گروههای کوچک دارد. صید آن در بخش ایرانی سواحل جنوبی خلیج فارس و دریای عمان توسط تورهای کششی کفی، گوشگیر و قلابهای دستی انجام می‌شود.

Ampere Seamount قله‌ای زیردریایی در ساحل آفریقای شمالی و شمال جزایر Maderia (کوههای دریایی آتلانتیک) می‌باشد.

Amphibia دوزیستان، دسته‌ای از مهره‌داران خونسرد که خویشاوند ماهیان هستند. از تکامل ماهیان بوجود آمده‌اند. ولی، بر خلاف آنها بیشتر دوزیستان به استثنای *Rana caccrirora* آب شور را تحمل نمی‌کنند. خصوصیات عمومی این گونه‌ها، پوست مرطوب و چسبنده، شش‌های کوچک، چهار دست و پا، وجود آبشش در لاروها و شش در بالغین می‌باشد.



نمونه‌هایی از دوزیستان

amphibian دوزیستان، دوزیست‌ها

amphibiotic وابسته به جانور دوزیست

amphibious خاکی و آبی، دوزیستی

amphibious command ship ناو سرفرماندهی آبی ـ خاکی

amphibious operation عملیات آبی ـ خاکی

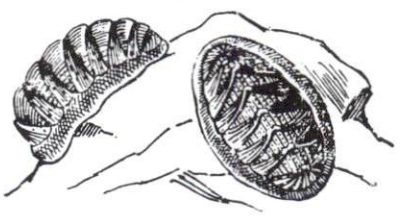
amphibious plant گیاه دوزیست، گیاه سازگار شده به زندگی در خشکی و در آب

amphibious transport ship کشتی ترابری آبی ـ خاکی

amphidromic point نقطهٔ بدون جزر و مد، مرکز صفر جزر و مد، بالاترین مرزی که، در هر دوره، جزر و مد حول آن می‌چرخد.

amphidromic region ناحیهٔ اطراف نقطهٔ بدون جزر و مد که خطوط هم زمانی در طغیان آب از نقطهٔ بدون جزر و مد شروع می‌شود و در طول ساعات تناوب جزر و مد، پیشرفت می‌نماید.

Amphineura رده‌ای از نرمتنان دریایی، مشخص‌ترین عضو این رده کیتون (Chiton) می‌باشد. آنها را Polyplacophora نیز می‌نامند. صدف کیتون از هشت قطعه تشکیل شده است که ظاهری شبیه به یک کرم بندبند را به آن می‌دهد. دارای پای شکمی هستند. دهان آنها دارای سوهانک (radula) می‌باشد. از طریق اعضای تنفسی موجود در حفرهٔ میانی بدن، تنفس می‌نمایند. معمولاً به صخره‌ها چسبیده و از جلبکهای موجود بر روی آنها تغذیه می‌نمایند.



کیتون

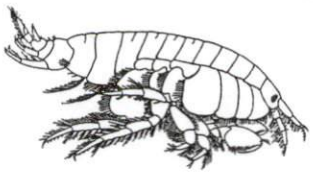
amphioxus = lancelet آمفیوکسوس، نمونه‌ای از زیر شاخهٔ مهره‌داران است. تنها دو جنس با نام

عمومی Branchiostoma و Acimetron در این زیر شاخه قرار دارند. این جانوران دارای طناب پشتی (نوتوکرد) می‌باشند. بدنی دراز، تقریباً بدون سر، بدون دم و بدون باله دارند. طول بدن آنها ۴ تا ۷ سانتیمتر می‌باشد. در آبهای ساحلی نیمه استوایی یا معتدل زندگی می‌کنند. صافی کننده (filter feeder) هستند. دستگاه تنفسی ابتدایی دارند. خون آنها بیرنگ است و قلب واقعی ندارند. تولید مثل آنها جنسی است.



آمفیکسوس

amphipod ناجورپا، یکی از گروههای سخت‌پوستان ساحلی یا آب شیرین، از راستهٔ Amphipoda، گاماروس *(Gammarus)* و هیاللا *(Hyalella)* از نمونه‌های آب شیرین این گروه می‌باشند.



نوعی ناجورپا *Niphargoides compactus*

Amphipoda راسته ناجورپایان، راستهٔ سخت پوستان کوچک و بیرنگ می‌باشد. بیشتر گونه‌های این راسته دریایی هستند ولی تعدادی در آب شیرین و نیز تعدادی در خشکی زندگی می‌کنند. این جانوران بیشتر عمر خود را بصورت لاشخوری می‌گذرانند. هر چند که تعدادی از آنان از مواد معلق تغذیه می‌کنند ولی، گونه‌هایی نیز حالت مکنده دارند. این موجودات پوستهٔ بیرونی ندارند و بدن آنها بصورت یکطرفه پهن می‌باشد.

amplification افزایش شدت یا قدرت، تقویت، تشدید

amplifire تشدیدکننده، تقویت کننده

amplitude modulation مدولاسیون دامنه

amplitude of the tide نیمه دامنه، نیمه تغییرات یا نیمه دامنهٔ مَد

Ampullea of Lorenzini گیرنده‌های لورنزینی، گیرنده‌های پوستی موجود در سر کوسه ماهیان (کوسه و سفره ماهی)، این گیرنده‌ها، اندامهای حسی گرمایی دارند. گیرنده‌های حسی کوسه ماهیان و سفره ماهیان، ارتعاشات و تغییرات آب را به مغز می‌فرستند.

Amundsen, Ronald (1872-1928) رونالد آموندسن کاوشگر و کاشف نروژی و اولین انسانی که به قطب جنوب قدم گذاشت. در سال ۱۹۰۱ به ساحل شمالی گرینلند رفت. او و خدمهٔ هواپیمای حاملش در یک عملیات هوایی در سال ۱۹۲۸ که برای یافتن بالن در قطب شمال تجسس می‌کردند، ناپدید شدند.

Amundsen Sea دریای آموندسن، دریای حاشیه‌ای جنوب اقیانوس آرام که در ساحل والگرین قطب جنوب قرار دارد. کف آن پوشیده از مواد زمینی یخچالهاست. عمیق‌ترین قسمت آن ۴۰۰۰ متر است و تا حدود ۱۶۰ کیلومتری ساحل یخ زده است. نام این دریا به افتخار کاوشگر نروژی آموندسن است.

Amur River رود آمور، رودی که در قسمت جنوب شرقی روسیه، از به هم پیوستن رودخانه‌های آرگون و شیلکا بوجود می‌آید. رودی مرزی بین جلگه‌های شرقی روسیه و چین است که سپس به سمت شمال و شرق می‌رود و در خلیج تاتار جریان می‌یابد. نام چینی این رودخانه، هلونگ چیانگ (دریای خشک) و طول آن حدود ۲۸۰۰ کیلومتر می‌باشد. در این رودخانه ماهیگیری انجام می‌شود و تردد قایقها در آن رایج است.

A.M.V.R. = Automated Merchant Vessel Reporting سیستم گزارش خودکار کشتی‌های تجارتی

anabatic wind باد فرا رو، باد دره

Anabena از جلبکهای سیانوفیت آبزی که با تثبیت ازت، مقدار آن را افزایش می‌دهد.

anadromous رود کوچ، صورتی از تناوب زندگی مربوط به ماهیان که برای بالغ شدن از رودخانه به دریا رفته و پس از بلوغ برای تخمریزی، از رودخانه‌ها و آبشارها بالا رفته، تا به منشأ آب شیرین برسند. ماهی سفید، ماهی آزاد، ماهی آزاد اقیانوس کبیر، تاسماهیان دریای خزر و بسیاری دیگر از ماهیان در این گروه قرار دارند.

anadromous fish ماهی رود کوچ، ماهی که بیشتر عمر خود را در آب شور می‌گذراند و برای تخمریزی وارد آب شیرین می‌شود.

anaerobe (anaerobiont) موجودات بی‌هوازی، موجوداتی که در محیط عاری از اکسیژن زندگی می‌نمایند. این موجودات شامل بی‌هوازیهای اختیاری می‌باشند. بی‌هوازیهای اختیاری می‌توانند تا حدودی به اختیار، از اکسیژن آزاد استفاده کنند در حالی که بی‌هوازیهای اجباری، نمی‌توانند در حضور اکسیژن فعالیت نمایند و وجود اکسیژن در محیط زیست آنها به منزلهٔ سم می‌باشد.

anaerobic bacteria باکتریهای بی‌هوازی، باکتریهایی که در فقدان کامل اکسیژن می‌توانند فعالیت نمایند.

anaerobic conditions شرایط بی‌هوازی، شرایطی که در آن اکسیژن بطور کامل از محیط زیست حذف شده باشد. در نتیجه، زندگی معمولی که متکی به حضور اکسیژن در محیط است، غیرممکن می‌گردد، موجوداتی که برای ادامهٔ حیات به اکسیژن نیاز ندارند.

anal مخرجی

anal fin بالهٔ مخرجی، بالهٔ فرد موجود در سطح شکمی ماهی در جلوی دم

anatto = annatto رنگ گیاهی مورد استفاده در رنگ کردن ماهیان دودی

anchor, to لنگر کشتی، لنگر انداختن

anchorage لنگراندازی

anchor ball گوی لنگر، توپ لنگر

anchor bell زنگ لنگر

anchor buoy بویهٔ لنگر

anchor cable زنجیر لنگر

anchor chain زنجیر لنگر

anchor dues هزینهٔ لنگر

anchored trap مشتا لنگردار، تلهٔ لنگردار، دام

anchor gill net تور گوشگیر لنگردار، منصب (واژه مستعمل در جنوب)

anchor ice یخی که از آن برای لنگر انداختن کشتی استفاده شود.

anchoring لنگر اندازی، لنگر انداختن

anchor light چراغ لنگر

anchor seining (dragging) صید کردن لنگردار، دام گستر لنگردار

anchor shackle پابند لنگر

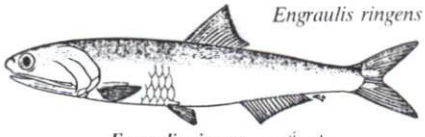
anchor strop بند لنگر، زنجیر لنگر

anchor watch لنگربان، نگهبان لنگر

anchor work کار لنگر

anchor worm گونه‌های جنس لرنهآ *(Lernaea)* از کوپه‌پودها که انگل ماهیان و دوزیستان هستند.

anchoveta ماهی آنچوی با نام علمی *Engraulis ringens*



ماهی آنچوی *Engraulis ringens*

anchovy مُتو، شنگ ماهی کوچک، ماهی آنچوی (طول ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر). این صافی کنندگان در آبهای دریای مدیترانه و اقیانوس آرام، در سواحل جنوبی آمریکای جنوبی به سر می‌برند. این ماهیان از نظر غذایی و تولیدات جانبی برای تولید آرد و روغن ماهی،

کود و غذای حیوانات اهمیت اقتصادی دارند. همچنین، عضو مهمی در زنجیرهٔ غذایی دریا هستند.

anchovy butter کره ماهی آنچوی

anchovy cream خمیر ماهی آنچوی

مخلوط با کره، آنچوی کرمی، خمیر نرم آنچوی، خمیر ماهی آنچوی مخلوط شده با روغن نباتی برای ایجاد قوام و حالت خامه‌ای (کرمی)

anchovy paste خمیر ماهی آنچوی،

آنچوی چرخ شده و بسته‌بندی شده در کوزه‌های سفالین که با مخلوط نمک معمولی، شوره قلمی، نمک درشت دریایی، نیترات پتاس و چند عدد قرمز دانه، پر شده و به مدت ۶ ماه جهت رسیدن، مانده باشد.

Andaman Sea دریای آندامان،

دریای جانبی استوایی مرتبط به اقیانوس هند. این دریا در غرب شبه جزیرهٔ Malay و شرق خلیج مالاکا قرار دارد. عمق متوسط آن ۹۰۰ متر و عمیق‌ترین نقطهٔ آن ۴۱۸۰ متر در شرق مجمع‌الجزایر نیکوبار قرار دارد. شوری این دریا در اثر ریزش آب زیاد در فصل بادهای بارانزای موسمی، تا ۲ درصد کاهش می‌یابد. قدمت این دریا به دروهٔ کرتاسه باز می‌گردد. رشته کوههای زیر دریایی زیادی در این منطقه وجود دارد. دو رود بزرگ، ایراوادی و سالوین بودما از شمال به این دریا می‌ریزد. این دریا در نصف‌النهار ۱۱۵ درجهٔ استوا قرار دارد.

Andesite Line مرزی که لبهٔ (کنار) اقیانوس آرام را از صفحهٔ یوراسین جدا می‌کند. این خط پیوسته نیست و با چند ترانشه عمیق قطع می‌گردد. فعالیتهای آتشفشانی و زمین‌لرزه‌ای در این منطقه زیاد دیده می‌شود.

Andromeda صورت فلکی زن با زنجیر، امرأةالمسلسله

androgen هورمونهای جنسی نر

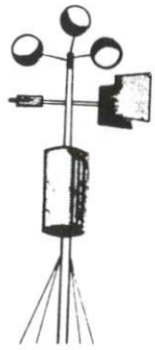
androsteron آندروسترون،

نوعی هورمون جنسی ماهی نر

anemia کم خونی

anemogram باد نگاشت

anemometer باد سنج



بادسنج

anemone شقایق دریایی

anemone fish دلقک ماهی اطراف شقایقهای دریایی

aneroid barometer نوعی فشارسنج هوا که فشار هوا را از روی اثر هوا بر روی درپوش یک جعبه دارای واکیوم اندازه‌گیری می‌کند. در این روش فشار هوا از روی ارتفاع ستون مایع اندازه‌گیری نمی‌شود.

aneurine ویتامین B_1

angel fillet فیله بصورت بلوک

angel fish نامی که به حدود ۱۵۰ گونه از ماهیان دریازی یا آب شیرین راستهٔ Perciformes اطلاق می‌شود. این ماهیان، زیبا و رنگی بوده، سر پیکان مانند و باله‌های دراز شکمی و پشتی دارند. طول آنها تا ۶۰ سانتیمتر می‌رسد. در صخره‌های مرجانی زندگی می‌کنند و از قلمرو خود حفاظت می‌نمایند.

angel shark کوسه فرشته

angel worm نوعی کرم خاکی که بعنوان طعمهٔ ماهی به کار برده می‌شود.

angiosperms گیاهان گلدار نهاندانه،

که فراوان‌ترین گیاهان زمینی هستند. گیاهان ساحلی در اکوسیستمهای دریایی از این دسته هستند که می‌توانند

محیطهای با شوری زیاد را به راحتی تحمل نمایند.

angle, to دام گستراندن، با قلاب ماهی گرفتن

angle, beam زاویه پرتو

angle of cutting زاویهٔ تقاطع

angle of incidence زاویهٔ تابش، زاویهٔ برخورد، زاویه‌ای که پرتو نور در حین تابش با سطح پیدا می‌کند.

angle of reflection زاویهٔ بازگشت، زاویهٔ انعکاس پرتو نور تابیده شده. مقدار آن توسط جهت پرتو منعکس شده و خط عمود به سطح در نقطه‌ای که عمل انعکاس در آن صورت پذیرفته بدست می‌آید.

angler ماهیگیر

angler fish = Lophiformes قلاب ماهی، ماهیانی که اساساً در دریاهای عمیق زندگی می‌کنند. ویژگی عمدهٔ آنها، بالهٔ پشتی آنهاست که به سر آنها چسبیده و به عنوان یک طعمهٔ فریبنده عمل می‌کند. طعمه واجد اندامهای نور پرداز (فتو فور) می‌باشد. در برخی گونه‌ها، فرد نر بصورت انگل بر روی بدن فرد ماده می‌چسبد. این امر یا در فصل تولید مثل است و یا بصورت دائم انجام می‌گیرد.

angling صید ماهی با قلاب

Angola Basin حوضهٔ آبگیر آنگولا در جنوب اقیانوس اطلس که در کنار ساحل جنوب غربی آفریقا قرار دارد. این حوضه در جنوب مخروط حاصل از تجمع مواد و خاشاک حمل شده توسط رودخانهٔ کنگو به اقیانوس اطلس جنوبی قرار دارد.

Angstrom (abbreviated Å)

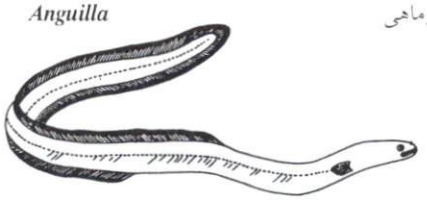
واحد طول بکار رفته برای اندازه‌گیری طول موج شعاعهای نوری، اشعهٔ X، سایر پرتوهای الکترو مغناطیسی، سنجش قطر مولکولی و قطر اتمی

سانتیمتر ۱×۱۰^{-۴} = یک میکرون

سانتیمتر ۱×۱۰^{-۸} = یک آنگستروم

anguilar زاویه‌ای

Anguilla مارماهی



Anguilla anguilla مارماهی

Anguillidae خانواده مارماهیان

Anguilliformes مراجعه شود به eel

ANGUS = Acoustically Navigated Underwater Survey System

نام اختصاری سیستم بررسی آکوستیک زیر دریا. یک وسیلهٔ سورتمه مانند بدون سرنشین که در آن دوربین‌هایی تعبیه شده است. این دستگاه که بوسیلهٔ آزمایشگاه اسکریپز برای تحقیقات اقیانوس‌شناسی در لایولا، کالیفرنیا ساخته شد، برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ نخستین مشاهدهٔ خود را از چاههای زیر دریایی انجام داد.

animal جانور، جانوری، حس و حرکت

animal food غذای جانوری، مواد جانوری که به عنوان غذا مصرف می‌شوند.

animal manure کود حیوانی، مواد حیوانی که به شکل کودهای مختلف استفاده می‌شود.

anisakis نوعی کرم حلقوی که انگل نوزاد شگ ماهیان، ماکرل و برخی ماهیهای دیگر است. نام علمی آن *Anisakis simplex* است. به آن کرم شگ ماهی هم گفته می‌شود.

anisidine value معیار اکسید شدگی چربی، اندازه‌گیری برخی از آلدئیدهای غیر اشباع برای مشخص کردن اکسیدشدگی در روغن یا چربی ماهی

anisogamy آمیزش گامتهای متحرک تاژکدار نامشابه

annatto = anatto مراجعه شود به anatto

Annelida کرمهای بندبند، کرمهای حلقوی

جانورانی با بدن صاف و نرم که فسیلهای مشخصی از خود به جای نگذاشته‌اند. احتمالاً از دورهٔ پالئوزوئیک وجود داشته‌اند. دارای یک لولهٔ سرتاسری پر از مایع در بدن می‌باشند. یک زائدهٔ سر مانند در یک انتهای بدن، و یک دستگاه گردش خون بسته دارند. دستگاه گردش خون مکانیسمی پمپی داشته و رنگدانه‌های آهن‌دار در خون قرمز رنگ آنها وجود دارد. بیشتر گونه‌ها هموگلوبین دارند. دستگاه دفع آنها در هر بند به عنوان یک صافی مواد زاید نیتروژن عمل کرده، آب جذب می‌کند، و مواد زاید را دفع می‌کند. انواع آبزی معمولاً آمونیاک دفع می‌کنند. سیستم عصبی آنها شامل دو رشته نوتوکرُ است که در قسمتی، نه چندان مشابه مغز، به یکدیگر می‌پیوندد. این شاخه به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شود که عبارتنداز: پُرتاران یا پلی‌کت‌ها (Polychaeta) مانند، Clitellata، و گروه کم‌تاران یا اُلیگوکت‌ها (Oligochaeta). مانند زالوها، (Hirudinea). گروه اول دو جنسی بوده اما گروه دوم هرمافرودیت هستند. این گونه‌ها، کرمهای بدون تحرک هستند که صافی کننده‌های بستر، شناگر و یا انگلهای بیرونی اکینودرمها (خارپوستهای دریایی) هستند.

annulus for growth check

حلقه‌های سالانه تعیین سن

Anodontostoma chacunta ماهی مید

Anomalous Antarctic Circumpolar Currents = Antarctic Current

جریان آب اطراف قطب جنوب ، بزرگترین جریان اقیانوسها با ۱۱۰ میلیون مترمکعب در ثانیه. این جریان از غرب به شرق در اطراف قطب جنوب ادامه دارد (تا قسمتهای جنوبی اقیانوسهای آرام، اطلس و هند می‌رسد). جریانهای اطراف قطب جنوب بطور عملی جهانی هستند و روی دما، شوری و اکسیژن محلول در آب اقیانوسها مؤثرند.

anoxia فقدان کامل اکسیژن در آب

anoxic بدون اکسیژن

anserine نوعی دی‌پپتید،

مرکب از دو اسید آمینه در ماهی، بویژه در ماهیانی که گوشت تیره‌دارند.

ansoline هورمون انسولین، کنترل کننده قند خون

answering pendant پرچم جواب

antarctic جنوبگان، نقطه مقابل قطب شمال

antarctic circle حلقهٔ قطبی جنوب،

مدار فرضی ۳۲ و °۶۶ نیمکرهٔ جنوبی

Antarctic Convergence = A.C. Line = A.C. Zone همایش جنوبی

ناحیهٔ همگرایی آب قطب جنوب، نواری فرضی که بین مدارهای ۵۰ درجه و ۶۰ درجهٔ جنوبی را می‌پوشاند. در این منطقه، آبهای نسبتاً سرد سطحی، که شوری کمی دارند، به اعماق رفته و بعنوان جریان متوسط قطب جنوب به طرف شمال حرکت می‌کند. این جریان را تا حدود مدار ۳۵ درجهٔ شمالی نیمکرهٔ شمالی در اقیانوس اطلس، ردیابی کرده‌اند، ولی در اقیانوسهای دیگر محدودهٔ کمتری دارد.

این جریان را هواشناس آلمانی به نام میناردو در فاصلهٔ سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۳ کشف کرد. به همین دلیل تا مدتی آن را خط میناردو می‌نامیدند.

Antarctic Ocean اقیانوس جنوبی،

ناحیهٔ اقیانوسی در جنوب آمریکای جنوبی، آفریقا و استرالیا مجموعه انتهای جنوبی اقیانوس‌های آرام، اطلس و هند در جنوبگان. این اقیانوس، شوری، گاز، مواد مغذی و دما را برای سه اقیانوس اصلی دنیا تعدیل می‌نماید. اگرچه در آب سرد آن، تعدادی جانوران بزرگ و گیاهان محدودی وجود دارند، ولی جمعیت و تراکم پلانکتون و کریل (میگوی خاص قطب جنوب) بسیار زیاد است و شبکهٔ غذایی پیچیده‌ای که پرندگان، ماهیان

بزرگ و بی‌مهرگان را شامل می‌شود، بوجود می‌آورد. سرعت زیاد رشد پلانکتونها در این اقیانوس به دو دلیل است :

۱) حرکت آبهای غنی از مواد مغذی از سطح اقیانوسها به سمت جنوب

۲) آب سرد و غنی از اکسیژن که از کناره‌های قاره‌ها به سمت شمال حرکت می‌کند.

Antarctic water آب قطب جنوب،

از نظر دما و شوری با یکدیگر تفاوت دارند. آب سطحی قطب جنوب، آبی است که دارای حداقل شوری و حداقل درجهٔ حرارت است که از ذوب یخها، فراجوشی آبهای عمیق و بارش بر روی خشکیها حاصل می‌شود. بیشترین میزان آب دریافتی در این سطح در تابستان قطب، در ماههای دسامبر تا مارس است. فراجوشی آبهای قطبی، از آبهای عمیق اقیانوسهای اطلس، آرام و هند منشأ می‌گیرد، که این آبها دارای شوری و درجهٔ حرارت بیشتری هستند. حجم این آب، با تغییر فصل عوض نمی‌شود. آب سطحی، به سمت شمال می‌رود، تا اینکه به آب سطحی نیمهٔ قطبی با شوری کمتر و گرمتر برخورد کند. اختلاف این آبهای سطحی، آب میانی نیمه قطبی را تولید می‌کند، که به سمت شمال جابجا می‌شود. آب عمیق قطب جنوب که در زمستان قطب تشکیل می‌شود، سرد و غنی از اکسیژن است و از آبهای شور ساحلی و آب کم شور دریای ودل سرچشمه می‌گیرد. این تودهٔ عظیم آب سرد و شور به سمت شمال می‌رود و جهت حرکت آن شرقی است، یعنی از دریای ودل دور می‌شود.

Antares قلب‌العقرب

ante meridien = a.m. پیش از ظهر

anterior جلویی، قدامی،

سر (انتهای راهنما یا برجسته) یک جانور. این واژه معمولاً برای تفکیک موقعیت به کار میرود. بنابراین، سر یک بندپا (arthropod) در قسمت قدامی قفسهٔ سینه‌اش قرار دارد.

Anthozoa رده‌ای از شاخهٔ مرجانها (Cnidaria) مانند، شقایقهای دریایی و مرجانها. این جانوران تقارن محوری دارند. نوع ثابت آنها پولیپ نامیده می‌شود که می‌تواند کاملاً بزرگ و پیچیده باشد.

antibiotic پادزی، آنتی‌بیوتیک،

ماده‌ای طبیعی که بوسیلهٔ میکروارگانیسمها و یا بطور مصنوعی تولید می‌شود که می‌تواند رشد و نمو و حیات سایر میکروارگانیسمها را متوقف یا کُند نماید.

antibody پادتن

anticline چین طاقی، تاقدیس،

anticyclone آنتی سیکلون، گردباد هوایی،

واچرخه، سیستم پر فشار تروپوسفر فوقانی است. این مناطق نیمه حاره‌ای، پرفشار هستند، که در مرز میان بادهای تجارتی شرقی و بادهای غالب غربی و یا در میان سیستمهای آب و هوای قطبی و قطب شمال قرار دارند. بادهایی که در آنتی‌سیلکون بوجود می‌آیند، شدت طوفان را ندارند و چون هوای خشک طبقات بالای اتمسفر را به پایین می‌آورند، به عنوان هوای خوب تلقی می‌شوند. سیستمهای ساکن آنتی‌سیکلون، نقش مهمی در تعیین وضعیت آب و هوای جهان دارند.

antifouling مادهٔ ضد جلبک،

خزه و سایر آبزیان مزاحم که به قسمت زیر آبی کشتی و اسکله می‌چسبند.

antifreeze ضد یخ،

مادهٔ ضدیخی که در خون برخی از موجودات نواحی قطبی وجود دارد.

Antila صورت فلکی تلمبه

Antilles مجمع‌الجزایر آنتیلز که مرزهای شمال و شرق دریای کارائیب را تشکیل می‌دهد. این مجموعه مرکب از صدها جزیرهٔ کوچک است. بزرگترین آنها آنتیلوها، کوبا (جمهوری دومینیکن و هاییتی)، پورتوریکو و جامائیکا می‌باشند، و کوچکترین جزایر آن، گوآدالوپ و باربادوس است. این مجمع‌الجزایر صخره‌ای هستند. اغلب دارای رشته کوههای زیاد و

آبهای زمینی بی‌شمار هستند. آب و هوای حاره‌ای و بادهای تجارتی دارند که بادهای تابستانی اقیانوس اطلس، طوفان دریایی را ایجاد می‌کنند. بارشهای شدید کوتاه مدت در تابستان فراوان است. طوفانهای تابستانی اقیانوس اطلس، در بخشهای شمالی این جزایر، تبدیل به تندبادهای دریایی (hurricane) می‌گردد.

Antilles Current جریان آنتیلز،

جریان ایجاد شده بوسیلهٔ قسمتی از جریان حاره‌ای شمال، که در طول قسمت شمالی آنتیلز بزرگتر، در جریان است. جریان آنتیلز، به جریان شمال فلوریدا، یعنی جزیرهٔ باهامای بزرگ پیوسته و جریان گلف استریم را ایجاد می‌نماید.

antinode هر یک از نقاط،

خطوط یا سطوح یک سیستم موج ساکن، که بیشترین وسعت را دارد.

antioxidant ضد اکسیدکننده،

ماده‌ای که به روغن ماهی اضافه می‌شود و از اکسید شدن و در نتیجه از فاسد شدن چربی جلوگیری می‌کند و یا آن را به تعویق می‌اندازد.

antiseptic ماده ضد گندیدن،

مادهٔ شیمیایی که برای از بین بردن میکروبهای بیماریزا بکار می‌رود. اگر از این ماده برای تمیز کردن استفاده شود به آن مادهٔ سترون کننده می‌گویند.

anti submarine مخرب زیر دریایی،

ضد زیر دریایی

anti submarine carrier

ناو هواپیمابر ضد زیردریایی

anti submarine escort

کشتی اسکورت ضد زیردریایی

antitoxic ضد زهر، ضد سم

antitoxin مایهٔ ضد زهر، پادسم

antivenin مادهٔ ضد سم

antivitamin مادهٔ ضد ویتامین،

مادهای که ویتامین‌ها را خنثی می‌کند.

antrum حفرهٔ داخلی بدن

anus مخرج، مقعد

A.P. = assumed position جایگاه فرضی

aperiodic compass نوعی قطب‌نما که در صورت انحراف با یک حرکت به حالت اصلی برمی‌گردد.

Aphanius fasciatus ماهی کپور دندان‌دار گورخری (آب شیرین)

Aphanius ibertus ماهی کپور اسپانیا

Aphelion دورترین نقطهٔ مدار گردش زمین به دور خورشید، نقطه‌ای در قلمرو یک سیاره یا ستارهٔ دنباله‌دار که در دورترین نقطه نسبت به خورشید قرار دارد. زمین افلیون خود را در سوم ژوئیه در تابستان نیمکرهٔ شمالی دریافت می‌کند. موقعیت زمین و خورشید بر روی محدودهٔ جزر و مد اقیانوسها تأثیر می‌گذارد. نقطه اوج

aphotic تاریک، بدون روشنایی، بی‌نور

aphotic zone منطقهٔ تاریک دریاها و اقیانوسها

بخشی از آبهای عمیق و تاریک اقیانوسها که در آن نور برای تداوم پدیدهٔ فتوسنتز در گیاهان سبزینه‌دار و حفظ حیات فیتوپلانکتونی کافی نمی‌باشد.

aplacental فاقد جفت جنین

apogean range دامنهٔ ارتفاع، نقطهٔ اوج

(ارتفاع مد در دورهٔ جزر و مد نقطه اوج نامیده می‌شود).

apogean tides جزر و مد نقطهٔ اوج،

جزر و مدهایی که با دامنهٔ ضعیف در هنگامی که ماه در نقطهٔ اوج است اتفاق می‌افتد.

apogee نقطهٔ اوج و حضیض :

۱) نقطه اوج وضعیت ماه نسبت به زمین در دورترین نقطه بر روی مدار بیضی شکل خود

۲) نقطه حضیض وضعیت ماه نسبت به زمین در نزدیک‌ترین نقطه روی مدار بیضی شکل خود

Apongon sp. کینماک (خلیج فارس)، نوعی ماهی از خانوادهٔ Apogonidae

apparela وسایل کشتی

apparent altitude ارتفاع ظاهری

apparent horizon افق ظاهری

apparent wind باد ظاهری

Appendicularian وابسته به زایده‌داران

appendix زائده، ضمیمه

appetite اشتها، میل به غذا

appetitsild فیله‌های پوست کنده ماهی بریسلینگ یا اسپرّت (مثل کیلکای معمولی)، شور شده در شوراب که در محلول سرکه، نمک، شکر و ادویه یا چاشنی‌های دیگر عمل‌آوری « رسیده » شده باشد.

appetitsill = appetitsild

Aprion microlepis ماهی سرخوی گل بهی

aqua آب، مایع به شکل آب

aquabusiness تجارت و کار مرتبط با آب اعم از صید، پرورش و صنایع جنبی مرتبط با آنها

aquaculture کشتاب‌ورزی، آبزی پروری، کشت و پرورش جانوران و گیاهان آبزی، گونه‌های پرورشی آب شیرین شامل انواع جلبکها، سخت‌پوستان، نرم‌تنان، ماهیها، دوزیستان، خزندگان و غیره است. انواع دریائی شامل گیاهان یا جلبکهای دریائی، نرم‌تنان، سخت‌پوستان و ماهیها می‌باشد. پرورش در محیطهای حفاظت شده دریایی ـ تجاری انجام می‌گیرد.

aqualung کپسول اکسیژن در غواصی، این وسیله در پشت غواص حمل شده و اکسیژن مورد نیاز غواص را تأمین می‌نماید. به این ترتیب، غواص مجبور نیست که توسط لوله‌ای از منبع اکسیژن مستقر در روی آب استفاده نماید. آزادی حرکت بیشتر و محدودهٔ بازدید وسیعتر، از مزایای این دستگاه می‌باشد.

aquanaut زیر آبزی، شخصی که به منظور زندگی زیرآب و کمک در برنامه‌های پژوهشی و علمی آموزش دیده است.

aquaplane تختهٔ اسکی روی آب

aquarist آکوآریوم‌دار، آبزیگاه‌دار کسی که به نگهداری آکوآریوم علاقه دارد.

aquarium محل نگهداری و نمایش آبزیان، بخصوص ماهیها

aquarius صورت فلکی آبریز

aquatic آبی، وابسته به آب

aquatic birds پرندگان آبزی

aquatic birds of Iran
پرندگان آبزی ایران

Alcedonidae خانواده ماهی خورک‌ها

Alcedo athis نام فارسی : ماهی خورک
نام انگلیسی : king fisher
این پرنده خشکی و بومی و به تعداد زیاد وجود دارد. از ماهی تغذیه نموده و زیستگاه ترجیحی آن آبهای طبیعی و استخرهای پرورشی می‌باشد.

Ceryle rudis ماهی خورک ابلق
نام انگلیسی : Pied kingfisher
این پرنده خشکی‌زی، بومی و به تعداد زیاد وجود دارد. از ماهی تغذیه نموده و زیستگاه ترجیحی آن آبهای طبیعی و استخرهای پرورشی است.

Halcyon smyrnensis ماهی خورک سینه سفید
نام انگلیسی : white - breasted kingfisher
این پرنده خشکی‌زی بومی ایران است و به تعداد زیاد وجود دارد. در سوراخ دیوارهای ساحلی رودخانه، تپه‌های ماسه‌ای و امثال آن آشیانه می‌سازد. هم در آب شیرین و هم در آب شور ماهی می‌گیرد. زیستگاه ترجیحی آن آبهای طبیعی است.

جمعی و معمولاً روی درختهای بلند آشیانه می‌سازد.

حواصیل ارغوانی *Ardea purpurea*

نام انگلیسی : purple heron

این پرنده تابستانها فراوان است. تعداد کمی از آنها احتمالاً زمستان را در جنوب غربی ایران می‌گذارنند. معمولاً از ماهی تغذیه مینماید. زیستگاه آن باتلاقها، آبگیرهای پر گیاه، نیزارهای انبوه و ... است. بطور دسته‌جمعی و گاهی همراه گونه‌های دیگر در نیزارها و بطور اتفاقی روی بوته‌ها آشیانه می‌سازد.

حواصیل هندی *Ardeola grayii*

نام انگلیسی : Indian pond heron

این پرنده بومی بوده و نسبتاً فراوان است. قبلاً در نزدیکی بوشهر زاد و ولد می‌کرده است ولی اخیراً گزارشی مبنی بر زاد و ولد آن در منطقه در دست نیست. از ماهی و سایر مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن شبیه زیستگاه حواصیل زرد است ولی در باتلاقهایی که حرا می‌روید دیده می‌شود. در خورهای گل‌آلود و گاهی در ساحل دریا نیز یافت می‌گردد.

حواصیل زرد *Ardeola ralloides*

نام انگلیسی : squacco heron

این پرنده بومی بوده و تابستانها فراوان است. گاهی زمستان را در جنوب غربی ایران باقی می‌ماند. از ماهی و سایر مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. بطور انفرادی یا بصورت دسته‌های پراکنده همراه گونه‌های مشابه در نیزارها، روی بوته‌ها و درختها آشیانه می‌سازد.

بوتیمار *Botaurus stellaris*

نام انگلیسی : bittern

این پرنده بومی بوده و زمستانها نسبتاً فراوان است. در سالهای پر باران به تعداد فراوان در سیستان زاد و ولد می‌کند. امکان دارد در سواحل دریای خزر، فارس و خوزستان نیز زاد و ولد نماید. از ماهی و سایر مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. در نیزارهای انبوه، باتلاقها، ماندابها و ساحل دریاچه‌ها زندگی می‌نماید. در بین نی‌ها آشیانه می‌سازد.

حواصیل سبز *Boturides striatus*

نام انگلیسی : little green heron

خانوادهٔ اردکهای ماهی خور Anatidae

مرگوس سفید *Mergus albelus*

نام انگلیسی : smew

این پرنده آبزی، مهاجر زمستانه بوده و به ندرت در ناحیهٔ مرکزی استان فارس مشاهده می‌شود. از مواد ریز گوشتی تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن دریاچه‌ها، آبگیرها و رودخانه‌ها می‌باشد. گاهی نیز در خورها و امتداد ساحل دیده می‌شود.

مرگوس بزرگ *Mergus merganser*

نام انگلیسی : goosander

این پرنده، مهاجر زمستانه بوده و به تعداد کم دیده می‌شود. از جانوران کوچک و مواد ریز گوشتی تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن سواحل دریا، دریاچه‌ها، آبگیرها و رودخانه‌هایی که حاشیهٔ پر درخت دارند می‌باشد.

مرگوس کاکلی *Mergus serrator*

نام انگلیسی :red - breasted merganser

این پرنده مهاجر زمستانه بوده و به تعداد نسبتاً زیاد در زمستان دیده می‌شود. بطور کلی دریازی است. زمستانها معمولاً در خورها و دریا دیده می‌شود و بندرت در آبهای شیرین یافت می‌شود. از مواد ریز گوشتی تغذیه می‌نماید.

اردک سر سفید *Oxyora leucocephalus*

نام انگلیسی : white - headed duck

این پرنده مهاجر زمستانه بوده و به تعداد کم دیده می‌شود. ممکن است در استانهای فارس و سیستان زاد و ولد نماید. از مواد ریز گوشتی تغذیه می‌کند. زیستگاه آن مردابهای نیمه شور و نیزارهای دور از دریا می‌باشد. در نیزارها و بین گیاهان نزدیک آب آشیانه می‌سازد.

خانواده حواصیل‌ها، Ardeidae

حواصیل خاکستری *Ardea cinerea*

نام انگلیسی : grey heron

این پرنده بومی بوده و زمستانها زیاد دیده میشود. به تعداد نسبتاً فراوان در ایران زاد و ولد می‌کند. از ماهی تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن معمولاً علفزارهای پر آب، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و ساحل دریا است. بطور دسته

پرنده‌ای ساحلی است که بیشتر در خورهای گل‌آلود، مانداب‌ها و باتلاقهای شور، سواحل سنگی و سدهای مرجانی دیده می‌شود. بطور دسته‌جمعی و معمولاً در بوته‌های کوتاه نزدیک ساحل دریا آشیانه می‌سازد.

بوتیمار کوچک ***Ixobrychus minutus***

نام انگلیسی : little bittern

این پرنده در تابستانها فراوان است. از ماهی و سایر مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. در سواحل پر گیاه رودخانه‌ها، مانداب‌ها، آبگیرها، باتلاقهای پر درخت و نیزارها زندگی می‌نماید. نزدیک آب آشیانه می‌سازد.

حواصیل شب ***Nycticorax nycticorax***

نام انگلیسی : night heron

این پرنده تابستانها فراوان است. گاهی هنگام زمستان در حوالی دریای خزر دیده می‌شود. از ماهی و سایر مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. در باتلاقهای با گیاهان انبوه، سواحل پر گیاه رودخانه‌ها یا تالابهای درخت‌دار زندگی می‌کند. بطور دسته‌جمعی و اغلب با گونه‌های مشابه خود، در بیشه‌ها و در بعضی مناطق در نیزارها آشیانه می‌سازد.

خانوادهٔ پرندگان غواص، **Gaviidae**

غواص گلوسیاه ***Gavia arctica***

نام انگلیسی، black - throated diver

زمستانها به ندرت در ساحل دریای خزر دیده می‌شود. از ترکمن صحرا نیز گزارش شده است. از ماهی تغذیه می‌نماید. زمستانها بیشتر در آبهای ساحلی به سر می‌برد.

غواص گلو سرخ ***Gavia stellata***

نام انگلیسی : red - throated diver

این پرنده زمستانها، خیلی به ندرت در ساحل دریای خزر دیده می‌شود. از ماهی تغذیه می‌نماید. زمستانها بیشتر در آبهای ساحلی به سر می‌برد.

خانواده کاکایی **Laridae**

پرستوی دریایی گونه سفید ***Chlidonias hybrida***

نام انگلیسی : hiskered tern

این پرنده بطور کلی تابستانها فراوان است. از ماهی این پرنده بومی بوده و اخیراً از جزایر خلیج فارس گزارش شده است که در آنجا به تعداد نسبتاً فراوان دیده می‌شود. از ماهی و سایر مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن سواحل سنگی، جزایر مرجانی، سواحل هموار و گلی و در نقاطی که درخت حرا می‌روید می‌باشد. بطور انفرادی در بوته‌های انبوه و یا روی شاخه‌های درخت حرا در مناطق باتلاقی آشیانه می‌سازد.

گاوچرانک ***Bubulcus ibis***

نام انگلیسی : cattle egret

نسبتاً فراوان است. بطور کلی تابستانها در مناطق ساحلی دریای خزر دیده می‌شود. تعدادی از آنها زمستانها در ایران باقی می‌مانند. از حشرات تغذیه می‌نماید. کمتر از حواصیلهای دیگر به آب بستگی نشان می‌دهد. معمولاً در حال تغذیه همراه با گله‌های گاو در علفزارها، باتلاقها و فضاهای باز و خشک دیده می‌شود. در نیزارها، یا روی درختها در خشکی و یا مجاورت آب آشیانه می‌سازد.

اگرت سفید بزرگ ***Egretta alba***

نام انگلیسی : great white heron

زمستانها زیاد است. ممکن است به تعداد کم در ایران زاد و ولد نماید. از ماهی تغذیه می‌نماید. در ساحل دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، باتلاقهای کم گیاه و مردابهای ساحلی زندگی می‌نماید معمولاً بصورت دسته‌های پراکنده در نیزارهای انبوه زاد و ولد می‌کند و به ندرت روی بوته‌ها یا درختها آشیانه می‌سازد.

اگرت کوچک ***Egretta garzetta***

نام انگلیسی : little egret

این پرنده فراوان است. تعداد کمی از آنها زمستان را در حوالی دریای خزر می‌گذرانند. از ماهی تغذیه می‌نماید. بطور دسته جمعی و اغلب با حواصیلهای دیگر، روی بوته‌ها یا درختها، در تالابها، مردابهای ساحلی و باتلاقها زندگی می‌نماید.

اگرت ساحلی ***Egretta gularis***

نام انگلیسی : western reef heron

این پرنده بومی و فراوان است. از ماهی تغذیه می‌نماید.

زیستگاه آن سواحل، خورها و نیز در آبها و مزارع داخل خشکی است. معمولاً بطور دسته جمعی روی صخره‌های ساحلی، جزایر، سواحل ماسه‌ای و گاهی در باتلاقها زاد و ولد می‌کند.

کاکایی نوک تیز ***Larus canus***

نام انگلیسی : common gull

زمستانها در ساحل دریای خزر فراوان است و در خوزستان، فارس و سواحل جنوبی ایران به تعداد کم دیده می‌شود. همه چیز خوار است. زیستگاه آن مشابه کاکایی نقره‌ای است.

کاکایی پشت سیاه ***Larus fuscus***

نام انگلیسی : lesser black - bached gull

این پرنده بصورت مهاجر عبوری نسبتاً فراوان است و در همه جای ایران دیده می‌شود. زمستانها تعدادکمی از آنها در طول سواحل جنوبی ایران باقی می‌مانند. همه چیزخوار است. زیستگاه آن مشابه کاکایی نقره‌ای است ولی بیشتر در داخل خشکی و یا دور از ساحل در وسط دریا دیده می‌شود.

کاکایی صورتی ***Larus genei***

نام انگلیسی : slender - billed gull

این پرنده زمستانها زیاد است. به تعداد نسبتاً فراوان در ایران زاد و ولد می‌کند. از همه چیز تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن آبهای ساحلی و خورها است. بصورت دسته‌های کوچک یا بزرگ، گاهی همراه با پرستوهای دریایی در سواحل گلی و جزایر وسط مردابهای ساحلی، در باتلاقها و در امتداد ساحل رودخانه‌ها آشیانه می‌سازد.

کاکایی دودی ***Larus hemprichii***

نام انگلیسی : Hemprich's gull

زمستانها نسبتاً فراوان است. همه چیزخوار است. پرنده‌ای است ساحلی که در سواحل سنگی و ماسه‌ای بیشتر دیده می‌شود. در جزایر کوچک دور از ساحل و سواحل ماسه‌ای روی زمین آشیانه می‌سازد.

کاکایی بزرگ ***Larus ichthaetus***

نام انگلیسی : great black - headed gull

زمستانها فراوان است. همه چیز می‌خورد. زیستگاه آن تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن آبهای داخل خشکیها است. بصورت دسته‌های پراکنده زاد و ولد می‌کند و در وسط مردابها و تالابها آشیانه‌های شناور می‌سازد.

Chlidonias leucopterus

پرستوی دریایی بال سفید

نام انگلیسی: white - winged black tern

بصورت مهاجر عبوری در همه جای ایران زیاد است. امکان داردکه در شمال و غرب ایران زاد و ولد نماید. از ماهی تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن آبهای داخل خشکی است. گاهی در ساحل دریا نیز دیده می‌شود.

پرستوی دریایی سیاه ***Chlidonias niger***

نام انگلیسی : black tern

بصورت مهاجر عبوری در شمال و غرب ایران نسبتاً فراوان است. زیستگاه آن آبهای داخل خشکی است. گاهی در ساحل دریا نیز دیده می‌شود. از ماهی تغذیه می‌نماید.

پرستوی دریایی نوک کلفت ***Glochelidon nilotica***

نام انگلیسی : gull - billed tern

بطور عمده تابستانها در شمال ایران نسبتاً فراوان است. معدودی از آنها زمستان را در جنوب شرقی دریای خزر باقی می‌مانند. از ماهی تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن باتلاقهای شور، سواحل ماسه‌ای و آبهای داخل خشکی است. بصورت دسته‌جمعی در سواحل ماسه‌ای و جزایر کوچک مردابهای شور زاد و ولد می‌کند.

پرستوی دریایی خزر ***Hydroprogne tschgrava***

نام انگلیسی : Caspian tern

به تعداد نسبتاً فراوان در ایران زاد و ولد می‌کند. زمستانها فراوان است. ضمن مهاجرت بطور منظم در ناحیهٔ دریای خزر دیده می‌شود. امکان داردکه در جنوب شرقی دریای خزر نیز زاد و ولد کند. از ماهی تغذیه می‌نماید. بطور عمده ساحلی است ولی در دریاچه‌ها و رودخانه‌های بزرگتر نیز دیده می‌شود.

کاکایی نقره‌ای ***Larus argentatus***

نام انگلیسی : herring gull

زمستانها خیلی زیاد است. به تعداد زیاد در ایران زاد و ولد می‌نماید. این پرنده همه چیز خوار می‌باشد.

کوچک ماسه‌ای و سنگی دور از ساحل بصورت دسته‌های خیلی بزرگ روی زمین آشیانه می‌سازند.

Sterna bengalensis

پرستوی دریایی کاکلی کوچک

نام انگلیسی : lesser cresred tern

بطور کلی بومی و فراوان است. از ماهی تغذیه می‌نماید. زیستگاه ترجیحی آن آبهای طبیعی است.

پرستوی دریایی کاکلی ***Sterna bergii***

نام انگلیسی : reat crested tern

بطور کلی بومی و فراوان است. از ماهی تغذیه می‌نماید. پرنده‌ای است ساحلی که معمولاً در وسط دریا تغذیه می‌کند و روی سواحل ماسه‌ای وسیع و گاهی سواحل سنگی استراحت می‌نماید. بصورت دسته‌های بزرگ در جزایر کوچک و سواحل ماسه‌ای، روی زمین آشیانه می‌سازد.

پرستوی دریایی معمولی ***Sterna hirundo***

نام انگلیسی : common tern

تابستانها نسبتاً فراوان است و بصورت مهاجر عبوری در همه جای ایران دیده می شود. از ماهی و سایر آبزیان تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن سواحل دریا، دریاچه‌های آب شیرین، رودخانه‌های بزرگ و تالابهای وسیع می‌باشد. بطور دسته جمعی در سواحل، بین تپه‌های شنی و یا در جزایر زاد و ولد می‌کند.

پرستوی دریایی تیره ***Sterna repressa***

نام انگلیسی : white - cheeled tern

تابستانها فراوان است. از ماهی و سایر آبزیان تغذیه می‌کند. زیستگاه آن شبیه پرستوی دریایی معمولی است ولی هرگز در داخل خشکی دیده نمی‌شود.

پرستوی دریایی بدصدا ***Sterna sandvicensis***

نام انگلیسی : sandwich tern

بصورت مهاجر عبوری در سواحل دریای خزر فراوان است. زمستانها به تعداد فراوان در سواحل جنوبی ایران به سر می‌برند. بطور اتفاقی در خشکی دیده می‌شود. از ماهی و سایر آبزیان تغذیه می‌نماید. تقریباً همیشه در دریا دیده می‌شود. بصورت دسته‌های بزرگ در سواحل شنی و ماسه‌ای و جزایر سنگی یا ماسه‌ای و گاهی در سواحل دریا، مردابهای ساحلی و دریاچه‌های شور می‌باشد. به ندرت در حوالی آبهای شیرین دیده می‌شود.

کاکایی پشت سیاه بزرگ ***Larus marinus***

نام انگلیسی : great black - bached gull

در زمستان گاهی بصورت سرگردان در ساحل دریای خزر دیده می‌شود. اخیراً تنها دوبار وجود این پرنده در ایران گزارش شده است. همه چیزخوار است. بیشتر در دریا و در امتداد ساحل و خورها دیده می‌شود.

کاکایی کوچک ***Larus minutus***

نام انگلیسی : little gull

زمستانها در زمینهای پست ساحل دریای خزر زیاد است. بطور اتفاقی در آذربایجان و به سمت جنوب تا فارس، خوزستان و خلیج فارس دیده شده است. همه چیز خوار است. زیستگاه آن مانند کاکایی سرسیاه است.

کاکایی سرسیاه ***Larus ridibundus***

نام انگلیسی : black - headed gull

زمستانها خیلی زیاد است و در همه جا دیده می‌شود. به تعداد کم در ایران زاد و ولد می‌کند. همه چیزخوار است. معمولاً در طول ساحل، در لنگرگاهها، در مسیر رودخانه‌ها و گاهی در کشتزارها و دور از آبهای وسیع دیده می‌شود. بصورت دسته جمعی در مردابها، چمنزارها، سواحل شنی و جزایر دریاچه‌ای زاد و ولد می‌کند.

پرستو دریایی کوچک ***Sterna albifrons***

نام انگلیسی : little tern

تابستانها فراوان است. از ماهی و سایر آبزیان تغذیه می‌نماید. در سواحل ماسه‌ای و شنی دریاها و دریاچه‌ها، زندگی می‌نماید. بصورت دسته‌های پراکنده و کوچک در ساحل دریاچه‌ها و رودخانه‌ها زاد و ولد می‌کند.

پرستوی دریایی پشت دودی ***Sterna anaethetus***

نام انگلیسی : bridled tern

تابستانها فراوان است و در جزایر خلیج فارس زاد و ولد می‌کند. از ماهی و سایر آبزیان تغذیه می‌کند. دریازی است و فقط برای زاد و ولد به خشکی می‌آید. در جزایر

تابستانها نسبتاً فراوان است. در جزایر خلیج فارس و تنگهٔ هرمز زاد و ولد می‌کند. از ماهی تغذیه می‌نماید. دریازی است و فقط در هنگام زاد و ولد به خشکی می‌آید. در جزایر کوچک و بزرگ سنگی، داخل شکاف سنگها و یا زیر بوته‌ها آشیانه می‌سازد.

Phalacrocoracidae خانوادهٔ باکلان‌ها

Phalacrocorax carbo باکلان

نام انگلیسی : cormorant

زمستانها خیلی زیاد است. به تعداد نسبتاً فراوان در ایران زاد و ولد می‌کند. از ماهی تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن سواحل دریا، خورها، دریاچه‌های ساحلی و آبهای داخل خشکی است. بطور دسته جمعی روی تخته سنگهای ساحلی یا جزایر وسط دریاچه‌ها و یا روی درختان آشیانه می‌سازد.

Phalacrocorax nigrogulavis

باکلان گلو سیاه

نام انگلیسی : socotra cormorant

بومی و فراوان است. در جزایر خلیج فارس زاد و ولد می‌کند. از ماهی تغذیه می‌نماید. منحصراً دریازی است، گرچه معمولاً زیاد از خشکی دور نمی‌شود. در جزایر سنگی یا ماسه‌ای روی زمین آشیانه می‌سازد.

Phalacrocorax pygmeys باکلان کوچک

نام انگلیسی : pygmy cormorant

زمستانها فراوان است. به تعداد کم در مرداب انزلی زاد و ولد می‌کند. بصورت سرگردان در منطقهٔ فارس دیده شده است. از ماهی تغذیه می‌نماید. آبهای درون خشکی از جمله رودخانه‌ها و تالابها را به ساحل دریا ترجیح می‌دهد. آشیانهٔ نامرتبی روی بوته‌های مردابها می‌سازد.

Podicipedidae خانواده کشیم،

Podiceps auritus کیشم گوشدار

نام انگلیسی : slavonian grebe

زمستانها در سواحل دریای خزر نسبتاً فراوان است. از مواد گیاهی و مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. زمستانها ساحل آبهای درون خشکی آشیانه سازی و زاد و ولد می‌کند.

Sterna saundersi پرستوی دریایی ساندرز

نام انگلیسی : saunders' little tern

زمستانها فراوان است. از ماهی و سایر آبزیان تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن شبیه پرستوی دریایی کوچک است ولی منحصراً دریازی است.

Pandionidae خانوادهٔ عقاب ماهی‌گیر

Pandion haliaetus عقاب ماهیگیر

نام انگلیسی : osprey

نسبتاً فراوان، احتمالاً در بیشتر نقاط سواحل جنوبی ایران زاد و ولد می‌کند. از ماهی تغذیه می‌نماید. همواره نزدیک آب، اعم از دریاچه، رودخانه‌های بزرگ و یا ساحل دریا زندگی می‌کند. آشیانه‌اش را روی درختها، صخره‌های پرتگاهها، جزایر کوچک دوردست، خرابه‌ها و گاهی نیز در زمینهای شنی یا سنگلاخ می‌سازد.

Pelecanidae خانواده پلیکان‌ها

Pelecanus crispus پلیکان پا خاکستری

نام انگلیسی : dalmatian pelican

زمستانها نسبتاً فراوان است. به تعداد کم در ایران زاد و ولد می‌کند. از ماهی تغذیه می‌نماید. رفتار، پرواز و زیستگاه این پرنده شبیه به پلیکان سفید است.

Pelecanus onocrotalus پلیکان سفید

نام انگلیسی : white pelican

تابستانها در دریاچهٔ اورمیه فراوان است. گاهی در فارس و سیستان نیز زاد و ولد می‌کند. ضمن مهاجرت در تالابهای سراسر ایران دیده می‌شود. از ماهی تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن آبهای وسیع داخل خشکی، باتلاقها و مردابهای کم عمق ساحلی است. بطور دسته جمعی در نیزار آشیانه می‌سازد.

Phaethonidae خانوادهٔ پرندگان نوک سرخ دریایی

Phaethon aethereus نوک سرخ دریایی

ردیف	نام فارسی	نام علمی	خانواده	زیستگاه	مهاجر یا بومی	جمعیت	رژیم غذایی	رفتار تغذیه‌ای	زیستگاه ترجیحی
۴۰	پرستوی دریایی کاکلی	*Sterna bergii*	"	"	"	"	"	"	"
۴۱	پرستوی دریایی معمولی	*Sterna hirundo*	"	"	"	"	ماهی + سایرین	"	"
۴۲	پرستوی دریایی تیره	*Sterna repressa*	"	"	"	"	"	"	"
۴۳	پرستوی دریایی بد صدا	*Sterna sandvicensis*	"	"	"	"	"	"	"
۴۴	پرستوی دریایی ساندرز	*Sterna saundersi*	"	"	"	"	"	"	"
۴۵	پلیکان پا خاکستری	*Pelecanus crispus*	Pelecanidae	"	"	نادر	ماهی	"	"
۴۶	پلیکان سفید	*Pelecanus onocrotalus*	Pelecanidae	"	"	وافر	"	"	"
۴۷	نوک سرخ دریایی	*Phaethon aethereus*	Phaethonidae	"	مهاجر زمستانه	نادر	"	"	"
۴۸	باکلان	*Phalacrocorax carbo*	Phalacrocora-xidae	"	بومی	وافر	"	"	آبهای طبیعی +استخرهای پرورشی
۴۹	باکلان گلوسیاه	*Phalacrocorax nigrocolis*	Phalacrocora-xidae	"	مهاجرزمستانه	نادر	"	"	"
۵۰	باکلان کوچک	*Phalacrocorax*	"	"	"	"	"	"	آبهای طبیعی
۵۱	کشیم گوشدار	*Podiceps auritus*	Podicepcidae	"	مهاجر	وافر	موادگوشتی + موادگیاهی	"	"
۵۲	کشیم بزرگ	*Podicesp cristatus*	"	"	بومی	"	ماهی	"	آبهای طبیعی +استخرهای پرورشی
۵۳	کشیم گردن سرخ	*Podiceps grisegna*	"	"	"	موادگوشتی + موادگیاهی	"	"	آبهای طبیعی
۵۴	کشیم‌گردن‌سیاه	*Podiceps nigrocolis*	"	"	"	"	"	"	"
۵۵	کشیم کوچک	*Podiceps ruficullis*	"	"	"	"	موادگوشتی + مواد گیاهی	"	آبهای طبیعی +استخرهای پرورشی

ردیف	نام فارسی	نام علمی	خانواده	زیستگاه	مهاجر یا بومی	جمعیت	رژیم غذایی	رفتار تغذیه‌ای	زیستگاه ترجیحی
۵۶	عقاب ماهیگیر	*pondion halliaetus*	"	خشکزی	مهاجر	نادر	ماهی	ثابت	آبهای طبیعی +استخرهای پرورشی
۵۷	کبوتر دریایی	*Paffinus assimilis*	"	"	"	وافر	"	متحرک	آبهای طبیعی
۵۸	اسکوای قطبی	*Sterecorarius parasiticus*	Sterecorariidae	"	"	نادر	"	"	"
۵۹	اسکوای دم‌پیچ	*Stercorarius parasiticus*	"	"	"	"	"	"	"
۶۰	جغدماهیخوار	*Ketupa zeyloneensis*	**Stregidae**	"	بومی	"	مواد گوشتی	"	آبهای طبیعی
۶۱	بوبی نقابدار	*Sula dactylatra*	**Sulidae**	"	مهاجر	نادر	ماهی	متحرک	"

ولد کند. از ماهی تغذیه می‌نماید. دریازی است و فقط هنگام زاد و ولد به خشکی می‌آید. داخل سوراخهای زمین در جزایر کوچک سنگی یا پوشیده از علف آشیانه می‌سازد.

Stercorariidae خانوادهٔ اسکواها،

Stercorarius parasiticus اسکوآی قطبی

نام انگلیسی : arctic skua

زمستانها در سواحل جنوبی ایران نسبتاً فراوان است. بصورت مهاجر عبوری و به مقدار کم در دریای خزر دیده می‌شود. از ماهی تغذیه می‌نماید. هم در وسط دریا و هم در نزدیک ساحل دیده می‌شود.

Stercorarius pomarinus اسکوآی دم‌پیچ

نام انگلیسی : pomarine skua

زمستانها در نزدیکی سواحل جنوبی ایران نسبتاً فراوان است. بصورت مهاجر عبوری از سواحل جنوب شرقی دریای خزر گزارش شده است. از ماهی تغذیه می‌نماید. بیشتر دور از ساحل و در وسط دریا زندگی می‌کند. گاهی در کنار ساحل نیز دیده می‌شود.

Stregidae خانواده جغدها

Ketupa zeylonensis جغد ماهی‌خور

نام انگلیسی : brown fish owl

بومی مناطق خاص است و بندرت دیده می‌شود. از مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. همیشه نزدیک آب، در سواحل دریا و در جنگلهای مناطق پست کنار رودخانه‌ها و جویبارها دیده می‌شود. بین سنگها و سوراخ درختها و در آشیانهٔ متروک پرندگان شکاری بزرگ آشیانه می‌سازد.

Sulidae خانوادهٔ بوبی‌ها

Sula dactylatra بوبی نقابدار

نام انگلیسی : masked booby

بطور اتفاقی در سواحل بلوچستان و تنگهٔ هرمز دیده شده است. جز در هنگام زاد و ولد همیشه در دریا است. بطور دسته جمعی معمولاً روی لبهٔ تخته سنگهای ساحلی و جزایر سنگی وسط آب آشیانه می‌سازد.

بیشتر در خلیج‌های پناه‌دار و خورها، و نیز در آبهای شیرین دیده می‌شود.

Podiceps cristatus کشیم بزرگ

نام انگلیسی : great crested grebe

زمستانها در سواحل دریای خزر نسبتاً فراوان است. از مواد گیاهی و مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. زمستانها بیشتر در خلیج‌های پناه‌دار و خورها و نیز در آبهای شیرین دیده می‌شود.

Podiceps grisegna کشیم گردن سرخ

نام انگلیسی : red - necked grebe

زمستانها به تعداد کم دیده می‌شود. بندرت در ایران زاد و ولد می‌کند. از ماهی و مواد گیاهی تغذیه می‌نماید. زمستانها را بیشتر در نزدیکی ساحل می‌گذرانند. در نیزارها و آبگیرهای پر گیاه آشیانه می‌سازد.

Podiceps nigrocolis کشیم گردن سیاه

نام انگلیسی : black - necked grebe

زمستانها زیاد است. به تعداد نسبتاً فراوان در ایران زاد و ولد می‌کند. از مواد گیاهی و مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. زیستگاه آن آبگیرها و دریاچه‌ها است. بصورت گروههای کوچک پراکنده در نیزارهای ناحیهٔ کم عمق آبگیرها، دریاچه‌ها و مردابهای ساحلی آشیانه می‌سازد. زمستان را در پهنهٔ دریاچه‌ها یا در امتداد ساحل می‌گذراند.

Podiceps ruficullis کشیم کوچک

نام انگلیسی : little grebe

بومی و فراوان است. تعداد نسبتاً زیادی از این پرنده زمستانها به ایران می‌آیند. از مواد گیاهی و مواد گوشتی تغذیه می‌نماید. در آبگیرها، دریاچه‌ها و مانداب‌ها زندگی و زاد و ولد می‌کند. زمستان را در خورها و یا در آبهای درون خشکی می‌گذراند.

Procellariidae خانوادهٔ کبوترهای دریایی

Puffinus assimilis کبوتر دریایی کوچک

نام انگلیسی : little shearwater

در خلیج فارس فراوان است، ولی کمتر به ساحل نزدیک می‌شود. ممکن است در جزایر خلیج و تنگه هرمز زاد و

aqueduct آبراه، مجرای عبور آب

aqueous آبی، آبدار، آبکی

aquiferous آبده، آب‌خیز

Aquila صورت فلکی عقاب

Ara صورت فلکی مجمر

Arabian Basin حوضهٔ آبگیر دریای عربی، ناحیه‌ای در بخش جنوبی دریای عربی وابسته به اقیانوس هند می‌باشد. پشتهٔ کارلزبرگ، حوضه آبگیر عربی را از حوضه آبگیر سومالی در جنوب غربی جدا می‌نماید. مرز شمالی این حوضه خلیج عمان است. عمیق‌ترین نقطهٔ آن ۳۶۵۸ متر عمق دارد. رود ایندوس (Indus)، یکی از بزرگترین و مشهورترین راههای آبی آسیا، این حوضه را تغذیه می‌کند.

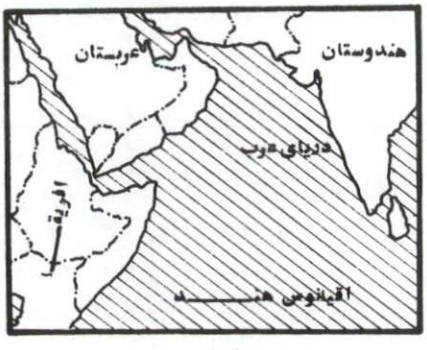
(مراجعه شود به Indian Sea, Arabian Sea).

Arabian monocle bream سیم هرمز، لباس جو، ماهی از خانوادهٔ دم‌ریش ماهیان با نام علمی *Scolopsis ghanam* طول آن ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر است. در سراسر بخش شمالی و غربی اقیانوس هند غربی، به انضمام بیشتر سواحل آفریقای جنوبی، دریای سرخ و خلیج فارس و همچنین در دریای آندامان وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی، بخصوص در اطراف آبسنگهای مرجانی، (روی بسترهای ماسه‌ای) می‌باشد. در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن، بوسیلهٔ تور کششی کفی، قلاب دستی، تله و تور گوشگیر انجام می‌شود.

Arabian parrot fish طوطی ماهی عربی، خرگوش ماهی (فارسی)، از خانوادهٔ طوطی ماهیان، با نام علمی *Scarus arabicus* می‌باشد. طول آن حدود ۳۵ سانتیمتر است. تاکنون از خلیج عدن و دریای عمان گزارش شده است. صید آن با تله، تور و ابزار سنتی انجام می‌گیرد.

Arabian Plate صفحهٔ کوچک نفوذی در میان صفحهٔ رو به گسترش آفریقا، صفحهٔ ایران و صفحهٔ آلوتیان. نیروی وارد شده به طرف شمال، از طرف صفحهٔ عربی، صفحهٔ ترکیه را به سمت غرب می‌راند.

Arabian Sea دریای عرب، بازوی شمال غربی اقیانوس هند که در غرب هندوستان، در طول ساحل شبه جزیرهٔ عربستان و در شرق آفریقا قرار دارد. دریای عرب در غرب پشتهٔ میانی اقیانوس قرار دارد و دو حوضهٔ آبگیر عمیق آن، یعنی حوضهٔ عربی و حوضهٔ سومالی، توسط پشتهٔ کارلزبرگ، از هم جدا شده‌اند. خلیج فارس، خلیج عدن و دریای سرخ، بخشهایی از دریای عربی هستند. این دریا در دروهٔ مزوزوئیک ـ سنوزوئیک گسترش یافته است، ولی بعضی ویژگیهای آن، تا دورهٔ پلیوسن قدمت دارند. جریانهای این دریا ناشی از بادهای بارانزای موسمی است. از نوامبر تا مارس، بادهای فصلی شمال شرقی، باران کم و بادهای سبک را به این دریا می‌آورند که بهترین آب و هوا را به منطقه می‌دهند. بادهای فصلی تابستانی از جنوب غربی، باعث باران و تغییر الگوی جریانهای هوا می‌گردند. جریان استوایی جنوبی در عرض جغرافیایی ۵ درجه به سمت شمال می‌رود که در این منطقه بعنوان جریان سومالی شناخته می‌شود، سپس جریان در طول ساحل به طرف شرق ادامه می‌یابد تا به سواحل شبه قارهٔ هندوستان برسد. نواحی فراجوشی، در سواحل آفریقا و عربی، بخوبی شناخته شده‌اند. شوری این دریا، بخصوص در زمستان زیاد است. در فصل بارش، میزان شوری حدود ۱ درصد (از میانگین ۳/۵ به ۳/۶ درصد) تغییر می‌یابد. مساحت این دریا حدود ۳,۸۶۳,۰۰۰ کیلومترمربع و حجم آن ۱۰,۵۶۱,۰۰۰ کیلومترمکعب و عمق متوسط آن ۲۷۳۴ متر می‌باشد.



دریای عرب

ماهی از خانوادهٔ شوریده ماهیان طبال، با نام علمی *Argyrosomus heinii* در ایران به نام سولی (در چابهار) نامیده می‌شود. طول آن حدود ۴۰ سانتیمتر است. فقط از سواحل جنوبی دریای عرب و خلیج عمان گزارش شده است. از آبهای ایران، در دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تور کششی کفی انجام می‌شود.

Arabian Sea meagre

Arabian smooth hound

نوعی کوسهٔ کوچک کفزی از خانوادهٔ Triakidae. نام علمی آن *Mosis mustelus* می‌باشد. طول بالغ آن ۶۳ تا ۸۰ سانتیمتر است ولی تا طول ۱۰۶ سانتیمتر هم گزارش شده است. غذای اصلی آن به احتمال زیاد سخت‌پوستان می‌باشند. طبق اطلاعات موجود، پراکندگی آن به بخش شمالی اقیانوس هند غربی، از دریای سرخ، خلیج فارس، پاکستان و ساحل غربی و جنوب شرقی هند و سریلانکا محدود می‌شود. گسترش این نمونه به طرف شرق، به داخل اقیانوس هند شرقی، هنوز مشخص نشده است. این ماهی زنده‌زا است. اندازهٔ نوزادان بین ۳۳ تا ۳۷ سانتیمتر می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای کششی کفی، تورهای گوشگیر کفی ثابت و شناور و یا رشته قلاب طویل انجام می‌شود.

دریای آرافورا، تودهٔ آبی که شمال استرالیا را از غرب آیریان (قبلاً به نام گینهٔ نو بوده) و اندونزی جدا می‌کند. آبشخوری به عمق ۳۰۰۰ متر به سمت شمال شرقی، به طرف غرب آیریان دارد. حوضه آن در نزدیکی استرالیا، یک فلات کم عمق با عمق ۵۰ تا ۸۰ متر می‌باشد. جزایر آرو در این فلات کم عمق قرار دارند. مساحت این دریا، حدود ۱،۰۳۲،۰۰۰ کیلومترمربع، حجم آن ۱۰۴،۰۰۰ کیلومتر مکعب، و عمق متوسط آن ۱۹۷ متر است. آب دریای آرافورا، از طریق مبادی ورودی اقیانوسهای آرام و هند عوض می‌شود. جریانهای سطحی در آن خیلی کم است (نیمکرهٔ جنوبی)، ولی در زمستان به آرامی به سمت غرب جاری هستند. دمای آب سطحی حدود ۲۶ تا ۲۸ درجهٔ سانتیگراد است.

Arafura Sea

دریای آرال ، دریاچه‌ای در مرز بین کشورهای قزاقستان و ازبکستان که در شرق دریای خزر قرار دارد. دریاهای آرال و خزر زمانی بخشی از دریای تتیس (Tethys) بوده‌اند. دریای آرال و خزر در گذشته به دریای مدیترانه متصل بوده‌اند.

Aral Sea



دریای آرال

ماهی هاداک احشاء درآورده، سر زده و تمیز شده ولی دو نیمه نشده، شور شده با نمک خشک یا با محلول نمک در آب بدن ماهی به مدت یک ساعت و دودی گرم شده، به مدت ۴۵ تا ۵۰ دقیقه

Arbroath smokie

گروهی از موجودات منقرض شده، که در کامبرین زیرین تا میانی می‌زیسته‌اند. رده‌بندی آنها مشکل است و ممکن است شاخه‌ای مستقل تلقی شوند و یا جزو مرجانهای سخت (آهکی) به حساب آیند. غذایشان را مانند اسفنجها می‌بلعیدند. بنابراین، ممکن است شاخه‌ای حد واسط بین اسفنجها و مرجانها بوده باشند. در آبهای گرم و کم عمق فراوان بوده‌اند.

Archaecyantha

ماهی کمانگیر با نام علمی *Taxotes jaculator*

archer fish

گروه کوچکی از شاخهٔ کرمهای حلقوی، ساکن سواحل عمیق هستند، باقیماندهٔ آنلیدهای مژکدار می‌باشند.

Archiannelida

Archimede Research Vessel

کشتی تحقیقاتی ارشمیدس، زیر دریایی فرانسوی که در برنامهٔ تحقیقاتی FAMOUS در سال ۱۹۷۴ مورد استفاده قرار گرفت. این زیردریایی تا اعماق حدود ۲۴۰۰ تا ۳۰۰۰ متر می‌رود، ولی نمی‌تواند مانند زیردریایی کوچکتر آمریکایی به نام آلوین مانور بدهد.

archipelagic plain مراجعه شود به abyssal floor

archipelago مجمع‌الجزایر، گروهی از رشته کوههای آتشفشان مجزا، که شیب دره‌های آنها، در زیر آب فرو رفته‌اند ولی قله‌هایشان بصورت جزایر بیرون از آب هستند مانند مجمع‌الجزایر هاوایی و کارائیب

archipelago baseline خطوط مبدأ مجمع‌الجزایری

arctic شمالگان، قطب شمال، وابسته به قطب شمال

arctic circle حلقهٔ قطبی شمال، خط فرضی با عرض جغرافیایی ۳۲ ′ ۶۶° نیمکرهٔ شمالی، در امتداد این خط در طول انقلاب تابستانه (۲۱ ژوئیه) خورشید غروب نمی‌کند. در طول انقلاب زمستانه (۲۱ دسامبر) خورشید طلوع نمی‌کند. در شمال این خط، دورهٔ ۲۴ ساعتهٔ شبانه‌روز، به ۶ ماه روز و ۶ ماه شب در قطب شمال افزایش می‌یابد. این خط که ناحیهٔ قطب شمال را از منطقهٔ معتدلهٔ شمالی جدا می‌کند، به سمت شمال روسیه یا شبه جزیرهٔ اسکاندیناوی، گرینلند، کانادای شمالی و آلاسکا پیش می‌رود و به بالاترین نقطهٔ ایسلند می‌رسد. جیمز کوک انگلیسی در سال ۱۷۷۸، موفق شد که از حلقهٔ قطبی شمال بگذرد. او نخستین کسی بود که هر دو قطب زمین راطی کرد.

Arctic Convergence=(Arctic Convergence Zone or line) ناحیهٔ همگرایی قطب شمال ؛ محدودهٔ قطبی نیکمرهٔ شمالی، ناحیهٔ مزبور به دلیل وضعیت خاص اقیانوسها در مدارهای شمالی، دقیقاً تعریف نشده است.

Arctic Islands جزایر قطب شمال، جزایری که در مدار قطب شمال و یا بالای آن قرار دارند. هوای این مناطق به دلیل مجاورت آنها با آب ، و نیز وجود دو نقطهٔ کم فشار، یکی در نزدیکی مجمع‌الجزایر آلوتیان و دیگری در نزدیکی ایسلند، معتدل است. برخی از این جزایر با یخ پوشیده شده‌اند. میزان بارندگی در بیشتر آنها زیاد است. تعدادی از آنها دارای رشته کوههایی می‌باشند. قلهٔ Forel در گرینلند، بلندترین قله در این مناطق است. بیشترین سطح پوششی این منطقه، تندرا می‌باشد. از بزرگترین جزایر در این مناطق می‌توان جزیرهٔ گرینلند با مساحت ۲۱,۱۷۵,۰۰۰ کیلومترمربع، و جزیرهٔ بافین با مساحت ۵۰۰,۰۰۰ کیلومترمربع، را نام برد. جزایر ویکتوریا و الیزمیر از جزایر کوچک قطبی می‌باشند.

arctic loon مرغ غواص گردن سیاه قطب شمال *Gavia arctica*

Arctic Ocean اقیانوس شمالی، آبهای قطب شمال، ناحیهٔ اقیانوسی در شمال آمریکای شمالی و اوراسیا، که تا کنون دقیقاً مورد بررسی قرار نگرفته و در طول زمستان پوشیده از یخ است. ضخامت لایهٔ یخی معمولاً کمتر از ۱۶۰۰ متر است. کف این اقیانوس از سنگهای مختلف پوشیده شده است. قطب شمال در ناحیهٔ دشت مغاکی قطب، با عمق حدود ۴۲۰۰ متر قرار دارد. فلات قاره به طرف قطب گسترش یافته است. عمق این مناطق کمتر از ۱۵ متر می‌باشد. بستر این اقیانوس به دو بخش حوضه‌های کانادا و اوراسیا تقسیم می‌گردد. پشتهٔ لومونوزوف (Lomonosov) در حوضهٔ کانادا و پشتهٔ آلفا در نزدیکی آن قرار دارد. امتداد پشتهٔ میانی اقیانوس اطلس، به نام پشتهٔ نانست، این اقیانوس را به دو حوضه اوراسیا و کانادا تقسیم می‌نماید. حوضه اروپا- آسیابطور متوسط عمیق‌تر از حوضه کاناداست. دمای آب این اقیانوس

منطقه‌ای با آب عمیق و سرد، در غرب پشتهٔ میانی اقیانوس اطلس و مقابل فلات قارهٔ آمریکای جنوبی که در حوضه اسکاتیا پایان می‌یابد. عمق متوسط این حوضه ۵۰۰۰ متر است.

argil خاک رُس، رُست

argillaceous به تمام سنگها یا رسوبات رسی که دارای خاک رس باشد اطلاق می‌گردد.

argo سفینه ، کشتی

argon آرگون، گازی که در حد نزدیک به اشباع (۳۳/۶ میلی لیتر در ۱۰۰ گرم آب دریا با دمای ۲۰ درجهٔ سانتیگراد و فشار یک اتمسفر) در آب دریا وجود دارد. نسبت نیتروژن به آرگون تقریباً ثابت و حدود ۳۷ به ۳۹ می‌باشد. این نسبت، مبنایی برای تعیین غلظت سایر گازهاست.

argosy کشتی بزرگ، ناوگان

Argyrops filamentosus ماهی شانک

Argyrops spinifer ماهی شانک کویر

Argyrosomus hololepidotus میش ماهی

Argyrosomus japonicus میش ماهی ژاپنی

Aries صورت فلکی بره (حمل)

Ariidae خانواده گربه ماهیان دریایی

Arioma indica ماهی آرین

Aristotle (384-322 B.C.)

ارسطو، فیلسوف یونانی و معلم علم طبیعی، وی کتاب خود را تحت عنوان « تاریخ طبیعی و جانورشناسی » در سالهای ۳۴۲ تا ۳۴۴ قبل از میلاد به رشتهٔ تحریر درآورد. تاریخ طبیعی او بر اساس این اعتقاد پایه‌گذاری شده است که خلقت موجودات زنده بر پایه یک نظم و قانون طبیعی انجام گرفته است. او انسان را به عنوان حیوانی پیچیده، رده‌بندی کرد و نیز حیوانات را پیچیده‌تر از گیاهان دانست. جانداران را به دو دستهٔ بزرگ تقسیم نمود. حدود ۵۰۰ نوع گیاه و حدود ۵۵۰ تا ۶۰۰ گونه از جانوران را نامگذاری کرد.

Aristotles lantern فانوس ارسطو،

یکنواخت بوده و زیاد شور نیست. جانداران این ناحیه شامل، جمعیتهای عظیم پلانکتون است که غذای سخت‌پوستان و صدفها را تأمین می‌کنند. جثهٔ این جانداران نسبت به همتاهای حاره‌ای آنها، بزرگتر است. به دلیل پوشش یخ، میزان نفوذ نور در این منطقه کم بوده و این امر، حیات دریایی را محدود می‌نماید.



اقیانوس منجمد شمالی

arctic smoke دود قطبی،
بخار آب دریای قطب شمال

arctic tern پرستوی قطب شمال

Arcturus ستاره نگهبان شمال، سماک رامح

areolated grouper هامور، لدام،
سمن، از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus areolatus* با طول ۳۵ سانتیمتر می‌باشد. این ماهی در اقیانوس هند غربی، دریای سرخ، خلیج فارس، اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی، به طرف شرق تا ملانزیا یا جنوب ژاپن و استرالیا وجود دارد. اما، گزارشی از وجود این ماهی در ماداگاسکار یا موریس ارائه نشده است.این ماهی معمولاً در بالای بیرون زدگیهای کوچک سنگی، در برآمدگیهای مرجانی، در مناطق شنی سیلیسی، و یا در بسترهای پوشیده از گیاه وجود دارد. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط قلاب، تور گوشگیر و گرگور در آبهای ساحلی انجام می‌شود.

Argentine Basin حوضه آرژانتین،

نواحی مختلف دریا، این موجودات کوچک، باریک، شفاف و کرمی شکل هستند. تنوع آنها بسیار زیاد و بصورت توده‌های بزرگی دیده می‌شوند. *Sagitta* بعنوان جنس شاخص این گروه از جانوران می‌باشد.

artery = aorta شریان

artesian water آب آرتزین،

آب شیرین یک چشمهٔ آرتزین، اگر آب آرتزین با فشار زیاد از بستر خارج شود، می‌تواند به عنوان آب گرم و شیرین به سطح دریا برسد. چشمه‌هایی که در اثر بالا آمدن دریا، پر شده‌اند و یا در اثر فرو ریختن غارهای آهکی تخریب شده‌اند، آب آرتزین را تولید می‌نمایند.

arthropod بندپا

Arthropoda شاخهٔ بندپایان،

شاخه‌ای از جانوران که حشرات، عنکبوتیان و سخت پوستان را شامل می‌شود.بیشتر آنها دارای اسکلت سخت خارجی هستند، ولی گروهی نیز دارای صفحات کربنات کلیسمی با اتصالات نرم بینابین می‌باشند.

articular مفصلی، بندی

artificial مصنوعی، دستی

artificial batching پرورش مصنوعی

artificial drier دستگاه ماهی خشک کن

مراجعه شود به fish drier

artificial fertilization

بارور کردن مصنوعی، تلقیح مصنوعی

artificial food غذای مصنوعی،

هر گونه غذایی که از بیرون به محیط آبی به منظور تغذیه ماهیها، وارد آب می‌شود.

artificial lake دریاچه مصنوعی

artificial manure کود مصنوعی،

کود شیمیایی مرکب از چیزی غیر از کود حیوانی

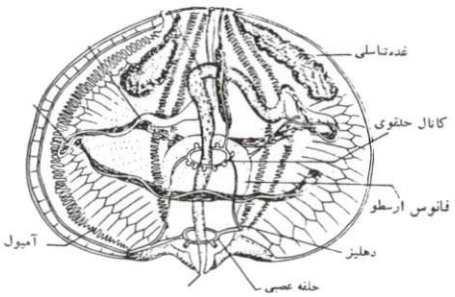
artificial propagation زادآوری مصنوعی،

پرورش ماهی برای افزودن گونه‌ها در شرایط مصنوعی

artificial respiration = resuscitation

تنفس مصنوعی

ساختار دندانی شکل اطراف دهان گروهی از خارپوستان مانند توتیای دریائی که از چندین قطعه استخوان کوچک تشکیل شده است. مراجعه شود به sea urchin



فانوس ارسطو در Arbacia

Arius arius گربه ماهی

Arius caelatus گربه ماهی، گلّو

Arius maculatus گربه ماهی خال‌دار

Arius thalassinus گربه ماهی غول پیکر، گلّو

ark کشتی، قایق

arm بازو، بازوی ستارهٔ دریایی،

یکی از شعاعهای ستارهٔ دریایی

armada ناوگان سنگین جنگی

armament sweeper جمع کننده گروه جنگ افزار

armatur هر ساختار یا عضوی که وظیفه دفاعی

داشته باشد مانند مو، شاخ، خار، نیش، صفحات استخوانی و فلس‌های خشن

armed naval vessel ناو جنگی

armor زره

Arnoglossus aspilos ماهی کفشک

arnota مراجعه شود به annatto

arrester gear سیم نگهدارنده

arrival ظاهر ترتیبی انرژی‌های متفاوت

موج به ثبت رسیده بر روی یک لرزه نگار یا صوت سنج

arrow head گیاه آبزی تیرکمان ، تیرکمان آبی

با نام علمی *Sagittaria latifolia*

arrow worm=Chaetognath = glass worm

کرم پیکانی، کرم شیشه‌ای، گروهی از جانوران متعلق به

artificial smoking دودی کردن مصنوعی،
افزودن رنگ و طعم دودی به ماهیان که بطور معمولی دودی نشده‌اند. این عمل توسط محلولهای حاوی مواد متراکم دود چوب و یا مواد تشکیل دهندهٔ آن انجام می‌شود.

artificial spawning ground
بستر تخم‌ریزی مصنوعی، فراهم آوردن هرگونه ترتیبی بطور مصنوعی در شرایط آب برای تخم‌ریزی

asbestos pans ظرفهای آزبست

Aschelminthes شاخه‌ای از کرمهای حلقوی
شامل نماتودها، روتیفرها، گاستروتریکیا، کینورینچا و بریاپولیدا، حفره‌های بدنی گروههای مذکور مشابه است و بیشتر آنها جونده‌های کوچک می‌باشند.

ascidian نوعی آبدزدک دریایی،
مراجعه شود به sea squirt

ascorbic acid اسید اسکوربیک، ویتامین c،
ویتامین سفید رنگ محلول در آب که در بدن ماهی بطور طبیعی توسط غدهٔ آدرنال تولید می‌شود. لایه‌ای از این ماده را جهت جلوگیری از فساد ماهی، روی ماهی منجمد شده استفاده می‌نمایند.

asdic دستگاه پژواک صوتی برای یافتن جانوران و وسایل زیر دریایی

aseismic ناحیه غیر زلزله‌خیز،
ناحیه بدون زلزله، ناحیه‌ای که روی خط زلزله قرار ندارد.

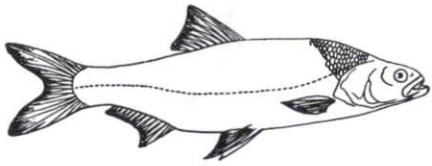
aseismic ridge پشته‌ها و مناطق مرتفع اقیانوسی
که مکانهای فعالیت آتشفشانی نیستند، ولی ممکن است در اثر تجمع مواد آتشفشانی بوجود آمده باشند. مانند، پشتهٔ والویز و رشته کوههای امپراطور

asexual reproduction
تولید مثل غیر جنسی (غیر آمیزشی)

ash = ash content خاکستر،
آنچه که بعد از سوختن تمام مواد آلی موجود در گوشت ماهی، باقی می‌ماند. از آن برای اندازه‌گیری مقدار مواد معدنی گوشت استفاده می‌شود.

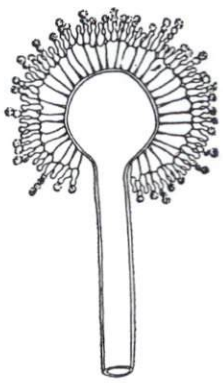
ashore بطرف ساحل، در کنار ساحل

asp ماش ماهی با نام علمی *Aspius aspius*،
یکی از زیباترین کپور ماهیان که از سایر گونه‌های کپور ماهیان بدلیل بدن استوانه‌ای و کشیده و همچنین عادت گوشتخوار بودن متمایز است. سر تیز، دهان پهن با بریدگی وسیع، لبهای قوی، فلس‌های ریز در ردیف‌های منظم و باله‌های سینه‌ای، پشتی و مخرجی نوک تیز، از ویژگیهای مرفولوژیک این ماهی است.



ماش ماهی *Aspius aspius*

Aspergilus flavus کپک آسپرژیلوس فلاووس،
نوعی قارچ که می‌تواند بر روی پروتئین مایع حاصل از ماهی، در مناطق گرم رشد و نمو نماید. این قارچ شرایط اسیدی و گرم را تحمل کرده و ایجاد سم آفلاتوکسین می‌نماید.



آسپرژیلوس

Aspericorvina jubata ماهی تعتعو

asphyxia خفگی،
خفه شدن در اثر کمبود اکسیژن (هوا)، کم شدن اکسیژن یا هوا

aspic herring شگ ماهی در ژله

aspiration مکش

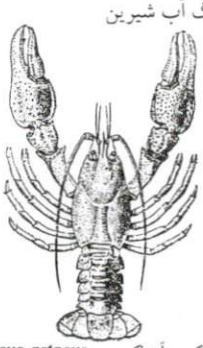
aspiration psycrometer رطوبت سنج مکشی

Aspius aspius مراجعه شود به asp

assistant navigator کمک افسر راه

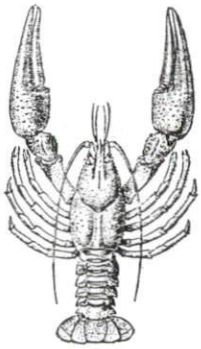
associated fishes ماهیهای همراه،
گونه‌های ماهی که به صورت گروههای پیوسته و دارای ویژگیهای خاص در شرایط فرضی می‌باشند.

Astacus نوعی خرچنگ آب شیرین



Astacus astacus آستاکوس آستاکوس

Astacus leptodactylus
خرچنگ آب شیرین مرداب انزلی



Astacus leptodactylus آستاکوس لپتوداکتیلوس

Astacus leptodactylus leptodactylus
خرچنگ آب شیرین انبرک دراز دریای خزر

Astacus pachypus
خرچنگ آب شیرین انبرک پهن دریای خزر

astaxanthin نوعی رنگدانه قرمز در
آزاد ماهیان و سخت‌پوستان، آستاگزانتین به ندرت باعث صورتی شدن گوشت سفید برخی از ماهیان می‌شود. نوع تغذیهٔ و گاهی اختلالات متابولیک ماهی در این فرآیند دخالت دارند.

astern عقب کشتی

asteroid سیاره کوچک، سیارک

Asteroidea ردهٔ ستاره‌های دریایی،
ستاره سانان، گسترش جهانی دارند. در طول سواحل آبهای مناطق عمیق زندگی می‌کنند. تقارن محوری دارند. دارای یک صفحهٔ مدور مرکزی هستند که به وسیلهٔ ۵ بازو احاطه شده است. صفحه‌ای که مقدار آب ورودی را تعدیل می‌کند، بر روی سطح خاردار بدن جانور قرار دارد. دهان، مخرج، دستگاه تنفس و پاهای لوله‌ای در بخش زیرین بدن واقع شده‌اند. گوشتخوار هستند و غذای آنها شامل مرجانها و یا صدفها می‌باشد.



ستاره دریایی

Asthenosphere کره‌نیمه سیال، لایه نیمه
سیال عمق پوسته زمین، این لایه نیمه مایع در پوستهٔ زمین واقع شده است. در عمق ۸۰ تا ۱۰۰ کیلومتری از سطح زمین قرار دارد. این حالت نیمه مایع است که حرکت صفحات زمین را ممکن می‌سازد.

astrology ستاره شناسی، اختر شناسی، نجوم

astro - navigation tables
جداول دریانوردی نجومی

astronomical day روز نجومی

astronomical symbols علائم نجومی

astronomical tide جزر و مد حاصل از
نیروی جاذبهٔ ماه و خورشید، این جزر و مد، برعکس یک جزر و مد هواشناسی است. زیرا نوع دوم معمولاً توسط باد و فشار جوی ایجاد می‌گردد.

astronomical unit واحد نجومی، واحد فاصله
بین سیارات معادل ۱۴۸,۶۴۰,۰۰۰ مایل

atarama=tarama salata

تخم ماهی عمل‌آوری شده

Atherina (Hespetica) boyeri گل‌آذین ماهی بویر

Atherina hepsetus گل‌آذین ماهی هپستوس

Atherina mochon pontica گل‌آذین ماهی پونتیک

Atherina presbyter

گل آذین ماهی قدیمی آب شیرین

Atherinidae خانوادهٔ گل‌آذین ماهیان آب شیرین

Atlantic Ocean اقیانوس اطلس، این اقیانوس حدود ۲۰ درصد آب سطح زمین را در خود جای داده است. خشکیهای بیشتری این اقیانوس را احاطه کرده‌اند و بیشترین آب رودخانه‌ای، به آن وارد می‌شود. خط استوا آن را به دو بخش اطلس شمالی و جنوبی تقسیم می‌نماید. برجسته‌ترین مشخصهٔ آن، پشتهٔ میانی اقیانوس است که از اقیانوس اطلس شمالی تا دریای اسکاتیا امتداد یافته است. باد و آب و هوای این اقیانوس، به دو الگوی شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردد. جریانهای بادی آن، در جهت عقربه‌های ساعت است. جریان سرد لابرادور در طول ساحل آمریکای شمالی در اقیانوس اطلس شمالی جریان دارد. جریان آب گرم در اقیانوس اطلس جنوبی، به سمت شمال و جنوب، تا زمانی که به سواحل آمریکا برخورد کند، جاری است و سپس در خلاف جهت عقربه‌های ساعت جریان می‌یابد. آب سرد و سنگین جنوبی، در زمستان فرو می‌نشیند و درنتیجه، اختلاط کامل آب انجام می‌شود. آب مناطق عمیق اقیانوس، غنی از اکسیژن و مواد مغذی است و مواد خام لازم برای رشد پلانکتون و گونه‌های پلاژیک را فراهم می‌کند. جریان دور قطب (سیر کامپولار قطب جنوب)، مقدار قابل توجهی از آب دنیا را از گذرگاه دریک عبور می‌دهد. مساحت این اقیانوس ۸۴,۱۳۶,۰۰۰ کیلومترمربع و حجم آن ۳۰۶,۴۰۰,۰۰۰ کیلومتر مکعب می‌باشد. عمق متوسط اقیانوس اطلس شمالی ۳۲۸۵ متر و عمق متوسط اقیانوس اطلس جنوبی ۴۰۹۲ متر است. عمیق‌ترین نقطهٔ آن ۹۲۰۰ متر عمق دارد.

Atlantic-type margin لبهٔ امتداد یافتهٔ تودهٔ قاره‌ای اطلس، که در زیر رسوبات فرو می‌رود. سرد شدن لیتوسفر (بخش صخره‌ای زمین) عاملی برای تولید این فرونشینی وگسترش آن است.

Atlantis جزیرهٔ آتلانتیس، جزیره‌ای افسانه‌ای در اقیانوس اطلس، نزدیک تنگه طارق، عده‌ای از زمین‌شناسان معتقدند که با انهدام جزیرهٔ مدیترانه‌ای ثرا (سانتورینی) در یک فعالیت آتشفشانی که حدود ۱۴۰ سال قبل از میلاد اتفاق افتاده، این جزیره نیز ناپدید شده است.

Atlantis Research ship

کشتی تحقیقاتی آمریکایی آتلانتیس، دو کشتی با این نام در سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۶۳ ساخته شدند. آتلانتیس ۲، برای تحقیق در دریای سرخ مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به همین امر، بخشی از دریای سرخ را (که دارای آب گرم بر روی رسوبات غنی از مواد معدنی است) به نام آتلانتیس عمیق می‌نامند.

Atlantis Seamount تپه‌های دریایی آتلانتیس، یک رشته قله‌های زیر دریایی در شیب شرقی پشتهٔ میانی اقیانوس اطلس، در جنوب مجمع‌الجزایر آژور (Azores) می‌باشند.

atmosphere اتمسفر، جو، پوششی از گازها، بخار آب و ذرات معلق که زمین را احاطه کرده‌اند. عناصر اصلی اتمسفر با منطقهٔ جغرافیایی تغییر می‌کند. تروپوسفر نزدیک‌ترین لایهٔ اتمسفر به زمین است که دارای ۷۸ درصد نیتروژن، ۲۱ درصد اکسیژن، ۰/۹ درصد آرگون، ۰/۰۱ درصد دی‌اکسید کربن و مقادیر متنابهی بخار آب می‌باشد. بزرگترین چرخشهای هوا در این منطقه انجام می‌گیرد. آب و هوا در این لایه تعیین می‌شود. دمای میانگین اتمسفر، با افزایش ارتفاع از سطح زمین، به طرف تروپوسفر و از تروپوسفر به تروپوپوز کاهش می‌یابد و سپس در استراتوسفر افزایش پیدا می‌کند. لایهٔ استراتوسفر، لایه‌ای است که دارای اوزون می‌باشد. بعد از استراتوسفر ذرات باردار قرار دارند که برای ارسال امواج رادیویی حائز اهمیت است. اگزوسفر خارجی‌ترین لایه است که با محیط بین سیاره‌ای مخلوط می‌شود.

Atmospheric Science = Meteorology

علوم جوی یا هواشناسی، مطالعه و بررسی جوّ یا هوای دور زمین، برخی از واژه‌های مرتبط با این علوم عبارتند از :

۱ - altocumulus آلتوکومولوس توده ابری
که به شکل پشته‌های کروی بزرگ دیده می‌شود.

۲ - altocumulus castellanus
آلتوکومولوس کاستلانوس توده ابری از انواع ابر شماره ۳۲

۳ - altocumulus floccus
آلتوکومولوس فلاکوس توده ابری از انواع ابر شماره ۳۲

۴ - altostratus praecipitans
آلتواستراتوس پریسیپیتانس، یک لایه ابر پوششی (ملحفه مانند) با ارتفاع متوسط که قسمتهای بالایی آن باران‌زا می‌باشد.

۵ - atom layer لایه اتمی

۶ - aurora = polar light اورورا ـ نور قطبی

۷ - cirrocumulus سیروکومولوس ، یک لایه ابر نازک
راه راه که بصورت توده‌های کروی در آسمان دیده می‌شود.

۸ - cirrostratus سیرواستراتوس ، لایهٔ ابری پوششی
متشکل از بلورهای یخی

۹ - cirrus سیروس ابری از بلورهای یخی در
ارتفاع بالا که نازک است و شکلهای مختلفی به خود می‌گیرد.

۱۰ - cold front جبهه هوای سرد

۱۱ - cumulinimbus کومولینیمبوس،
توده ابری پشته‌ای که دامنه عمودی بزرگی دارد و می‌توان آن را جزء ابرهای نوع ۱ تا ۴ در طوفانهای استوایی به حساب آورد.

۱۲ - cumulus (woolpack cloud)
کومولوس (ابریشم گونه پشته‌ای)

۱۳ - cumulus congestus کومولوس کانجستوس،
کومولوس پشته‌ای با برجستگیهای عمودی مشخص

۱۴ - cumulus humilis کومولوس هیومیلیس،
کومولوس هوای خوب، ابر صاف پشته‌ای

۱۵ - exosphere اگزوسفر

۱۶ - fractocumulus فراکتوکومولوس یک لایه
ابر غیر یکنواخت با اشکال موج مانند که در زیر نیمبوستراتوس ظاهر می‌شود.

۱۷ - fractostratus فراکتوکومولوس یک لایه ابر
غیر یکنواخت که در زیر نیمبواستراتوس ظاهر می‌شود.

۱۸ - ionosphere یونوسفر

۱۹ - luminous clouds = noctilucent clouds
ابرهای نورانی، ابرهای پرتو افشان

۲۰ - manned ballon بالونهای دارای تجهیزات

۲۱ - meteor شهاب سنگ

۲۲ - nimbostratus نیمبواستراتوس،
ابر پوششی ملحفه مانند با قسمتهای عمودی خیلی بزرگ که باران یا برف تولید می‌کند.

۲۳ - ozone layer لایه ازون

۲۴ - rainbow رنگین کمان

۲۵ - range of soundwave propagation
مرز انتقال موج صوتی

۲۶ - shooting star شهاب سنگ

۲۷ - shower بارندگی پراکنده، رگبار،
بارش تند و منقطع

۲۸ - sounding ballon بالونهای صوتی

۲۹ - steady rain or snow باران یا برف مداوم که
بصورت یکنواخت در منطقه وسیعی می‌بارد.

۳۰ - stratocumulus استراتوکومولوس، ابر لایه‌ای که
در توده‌های سنگین ایجاد می‌شود.

۳۱ - stratosphere استراتوسفر

۳۲ - stratus (high fog) استراتوس (مه مرتفع)،
لایه ضخیم ابر لایه‌ای (پوششی یا ملحفه مانند)

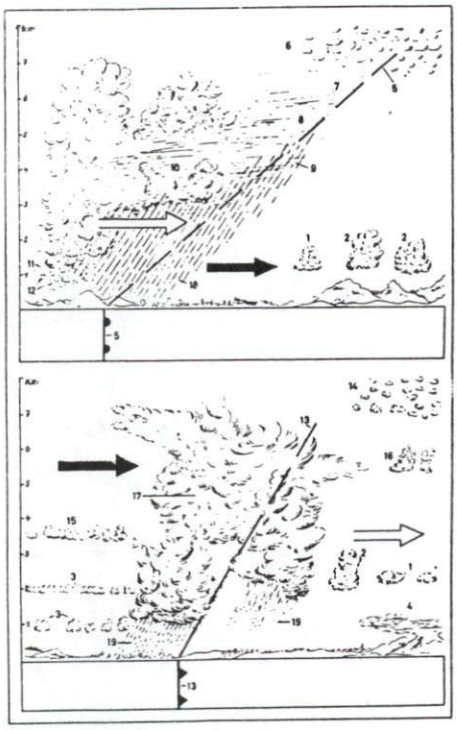
۳۳ - thunderclouds ابرهای دارای رعد و برق

۳۴ - tropopause تروپوپوز

۳۵ - Troposphere تروپوسفر

۳۶ - warm front جبهه گرم

۳۷ - zero level حد صفر ـ سطح صفر



atoll صخرهٔ مرجانی حلقوی،
حلقه‌ای از خشکی که توسط مردابهای حاره‌ای و صخره‌های مرجانی احاطه شده است که اغلب از صخره‌های بازالتی با منشأ آتشفشانی، و از ستونهای آهکی پوشیده از مرجان، تشکیل شده است. جزایر کوچکی که آتولها را می‌سازند، قطری حدود ۲ کیلومتر (یک مایل) تا ۱۲۰ کیلومتر (۷۸ مایل) دارند.

atom کوچکترین واحد کامل یک عنصر،
اتم به تنهایی یا بصورت ترکیب با سایر اتمها می‌تواند وجود داشته باشد. قابل تقسیم به اجزای کوچکتر با روشهای شیمیایی نمی‌باشد. یک اتم از اجزاء کوچکتری که بعضی از آنها دارای بار و جرم هستند و بعضی تنها جرم دارند، تشکیل شده است. اصلی‌ترین این اجزاء عبارتند از: پروتون، الکترون و نوترون.
پروتون، ذرهٔ مثبت، با واحد جرم یک دالتون، الکترون با بار منفی و جرم $\frac{1}{1800}$ جرم پروتون و نوترون بدون بار، با جرم برابر جرم پروتون است.

atom layer لایه اتمی، مراجعه شود به
atmospheric science = meteorology

ATP (adenosine triphosphate)
آدنوزین تری‌فسفات، مولکول انرژی دار سلولی، منبع انرژی و ترکیب انتقالی در بیشتر سازگانهای زیستی است. یک ترکیب فسفره است که می‌تواند گروه فسفات را به مولکول دیگر منتقل کند و نقش مهمی در متابولیسم حیاتی ایفاء می‌نماید.

atrip لنگر از زمین برداشته، آمادهٔ حرکت،
مربوط به بادبان کشتی

atrium دهلیز، دهلیز قلب ماهی

Atropus atropus نوعی ماهی، طالع،
تاله، بزک، (لنگه) (خلیج فارس)

attack carrier ناو هواپیمابر آفندی

at the dip پرچم نیم افراشته

audio frequency (A.F.)
فرکانسهای صوتی (شنوایی)

auk آک، پرندهٔ دریایی قطب شمال
(از خانوادهٔ آلسیده) با طول ۱۸ تا ۵۰ سانتیمتر که بخوبی پرواز نمی‌کند. روی صخره‌ها لانه می‌سازد و از ماهیان، سخت‌پوستان و پلانکتونها تغذیه می‌کند. گونهٔ آک بزرگ که شبیه پنگوئن و به اندازهٔ یک غاز بود، در اثر فعالیتهای انسان در دههٔ ۱۸۴۰ منقرض گردید.

auklet آک کوچک اقیانوس آرام،

Aulopyge hugeli ماهی کپور گوژپشت

Aurelia عروس دریایی یا مدوز معروف
به ماهی ژله‌ای از راسته Semaestomeae که به شکل یک چتر لبه‌دار است. بخش عمدهٔ بدن آن از آب تشکیل یافته و سمی می‌باشد.

Auriga صورت فلکی ارابه‌ران ـ ممسک الاعنه

aurora شفق قطبی

Aurora australis شفق قطبی نیمکرهٔ جنوبی

Aurora borealis شفق قطبی نیمکرهٔ شمالی

Australia قارهٔ استرالیا،
تنها قاره‌ای است که بطور کامل در نیمکرهٔ جنوبی قرار گرفته است. مساحت آن حدود ۷/۵ میلیون کیلومترمربع می‌باشد.

Australian Plate صفحهٔ استرالیا،
صفحهٔ قشری بزرگ در زیر استرالیا، زلاندنو و قسمت شرقی اقیانوس هند می‌باشد. مرز شرقی این صفحه (پشتهٔ مک کوایر) منطقهٔ فعالی است که زلزله‌های زلاندنو را موجب می‌گردد.

authigenic sediment
رسوب غنی از موادی مانند نمک معمولی و فسفریتها که در فلات قاره وجود دارد. این نوع رسوب ناشی از ترکیب شیمیایی است.

autochthonous محلی، بومی،
معمولاً برای مواد آلی که منشأ گیاهی دارند و در جریانهای آب مورد استفاده موجودات آبزی قرار می‌گیرند بکار برده می‌شود. ضد آن allochthonous می‌باشد.

autocolony کلنی جدید یک سینوبیوم
که شبیه کلنی اصلی است.

autolysis خود هضمی، اتولیز،
خودگواری، تجزیهٔ لاشهٔ موجودات به علت فعالیت آنزیمهایی که بطور طبیعی در سلولهای بافت زندهٔ آنها وجود دارد.

automatic feeder غذا دهندهٔ خودکار،
وسیله‌ای خودکار برای غذا دادن مصنوعی به ماهیها به ویژه در مراکز مجهز پرورش ماهی

automatic steering device سکان خودکار

automatic tide gauge جزر و مد نگار خودکار، دستگاهی که از یک جسم شناور متصل به یک استوانه تشکیل شده و به طور خودکار ارتفاع جزر و مد را برحسب زمان یادداشت می‌کند.

autospore هاگ بدون تاژکی که نوع کوچکتری از سلول سازنده‌اش است.

autotrophic خود غذاساز، خود غذاسازنده، موجودی که می‌تواند ترکیبات آلی مورد نیاز خود را با استفاده از مواد معدنی بسازد.

autotrophs موجودات خود غذاساز، تولیدکنندگان، اتوتروفها، این موجودات همراه با مصرف‌کنندگان (هتروتروفها) دو دستهٔ اصلی موجودات زنده را تشکیل می‌دهند. تولیدکنندگان با استفاده از مواد معدنی ساده در محیط زیست خود می‌توانند مولکولهای مورد نیاز خود را بسازند. انرژی مورد نیاز بیشتر تولیدکنندگان، توسط انرژی نور خورشید تأمین می‌گردد. به همین دلیل، آنها را فتوسنتز کننده می‌نامند. برخی از باکتریها انرژی مورد نیاز خود را از مولکولهای شیمیایی بدست می‌آورند که این گروه را شیمیوسنتزکننده می‌نامند.

autumnal equinox اعتدال پاییزی

autumn fry نوزاد یا بچه ماهی پاییزه، نوزاد ماهی که در پایان دورهٔ پرورش سالانه صید شده است و معمولاً توان زنده‌مانی بالایی دارد.

autumn overturn بهم خوردن پاییزه آب، برگشتگی پاییزه آب

auxiliary fleet ناوگان تدارکاتی

auxiliary sailing vessel کشتی بادی موتوردار

auxiliary service خدمات جنبی

auxiliary sheep کشتی تدارکاتی

Auxis thazard ماهی تون پشت منقوط

auxospore در دیاتومه‌ها یک سلول تولید مثلی که پس از دورهٔ غیرفعال (کُمون) افرادی با اندازهٔ اولیهٔ گونه ایجاد می‌نماید.

auxotrophy نیازمند به یک یا چند عامل رشد

availability در دسترس بودن، بخشی از جمعیت ماهیها که در فصول خاص در مناطق مناسب ماهیگیری زندگی می‌کنند.

available lysine مقدار لایزین موجود در پروتئین، برای مثال، در آرد ماهی، این کمیت بیشتر برای ارزیابی ارزش غذایی ماهی یا فرآورده‌های آن بکار می‌رود.

avocet پرنده دریایی منقار داسی با نام علمی *Recurvirostra avosetta*

awash موج گرفته، آب گرفته

aweigh تازه لنگر برداشته، دارای لنگر آویزان

awning چادر کشتی

azimuth سمت، جهت

azimuth circle سمت‌گیر، دایرهٔ سمتیه

azoic ناحیهٔ بدون حیات اقیانوسها، با این وجود، بیشتر مناطقی که در اقیانوسها با این عنوان معرفی شده‌اند، دارای نوعی زندگی باکتریایی یا گیاهی هستند. این اصطلاح در مقیاس زمان زمین‌شناسی، به دورهٔ پرکامبرین اشاره دارد. زیرا، هنوز اشکال مختلف حیات بوجود نیامده بودند.

Azores مجمع‌الجزایر آژور، مجمع‌الجزایری در اقیانوس اطلس با وسعت ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ کیلومترمربع (۹۰۰ تا ۱۲۰۰ مایل) در جنوب پرتغال. این جزایر قلل کوههای زیر دریا هستند، که در سه گروه مجزا قرار گرفته‌اند.

Azov Sea دریای آزوف، ادامهٔ دریای سیاه شمالی و شرق شبه جزیره کریمه که بوسیلهٔ تنگهٔ کرش به دریای سیاه متصل می‌گردد. دریای آزوف و تنگهٔ کرش، بسیار کم عمق هستند. عمیق‌ترین



دریای آزوف

azygoid هاپلوئید، پارتنوژنز، بکرزا

azygote موجودی که از طریق بکرزائی بوجود آمده باشد

azygous بدون جفت، بدون تخم

B

B درجه تازگی، تازه‌بودن،
سومین درجه کیفی بعد از ممتاز (E) و خوب (A)

B = bravo رمز مربوط به
« من در حال بارگیری و یا حمل کالای خطرناک هستم ».

Babelmandeb تنگه باب المندب به عرض ۱۷
کیلومتر که دریای سرخ را به خلیج عدن وصل می‌کند.

Bache , Alexander Dalles (1806-1867)
الکساندر دالس باخ، دانشمند فرانسوی و رئیس هیات بررسی سواحل آمریکا، فیزیکدانی تحصیل کرده در ارتش و آکادمی ارتش آمریکا و استاد علوم طبیعی و شیمی در دانشگاه پنسیلوانیا

Bacillariophyceae دیاتومه‌ها

back beach پس کناره

back end مصب، نقطه ورود
رودخانه به دریا یا دریاچه

back fire پس آتش

back freight کرایه عودت کالا

background noise صدای زمینه، صدای دیگری
که همراه صوت مورد نظر شنیده می‌شود.

back haull بازگشت کشتی با بار

backing واگشت، تغییر جهت وزش باد در
خلاف جهت عقربه‌های ساعت

backing of the wind عقب زدن باد در خلاف
جهت حرکت عقربه‌های ساعت در نیمکره شمالی و موافق جهت عقربه‌های ساعت در نیمکره جنوبی

back letter اصلاحیه قرارداد، متمم قرارداد

back pack کوله غواصی

back radiation = counter radiation
تشعشع جوی یک جریان رو به پائین که ازمیان سطحی معین عبور می‌کند. سطح مذکور بطور معمول سطح زمینی، و در اقیانوس شناسی سطح دریاها را شامل می‌شود.

back reef پشت بند یک صخره که ممکن است
پر از رسوبات باشد.

backrush موج بازگشتی ازساحل

back shore بخشی از ساحل که به جز هنگام
طوفانها و بلندترین جزر و مدها خشک است. نوار ساحلی نسبتاً باریک و صاف کنار دریا

backstays بکسل‌های شنی (عقب دکل)

backstock شنای کرال پشت

back swimmer حشره‌ای آبزی که روی آب به پشت
شنا می‌نماید.

backup (ship) کشتی پشتیبانی

back wash موج برگشتی از ساحل به سمت دریا، آبی که در پشت پروانه کشتی بیرون می‌آید، پس آب

back wash ripple علائم موج‌دار، موجک شنی، دارای دامنه کم که بر روی سواحل شنی نرم، بوسیله شستشوی ثانویه امواج تشکیل و معمولاً در حدود ۵۰ سانتیمتر از یکدیگر فاصله دارند.

back water مرداب (ناشی از امواج)

bacon beetle = leather beetle سوسک چرمی

bacteria باکتریها، جمع باکتری موجودات تک سلولی میکروسکوپی، که فاقد هستهٔ مشخص و اندامکهای غشادار می‌باشند. باکتریها در خشکی و محیطهای آبی زندگی می‌کنند. اهمیت زیادی در چرخه کربن و نیتروژن در این محیطها دارند. هر چند که بعضی از آنها هتروتروف (دگرخوار) هستند، بعضی از آنها با استفاده از انرژی موجود در مواد معدنی غذای خود را می‌سازند (شیمواتوتروفها یا خود غذاسازان به روش شیمیایی). بعضی از باکتریها فشار زیاد را تحمل می‌کنند، به همین دلیل در اعماق اقیانوسها و یا در کنار چشمه‌های آب گرم زیر دریایی، فعالیت خود غذاسازی شیمیایی دارند، نخستین سطح انرژی این مناطق را تشکیل می‌دهند. بعضی از باکتریها انگل موجودات دیگر می‌شوند، آنها را بیمار می‌کنند، می‌کشند و یا باعث مسمومیت می‌گردند. برخی دیگر ممکن است با موجودات دیگر همزیست شوند. مانند باکتریهایی که بصورت همزیست با ماهیان اعماق زندگی کرده و پرتو افشانی می‌نمایند.

bacterial باکتریایی، وابسته به باکتریها، میکروبی

bacterial activity فعالیت باکتریایی، تغذیه، رشد و نمو و تولید مثل باکتریها که باعث تولید آنزیمهای فاسدکننده گوشت ماهی و ایجاد سم می‌شود.

bacterial contamination آلودگی باکتریایی

bacterial count شمارش باکتریها، تعیین تعداد سلولهای باکتری، بعد از نمونه برداری و کشت آن، از شمارش باکتریها برای ارزیابی کیفیت گوشت ماهی، یا فرآورده‌های آن استفاده می‌شود.

bacterial load بارمیکربی، شمارش باکتریایی، تعداد باکتریها

bacterial spoilage فساد باکتریایی، فساد ماهی و فرآورده‌های آن در اثر فعالیتهای میکروبی

bactericidal توان میکروب کشی

bactericide میکروب کش، میکروب زدا، ماده کشنده میکروب

bacteriologic مربوط به میکروب شناسی، وابسته به باکتری شناسی

bacteriologist میکروب شناس، متخصص شناسایی باکتریها

bacteriology علم میکروب شناسی، باکتری شناسی

bacteriolysis انهدام باکتری، فساد و تحلیل میکروب

bacteriophage میکروب خوار، باکتری خوار

bacteriophagy باکتری خواری، تغذیه از باکتری

bacterioplankton باکتریهای معلق در آب

bacteriostatic بازدارندهٔ رشد میکروبی، موادی که از رشد و نمو باکتریها جلوگیری می‌کنند.

bacterization تحت تأثیر باکتری، آلودگی به میکروب

bacterize تحت تاثیر باکتری قرار دادن، با میکروب آلوده شدن

bad ماهی خراب، دارای کیفیت ضعیف و یا آلوده

Baffin Bay خلیج بافین، پیکره آبی که گرینلند را از کانادا جدا می‌کند. تنگهٔ دیویس این خلیج را به اقیانوس اطلس متصل می‌نماید. طول خلیج ۱۱۰۰ کیلومتر، عرض آن در محدودهٔ ۱۱۲ تا ۶۴۰ کیلومتر و عمق آن حدود ۳۶۰ تا ۲۷۴۰ متر می‌باشد. این خلیج، اغلب اوقات سال پوشیده از یخ می‌باشد. جریان لابرادور توده‌های یخ را در طول

baffle صفحه منعکس کننده

bag net تور کیسه‌ای

bagoong خمیر ماهی تخمیرشده

bagoong tulingan = Auxis thazard, Euthunnus yaito محصول ماهی شور، تهیه شده از تون ماهیان، سر و احشاء جدا می‌شود، هر دو پهلو چاک خورده و سپس با فشار دست پهن می‌گردد. این محصول معمولاً از گونه‌های اشاره شده تهیه می‌گردد.

baguio اسم محلی فیلیپینی برای طوفان، باد تایفون

Bahama Current (Antilles Current)

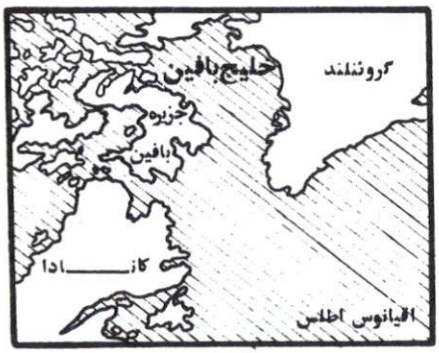
جریان باهاما (جریان آنتیلز)، جریان حاره‌ای شمال در بخش شمالی آنتیلز، این جریان را بوجود می‌آورد. جریان آنتیلز، به جریان فلوریدا، واقع در شمال جزیرهٔ گراند باهاما، می‌پیوندد و گلف استریم را تشکیل می‌دهد.

Bahamas مجمع‌الجزایر باهاما در اقیانوس اطلس، در جنوب فلوریدا و شمال کوبا. بزرگترین جزیرهٔ باهاما، جزیرهٔ آندروس می‌باشد که حدود ۲۶۰ کیلومتر طول و ۶۰ کیلومتر عرض دارد. این جزایر در آبی کم عمق قرار دارند. عمق اقیانوس در شرق جزیرهٔ آندروس حدود ۴۰۰۰ متر است. در شرق آندروس، غارهای در حال فرونشینی وجود دارد.



مجمع‌الجزایر باهاما

تابستان به این خلیج می‌آورد.



خلیج بافین

Baffin Island جزیرهٔ بافین، خشکی در شمال خلیج هودسن و راهی به تنگهٔ هودسن، این جزیرهٔ کوهستانی و پوشیده ازبرف، مرز غربی خلیج بافین (که بازوی غربی اقیانوس شمالی است) را تشکیل می‌دهد.



جزیره بافین

Baffin William (1584-1622)

کاشف انگلیسی قطب شمال و اولین کسی که سعی کرد، به طریق علمی، طول جغرافیایی را تعیین نماید. وی کشتی دیسکاوری را در سال ۱۶۱۵ هدایت کرد و گذرگاه شمال غربی آمریکای شمالی را یافت. او در طول سالهای ۱۶۱۷ تا ۱۶۲۱ بخش شرقی دریای مدیترانه، دریای سرخ و خلیج فارس را شناسائی و مورد بررسی قرار داد. وی در جنگ بین انگلیسها و پرتغالیها که به حمایت از شاه ایران انجام می‌شد، در محل تنگهٔ هرمز کشته شد.

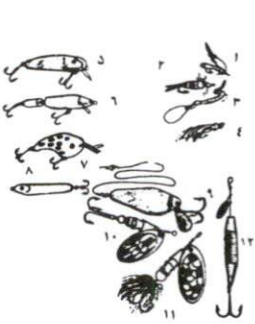
bail تخلیه آب قایق، سپردن ضمانت

bailbond ضمانت نامه

bailer طعمه را به قلاب ماهی بستن، طعمه دادن، دلوچه، سطل

bailor امانت گذار

bait طعمه ماهیگیری



انواع طعمه

bait casting انداختن طعمه

bait fish ماهی طعمه

bait fishing ماهیگیری با طعمه

bait size اندازه مناسب طعمه

balanced diet غذای متعادل

balanced population جمعیتی که نسبت افراد نر و ماده و نرخ افزایش و کاهش آن متناسب است .

balanced rudder تیغه سکان متعادل

balbakwa محصول ماهی شور، معمولاًبه یک ماهی بزرگ کامل، نمک به مقدار تقریب ۲۰ درصد وزن افزوده می‌شود تا فعالیت باکتریایی مطلوب، در طی مراحل کهنه کردن محصول، در طی مدت ۶ تا ۸ ماه را میسر سازد. این ماهی اصولاً قبل از سرو کردن، در سرکه گرم می‌شود.

Balearic Islands مجمع الجزایر بالئاریک، مجمع الجزایری در حوزه بالئاریک مدیترانه، این جزایر در آبهای نسبتاً کم عمق شرق اسپانیا قرار دارند.

baleen (or whalebone) پرده شاخی سه گوش آویزان از آروارهٔ فوقانی والهای پلانکتون خوار، این پرده، نوعی توری یا صافی است که دارای تعداد زیادی صفحه یا لبه‌های ریشه‌ای می‌باشد.

baleen whale (Mysticeti) تعدادی از پستانداران دریائی از راسته فرعی Mysticeti، شامل بالنهای رایت، خاکستری و وال بزرگ با پوست شیاردار عمقی و طولی

Bali Sea دریای بالی، دریایی در غرب اقیانوس آرام، این دریا مساحتی حدود ۱۱۹۰۰۰ کیلومتر مربع، حجمی حدود ۴۹۰۰۰ کیلومتر مکعب، و عمق متوسطی حدود ۴۱۱ متر دارا می‌باشد. آبشخور بالی، با عمق حداکثر ۱۵۹۰ متر بیشتر بستر این دریا را می‌سازد. رسوبات کف آن شامل مواد خاکی، خاکستر آتشفشانی، ماسه مرجانی و گل و لای است. این دریا از طریق تنگه‌های بالی و لومباک با اقیانوس هند مرتبط است. بزرگترین جریان آب ورودی به آن، از اقیانوس آرام و از دریاهای باندا و فلورس می‌باشد. بیشتر اقیانوس شناسان ، این دریا را بعنوان یک دریای مجزا نمی‌دانند زیرا آب آن، تفاوت فاحشی با آب دریاهای جاوه و فلورس ندارد.



دریای بالی

Balistidae خانوادهٔ ماشه ماهیان و سوهان ماهیان

balk pack کوله پشتی غواصی

balks = smoke stick میلهٔ چوبی یا آهنی که در

دودی کردن ماهی بکار می‌رود.

ballast تراز کننده، متعادل کننده، جرم متعادل
آنچه که در ته کشتی می‌ریزند تا آن را سنگین و متوازن کند و از واژگون شدن آن جلوگیری نماید، آب توازن کشتی

ballen مراجعه شود به baleen

ballistic پرتابی، بالونی

ballon fish گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ جوجه تیغی
ماهیان با نام علمی *Duidib gikicabtgys* که در فارسی بادبادک ماهی و تمبر (در چابهار) نامیده می‌شود. این ماهی با حداکثر طول ۳۰ سانتیمتر معمولاً در اطراف استوا وجود دارد. احتمالاً در برخی از جزایر اقیانوسی، دریای سرخ، دریای عمان و خلیج فارس روی صخره‌های مرجانی و بسترهای ماسه‌ای و گلی با عمق کم تا متوسط، زندگی می‌نماید. ماهیهای جوان، سطح زی بوده و به ندرت در سطح آبهای آزاد دیده می‌شوند. این ماهی بطور اتفاقی با تور کششی کفی صید می‌شود.

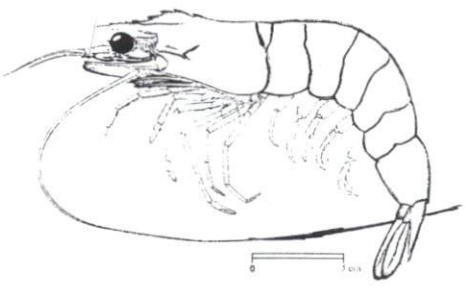
baloon sonde بالون هواشناسی

Baltic herring = Baltic hering
ماریناد هرینگ بالتیک، شگ ماهی دریایی بالتیک ماریناد شده در شوراب محتوی شکر که طعم خاصی ایجاد می‌نماید.

Baltic Sea دریای بالتیک،
بخشی از اقیانوس اطلس شمالی، که توسط خشکیهای اسکاگراک، کاتگات و دانمارک از آن جدا می‌شود. بزرگترین جزیرهٔ این دریا، گوتلند (سوئد) است. عمق این دریا، بخصوص در بخش شرقی، نسبتاً کم است. رودهای قطبی و نیمه قطبی آن را تغذیه می‌کنند، به همین دلیل آبهای سطحی این دریا شوری و مواد مغذی کمی دارند. شوری آب در بعضی نقاط آنقدر کم است که ماهیان آب شیرین به راحتی می‌توانند خود را با شرایط آب آن سازگار نمایند. در واقع محیطی حدواسط برای رفتن به دریا و بازگشت به آن می‌باشد. عمق آن در گوتلند حدود ۴۵۰ متر، خلیج ریگ حدود ۵۰ متر و مناطق کم عمق نزدیک دانمارک حدود ۱۰ متر می‌باشد. مساحت آن ۳۸۶,۰۰۰ کیلومترمربع، حجم ۳۳,۰۰۰ کیلومتر مکعب، عمق متوسط ۶۸ متر و عمیق‌ترین نقطهٔ آن ۴۵۹ متر می‌باشد.

balyk بالیک، گوشت تیره شور و خشک کردهٔ تاسماهیان، که در روسیه یک مادهٔ غذایی نفیس است.

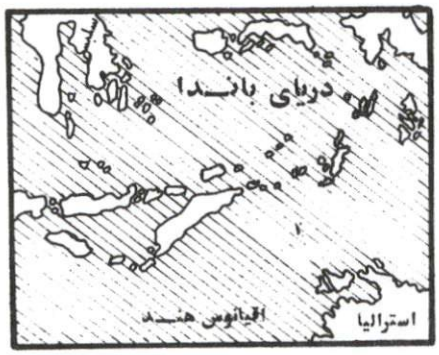
banana shrimp میگوی موزی،
گونه‌ای میگو از خانوادهٔ Penäeidae با نام علمی *Penaeus merguiensis* بیشترین طول نرها و ماده‌های این گونه به ترتیب ۱۹/۵ و ۲۴ سانتیمتر می‌باشد. این گونه در آبهای اقیانوس هند غربی، یعنی در سراسر سواحل شمالی و شرقی دریای عرب از خلیج عمان و تنگه هرمز، به سمت جنوب هند و سریلانکاو و به طرف شرق در آبهای جنوب چین، فیلیپین تا کالدونیای جدید و استرالیا وجود دارد. میگوی موزی ساکن نواحی فلات قاره، بیشتر در آبهایی که کمتر از ۲۰ متر عمق دارند، یافت می‌شود. گونه‌ای غیر حفاراست که بسترهای گلی و شنی و آبهای متلاطم را ترجیح می‌دهد. گاهی تشکیل گله‌های بزرگی را می‌دهند. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی دهانه‌دار، تورهای میگوگیری آزاد، تورهای میگوگیری ثابت، تور نرده‌ای، مخروطی، گردان ساحلی و قایقی و تور پرتابی انجام می‌گیرد. امکان صید آن در روز و شب وجود دارد.



Penaeus merguiensis

Banda Sea دریای باندا،
منطقه‌ای عمیق در اندونزی، در جنوب شرقی دریای سولاوی (دریای حلب) و شمال دریای تیمور، جزایر

مشهور این دریا منشاء آتشفشانی دارند. این منطقه به دلیل دارا بودن آب عمیق و سرد، که به سمت غرب، در اقیانوس هند جریان می‌یابد، مورد توجه قرار گرفته است. مساحت آن ۶۹۵,۰۰۰ کیلومتر مربع، حجم ۲,۱۲۹,۰۰۰ کیلومترمکعب، عمق متوسط ۳,۰۶۴ متر، و عمیق‌ترین نقطه آن ۷,۴۴۰ متر می‌باشد. آب اقیانوس آرام از طریق دریای مالاکا به این دریا می‌ریزد. محدوده دمای سطحی آن در تابستان و زمستان بترتیب ۲۸/۹ و ۲۵/۶ درجهٔ سانتیگراد می‌باشد.

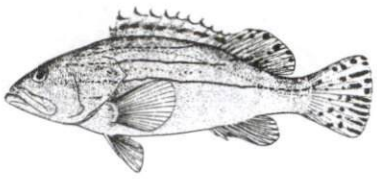


دریای باندا

مارماهیان رنگین نوار **band fishes**

هامور راه راه، **band grouper**

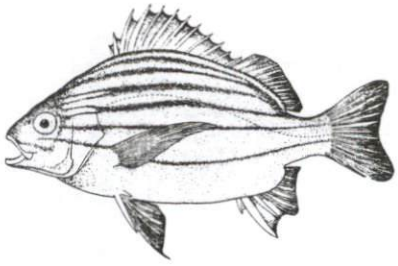
نوعی ماهی از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus latifasciatus* ، بیشترین طول آن ۷۰ سانتیمتر می‌باشد. این گونه در آبهای اقیانوس هند غربی، دریای سرخ، شمال اقیانوس هند، خلیج فارس، دریای عمان و سواحل هند و سریلانکا، همچنین در آبهای اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و به طرف شرق تا چین و ژاپن وجود دارد. ماهیهای جوان این گونه، در روی بسترهای گلی، و ماهیهای مسن در مناطق شنی و یا سنگی اعماق بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری زندگی می‌کنند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط قلاب، ریسمان، دام، تور گوشگیر و تور کششی انجام می‌گردد.



Epinephelus latifasciatus

سنگسر راه راه، **banded grunt**

گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسر ماهیان با نام لاتین *Pomadasys furcatus* در چابهار شال کور نامیده می‌شود در اقیانوس هند غربی، در طول ساحل شرقی آفریقا (شامل ماداگاسکار) و در دریای سرخ، از خلیج عدن به طرف سری‌لانکا وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی صخره‌ای می‌باشد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. به وسیله قلاب دستی و تور گوشگیر صید می‌شود.

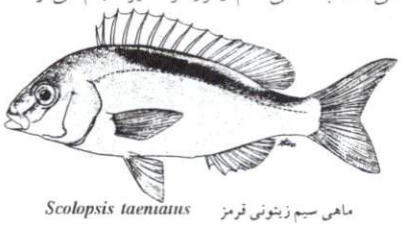


سنگسر راه راه *Pomadadsys furcatus*

ماهی سیم زیتونی **banded monocle bream**

هرمز، لباس جو، از خانوادهٔ دم ریش ماهیان، با نام علمی *Scoplopsis taeniatus*، بیشترین طول این ماهی ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر می‌رسد. عمدتاً از بی‌مهرگان کفزی تغذیه می‌نماید. از آبهای اطراف شبه جزیرهٔ عربستان (دریای سرخ، خلیج عدن و دریای عرب) و خلیج فارس گزارش شده است. ساکن آبهای ساحلی است. بیشتر در اطراف صخره‌های مرجانی، روی بسترهای ماسه‌ای زندگی می‌کند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و

دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تور کششی کفی، قلاب دستی، دام و تور گوشگیر انجام می‌گردد.



ماهی سیم زیتونی قرمز *Scolopsis taeniatus*

banded needle fish سوزن ماهی نواری،

سوزن ماهی راه‌راه، از خانوادهٔ سوزن ماهیان با نام علمی *Strongylura leiura* ، طـول آن ۳۵ تـا ۷۳ سـانتیمتر است. گوشتخواری است که عمدتاً از ماهیان کـوچکتر تغذیه می‌نماید. در سواحل شرقی آفریقا،از دوربان بـه طرف تانزانیا، سیشل، جزایر الدبرا، و خلیج فارس و در تمامی سواحل پاکستان و سریلانکا و نیز در نـواحـی شرقی اقیانوس آرام مرکزی وجود دارد. در شمال شرقی آسیا به سوی گینهٔنو، استرالیا و فیلیپین در حال انـتشار است. ساکن مناطق ساحلی می‌باشد، ولی وارد خورها نیز می شود. از ایران، در آبهای خلیج فـارس و دریـای عـمان گـزارش شـده است. صـید آن بـوسیلهٔ تـورهای شناور، احاطه‌ای ساحلی (پره) و پیاله‌ای گـردان انـجام می‌شود.



سوزن ماهی نواری *Strongylura leiura*

banding بندافتادن، نوارهای روشن بر روی

فیله‌های دودی شده که در اثر تماس با دستکها بوجود می‌آید .

bank ساحل رودخانه

bank protection حفاظت ساحل،

تثبیت ساحل رود به منظور جلوگیری از ته نشین شدن مواد در آب

Banks, Sir Joseph (1743-1820)

طبیعی دان انگلیسی که فعالیت علمی خود را از زمانی که در آکسفورد دانشجو بود آغاز نمود. او در سال ۱۷۷۶ به نیوفونلند و لابرادور سفر کرد ونمونه‌هایی از گیاهان و حشرات آن مـناطق را جـمع‌آوری نـمود و نـمونه‌های عجیب حیات گیاهی و جانوری را در استرالیـا گـزارش کرد. در سال ۱۷۷۸، به ریاست انجمن سلطنتی لنـدن برگزیده شد.

bank stick ساحل، گدار،

قسمت کم عمق رودخانه یـا دریـا، سـاحل رودخـانه، بخش نسبتاً مسطح، صاف و کم عمق بستر اقـیانوس، این بخش از دیدگاه تحقیقات اقیانوس شناسی با ارزش است، مانند گرانـد بـانکز در سـاحل نـیوفونلند و نـیز منطقه‌ای در ساحل جنوبی ایسلند به نام Lousy Banks

bar ۱) سد، بندآب،

سدی که بخشی از آن بیرون ازآب باشد.

۲) بار واحد فشار، که برابـر بـا ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ دیـن بـر سانتیمتر مربع است.

۳) پیش بندر

barb سس ماهی

barbary coast سواحل دزدان دریایی، سواحل

الجزایر، تونس، لیبی و مراکش تا اوایل قرن نوزدهم که محل فعالیت دزدان دریایی بود.

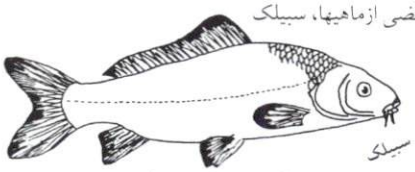
barbecue, to کباب کردن،

کباب کردن یا بریان کردن ماهی بر روی منقل زغال و یا گاز

barbecued sable fish ماهی کاد سیاه

(black cod) دودی گرم شده، تهیه شده از صید منجمد شده، ستون فقرات بعنوان یک قاعده جدا نمی‌شود.

barbel زائده‌های گوشتی و نرم اطراف دهان بعضی ازماهیها، سبیلک



سبیلک در ماهی کپور معمولی

barbel section منطقهٔ ماهی ریش دار،
ناحیه‌ای در رودخانه با جریان ملایم ولی حجم قابل ملاحظه که دارای گونه‌هایی ماهی با بدن بلند، مثل ماهی ریش‌دار، است.

barbel zone ناحیهٔ ماهی ریش‌دار

barber fishes ماهیهای رفتگر، ماهیان دکتر،
گروهی از ماهیها که مسئول تمیز کردن ماهیها، انگلها، مواد رستنی و بافتهای صدمه دیده هستند.

bar bound ship کشتی که به دلیل
نامساعد بودن هوا در اسکله متوقف شده است.

barbucid sand smelt ماهی شبه سوف،
گونه‌ای ماهی از خانواده Mugiloididae با نام علمی *Parapercis nebulosa* طول این ماهی ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر است و در سراسر اقیانوس هند (آفریقای جنوبی ودریای سرخ تا استرالیا) وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی است و روی بسترهای شنی و ماسه‌ای تا اعماق حداقل ۶۰ متری زندگی می‌کنند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ قلاب و یا بصورت صید ضمنی در تورهای کششی کفی انجام می‌گردد.



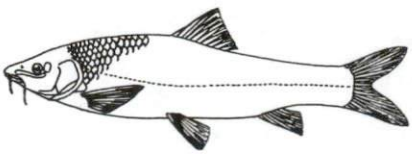
ماهی شبه سوف *Parapercis nebulosa*

Barbus barbus سس ماهی (آب شیرین)

Barbus barbus plebejur سس ماهی ایتالیا

Barbus brachycephalus caspius
سس ماهی دریای خزر

Barbus capito سس ماهی بزرگ سر، پلوت ماهی



سس ماهی سر بزرگ

Barbus comiza سس ماهی رود کورا

Barbus liscaucasicus سس ماهی رود اترک

Barbus meridionalis سس ماهی اروپای مرکزی

Barbus mursa سس ماهی لب کلفت سفید رود

Barents, Willem (1550-1597) ویلیام بارنتز،
دریا نورد هلندی در کشتی های تجاری هلند، وی در جستجوی یک گذرگاه شمال شرقی میان‌بر، از اروپا به آندز بود، که جزایر نوایازملایا، اسوالبارد و بارنتز را کشف کرد. جزیرهٔ بارنتز در اسوالبارد و دریای بارنتز به افتخار او نامگذاری شده‌اند.

Barents Sea دریای بارنتز،
بخشی از آبهای قطب شمال در شرق پتسبورگ که به نام کاشف هلندی آن بارنتز نامگذاری شده و از پشتهٔ بارنتز جدا شده است. اسکاندیناوی و شوروی در جنوب و نووایازیلایا در شرق آن قرار دارند. عمق آن بین ۱۰۰ تا ۳۵۰ متر می‌باشد. ولی در محل پیوستن به دریای نروژ تا حدود ۶۰۰ متر است. این منطقه مرزی، آب گرم گلف استریم و جریان آب بسیار سرد شمالی را دریافت می‌نماید. این اختلاط و همراه آن، منابع غنی مواد غذایی و اکسیژن زیاد، باعث شکوفایی پلانکتونها در تابستان می‌گردد. جمعیتهای پلانکتونی و بی‌مهرگان، در این دریا فراوان می‌باشند. مساحت ۱,۳۰۰,۰۰۰ کیلومترمربع، حجم ۳۲۲,۰۰۰ کیلومترمکعب، عمق متوسط ۲۲۹ متر.



دریای بارنتز

barge دوحه، بارج، کرجی، با قایق حمل کردن

bargee کرجی بان، قایق‌ران

barge man ملوان دوبه

barge master سرپرست دوبه

bark کشتی بادبانی که ۳ تا ۵ دکل مربعی دارد. دکل آخر بصورت جلو - عقب روی کشتی نصب می‌شود.

barkhan تپه شنی هلالی که در اثر وزش شنهای روان ایجاد شده باشد.

barnacle بارناکل، کشتی چسب، سخت‌پوستی از زیر راستهٔ سیریپیدیا، که پوستهٔ آن ساقه‌دار است. بارناکلها حدود ۸۰۰ گونه را شامل می‌شوند. بعضی از گونه‌ها برهنه هستند. انگل مرجانها یا سخت پوستان دیگر می‌شوند و یا اینکه بصورت همسفرگان چسبیده به لاک‌پشتها، والها و مرجانها زندگی می‌کنند. تاژکهای آنها، غذا را به معده هدایت می‌نمایند. تنفس آنها با عبور گاز از یک غلاف انجام می‌شود. (آبشش واقعی ندارند). هرمافرودیت هستند. تقریباً در تمام محیطهای دریایی زندگی می‌کنند وضررهای زیادی را به تجارت دریایی می‌رسانند. ظاهر تأسیسات ساحلی، سازه‌های دریایی و کشتی‌ها را بدنما می‌کنند.



بارناکل

barnacle goose بارناکل گردن غازی

bar net تور میله‌ای

barograph فشار نگار

barometer فشارسنج هوا

barometric pressure فشار جیوه

barotrauma ضایعه پوستی حاصل از تغییر فشار هوا

barotropy وضعیت فشار صفر هوا

barque, barquentine=bark بارکاس، کرجی

barracuda ماهی کوتر، ماهی باراکودا، ماهیان گوشتخوار موجود در آبهای استوائی که حدود ۲۰ گونه هستند و از خانوادهٔ Sphyraenidae می‌باشند. طول آنها ۱/۲ تا ۱/۸ متر است. گونه‌های بزرگ آن در دریای کارائیب و آبهای اقیانوس آرام غربی یافت می‌شوند. این ماهیان، تغذیه‌کنندگان مهاجم، با دهان بزرگ و دندانهای زیاد می‌باشند. باراکودای بزرگ به شناگران حمله می‌کند. صید آن ازنظر اقتصادی اهمیت دارد. ماهیگیران ورزشی، به دلیل تلاش زیاد این ماهی در هنگام گرفتار شدن، به صید آن علاقمند می‌باشند. طول گونه‌های باراکودای اقیانوس اطلس شمالی حدود ۴۲ سانتیمتر، و طول انواع اروپایی آنها (که در دریای مدیترانه و اطلس شرقی زندگی می‌کند) حدود ۹۰ سانتیمتر می‌باشد.



ماهی کوتر یا باراکودا *Sphyraena barracuda*

barrage سدبندی، ایجاد سد مصنوعی در آبراه برای بالا آوردن سطح آب

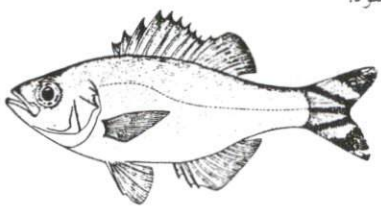
barrage pond احاطه نمودن آب بوسیله سد و ایجاد مخزن برای نگهداری آب یا پرورش ماهی

barratry زیان آنی عمدی کارکنان کشتی به صاحب کشتی

barred basin(sill basin) حوضه مجزا، بستر فرعی جدا شده از بستر اصلی

barred flagtail گروک (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ Kuhliidae با نام علمی *Kuhlia mugil* ، طول این ماهی ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر

است. از سخت پوستان شناور و ماهیهای کوچک تغذیه می‌کند. در بیشتر آبهای اقیانوس هندغربی وجود دارد، همچنین از اقیانوس هند شرقی و تمام اقیانوس آرام به طرف جزایر کالاپاگوس گزارش شده است. اغلب بصورت گله، در نزدیک صخره‌ها دیده می‌شود. ماهیهای جوان در آبگیرهای جزر و مدی وخورها دیده می‌شوند. در آبهای ایرانی دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ قلابهای کوچک و ریسمانهای سبک، تورهای ساحلی گردان، و پره و یا تورهای پرتابی انجام می‌شود.



ماهی گزوک (چابهار) *Kuhlia mugil*

barrel ۱) بشکه، واحد حجم برابر ۱۵۸ لیتر نفت یا ۱۱۹ لیتر مایعات دیگر (که تخمیر می‌شوند) ۲) لوله اسلحه

barrel bones استخوانهای سینه و دنده‌ها، استخوانهایی که هنگام فیله کردن ماهی، بریده می‌شوند.

barreled salted cod کاد شور چلیکی ماهی کاد شور نیمه شده ازطول و بسته‌بندی شده در چلیکهای پر از شوراب

barricade سد موقتی

barrier حصار، سد، بند، مانع

barrier beach = offshore barrier سد یا دیوارهٔ بیرون زده از دریا که با ساحل موازی است.

barrier fishing صید ماهی با کلهام، صید با شیل

barrier flat ناحیهٔ خشکی مسطح بین حوضچه‌های سدی ساحلی و دریا

barrier island جزیرهٔ ماهیگیری، جزیرهٔ حصاری، جزیرهٔ آبسنگی، قطعه زمین ماسه‌ای باریکی که مرداب را از اقیانوس جدا می‌کند. خورهای کم عمق جزایر حصاری را از یکدیگر جدا می‌کنند. ساختار داخلی این جزایر در اکثر جریانها و طوفانها خیلی سریع تغییر می‌کند.

barrier lagoon مرداب آتلی، مرداب حصار شده‌ای که با جزایر سد مانند، از اقیانوس جدا شده است.

barrier lake دریاچه سدی، دریاچه حصاری

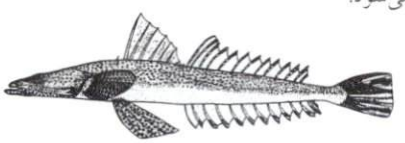
barrier reef صخره‌های جلوگیر، سد آبسنگی، صخره‌های حصاری، صخره‌های مرجانی مردابهای حصاری موازی با ساحل، عمق آب مرداب کم است، در نتیجه مرجانها می‌رویند، ولی شیب مرداب در طرف اقیانوس یکباره زیاد می‌شود. رشد مرجانها، تغییرات سطح آب دریا و یا فرونشینی ساحل باعث تشکیل صخره‌های حصاری می‌شوند.

Barrow point نقطه بارو، شمالی‌ترین نقطه آلاسکا در آبهای قطب شمالی

Barrow Strait تنگهٔ بارو، گذرگاه قطبی (شمال) که تانکر نفت اس اس مانهاتن شوروی در سال ۱۹۶۹ از آن عبور کرد، تا از طریق جزایر شمالی کانادا بین اقیانوس اطلس و آرام سفر کند. این تنگه در شمال جزیرهٔ ساتررست واقع است و در نقطه بارو (شمالی ترین نقطهٔ آلاسکا، و شروع خط لولهٔ سواحل دریای بوفورت) خاتمه می‌یابد.

bartail flathead ماهی زمین‌کن، ماهی هر، گونه‌ای از خانوادهٔ ماهیان زمین کن با نام علمی *Platycephalus indicus* طول آن ۶۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر است. جمعیتهای این ماهی در شمال دوربان در سراسر دریای سرخ و مدیترانهٔ شرقی، خلیج فارس، پاکستان، هند، سریلانکا، اقیانوس هند شرقی وغرب اقیانوس آرام مرکزی تا ژاپن، اندونزی، فیلیپین و استرالیا وجود دارد. گونه‌ای است کفزی که روی بسترهای شنی و گلی آبهای کم عمق خورها و ساحل تا عمق حدود ۲۵ متری

زندگی می‌کند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن با تور کششی کفی انجام می‌شود.



Platycephalus indicus ماهی زمین کن

basal بطرف یا روی بخش انتهایی، اساسی، پایه‌ای

basalt بازالت، نوعی سنگ آتشفشانی سیاه، سنگ آذرین خاکستری رنگ تا سیاه که حاصل فعالیت های آتشفشانی است و ساختار کریستالی دارد. ترکیب آن بصورت زیر می‌باشد: ۵۰ درصد دی‌اکسید سیلیس (SiO_2)، ۱۶ درصد اکسید آلومینیوم (Al_2O_3)، ۹ درصد اکسید کلسیم (CaO). بازالتهای تیره‌تر شامل پیروکسین، اولیوین و یا هر دو می‌باشند.

base ۱) پایگاه، پایه، اساس
۲) قلیا

base line خط مبدأ خطی است که حدود خارجی دریای سرزمینی وسایر مناطق دولت ساحلی از آن اندازه گرفته می‌شود. آبهای واقع در پشت خط مبدأ در حقیقت مرز بین آبهای داخلی و دریای سرزمینی است.

basement لایهٔ سنگی آذرین یا صخرهٔ دگرگون شده زیر سنگهای رسوبی یا آذرین

basibranchial عضو غضروفی یااستخوانی بطنی میانی در قوس آبشش، پشت زبان

basic بازی، قلیایی، دارای پی‌اچ بالای ۷، مادهٔ شیمیایی که وقتی در آب قرار گیرد، یون OH آزاد می‌کند.

basic diet غذای اصلی، غذایی که نیازهای پایه‌ای تغذیه را بر طرف می‌کند و رشد طبیعی (یک آبزی) را تامین می‌نماید.

basicity خاصیت بازی، قلیایی

basic rock سنگ بازی، اصطلاحی در زمین شناسی برای معرفی صخره‌های آذرینی که به نسبت، مقدار سیلیس کمتری دارند.

basic slag تفالهٔ اصلی، کود مصنوعی حاوی فسفاتی که بعنوان یک فرآوردهٔ ثانویه در تهیهٔ فولاد بدست می‌آید.

basify قلیایی کردن، تبدیل به قلیا کردن

basilisk سوسمار آمریکایی

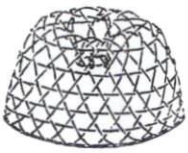
basin , boat حوضه‌های رود، یک گودال طبیعی یا مصنوعی حاوی آب، بستر، حوضچه، شناوهٔ تر

basin, boato حوضچه، یک لنگرگاه محصور یا تقریباً محصور، مصنوعی، یا طبیعی که مورد استفاده شناورهای کوچک قرار می‌گیرد.

basipterygium استخوان یا غضروف لگنی که باله به آن چسبیده است، کمربند لگنی

basisphenoid استخوان قاعده‌ای پروانه‌ای ماهی

basket گرگور، سبد



، گرگور، سبد

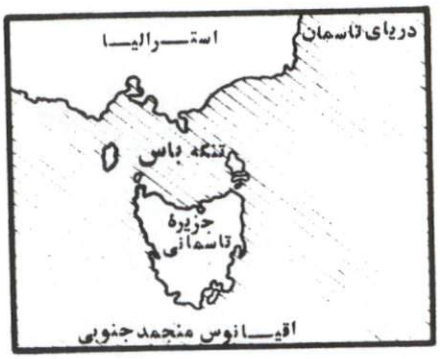
basket fishing صید با گرگور، صید با سبد

basket net سبد توری، گرگور توری

basket trap دام گرگوری

basking shark یک نوع کوسه ماهی، کوسه ماهی آفتابگیر این ماهی با نام علمی *Ceterhinus maximus* از خانوادهٔ Cetorhinidae می‌باشد. جانوری بزرگ است که به کندی حرکت می‌کند. بیشتر در اقیانوس اطلس زندگی می‌کند. طول آن حدود ۸ متر یا بیشتر است. نمونهٔ ۱۴ متری آن نیز

آب شیرین به آن وارد می‌شود، کاهش می‌یابد.



تنگه باس

batch feeding تغذیه متناوب

batch of fish دسته یا تودهٔ مشخصی از ماهی

batch type smoke house دودخانهٔ متناوب، دودخانه‌ای که هر بار تعداد ثابتی ماهی در آن دودی می‌شود.

bateau = batteau نوعی قایق سبک وزن

batfish خفاش ماهی (دریازی)

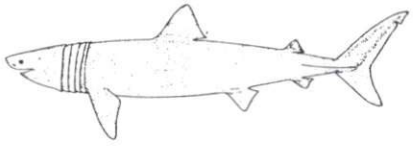
bathetic عمقی، اعماقی، پست

bathing suit لباس مخصوص شنا، شلوار شنا، مایو

bathometer مراجعه شود به bathymeter

bathyal عمقی، کفی، ناحیهٔ عمقی از ۲۰۰ تا ۴۰۰۰ متر

bathyal zone ناحیهٔ شیب قاره، ناحیهٔ کفی عمیق، ناحیهٔ اقیانوسی از لبهٔ فلات قاره تا عمقی از آب که دمای ثابت حدود ۴ درجهٔ سانتیگراد دارد و تا عمق ۴ هزار متر ادامه می‌یابد. به استثنای جریانها و فراجوشی، شوری آن حدود ۳/۴ تا ۳/۶ درصد بوده و اکسیژن و مقدار مواد غذایی آن نیز کمتر از مقدار این مواد در آبهای مناطق کم عمق است. به همین دلیل، گونه‌های کمی که فراوانی محدودی هم دارند، در آنجا زندگی گزارش شده است. از پلانکتونها و ماهیان کوچک تغذیه می‌کند. برای انسان خطری ندارد. رنگ آن خاکستری تا قهوه‌ای یا سیاه است. این ماهی را برای روغن آن صید می‌نمایند.



کوسه‌ماهی افتابگیر *Cetorhinus maximus*

bass یک نوع ماهی خوراکی از خانوادهٔ سوف ماهیان که در محیطهای دریایی و آب شیرین زندگی می‌کند. گونهٔ متداول انگلیسی آن morone است. گونه‌های آمریکایی آن عبارتند از: باس راه راه (*Roccus lineatus*)، باس سیاه (*Micropterus salmonides*) و باس دریایی (*Centropristis atrarius*).

Bass, George (1771-1806) جرج باس، ملوان و جراح انگلیسی که به همراه ماتیوفلیدرز و ویلیام مارتین، خلیج بوتانی در ساحل استرالیا را کشف کرد. وی سپس به تحقیق در جنوب خلیج بوتانی پرداخت و جنوب ناحیه‌ای را که امروزه سیدنی نام دارد، کشف کرد. او گیاهان و جانوران زیادی از این ناحیه جمع‌آوری نمود و همچنین تنگه‌ای که استرالیا را از تاسمانیا جدا می‌کند و به نام او نامیده می‌شود، در سال ۱۷۹۸ کشف نمود. کشتی وی در سال ۱۸۰۳ هنگامی که از آمریکای جنوبی نمونه جمع‌آوری می‌کرد، ناپدید شد.

Bass Strait تنگهٔ باس گذرگاه کم عمقی که استرالیای جنوب شرقی را از تاسمانیا جدا می‌کند که به نام کاشف آن (جورج باس) نامیده می‌شود. جریان آب در این تنگه فصلی است. در تابستان به سمت غرب و در زمستان به سمت شرق می‌باشد. شوری آب این تنگه در تابستان که یخهای تاسمانیا آب می‌شوند و

می‌کنند.

bathyconductograph وسیله اندازه‌گیری قدرت هدایت الکتریکی آب اعماق

bathymeter عمق سنج، ژرفاسنج

bathymetric مربوط به اندازه‌گیری عمق، وابسته به ژرفا سنجی

bathymetric chart نقشه آبگیر، نقشه عمقی (با اعماق متفاوت) با خطوط شمارش

bathymetric navigation ناوبری ژرفایی

bathymetry نقشه برداری کف اقیانوس به‌کمک امواج صوتی، اندازه‌گیری عمق دریا و اقیانوس، عمق سنجی، ژرفایابی

bathypelagic ناحیهٔ عمیق اقیانوس از عمق ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ متر

bathypelagic zone بخشی از ستون آب دریا با عمق حدود ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ متر که ارتباط مستقیم با بستر اقیانوس ندارد و نور خورشید به آن نمی‌رسد. پلانکتون در این منطقه کمیاب است و ماهیان در آن به آزادی حرکت می‌کنند.

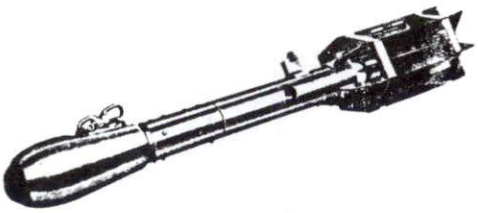
bathyplankton پلانکتونهای اعماق

bathyscope وسیله‌ای کوچک که بطور آزاد حرکت می‌کند و افراد را برای نظاره‌گری زیست محیطی به اعماق اقیانوسها می‌برد.

bathyscaphe زیر دریایی کوچک تحقیقاتی سه نفره که توسط آگوسته پیکارد، در سال ۱۹۴۰ ساخته شد تا برای اکتشاف در اعماق اقیانوس بکار رود. اولین دستگاه آن ناموفق بود ولی دومین دستگاه آن در سال ۱۹۵۴ به عمق ۴۰۵۰ متری اقیانوس رسید.

bathysphere زیردریایی مطالعاتی، وسیله ای که می تواند شخص را برای مشاهده و مطالعه به اعماق اقیانوس ببرد. اولین نمونهٔ آن در سال ۱۹۳۴ تا عمق ۱۰۰۰ متری منطقهٔ برمودا پایین رفت .

bathythermograph دماسنج عمقی، دماسنجی که بوسیلهٔ آن درجهٔ حرارت، به نسبت عمق اقیانوس تعیین می‌شود. این وسیله را به اختصار BT می‌گویند. دو نوع مکانیکی و الکترونیک آن از روی کشتی قابل استفاده است.به آن bathythermographer هم می‌گویند.



گرماسنج عمقی

batoid ماهی غضروفی پهن، مانند کوسه‌ها

Batrachoididae خانواده خونخو ماهیان، ماهیان وزغی یا قورباغه‌ای شکل

Batrachus granniens ماهی خون خومان

battens نرده‌های محافظ، لت چوبی، نوارهای چوبی که اغلب برای محافظت به گونه‌ای قائم بر روی شمعهای بزرگ نصب شده‌اند.

batter شیب رویه، شیب با زاویه سطح قائم

battery توپ، آتشبار، باطری، قوه

battle field آوردگاه، میدان جنگ، رزمگاه

battleship ناو جنگی

baulks=smoke stick سیخهای دودی کردن ماهی

Baume درجهٔ بومه، مقیاسی بر حسب درجه که برای سنجش غلظت مایعات، توسط بومه پیشنهاد شده است. این رقم در شورابهای صد در صد اشباع مساوی ۲۲° Be است.

bay ۱) خلیج کوچک،

۲) گوشهٔ رودخانه، قسمتی از رودخانه که توسط الوارهای کوچک جدا شده است .

baymouth, bar بند یا دهانهٔ خور پشته‌ای که در بخشی از پهنای دهانه یک خور یا در همه آن، امتداد داشته باشد.

Bay of Bengal خلیج بنگال،

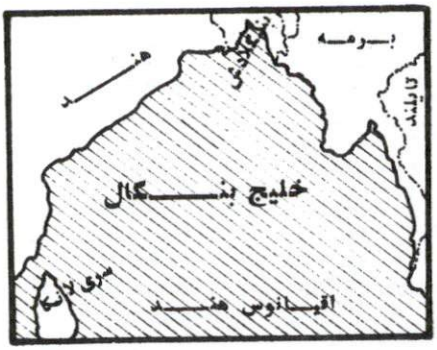
بازوی اقیانوس هند که از غرب و شمال بوسیلهٔ سریلانکا (سیلان) و هندوستان و از طرف شرق بوسیلهٔ برمه و پشتهٔ آندامان - نیکوبار احاطه شده است. دلتای بزرگی از رودهای گنگ و براهماپوترا در ابتدای این خلیج قرار دارد.

مساحت: ۲,۱۷۲,۰۰۰ کیلومتر مربع،

حجم: ۵,۶۶۶,۰۰۰ کیلومتر مکعب،

عمق متوسط: ۲,۵۸۶ متر،

عرض فلات قارهٔ آن ۱۶۱ کیلومتر در شمال و شرق است. عمق متوسط آن حدود ۱۸۳ متر در سمت دریا است. بستر آن در طرف دریا، ماسه‌ای و گلی است. دره‌های متعددی در کف آن وجود دارد. حوضه عمیق خلیج به شکل U با عمقی بیشتر از ۴۵۰۰ متر می‌باشد. چرخشهای سطحی آب خلیج تحت تأثیر بادهای بارانزای موسمی است. چرخشهای آب در بهار و تابستان، در جهت حرکت عقربه‌های ساعت، و چرخشهای پاییز و زمستان در خلاف جهت آن است. به دلیل شکل خاص خلیج، نیروهای وارد بر آن شدیدتر عمل کرده و محدوده‌های جزرومدی وسیع و امواج درونی قوی ایجاد می‌کنند.



خلیج بنگال

bayou ۱) نهر کوچک یا فرعی،

شاخهٔ فرعی رودخانه

۲) شاخهٔ پس ماندهٔ سیل، شاخه‌ای از جریان سیلاب که معمولاً در دره‌های رسوبی به وجود می‌آید و پس از قطع سیلاب به صورت یک نهر مرده باقی می‌ماند.

۳) نهر مرده، نهرهایی که داخل مناطق مردابی وجود دارند و همچنین معبر جریانهای جزرو مد می‌باشند.

۴) نهر بسته، شاخه‌های رها شدهٔ رودخانه همچنین بستر رودخانه‌های قدیمی

bay salt نمک درشت دریایی،

نوعی نمک ناخالص دانه درشت که از آب دریا بدست می‌آید.

beach ساحل، کنار دریا، کرانه

ممکن است بصورت صخره‌ای، مسطح و یا مرتفع باشد.



انواع مختلف کرانه صخره‌ای، مسطح و مرتفع

beach accretion گسترش ساحل، گسترش دریا کنار

beach berm شانهٔ دریا کنار، تختال دریا کنار،

بخش تقریباً افقی دریا کنار یا پس کناره که از ته‌نشینی موادی که موج به همراه خود آورده تشکیل شده است. در بعضی از سواحل چنین ناحیه‌ای وجود ندارد و در بعضی دیگر یک یا چند شانه دریا کنار وجود دارد.

beach comber ۱) موج خروشان دریا و اقیانوس در نزدیکی ساحل

۲) کسی که ساحل دریا را برای پیدا کردن صدف، سنگ، چوب، یا هر چیز ساحلی دیگر جستجو می‌کند.

beach cusp هلال دریا کنار، نیزه دریا کنار

beach erosion فرسایش دریاکنار، حمل مواد ساحلی بوسیله امواج، جریانهای کشندی (جزر و مدی)، جریانهای ساحلی یا باد، فرسایش ساحل

beach face پیشانی دریاکنار، چهره ساحل، رخسار دریاکنار بخشی از ساحل که معمولاً در معرض یورش موج واقع می‌شود.

beach fill خاکریز دریاکنار، مصالحی که برای بازسازی بخش فرسایش یافته دریاکنار به کار می‌رود.

beach grass علفهای ساحلی از جنس *Ammophilia* گیاهان نی مانند و گره‌دار به بلندی یک متر در سواحل اروپا، آفریقا و آمریکای شمالی، این گیاهان ریشهٔ عمیق و پراکنده دارند و چون بصورت اجتماعی زندگی می‌کنند، توان مقاومت خوبی دربرابر جابجایی ماسه‌های ساحلی دارند.

beach head نوک ساحل، پایگاه یا اراضی تسخیر شده در ساحل

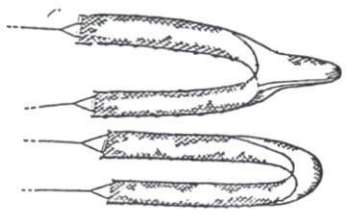
beaching رساندن قایق نجات به ساحل، پهلوگیری قایق نجات در ساحل

beach ridge = storm beach باریکه‌ای از مواد ساحلی که بوسیلهٔ امواج طوفانی در ساحل انباشته شده‌اند.

beach scarp ساحل عمودی، شیب تقریباً عمودی در طول ساحل که بوسیلهٔ امواج بلند و غیر عادی ایجاد شده است.

beach scurp پله دریاکنار،

beach seine تورگردان ساحلی، پره در شمال جارو در جنوب



تور گردان ساحلی

beach width پهنای دریاکنار، بُعد افقی دریاکنار که عمود بر خط ساحل اندازه‌گیری می‌شود.

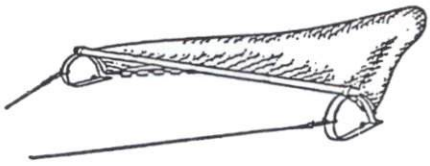
beacked leather jacket ماهی نوک دار با نام علمی *Oxymoncanthus longirostirs*

beacon نشان، علامت، چراغ دریایی، برج دیده‌بانی، امواج رادیویی برای هدایت و راهنمایی، راهنما

Beagle H.M.S. کشتی نقشه برداری ناوگان انگلیس که به سرپرستی کاپیتان روبرت فیتزروی که نقشهٔ سواحل آمریکایی جنوبی را رسم کرد و سپس به دوردنیا رفت. چارلز داروین طی مطالعات ۴ ساله خود بر روی جانوران جزایرگالاپاگوس در عرشهٔ این کشتی، توانست نظریهٔ تحول گونه‌ها را ارائه دهد.

beam ۱) پلهای تیری کشتی، تیر کشتی
۲) پهنای کشتی، شاه‌تیر

beam trawl تور ترال دیرکدار، تور کیسه‌ای دیرکدار



تور ترال دیرکدار

beam trawler کرجی یا قایق ماهیگیری مجهز به تور کیسه‌ای دیرکدار

bearded croaker شبه شوریده

bearing loardes تخته باربر، الوارهایی که بارهای روی عرشه را در یک سیستم بارانداز شناور، به شناور انتقال می‌دهند.

bear up = sailing توی باد آمدن

Beata Ridge پشتهٔ بیتا، بخشی از بستر دریای کارائیب در جنوب غربی دماغهٔ بیتا در جزیرهٔ هیسپانیولا، این پشته بین حوزه‌های کلمبیا و ونزوئلا قرار دارد و در دهانهٔ آروبا خاتمه می‌یابد. بیتاریس در شرق پشتهٔ موجود در حوزه ونزوئلا قرار دارد.

شمال حرکت می‌کند. ساحل آن، با تعداد کمی جزیرهٔ کوچک مشخص می‌شود.

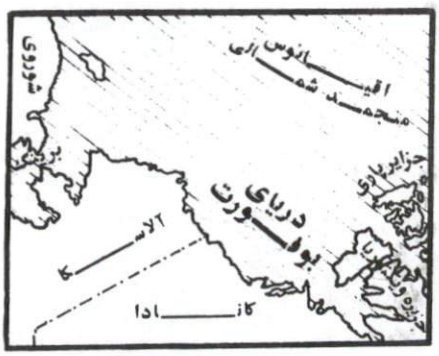
مساحت: ۴۷۱،۰۰۰ کیلومتر مربع،

حجم: ۴۷۸،۰۰۰ کیلومتر مکعب،

عمق متوسط: ۱،۰۰۴ متر،

این دریا نام خود را مدیون آدمیرال فرانسیس بوفورت است. ۴ لایهٔ مشخص آب عبارتند از:

- لایهٔ آب سطحی قطب شمال با ضخامت ۱۰۰ متر که سردترین لایه با دمای ۱/۷- درجهٔ سانتیگراد در اواخر زمستان (۲۸/۹ درجهٔ فارنهایت) می‌باشد.
- لایهٔ آب میانی اقیانوس آرام که گرمتر است و از طریق تنگهٔ برینگ وارد شده با ضخامت ۱۰۰ متر.
- لایهٔ آب اقیانوس اطلس با ضخامت ۷۰۰ متر که گرمترین لایه با دمای صفر درجهٔ سانتیگراد است.
- تودهٔ آب زیرین در عمق ۹۰۰ متر حرکت جریانها در جهت عقربه ساعت است و تودهٔ یخ را در امتداد سواحل آلاسکا و کانادا در بیشتر اوقات سال حرکت می‌دهد.



دریای بوفورت

beaver سگ آبی، پوست سگ آبی

beck یک جوی کوچک بویژه یک جوی کوهستانی با بستر صخره‌ای و مسیر ناهموار

bed بستر، کف دریا

bedder بستر ساز، سنگ بستر

bedding layer لایه زیرین، پی، نخستین و پایین ترین لایه سنگی یا شنی که مانند یک

Beaufort, Francis (1774-1857)

فرانسیس بوفورت، فرماندهٔ ناو انگلیسی که به علوم طبیعی علاقمند بود. در سال ۱۸۰۵ مقیاسی برای اندازه‌گیری اثر باد روی انسان طراحی کرد که هنوز مورد استفاده است. وی در سال ۱۸۱۴ بعنوان عضو انجمن سلطنتی انگلستان برگزیده شد.

Beaufort Scale (Beaufort wind scale)

مقیاس توصیفی استاندارد برای اندازه‌گیری شدت باد، امروزه سیستم مزبور در رابطه با هواشناسی جهانی موارد زیر را ارائه می‌کند:

۱ ـ نیروی بوفورت (یا عدد بوفورت)

۲ ـ سرعت باد

۳ ـ شرح

۴ ـ نشانه‌های مرئی بر روی اشیاء زمینی یا سطح دریا

جدول مقیاس توصیفی شدت باد بوفورت

عدد بوفورت	شرح	نشانه	سرعت باد در ساعت		
			کیلومتر	مایل	گره
۰	آرام	دود عمودی بالا می‌رود	< ۱	<۱	<۱
۱	باد سبک	جهت باد با دود مشخص می‌شود	۱ تا ۶	۱ تا ۳	۱ تا ۳
۲	نسیم کم	حرکت باد در چهره یا تکان برگها	۷ تا ۱۲	۴ تا ۷	۴ تا ۶
۳	نسیم آرام	برگها و شاخه‌ها حرکت می‌کنند	۱۳ تا ۱۸	۸ تا ۱۱	۷ تا ۱۰
۴	نسیم ملایم	گرد و غبار و کاغذ بلند می‌شود.	۱۹ تا ۲۴	۱۲ تا ۱۶	۱۱ تا ۱۴
۵	نسیم تازه	تهالها تکان می‌خورند، امواج سطحی دیده می‌شود.	۲۵ تا ۳۲	۱۷ تا ۲۲	۱۵ تا ۱۹
۶	نسیم قوی	شاخه‌های بزرگ تکان می‌خورند، صدای سیمها می‌پیچد، چتر باز نمی‌شود.	۳۳ تا ۳۶	۲۳ تا ۲۷	۲۰ تا ۲۴
۷	باد معمولی	درخت کامل تکان می‌خورد، مشکل راه رفتن در مقابل باد	۵۵ تا ۶۵	۲۸ تا ۳۴	۲۵ تا ۳۰
۸	باد تازه	شاخه‌های درختان می‌شکنند.	۶۶ تا ۵۶	۳۵ تا ۴۱	۳۱ تا ۳۵
۹	تند باد	صدمات جزئی به ساختمانها	۷۷ تا ۸۷	۴۲ تا ۴۸	۳۶ تا ۴۲
۱۰	تند باد کامل	ریشه‌کن شدن درختان و تخریب ساختمانها	۹۰ تا ۷۸	۴۹ تا ۵۶	۴۳ تا ۴۹
۱۱	طوفان	خیلی کم اتفاق می‌افتد، صدمات زیاد	۱۰۴ تا ۹۱	۵۷ تا ۶۷	۵۰ تا ۵۶
۱۲	طوفان دریایی	آب دریا پر از کف و قطره پاشی	۱۰۵<	۶۸ <	۵۶ <

Beaufort Sea دریای بوفورت،

شاخه‌ای از اقیانوس شمالی در شمال آلاسکا، باجزایر بانکز در مرز شرقی و دریای چوکچی در غرب آن، مقادیر زیادی یخ شناور در این دریا وجود دارد که لایهٔ سطحی آن را سردترین لایهٔ آب دریا می‌سازد. آب لایهٔ میانی که گرمتر است، از طریق تنگهٔ برینگ به سمت

لایه تکیه گاهی برای سنگهای بزرگتر یا قطعات حفاظی که بر روی آن قرار داده شده‌اند، عمل می‌کند. همچنین مانند یک لایه صافی، برای مصالحی که در زیر سازه قرار دارد، به کار می‌رود.

bed forms شکلهای بستر، هر گونه ناهمواری نسبت به یک بستر تخت که به راحتی با چشم قابل تشخیص باشد و دامنهٔ آن بیشتر از اندازه‌های بزرگترین رسوبات موجود در مصالح بستر باشد و به وسیله جریان در کف یک آبراه آبرفتی ایجاد شود.

bed loud باربستر

Beebe Charles William (1877-1962)

چالز ویلیام بی، پرنده شناس آمریکایی، مکتشف و نویسندهٔ فعال در بسیاری از علوم، سهم وی در علوم دریایی، اکتشاف دریای عمیق است. وی در سال ۱۹۳۴ با زیر دریایی طراحی شدهٔ خود، به عمق ۹۱۸ متری در ترانشهٔ پورتوریکو رفت. این وسیله یک کرهٔ خالی فولادی بود که بوسیلهٔ کشتی حمایت می شد. قدرت تحمل فشار زیاد را داشت، ولی نمی‌توانست مانور بدهد.

beel book دفتر ثبت دستورات فرماندهی به موتورخانه کشتی

behavior = behaviour رفتار، هر عملی که از یک موجود کامل سر می‌زند.

behead , to سرزنی، جداکردن سر ماهی

behemoth اسب آبی، کرگدن

Belcher, Edward (1799-1877)

ادوارد بلچر، محقق کانادایی سواحل قطب شمال. در سال ۱۸۲۵ ساحل کانادا در اقیانوس آرام و تنگهٔ برینگ را نقشه برداری کرد. در سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۳۳ وی بر روی سواحل شمالی و غربی آفریقا کار کرد. طی سالهای ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۶ وی سواحل شمالی وجنوبی آمریکا در اقیانوس آرام، آبهای جنوبگان و سواحل چین، بورنئو و فیلیپین را نقشه برداری کرد.

beleke = Indian cure salmon ماهی آزاد عمل آوری شده به روش سرخپوستها

Bellatrix ستاره ناجذ، جرزم جوزا

Belle Isle, Strait of تنگهٔ جزایر بل، تنگه‌ای که خلیج سنت لورنس را به اقیانوس اطلس وصل می‌کند. صرف نظر از پوشش یخ وسیع آن، که توسط جریان لابرادور ایجاد می‌شود، این تنگه آبراهی اقتصادی است که به بنادر آبهای عمیق دریاچهٔ بزرگ (Great Lake) منتهی می‌شود.

Bellingshausen, Fabian Gottlieb Van (1778-1852) فابیان بلینگزهاوزن، کاشف روسی قطب جنوب، وی رهبر گروه اکتشافی قطب جنوب در سال ۱۸۱۹ بود، که دو گروه جزیره در جنوب جزایر ساندویچ را (که وی به نام پطر اول، و الکساندر اول نامگذاری نمود)، کشف کرد. گروه او نخستین کسانی بودند که قطب جنوب را دور زدند. قبل از کشف جزایر مذکور، تصور می‌شد که آنها جزو خشکیهای قطب جنوب بودند. دریای بلینگزهاوزن در مجاورت قطب جنوب به نام وی نامگذاری شده است.

Bellingshausen Sea دریای بلینگزهاوزن، این دریا در مجاورت قطب جنوب قرار گرفته و دریای جانبی اقیانوس آرام جنوبی است. همچنین، بین فلات تورستون در غرب و فلات قطب جنوب در شرق و کمربند قطب جنوب در شمال قرار دارد. این دریا به افتخار بلینگزهاوزن (کاشف روسی آن) نامگذاری شده است. خلیجهای رون و مارگریت و جزایر الکساندر اول، کارکوت، منجر و پطر دوم در آن قرار دارند. عمق آن حدود ۳۶۵۸ متر و در بیشتر اوقات سال پوشیده از یخ است.

Bellonidae خانواده سوزن ماهیان

belly سمت بادکرده بادبان

belly = abdomen شکم (ماهی)

belly blown شکم پاره، حالت ماهی پس از گسیختگی دیوارهٔ شکم در اثر فساد شدید

belly burn شکم سوختگی، صدمه رسیدن به

دیـوارهٔ شکـم، ایـن ویـژگی بـخصوص در مـاهیهای پلاژیک، در اثر عمل آنزیمهای روده بوجود می‌آید. این آنزیمها باعث نازکی و سستی پوست شکم و پارگی آن می‌گردند.

belly flaps = napes گوشت شکم در پشت سرپوشهای برانشی

belly linging صفاق

belly wall linging پوشش داخلی شکم که معمولاً سیاه رنگ است، ولی در آزاد مـاهیان سفید می‌باشد. رنگ سیاه در بعضی از ماهیان از ازرش آنها می‌کاهد.

blemnite = belmnoid بلمنیتها، گروهی از سرپایان که منقرض شده است. بوسیلهٔ یک پوستهٔ درونی (مانند کاتل فیشهای امروزی) مشـخص می‌شوند. این جانوران در دره می سی سی پی ظـاهر شده و بیشترین فراوانی آنها در ژوراسیک و کرتاسه بوده است ، ولی از دورهٔ ائوسن به بعد ناپدید شده‌اند.

Belonidae خانواده خرخور ماهیان

Belon Pierre (1517-1564) پی‌یر بلون، طبیعی دان فرانسوی، وی کتابهای تاریخ طبیعی ماهیان عجیب دریا (سال ۱۵۵۱)، حیات دریایی (سال ۱۵۵۳) و تاریخ و منشأ پرندگان (سال ۱۵۵۵) را نوشته است. او پدر آناتومی تطبیقی (مقایسه‌ای) است. وی هنگام پیاده روی در پاریس به قتل رسید.

beluga فیل ماهی، بلوگا، بزرگترین ماهی خاویاری جهان ،نام بهترین نوع خاویار،

bench ۱) سکو

۲) یک تراز یا صفحهٔ فرسایش با شیب ملایم به سوی دریا

۳) سطحی تقریباً افقی، حدوداً در تراز آب بیشینه کـه در سوی دریای یک بند واقع است.

bench mark نشانه، پایه، تخت نشان یک نقطه ثابت، تخت نشان اصلی، نشانی است در نزدیکی یک ایستگاه کشند (جزر و مد) که ارتفاع کشندها نسبت به آن محاسبه می‌شود.

bends نوعی بیماری که در برخی از غواصها در اثر کاهش سریع فشار بوجود می‌آید و باعث ایجاد حبابهای ازت در داخل مویرگهای بافتها می‌گردد.

beneap مدت زمانی که کشتی به گل نشسته در هنگام جزر باید منتظر بماند تا در هنگام مد دوباره شناور شود.

Bengal, Bay of مراجعه شود به Bay of Bengal

Bengal snapper سرخوی بنگالی، گـونه‌ای از خـانوادهٔ سـرخـو مـاهیان، بـا نـام عـلمی *Lutjanus bengalensis* طول آن ۲۰ تا ۳۰ سـانتیمتر است که ازماهی و سخت پوستان تغذیه مـی‌کند. ایـن ماهی در سراسر آبهای گرم اقـیانوس هـند غـربی بـجز جزایر چاگوس و اقیانوس هند شرقی، بخصوص دریای آندامان وجود دارد. ساکن صخره‌های مرجانی کم عمق است. گاهی بصورت اجتماعات بزرگ زندگی می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن باقلاب دستی، دام و تـور گـوشگیر در صخره‌های مرجانی آبهای ساحلی انجام می‌شود.

Benguela Current جریان بنگوئلا، جریان آب سرد زیرین که شوری کمی دارد و به سوی شمال در طول ساحل غربی آفریقای جنوبی، تا مدار ۱۵ درجهٔ جنوبی کشیده می‌شود. باد این جریان را حـرکت می‌دهد. فراجوشی آب سرد زیرین بـاعث غـنی شـدن جریان بنگال از مواد غذایی می‌شود و محیط مناسبی را بـرای پـلانکتونها و سـایر مـوجودات دریـایی فـراهـم می‌سازد. سرعت این جریان ، از جریان آگولهاوس کمتر است. دمای آب این جریان از ۱۵ درجـهٔ سـانتیگراد در دماغهٔ امیدنیک، تا ۲۲ درجهٔ سانتیگراد در خلیج فـارو افزایش مـی‌یابد. سـرعت آن حـدود ۳۵ سـانتیمتر بـر ثانیه‌است. فقدان اکسیژن، فعالیت باکتریها را در اعماق بخش شمالی این جریان افزایش می‌دهد و بـه نسـبت زیادی تولید گاز H_2S را اضافه می‌کند و بـاعث مـرگ

ماهیان می‌شود. وجود این گاز تا اعماق ۱۵ کیلومتری این جریان گزارش شده است. جریان بنگوئلا به سمت خط استوا جریان می‌یابد، ساحل را ترک می‌کند و بصورت جریان حاره‌ای جنوب در می‌آید.

benjo (e) = smoke stick میله‌ای که برای دودی کردن ماهی بکار می‌رود.

bensasi goatfish نوعی بز ماهی، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ بز ماهیان با نام علمی *Upeneus bensasi*، طول آن ۱۳ تا ۲۰ سانتیمتر است. از جانوران کفزی تغذیه می‌نماید. این ماهی در سراسر آبهای اقیانوس هند غربی، به طرف جنوب تا عرض ۲۰ درجهٔ جنوبی وجود دارد. ظاهراً بجز دریای سرخ ،خلیج فارس و جزایر اقیانوسیه، در جاهای دیگر وجود ندارد. در خارج از اقیانوس هند غربی به طرف شرق تا ژاپن جنوبی وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی تا عمق ۴۰ متری است و معمولاً بصورت گله‌ای یافت می‌شود. در آبهای ایران در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن عمدتاً توسط تورهای ساحلی گردان و تور کششی کفی، همچنین بوسیلهٔ دام توری انجام می‌شود.

benthic کفی، وابسته به کف، کفزی، جاندار آبزی که عمدتاً در ته آب زندگی می‌کند.

benthic algae جلبکهای کفزی

benthic ecosystem اکوسیستم (بوم سازگان) کفی، بستر اقیانوس که ترکیب گونه‌های جانوری و گیاهی آن متناسب با عواملی مانند نور، دما، شوری و فشار فرق می‌کند. تنوع گیاهی و جانوری ناحیهٔ کفزی، از منطقه جزر (که گیاهان کوتاهی را شامل می‌شود) شروع و به تدریج بیشتر می‌شود. قسمتهای عمیق از لبه‌های فلات قاره، تا عمق حدود ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متر است که منطقه‌ای سرد و تاریک است. مناطق عمیقتر آن شامل دشتهای مغاکی است که شرایط فیزیکی، شوری، دما و نور ثابت دارد و مقدار مواد غذایی آن کم است.

benthic organisms جانوران کفزی، جاندارانی که در کف دریا زندگی می‌کنند. این موجودات بر اساس نوع محیط زندگی‌شان طبقه بندی می‌شوند که عبارتند از :

- epifauna : روی بستر زندگی می‌کنند.
- infauna : درون بستر زندگی می‌کنند.

بر اساس اندازه نیز آنها را تقسیم بندی می‌کنند. میکروبنتوزها جاندارانی میکروسکوپی، مانند باکتریها، قارچها، جلبکها ی تک سلولی و پروتیستها را که قطری کمتر از ۰/۱ میلی‌متر دارند شامل می‌شوند. میوبنتوزها شامل پاروپایان (کوپه پودها)، ناجورپایان (آمفی پودها) و کرمهای کوچک با قطر حدود ۰/۱ تا ۱ میلیمتر می‌باشند. ماکروبنتوزها صدفها، حلزونها و خارپوستان دریایی را شامل می‌شود. مگابنتوزها شامل جانوران بزرگی، مانند ماهیان می‌باشد.

benthonic = benthic مراجعه شود به benthos

benthopelagic نزدیک یا تقریباً نزدیک کف دریا

benthos جانوران یا گیاهان کفزی، موجوداتی که در کف دریا، دریاچه و رودخانه زندگی می‌کنند.

benzoic acid اسید بنزوئیک، نوعی اسید آلی که بصورت خالص ویا بصورت بنزوآت سدیم یا پتاسیم، برای جلوگیری از فساد غذاهای دریایی مصرف می‌شود. کاربرد آن، در برخی از کشورها غیر قانونی است.

berg , ice تودهٔ یخ شناور

bergy bit تپهٔ یخی، تودهٔ یخی کوچکتر از کوه یخ

Bering Sea دریای برینگ، بخشی از اقیانوس اطلس‌شمالی بین سیبری و آلاسکا که به افتخار ویتوس برینگ (کاوشگر سواحل سیبری و آلاسکا) نامگذاری شده است. عمیق‌ترین قسمت دریا نزدیک سیبری است ولی قسمت شمال غربی آن پهن و کم عمق است. تنگهٔ برینگ که عرضی حدود ۸۵ کیلومتر و عمقی نزدیک ۴۰ متر دارد. جابجایی آب با اقیانوس

بین رفتند. افرادی که نجات یافتند اطلاعات ارزشمندی از آلاسکا و منابع معدنی آن برای روسیه به همراه آوردند.

berm (beac berm) باریکه‌ای از ساحل که هنگام طوفان زیر آب می‌رود، ولی در حالت عادی، پشت ناحیهٔ جزرومدی قرار دارد. مردم در این ناحیهٔ ساحل قدم می‌زنند.

berm crest (berm edge)
مرز طرف دریای باریکهٔ ساحلی، قسمتی از باریکه‌های ساحلی به طرف دریا

Bermuda fish ماهی برمودا

Bermuda rig زدن بادبان به سبک برمودایی

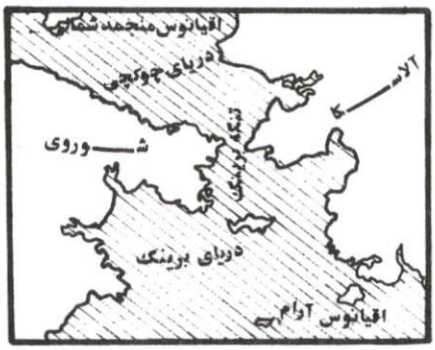
Bermuda Rise جزایر برمودا، برآمدگی برمودا، پشتهٔ برمودا، بهترین مثال از یک برآمدگی با شیب ملایم در اقیانوس اطلس غربی که منشاء قاره‌ای ندارد و مربوط به فعالیتهای زمین ساختی پشتهٔ میانی اقیانوس نمی‌شود. در این برآمدگی، فعالیت زمین لرزه‌ای وجود ندارد. جزایر مرجانی برمودا که دارای پی (زیرسازی) آتشفشانی هستند، بخشی از این برآمدگی می‌باشند.

Bermuda Triangle مثلث برمودا، منطقه‌ای در اقیانوس اطلس بین برمودا، پورتوریکو و فلوریدا، که کشتیها و هواپیماها در آن به طرز مرموزی گم می‌شوند.

Bernoulli, Daniel (1700-1782)
دانیل برنولی، ریاضیدان، فیزیکدان و پزشک سوئیسی و نویسندهٔ برجستهٔ فیزیک، او ارتباط بین فشار، سرعت و شتاب را (اگر سرعت افزایش یابد،فشار کاهش می‌یابد) برای نخستین بار عنوان کرد. این نظر، اصول حرکت سیالات مانند جریانهای هوا و آب را بنیان نهاد. وی عضو آکادمی علوم روسیه بود و جوایزی را از آکادمی علوم فرانسه برای تحقیقاتش در زمینهٔ مغناطیس، جریانهای اقیانوسی، جزر و مد و حرکت کشتیها دریافت کرد.

berry یک عدد تخم ماهی یا شاه میگو

شمالی را مشکل می‌کند. فرونشینی (دورهٔ پلیوستوسن) خشکی سیبری - آلاسکا را به دو قسمت تقسیم کرده است. بخش شمالی دریای برینگ گوناگونی جزرومدی خاص خود را دارد. این ویژگی با آب خنک یا سرد و هوای ابری در بیشتر اوقات سال شناخته می‌شود. گرمترین آبها در فاصلهٔ زمانی بین مرداد تا مهر وجود دارند. یخها و برفهای زیادی آب شده و به دریای برینگ افزوده می‌شوند، به همین دلیل شوری آب دریا کم می‌شود. آب اعماق دریای برینگ واچرخه‌ای یا (آنتی سیکلونیک) است و بیشتر از طرف آسیا وارد می‌شود. فراجوشی آب این دریا باعث تقویت بنیهٔ غذایی آن می‌شود، به همین دلیل، جمعیتهای جانوری آن گوناگونی زیادی دارند.



دریای برینگ

Bering Strait تنگهٔ برینگ، تنگه‌ای که آلاسکا و سیبری را جدا می‌کند.

Bering, Vitus (1687-1747) ویتوس برینگ، دریانورد دانمارکی که سواحل روسیهٔ کبیر را به دستور پترسلز با کشتی پیمود. وی تعیین نمود که تنگه‌ای به صورت پل میان سیبری و آمریکای شمالی وجود دارد. این تنگه در سال ۱۷۲۴ به نام خود وی نامگذاری شد. وی سپس محدودهٔ سیبری قطبی را نقشه برداری کرد. برینگ در سفری که کاوش بزرگ شمال نامیده می‌شد، از کامچاتکا به قصد خلیج آلاسکا سفر کرد، ولی به همراه بعضی از همراهانش پس از شکسته شدن کشتی شان از

berth لنگرگاه، پهلو گرفتن کشتی، اتاق کشتی، خوابگاه کشتی

berthage پولی که بابت پهلو گرفتن کشتی داده می‌شود.

berthing پهلوگرفتن، به اسکله بستن

berthing master افسر پهلوگیری کشتی

berth occupancy ساعات اشغال اسکله

berth terms = liner terms مخارج تخلیه و بارگیری به عهده شرکت کشتیرانی

bervie ماهی هاداک نیمه دودی شده با تورب و خزهٔ اسفاگنوم کمی پوسیده

bervie cure مراجعه شود به bervie

Beryciformes راستهٔ سنجاب ماهیان

beset یخ گیر شدن قایق، گیرکردن قایق در یخ

best-before date تاریخ قبل از انقضاء مدت مصرف، تاریخی که اگر غذای دریایی قبل از آن مصرف شود، هنوز کیفیت خوب خود را دارد. به آن use-by date یا expiration date هم گفته می‌شود.

beta paricles ذرات بتا، رهایی و انتشار الکترونها هنگام فرآیند تجزیهٔ اتمی از هسته‌های رادیواکتیو

Bettlegeuse ستاره یدالجوزا

B.H.T = butylated hydroxytoluene بی اچ تی، نوعی مادهٔ آنتی‌اکسیدان که معمولاً به آرد ماهی اضافه می‌شود تا از اکسیده شدن آن در طول مجاز دورهٔ نگهداری جلوگیری شود.

Biafra, Bight of خلیج بیافرا، بخشی از خلیج گینه که از دلتای رود نیجر تا دماغهٔ لوپز (گابون) در ساحل آفریقای غربی گسترش یافته است. این منطقه از نظر تاریخی بزرگترین مرکز تجارت بردگان در آفریقای غربی بود. اطراف ساحل کالا بار (نیجریه) کانون این تجارت بوده است .

big mouth croaker شوریده دهانگشاد (*Pterotolithus lateoides*)

bifurcate دوشاخه،

bifurcation دو شاخه شدن، تقسیم نهر یا کانال اصلی به دوشاخاب، که اغلب بوسیله یک جزیره یا پشته انجام می‌گردد، به طوری که دوشاخاب ایجاد شده در پایین دست رودخانه بهم می‌پیوندند.

big eye barracuda باراکودای چشم درشت ، از خانوادهٔ کوتر ماهیان، با نام علمی *Sphyraena forsteri*، حداکثر طول آن ۶۰ سانتیمتر (معمولاً ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر) است. از میگو، مارماهی و سایر ماهیان تغذیه می‌کند. این ماهی در سراسر اقیانوس هند غربی، اقیانوس هند شرقی و اقیانوس آرام غربی به طرف شمال شرق استرالیا یافت می‌شود. باراکودای چشم بزرگ نزدیک ساحل یا بالای برکه‌های کم عمق، و به ندرت در بسترها زندگی می‌کند. این ماهی بیشتر بصورت انفرادی در شب فعالیت می‌کند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ دامهای کششی عمدتاً در شب انجام می‌گردد.



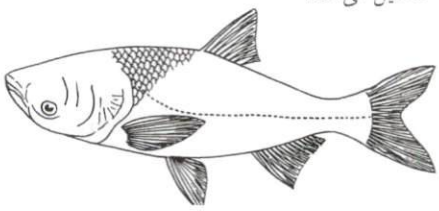
باراکودای چشم درشت *Sphyraena forsteri*

big eye croaker فانو (چابهار)، شبه شوریده، طعطعو، گونه‌ای از خانوادهٔ شوریده ماهیان طبال، با نام علمی *Pennahia macrophthalmu*، طول آن ۱۸ تا ۲۰ سانتیمتر است. از میگوها و ماهیهای کوچک تغذیه می‌کند. در خلیج فارس، دریای عمان و سراسر سواحل شبه قارهٔ هند تا سریلانکا بطرف شرق تا اندونزی و بطرف شمال تا چین وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی تا عمق ۶۰ متری است. صید آن با تورهای کششی کفی و تورهای گردان انجام می‌شود.

big eye ilish ماهی صبور چشم درشت، گونه‌ای از خانوادهٔ ساردین ماهیان با نام علمی *Ilisha megaloptera* طول این ماهی ۲۰ تا ۲۸ سانتیمتر است. در سواحل غربی هند به طرف شرق تا

Caranx sextasciatis، طول متوسط آن ۶۰ سانتیمتر است. از ماهی و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در آبهای گرمسیری اقیانوسهای هند، آرام غربی به انضمام هاوایی، و نیز در اقیانوس آرام شرقی از اکوادور تا مکزیکو (مازاتلان) و جزایر گالاپاگوس یافت می‌شود. انواع این ماهی را در صخره‌های مرجانی با استفاده از تابش نور در شب توسط قلابهای دستی صید می‌کنند. انواع جوانترآن ممکن است در مصب ها وجود داشته باشند. صید آن توسط قلاب و ریسمان، با تورهای گوشگیر، تور کیسه‌ای احاطه‌ای، و سایر ابزار سنتی انجام می‌شود.

big head ماهی کپور سرگنده با نام علمی *Aristichthys nobilis*، یکی ازانواع کپور چینی پرورشی که عمدتاً از زئوپلانکتونها تغذیه می‌کند ودر صد نسبتاً محدودی از ترکیب پرورشی این گروه از ماهیها را تشکیل می‌دهد.



کپور سرگنده، *Aristichthys nobilis*

bight ۱) حلقهٔ طناب

۲) خور، خلیج کوچک، درون رفتگی در خط ساحلی که باعث تشکیل یک خور بزرگ می‌گردد.

big mouth bream (Glaucosmoidae) خانواده شانک ماهیان دهان بزرگ

big shark کوسهٔ بزرگ، کوم

big sleepy fish کر ماهی، کوسه کولی‌کر

bigspot grouper هامور ماهی خال بزرگ، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus macrospilos* بیشترین طول آن ۵۱ سانتیمتر است. این ماهی بطور گسترده در آبهای اقیانوس هند غربی، (بجز دریای سرخ و خلیج آسیای جنوب شرقی وجود دارد. گونه‌های سطح‌زی آن در آبهای ساحلی دیده می‌شوند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. بوسیلهٔ تورگردان، بالاکش و تورکششی در آبهای کم عمق صید می‌شود.

big eye sead برک، گیش چشم درشت، گیش پهن، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Selorcreme nephthalmus*، طول این ماهی بطور معمول ۲۵ سانتیمتر و وزن آن ۲۳۰ گرم می‌باشد. از بی‌مهرگان شناور و کفزی مانند میگو، خرچنگ، فورامینی‌فرها (روزنه داران) و همچنین ماهیان کوچکتر تغذیه می‌کند. این ماهی از آبهای اقیانوس هند غربی، دریاهای گرمسیری و نمیه گرمسیری بصورت گله‌های کوچک و بزرگ گزارش شده است. در آبهای کم عمق اطراف صخره‌های مرجانی و آبهای متلاطم به ندرت دیده می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. در عمق حدود ۱۷۰ متری زندگی می‌کند. صید آن توسط قلاب و ریسمان، تور احاطه‌ای ساحلی، تورکششی، تور احاطه‌ای گردان ودام انجام می‌شود.

big eye snapper سرخوی چشم درشت، آگال گونه‌ای از خانوادهٔ سرخوماهیان، با نام علمی *Lutjanus lutjanus*، طول این ماهی معمولاً ۱۸ تا ۲۵ سانتیمتر است. از بی مهرگان کفزی و ماهیان کوچک تغذیه می کند. در سراسر اقیانوس هند غربی و شمال حدود عرض ۲۲ درجهٔ جنوبی و در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب آرام مرکزی تا ملانزیا وجود دارد. ساکن آبسنگهای مرجانی کم عمق است، همچنین تا عمق ۸۰ متری یافت می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن عمدتاً توسط قلاب دستی و در بعضی نقاط نیز توسط تورکششی کفی انجام می‌شود.

big eye trevally گیش چشم درشت، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان، با نام علمی

bill of landing بارنامهٔ کشتی

billow موج بزرگ آب، خیزآب، موج زدن، بصورت موج درآمدن

billowy مواج، موج مانند، دارای موج

billy boy ship نوعی کشتی بادبانی در انگلستان

bilobate دولبه

Bimini گروهی از جزایر در تنگهٔ فلوریا و بخشی از باهاما، آزمایشگاه دریایی لورنز در شمال بی می نی در شهر Alice قرار دارد. صنعت این مناطق جهانگردی است.

binnacle پایه قطعه مغناطیسی

binocular vision دو چشمی، نوعی بینایی که در آن تنظیم منطقهٔ دید به طرف عمق انجام می‌گیرد و از طریق قرار گرفتن دو چشم نزدیک هم منطقهٔ دید دو چشم بر روی هم قرار می‌گیرد.

binomial nomenclature نامگذاری دو اسمی، روش نامگذاری علمی گونه‌های موجودات که توسط کارل لینه در ۱۷۵۳ بکار برده شد و برای نامگذاری گونه‌های شناخته شده امروزی و از بین رفته استفاده می‌شود.

bioassay زی آزمون، آزمونی که در آن مقدار یا قدرت مواد با واکنش یک حیوان زنده نسبت به آن سنجیده می‌شود. اندازه‌گیری تأثیر یک ماده بر موجودات زنده بوسیلهٔ آزمون در شرایط استاندارد

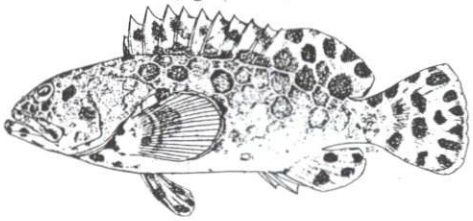
biochemical cycle چرخهٔ یک عنصر یا ترکیب در یک موجود زنده، که در محیطی غیر زنده زندگی می‌کند.

biochemichal oxygen demand = BOD اکسیژن مورد نیاز فعالیتهای بیوشیمیایی، کمیتی که نشان دهندهٔ مقدار اکسیژن مورد نیاز برای واکنش‌های طبیعی درون آب است.

biodegradable قابل زی خورندگی، قابل تجزیه شدن با واکنشهای طبیعی زیستی

bioerosion فرسایش زیستی، فرسایش یا تخریب

فارس)، آبهای اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و به طرف شرق تا جزایر مارشال وجود دارد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط دام و تورهای گوشگیر و در صخره‌های مرجانی در عمق یک تا ۳۰ متری انجام می‌گردد.



هامور ماهی خال بزرگ *Epinephelus macrospilos*

Bikini Islands جزایر بیکینی، کمربندی ازجزایر مرجانی مجمع الجزایر مارشال در اقیانوس آرام، این مکان محل آزمایشهای هسته‌ای آمریکا در سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۸ بود.

bilateral (symmetry) دو طرفه (متقارن)

bilge آب ته کشتی، خن کفی، خن کشتی، ته کشتی

bilge keel تیغه خن کفی کشتی

bilge water گنداب کشتی، آب خن

bilgy بوی بد، بوی بد ماهی فاسد، بوی گنداب

billets هیزم، بلوک یا الوارهای کوچک، چوبی که بعنوان یک منبع حرارت با دود کم در دودی کردن گرم ماهی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

billifish قلاب ماهی، نام عمومی تمام ماهیان دریا که آرواره‌های قلاب مانند دارند. این ماهیان شبیه نیزه‌ماهی و شمشیر ماهی می‌باشند. از ماهیان دیگر مانند ماکرل، تون، ماهی پرنده و نیز اسکوئید تغذیه می‌کنند. کوسه‌ها بخصوص کوسه‌های بزرگ مانند کوسهٔ سیر، تنها دشمنان این ماهیان بزرگ و سریع هستند.

bill of health گواهی بهداشت، گواهی نامه‌ای که هنگام حرکت کشتی پس از معاینهٔ افراد از لحاظ بیماریهای مسری به ناخدا داده می‌شود.

و شکسته شدن بستر، معمولاً کربنات کلسیم، توسط گروههای زیادی از موجودات زنده

biofilter زی صافی، واکنشهای زیستی که مواد سمی را به مواد غیر سمی و مفید تبدیل می‌کنند.

biogenic reef صخرهٔ زی ساخته، صخره یا پشته ای بر روی بستر دریا که از مواد سخت ساختاری جانداران یا بقایای آنها تشکیل شده است مانند، بخشهایی از پوسته، دندان یا استخوان

biogenic sediment (s) رسوب (رسوبات) زی ساخته شده، ته نشینی جانداران زنده یا بخشهایی از آنها در بستر اقیانوس، این رسوبات در اندازه‌های متفاوت از ابتدای تاریخ زمین تاکنون تشکیل شده‌اند.

biogeography زی گستره، جغرافیای زیستی، مطالعهٔ گسترش جغرافیایی جانوران و گیاهان

bioherm صخره یا تودهٔ سنگی ساخته شده توسط جانداران رسوب دهنده، مانند مرجانها، نرمتنان و غیره

biological condition وضعیت زیست شناختی ماهی، کیفیت زیستی ماهی

biological data اطلاعات زیست شناختی

biological factor عامل زیست شناختی، حالت فیزیولوژیک ماهی هنگام صید (مرتبط با کیفیت ذاتی ماهی است)

biological indicators شاخصهای زیستی، موجوداتی که با وجود یا نبودشان می‌توان شرایط محیطی را تعیین کرد.

biological noise = underwater sound صداهای زیست شناختی زیر آبی ،

biological oceanography اقیانوس شناسی زیستی، زیست شناسی دریایی، مطالعهٔ مکان و زمان توزیع جمعیت گونه‌های دریایی و نیز ارتباط متقابل آنان با یکدیگر و با محیط اطرافشان

biological oxygen demand مراجعه شود به biochemical oxygen demand

biological quality کیفیت زیستی ماهی

biological value = BV ارزش غذایی ماهی، آن قسمت از غذای مصرف کننده دریایی که برای ساخت پروتئین بدن بکار گرفته می‌شود. معمولاً بصورت درجه ارزش زیستی پروتئین ارائه می‌گردد.

bioluminescence = phosphorescence = luminescence زی تابی، پرتو افشانی زیستی، پرتوافشانی موجودات زنده، نورزایی توسط موجودات زنده، این پدیده در اثر تبدیل انرژی شیمیایی به انرژی نوری در موجودات زنده انجام می‌شود. در بیشتر موارد، همزیستی بین دو موجود، مانند ماهی اعماق و باکتری، شرایط پرتوافشانی را فراهم می‌کند.

biomass زی‌توده، توده زنده، وزن کلی موجودات زنده در یک محیط یا بخشی از آن، این اصطلاح بطور معمول برای بیان تراکم جمعیت استفاده می‌شود.

biome زیبوم، اجتماعات اکولوژیک بزرگ منطقه‌ای، موجودات زنده یک اکوسیستم

biometry زیست‌سنجی، اندازه‌گیری ابعاد ماهی و سایر آبزیان

biopsy تشریح میکروسکوپی اندام (ماهی و سایر آبزیان بزرگ)، نمونه‌برداری از موجود زنده

biosphere زیست کره، زیست سپهر، بخشی از کرهٔ زمین که در آن موجودات زنده زندگی می‌کنند.

biostrome بسترهای لایه لایه با منشاء زیستی

biota جانداران یک منطقه، مجموعهٔ گیاهان و جانوران یک منطقه

biotic factors عوامل و فاکتورهای زیستی، مانند در دسترس بودن غذا، رقابت بین گونه‌ها، ارتباط شکار و طعمه و غیره که بر روی تراکم و گسترش گیاهان و جانوران تاثیر دارند.

biotin نوعی ترکیب اسیدی بلورین از گروه ویتامینهای B که محرک رشد است. در کبد، تخم‌مرغ و مخمر یافت می‌شود. قبلاً به آن ویتامین H گفته می‌شد.

biotops زیستگاه، مکانی از زندگی و تمامیت محیط زیست برای هر گروه یا اجتماعی از موجودات

bird پرنده، جاندار خونگرم که بدن پوشیده از پر دارد. بیشتر پرندگان پرواز می‌کنند. اگر چه بعضی از گونه‌های آنها قدرت پرواز را از دست داده‌اند، مانند شترمرغ و پنگوئن. پرندگان تقریباً در تمام دنیا خشکی زی هستند. گونه‌هایی مانند، پنگوئن‌ها، آلباترازها، پلیکانها، اردکها و غازها در نواحی ساحلی زندگی می‌کنند.

birdbeak burrfish ماهی خاردار نوک پرنده‌ای، تمبر (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ جوجه تیغی ماهیان با نام علمی *Chilomycterus orbicularis*، بیشترین طول آن ۱۵ سانتیمتر است. در تمام منطقهٔ اقیانوس هندغربی، بجز احتمالاًدریای سرخ و جزایر اقیانوسی دیده شده است. در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و آرام غربی تا بخش شمالی به طرف جنوب ژاپن، در عمقهای متوسط (حداقل تا ۱۷۰ متر) و در بالای بسترهای ماسه‌ای و گلی، و گاهی هم در سطح آبهای عمیق‌تر دیده می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج و دریای عمان گزارش شده است. بیشتر بوسیلهٔ تورهای کششی کفی صید می‌گردد.

birl ماهی کوتر، گردباد روی دریا، محل تجمع پلانکتونها در ناحیهٔ تلاقی جریان آب گرم و سرد

birth rate سرعت تولد، نرخ زایش، نسبت تولد یا تولید که معمولاً بصورت درصد ارائه می‌شود.

Biscay, Abyssal Plain and Bay of دشت مغاکی بیسکی واقع در دامنه یا پشتهٔ بیسکی، خلیج بیسکی بخشی از اقیانوس اطلس در مرز فرانسه و در جنوب فلات برتون

Biscay Rise پشتهٔ بیسکی، پشته‌ای که از شمال غرب گوشهٔ فلات قارهٔ اسپانیا به سوی پشتهٔ اطلس جنوبی در غرب امتداد می‌یابد.

biserial دوردیفی، دولایه

Bismarckherring = Bismarck herring شگ ماهی بیسمارک

Bismarck Sea دریای بیسمارک،

این دریا در بخش شمال غربی اقیانوس آرام جنوبی قراردارد و هم مرز گینهٔ نو در جنوب غربی، منطقهٔ مجمع الجزایر بیسمارک در شمال، شرق و جنوب است.

مساحت: ۴۰،۰۰۰کیلومتر مربع

حجم: ۶،۰۰۰کیلومتر مکعب

مجمع الجزایر بیسمارک شامل ۳۰۰ جزیره است. بستر این دریا در مقایسه با دریای سلیمان (سالومون) پیچیدگی کمتری دارد.



دریای بیسمارک

Bismark Archipelago and Plate

جزایر و صفحات واقع در غرب اقیانوس آرام در شمال شرق گینهٔ نو، در این منطقه فعالیت زلزله‌ای زیاد است و تعداد زیادی جزیرهٔ کوچک دارد.

bitter تلخ، تند، تیز، ضد شیرین

bittern مایع باقیمانده پس از تغلیظ آب دریا به وسیلهٔ تبخیر، تا زمانی که بتدریج بصورت بلور در می‌آید.

bivalvate = bivalve دو کفه‌ای، نام عمومی برای جانداران گوناگون است که دارای بدنی

نرم و پوشیده از پوستهٔ کلسیمی دو قسمتی هستند. دومین رده از نظر تنوع در شاخهٔ نرمتنان می‌باشند. شامل صدفهای خوراکی ، صدفهای مروارید ساز وغیره هستند (مراجعه شود به Acephales).

bivalvia جمع bivalve، دوکفه‌ایها

bixine مراجعه شود به annatto

black banded trevally سارم تیره رنگ، زیرگونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Seriolina nigrofasciata*، اندازهٔ آن کاملاً مشخص نبوده ولی حداکثر به طول ۷۰ سانتیمتر گزارش شده است .از ماهیهای کفزی، سرپایان و میگو تغذیه می‌کند. در سراسر آبهای اقیانوس هند و اقیانوس آرام غربی از ژاپن تا استرالیا بصورت غیر گله‌ای زندگی می‌کند. به ندرت بصورت انفرادی در نزدیک ساحل دیده می‌شود. زیستگاه مناسب آنها صخره‌های دور از ساحل فلات قاره در عمقی بین ۲۰ تا ۱۵۰ متر می‌باشد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورهای احاطه‌ای، دام، قلاب، ریسمان و نیزه انجام می‌شود.

black bass (*Micropterus sp.*) نوعی ماهی کاد لابرادور که دارای بوی پارافین و مزهٔ گوگردی است که به دلیل وجود دی فنیل سولفید ایجاد می‌شود.این بو در اثر خوردن نوعی پتروپود با نام علمی *Spiratella helicina* بوجود می‌آید.

black berry mackerel ماکرل بابو و مزهٔ گوگرد، ماکرل شاه‌توتی این بو و مزه در اثر خوردن نوعی پتروپود با نام علمی *Spiratella retroversa* بوجود می‌آید.

black caviar خاویار سیاه، خاویار تاسماهیان، تهیه شده از تخم تاسماهیان

black fin crevalla گیش ریز، گیش سیاه باله

black fin scad گیش سیاه باله، گیش ریز، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Alepres melanoptera*، طول آن حدود ۱۱ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان کوچک و پاروپایان تغذیه می‌کند. این ماهی در آبهای ساحلی اقیانوس هند غربی فقط از خلیج فارس تا سریلانکا، سایر مناطق اقیانوس هند و آرام از خلیج تایلند تا اندونزی وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ قلاب و طناب انجام می‌شود.

black fish یکی از گونه‌های بالن کوچک دنداندار از جنس *Globicephal*

black herring شگ ماهی سیاه، شگ ماهی دودی سرد و سفت یا هرینگ قرمز دودی شدهٔ غلیظ به مدت ۵ تا ۶ هفته

black lining پردهٔ صفاق سیاه

black membrane پردهٔ صفاق سیاه

blackmouth angler گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ Lophidae با نام علمی *Lophiomus setigerus* ، طول آن ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر است و از ماهی تغذیه می‌کند. بیشتر در سراسر اقیانوس هند غربی، اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی در اعماق بین ۷۰ تا ۲۵۰ متری ژاپن تا شمال استرالیا وجود دارد. این ماهی گونه‌ای کفزی است که از ژاپن تا شمال استرالیا وجود دارد. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورهای کششی کفی انجام می‌شود.

black napes بالوشهای سیاه، بالوشهای ماهی شورخشک کرده، که غشاء نازک سیاه روی آن برداشته نشده است.

Black Plateau فلات زیر دریایی تاریک که در طول ساحل شرقی فلوریدا، از باهاما تا دماغهٔ هاتراس امتداد می‌یابد. عمق آن حدود ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ متر می‌باشد و بخش قدیمی فلات قاره‌ای است که در دورهٔ کرتاسه فرونشینی کرده است.

black pomfret ماهی حلوای سیاه از خانوادهٔ گیش ماهیان، با نام علمی *Parastromateus niger*، طول این ماهی ۳۰ تا ۵۵ سانتیمتر است و از

و حداکثر عمق این دریا ۲۲۴۵ متر است.



دریای سیاه

black skin صفاق، پوست سیاه

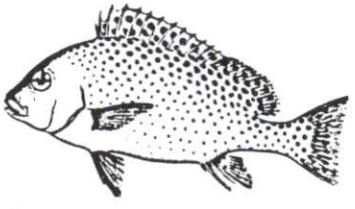
black skipjack هوور مسقطی سیاه با نام علمی *Euthynnus lineatus*

black spot لکه سیاه، سیاه شدن، ملانوزیس

black spot emperor شهری خال سیاه با نام علمی *Letherinus harak*

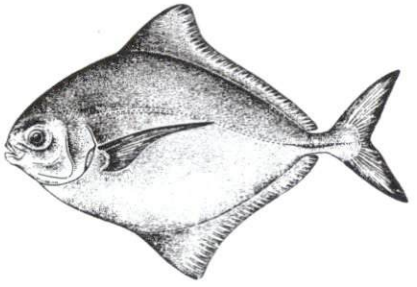
black spot snapper سرخو خال سیاه، ماهی خال کشمیر باریک با نام علمی *Lutjanus fulriflama*

black spotted rubber lip سنگسر زرد باله، خنو گل باقلی، هنو (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسرماهیان، با نام علمی *Plectorhinchus gaterinus* بیشترین طول آن ۵۰ سانتیمتر می‌باشد. در طول ساحل شرقی آفریقایعنی از آفریقای جنوبی تا دریای سرخ و در ماداگاسکار، جزایر کومور و ریونیون، و از خلیج عدن تا خلیج فارس وجود دارد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط قلاب دستی و نیزه انجام می‌شود.



Plectorhinchus gaterinus سنگسر زرد باله

پلانکتونهای جانوری تغذیه می‌کند. بصورت سطحزی در قسمت فلات قاره، از جنوب آفریقا تا موزامبیک، کنیا، دریای عربی، خلیج بنگال، اندونزی، فیلیپین، چین، ژاپن جنوبی، استرالیا و آبهای ساحلی غربی هند و اندونزی وجود دارد. هنگام روز ته آب و هنگام شب نزدیک سطح آب بصورت گروههای بزرگ در عمق ۱۵ تا ۴۰ متری زندگی می‌کند. از آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورگوشگیر و تورهای کششی انجام می‌شود.

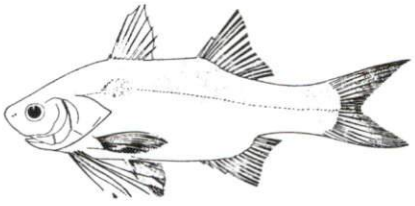


Parastromateus niger ماهی حلوا سیاه

black sands رسوبات معدنی سنگین ساحلی که در اثر عمل امواج بوجود می‌آیند. ماسه‌های سیاه

Black Sea دریای سیاه، شرقی‌ترین بخش دریای مدیترانه که دارای خلیجی بزرگ به نام دریای آزوف در شرق می‌باشد. این دریا بوسیلهٔ بلغارستان و رومانی در غرب، جمهوریهای تازه استقلال یافتهٔ شوروی سابق در شمال و شرق و ترکیه در سواحل جنوبی و شرقی خود، محدود می‌شود. رود دانوب بزرگترین رودی است که به دریای سیاه می‌ریزد. دمای آن معتدل است و تبادل آب آن با دریای مدیترانه، منحصر به تنگهٔ باریک بسفر می‌باشد. بنابراین، به دلیل کمبود اکسیژن، بخصوص در بخش مرکزی آن که تقریباً اکسیژن ندارد، فراوانی جانداران کم است. صید اصلی آن ماهی خاویاری است. دریای سیاه و دریای آزوف مساحتی حدود ۴۶۱۰۰۰ کیلومترمربع و حجمی حدود ۵۳۷۰۰۰ کیلومترمکعب دارند. عمق متوسط ۱۱۶۶ متر

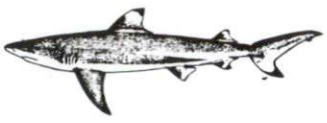
black spot thread fin راشگوی خالدار، طاهر، طائر، گونه‌ای از خانوادهٔ راشگو ماهیان با نام علمی *Polynemus sextarius* طول این ماهی ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر است. از سخت پوستان کوچک (مخصوصاً میگو)، ماهیان و موجودات کفزی تغذیه می‌کند. در قسمت جنوبی اقیانوس هند غربی، آبهای ناتال (جنوب آفریقا)، موزامبیک، ماداگاسکار، موریس ودر بخش شمالی اقیانوس هند غربی، از دریای سرخ تا ساحل غربی و هند و سریلانکا وجود دارد. روی سواحل کم عمق شنی و در خورهازندگی می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورهای ساحلی گردان و تورهای کششی کفی انجام می‌شود.



Polynemus sextarius راشگوی خالدار

black tail snapper سرخوی دم سیاه، گونه‌ای از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Lutjanus fulvus* طول این ماهی ۳۵ تا ۵۰ سانتمتر است. از ماهی و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی تا شمال حدود ۲۲ درجهٔ عرض جنوبی و در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی، تا جزایر سوسایتی و توآمرتو وجود دارد. ساکن صخره‌های مرجانی و قله‌های سنگی، تا عمق حدود ۸۰ متری می‌باشد. از آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن با قلاب دستی و تورگوشگیر انجام می‌شود.

blacktip reef shark کوسهٔ نوک سیاه صخره‌ای، از خانوادهٔ Carcharhinidae با نام علمی *Carcharhinus melanopterus*، طول آن حداکثر ۲۰۰ سانتیمتر است ولی، بطور معمول کمتر از ۱۶۰ سانتیمتر، از ماهیان کوچک استخوانی (از جمله کفال‌ها) و کوسه‌های کوچک و هشت پا تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی، از تانزانیا و احتمالاً آفریقای جنوبی تا دریای سرخ، پاکستان، هند و سریلانکا و سایر مناطق اقیانوس هند-آرام غربی به طرف شرق، تا جزایر هاوایی و در شرق مدیترانه، و از دریای سرخ در سراسر کانال سوئز وجود دارد. کوسه‌ای رایج در آبهای ساحلی و فلاتهای محصور نزدیک است و گاهی در آبهای دور از ساحل، بخصوص در آبهای کم عمق اطراف صخره‌های مرجانی، دیده شده است. بعلاوه ممکن است در آبهای لب شور و یا حتی شیرین نیز پیشروی نماید. در رودخانه‌های مناطق گرمسیری وجود ندارد. این نوع کوسه زنده‌زا است و ۲ تا ۴ نوزاد ۳۳ تا ۵۰ سانتیمتری به دنیا می‌آورد. به انسان حمله می‌کند. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ رشته قلابهای طویل و تورهای گوشگیر انجام می‌گردد.



Carcharhinus melanopterus کوسه نوک سیاه صخره‌ای

blacktip sardinella ساردین دم‌سیاه، حشینه، گونه‌ای از خانوادهٔ ساردین ماهیان با نام علمی *Sardinella melanura*، طول آن ۱۰ تا ۲۱ سانتیمتر است. در سراسر اقیانوس هندغربی، بطرف شرق تا آسیای جنوب شرقی و ساموآ وجود دارد. انواع

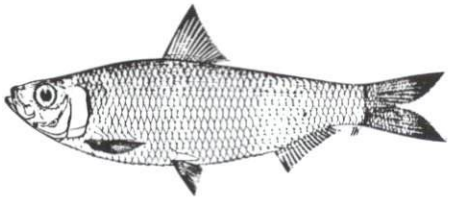
سرخ، پاکستان و هندوستان، در مناطق زیر استوایی آتلانتیک شرقی و غربی بسیار فراوان است. بعلاوه، در اطراف بعضی جزایر اقیانوسی، دریای مدیترانه، در منطقهٔ اقیانوس هند و آرام از آفریقای جنوبی و دریای سرخ تا هاوایی و هائیتی و اقیانوس آرام شرقی وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی و همچنین آبهای دور از ساحل است. گونه‌ای سریع است که گاهی از آب بیرون می‌جهد. گاهی اوقات وارد آبهای لب شور می‌شود ولی تحمل آبهای شیرین را ندارد. زنده‌زاست که از یک تا ده نوزاد، حدود ۶۰ سانتیمتری بدنیا می‌آورد. این کوسه ظاهراً برای انسان زیاد خطرناک نیست ولی، برای غواصانی که با نیزه ماهی صید می‌کنند می‌تواند خطرناک باشد. از آبهای ایران، در خلیج فارس گزارش شده است. صید آن با رشته قلابهای شناور و تور گوشگیر شناور انجام می‌شود.



کوسه پوزه سیاه *Carcharhinus limbatus*

blacktip trevally گیش نوک دم سیاه،

جرلام (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Caranx sem*، بیشترین طول استاندارد آن ۷۸ سانتیمتر است. از ماهیها و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در آبهای ساحلی اقیانوس هند غربی و خلیج فارس و دریای عمان، مالزی، اندونزی، دریای آرافورا و بریتانیای جدید وجود دارد. ترجیحاً در آبهای ساحلی تمیز و باز زندگی می‌کند. ماهیهای بالغ بصورت گروههای کوچک در آبهای مناطق صخره‌ای و بندرت در آبهای مصبی و یا متلاطم وجود دارند. صید آن بوسیلهٔ قلاب و ریسمان و نیز تور گوشگیر و دیگر ابزار صید سطح زی آن در آبهای ساحلی دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورگردان، گوشگیر و کششی در آبهای کم عمق انجام می‌شود. محل صید عمدهٔ آن در جنوب غربی ساحل هندوستان در آذر ماه می‌باشد.



ساردین دم سیاه، حشینه *Sardinella melanura*

blacktip sea catfish گلوی دم سیاه،

گونه‌ای از خانوادهٔ گربه ماهیان با نام علمی *Arius dussumieri* بیشترین طول این ماهی ۳۱ سانتیمتر و بطور معمول از ۱۸ تا ۲۰ سانتیمتر می‌باشد. عمدتاً از بی‌مهرگان و ماهیان کوچک تغذیه می‌نماید. در سواحل غربی هندوستان، پاکستان، سریلانکا و احتمالاً شرق آفریقا در طول ساحل شرقی هند و بنگلادش و برمه وجود دارد. دریازی است، در طول سواحل و آبهای عمیق‌تر، تا عمق ۵۰ متر زندگی می‌کند. از ایران، در سواحل چابهار گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی، کیسه‌ای مستقر، رشته قلابهای طویل در آبهای ساحلی و معمولاً سواحل غربی هندوستان انجام می‌شود.

blacktip shark کوسهٔ پوزه سیاه،

گونه‌ای از خانواده Carcharhinidae با نام علمی *Carcharhinus limbatus*، طول آن ۱۵۰ تا ۲۴۷ سانتیمتر است. از گلهٔ ماهیان کوچک، سفره‌ماهی و هشت پا تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، در آبهای دور از ساحل آفریقای جنوبی، ماداگاسکار و شمال موزامبیک، سیشل و سایر جزایر، در منطقهٔ دریای

است. صید آن بطور تصادفی بوسیلهٔ تور و دام انجام می‌شود.

blemish بدظاهر، بد منظر، بدریخت، بد منظربودن ذاتی یا حاصله ازمراقبت و جابجایی نادرست

Blenniidae خانوادهٔ لزج ماهیان (آب شیرین)

Blennius fluviatilis ماهی لزج

Blicca bjoerkna ماهی سیم نما

blind fish ماهی کور، ماهیانی که در تاریکی غارها زندگی می‌کنند، کور ماهی

blizzard طوفان برف، باد شدید همراه با برف و کولاک

bloater بلوتر، شگ ماهی بزرگ و چاق و شور، عموماً بطور دسته‌ای بمقدار کم دودی می‌شود (در انگلستان دودی سرد)

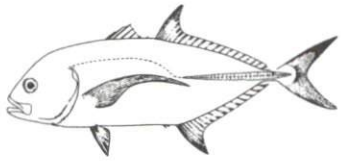
bloater stock بلوتر ذخیره شده، شگ ماهیانی که شور شده‌اند تا بعداً بصورت بلوتر دودی گردند.

bloch's gizzard-shad گواف، گونه‌ای از خانوادهٔ ساردین ماهیان، با نام علمی *Nematalose nasus*، طول آن ۱۸ تا ۲۲ سانتیمتر می‌باشد. از خلیج فارس بطرف سواحل غربی هند و سریلانکا، همچنین بطرف شرق تا مالزی و هنگ کنگ وجود دارد. گونهٔ سطح‌زی آن در آبهای ساحلی و ظاهراً در خورها دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ تورهای گردان، بالاکش و تور کششی در آبهای کم عمق انجام می‌گردد.

block قرقره، کنده، دستگاه مدور اسلحه

block fillet فیلهٔ پروانه‌ای، فیلهٔ فرشته‌ای، دو فیلهٔ یک ماهی که متصل به هم بیرون آورده شده‌اند و در قسمت پشت بهم وصل هستند. در این فیله همهٔ استخوانها غیر از استخوانهای تیغ مانندی که داخل عضلات هستند، برداشته شده‌اند. آنرا فیلهٔ دوتایی هم می‌گویند.

سنتی انجام می‌شود.



Caranx sem ماهی گیش نوک دم سیاه

black wings کاد سیاه، نیمه شدهٔ ماهی کاد شور خشک کرده که غشاء زدایی نشده و کهنه شده است.

bladder(in fishes) مثانه

blade در گیاهان آبزی به قسمتهای پهن گیاه که به یک ساقه (stipe) وصل می‌شود اطلاق می‌گردد.

blank cartridge گلوله سلام

blast بوق زدن کشتی

Blastoidea بلاستویدا، دسته‌ای از خارپوستان ساقه دار که سطح آنها دارای ۱۳ صفحهٔ سخت پوستی است که بصورت سه حلقه قرار گرفته‌اند.

bleached بی‌رنگ شده، رنگبری فرآورده‌ها با افزودن مادهٔ شیمیایی یا عمل آوری برای انبار کردن

bleak = ***Alburnus alburnus , A.lacidus***

bleeding خون گیری، رگ زنی، دم‌زنی به منظور گرفتن قسمت عمدهٔ خون جاری ماهی، این کار بلافاصله پس از صید انجام می‌شود.

bleekers surgeon fish ماهی جراح، گونه‌ای از خانوادهٔ Acanthuridae با نام علمی *Acunthurus bleekeri* حداکثر طول این ماهی ۴۰ سانتیمتراست ولی،بطورمعمول ۳۰ سانتیمتر می‌باشد. از پلانکتونهای جانوری تغذیه می‌کند. این ماهی بصورت گروهی در بیشتر نواحی اقیانوسهای هند و آرام در اعماق ۱۵ متری و بیشتر در مجاورت صخره‌های مرجانی یا بسترهای سنگی زندگی می‌کند. از آبهای ایران در سواحل دریای عمان گزارش شده

blood clot لختهٔ خون، وجود تکه‌های خون لخته شدهٔ نیمه سخت در ماهی عمل آوری شده

blood mark اثر خون، تغییرات حاصله در گوشت ماهی بصورت بی‌رنگ شدن قسمتی از گوشت که در اثر زخمی شدن بدن و از بین رفتن خون پس از صید ایجاد می‌گردد. همچنین، وجود هر نوع خون لخته شده در ماهی عمل‌آوری شده، که باعث کم ارزش شدن محصول می‌گردد.

blood meat گوشت تیره، گوشت سیاه ماهی تون

blood pickle خونابه، مخلوطی از خون و آب بدن ماهی که هنگام نگهداری شگ ماهی یا سایر ماهیها در نمک، بدون شستشو یا خونگیری، بصورتی که در عمل‌آوری به روش «اسکاتلندی و آلمانی» است، تشکیل می‌شود.

blood snapper ماهی سرخوی با نام علمی *Lutjanus songuineus*

blood spot لکهٔ خونی، لکه‌های خون که در سطح بدن ماهی وجود دارند و با شستن از بین می‌روند.

blood worm کرم خونی از خانواده کیرونومیده

bloom شکوفایی، رشد شکوفای پلانکتونهای دریایی، درخشندگی در ماهیی که تازه صید شده است، حالت شیشه‌ای سطح فیله

blotched croaker شبه شوریده

blotched grunt ماهی سنگسر چهارخال

blow fish گروهی از ماهیان بزرگ حاره‌ای که هوا یا آب را در هنگام خطر می‌بلعند تا اندازه‌شان بطور موقت بزرگ شود. این عمل پدیده‌ای دفاعی است. بعضی از گونه‌ها مادهٔ سمی ترشح می‌کنند و ترشحات یا اجزای خار مانند تزریقی دارند. این ماهیان تنها از سخت پوستان کوچک و صدفها تغذیه می‌کنند. مراجعه شود به puffer

blow hole ۱) سوراخ بینی که بر روی سر بالنها قرار دارد.

۲) تونل دراز در صخره‌های دریایی دور از ساحل که آب دریا از مجرای آن به هنگام طوفان بیرون می‌ریزد.

blow line ریسمان ماهیگیری سبک باطعمهٔ واقعی یا مصنوعی که بر روی سطح آب شناور است و با باد حرکت می‌کند.

blown بادکردگی قوطی کنسرو که به دلیل آلودگی میکروبی و فساد محتویات قوطی است.

blown oil روغن ماهی هوا دیده، روغن ماهی که در اثر جریان یافتن هوا در داخل آن، کمی اکسیده شده باشد.

blown sand ماسهٔ بادی

blown smoke دود دمیده، دود تولید شده بوسیلهٔ افزایش جریان هوا که باعث احتراق کامل‌تر چوب نسبت به دود مرطوب می‌شود.

blubber چربی بالنها و سایر حیوانات دریایی

blubberlip snapper سرخوی لب کلفت، گونه‌ای از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Lutjanus rivulatus*. طول این ماهی ۳۰ تا ۶۵ سانتیمتر است. از ماهی و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی و در شمال عرض جنوبی (حدود ۲۲ درجه) وجود دارد. گزارشی از وجود این ماهی در خلیج فارس نیست. از مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی، غرب اقیانوس آرام مرکزی تا جزایر سوسایتی دیده می‌شود. ساکن صخره‌های مرجانی و سنگی در عمقهای بین ۳ تا ۱۵۰ متر می‌باشد. ماهیان بالغ بصورت پراکنده در آبهای عمیق‌تر وجود دارند. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن عمدتاً با قلاب دستی، دام، تور گوشگیر و گاهی با تورهای کششی در صخره‌های مرجانی انجام می‌شود.

bludger گیش منقوط، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Carangoides gymmostelhus*، بیشترین طول این ماهی ۸۳ سانتیمتر و وزن آن ۷/۲ کیلوگرم است. از

طعمه‌های کوچک مانند میگوهای ریز تغذیه می‌کند. در آبهای اقیانوس هند و اقیانوس آرام غربی، شامل جزایر ریوکیو و استرالیا و نیز در خلیج فارس و دریای عمان وجـود دارد. مـحیط زیست آن بـیشتر آبـهای مـناطق صخره‌ای دور از ساحل می‌باشد. ماهیان بزرگتر بصورت انفرادی دیده مـی‌شوند، ولی مـاهیان جـوان بـصورت گروهی به سر می‌برند. صید آن با قلاب و طناب، تور گوشگیر و دام انجام مـی‌شود. ایـن مـاهی را بـصورت ورزشی نیز صید می‌نمایند. صیدگاه آن مناطق سنگی و صخره‌های مرجانی می باشد.

blue and yellow grouper هامور زرد و آبی، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ هامور مـاهیان بـا نـام عـلمی *Epinephelus flavocaeruleus*، بیشترین طول آن ۹۰ سانتیمتر است. این ماهی گسترش وسیعی در اقیانوس هند غربی دارد ولی از دریای سرخ و خلیج فارس گزارش نشده است. گونهٔ مزبور همچنین در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی، بطرف شرق تا ژاپن، چین، استرالیا، جزایـر مـارشال و گـیلبرت وجـود دارد. افـراد جوان در صخره‌های کم عمق و افراد مسن در صخره‌های مرجانی و بسترهای سنگی تا عمق ۲۲ مـتری زنـدگی می‌کنند. در آبهای ایران، در دریـای عـمان وجـود دارد. صید آن تـوسط قـلاب و طـناب و دام در صـخره‌های مرجانی و بسترهای سنگی تـا عـمق ۲۲ مـتری انـجام می‌شود.

blue bream ماهی سیم آبی با نام علمی *Abramis ballerus*

blue crab خرچنگ آبی (*Callinectes*) سواحل اقـیانوس اطـلس کـه خـوراکـی است. سـخت پـوست خوراکی از راستهٔ دکاپودا (ده پایان)، پوستهٔ این جاندار از بدنش بلندتر است و ۲۰ سانتیمتر پهنا و حدود ۷ تا ۸ سانتیمتر طول دارد. یک دسته شاخک ۸ تایی در هـر طرف بدنش مـوجود است. لاشـخور مـی‌باشد و در خلیج ها، دهانهٔ رودها و خطوط ساحلی گل آلود زندگی می‌کند. اسکلت خارجی دارد. خرچنگ در فـاصلهٔ بـین پوست اندازی و رشد اسکلت بیرونی جدید، بی دفاع می‌باشد و به نام خرچنگ نرم پوست معروف است .

bluefin مراجعه شود به tuna

bluefin tuna تون باله آبی با نام علمی *Thunnus thynnus*

blue fusilier گونه‌ای ماهی از خانواده Caesienidae با نام علمی *Caesio lunaris*، طـول آن ۲۰ تا ۳۵ سانتیمتر است. از پلانکتونهای جانوری تغذیه می‌کند. این ماهی ساکن آبهای ساحلی آفریقای شرقی، از موزامبیک به طرف شمال تا خلیج عدن، دریای سرخ، دریای عمان، خلیج فـارس و در شـمال مـاداگـاسکار، سیشل و موریس می‌باشد. صید آن با تور گـوشگیر و تورهای احاطه‌ای انجام می‌شود.

blue gill گونه های ماهی خوراکی و تجاری با نام علمی *Lepomis macrochirus*

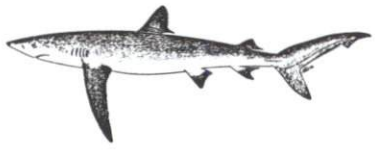
blue - green algae جلبکهای سبز ـ آبی، باکتریهای سبز ـ آبی، جلبکهای سـیانوفیسه رنگ ایـن موجودات به دلیل وجـود رنگـدانـه‌های فـیکوبیلوزوم (فیکواریترین و فـیکوسیانین) در سـلول یـا سـلولهای آنهاست.

blue holes حفره‌های آبی، شمایی از ساحل بزرگ باهاما در کارائیب، ایـن حـفره‌های آبـی از سـطح دریـا بصورت نقطهٔ آبی تیره بر روی بستر شـنی یـا آهکـی پـوشیده از آب است، کـه در اثـر حـرکت آب از مـیان صخره‌های آهکی و انحلال آنهادرآخرین عصر یخبندان (زمانی کـه سـطح اقـیانوسها بسـیار پـایین‌تر از سـطح امروزی بود)، بوجود آمده‌اند. جریانی که آب را به درون یا بیرون این حـفره‌ها مـی‌فرستد قـوی است و پس از جریانهای جزر و مدی بوجود می‌آید.

blue lined hind گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Cephalopholis formosa*، طـول آن حدود ۳۴ سانتیمتر است. در قسمت شمال اقیانوس

اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی تا ژاپن، استرالیا و جزیرهٔ ایستر وجود دارد. این ماهی در آبهای ساحلی کم عمق و اطراف صخره‌ها درون حفره‌ها زندگی می‌کند. گاهی بصورت گله یافت می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن با قلاب و ریسمان (میگو و علفهای دریایی بعنوان طعمه است) و انواع ابزار سنتی در صخره‌های کم عمق و نواحی سنگی انجام می‌گیرد .

blue shark کوسهٔ آبی با نام علمی *Prionace glauca*، کوسه ماهی آبی بزرگ با طول ۳ تا ۴ متر، در تمام اقیانوسهای دنیا موجوداست. انتشار نخستین آن از آبهای استوایی به آبهای گرم حاره‌ای بوده است. این جاندار لاشخور بزرگی است که به انسان حمله می‌کند.



کوسه آبی، کوسه ماهی آبی بزرگ *Prionace glauca*

blue spot mullet ماهی کفال خال آبی، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ کفال ماهیان با نام علمی *Volanugil seheli*، طول آن ۲۴ تا ۵۰ سانتیمتراست و از جلبکهای ریز دیاتومه و سایر مواد آلی بصورت زنده و مرده تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از ناتال به طرف شرق (آفریقای جنوبی) تا دریای سرخ، ماداگاسکار، موریس، ریونیون، باربونیا، جزایر سیشل، هند و سریلانکا، در طول ساحل شرقی هند تا دریاچهٔ چیلکا و جزایر آندامان بطرف شرق تا هاوایی، جزایر مارشال، گینهٔنو و استرالیا در اقیانوس آرام غربی، و در دریای چین جنوبی تا هنگ کنگ و کانتون وجود دارد. گونه‌ای گله‌ای است که وارد آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان می‌گردد. صید آن با تورهای گوشگیر پرتابی، نرده‌ای یا حصاری، بالاکش، ساحلی هند غربی (بطرف شمال از حدود ۸ درجهٔ عرض جنوبی) بجز خلیج فارس و دریای سرخ وجود دارد. این ماهی همچنین در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی تا چین و شمال ژاپن زندگی می‌کند. از آبهای ایران در دریای عمان گزارش شده است . صید آن با قلاب و طناب، دام و تور گوشگیر (در صخره‌های مرجانی و بسترهای سنگی اعماق ۱۰۰ تا ۳۰۰ متر) انجام می‌شود.

blue line snapper سرخوی نوار آبی، گونه‌ای از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Lutjanus coeruleolineatus*، طول این ماهی ۲۰ تا ۳۵ سانتیمتر است. از ماهی و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در دریای سرخ، خلیج عدن و دریای عرب وجود دارد. ساکن آبهای کم عمق نواحی صخره‌های مرجانی تا عمق ۲۷۵ متر می‌باشد. از آبهای ایران، در دریای عمان دیده می شود. صید آن با قلاب دستی، دام و تور گوشگیر انجام می‌شود.

blue list کتاب کشتیرانی لویدز

blue marlin نیزه ماهی آبی با نام علمی *Makaira nigricans*

blue mud ۱) رسوبات بستر اقیانوس که ۷۵ درصد آن از خشکی است و اندازهٔ ذراتش کمتر از ۰/۰۳ میلی‌متر است.

۲) رسوبات آبی رنگ بستر اقیانوس که حاوی ترکیبات آلی و سولفیدهای آهن است.

blue peter پرچم آبی با یک مثلث سفید و حرف P که هنگام حرکت کشتی به اهتزاز در می‌آورند.

blue sea chub ماهی کن سی (چابهار)، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ Kyphosidae با نام علمی *Kyphosus cinerascens*، بیشترین طول آن ۴۰ سانتیمتر است. از علفهای دریایی و بی‌مهرگان همراه آنها تغذیه می‌کند. در بیشتر نواحی اقیانوس هند غربی، سواحل جنوب آفریقا تا دوربان، همچنین در آبهای

جنس *Balaenoptera* است. این بالن بزرگ اندام، طولی حدود ۳۰ تا ۳۵ متر دارد. در این اواخر بیش از اندازه صید شده است به همین دلیل، در خطر نابودی گونه قرار گرفته است. شدت این نابودی به حدی است که حتی حفاظت آن در محلهای مخصوص نیز نمی‌تواند از انقراض آن جلوگیری کند.



بالن آبی

blue wings کاد آبی،

نیمه شدهٔ ماهی کاد شور خشک کرده که غشاءزدایی شده اما در اثر ماندن زیاد، بالوشها رنگ متمایل به آبی پیدا کرده اند.

bluf ساحل بلند دریا، ساحل پرتگاهی، ساحل تند شیب

blunt locust lobster شاه میگوی کند،

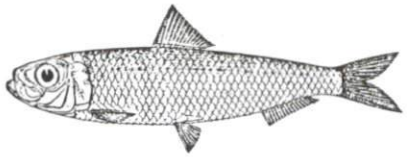
لابستر کند از خانوادهٔ Scyllaridae با نام علمی *Scyllarides spuammosus*، بیشترین طول کاراپاس نر و ماده به ترتیب حدود ۱۰ و ۱۵ سانتیمتر و طول کلی حدود ۴۰ سانتیمتر می‌باشد. گزارشهای متفرقه‌ای از پراکندگی این گونه وجود دارد. این خرچنگ در محدوده‌های مشخص از کنیا و تانزانیا تا خلیج عدن، ریونیون، موریس و جزایر رودریگو زندگی می‌کند. از مناطق دیگر، در ژاپن، هاوایی، کالدونیای جدید و جزایر لویالستی گزارش شده است. در عمق بین صفر تا ۸۰ متری (بیشتر ۲۰ تا ۵۰ متری) روی صخره‌ها و مناطق سنگی و در طول روز درون حفره‌های سنگها زندگی می‌کند. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن به ندرت انجام می‌شود ولی در هاوایی با گرگورهای سیمی و توسط غواصان صید می‌گردد.

گردان و بویژه تور کیسه‌ای در مواقع تخم‌ریزی انجام می‌شود.

blue streak emperor ماهی شهری با نام علمی *Lethrinus choerorynchus*

blue stripe herring ساردین نوار آبی،

گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ ساردین ماهیان با نام علمی *Erklotsichthys quadrimaculatus* طول آن ۱۰ تا ۱۴ سانتیمتر است. در سرتاسر اقیانوس هند غربی، بطرف شرق تا ژاپن، ساموآ و استرالیا وجود دارد. گونه‌های سطح‌زی آن در آبهای ساحلی دیده می‌شوند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای گردان بالاکش و تور کششی در آبهای کم عمق انجام می‌شود.



Herklotsichthys quadrimaculatus ساردین نوار آبی

blue trevally گیش ماهی مخطط خالدار،

از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Carangoides ferdan* طول آن ۵۳ تا ۷۰ سانتیمتر و وزن نوع آفریقایی آن تا ۸ کیلوگرم است. از خرچنگ، ماهیهای کوچک و میگو تغذیه می‌کند. این ماهی بطور گسترده در اقیانوس هند، بخش شرقی اقیانوس آرام مرکزی به طرف جزایر هاوایی وجود دارد. اگرچه آبهای ساحلی مجاور سواحل شنی را ترجیح می‌دهد، ولی تا عمق ۶۰ متری هم می‌تواند زندگی کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط قلاب و طناب، تورگوشگیر و دام انجام می‌شود.

blue whale بالن آبی، بزرگترین جاندار روی زمین، چون جمعیت بزرگی از دیاتومه‌های زرد طلایی را بر روی خود حمل می‌کند. بعنوان بالن مخزن سولفور نامیده می‌شود. این جاندار از کریل تغذیه می‌کند و از

bluntnose lizard fish ماهی کریشو، ماهی حسّون، سوسمار ماهی پوزه کوتاه، از خانوادهٔ کریشو ماهیان بانام علمی *Trachinocephalus myops*، طول آن تا ۴۰ سانتیمتر می‌رسد. گوشتخوار است و از ماهی تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از بخش شمالی موزامبیک تا تانزانیا، شمال شرقی ماداگاسکار، خلیج فارس، پاکستان، هندوستان و سریلانکا وجود دارد. گستردگی جهانی آن در آبهای گرم مناطق استوایی به طرف اقیانوس آرام شرقی می‌باشد. این ماهی از منطقهٔ ساحلی تا عمق ۱۰۰ متری در بسترهای شنی زندگی می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورهای کششی انجام می‌شود.

board سوار کشتی شدن، پهلوی کشتی

boarding the net تورکشی، مراجعه شود به hauling in

board walk تفرجگاهی در کنار ساحل که کف آن تخته باشد.

boat قایق

boat davit قلابهای کناری کشتی برای بالا و پایین بردن قایق

boat hook قلاب قایق، چوب قلاب

boat lift net تور بالابر قایق

boatman کرجی بان، قایقران

boatmanship قایقرانی

boat rope طناب سینه قایق

boat shell شکمپای دریایی از جنس *Crepidula* و *Cymbium*

boat skid سرسرهٔ به آب اندازی قایق

boat station ایستگاه قایقها

boatswain سرکارگر کشتی، سر ملوان

boatswain's party گروه ملوانان

boat your oars پارو به قایق

bob شاخه‌ای از کرمها که در ماهیگیری بعنوان طعمه مارماهی بکار می‌روند.

bobbing a light کم و زیاد کردن ارتفاع در روی تیرک عمودی قایق برای تشخیص افق حقیقی

bob - fly در ماهیگیری به یک طعمه ثانوی مصنوعی گفته می‌شود که در آب انداخته می‌شود تا موقعیت end-fly را مشخص کند.

bob tailed sniple eel مار ماهی نوک دراز منگوله‌ای با نام علمی *Cyema atrum*

BOD اکسیژن مورد نیاز فعالیتهای زیستی یا مقدار اکسیژن لازم برای میکروبها، تا بتوانند مواد آلی را بشکنند یا تجزیه کنند. بنابراین، هرچه حجم مواد آلی دریا بیشتر باشد BOD نیز بالاتر است. BOD خیلی بالا، نشانهٔ آلودگی آب است.

مراجعه شود به biochemical oxygendemand و biological oxygendemand

body waves هر گونه امواج عرضی یاامواج زلزله‌ای طولی ساطع شده در داخل محیط حدواسطی که جامد قابل ارتجاع یا سیال بوده و ارتباطی به سطح مرزی ندارد.

body whorl بزرگترین پیچ (خم) صدف یک شکمپا

bofors توپ ضد هواپیما، بوفور

bog باتلاق، مرداب

bog-margined حاشیهٔ باتلاقی، آبگیری یا حاشیه های مرطوب اسفنجی که به سختی به آب آزاد راه دارد.

boiler ship دیگ بخار کشتی

boiling point نقطه جوش، گرمایی که در آن

محلول به بخار (یا گاز) تبدیل می‌شود.

bokkem بوکم، خشک کرده

bokkem masbanker ماهی شور تهیه شده از ماهی با نام علمی *Trachurus trachurus*

bold coast ساحل مرتفع ناحیه مرتفع، که با شیبی تند، از دریا بیرون زده باشد.

bombay - duck شیرو (در چابهار)، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ Harpadonitidae با نام علمی *Harpadon nehereus* بیشترین طول آن ۴۰ سانتیمتر است، ولی طول معمولی آن بین ۱۰ تا ۲۵ سانتیمتر می‌باشد. از ماهیهای کوچک تغذیه می‌کند. ازساحل شرقی آفریقا بطرف شرق (حدود زنگبار)، دریای سرخ، خلیج فارس و دریای عربی، و در مناطق دیگر، به سمت شرق تا اقیانوس آرام غربی وجود دارد. این ماهی ساکن آبهای ساحلی و خورها می‌باشد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن با تور کششی کفی درمنطقهٔ آبهای کم عمق ساحلی و خورها انجام می‌شود.

bomber بمب افکن

bond تعهد، در انبار گمرک گذاشتن کالا

bonded bunkers سوختهای بسته بندی شده روی کشتی که شامل مالیات نمی‌شوند.

bonded goods کالای گروی نگهداشته شده در انبار تا اخذ گمرگ

Bonded store انبار خواروبار بسته بندی شده در خشکی برای حمل به کشتی

bonding اتصال سیم بین نفتکش و اسکله بارگیری جهت ایجاد تخلیه الکتریکی

bone ۱) کف حاصله از حرکت کشتی
۲) استخوان

bone content مقدار استخوان، مقدار استخوان در محصول ماهی که بطور معمول نباید استخوان داشته باشد.

boned بدون استخوان، بی‌استخوان شده

boned fish ماهی استخوان درآورده شده

boned hooker ماهی استخوان درآورده، ماهی که بیشتر استخوانهای آن در آورده شده است.

قلاب آهنی کوچک مورد استفاده در جدا کردن استخوانهای بالوشهای ماهی کاد شور و خشک.

bone hooker قلاب استخوان خارج کن،

boneless بدون استخوان

boneless cod کاد بی‌استخوان، کاد شور درجهٔ اعلا که استخوانها و پوست آن جدا شده است.

boneless fish مراجعه شود به boned fish

boneless kipper کیپر بی استخوان، اصلاح شدهٔ شگ ماهی «کیپر شده» که سر، قسمت نازک و شکم و ستون فقرات آن جدا شده است.

boneless salt-cod fillet فیلهٔ ماهی کاد شور خشک کرده که استخوانهای آن جدا شده است.

boneless smoked herring شگ ماهی پوست کنده دودی شده که سر، دم و بیشتر استخوانهای آن جدا شده است.

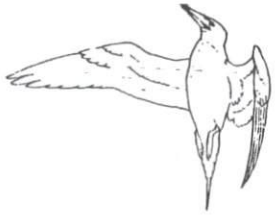
bone, to استخوان زدایی، درآوردن استخوان ماهی

bonito ماهی تون یا ماهی خال مخالی، بونیتو گونه‌ای از خانوادهٔ Scombridae، ماهی گوشتخواری که طول آن حدود ۷۰ سانتیمتر، دم آن تیز و چنگال مانند، سطح بدن سبز - خاکستری است. در تمام دنیا از نظر اقتصادی و ماهیگیری تفریحی مورد توجه می‌باشد. نوع اقیانوسی آن تون skipjack نام دارد.

bony fish ماهی استخوانی، ماهیان استخوانی شامل تقریباً تمامی ماهیان آب شیرین، و قسمت عمده‌ای از ماهیان آبهای شور می‌باشد. عمده‌ترین

ویژگیهای آنها راداشتن اسکلت استخوانی، یک سرپوش برانشی در هر طرف سر، شعاعهای نرم یا سخت در باله‌ها، پوشش ناقص یا کامل بدن با فلس و گاهی بدون فلس می باشد. در حال حاضر تعداد ماهیان استخوانی خیلی بیشتر از ماهیان غضروفی است و حدود ۲۵۰۰۰ گونه از انواع ماهیان شناخته شده را شامل می‌شود. تعداد ماهیان غضروفی شناخته شده حدود ۶۰۰ گونه است.

booby بوبی، پرندهٔ دریایی از گروه پلیکانها که در آبهای حاره‌ای تا معتدله زندگی می‌کند. طول آن ۱۰ تا ۸۰ سانتیمتر است. منقار بلند و بالهای باریک دارد. لانه‌اش در سواحل صخره‌ای است. مادهٔ این پرنده دو تخم در آشیانهٔ سنگی و خاشاکی می‌گذارد، مراسم جفتگیری آن زیبا و طولانی است، این پرنده از انسان نمی‌ترسد، قدرت پرواز خوبی دارد و از اسکوئید و ماهی تغذیه می‌نماید.



بوبی

boom تیرک، نگهدارندهٔ پایه یا قسمت زیرین جلو - عقب بادبان، وسیله‌ای است که در جلو یا در عقب تیر دکل آویخته می‌شود.

boom out a sail, to بادبان گستردن، بادبان برافراشتن

borate نمک اسیدبوریک

borax نمک سدیم دار اسید بوریک

borderland سرزمین مرزی، اصطلاحی که گاهی برای تعیین مرز داخلی بین قاره‌ای استفاده می‌شود.

bore اشتراک، موج بلند (به هنگام مد از دریا به سمت رودخانه)، مد مقابل دهانه رودخانه

bore, to سوراخ کردن، حفر کردن

boreal شمالی

boreas باد شمال (نام قدیمی)

borers موجودات حفار، موجودات دریایی که سوراخهایی را در بدن موجودات دیگر یا در چوب و سایر مواد ایجاد می‌کنند. این جانداران صافی کننده هستند. آنها با ایجاد سوراخ روی پوستهٔ صدفها، مرجانها، و یا دیوارهٔ آهکی برای خود پناهگاه می‌سازند. گونه‌های چوبخوار، ضررهای اقتصادی به کشتیها وارد می‌کنند.

boric acid اسید بوریک، نوعی مادهٔ شیمیایی محافظ غذا که برای عمل‌آوری و نگهداری مواد غذایی دریایی استفاده می‌شود. امروزه استفاده از آن به دلیل اثرات سمی تجمعی آن، ممنوع می‌باشد.

boring sponge اسفنج حفار، اسفنجی که پوستهٔ صدفها، خرچنگها و سایر نرمتنان را سوراخ می‌کند.

bornholms process روش دودی کردن شگ ماهی در جزیرهٔ «بورن هولم»، کورهٔ مخصوص مورد استفاده در این روش، کورهٔ بورن هولم نامیده می‌شود.

bosun سرملوان

Botany Bay خلیج بوتانی (بوتنی)، سرزمین هلالی شکل مسدود به عرض ۱/۵ کیلومتر، که بین فلاتهای لاپروز و کورنل قرار دارد. نام اولیهٔ خلیج Stingray Harbour بود، ولی نام آن به دلیل تنوع زیاد گونه‌های ناشناختهٔ گیاهی و جانوری به خلیج بوتانی تغییر یافت. دو رودخانهٔ کوک و جورج این خلیج را تغذیه می‌کنند.

Bothidae = left eye flaunders خانوادهٔ کفشک ماهیان - کفشک های چشم چپ

Bothus pantherinus **(leopard flounder)**
کفشک پلنگی - کفشک نازک

bottarga خاویار ایتالیایی، خاویاری که از اشپل تون یا کفال در ایتالیا تهیه می‌شود.

bottle nosed dolphin دولفین پوزه بطری با نام علمی *Tursiops truncatus*

bottom بستر، کف
مراجعه شود به ocean floor, trench

bottom animals جانوران کف، جانوران بستر

bottom configuration شکل کف (بستر)

bottom currents جریانهای عمقی، جریانهای همیشگی آب در اعماق اقیانوس که مسیر معینی دارند. این جریانها در بیشتر آبها وجود دارند، ولی ارتفاعات و پشته‌ها (مانند آنچه اقیانوس اطلس شرقی را از بخش غربی جدا می‌کند)، آنها را محدود می‌نمایند. جریان عمیق قطب جنوب، جریانی سریع و بزرگ با سرعت ۰/۸ کیلومتر در ساعت است. جریانهای محلی در گذرگاههای اصلی، سرعت خوبی دارند. سرعت جریان آب دریای مدیترانه در جبل‌الطارق، ۳/۵ کیلومتر در ساعت است.

bottom dweller ساکن اعماق، کفزی

bottom fauna مجموعه جانوران کفزی

bottom feeder کف خوار، جانوری (بخصوص ماهی) که از موجودات و ترکیبات موجود در درون یا بر روی کف استفاده می‌کند.

bottom feeding کف خواری،

bottom fishing صید کفی، صید در کف

bottom land زمین پست، زمینی که پست‌تر از زمینهای اطراف باشد.

bottom longline رشته قلاب طویل کفی

bottom of the fish pond کف استخر پرورش ماهی

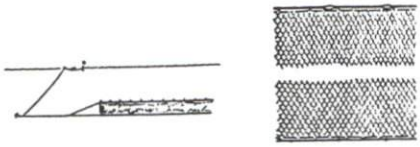
bottomry کرایه یا رهن کردن کشتی در مقابل گرو گذاشتن کشتی

bottomry bond وامی که ناخدا برای تعمیر کشتی دریافت می‌کند این وام بهره بالایی ندارد و اگر کشتی مفقود شود توسط مالک پرداخت نمی‌شود.

bottom sample نمونه بستر یا کف دریا

bottom sampling نمونه‌برداری از کف دریا

bottom set gillnet تور گوشگیر کفی ثابت



تور گوشگیر کفی ثابت

bottom trawl تور کششی کفی، ترال کفی

bottom trawler تور کش کفی، ترالر کفی کشتی صیادی که برای کشیدن ترال در کف دریا طراحی گردیده است.

bottom water آب عمیقی که ازمناطق قطبی خاص به سمت استوا جریان دارد. این جریان آب، چون اکسیژن زیاد و شوری کمی دارد، از آبهای دیگر اقیانوس قابل تشخیص است، ولی در اثر اختلاط با آنها بتدریج ماهیت اولیهٔ خود را از دست می‌دهد.

botulinal poisoning بوتولیسم، مسمومیت بوتولیسمی که در اثر فاسد شدن فرآوردهٔ غذایی (دریایی) توسط نوعی باکتری ایجاد می‌شود.

botulinum cook حرارت کشندهٔ میکروب کلوستریدیوم بوتولینوم، حرارتی که شدت و زمان آن باعث مرگ انواع میکروبهای عامل بوتولیسم در قوطی کنسرو می‌شود.

botulinum organism

میکروب *Clostridium botulinum*

botulinum toxin سم یا سمهای حاصله از میکروب *Clostridium botulinum* که با حرارت زیاد و پختن از بین می‌رود.

botulism نوعی مسمومیت غذایی کشنده، مصرف سم به مقدار کم باعث فلج دستگاه عصبی می‌گردد.

Bougainville, Louis Antome de (1729-1811)

لوئیز بوگان ویل، محقق فرانسوی اقیانوس آرام جنوبی. او نخستین رهبر تیم دریایی فرانسویان بود که در جستجوی سرزمینهای جدید، به دور دنیا سفر کرد. وی کتاب سفر به دور دنیای خود را پس از این سفر نوشت. در کشتی بوگان ویل طبیعی دانان زیادی وجود داشتند. سفر به سوی غرب از تنگهٔ ماژلان آغاز شد و بطرف شمال غربی تا استرالیا و بریتانیای جدید ادامه داشت.

Bouguer anomaly ناهنجاری بوگوئر، اختلاف بین مقدار ثقل عملی و نظری در یک نقطه، این اختلاف تنها برای تصحیح اثر توپوگرافی استفاده می‌شود. در این حالت، توپوگرافی بصورت یک صفحهٔ گسترده تا بی‌نهایت فرض شده است.

boulder قلوه سنگ بزرگ، سنگ گردشده‌ای با قطر بیش از ۲۵ سانتیمتر که از یک قلوه سنگ بزرگتر است.

boundary current جریانهای حاشیه‌ای

مراجعه شود به east boundary current

bow دماغهٔ کشتی، سینه

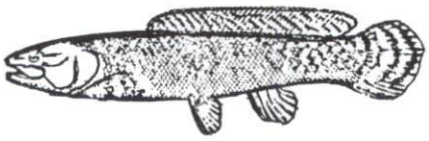
Bowditch, Nathaniel (1773-1838)

ناتانیل بودیچ ریاضی‌دان و ناوبر آمریکایی، وی کتاب ناوبر تجربی (practical navigator) را در سال ۱۷۹۹ منتشر و در سال ۱۸۱۸ کتابی را در مورد نجوم ترجمه کرد.

bower anchor لنگر سینه

bowline on the bight گره مجروح کش، گره کمر جفتی

bowfin ماهی گوشتخوار آب شیرین در آمریکای مرکزی و شمالی، نام معمولی آن سگ ماهی یا ماهی گل است. نام علمی آن *Amia calva* می‌باشد.



سگ‌ماهی یا ماهی گل *Amia calva*

bowman ملوان

bow-net دام سبدی ماهیگیری به شکل استوانه و دهانهٔ باریک که معمولاً برای صید خرچنگ بکار می‌رود.

bow spirit منقار کشتی

bow wave موج سینه

box fish صندوق ماهی

box gauge تراز سنج، وسیله‌ای است مرکب ازیک جسم شناور و متصل به یک شاخص که در سطح آب در داخل چاهکی که کنار دریا یا رودخانه حفر شده است قرار دارد و در اثر نفوذ آب به داخل چاهک جسم شناور به طور عمودی حرکت می‌کند و از راه اتصالی که بر شاخص دارد می‌توان تغییرات سطح آب را از روی شاخص در هر زمان بررسی کرد.

box trap دام جعبه‌ای، تله جعبه‌ای



تله یا دام جعبه‌ای

BQ = biological quality کیفیت زیستی ماهی

Brachiopod of lamp shell بازوپایان، گروهی از بی‌مهرگان، دارای دو کفه هستند که کفهٔ شکمی بزرگتر از کفهٔ پشتی است. چون پوسته این جانوران شبیه چراغهای قدیمی رومیان است، آنرا صدف چراغی نیز می‌گویند. حدود ۳۰۰ گونه از بازوپایان تا کنون شناخته شده است. این جانوران از دورهٔ کامبرین تاکنون وجود داشته‌اند و فسیلهای زیادی از آنها باقی است. اگر چه این موجودات پراکنش جهانی دارند، ولی در قطب جنوب فراوانتر می‌باشند. اندازهٔ گونه‌های امروزی بین ۲ تا ۱۵ سانتیمتر است، ولی انواع فسیلی تا ۳۵ سانتمتر هم بوده‌اند. دو گروه به نامهای آرتیکولاتا و اینتراتیکولاتا در بازوپایان وجود دارد. کفه‌های آرتیکولاتا با دندانه‌ای لولا مانند و کفه‌های اینتراتیکولا، بوسیلهٔ ماهیچه به هم متصل می‌شوند. تعداد گونه های فسیلی این گروه زیاد است و در سرتاسر آبهای زمانهای مختلف پراکنده بوده‌اند. به همین دلیل، بعنوان فسیل شاخص قابل استناد هستند.

brachuhalim = brackish آب لب شور

Brachygnatha خرچنگ گرد

brackish water آب لب شور، نمکی، آب شوری که قابل نوشیدن نبوده، ولی به شوری آب دریا هم نیست. آبی که شوری آن بین آب شیرین و آب دریاست. میانگین نمک آن در حدود ۰/۵ تا ۱/۷ درصد است.

brackish water pond استخر آب لب شور

brado شگ ماهی درجه یک، شامل دو فیلهٔ بی استخوان متصل به پشت، شورشده رقیق در شوراب و تا حد قرمز- قهوه‌ای دودی شده است.

bradycardia کند شدن ضربان قلب

brail میله های کوتاهی که در انتهای تورهای عمود بر ساحل نصب می‌شوند، جمع کردن طناب بادبان

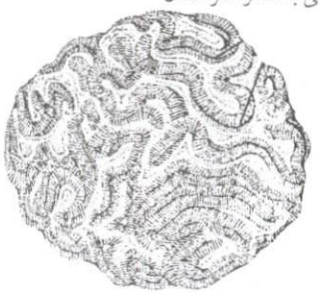
brailer سرسره هادی

brailles چوبهایی که برای جمع آوری و کشیدن تور استفاده می‌شود.

brail net تور کوچک و گردی که برای بیرون کشیدن قسمتهائی از صیدهای بزرگ از تور اصلی بکار می‌رود.

brailup , to جمع کردن بادبان

brain coral مرجان مغزی، مرجان مخی، مرجانی با ظاهر مغز انسان



مرجان مغزی

brain of fish مغز ماهی که از پنج قسمت جلویی، رابط، میانی، مخچه و بصل‌النخاع تشکیل شده است.

bran پوست میگو، سر، پاها و سایر قسمتهای اضافی میگو که از گوشت آن جدا

شده است و بعنوان غذای حیوانی خشک شده استفاده می‌شود. همچنین، شامل مازاد جدا شده از میگوی تمام خشک شده یا دمهای خشک کرده در پوسته می‌گردد.

branch drain زهکش منشعب

branched ray بالهٔ شعاعی نرم که انتهای آن دو یا سه شاخه است.

branchia آبشش، برانشی

branchial آبششی، وابسته به آبشش یا برانش

branchial arch کمان آبششی، ساختمان کمانی بین قسمتهای آبشش ماهی که آن را حفظ می‌کند.

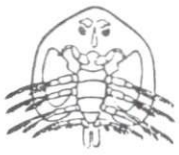
branchiostegals شعاعهای استخوانی که پوشش زیرین برانشی را تشکیل می‌دهند.



شعاعهای استخوانی زیر برانشی

شعاعهای استخوانی زیر برانشی

Branchiura از زیر دستهٔ سخت پوستان از شاخهٔ بندپایان، انگلهای کوچک (کوچکتر از ۲ سانتیمتر) و بشقابی شکل هستند. پاهای عقبی آنها برای شنا کردن استفاده می‌شود. دارای اندام مکنده می‌باشند که توسط آن به اندامهای ماهیان می‌چسبند. این سخت‌پوستان می‌توانند از یک میزبان به میزبان دیگر منتقل شوند.



Branchiura

bratfish warem ماریناد سرخ کردهٔ ماهی، ماریناد سرخ کردهٔ ماهی که از انواع ماهیان، از جمله شگ ماهی، تهیه می‌شود.

bratheringe ماریناد سرخ کردهٔ شگ ماهی،

brat marinaden = fried marinade ماریناد سرخ کرده

Brazil Current جریان برزیل، جریان آب گرم و شور اقیانوسی، منشعب از جریان استوایی برزیل است، به جریان آب سرد روبه شمال فالکند می‌پیوندد و جریان اطلس جنوبی را که بطرف شرق جاری می‌شود، ایجاد می‌کند.

breach - block کولاک

breadth of river پهنای رودخانه، اندازه واقعی عرض آب در یک زمان مشخص، پهنای آب در نزدیک ساحل

breaker موج شکن، موج ساحلی، موجی که روی ساحل یا آبسنگ و غیره می‌شکند.

breaker depth ژرفای شکست، ژرفای آب ایستا در محل شکست موج

breakwater موج شکن، تپه‌ای از سنگهای بزرگ شکسته، در امتداد ساحل در بستر اقیانوس که به بلندی ارتفاع موج ساخته می‌شود. هدف از این ساختار ایجاد یک منطقهٔ آرام آب است تا برجهای سواحل و خطوط حفظ شوند. طراحی نادرست یا جای نادرست موج شکنها، جریانهای خطرناکی را در قسمتهای خالی دهانه‌ها ایجاد می‌کنند. گاهی خط ساحلی زیر موج شکن، در اثر عمل طبیعی موج خرابیهایی را بوجود می‌آورد. اگر موج شکن، ساحل را به خوبی حفظ نماید، باعث می‌شود که ساحل بتدریج روی آن نفوذ کرده و ماسه روی موج شکن را بپوشاند. اگر موج شکنها بدرستی اجرا شوند، کانالهای قابل کشتیرانی را می‌توانند بوجود آورند.

breeches buoy بویه نجات

breed تخم، نژاد، اصلاح نژاد ماهی

breeding (of fish) تخم کشی، نژاد، زادآوری

breeding age سن زادآوری

breeding bottom = breeding ground بستر زادآوری، بخشی از بستر آب که برای تخم ریزی ماهیان مناسب است.

breeding center مرکز تکثیر ماهی

breeding colour رنگدانه‌دار شدن وسیع پوست در دوران تخم ریزی، رنگ ماهی در فصل تخمریزی

breeding cycle چرخه زادآوری، دوره‌ای بین خروج از تخم تا اولین تخمریزی در یک نسل مشخص

breeding efficiency کارایی زادآوری، کارایی و موثربودن لقاح که معمولاً بصورت درصد بیان می شود.

breeding for resistance پرورش برای انواع مقاوم

breeding material مواد و لوازم مورد نیاز تکثیر

breeding method روش تکثیر

breeding, natural (of fish) تولید مثل طبیعی ماهی

breeding nursery نوزادگاه، نوزادگاه کارگاه تکثیر ماهی پرورشگاهی که اساساً برای «انتخاب» استفاده می‌شود.

breeding place مکان زادآوری، جایگاه تکثیر، محل تخمریزی

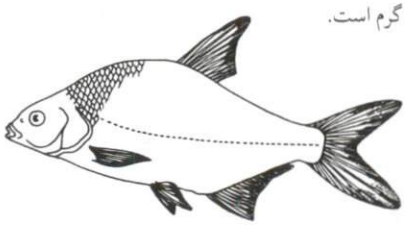
breeding pond استخرزادآوری

breeding season فصل زادآوری

breeding, selective تکثیر گزینشی

bream *Abramis brama* ماهی سیم با نام علمی یکی از انواع ماهیان تجارتی دریای خزر است که در چند دهه گذشته، در اثر صید بی‌رویه و عدم توجه به تکثیر مصنوعی و کمک به تکثیر طبیعی، ذخایر آن کاهش فراوان یافته، بگونه‌ای که در چند سال اخیر عملاً از آمار شیلاتی ماهیان اقتصادی حذف گردیده است.

برخلاف سایر انواع کپور ماهیان، بدن این ماهی پهن و فشرده است، بطوریکه ارتفاع بدن آن معادل حدود یک سوم طول بدن، از نوک پوزه تا آخرین قسمت ساقه دمی می‌باشد. سر آن کوچک، پوزه کمی گرد و فاقد زوائد یا سیبیلک‌های حسی است. استخوانهای گلوئی آن در یک ردیف قرار دارند. باله پشتی دارای ۳ شعاع باله سخت و ۹ شعاع باله نرم، باله مخرجی دارای ۳ شعاع باله سخت و ۲۳ تا ۳۰ شعاع باله نرم است. فلس‌ها نسبتاً بزرگ و منظم هستند. شکم و قسمت جلوئی سینه لخت و بدون فلس است. روی خط جانبی ۵۱ تا ۶۰ فلس قرار دارد. معمولاً بصورت گله‌ای زندگی می‌کند. میانگین درازای آن ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر، و وزن آن ۹۰۰ تا ۲۰۰۰ گرم است.



Abramis brama ماهی سیم

breaming تمیز کردن کف قایق با آتش

bream section منطقه ماهی سیم

breath hold غوص یا غواصی یک نفس

breathing apparatus دستگاه دم زن، سیستم تنفسی

bree آب دریا

breeding stock ذخیره زادآوری، ماهیانی که از آنها بعنوان مولد استفاده خواهد شد.

breeding value نسبت ارزش تکثیری به ارزش پرورشی

breeding young fish تکثیر ماهی جوان

Brendan, Saint (c.488 - c.578) سنت برندان دریانورد، او راهب ایرلندی و نخستین اروپایی بود که اقیانوس اطلس را پیمود. وی جزایر قناری، آژونر، ایسلند، فاروئه و شتلند را توصیف کرد.

bridae پل فرماندهی، اتاق فرماندهی، سکوی دیدبانی کشتی

bridge اتاق پل فرماندهی کشتی

bridle زنجیر مهار

brief, to توجیه کردن، در جریان گذاشتن

brindle grouper گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Promicrops lancealatus* بیشترین طول آن ۲۷۰ سانتیمتر و وزن آن تا ۴۰۰ کیلوگرم می‌رسد. در آبهای دور از ساحل جزایر موریس و سیشل و در سرتاسر سواحل اقیانوس هند غربی، از خلیج آلگوآ (آفریقای جنوبی) تا سریلانکا (بجز دریای سرخ و خلیج فارس) زندگی می‌کند. از آبهای اندونزی، فیلیپین، جزیرهٔ تایوان و استرالیا گزارش شده است. بطور معمول در بنادر و خورها و اطراف اجسام غرق شده یافت می‌شود. صید آن با قلاب و طناب و نیزه در عمق ۵ تا ۱۰۰ متری انجام می‌شود.

brigantine = brig قایقی که دارای دو دکل و بادبان مربع است.

brine آب شور، آب نمک، آب اشباع از نمک آب شور دریا که مقدار بیشتری نمک نسبت به آب معمولی دارد. از این آب برای نگهداری ماهی پس از صید، و یا برای شورکردن آن استفاده می‌شود.

brine cure, to = brine salt, to در آب نمک شورکردن، شورکردن

brine evaporated salt نمک کانی، نمک حاصل از تبخیر شورابی که معمولاً از معادن عمیق پمپاژ می‌شود و تحت حرارت و تبخیر آب بوجود می‌آید.

brine gauge = salinometer شوری سنج

brine liquor = pickle شوراب، آب نمک

brine mechanically, to شورکردن ماهی تر با کمک ناقلهای مکانیکی و یا پمپها و دستگاههای فرمان

brine pack, to بسته بندی ماهی در چلیکهای شوراب

brine pickle = pickle شورآب، آب نمک

brine salt, to شورکردن تر، نگهداری ماهی با فرو بردن آن در شوراب

brine shrimp میگویی از جنس *Artemia* که در آب خیلی شور زندگی می‌کند.

brine storage process فرآیند انبارکردن ماهی در شوراب تا زمان مورد لزوم

brine tank مخزن آب نمک سرد

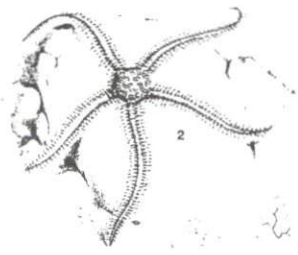
brine, to شورکردن تر، خیساندن یا فروبردن ماهی در شوراب بعنوان عمل‌آوری مقدماتی جهت انجام مراحل بعدی

bristle worms نام رایج برای کرمهای تاردار مانند پرتاران یا پلی‌کت‌ها(polychaeta) مراجعه شود به polychaeta

brit توده‌های متراکم سخت پوست پاروپا، که منبع غذایی مهم برای ماهیان و وال‌ها است

brittle star = serpent star ستارهٔ دریایی شکننده، یکی از ۲۰۰۰ گونه خارپوستان دستهٔ Ophiuroidae. این ستارهٔ دریایی صفحه‌ای

مرکزی با پنج بازوی شعاعی کوچک و باریک دارد. این بازوها به سادگی می‌شکنند ولی قابل بازسازی هستند. اگر بازوهای ستارهٔ دریایی، شاخه شاخه باشند، آنرا ستارهٔ دریایی سبدی می‌نامند. بیشتر ستاره‌های دریایی لاشخور و یا پلانکتون خوار هستند که در اعماق مختلف زندگی می‌کنند.



brittle star ستاره دریایی شکننده

broad on the port quarter از زاویه ۹۰ تا ۱۳۵ درجه پهلوی چپ کشتی

broad on the starboard quarter از زاویه ۹۰ تا ۱۳۵ درجه طرف راست کشتی

broad salt مخزن آب نمک بلور شمارهٔ ۲

broad side messing ناهارخوری گروهی

broken - line grouper هامور خط شکسته، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان، با نام علمی *Epinephelus epistictus* بیشترین طول آن ۸۰ سانتیمتر است، بطور گسترده در سراسر فلات قارهٔ اقیانوس هند غربی و دریای سرخ (بجز خلیج فارس)، در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی بطرف شرق تا ویتنام، چین و ژاپن (در اعماق بین ۹۰ تا ۲۹۰ متر) وجود دارد. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن با قلاب و طناب، دام و تورهای گوشگیر انجام می‌شود.

bromin (Br) برم، سی و پنجمین عنصر جدول تناوبی که مایع است، رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای دارد و خیلی فعال می‌باشد. به همین دلیل، هیچگاه بصورت عنصری آزاد وجود ندارد. برم به شکل یون برمید با غلظت ۶۵ppm در آب دریا وجود دارد. ارزان ترین منبع اقتصادی آن دریااست. فرآیند استخراج اقتصادی آن چند مرحله دارد. ابتدا آب دریا را غلیظ می کنند، سپس جریان هوا را از روی آب عبور می‌دهند تا برم را تبخیر کند. بعد در مجاورت دی اکسیدگوگرد و بخار آب، اسید برومیک و اسید سولفوریک می‌سازند. از واکنش اسید برومیک با گاز کلر، اسید کلریدریک تولید شده و برم را استخراج می‌کنند.

brood یک نسل از نوزادانی که دریک زمان از تخم بیرون می‌آیند. یک نژاد، یک نوع

brooder مولد، زاینده

brood fish ماهی طبیعی بالغ به ویژه برای نسل گیری در مزارع پرورش ماهی

brood pond استخر مولدین، انواع حوضچه‌های نگهداری که در آنها ماهیان مولد، قبل از تخمریزی نگهداری می‌شود.

brood stock ذخیره ماهیان که برای تولید مثل بکار می‌روند. جمعیت تخمگذار، ماهیانی که برای تولید مثل نگهداری شده‌اند.

brood year سالی که در آن یک نسل خاص به دنیا می‌آید (نسل جوان)

brook جویبار، جوی، نهر

brook lamprey مار ماهی کاذب جویباری با نام علمی *lampetra planeri*

brooklet جوی کوچک

brook trout ماهی قزل آلای جویباری با نام علمی *Salvelinus fontinalis*

broom at mast جاروبی که به دکل کشتی

می‌بندند و علامت کشتی برای فروش می‌باشد.

broomtail نوعی ماهی از خانوادهٔ بچه طوطی ماهیان با نام علمی *Cheilinus lunulatus*، بیشترین طول آن ۴۰ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان سخت پوست و بویژه نرمتنان تغذیه می‌کند. در عمقهای کمتر از ۳ متر صخره‌های مرجانی و قلوه سنگهای مجاور آن، زیستگاههای شنی و جلبکی دریای سرخ و سرتاسر خلیج عدن تا خلیج عمان وجود دارد. به احتمال تا عمق ۲۵ متری هم یافت می‌شود. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن با قلاب و طناب انجام می‌شود.

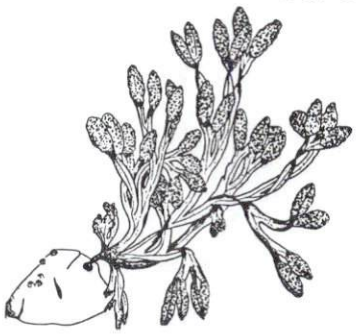
brow دوسه، پله چوبی قابل حمل که بین دو کشتی و یا کشتی و ساحل قرار می‌گیرد.

brown algae جلبکهای قهوه‌ای، جلبکهای واقعی دریایی از دستهٔ Phaeophyceae، این جلبکها در آب شور، مردابهای نمکی و خورها وجود دارند. بعضی از جنسهای آن ؛ مانند، فوکوس، می‌توانند مدت زیادی بیرون از آب زندگی کنند و به همین دلیل بصورت کلنی در مناطق بین جزرو مدی فراوان هستند. انواع یکساله و دو سالهٔ این جلبکها وجود دارد. رنگ اصلی جلبکها بدلیل وجود رنگدانهٔ گزانتوفیل به نام فیکوگزانتین است که باعث رنگ قهوه‌ای آنها می‌شود. ذخیرهٔ قندی آنها، کربوهیدراتهای مانیتول، لامینارین و پلی ساکاریدهای گلوکز - مانیتول است. نشاسته در این جلبکها ذخیره نمی‌شود. اسید آلژینیک، کربوهیدراتی است که در دیوارهٔ سلولهای جلبکهای قهوه‌ای وجود دارد. از ترکیبات شیمیایی این جلبکها استفاده‌های دارویی و صنعتی زیادی می‌شود. دو ویژگی در جلبکهای قهوه‌ای، مشابه گیاهان پیشرفته تر است که عبارتند از :

۱) وجود تناسب نسلی در چرخهٔ زندگی آنها به دلیل تولید مثل جنسی و غیر جنسی.

۲) وجود تمایز سلولی در اندامهای آنها.

اکتوکارپوس نوع رشته‌ای، کلپها (لامیناریا) نوع برگی و علفهای صخره‌ای (فوکوس وسارگاسو) نوع شاخه‌ای جلبکهای قهوه‌ای هستند.



جلبک قهوه‌ای *Fucus spiralis*

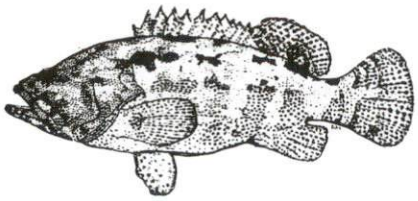
brown back trevally گیش پشت قهوه‌ای، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Carangoides praeustus*. در اقیانوس هند غربی از بخش شرقی خلیج فارس و دریای عمان، بطرف سریلانکا و در اقیانوس هند-آرام غربی، از خلیج بنگال، خلیج تایلند، اندونزی و برنئوتا فیلیپین وجود دارد. ماهی آبهای ساحلی است. صید آن توسط قلاب و ریسمان و تورهای کششی کفی و چند نوع وسیلهٔ سنتی انجام می‌شود.

brown fk رنگ مصنوعی ماهی دودی، نوعی مادهٔ شیمیایی رنگی که برای خوش رنگ کردن ماهی دودی بکار می‌رود.

browning قهوه‌ای کردن، فرآیند قهوه‌ای شدن ماهیهای خشک شده یا کنسرو شده که در اثر واکنش Maillard انجام می‌شود. این فرآیند در اثر اکسیداسیون چربی در ماهیهای چرب منجمد شده، تغییر رنگدانه‌های خون در اطراف ستون فقرات ماهی تازه و نیز در اثر واکنشهای آنزیمی در گوشت ماهی اتفاق می‌افتد. مراجعه شود به Maillard reaction

browning none enzymic قهوه‌ای شدن
گوشت ماهی در اثر فعالیتهای غیر آنزیمی، واکنش بین مواد قندی یا کاربونیل‌ها با گروههای آمینی که باعث ایجاد رنگ قهوه‌ای گوشت ماهی هنگام فاسد شدن آن می‌گردد.

brown-marbled grouper
هامور قهوه‌ای مرمری، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus fuscoguttatus* بیشترین طول آن ۹۰ سانتیمتر است و وزن آن ۱۱/۵ کیلوگرم می‌باشد. در دریای سرخ و ناحیهٔ استوایی اقیانوس هند غربی (بطرف جنوب تا موزامبیک)، بجز خلیج فارس، و همچنین در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی بطرف جنوب تا کوئینزلند (بجز هاوایی و پلی نزیای فرانسه) وجود دارد. این ماهی در صخره‌های مرجانی تا عمق ۳۰ متری زندگی می‌کند. از آبهای ایران دردریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط قلاب و طناب، دام و تورگوشگیر انجام می‌شود.



هامور قهوه‌ای مرمری *Epinephelus fuscoguttatus*

brown meat قسمتهای خوردنی غیرگوشتی
در سخت پوستان شامل :کبد، بیضه‌هاو غدد گوارشی

brown muscle گوشت تیره، گوشت قهوه‌ای

brown shark کوسه قهوه‌ای

brown shrimp میگوی قهوه‌ای
با نام علمی *penaeus setiferus*

brown spotted grouper ماهی هامور قهوه‌ای
خالدار، از خانوادهٔ هامور ماهیان، با نام علمی *Epinephelus chlorrostigma* بیشترین طول آن ۷۵ سانتیمتر است. بطور گسترده در اقیانوس هند غربی و دریای سرخ و خلیج فارس و در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی بطرف شرق تا ژاپن، کالدونیای جدید و جزایر کارولین وجود دارد. در زیستگاهها و اعماق متفاوت (۴ تا ۲۸۰ متری) و در مناطق مرجانی زندگی می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط قلاب و ریسمان، دام و تورگوشگیر انجام می‌شود.

brown trout ماهی قزل آلای قهوه‌ای
با نام علمی *Salmo trutta*

bruise کبودی عضله، خونریزی درون عضله‌ای،
در اثر ضربه‌های صید که با شستن از بین نمی‌رود.

bruising صدمه زدن به ماهی بعد از صید،
صدماتی که باعث خون مردگی در عضلات ماهی صید شده می‌گردد.

brush flake = flake تنورهٔ ماهی خشک کنی

brushtooth lizard fish کریشو دندان سوهانی،
گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ کریشو ماهیان با نام علمی *Saurida undosquamis* ، طول آن بیش از ۴۵ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان، سخت پوستان و ماهی تغذیه می‌کند. این ماهی از شرق آفریقا، در دریای سرخ، خلیج فارس، پاکستان، هندوستان، سریلانکا، سیشل، مالدیو و جزایر چاگوس به استثنای کنیا و سومالی گزارش شده است. در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی، مجمع الجزایر مالدیو، استرالیا، دریای چین و ژاپن یافت می‌شود. در اقیانوس آرام شرقی و یا مرکزی شناخته نشده است. اخیراً از طریق کانال سوئز وارد شرق مدیترانه شده است. در بسترهای گلی از عمق ۲۰ تا ۲۰۰ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن اغلب با

Stolephorus punctiter، طـول آن ۷ تـا ۹ سـانتیمتر است. در سراسر اقیانوس هند غربی و مـاداگـاسکار و موریس و بطرف شرق تا هاوایـی وجـود دارد. مـاهی سطح‌زی آبهای ساحلی است. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می شود. توسط تورگردان و تور نرده‌ای صید می‌گردد.



ماهی آنچوی بوکانیر *Encrasicholina punctifer*

buckler ۱) سپر قطعهٔ گرد چوبی دسته‌دار که برای متراکم کردن ماهی شور خشک کرده در «چلیک مقیاس» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲) صفحات استخوانی که در پایهٔ باله‌ها یا روی شکـم بعضی از ماهیان وجود دارد.

buckling شگ ماهی درستهٔ چاق و بزرگ شور شده در آب نمک رقیق، که ابتدا بـه مـدت کوتاهی دودی سرد می‌شود و سپس دودی گـرم و در نتیجه پخته می‌گردد.

buffalo fish یکی از گونه‌های ماهیان خوراکی آب شیرین

buffer محلول بافر،

محلول ثابت نگه دارندهٔ درجهٔ اسیدی یا pH، مـحلول حاصل از ترکیب اسیدهای ضعیف و املاح آنها که برای تـثبیت pH مـحلول بکـار مـی‌رود. یکـی از بـافرهای متداول، یون بی کربنات و یون کربنات است. با توجه به غلظت نسبی اجزای بافر، افزایش خیلی کم اسید یـا قلیای قوی، نمی‌تواند pH یک بافر را تغییر دهد. از مـــحلولهای بـــافر در پـــژوهشهای زیست شـــناسی موجودات که نسبت به کوچکترین تغییرات pH محیط حساس هستند، استفاده می‌شود.

تورهای کششی کفی انجام می‌گردد.



کریشو دندان‌سوهانی *Saurida undosquamis*

Bryozoa اعضاء ردهٔ اسفنجها (مراجعه شود به Ectoprocta)

bryozoan = polyzoan یکی از انواع بی‌مهرگان آبزی کوچک که بصورت دسته جمعی زندگی می‌کنند. دیوارهٔ بدن این موجودات کربنات کلسیم دارد و سخت است. به گیاهان آبزی، صخره‌ها و سایر سطوح سخت می‌چسبند. می‌توانند بصورت خزنده، به هم بپیچند یا بصورت برافراشته یا شاخه‌ای در آیـند. کـلنی‌های بـهم پیچیده زرد رنگ یا قرمز آجری هستند و تعداد زیـادی صدفهای ریز بسیار زیبا را در خود جای می‌دهند.



بریوزوآ (Bryozoa)

bubble fence (screen) حصار یا پردهٔ حبابی

buccal cavity دهان، حفرهٔ دهانی

buccaneer دزد دریایی

buccaneer anchovy ماهی آنچوی بوکانیر، مـوتو، گـونه‌ای مـاهی از خـانوادهٔ آنشـوا مـاهیان یـا لاشـــه مـــاهیان (مـــوتو مـــاهیان) بـــا نـــام عـــلمی

Buffon, Georges - Louis Leclerc, Comte de (1707-1788) جورج بوفون، دایرةالمعارف نویس تاریخ طبیعی فرانسوی که فهرست اشکال حیات را نوشت. وی پزشکی، گیاه‌شناسی و ریاضیات را در جوانی فرا گرفت. نخستین اثر علمی او ترجمهٔ کتاب «استاتیک سبزیجات» اثر استفان هیل در سال ۱۷۳۵ بود. او کتاب مدینهٔ فاضلهٔ نیوتون را در سال ۱۷۴۰ به فرانسه ترجمه کرد. مشهورترین اثر علمی بوفون کتابی با عنوان «تاریخ طبیعی خاص و عام» است که در بخشی از آن (آغاز طبیعت)، تاریخ زمین شناسی کرهٔ زمین را بصورت مراحل زنجیره‌ای توضیح می‌دهد. او گونه های منقرض جانوری و گیاهی زیادی را در این اثر علمی تجسم کرده بود. وی در سال ۱۷۵۳ عضو آکادمی علوم فرانسه شد.

bugalet نوعی کشتی کوچک با دو دکل

bulge ته کشتی

bulithead تیغه، دیوارهٔ کشتی

bulk بار فله

bulk carrier کشتی حمل بار فله

bulk cure = kench cure تودهٔ ماهی که بصورت لایه لایه شور شده است.

bulk cure, to = kench salt, to شور کردن ماهی بصورت لایه لایه

bulk food غذای حجیم، غذایی که مشخصهٔ آن حجم زیاد و ارزش غذایی نسبتاً کم است.

bulk head دیواره، سازه یا حایلی که از لغزش زمین جلوگیری می‌کند. عملکرد دیگر آن، حفاظت ساحل در برابر آسیب ناشی از امواج است.

bulk terminal اسکله کشتی‌های فله بر

bulk salt, to = kench salt, to مراجعه شود به bulk

Bullard, Sir Edward Crips (1907-?) ادورد بولارد، زمین شناس انگلیسی که فیزیک زمین را در جنبهٔ تئوری و عملی بسیار گسترش داد. بیشتر کارهای وی روی میدان مغناطیسی زمین است. او کارهای ارزشمندی بر روی فعالیت زلزله در دریا، جریان حرارت در خشکی و دریا، چگونگی گسترش تکتونیک صفحه‌ای و انتهای قاره‌ای انجام داد و در دانشگاه تورنتو مشغول به کار شد. به عقیدهٔ وی تغییر میدان مغناطیسی زمین، ناشی از حرکت هستهٔ هادی الکتریکی زمین است. وی بااستفاده از کامپیوتر، توانست نشان دهد که این حرکت انجام شدنی است. امروزه بیشتر دانشمندان این عقیده را پذیرفته‌اند.

bullhead ماهی سر پهن، ماهی سر بزرگ از جنس *Ameriurus*

bullhead, black ماهی سر پهن سیاه

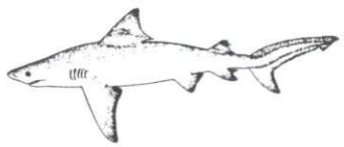
bullhead, brown ماهی سر پهن قهوه‌ای با نام علمی *Ameriurus mebulosus*

bullhead fish هر گونه ماهی که سری بزرگ و پهن داشته باشد.

bullhorn gurnard گونهٔ ماهی از خانوادهٔ ماهیان زنگوله دار، با نام علمی *Lepidotrigla bispinosa* بیشترین طول آن ۲۶ سانتیمتر است. در دریای سرخ بطرف شرق، در طول سواحل عمان، و در طول سواحل شمالی دریای عرب به سمت ایران (خلیج فارس)، پاکستان و شمال هندوستان وجود دارد. در اعماق بین ۹ تا ۱۱۵ متری زندگی می‌کند. صید آن توسط تورهای کششی کفی انجام می‌شود.

bull shark پاگاس (چابهار)، کوسهٔ گاوی، گونه‌ای از خانوادهٔ Carcharhinidae، با نام علمی *Charcharhinus leucas*، طول آن ۲۶۰ تا ۳۵۰

سانتیمتر است. از ماهیان، کوسه‌های کوچک، سفره ماهی و بی‌مهرگان (خرچنگ، میگو، شقایق دریایی و غیره) تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از آفریقای جنوبی بطرف شمال تا سومالی و احتمالاً در خلیج فارس، شمال شرقی و جنوب غربی هندوستان و در آبهای گرم قاره‌ای در نواحی استوایی و اطلس، هند و آرام شرقی وجود دارد. بعلاوه از تعدادی رودخانه مانند رودخانهٔ فرات در عراق گزارش شده است. در مدیترانه دیده نشده است. گونه‌ای است ساحلی که ساکن آبهای کم عمق، بویژه خلیج‌ها و مصب رودخانه‌ها می‌باشد. طیف وسیعی از شوری را تحمل می‌کند. به سادگی وارد بالادست رودخانه یا خلیجهای خیلی شور می‌شود. زنده‌زاست و تعداد ۱۲ جنین ۶۰ سانتیمتری را بدنیا می‌آورد. جوانترهای این گونه، بیشتر ساکن آبهای لب شور هستند. از آبهای ایران، در شمال غرب و غرب خلیج فارس گزارش شده است. صید آن بارشته قلابهای طویل و تورگوشگیر انجام می‌شود.



پاگاس (چابهار)، کوسه‌گاوی *Carcharhinus leucas*

bul-vul نوعی قایق حفاری

bulwark لبهٔ حایل عرشه، موج شکن

bumalo مراجعه شود به Bombay duck

bum boat قایق کوچک روباز که برای فروش کالا به کشتی‌ها بکار می‌رود.

bumping برخورد کشتی با زمین

bunk خوابگاه کشتی

bunker مخزن سوخت

bunkering سوخت گیری

bunt بخش کیسه‌ای یک تور ماهیگیری

buntline hitch گره حلقه

buoy بویه، علامت راهنمای شناور، بعضی از بویه‌ها هم نشان دریایی هستند و هم برای جمع‌آوری اطلاعات دریایی بکار می‌روند، مانند: بویهٔ فیلیپ

buoyage نصب راهنمای شناور، بستن کشتی به بویه یا لنگرگاه شناور

buoyancy شناوری

buoyant شناور

buoy-jumper نفر بویه‌گیر

buoy-pindont زنجیر چهاربویه

buoyshackle بُخوی بویه، حلقه شناور (بویه)

burbot ماهی ریش دار، باربوت تنها گونهٔ آب شیرین از خانواده کاد ماهیان با نام علمی *Lota lota* L.

Bureau Vertias سازمان داده‌بندی فرانسه که بر عملیات ساختن کشتی نظارت می‌کند.

Burma Sea دریای برمه، مراجعه شود به Andaman Sea

burn, to = sunbrun, to خشک شدن و سوختن ماهی در اثر تابش آفتاب

burst belly شکم پاره، ماهی پلاژیک که شکم آن پس از صید پاره شده است.

butt بشکهٔ شورکردن ماهی، بشکه‌های غیرقابل نفوذ که غالباً برای شورکردن ماهی در «آب ماهی» یا شورکردن رقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد.

butt cure, to شورکردن در بشکهٔ مخصوص، شورکردن ماهی در آب بدن ماهی (با استفاده از آب بدن ماهی)، در بشکه‌های مخصوص شورکردن ماهی. این روش را «عمل آوری در بشکهٔ مخصوص شورکردن

ماهی» نیز می‌نامند.

butt end قسمت جلویی گوشت لابستر، آن قسمت از گوشت لابستر که داخل سر سینه قرار دارد.

butterfly fillet فیلهٔ پروانه‌ای

butterfly fishes پروانه ماهیان، حاماد ماهیان، خانوادهٔ Chaetodontidae

butterfly knot گره پروانه

butylated hydroxy toluene مراجعه شود به BHT

BV = Biological Value ارزش زیستی (غذا)، ارزش غذایی پروتئین ماهی

bycatch صید ضمنی، صید جنبی

by-pass channel گذرگاهی که در طول استخر برای تنظیم سطح آب وجود دارد و به هنگام رساندن آب به استخر به تام گذرگاه ذخیره خوانده می‌شود.

by-pass for fish گذرگاه فرعی ماهی

bypassing, sand جابجایی ماسه، جابجایی مکانیکی یا هیدرولیک ماسه از بالا دست به سوی پایین دست یک شاخاب یا ورودی یک گذرگاه، جابجایی هیدرولیک می‌تواند طبیعی یا مصنوعی باشد.

by product تولید جنبی، محصول فرعی، یک فرآوردهٔ ثانوی، ماده یا فرآورده‌ای که در جریان یک پدیدهٔ ویژه ولی نه از یک مادهٔ اولیه، بوجود می‌آید.

byssal gland غدهٔ بایسال، ساختارهای غده‌ای در نرمتنان دوکفه‌ای، که رشته‌های چسبناک ترشح می‌کند. این رشته‌ها در تماس با آب دریا سخت می‌شوند (مراجعه شود به byssus)

byssal threads رشته‌های مترشحه از غدهٔ بایسال در دوکفه‌ایها که برای اتصال جانور به یک جسم ساکن استفاده می‌شود.

byssus تار ابریشم، ساختار رشته‌ای مرکب از رشته‌های بیسال در بعضی دوکفه‌ایها، بویژه جنسهای *Mytilus* , *Pinna* که برای چسبیدن به سنگها و سایر اشیاء، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

by the head پیش به زیر، خم بودن کشتی از ناحیه سینه

by the stern پس به زیر، خم بودن کشتی از ناحیه پاشنه

by the wind sailor دریانورد با باد

C

C = charlie چارلی، بله، مثبت

C-ration جیره رزمی

C and F = coast and freight
قیمت کالا شامل هزینهٔ حمل و نقل تا مقصد

caballing اختلاط دو تودهٔ آب با وزن مخصوص مشخص در جای خود اما با درجه حرارت و شوری‌های متفاوت در محل تشکیل، بصورتی که مخلوط حاصله وزن مخصوص بیشتری از اجزای تشکیل دهندهٔ آن دارد.

cabin خوابگاه کشتی

cabin boy پیشخدمت کشتی

cabin class اتاق درجه دو در کشتی مسافربری، بین درجه یک و توریستی

cabin cruiser قایق تفریحی تندرو اتاق دار

cable طناب سیمی، کابل، زنجیر لنگر

cable officer افسر لنگر

cable party گروه لنگر

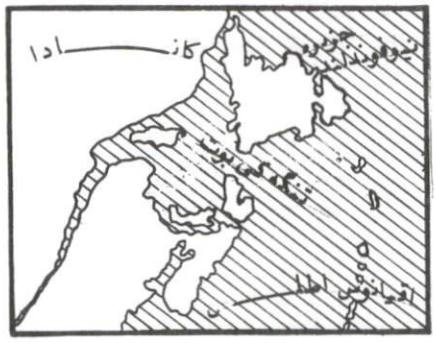
caboose محل پخت و پز روی عرشه کشتی

Cabot, John (1450-1499)
جان کابوت، کاوشگر و دریانورد ایتالیایی اهل ژنوا که تلاش کرد از غرب به خاور دور راهی بیابد. او شهروندی ونیزی شد و برای آنها دریانوردی می‌کرد، ولی پس از چندی خود و خانواده‌اش به انگلستان مهاجرت کردند. وی پس از کسب کمک مالی از بازرگانان بریستول، راهی خاور دور شد و پس از کاوش فراوان، سرزمینی را که به احتمال زیاد در لابرادور جنوبی بوده است، پیدا کرد. گزارش وی در مورد فراوانی ماهی و نیز کشف سواحل گراند و جورج، راه رفت و آمد ماهیگیران اروپایی را به این منطقه گشود. وی از سفری که در سال ۱۴۹۸ به سوی سواحل آمریکا نمود، هرگز بازنگشت.

Cabot, Sebastian (1470-1557)
سباستین کابوت، کاوشگر ونیزی که طراح نقشه‌های جغرافیایی برای هنری هشتم در انگلیس بود. او به هنگام سفری به خاور، کشتی خود را به امید یافتن گنج به سوی بخش شرقی آمریکای جنوبی برد. در سال ۱۵۴۸ به گروه کاشفان گذرگاه شمال غربی پیوست. از موفقیتهای وی، تجارت با روسیه بود.

Cabot Strait تنگهٔ کابوت،
تنگه‌ای که اقیانوس اطلس را در شرق کانادا به رودخانهٔ سنت لورنس وصل می‌کند. طول این تنگه که بین نیوفونلند و جزیرهٔ کیپ برتون واقع است، حدود ۱۰۰

کیلومتر می‌باشد.



تنگهٔ کابوت

cabotage قایقرانی ساحلی

Cabral, Pedro Alvarez

دریانورد پرتغالی که پس از امتناع واسکودوگاما در دومین سفر خود به خاور دور، برای کشور پرتغال دریانوردی نمود. وی در سال ۱۵۰۰، یک ناوگان شامل ۱۳ کشتی را به سمت جنوب حرکت داد و از محلی به نام پورتوسکارو (بیاکابریلا) گذشت و به سوی هند روانه شد. اگرچه طوفان باعث از دست رفتن ۶ کشتی ناوگان شد، او توانست با ۷ کشتی باقیمانده در سپتامبر ۱۵۰۰ به کلکته برسد. به دلیل رقابت عربها، وی نتوانست تجارت موفقی داشته باشد. ناوگان کابرال شامل دو کشتی خالی و پنج کشتی حاوی اجناس خاور دور در سال ۱۵۰۱ به پرتغال بازگشت. کابرال اولین اروپایی بود که به برزیل قدم گذاشت.

cachalot = sperm whale وال عنبر

cadaverine کاداورین، نوعی آمین غیر فرآر که از تجزیهٔ اسید آمینه لاینرین بوسیلهٔ باکتریها بوجود می‌آید و به مقدار فراوان در ماهی فاسد وجود دارد.

cadet دانشجوی دریانوردی

caducous ریزان، افتنده

caelum صورت فلکی اسکنه

caesio ماهی طلایی آب

cage قفس، جعبه یا محوطه‌ای سیمی و نظایر آن که اغلب برای پرورش ماهی کنترل شده در آبهای باز استفاده می‌شود.

cage culture پرورش در قفس، کشتاب‌ورزی در قفس

caique بلم، قایق، قایق پارویی بلند و باریک که در ایران و خاور میانه از آن استفاده می‌شود.

caisson

۱) صندوقه، سازه‌ای توخالی که با مصالح مناسب پر شود و به عنوان بخشی از یک موج شکن یا اسکله بکار رود.

۲) ساختمان ضد آب زیر آبی که در آن کارهای ساختمانی انجام می‌شود.

caisson disease بیماری غواصان، بیماریی که در اثر بازگشت سریع غواصان از اعماق به سطح ایجاد می‌شود و باعث درد مفاصل، رعشه، فلج و مرگ می‌گردد.

cala - cale trevally = ***Ulia mentalis***

پروو (مقوا)

Calanoida راسته‌ای از پاروپایان شناگر پلانکتونی که بوسیله زائده‌های پر مانند موئی شناور می‌مانند.

Calcarea گروهی از شاخهٔ اسفنجها که شامل اسفنجهای اسپیکول دار است.

calcarenite سنگ آهکی یا صخرهٔ دولومیتی که دارای ۵۰ درصد شن مرجانی یا شن صدفی می‌باشد.

calcareous آهکی، دارای کلسیم

calcareous algae جلبکهای آهکی یا جلبکهای دریایی که دارای یک پوشش سخت از جنس کربنات کلسیم می‌باشند. این جلبکها گاز کربنیک محلول در آب دریا را جذب می‌کنند و بصورت کربنات کلسیم در می‌آورند. جلبکهای آهکی ، صخره‌های آهکی را در اقیانوسها می‌سازند.

calcareous ooze calcite گل یا لجن نرم، مرکب از مادهٔ آهکی پوستهٔ جانداران دریایی که کربنات کلسیم دارد. بلورهای این گل، یکی از مواد اصلی تشکیل دهنده سنگ آهک ۶ گوش (رومبوئیدال)

می‌باشند.

calcic دارای آهک، آهکی

calciferous سازنده یا دارنده کربنات کلسیم

calciferous glands غده‌هایی که کربنات کلسیم را در بعضی از اسفنجها ترشح می‌نمایند.

calcification تبدیل به آهک، آهکی شدن

calcify آهکی یا سنگی شدن، آهکی کردن

calcination عمل آهکی کردن، تبدیل به آهک شدن

calcine سوختی برای تبدیل کردن به خاکستر یا پودر

calcirugite دولومیت، سنگی آهکی مرکب از پوستهٔ مرجانها یا صدفها و مواد بینابینی که از جنس ماسه، گل و کربنات کلسیم است.

calcispongia دسته‌ای از اسفنجها که اسکلتهای مرکب از اسپیکولهای آهکی مجزا یا پیوسته دارند.

calcite کلسیت، کربنات کلسیم

calcium = Ca کلسیم، پنجمین عنصر فراوان زمین که در اسکلت آبزیان وجود دارد. این عنصر در آب دریا محلول است.

calcium carbonate کربنات کلسیم، نمک کلسیم و اسید کربنیک. کربنات کلسیم در ساختمان بسیاری از آبزیان وجود دارد. نوع بلوری آن بصورت کلسیت معدنی و آراگونیت می‌باشد. یون کربنات با CO_2 و Ca^{++} محلول در آب دریا در حال تعادل است. توان حل شدن کربنات کلسیم (پوستهٔ صدفها و اسکلت مرجانها و ...) در آب دریا با کاهش دما و افزایش عمق (فشار) زیاد می‌شود. بنابراین، در رسوبات اعماق بیش از ۴۰۰۰ متر، کربنات بصورت آزاد است. عمقی که کربنات کلسیم در آن حل می‌شود بعنوان عمق جایگزینی یا جبرانی در نظر گرفته می‌شود.

calcspar کلسیت

caldera فرورفتگی بزرگ آتشفشانی مدور که قطری بزرگتر از دهانه آتشفشانی دارد. سه نوع فرورفتگی آتشفشانی انفجاری، شکستگی و سایشی وجود دارد.

calf ۱) توده یخ شناور، کوه یخی، جزیرهٔ کوچکی نزدیکتر به جزیرهٔ بزرگتر در اقیانوس یا دریا.

۲) نوزاد پستانداران و بچه پستانداران دریایی.

Calibration کالیبراسیون، تنظیم دستگاههای صوتی در دریا مانند اکوساندر

Calibration sphere گوی کالیبراسیون که از جنس مس می‌باشد.

California Current جریان کالیفرنیا، جریان ناشی از باد در اقیانوس آرام که در مسیر جنوب شرقی حرکت می‌کند تا به جریان استوایی شمالی بپیوندد.

California Gulf خلیج کالیفرنیا، شاخه‌ای از اقیانوس آرام که شبه جزیرهٔ باها را از خشکی مکزیک جدا می‌کند. رنگ قرمز خلیج به دلیل شکوفایی پلانکتونی آن است. طول آن ۱۲۰۰ کیلومتر و پهنای آن ۱۵۰ کیلومتر در عریض‌ترین قسمت است. این آبراه به دو بخش بالایی با عمق حدود ۲۰۰ متر و بخش پایینی با بستری جالب تقسیم می‌شود. رسوبات کف آن از مواد دلتای رود کلرادو و مواد باد آورندهٔ زمینی است. این خلیج بازویی از اقیانوس آرام است و درّه‌ای نیست که زیر آب مانده باشد. خلیج کالیفرنیا محل تلاقی پشتهٔ آرام شرقی و آمریکای شمالی است.

Californian incubator انکوباتور کالیفرنیایی، دستگاه جعبه مانند افقی که برای پرورش تخم ماهی بویژه قزل‌آلا به کار می‌رود.

callao painter مراجعه شود به El Nino

Callyodon dussumieri طوطی ماهی، چرگوگ

calm (sea) دریای آرام

calorie کالری، واحد انرژی، در محاسبات اکنون، ژول استفاده می‌شود. هر کالری معادل ۴/۱۸۴ ژول است.

calorific value ارزش انرژی زایی، کمیتی برای تعیین قدرت انرژی دهی مواد غذایی

Calpe نام قدیمی جبل‌الطارق

calving یخ‌زایی، جدا شدن تکه‌های یخ شناور از یک تودهٔ بزرگ یخ

calyptopis لارو *Euphausia* و سایر سخت‌پوستان میگو مانند

camber انحنای عرشهٔ کشتی

Cambrian period (Camberian) یکی از قدیمی‌ترین دوره‌های زمین شناسی که ۵۷۰ میلیون سال قدمت دارد. پس از دورهٔ پرکامبرین و پیش از دورهٔ اردوویسین قرار دارد. قدیمی‌ترین بخش دوران پالئوزوئیک (دوران اول زمین شناسی) است. نام این دوره توسط آدام سدویک (زمین شناس انگلیسی) نامگذاری شد. این دوره زمان ظهور بی‌مهرگان دریایی است. تریلوبیتها فراوان‌ترین جانداران این دوره بوده‌اند. فسیلهای بازوپایان (براکیوپودا)، و ماهیان بدون آرواره نیز از این دوره بدست آمده است.

camel ۱) ساختمان شناوری که برای بستن دهانه مجرای آب یا حوضچه مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۲) کلک
۳) ضربه‌گیر شناور سنگین که بین کشتی و اسکله قرار می‌گیرد و معمولاً از چهار تیر چوبی مربع که بهم پیچ شده‌اند تشکیل شده است.

Camelopardalis صورت فلکی زرافه

camouflage همرنگی با محیط، استتار نوعی پوشش رنگی

can کنسرو، قوطی کنسرو

Canadian Basi بخشی از اقیانوس منجمد شمالی که نزدیک‌ترین منطقه کانادا است. عمق این حوضه در نزدیک ساحل کم است و در بیشتر مناطق نتیجهٔ زیر آب رفتن دره‌های عمیق می‌باشد.

canal کانال، گذرگاه آبی، آبراهه، ترعه، نهر بغاز، تنگه، آبگذر مصنوعی که آبگیرها را، بویژه برای کشتیرانی، به هم مرتبط می‌کند.

canals of the world کانالهای جهان

canal system مسیر آب در اسفنجها که در حفره‌های سطحی به سوی کانال مرکزی انجام می‌شود.

Canary Current جریان دریایی قناری، شاخه‌ای از جریان اطلس شمالی که به سوی اروپای شمالی منحرف می‌شود و آب و هوای جزایر قناری را معتدل می‌کند. جریان سرد آن در مسیر خود با باد و آب گرم شبه جزیرهٔ ایبریه برخورد کرده و در بخش (لبهٔ) غربی پیرنیز (Pyrenees) مه تولید می‌کند. این جریان در تشکیل جریان حاره‌ای شمال مؤثر است.

Canary drum گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ شوریده ماهیان طبال بانام علمی *Umbrina canariensis* که طول آن ۱۵ تا ۲۰ سانتی‌متر است. از ساحل شرقی آفریقا به طرف شمال تا سومالی، و شمال دریای عرب وجود دارد. ساکن آبهای کم عمق ساحلی می‌باشد. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورهای کششی انجام می‌شود.

Canary Islands جزایر قناری، گروهی از جزایر متعلق به اسپانیا در اقیانوس اطلس که در نزدیکی سواحل آفریقای شمالی، در مدار ۲۸ درجه شمالی قرار دارند.

Cancer صورت فلکی سرطان یا خرچنگ

canceroid شبیه خرچنگ، خرچنگ مانند

candle fish ماهی شمعی، شمع ماهی ماهی خوراکی و چرب اقیانوس آرام

candling بررسی فیله روی جعبهٔ روشن، مشاهدهٔ فیله برای تشخیص کرمهای انگلی، استخوان و سایر موادی که ارزش فیله را کم می‌کنند.

canine دندان تیز مخروطی، دندان نیش بزرگتر از دندانهای معمولی ماهی

Canis Major صورت فلکی سگ بزرگ، کلب‌اکبر

Canis Minor صورت فلکی سگ کوچک، کلب‌اصغر

canned کنسرو شده

canned fish in bouillon کنسرو ماهی، کنسرو ماهی بدون افزودن هیچ مادهٔ دیگر، کنسرو

ماهی که فقط در شیرهٔ خودش قرار دارد.

canned fish in oil کنسرو ماهی در روغن، کنسرو کردن ماهی همراه با روغن مایع

cannery کنسرو سازی، کارخانه کنسروسازی

cannibal همجنس‌خوار، جانوری که همجنس خود را می‌خورد.

cannibalism همجنس‌خواری، همنوع‌خواری

cannibalistic خوردن افراد هم نوع، آدم خواری

canoe بلم، قایق پارویی، قایقرانی قایق بدون بادبان و سکان

canoeist قایقران

Canopour ستاره سهیل

canteen فروشگاه کشتی

capacity گنجایش، ظرفیت، توانایی نگهداری یا دریافت، بزرگترین افزایش ممکن

cape دماغه، پیشروی قطعه‌ای از خشکی در دریا یا دریاچه

Cape Horn Current جریان کیپ هورن، جریان دماغهٔ هورن، قسمتی از جریان حاصل از رانش باد غربی که در نزدیکی دماغه هورن به سمت شرق می‌رود، سپس به سمت شمال شرقی منحرف شده و بعنوان جریان فالکلند به مسیر خود ادامه می‌دهد.

Capetela ستاره بزبان، عیوق

Cape Verde Island جزایر کیپ ورد، مجموعه‌ای از جزایر اقیانوس اطلس در نزدیکی کیپ ورد در سواحل سنگالی آفریقا

capillaries مویرگها

capillarity نیروی کشش بین دو مولکول نامشابه، مانند بالا آمدن آب در لوله باریک یا بین دانه‌های سنگ

capillary موی مانند، مویرگ

capillary wave موج کشش سطحی، موج ریز، موج حاصل از حرکت باد، موج دار شدن در اثر باد، موجی که طول موج آن ۲/۵ سانتی‌متر است. یک حوضچهٔ آبی بزرگ یا دریاچهٔ کوچک محل مناسبی برای ایجاد این نوع امواج است.

cappanus کاپانوس، نوعی کرم که به ته قایق می‌چسبد

Capricornus صورت فلکی بزغاله، جُدَیْ

capsize واژگون شدن کشتی

capston دوار عمودی کشتی

capsule پوشش، کیسه، پوشینه، ظرفی که در آن انواع گازها را نگه می‌دارند.

captain ناخدا، فرمانده کشتی

captain of the top مسئول گروه کار کشتی

capture صید

capture chamber حجرهٔ صید مشتا

capture fisheries صید شیلاتی، مجموع عملیات شیلاتی که متکی به صید می‌باشد.

capture, recapture یک روش برای ارزیابی ذخایر آبزیان مانند خرچنگ. در این روش پس از صید آبزی، آنرا علامتگذاری کرده و در دریا مجدداً رها می‌سازند. در دوره‌های زمانی مشخص نسبت به صید این آبزیان دوباره اقدام می‌شود.

capturing chamber گلدان یا حجرهٔ صید هشت‌پا

Carangiida = jacks, cavallas, crevalles خانوادهٔ گیش ماهیان یا مقوا ماهیان

Carangoides bajad گیش خاردار

Carangoides caeruleopinnatus گیش درخشان

Carangoides chrysophrys گیش بال افشان، مقوای پوزه‌دار

Carangoides ciliarius = long fin cavallas گیش باله دراز

Carangoides ferdau گیش مخطط خال‌دار

Carangoides fulvoguttatus گیش منقوط

Carangoides gymnosthetus گیش منقوط

Carangoides malabaricus گیش پهن (مقوای مالاباری، malabar cavallas)

Caranx ajax (cavalla) نوعی گیش

Caranx armatus نوعی گیش

Caranx chrysophrys جاله، ساله سل، سلس

Caranx djeddabab بَزَک، چش

Caranx hippos گیش

Caranx ignobilis = yellow fin jack

گیش باله زرد

Caranx malabaricus کارته، ساموک، گیش پهن

Caranx sem گیش دم سیاه

Caranx sexfasciatus = dusky Jack

گیش چشم درشت

Caranx speciosus گیش

carapace کاراپاس،

۱) قسمتی از اسکلت خارجی بندپایان که سرسینه را می‌پوشاند.

۲) غلاف نرمی که بدن بارناکل گردن دراز را می‌پوشاند.

caravel = carvel = caravelle نوعی کشتی بخاری بادی اسپانیایی یا پرتغالی در قرن ۱۵

carbohydrates مواد قندی،

ترکیبی از کربن، اکسیژن و هیدروژن با فرمول شیمیایی $(CH_2O)_n$. n باید بزرگتر از ۳ باشد. گلیکوژن و نشاسته کربوهیدراتهای ذخیره‌ای و سلولز کربوهیدرات ساختاری است.

carbon کربن،

عنصر اصلی در ساختار تمام موجودات زنده

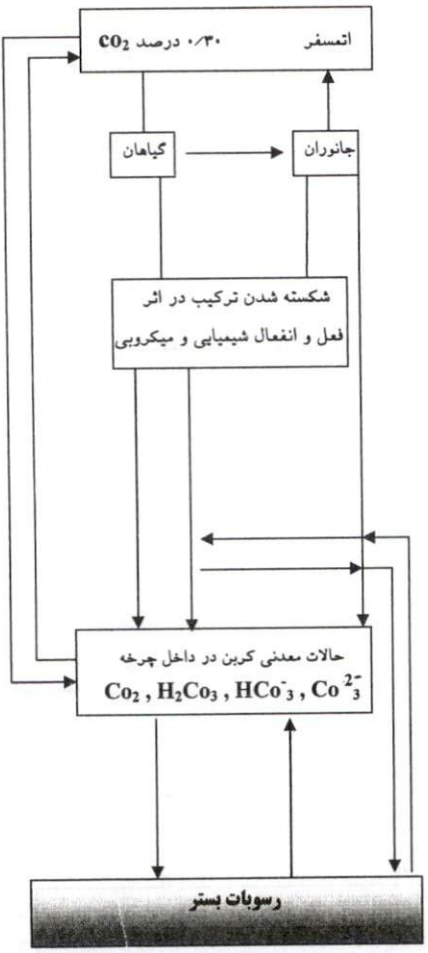
carbon compensation depth

عمق جبرانی کربن، عمق موازنهٔ کربن

carbon cycle چرخهٔ کربن در آب،

زنجیره‌ای از واکنشها که در آن مولکول کلروفیل گیاه، بوسیلهٔ نور خورشید تحریک می‌شود. دی‌اکسید کربن هوا توسط سبزینه گیاه جذب می‌شود و تبدیل به مواد قندی می‌گردد. موجودات مصرف کننده این ترکیبات را مصرف و تجزیه کرده و قسمتی از آن را بصورت دی‌اکسید کربن درآورده و در محیط آزاد می‌سازند. دی‌اکسید کربن حاصله مجدداً توسط گیاه گرفته شده و تبدیل به ماده می‌گردد. دو فرآیند زیستی یاخته در این چرخه دخالت دارند. فتوسنتز (نور ساخت) و تنفس یاخته‌ای

چرخه کربن در آب



carbon dioxide (CO_2) گازکربنیک،

دی‌اکسیدکربن، گازی بی‌بو در هوا با غلظت حدود ۰/۰۳ درصد، حیات بدون وجود این ترکیب ساده امکان‌پذیر نیست. اسید کربنیک ناپایدار در اثر انحلال آن در آب بوجود می‌آید. این گاز در فرآیند تنفس سلولی گیاهان و

جانوران آبزی تولید می‌شود.

carboniferous period کربونیفر، دورهٔ کربونیفر، پنجمین دوره از ۶ دورهٔ دوران پالئوزوئیک که حدود ۳۵۰ میلیون سال پیش شروع شد و حدود ۸۰ میلیون سال طول کشید. نام آن به سبب بسترهای زغال سنگی وسیعی که از آن زمان به جا مانده است می‌باشد. بی‌مهرگان آبزی این دوره، شامل، براکیوپودها، مرجانها، بریوزوآها، صدفها و تریلوبیتها بوده‌اند. گروه آخر در این دوره منقرض شده‌اند.

carbon monoxide (CO) منواکسید کربن، کربن منواکسید، گاز منواکسید کربن، گازی بی‌رنگ و بی‌بو و سمی است که بصورت طبیعی در هوا وجود دارد. این‌گاز در اثر کمبود اکسیژن بوسیلهٔ بعضی از موجودات زنده، و یا از احتراق ناقص ترکیبات کربنی بوجود می‌آید. گازی به شدت سمی و کشنده است که با هموگلوبین خون ترکیب شده و ظرفیت حمل اکسیژن آن را می‌کاهد، در نتیجه خفگی و مرگ ایجاد می‌شود.

carbon : nitrogen : phosphorous ratio نسبت کربن : نیتروژن : فسفر، نسبت C : N : P، نسبت ثابتی میان غلظت عناصر کربن، نیتروژن و فسفر پلانکتونها و آب دریا. نسبت این عناصر بصورت (C:N:P = ۱۰۰:۱۵:۱) می‌باشد. این نسبت در آبهای ساحلی همیشه ثابت نیست. بخصوص نسبت نیتروژن به فسفر که در محدودهٔ وسیع ۱۵:۱ می‌باشد.

carbonyl کاربونیل، ماده‌ای فرآر در گوشت ماهی که باعث ایجاد بو و مزهٔ قوی و اغلب نامطبوع می‌گردد. هنگام فساد، ابتدا مقدار کاربونیلها افزایش می‌یابد، سپس، کم‌کم مقدار آن می‌کاهد. کاربونیلهایی که هنگام اکسیداسیون چربیها تولید می‌شوند، عامل اصلی ایجاد مزهٔ تند آنها می‌باشد.

carbunole, anthrax caused نوعی بیماری ماهی

Bacillus anthraosis بیماری ماهی در اثر باکتری

car carrier ship (Ro-Ro) کشتی مخصوص حمل اتومبیل

Carcharhinidae خانواده‌ای بزرگ از کوسه ماهیان شکارچی، مانند کوسهٔ ببری

Carcharhinus blumbeus کوسه

Carcharhinus brevipinna کوسه عنکبوتی

Carcharhinus melanopterus کوسه باله سیاه

Carcharhinus sealei کوسه لکه سیاه

carcinogenic ایجادکننده سرطان، سرطانزا

cardinal points جهت‌های اصلی (شمال، جنوب، مشرق، مغرب)

cardinal teeth شیارها و برجستگیهای سطوح درون نرمتنان دوکفه‌ای نزدیک نقطهٔ اتصال کفه‌ها

cardiovascular system دستگاه گردش خون، سیستم قلبی عروقی

careen یک پهلو خواباندن کشتی، برای تمیز کردن ته آن

cargo بار، کالا

cargo liner کشتی باربری، مسافری

cargo ship کشتی باربری

Caribbean وابسته به دریای کارائیب

Caribbean Current جریان کارائیب، جریانی که از دریای کارائیب به سمت غرب روان می‌شود. این جریان توسط جریان حاره‌ای شمال که از Lesser Antilles سرچشمه می‌گیرد، بوجود می‌آید. جریان قدرتمندی است که ضمن عبور از خلیج یوکاتان در مکزیک و پشت کوبا، نیروی خود را حفظ کرده و سپس در جهت عقربه‌های ساعت پیچیده و جریان فلوریدا را می‌سازد و در نهایت به گلف استریم می‌پیوندد.

Caribbean Sea دریای کارائیب، (گرفته شده از کلمهٔ عربی غرائب = بحرالغرائب)، بخشی از اقیانوس اطلس که بوسیلهٔ امریکای جنوبی و مرکزی در جنوب و غرب و جزایر آنتیلز در شمال و شرق

احاطه شده است. آب و هوای معتدل دارد. بارندگی در آن بستگی به مسیر بادها دارد. چون، بادهای غربی بادهای غالب منطقه هستند، بارش در مناطق بادخیز جزایر انجام می‌شود. آب ورودی از اقیانوس اطلس از روی پشته موجود در گذرگاه بین کوبا و هایتی به این دریا می‌ریزد. آب سطحی آن بسیار گرم، و آب اعماق آن نیز از آب اقیانوس اطلس گرمتر است. سطح جزر و مد در سواحل مکزیک بالاتر از سطح آن در سایر مناطق اقیانوس اطلس است. در اثر نیروی جزر و مد و وزش باد، جریان آب به سمت غرب روان می‌شود. آب گرم و کم عمق کارائیب محیط مناسبی برای رشد گیاهان و جانوران آبزی است. ویژگیهای این دریا عبارتنداز :

طول: ۲۷۳۵ کیلومتر

عرض: ۲۸۷ تا ۵۰۸ کیلومتر

مساحت: ۲,۷۵۴,۰۰۰ کیلومترمربع

حجم: ۶,۸۶۰,۰۰۰ کیلومتر مکعب

میانگین گودی: ۲۴۹۱ متر

بیشترین گودی: ۷۱۰۰ متر

carina حمال کشتی، باربر کشتی

Carlsberg Ridge کوه زیر دریایی کارلزبرگ، برآمدگی کارلزبرگ، بخشی از سیستم پشته میانی این برآمدگی در اقیانوس هند قرار دارد و از شمال شرقی به طرف جنوب غربی امتداد یافته و آخرین نقطهٔ آن انتهای دریای سرخ است.

Carnivora گوشتخواران، جانوران گوشتخوار، راسته‌ای از پستانداران که به خوردن گوشت سایر پستانداران سازش یافته‌اند.

carnivore گوشتخوار

carnivorous fishes ماهیان گوشتخوار، ماهیان که غذایشان گوشت است و بطور طبیعی جانوران دیگر را صید می‌کنند.

carnosine کارنوزین، نوعی دی‌پپتید، ترکیبی از دو اسید آمینه که در ماهیان بویژه تونها و مار ماهیان وجود دارد.

carotenoid هر نوع رنگدانه زرد، نارنجی، قرمز و یا ارغوانی که در چربی گیاهان و یا جانوران وجود دارد.

carp کپور، ماهی خوراکی آب شیرین که در حوضچه‌ها، مردابها و آبهای رودخانه‌ای زندگی می‌کند.

carp, bighead کپور سرگنده

carp, blue کپور آبی

carp, Chinese کپور چینی

carp, common کپور معمولی

carp culture پرورش ماهی کپور

Carpentaria, Gulf of خلیج کارپنتاریا، خلیج بزرگی در استرالیای شمالی که بین خشکی آرنهیم و شبه جزیرهٔ کیپ یورک قرار دارد. این خلیج بوسیلهٔ دانمارکی‌ها در قرن ۱۷ کشف شد و به نام یکی از کاشفان آن (پیتر کارپنتر) نامگذاری گردید.

carp farm مزرعه پرورش ماهی کپور

carp farming = carp culture پرورش ماهی کپور

carp-like کپور مانند، شبه کپور، ماهیانی با بدن شبیه ماهی کپور

carp louse = *Argulus sp.*

carpogonium سلولی که تخمک جلبکهای قرمز را حفظ می‌کند.

carposporophyte ساختار تولید کنندهٔ کارپوسپورها در جلبکهای قرمز که روی گامتوفیت ماده ساخته می‌شود و دارای رشته‌های گونیموبلاست است.

carp pond استخر پرورش کپور

carp selection گزینش ماهی کپور

carp with a single row of scales کپوری که یک ردیف پولک با اندازهٔ مشخص در هر طرف بدن خود دارد.

carp, silver کپور نقره‌ای، فیتوفاگ

carp yield محصول کپور

carp, young کپور نابالغ

carrack = carack کشتی بزرگ باری و قدیمی

carrageen جلبک کندروس

(*Chondrous crispus*) که در اقیانوس اطلس شمالی زندگی می‌کند و منبع کاراگینان است.

carraggnan کاراگنان، پلی‌ساکارید چسبنده

در دیوارهٔ‌بعضی از جلبکهای قرمز که پلیمرگالاکتوز است.

carrier حامل،

حیوان آلوده‌ای که یک آلودگی خاص را ایجاد می‌کند و منبعی قوی برای آلوده نمودن سایر افراد جمعیت است.

carrier wave موج حامل

carrying capacity ظرفیت حمل، ظرفیت پذیرائی، آستانه پذیرائی، گنجایش سوَد، توان الکترونیک، ظرفیت تولیدی، مجموعهٔ موجودات زندهٔ‌گیاهی و جانوری که یک منطقهٔ مشخص آبی (دریا) می‌تواند نگه دارد.

carrying capacity, of a pond

ظرفیت پذیرایی یک استخر، مقدار ماهی که می‌توان در یک استخر پرورش داد.

carry on ادامه دادن، آزاد

carse زمین ساحلی،

زمینهایی که بر اثر پایین رفتن آب سواحل بوجود می‌آیند.

cartesian coordinates مختصات دکارتی

Cartier, Jacques (1491-1557) ژاک کارتیه،

خلبان فرانسوی که رود سن‌لورنس کانادا را در سال ۱۵۳۴ کشف کرد.

cartilage کرجنه، غضروف،

مواد تشکیل دهندهٔ اسکلت در ماهیان غضروفی، مانند انواع کوسه ماهیان، سگ ماهیان، لقمه ماهیان و غیره

cartilaginous fishes ماهیان غضروفی،

ماهیان با اسکلت غضروفی (مانند کوسه‌ها و سفره ماهیها).

cascade آبشار کوچک، بخشی از یک آبشار متناوب

case harden, to سفت کردن ماهی،

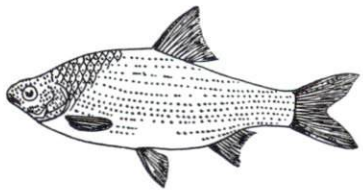
ماهی هنگامی «سفت» می‌شود که بعلت خشک کردن خیلی سریع لایه‌های بیرونی آن سخت شود. بنابراین خشک شدن ملایم لایه‌های درون باعث می‌شود که نرم و مرطوب باقی بماند.

cask کاسک، بشکه مقیاس،

واحد اندازه‌گیری و مقیاس گنجایشی ماهی پیلیچارد معادل نصف بشکه معمولی (hogsshead) یا ۲۲۰ پوند (حدود ۱۱۹ لیتر)

Caspian Roach ماهی کُلمه دریای خزر

با نام علمی *Rutilus rutilus caspicus* یکی از عمده‌ترین گونه‌های ماهیهای تجاری این دریا در گذشته بحساب می‌آمد. صید سالانه آن در ایران اکثراً بالغ بر ۳۰۰۰ تن بود. طول بدن آن اکثراً ۱۶ تا ۲۱ سانتیمتر و بطور متوسط ۱۷/۵ سانتیمتر، وزن آن بین ۸۰ تا ۲۰۰ گرم بطور متوسط ۱۴۰ گرم می‌باشد. باله پشتی دارای ۳ شعاع سخت و ۸ تا ۱۰ شعاع نرم، باله مخرجی نیز دارای ۳ شعاع سخت و ۸ تا ۱۰ شعاع باله نرم است. روی خط جانبی آن ۴۲ تا ۴۷ عدد و بطور متوسط ۴۴ عدد فلس وجود دارد. ناحیه ۴ شیلات (سواحل جنوب شرقی دریای خزر)، و منطقه بندرانزلی از مناطق اصلی صید کلمه در ایران بحساب می‌آمدند. در سالهای اخیر ذخایر این ماهی در آبهای ایران کاهش فراوان یافته، ولی امید افزایش آن وجود دارد.

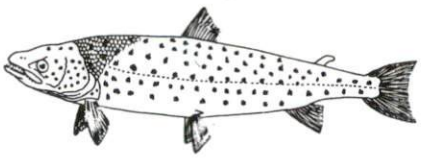


ماهی کُلمه *Rutilus rutilus caspicus*

Caspian salmon ماهی آزاد دریای خزر

ماهی آزاد دریای خزر که نام علمی آن *Salmo trutta caspius* است، در واقع نوعی

قزل‌آلای قهوه‌ای است که بخاطر بزرگی جثه بنام ماهی آزاد معروف گردیده است . وزن آن بین ۱/۸ تا ۱۲/۷ کیلوگرم متغیر است ولی نمونه‌هایی تا ۵۱ کیلوگرم (در شوروی) و تا ۲۶ کیلوگرم در ایران صید گردیده‌اند. طول آن بین ۵۵ تا ۱۰۵ سانتیمتر فرق می‌نماید. در ۳ تا ۵ سالگی بالغ می‌شود و در طول عمر خود ۵ تا ۶ بار تخمریزی می‌نماید. جزء ماهیهای رودکوچ است که برای تخمریزی وارد رودخانه می‌شود. باروی آن بیش از ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ عدد تخم است .



ماهی آزاد *Salmo trutta caspius*

Caspian Sea دریای خزر، دریای مازندران، بزرگترین دریاچهٔ دنیا که شکلی تقریباً چهارگوش دارد. طول آن ۱۲۰۰ و عرض آن ۳۴۰کیلومتر است. سطح آن در حال حاضر حدود ۲۶ متر زیر سطح آبهای آزاد است. شوری آن کمتر از اقیانوسها (حداکثر ۱۳/۷ قسمت درهزار) و بیشتر از میانگین شوری دریاچه‌های آبهای داخلی است. ماهیگیری در آن بسیار رایج است. عمده‌ترین و گرانترین ماهیان دنیا، یعنی ماهیان خاویاری، بومی این دریاچه می‌باشند.

Caspian tern پرستوی آبی خزر با نام علمی *Hydroprogne caspia*

Caspiolosa caspia شگ ماهی دریای خزر

Caspiomyzon wagneri دهان‌گرد دریای خزر

Cassiopeia صورت فلکی خداوند کرسی، ذات‌الکرسی

cast به دام انداختن، تور انداختن، طناب (ریسمان) ماهیگیری، هدایت ماهی با امواج صوتی به سوی تله و غیره، نوعی فسیل

casting توراندازی، توررریزی، پرتاب تور

casting net = cast net

نوعی تورکه به درون آب انداخته می‌شود و فوراً فرو می‌رود.

cast net روحُکْ (جنوب)، پرخی، ماشک (شمال)، تور پرتابی، سالیک، تور مخروطی شکلی که معمولاً بوسیلهٔ یک نفر عمل می‌کند، به آب انداخته می‌شود و روی ماهی را می‌گیرد. به نامهای throw net و trow net نیز نامیده می‌شود.

cast off جدا شدن، دور شدن

catabolism بخشی از متابولیسم یا سوخت و سازتخریبی، تخریب ملکولی ماده غذایی در سیستم گوارشی به منظور جذب توسط خون و انتقال به سلولها جهت سوخت و ساز و ساختن مواد مورد نیاز

catabolity بخش یا کسری از یک انبار ماهی، ماهیی که با واحد مشخصی از فعالیت ماهیگیری انجام شده، بدست آید.

catadromous fish ماهی دریاکوچ، ماهیانی که در دریا تخمریزی می‌کنند، اما مدت طولانی از عمر خود را در آب شیرین می‌گذارنند. ماهیانی که به طرف پایین یعنی به سمت دریا حرکت می‌کنند تا تخمریزی نمایند مانند مارماهی

catamaran قایق بادبانی که دو قسمت موازی و شناور دارد که در قسمت فوقانی به هم متصل هستند.

catastrophism فاجعه‌گرایی، نظریه‌ای که تفاوت بین فسیلهای لایه‌های مختلف رسوبی زمین را به حوادث ناگهانی مربوط می‌داند. طبق این نظریه جانداران هر دوره در اثر فاجعه طبیعی کلان نابود شده‌اند و موجودات دیگری جایگزین آنها گردیده‌اند. این نظریه عکس تحول تدریجی جانداران است. فاجعه‌گرایی در قرنهای ۱۸ و ۱۹ بیشتر رایج بود ولی امروزه طرفداران زیادی ندارد.

catch صید، عمل گرفتن ماهی، میگو، خرچنگ و نظایر آن مقدار ماهی یا دیگر آبزیان که در یک دورهٔ خاص صید می‌شود.

catchabillity coefficient

ضریب احتمال صید شدن

catch composition ترکیب صید، قراردادن صید به ترتیب گونه‌های ماهی، سن آنها، اندازه و غیره

catch effort تلاش صید

catches, nominal صید اسمی (اعتباری)

catch in number صید برحسب تعداد

catch in weight صید بر حسب وزن

catchment گرفتن و جمع‌آوری آب بر روی یک منطقهٔ زه‌کشی طبیعی

catchment basin زمینی که از آن یک بخش مشخصی آب جاری یا ساکن تغذیه می‌شود، حوضه آبریز

catch per unit of area (CPUA) صید در واحد سطح

catch per unit of effort (CPUE) صید در واحد تلاش، ماهی صید شده برحسب تعداد یا وزن حاصل از واحد مشخص تلاش برای ماهیگیری

catch quotas سهمیهٔ صید

catedic protection مراجعه شود به erosion

cater سور و سات، تهیهٔ آذوقه برای کشتی

eatering تهیه آذوقه برای کشتی، مهمانداری

catfish گربه ماهی،
ماهیان بدون فلس آب شیرین که در آروارهٔ بالایی، زائده‌های حسی سبیل مانندی دارند.

catfish , blue گربه ماهی آبی

catfish culture پرورش گربه ماهی

catfish farmer پرورش دهندهٔ گربه ماهی

catfish , white گربه ماهی سفید
با نام علمی *Ictalurus vatus*

catfish , yellow گربه ماهی زرد
با نام علمی *Ictalurus natalis*

cathead گره بین لنگر و زنجیر، لنگربند

cathepsin کاتپسین،
گروهی از آنزیمهای موجود در عضلات ماهی که باعث هیدرولیز پروتئینها می‌شوند.

cation کاتیون، با بار مثبت،
برعکس آنیون یا یون با بار منفی، برای مثال هیدروکسید آمونیوم (NH_4OH) در آب به کاتیون NH^+_4 و آنیون OH^- تجزیهٔ ایونی می‌شود.

Catla catla نوعی کپور ماهی هندی، ماهی کاتلا

caudal دمی، عقبی، وابسته به دم، وابسته به عقب

caudal fin بالهٔ دمی

caudal peduncle ساقهٔ دمی،
قسمت عضلانی و متحرک بدن ماهی که بلافاصله جلوی بالهٔ دمی قرار دارد.

cauf سبد ماهیگیری

cauliflower disease بیماری گل کلم ماهی

causative agent of disease عامل بیماری،
عاملی که فعالیت آن سبب بروز یک بیماری می‌شود.

causeway گذرگاه خشک،
جاده‌ای که در عرض یک مکان مرطوب یا آب کم عمق بالا آمده است.

cavalla = ***Caranx ajax*** گیش

cave coral تودهٔ کلسیتی سخت مرجان مانند

cave fish = blind fish ماهی غار،
هر کدام از ماهیان خانوادهٔ Amblyopsidae

Cavendish or Candish, Thomas (1560-1592) توماس کاوندیش،
کاشف و ماجراجوی انگلیسی، اولین اقدام وی مستعمره کردن ویرجینیا بود. در سال ۱۵۸۶، وی به جزایر کیپ‌وود و سپس به ساحل آمریکای جنوبی رفت. گروه وی از میان تنگهٔ ماژلان گذر کرده و به سواحل آمریکای جنوبی در اقیانوس آرام رسید. وی در سال ۱۵۸۷ به طرف غرب حرکت کرد تا کشتی‌اش در فیلیپین به گل نشست. او بعد از ۲۵ ماه سفر دریایی به انگلیس بازگشت.

caviar = caviare خاویار،
تخم ماهی عمل‌آوری شده (نمک زده)، بویژه تخم تاسماهیان که بعنوان پیش غذا استفاده می‌شود. خاویاری که از اشپل سایر ماهیان تهیه می‌شود، همراه

نام ماهی گفته می‌شود، مثل خاویار ماهی آزاد، خاویار کاد و غیره

cavitation ایجاد جاهای خالی در آب در اثر فشار منفی

cay = kay جزیرهٔ کوچک، تخته سنگ ساحلی

Ceara Abyssal Plain دشت مغاکی سی‌یرا، فرورفتگی عمیقی در اقیانوس اطلس که در شرق دهانهٔ رود آمازون و پشتهٔ میانی اطلس قرار گرفته است.

ceilometer دستگاه اندازه‌گیری ارتفاع ابرها

Celebes Sea دریای سولاوی، سله بس

celerity, wave سرعت موج، تندی موج

celestial bodies اجرام سماوی

celestial horizon افق نجومی، افق سماوی

celestial navigation ناوبری نجومی

celestial north pole قطب شمال عالم

cell سلول، یاخته، واجد ساختمانی موجودات زنده

cell fragility test بررسی میزان زوال گوشت ماهی منجمد. این کار از طریق اندازه‌گیری (بوسیلهٔ چشم) یکنواختی بافت هموژن شده و رنگ بافت که با تخریب بیشتر کیفیت کدرتر می‌شود، انجام می‌گیرد.

cellular سلولی، وابسته به سلول

cellulose نوعی مادهٔ قندی با زنجیرهٔ دراز که از چند مولکول گلوکز درست شده است

Cenozoic = Cenozoic Era دوران سنوزوئیک، عهد یا دوران زمین‌شناسی، توده‌های خشکی امروزی در این دوران شکل گرفته‌اند، و گیاهان گلدار و پستانداران اشاعه یافته‌اند.

Centarus صورت فلکی قنطورس

center castle انبار میانی روی عرشهٔ کشتی

centophore دسته‌ای از جانوران کروی هلویی شکل یا استوانه‌ای شکل ژله‌ای که دارای طولی حدود یک تا ۳ سانتی‌متر هستند. سطح خارجی بدن دارای هشت ردیف بالهٔ شانه‌ای شکل است. تعداد زیادی از این جانوران دارای خاصیت پرتوافشانی هستند.

centrifuge ماشین یا وسیله‌ای که از نیروی گریز از مرکز برای جداسازی ذرات با سنگینی‌های مختلف به کار می‌رود.

cephal سر، ناحیه قدامی بدن

cephalic مربوط به سر، وابسته به سر، سَری

Cephalopoda سرپایان، رده‌ای از شاخهٔ نرمتنان شامل هشت پایان، اسکوئیدها و ماهی مرکب

cephalothorax سرسینه، قسمتی از بدن سخت‌پوستان که از اتصال سر و سینه درست شده است.

Ceram Sea دریای سرام، دریایی واقع در اقیانوس آرام غربی بین جزایر سولاوی (سلیب) وگینه نو، ویژگیها:
مساحت: ۱۸۷۰۰۰ کیلومترمربع
حجم: ۲۲۷۰۰۰ کیلومترمکعب
عمق متوسط: ۱۲۰۹ متر

ceratobranchial bone درازترین استخوان یا غضروف کمانهای برانشی که درست زیر زاویهٔ کمان اولین اپی برانشیالها و هیپوبرانشیالها قرار دارد.

Ceratodus ماهی دو دم استرالیا

certical گردن، وابسته به گردن

cetacea راسته پستانداران دریایی

Cetacean پستانداران دریایی مانند، بالنها، دولفینها و پورپویزها

cetology مطالعهٔ بالنها و وال‌ها

Cetomimiforme راسته‌ای از ماهیان آبهای عمیق اقیانوس که شعاعهای نرم دارند و از لحاظ ساختاری دگرگون شده‌اند.

cetus = Cetus ۱) بالن، وال
۲) صورت فلکی قیطس

Ceylon moss جلبک قرمز حاوی آگار از جنس *Gracillaria*، جلبک سیلان

C / F = carried forward حمل شده

C F S اختصار برای نشان دادن فوت مکعب در ثانیه، دبی آب یا میزان عبور آب در واحد

زمان که در سیستم غیر متریک به کار می‌رود.

Chacunda gizzard shad ماهی گواف با نام علمی *Anodontostoma chacunda*

Chaetodon nigrorostris پروانه ماهی

Chaetognatha پیکانیان، کرمهای پیکانی، بی‌مهرگان پلانکتونی شفاف و نیزه‌ای شکل که در تمامی نواحی دریاها بصورت دسته‌های چند هزارتایی دیده می‌شوند.

chaffed = abraded فرسوده شده، ساییده شده

chaffing = abrasion فرسوده شدن، ساییده شدن

chain coral مرجان فسیلی دورهٔ سیلورین که ظاهری زنجیره‌ای داشته است.

chain of command سلسله مراتب فرماندهی

chalk سنگ گچ، سنگ رسوبی دریایی متشکل از پوستهٔ فرامینی‌فرها

chalkiness سفید و آبکی شدن گوشت، این ویژگی احتمالاً در اثر زیاد شدن اسید لاکتیک در ماهی به دلیل فعالیتهای زیاد جهت فرار قبل از صید بوجود می‌آید. هر چه مقدار گلیکوژن موجود در بدن ماهی بیشتر و قبل از صید تغذیهٔ بیشتری انجام شده باشد، مقدار سفید و آبکی شدن گوشت ماهی بیشتر خواهد بود.

chalky fish ماهی که حالت سفیدی و آبکی بودن در گوشت آن دیده می‌شود.

Challenger Expedition (1872-1876) سفر اکتشافی کشتی چلنجر، کشتی چلنجر وابسته به نیروی دریایی انگلیس در ۱۹۰۰۰ مایل دریایی سفر دریایی دور دنیا، اکتشافات زیادی را بعمل آورد. این کشتی که دارای پوششی چوبی بود، ۶۸ متر طول و ۲۳۰۶ تن ظرفیت داشت و مسافرت خود را در طول ۳/۵ سال به اتمام رسانید و شرایط دریاهای عمیق حوضه‌های مختلف اقیانوسی را مطالعه نمود.

chamber حجرهٔ مشتا، حجرهٔ صید هشت‌پا

chandler wobble حرکت محور زمین که هر ۴۲۸ روز یک بار چرخه را کامل می‌کند.

Chanidae = milk fishes خانوادهٔ خامه ماهیان

***Channa argus* = snake head** ماهی سرماری

channal = canal مجرا، بستر یک رود، مجرای طبیعی یا مصنوعی، بخش باریکی از آب که به دو بخش بزرگتر متصل است.

channel catfish = *Icthalrus punctatus* گربه ماهی کانالی، اسبلهٔ نهری

channel fish ماهیان جویباری

channelling محدود شدن گسترش امواج صوتی در اثر وجود موانع یا بازدارنده‌های مختلف

***Chanos chanos* = milk fish** خامه ماهی، شیر ماهی

chantransia stage مرحلهٔ رشته‌ای نوپا در بعضی جلبکهای قرمز فلوریدیان

chappy = choppy دریای متلاطم

char = *Salvelinus* از انواع قزل‌آلاها

characteristic species گونه (های) شاخص، گونه‌هایی از موجودات زنده که بعنوان شاخصی برای شرایط معین محیط آبی به کار می‌روند.

characteristic wave height ارتفاع موج مشخصه

Charales دسته‌ای از جلبکهای سبز کاروفیسه

charge خرج مهمات اسلحه

Charophyceae دسته‌ای از جلبکهای سبز از شاخهٔ کلروفیتا

Charophyta گروهی از جلبکهای غرقابی که از چند سانتی‌متر تا چند متر طول دارند.

chart نقشه دریایی

chart datum = charted depth سطح یا عمق مبنا

chart desk میز نقشه‌کشی

charted depth مراجعه شود به chart datum

charter قرارداد اجارهٔ کشتی

charter-party قرارداد کشتی بازرگانی یا دربست

chelate ترکیب شیمیایی محتوی یک یون فلزی متصل به حلقه‌های حاصله از ۲ یا چند عنصر در ۲ یا چند محل

chelating agent عامل متوقف کنندهٔ اثر فلزات در کنسرو، نوعی ترکیب آلی که به محتوی قوطی کنسرو ماهی اضافه می‌شود تا با فلزات محلول ترکیب شده و از اثرات زیان‌آور فلزات بر روی گوشت ماهی جلوگیری نماید.

chemical defense دفاع شیمیایی، دفاع کردن از خود با تولید مواد شیمیایی، برخی جانداران دریایی به طور معمول ترکیبات شیمیایی مختلفی مانند، ترپنها، هالوترپنها و آلکالوئیدها، را برای دور کردن مهاجمان و یا نابود کردن آنها تولید و ترشح می‌نمایند. این مواد مصارف شیمیایی و یا دارویی زیادی برای مداوای برخی بیماریها، از جمله، جلوگیری از غده‌زایی، سرطان و یا تولید پادزیهای میکروبی، دارند.

chemical feeder ماهی که برای پیداکردن غذای مورد نیاز خود بطور عمده متکی به حسهای شیمیایی، مانند، مزه و بو می‌باشد.

chemical fertilizer کود شیمیایی، کودی مرکب از مواد غیرآلی، کودهای معدنی

chemical fishing صید با مواد شیمیایی

chemical oceanography شیمی دریا، این بخش از اقیانوس شناسی، اصول علم شیمی و روشهای شیمیایی را برای مطالعهٔ ویژگیها و اثرات متقابل شیمیایی مواد اقیانوسی در برمی‌گیرد. بخشهای اساسی شیمی دریا عبارتند از :

۱ ـ آب دریا

۲ ـ رسوبات دریایی

۳ ـ آبزیان دریایی

۴ ـ اثرات متقابل شیمیایی و فیزیکی مواد اقیانوسی

بنابراین، یک متخصص شیمی دریا باید اطلاعات کافی در زمینهٔ فیزیک، اقیانوس شناسی، زمین شناسی و زیست شناسی دریایی داشته باشد.

chemical quality of water کیفیت شیمیایی آب، کیفیت آب ناشی از ترکیبات مختلف حل شده و معلق در آن

chemocline لایه‌ای از آب که میزان شوری آن با افزایش عمق تغییر بسیار حاصل می‌کند.

chemopause لایه کموپاز یا شیموپاز، مرز بالایی لایهٔ کموسفر

chemosensory feeder جانورانی که برای پیداکردن غذا به حس بویایی و چشایی متکی هستند.

chemosphere کموسفر یا شیموسفر، لایه‌ای از جوّ زمین که بین ۳۲ تا ۸۰ کیلومتر از سطح زمین قرار دارد.

chemosynthesis تولید مواد غذایی از طریق تبدیل مولکولها شیمیایی، تولید از طریق شیمیایی

chemosynthesis bacteria گروهی از باکتریها که می‌توانند انرژی مورد نیاز خود را از طریق ساختن مواد آلی از اکسیداسیون یا احیاء مواد گوگرددار تأمین نمایند.

Chesapeake Bay خلیج چزاپیک، بزرگترین خلیج اقیانوس اطلس در سواحل آمریکای شمالی

chest دریچهٔ زیر آبی

chewiness کیفیت بافتی، میزان مقاومت گوشت هنگام کندن آن بوسیلهٔ دندان (یا جویدن)

chewy سفت، گوشتی که خرد کردن آن بوسیلهٔ دندان مشکل است.

chief engineer سر مهندس کشتی

chief of naval operations فرمانده نیروی دریائی

chief petty officer ناواستوار یکم

chilling tank تانک آب و یخ، تانک آب و یخ مورد استفاده جهت سرد کردن ماهی در کشتی یا در ساحل

Chilodon patcoa ماهی اناس

Chiloscyllium friseum گربه ماهی، بمبک

chimaera = ratfish موش ماهی، نوعی ماهی غضروفی در آبهای عمیق اقیانوسهای اطلس و آرام که از نرم‌تنان تغذیه می‌نماید. فقط آراوارهٔ پائینی آن متحرک است و دمی‌دراز، باریک و شلاقی دارد. به احتمال زیاد، از کوسه ماهیان جدا و متحول شده است. این گونه‌ها خارهای زهرآگین در طول انتهایی بدن و اولین بالهٔ پشتی دارند.



موش‌ماهی chimaera

chimere شیر ماهی

Chinese carps کپور ماهیان چینی

Chinese dip-net تور مخروطی چینی

Chinese silver pomfret گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ حلوا سفیدماهیان با نام علمی *Papmpus chinensis* که طول آن تا ۲۰ سانتی‌متر می‌رسد. از شانه‌داران و پلانکتونهای جانوری تغذیه می‌کند. در آبهای ساحلی هند و به طرف شرق تا چین (بجز در گینهٔ جدید و استرالیا) زندگی می‌کند. روی بسترهای گلی بصورت گله‌ای یا انفرادی دیده می‌شود. گاهی داخل خورها نیز دیده می‌شود. از آبهای ایران در دریای عمان گزارش شده است.

Chirocentridae (wolf herring) خانوادهٔ خاروماهیان

Chirocentrus dorab ماهی خارو باله سیاه، دوهیر

Chirocentrus nudus ماهی خارو باله سفید

chironomid هریک از گروه بزرگ حشرات کوچک و دو بال متعلق به خانواده‌های Tendipedidae یا Chironomidae

chironomid larvae (fish food) کرم خونی، لارو شیرونومید (غذای ماهی)

chitin کیتین، پلیمران استیل گلوکز آمین، مادهٔ سازندهٔ اسکلت خارجی یا صدف سخت‌پوستان، این ماده در دیوارهٔ سلولی بعضی قارچها وجود دارد.

chiton نام عمومی ۶۰۰ گونهٔ زنده از صدفهای دریایی که از ردهٔ Polyplacophora هستند و در آبهای کم عمق سواحل اقیانوسی زندگی می‌کنند. اساساً برای زندگی در شرایط سخت و غیریکنواخت، زندگی در سواحل صخره‌ای و بعضی از مناطق مغاکی مقاوم هستند. طول آنها حدود ۲/۵ تا ۷/۵ سانتی‌متر است. بدن آنها بیضی شکل با پوشش پشتی شامل ۸ صفحهٔ بندبند کلسیتی که این امکان را به آنها می‌دهد که بصورت توپ درآیند. رژیم غذایی آنها شامل جلبک و موجودات ریز شناور است. بعضی از گونه‌های آن خوراکی هستند.

chitosan کیتوزان، نوعی مادهٔ حاصله از کیتین که از تغییر فرم گلوکز آمین بوجود می‌آید، بعنوان مادهٔ پر کننده در کاغذسازی بکار می‌رود.

Chlorella نوعی جلبک سبز که پروتئین زیاد دارد. تولید انبوه آن انجام می‌شود، در پرورش میگو و صدف و نیز بعنوان غذای رژیمی مورد مصرف دارد.

chlorinated hydrocarbon هریک از مواد متعدد آلی مصنوعی حاصله از مواد نفتی که دارای یک یا دو اتم کلر می‌باشند، مانند، بسیاری از آفت کشهای مصنوعی

chlorine کلر، گاز زرد مایل به سبز کشنده از گروه هالوژنها که بصورت یون کلر با شبه فلزاتی مانند سدیم، نمک می‌سازد.

chlorine equivalent تعریف اصلی کلرینه کردن مقدار کل کلر، برم و ید برحسب گرم در کیلوگرم از آب دریا، با فرض اینکه کلر جایگزین برم و ید شده باشد.

chlorinity کلرینیتی، مجموعهٔ کلر، برم و ید برحسب گرم در یک کیلوگرم آب دریا، به فرض اینکه برم و ید بوسیلهٔ کلر جایگزین شده باشند.

chlorophyll سبزینه، کلروفیل، رنگدانه سبز گیاهان با انواع a، b و c، این رنگدانه‌ها در

کلروپلاستهای یاخته قرار دارند و در پدیدهٔ فتوسنتز دخالت اساسی می‌کنند. غلظت هر یک از این رنگدانه‌ها بعنوان میانگین تخمین میزان فتوسنتز، یا بعنوان شاخص باردهی یک گیاه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

chlorophyll maximum عمقی از دریاها یا اقیانوسها که در آن تراکم کلروفیل به حداکثر میزان آن در واحد حجم می‌رسد.

chlorosity مقدار کلرور، ید و برومید موجود در یک لیتر آب دریا که برابر با غلظت یون کلر، نمونه ضربدر وزن مخصوص آن در گرمای ۲۰ درجهٔ سانتی‌گراد است.

chob = *Leuciscus cephalus* عروس دریایی

chocolate hind گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Cephalopholis boenach*، که حداکثر طول آن به ۲۰ سانتی‌متر می‌رسد. در سراسر جنوب اقیانوس هند غربی به طرف خلیج دلاگوآ و موزامبیک بجز دریای سرخ و خلیج فارس، همچنین در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی زندگی می‌کند. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. ارزش اقتصادی ندارد.

Choerodon robustus طوطی ماهی، چارگوگ

cholestrol کلسترول، استرول موجود در بافت جانوری که به مقدار خیلی کم در ماهی هم وجود دارد. خوردن و جذب مقدار زیاد کلسترول برای سلامتی انسان خطرناک است.

chondrichthyans نام رایج ماهیان غضروفی

chondrichthyes ماهیان غضروفی، دسته‌ای ابتدایی از ماهیان که در دورهٔ دوم از دوران اول زمین‌شناسی ظاهر شدند. کوسه‌ها، سفره‌ماهیان و کای‌مرا (شیمرا) یا موش ماهیان از این گروه هستند.

chop موج تند رأس، موجی که در اثر باد ملایم بوجود می‌آید و به آسانی از رأس شکسته می‌شود.

chorda dorsal طناب پشتی برخی از ماهیان

Chordata طنابداران، شاخهٔ اصلی و پیشرفته سلسلهٔ جانوران، جانورانی که دارای طناب پشتی، مجموعهٔ برانشی یا شش و دستگاه عصبی پشتی هستند. یوروکورداتا، سفالوکورداتا و مهره‌داران، زیرشاخه‌های این شاخه هستند.

chordate شاخهٔ بزرگی از سلسلهٔ جانوری که دارای طناب پشتی هستند.

Chorinemus ماهی سارم

chorionic gonadotropin مادهٔ حاصله از ادرار خانمها یا جانوران ماده که به جای هورمون هیپوفیز، برای تحریک رسیدگی تخمکها یا اسپرماتوزوئیدها برای پیش‌رس کردن در تکثیر مصنوعی به کار می‌رود.

christiania anchovies کیلکای تازه شور شده رقیق در شوراب چاشنی‌دار که در چلیکهای کوچک بصورت لایه‌های پشت به پایین چیده و دوباره محکم بسته‌بندی شده است.

chromatic aberation کج‌نمایی رنگی

chromatophore رنگدانه، رنگدانه پوست ماهی، سلولهای رنگی پوست ماهی که شامل انواع سلولهای ملانوفورها، گزانتوفورها، اریتروفورها، لوکوسیتها، تریدوسیتها و گوانوسیتهاست.

chromatophorotropin کروماتوفوروتروپین، هورمون عصبی سخت‌پوستان که جابجائی رنگدانه‌های کروماتوفورهای پوست ماهی را تنظیم می‌کند.

chromosphere فام سپهر خورشید

Chrysolaminaria جنسی از جلبکها

chrysolaminarine = leucosine پلی‌ساکارید کریسولامینارین یا لوکوسین: قند ذخیره‌ای جلبکهای شاخهٔ کریسوفیتا مرکب از پلی‌مرهای گلوکز ۴ ـ ۱ ـ بتا

Chrysophyceae خانوادهٔ جلبکهای قهوه‌ای ـ طلایی که انواع تک سلولی آبهای شیرین و شور را در برمی‌گیرد.

Chrysophyta جلبکهای قهوه‌ای ـ طلایی که انواع

تک سلولی آبهای شیرین و شور را در برمی‌گیرد.

chuck لنگرگاه، ضربات موج بر ساحل

chute سرسرهٔ کشتی

Chytridiomycetes دستهٔ قارچهای کیتریدیومیستها که یک‌تاژک در زئوسپورهایشان دارند. این قارچها آبزی هستند و یا در محیطهای مرطوب زندگی می‌کنند.

Ciguatera poisoning نوعی مسمومیت حاصله از خوردن گوشت ماهیان و صدفهای مناطق استوایی، مسمومیت در پاره‌ای موارد بین ماهیان و صدفها دیده می‌شود. علت آن به احتمال قوی تغییر در رژیم غذایی می‌باشد.

Ciguatoxin سمی که توسط گونه‌ای از جلبکهای دینوفلاژلهٔ کف زی با نام علمی *Gombierdiscus toxicus* تولید می‌شود.

cilia مژه‌ها

ciliata مژه‌داران

cillium مژه

cinnabar goatfish گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ بز ماهیان با نام علمی *Parupeneus cinnabarinus* طول آن ۲۴ تا ۳۰ سانتی‌متر است. در سراسر اقیانوس هند غربی در شمال عرض جغرافیائی ۲۶ درجه جنوبی و به طرف شرق تا جزایر مارشال وجود دارد. این ماهی تمایل بیشتری نسبت به سایر گونه‌ها برای زیستن روی بسترهای سیلیسی شنی و آبهای تیره دارد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورهای کششی کفی و گاهی بوسیلهٔ دام و قلاب و ریسمان انجام می‌شود.

Circinus صورت فلکی دو پرگار

circular pond استخر گرد، کانال گرد یا جویی با پیرامون سفت و کفی که به طرف عمق، به طرف یک دریچهٔ مرکزی شیب‌دار است. آبی که به این ترتیب وارد می‌شود یک جریان گرد ملایم ایجاد می‌کند.

circulation چرخش، جریان آب سطحی یا عمقی اقیانوس

circulatory system دستگاه گردش خون، قلب و رگها، سیستم چرخشی آب

circumlittoral چسبیده به ساحل، دور ساحلی

circumnavigation دریانوردی دور دنیا

circumnavigator کسی که دور دنیا را با کشتی می‌پیماید.

circumorbital حلقهٔ چشمی

circumpacific ناحیهٔ اطراف اقیانوس آرام

circumpolar دور قطبی

Circumpolar Current جریان دور جنوبگان، جریان محیطی قطب جنوب

cirri زواید رشته‌ای باریک و کوچک (مفرد cirrus)

cirrocumulus ابر سیروکومولوس، ابر بلند با ارتفاع ۵۵۰۰ تا ۱۱۰۰۰ متر

cirrostratus ابر بلند با ارتفاع بیش از ۵۵۰۰ تا ۱۱۰۰۰ متر شامل لایه‌های سفید نازک

cirrus ۱) ابر سیروس، ابری بلند با ارتفاع بیش از ۵۵۰۰ تا ۱۱۰۰۰ متر، شامل لایه‌های سفید بدون سایه و ظاهر ابریشمی

۲) ضمیمه یا زایده‌ای رشته‌ای شبیه ریش در برخی از ماهیان

cisco ماهی سفید از جنس *Coregonus* که در آمریکای شمالی و کانادا جهت تغذیه صید می‌گردد. (هرینگ دریاچه‌ای)

citric acid اسید سیتریک، نوعی اسید طبیعی که در مرکبات یافت می‌شود. از آن گاهی به عنوان ضد اکسیدگی (آنتی اکسیدان) و یا عامل متوقف کنندهٔ اثرات فلزات در قوطی کنسرو (chelating agent) استفاده می‌شود.

citric acid cycle چرخهٔ کربس، چرخهٔ اسید تری کربوکسیلیک، چرخهٔ بیوشیمیایی که در آن قندها، چربیها و پروتئینها به انرژی ATP مورد

نیاز متابولیسم موجود زنده تبدیل می‌شوند.

ckonfine حد میان دریا و اقیانوس

Cladocera کلادوسرا،
راسته‌ای از سخت‌پوستان آب شیرین مانند دافنی که صدفی تاخورده، قسمت بالایی بدنش را می‌پوشاند.

cladocerans هر یک از افراد وابسته به راستهٔ Cladocera سخت‌پوستان، شامل دافنی‌ها که قسمت بالایی بدن آنها با یک صدف تاخورده پوشیده شده است.

clam مراجعه شود به clams

clamber خزیدن یا با دست و پا از چیزی بالا رفتن

clamp = faggot قفسهٔ خشک کردن ماهی

clams گروهی از دوکفه‌ایها از شاخهٔ نرمتنان که برخی از دوکفه‌ایهای آب شیرین و دریا را شامل می‌شود. از آبهای کم عمق ساحلی تا عمیق‌ترین مناطق اقیانوسها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، حوضچه‌ها و پیکره‌های آب شیرین گزارش شده‌اند. صدف آنها از جنس کربنات کلسیم است که در برابر اسید و نمک مقاوم است. سیستم عصبی آنها از سه جفت گره عصبی تشکیل شده است که بوسیلهٔ رشته‌های عصبی به هم متصل هستند. جنسها از هم جدا می‌باشند. تغییر جنسیت از نر به ماده در این جانوران غیر عادی نیست. بزرگترین آنها گونه‌های دو جنس *Tridacna* و *Bruguiene* می‌باشند.

clam shirmp میگوی دوکفه‌ای با علامتهای دایره‌ای متحدالمرکز روی صدف آن

clam worm نوعی کرم پلی‌کیت (پُرتار) دریایی

class دسته، رده
بزرگتر از راسته و کوچکتر از شاخه

class frequency تعداد افراد موجود در یک رده یا گروه مشخص، برای مثال، ردهٔ دارای صفات مشترک و نیز تعداد دفعات حضور یک ردهٔ مشخص

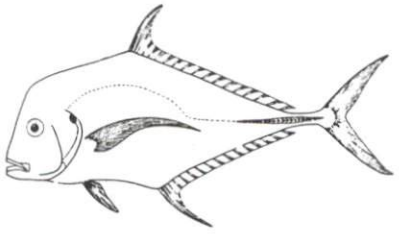
classification of petroleum رده‌بندی نفت خام

clastic مواد رسوبی ساحلی،
مواد تخریبی که بطور مکانیکی از جایی به جای دیگر منتقل شده‌اند مانند سنگهای شنی و ماسه‌ای

clean common salt نمک بلور شمارهٔ ۲

cleaning behaviour نوع خاصی از همزیستی بین جانداران بزرگ و کوچک که در آن جانوران بزرگ به جانوران کوچکتر اجازه می‌دهند که انواع انگلها و زوائد غذایی روی بدن و یا دهان آنها را جمع‌آوری نمایند.

cleftbelly trevally طالع، تاله بزک،
گونه‌ای ماهی از خانواده گیش ماهیان با نام علمی *Atropus atropos* که طول آن ۲۷ تا ۳۰ سانتی‌متر است. از میگوها، ده‌پایان، بازوپایان، پاروپایان (کوپه‌پودها) و ماهیان کوچک تغذیه می‌نماید. در آبهای ساحلی اقیانوس هند غربی، از خلیج فارس تا سریلانکا و در مناطق دیگر اقیانوسهای هند و آرام غربی، ساحل شرقی هندوستان، خلیج تایلند، جزیرهٔ تایوان، اوکیناوا و اندونزی وجود دارد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن با تور کشیدنی کفی، دام، قلاب وطناب در آبهای ساحلی انجام می‌شود.



طالع، تاله بزک *Atropus atropos*

cleve ساحل شیب‌دار

clew پایین‌ترین گوشهٔ بادبان

cliethrum استخوان غرابی

cliff صخره، پرتگاه سنگی

climate, oceanic آب و هوای اقیانوسی،
آب و هوای مخصوص نواحی ساحلی مجاور اقیانوسها

climatology and meteorology

اقلیم شناسی و هواشناسی. واژه‌های مرتبط عبارتنداز :

۱-atmospheric circulation = wind systems
جریان جوی (سیستمهای باد)

۲-boreal climate (snow forest climate)
اقلیم برف خیز در مناطق جنگلی

۳-clear (cloudless) آسمان روشن (بی‌ابر)

۴- cloudy ابری

۵-cold airstream (cold current) جریان هوای سرد

۶-cold front جبهه هوای سرد

۷-drizzle ریزه باران

۸-equatorial climate : tropical zone (tropical rain zone) اقلیم استوایی، منطقه استوایی (منطقه باران استوایی)

۹-equatorial trough (equatorial calms, doldrums) مناطق استوایی دارای هوای آرام (مناطق آب و هوایی آرام استوایی)

۱۰-fair هوای خوب

۱۱-high - pressure area (high anticyclone) منطقه فشار زیاد (فشار بالا ، ضد طوفان باد)

۱۲-isobar ایزوبار

۱۳-isocheim (line connecting points having equal mean winter temperature) ایزوشم (خطی که نقاط دارای درجهٔ حرارت زمستانی مساوی را بهم ربط می‌دهد)

۱۴-isohel ایزوهل

۱۵-isohyet ایزوهیت

۱۶-isotherm ایزوترم، نقاط یا مناط هم‌دما

۱۷-low-pressure area (low cyclone depression) نواحی دارای فشار کم (فشار کم ، طوفان باد یا کاهش فشار)

۱۸-north-east trade winds (north-east trades, tropical easterlies)
بادهای شمال شرقی تجارتی (بادهای شمال شرقی مناسب برای کشتیهای بادبانی)

۱۹-observatory (meteorological watch office weather station) or ocean station vessel (weather ship) ایستگاه هواشناسی یا رصد هوا (ادارهٔ مراقبت از تغییرات آب و هوا ایستگاه هواشناسی) یا کشتی هواشناسی در دریا (کشتی هواشناسی)

۲۰-occlusion (occluded front) جبهه هوای گرم

۲۱-prepetual frost climate اقلیم یخ بندان دائم

۲۲-polar wind zones مناطق بادهای قطبی

۲۳-precipitation area منطقه بارش شدید

۲۴-subtropical high-pressure belts (horse latitudes) کمربندهای دارای فشار بالای هوا در مناطق زیر استوا

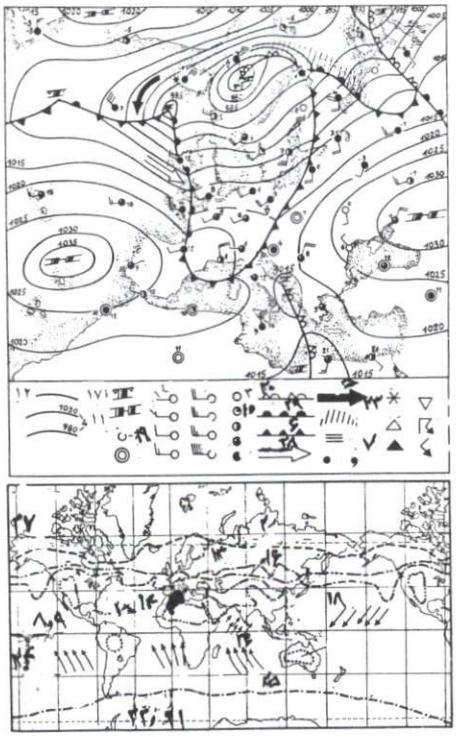
۲۵-south-east trade winds (south-east trades, tropical easterlies)
بادهای تجارتی جنوب شرقی (بادهای جنوب شرقی مناسب برای کشتی بادبانی)

۲۶-summer monsoon بادهای موسمی تابستانی

۲۷-tundra climate توندرا

۲۸-warm airstream (warm current)
جریان هوای گرم

۲۹-warm front جبهه هوای گرم



weather chart نقشه آب و هوایی

meteorological instruments

ابزار هواشناسی، بعضی دستگاهها و ابزار مورد استفاده در هواشناسی عبارتند از :

۱-barograph فشار نگار،

باروگراف، بارومتری که بطور خود کار ثبت می‌کند.

۲-barometer, mercury فشارسنج جیوه‌ای

۳-barometer, liquid cloumn

فشار سنج دارای ستون مایع

۴-hydrogen baloon بالون هیدروژنی

۵-hygrograph رطوبت نگار

۶-parachute چتر نجات

۷-psychrometer دماسنج

(لولهٔ ترمومتر برای سنجش خشکی و رطوبت هوا)

۸-solar panel باطری خورشیدی، پانل خورشیدی

۹-solar sensor = sun sensor سنسور خورشیدی

۱۰-thermograph حرارت نگار، حرارت سنج

۱۱-thermomether دماسنج

۱۲-thermometer, maximum

دماسنج برای اندازه‌گیری بیشترین درجه حرارت

۱۳-thermometer, mercury دماسنج جیوه‌ای

۱۴-thermometer, minimum

دماسنج کمترین درجه حرارت

۱۵-thermometer, wet and dry bulb

دماسنج دارای حباب خشک و مرطوب

۱۶-transmissometer ترانسمیسومتر،

ابزار اندازه گیری میزان قابلیت رؤیت

۱۷-weather satelite (ITOS Satellite)

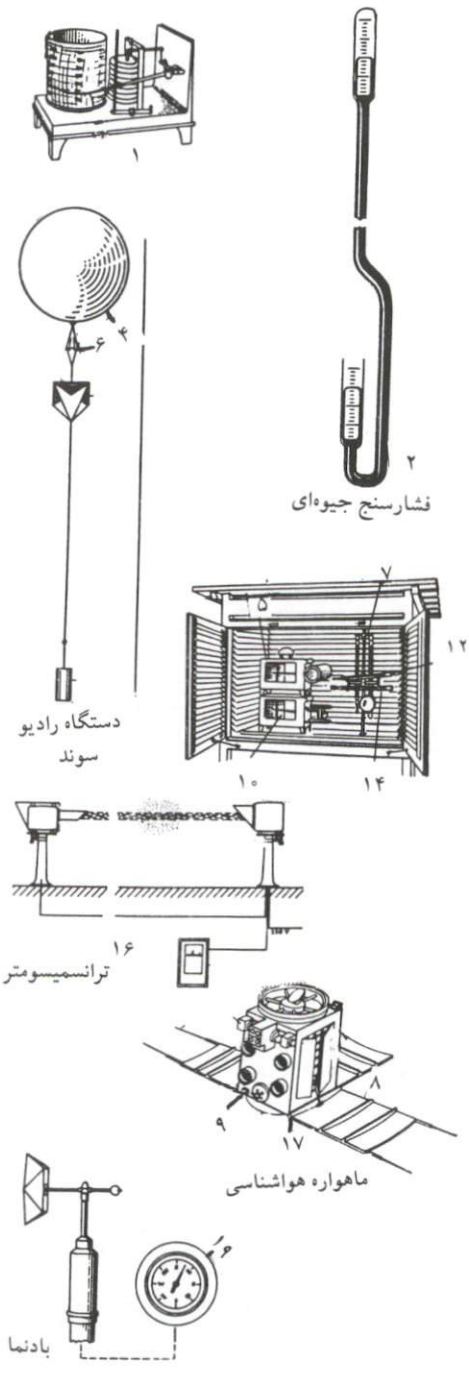
ماهواره هواشناسی (ماهواره ITOS)

۱۸-wet bulb thermometer

دماسنج دارای حباب مرطوب

۱۹-wind direction indicator

بادنما، ابزار نشاندهنده جهت باد



climbing perch ماهی جهنده، ماهی راه پیما

cline تغییر تدریجی ولی پیوستهٔ یک خصوصیت در جمعیتهای یک گونه در طول زمان

cling fish ماهی چسبنده، ماهیان خانوادهٔ Gobiesocidae که با مکنده‌های شکمی خود به سنگها می‌چسبند.

clinograph شیب نگاری کشتی، وسیلهٔ اندازه‌گیری کجی کشتی

clinomaster شیب سنج کشتی، شاقول کشتی

clipped herring شگ ماهی بریده شده

clipped roe fish شگ ماهی تخم‌دار بریده شده ، ماهیان هرینگ رودخانه‌ای (آلوایف) سرزده و احشاء درآورده که اشپل‌ها در آن باقی گذاشته شده‌اند.

cloaca مجرای کلوآک، محفظه‌ای که مجاری تناسلی و مخرج ماهیان غضروفی را در برمی‌گیرد.

clok calm دریای آرام

clone گروهی از افراد گونه‌های گیاهی یا جانوری که دارای ویژگیهای مشابه ژنتیکی هستند و از طریق تولید غیر جنسی از یک فرد که از طریق تولید مثل جنسی حاصل گردیده است، ایجاد می‌گردند.

close پرچم افراشته

closed season فصل ممنوعیت صید، دوره‌ای که ماهیگیری برای گونه‌های خاصی، به دلیل محافظت آن گونه‌ها در طول فصل زادآوری ممنوع می‌باشد.

closed system سیستم پرورش بسته آبزیان، در این روش، در طول زمان پرورش، به سیستم آب اضافه نمی‌شود و نه از آن گرفته می‌شود.

close fish = arbroath smokie

close pack قطعات یخ شناور که مانع از حرکت کشتی می‌شوند.

Clostridium botulinum باکتری عامل مولد بوتولیزم گونه‌ای از باکتریهای بیماریزای غیر هوازی که در برخی از ماهیان یافت می‌شود و قادر است یک نوع یا بیشتر از ۸ نوع مادهٔ سمی مشابه را که باعث فلج اعصاب می‌گردد تولید نماید. این سم به آسانی در ضمن پختن از بین می‌رود ولی اسپورهای آن در برابر حرارت مقاوم هستند.

cloth tank حوضچه یا تانک پارچه‌ای

cloud ابر

Clupeidae خانوادهٔ شگ، ماهیان، هرینگ‌ها، ماهیان ابتدایی در گروه ماهیان استخوانی عالی

Clupeid fish شگ ماهی، اومک

Clupeiformes راستهٔ شگ ماهیان

Clupeonella delicatula کیلکای چشم درشت

Clupeonella engrauliformis کیلکای آنچوی

Clupeonella grimi کیلکای معمولی

cluster اجتماع موقتی مرکب از چند گروه یا جمعیت ابتدایی ماهیها که به دلایل مختلف ایجاد می‌شود.

Cnidarian = Coelantrate کیسه‌تنان، کنیداریاها، بی‌مهرگان شاخهٔ Cnidaria شامل شقایقهای دریایی، ماهیان ژله‌ای، مرجانها و هیدرا

cnidoblast سلولهای رنگی کنیداریانها

cnoidal wave موج نویدال

coarse common salt نمک بلور شمارهٔ ۳

coarse fish ماهیان حوض، گونه‌های عمومی ماهی که کیفیت آنها پایین است یا، ارزش آنها بستگی به شرایط معینی دارد.

coarseness of fish زبری یا زمختی ماهی

coarse shrimp نوعی میگو با نام علمی *Trachypenaeus granulsus* که بیشترین طول نرها و ماده‌های آن به ترتیب ۷/۲ و ۹/۵ سانتی‌متر است. در سراسر خلیج فارس، سواحل جنوب غربی و جنوب شرقی هند و سریلانکا، بطرف شرق تا نواحی جزیرهٔ تایوان، فیلیپین و استرالیا زندگی می‌کند. در بسترهای شن درشت و سنگی یا گلی و در عمق ۵ تا ۸۰ متری وجود دارد. بیشترین مقدار صید آن در شب است. از

آبهای ایران، در شمال غربی خلیج فارس (خوزستان) وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی دهانه‌دار و دیگر وسایل صید سنتی انجام میشود.

coarse vegetation واژه‌ای که به اشتباه برای معرفی گیاهان موجود بخصوص نی‌ها بکار می‌رود.

coast ساحل

coastal mud shrimp گونه‌ای میگوی ساحلی با نام علمی *Solenocera crassicornis* که بیشترین طول نرها و ماده‌های آن به ترتیب ۹ و ۱۴ سانتی‌متر می‌باشد. در منطقه اقیانوس هند غربی در خلیج فارس و در طول سواحل شمال شرقی و شرق دریای عربی از پاکستان به سمت جنوب هند و آبهای دور از سواحل سریلانکا و به سمت شرق تا آبهای چین و ژاپن و گینهٔنو وجود دارد. ساکن بسترهای نزدیک ساحل تا عمق ۸۰ متری است. صید آن در آبهای کم عمق حدود ۲۰ متر می‌باشد. پنهان شدن یکی از مشخصات این گونه است. از آبهای ایران، در خلیج فارس (خوزستان) گزارش شده است. صید آن توسط تورهای کششی دهانه‌دار، تور نرده‌ای و یا گردان ساحلی انجام می‌شود.

coastal navigation ناوبری ساحلی

coastal plain دشت ساحل

coastal terrace دشت نسبتاً هموار و باریکی که با شیبی درجلو، هم مرز رودخانه، دریاچه یا دریا است.

coastal trevally گیش درخشان، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Carangoides caeruleopinnatus* که طول آن ۲۵ تا ۳۶ سانتی‌متر است. در آبهای ساحلی اقیانوس هند غربی، اقیانوس هند شرقی و اقیانوس آرام غربی تا استرالیا و در خلیج فارس و دریای عمان زندگی می‌کند. ماهیان بالغ بطور معمول در آبهای عمیق‌تر صخره‌های ساحلی وجود داشته و به ندرت نزدیک آبهای ساحلی دیده می‌شوند. این ماهی در مقایسه با انواع دیگر گیش ماهیان آرام‌تر می‌باشد. صید آن با قلاب، تورگوشگیر و دام انجام می‌شود.

coaster کشتی کرانه پیما

coast guard گارد ساحلی

coasting شکل ساحل، کشتیرانی ساحلی

مراجعه شود به coastal navigation

coast line خط ساحلی

coast shelf دشت زیر آبی ساحلی

coastward بطرف ساحل، در امتداد ساحل

coast way راه ساحلی

coastwise ساحلی، مانند ساحل

cob = cobb اسکله، موج شکن، ساحل بلند و سنگی

cober net = cast net تورانداختنی، تور پرتابی، ماشک

cobia = sergent fish ماهی ملوان

cobias = sergent fishes

coble قایق کوچک با یک بادبان

coccidiosis of eels = *Eimeria enguillae* عامل بیماری کوکسیدوز مار ماهیان حقیقی

coccolith کلسیت کریستالی، صفحات بسیار نازک آهکی محافظی که روی سطح بعضی از انواع جلبکهای تک سلولی قهوه‌ای (پلانکتونی) دریایی (Coccolithophores) وجود دارد.

Coccolithophore یک نوع جلبک تک سلولی تاژکدار که دارای یک پوشش کوچک از جنس کربنات کلسیم است.

cock grunter ماهی سنگسر معمولی، ماهی سنگسر پرلکه، گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسر ماهیان با نام علمی *Pomadasys multimaculatum* که بیشترین طول آن ۷۶ سانتی متر و طول معمول آن تا ۱۵ سانتی‌متر می‌باشد. در اقیانوس هند غربی، از ساحل آفریقا تا دریای سرخ و از خلیج عدن تا خلیج فارس و پاکستان زندگی می‌کند. ساکن آبهای ساحلی است. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده

مجموعه‌ای از استانداردهای غذایی که مورد موافقت بین‌المللی بوده و دستورالعملهای استاندارد عمل‌آوری و نگهداری را نشان می‌دهد. این استانداردها توسط سازمان خواروبار جهانی تهیه و تنظیم می‌گردد.

cod fish brick کاد قالبی (بلوک)، محصولی از نیوانگلند، مرکب از قطعات ماهی کاد شور و خشک کرده که بوسیلهٔ قالب به شکل آجر متراکم شده است.

cod worm کرم ماهی کاد، نوزاد یک نوع کرم حلقوی انگل به نام علمی *Phocanema decipiens* که گاهی در گوشت و امعاء احشاء ماهی کاد و دیگر گونه‌ها یافت می‌شود.

coelacanth ماهی سیلاکانت، یکی از ماهیان استخوانی ابتدایی، نام یکی از گونه‌های بسیار کمیاب با نام علمی *Latimeria chalumnae* از ماهیان اقیانوسی در زیر راستهٔ Crossopterygii، و رده Osteichthyes (ماهیان استخوانی) که از قدیمی‌ترین مهره‌داران است که اجدادشان در دورهٔ دونین ظاهر شدند. این ماهی جزء ماهیان فسیل شده به حساب می‌آمدند ولی نمونه‌ای صید شده از آنها در اعماق ۴۰۰ متری در دهه ۱۹۴۰ نشان داد که نسل این ماهی هنوز منقرض نگردیده است. این ماهی جزء فسیل‌های زنده بحساب می‌آید.

Coelenterate شاخهٔ کیسه‌تنان یا مرجانیان، بی‌مهرگانی که تقارن شعاعی دارند مانند مرجانها، شقایقهای دریایی و عروسهای دریایی

coelom حفرهٔ شکمی

coelomate نامی مشابه eucoelomate، جانورانی که حفرهٔ شکمی دارند.

کلنی‌های کروی یا صفحه‌ای بعضی از جلبکها مانند، ولوکس و پدیاستروم

coelonavigation کلنی‌های کروی یا صفحه‌ای بعضی از جلبکها مانند ولوکس و پدیاستروم

مراجعه شود به celestial navigation

coffer dam جدار مخزن

است. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی انجام می‌شود.

cockle نام عمومی چندگونه از صدفهای دریایی دوکفه‌ای که فاقد برجستگیهای شعاعی محدب هستند. صدف آنها ۲ تا ۱۵ سانتی‌متر است. پراکنش دریایی وسیعی دارند و برخی از آنها خوراکی هستند.

cock pit گودی پاشنه کشتی

Cocos Island چند جزیرهٔ اقیانوس هند در جنوب سوماتراکه قله های پشتهٔ کوکوس هستند.

Cocos Plate یکی از صفحات پوسته‌ای کوچکتر زمین که در جنوب شرقی جزایر گالاپاگوس به سمت جنوب شرقی در حرکت است و به زیر پوسته آمریکای مرکزی فشار می‌آورد.

cod = cod fish ماهی کاد، ماهی روغن با نام علمی *Gadus morrhua* . طول گونه‌های اقیانوس اطلس تا ۱/۸ مترو وزن آنها به ۲۳ تا ۹۰ کیلوگرم می‌رسد ولی، بیشتر انواع ۵ تا ۸ کیلوگرمی توسط قایقها صید می‌شوند. رنگ آنها از سبز تا قهوه‌ای، پشت و پهلوها خالدار و شکم نقره‌ای است. دهان آنها بزرگ است. دندانهای متعدد دارند. آروارهٔ بالایی آنها کمی جلوتر از آرواره پائینی آنها قرار دارد. ماهیان آبهای سرد بوده و در فلات قاره زندگی می‌کنند.



Gadus morrhua

codeclination متمم میل

cod end کیسهٔ تور، ساک تور، بیشتر در تور ترال

code of practice مقررات اجرایی، اصول عملی، مجموعه توصیه‌های عملی برای تولید و حفظ کیفیت خوب ماهی و فرآورده‌های آن

codex alimentarius کدکس استانداردهای غذایی،

cohort گروههای سنی یک گونه (برای مثال ماهی)

coho salmon = *Oncorhynchus kisuth*
ماهی آزاد نقره‌ای اقیانوس آرام، کوهو

coiler قرقره طناب پیچ

col سکون، وقتی دو سیستم چرخه‌ای و دو سیستم واچرخه‌ای بصورت ضربدری مقابل یکدیگر قرار گیرند، محوطه میانی که نه ناحیه فشار زیاد و نه ناحیه فشار کم است سکون نام دارد. در این ناحیه بادهای سبک و متغیر، رطوبت نسبی زیاد و مه و رگبار وجود دارد.

colatitude مکمل یک مدار جغرافیایی یا ۹۰ درجه منهای درجهٔ مدار

cold-blooded animals جانوران خونسرد، مراجعه شود به poikilotherms

cold front تودهٔ متراکم هوا که بصورت مانعی بین هوای سرد و هوای گرم قرار دارد، که در آن تودهٔ هوای سرد به داخل تودهٔ هوای گرم رانده می‌شود، جبهه سرد

cold marinade ماریناد سرد، محصول ماهی هرینگ ماریناد شده که بدون پختن مصرف می‌شود، مثل، شگ ماهی بیسمارک و رولاموپس (Rollamops).

cold marinate ماریناد کردن سرد، ماریناد کردن ماهی بدون حرارت دادن، سرخ کردن یا پختن

cold salt, to شور کردن سرد، عمل‌آوری شگ ماهی با نمک و یخ که در ساحل دریای خزر و آرال برای تهیهٔ محصول با کیفیت ویژه انجام می‌گردد.

cold smoke, to دودی کردن سرد، عمل‌آوری ماهی با دود زیر ۳۰ درجه به منظور جلوگیری از انعقاد پروتئین ماهی

cold storage flavour بوی ایجاد شده در ماهی در طول دورهٔ نگهداری در سردخانه، این ویژگی بیشتر در ماهیان چرب و در اثر نگهداری نامناسب بوجود می‌آید.

cold storage odour بوی نامساعد حاصله از ماهی منجمد، بوی ماهی چرب منجمد که در اثر نگهداری غیرصحیح بوجود می‌آید.

coldwater fish ماهی سرد آبی، ماهی که رشد و نمو آن در درجه حرارت بالاتر از ۲۱ درجهٔ سانتی گراد بخوبی انجام نمی‌گیرد.

colibacillosis of the shad
بیماری کُلی باسیلوز شگ ماهی (عامل آن *Bacillus colicommunis* می‌باشد).

coliform bacteria باکتریهای کُلی مانند، گروه باکتریهای هوازی که باعث تخمیر لاکتوز می‌شوند. از روی تعداد آنها در واحد حجم ،به مقدار آلودگی پی‌برده می‌شود. به آنها کُلی‌فرم هم می‌گویند، مانند ***Escherichia coli***

coliform count شمارش تعداد باکتریهای ***E. coli*** در یک نمونه آب جهت تعیین میزان آلودگی آن از طریق فاضلابهای انسانی

coliform index شاخص تمیزی آب براساس تعداد باکتریهای کولیفرم آن

collagen کلاژن، پروتئین غیرمحلول، عمده‌ترین قسمت بافت پیوندی ماهی که در اثر پختن به ژلاتین تبدیل می‌شود.

collier کشتی مخصوص حمل زغال سنگ

colloid کلوئید، به ذرات کوچکتر از ۰/۰۰۰۲۴ میلی‌متر که کوچکتر از ذرات گل رس است، اطلاق می‌گردد.

colloidal mud گل نیمه آبگونه درست شده از ذرات رس با اندازه‌های ۰/۰۰۵ تا ۰/۲ میکرون

Colombo method روش کلمبو، نگهداری ماهی ماکرل احشاء در آورده در بشکه‌های چوبی محتوی نمک و تمبرهندی

colonial Bryozoans اعضاء شاخهٔ Ectoprocta یا Bryozoa. (حیوانات آبزی ریز آب شیرین و شور).

بصورت گروهی یافت می‌شوند که جوانه مانند از والدین خود ظهور کرده و چنان به هم می‌چسبند که فاصلهٔ بین آنها غیرقابل تشخیص است.

colony پرگنه، خوشه و یا کلنی باکتری که رو و یا درون محیط کشت رشد می‌کند.

colony count تعداد کلنی‌های باکتری، تعداد خوشه و یا کلنی‌های باکتری که روی سطح محیط کشت تولید می‌شود.

colorimeter وسیلهٔ اندازه‌گیری شدت رنگ که در بیشتر آزمایشهای شیمیایی آب به کار می‌رود.

colorimetery رنگ‌سنجی، روش اندازه‌گیری شدت رنگ در آزمایشهای شیمیایی آب

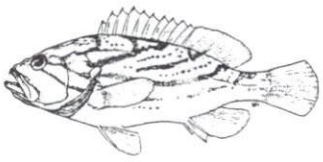
columnar denitrification شوره برداری ستونی، برداشتن یا کاهش ترکیبات نیتروژن موجود در آب از طریق گذراندن عمودی آن از ستونی که دارای عوامل صافی کننده می‌باشد.

comber ۱) موج سر رأس پیش، موج عمیقی که سر آن به وسیله باد جلو رانده می‌شود.
۲) موج شکنایی با دوره تناوب طولانی

comb fishing صید شانه‌ای

come out, to شوره‌زدگی، ماهی هنگامی «شوره زده» می‌شود که بعلت خشک کردن سریع ماهی شور شده، بر سطح آن نمک ظاهر شود.

comet grouper هامور دنباله دار، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus morrhua* که طول آن حداکثر ۹۰ سانتی‌متر است. در دریای سرخ و قسمت غربی اقیانوس هند به طرف جنوب تا دوربان (آفریقای جنوبی) و در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و به طرف شرق تا جنوب ژاپن و کالدونیای جدید وجود دارد. این گونه تقریباً کمیاب است. از آبهای ایران فقط از دریای عمان گزارش شده است. صید آن با قلاب، طناب و دام و در اعماق بین ۱۱۰ تا ۳۷۰ متری انجام می‌شود.



هامور دنباله‌دار *Epinephelus morrhua*

commander in chief فرمانده کل

commensalism همزیستی، نوعی ارتباط همزیستی بین دو گونهٔ مختلف که در آن یکی از گونه‌ها از این همزیستی سود می‌برد و دیگری نه سودی می‌برد و نه زیانی کند.

commercial abundance فراوانی تجارتی، مراجعه شود به انبار تجارتی (commercial stock)

commercial catch صید تجارتی، صید حاصل از فعالیتهای صیادی تجاری

commercial fish culture پرورش تجارتی ماهی، پرورش ماهی تجارتی، پرورش ماهی با هدف سود دهی و یا منابع اجتماعی - اقتصادی

commercial fishery ماهیگیری تجاری، ماهیگیری که به منظور سوددهی و یا برای منافع اجتماعی - اقتصادی انجام شود.

commercial ocean fishing ماهیگیری تجاری در اقیانوسها، صید سازمان یافته تجاری ماهی در اقیانوسها

commercial size اندازه تجارتی، کوچکترین اندازهٔ ماهی که می‌تواند صید شود.

commercial stock ذخیره صید تجارتی، بخشی از یک ذخیره ماهی که ماهیگیری تجارتی توانمند می‌تواند در جهت فعالیت‌هایش استفاده کند.

commercial yield استحصال تجاری،

محصول تجارتی، بخشی از یک انبار کلی ماهی که شیلات بدست می‌آورد و یا می‌تواند بدست آورد.

Commersons anchovy موتوی کامرسون، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ آنشوا ماهیان یا موتو ماهیان با نام علمی *Stolephorus commersoni* که طول آن ۸ تا ۱۰ سانتی‌متر است. در سراسر اقیانوس هند غربی یافت می‌شود ولی، احتیاج به نمونه‌برداری در خلیج فارس، دریای سرخ، ماداگاسکار، موزامبیک و آفریقای شمالی دارد. در مناطق دیگر به طرف شرق تا آسیای جنوب شرقی و ساموا پراکنده می‌باشد. ماهی سطح‌زی در آبهای ساحلی می‌باشد. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورگردان بدون روش صید مشخصی انجام می‌گیرد.

commersons sole گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ کفشک ماهیان تخم‌مرغی شکل، با نام علمی *Synaptura commersonian* که طول آن ۳۰ تا ۳۲ سانتیمتر می‌باشد. این ماهی در بخش شمالی اقیانوس هند غربی از دریای سرخ تا خلیج فارس و سواحل غربی هند و سریلانکا، و نیز در آبهای دور از ساحل موریس و سیشل و در مناطق دیگر از ساحل شرقی هند تا مجمع‌الجزایر مالدیو زندگی می‌کند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن با تورهای کششی کفی و پره انجام می‌شود.

comminuted ۱) چرخ شده، خردشده

۲) تغییر فرم ظاهری به طریق مکانیکی بطوری که ماهی حالت و شکل اولیهٔ خود را در اثر خرد کردن از دست بدهد.

۳) چرخ کردن بعد از برداشتن استخوانها و پوست

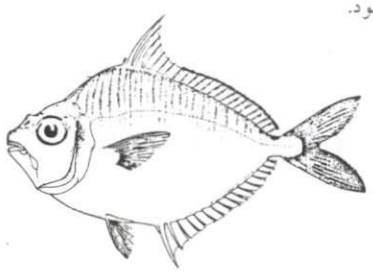
commissioning pennant پرچم شعله

commissioning the ship

به خدمت وارد کردن کشتی

commodore دریادار موقت

common bluestripe snapper سرخوی معمولی نوار آبی، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Lutjanus kasmira* که طول آن ۲۵ تا ۳۰ سانتی متر است. از ماهیان و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در سراسر منطقهٔ اقیانوس هند غربی در شمال حدود ۲۲ درجه عرض جنوبی وجود دارد، ولی تاکنون از خلیج فارس گزارش نشده است. در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و آبهای گرمسیری اقیانوس آرام غربی تا جزایر سوسایتی دیده می‌شود. ساکن آبهای ساحلی کم عمق صخره‌های مرجانی است. از آبهای ایران در دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط قلاب دستی، دام و تور گوشگیر انجام می‌شود.



سرخوی معمولی نوار آبی *Lutjanus kasmira*

common carp کپور معمولی،

commondo ship کشتی نیروبر، کشتی نفربر

common gull مرغ نوروزی با نام علمی *Larus canus*

common mojarra = *Gerres oyena* خرگوش ماهی، بت ماهی، چاشره معمولی

common name نام معمول، نام محلی یا بومی یک گونه، نام غیر علمی گونه

common pike = *Esox lucius* اردک ماهی

common pony fish ماهی پنجزاری معمولی، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ پنجزار ماهیان (فوکو ماهیان)، با نام علمی *Leiognathus equalus* که طول آن ۱۸ تا ۲۴ سانتی‌متر است. از پُرتاران، سخت پوستان کوچک و ماهیان ریزتغذیه می‌کند. این ماهی ساکن آبهای کم عمق بوده و تا عمق حدود ۴۰ متری دیده می‌شود. افراد بالغ بصورت گله حرکت می‌کنند. در آبهای ایران در خلیج

community تجمع جانوری، مجموعه جانوری، واژه‌ای عمومی برای هر گونه تجمعی از موجودات بدون ترتیب و توالی موقعیتی و مکانی

community fish اجتماع ماهی، جمعیتهای ماهیان یک زیستگاه

companion ladder نردبان عرشه

compass قطب نما، جهت نما

compensation depth عمق موازنه، عمق جبرانی، عمقی که در آن مقدار پدیده فتوسنتز با مقدار تنفس یاخته‌ای گیاه در یک دوره ۲۴ ساعته برابر است.

competing species گونه‌های رقیب

competition رقابت، اثر غیرمستقیمی (به جز شکار) که یک گونه می‌تواند درمصرف غذا، مکان، گازهای محلول و مکان تخمریزی خاص بر روی گونهٔ دیگر داشته باشد.
تلاش و تنازع بین گونه‌های مشابه یا متفاوت برای نیازهای حیاتی شان

competitive exclusion یک اصل اکولوژیک که در آن رقبا نمی‌توانند برای همیشه بر جای بمانند. حذف رقابتی

competitive interference از بین بردن یک گونه بوسیلهٔ گونهٔ دیگر از طریق تخریب فعالیتهای طبیعی زیستی آن، دخالت آن

competitors رقبا

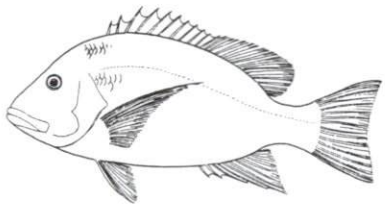
complementary تکمیل، کمک در ایجاد یک کل یا تکمیل یک فقدان

complete feed غذایی که صددرصد نیازهای زیستی ماهی را در مواقعی که هیچگونه دسترسی به غذاهای طبیعی نیست، برآورده می‌کند.

complete fertilizer کود کامل، کودی دارای عناصر ضروری، بویژه، نیتروژن، فسفر و پتاسیم

composit ship کشتی که بدنهٔ آن از جنس چوب و آهن است.

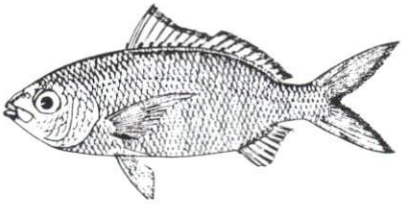
فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی و تور شناور در آبهای ساحلی در طول سال انجام می‌شود.



Leiognathus equalus

common scoter پاریلا، مرغابی سیاه

common silver - biddy خرگوش ماهی معمولی، بت ماهی معمولی، چاشره معمولی، کوه ماهی (چابهار)، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ خرگوش ماهیان (بت ماهیان) با نام علمی *Gerres oyena*. طول آن ۱۵ تا ۲۵ سانتی‌متر است و از موجودات ریز بسترهای شنی تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، در طول ساحل شرق آفریقا، به طرف دریای سرخ و خلیج فارس و در طول ساحل شرقی هند و سریلانکا و در اقیانوس آرام غربی وجود دارد. زندگی آن در طول سواحل ماسه‌ای است و ممکن است به خورها و آبهای لب شور مردابها نیز وارد گردد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن با تورهای کششی کفی گردان در آبهای عمیق نزدیک ساحل انجام می‌شود.



Gerres oyena خرگوش ماهی معمولی

common tench = *Tinca vulgaris* لای ماهی معمولی

common thread fin راشگوی مخطط با نام علمی *Polynemus plebeius*

compost کودی که از طریق تجزیهٔ کم و بیش تنظیم شدهٔ مواد آلی طبیعی حاصل می‌شود.

compressional wave موج طولی، موج نصف النهاری، موج غیر چرخشی، موج فشار، موج ابتدایی یا موج P زلزله

concentrated fishing صید تجمعی، صید تمرکزی

conceptacle ساختاری در جلبکهای قرمز که اندامهای زایشی را نگه می‌دارد.

conch شکمپای دریایی ناحیهٔ استوا که صدفی پیچیده، شفاف و بزرگ دارد، نام عمومی شکمپایان بزرگ در خانواده Trombidae، شش گونه مختلف دارد که شناخته شده‌ترین آنها کونچ هند غربی یا کارائیب (*S.gigas*) است.



کونچ

conchiolin ترکیب نیتروژنی صدف بیشتر نرمتنان ماده‌ای آلی به ترکیبات معدنی کفه حالت ارتجاعی می‌دهد.

conchology صدف شناسی

conchocelis phase مرحلهٔ رشته‌ای میکروسکوپی در چرخهٔ زندگی بعضی جلبکهای قرمز

condemnation level حد قابل اندازه‌گیری کیفیت، بخصوص، تازگی، حدی که پایین تر از آن ماهی برای مصرف انسان مناسب نیست.

condemned غیرقابل مصرف، فرآورده یا آنزیمی که غیر قابل مصرف انسان بودن آن بطور رسمی قبل یا بعد از توزیع اعلام گردد.

condensation میعان، فرآیند فیزیکی که توسط آن یک بخار، بصورت مایع یا جامد در می‌آید، مخالف تبخیر است. وقتی بخار آب میعان می‌یابد، گرما آزاد گشته و درجه حرارت محیط اطراف آن افزایش می‌یابد.

condition ۱) وضع، حالت، وضع فیزیولوژیک، ۲) کیفیت، بخصوص، تازگی و حالت ماهی که با واژه‌های کیفیت خوب و کیفیت بد مشخص می‌گردد.

condition factor عامل شرط، شاخصی که شرایط ماهی را به شکل ارقام نشان می‌دهد و بطور معمول به تغییرات وزن در ارتباط با طول بر می‌گردد. فرمول کلی آلی بصورت $CF=W:L^3$ نشانداده می‌شود.

condition index شاخص شرط، مراجعه شود به condition factor

conductivity of water قابلیت هدایت الکتریکی آب

cone shell صدف مخروطی

confine حد میان دریا و اقیانوس

confined waters آبهای ساکن

confluence نقطهٔ اتصال و تلاقی دو رود، در هم ریختن رودخانه‌ها

confluent رودی که به رود دیگر می‌پیوندد و با آن جریان می‌یابد . جریانهایی که به هم می‌پیوندند.

Congature half beak ماهی نیم منقار، مرافت (چابهار)، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ نیم‌منقار ماهیان با نام علمی *Hyporhamphus limbatus* طول آن ۱۳ تا ۲۳ سانتی‌متر است. در آبهای اقیانوس هند غربی، از خلیج فارس در طول سواحل پاکستان، هند و سریلانکا، و در اقیانوس هند شرقی، غرب آرام مرکزی، به طرف شرق تا تایلند، و به طرف شمال تا چین وجود دارد. گونه‌ای ساحلی است که وارد خورها و گاهی نیز وارد آبهای شیرین می‌شود. از آبهای ایران، در جنوب شرقی خلیج فارس، حوالی نایبند و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای پرتابی یا ماشک در

سواحل هند انجام می‌شود.



Hyporhamphus limbatus

Conger conger کُنگر، نوعی مارماهی

conger eel یکی از ۱۴ گونه مار ماهیان که بخش شکمی سفید یا خاکستری، و بخش پشتی سیاه یا خاکستری تیره دارد. طول آن تا ۲/۵ متر و وزن آن تا ۲/۵ کیلوگرم می‌رسد.

conglomerate صخرهٔ محتوی شن، قلوه سنگ و ماسه که به یکدیگر چسبیده‌اند.

Conidae خانواده‌ای از شکمپایان

connective tissue بافت پیوندی

conning tower برج زیر دریایی

conservation of nature حفاظت طبیعت، ذخیره‌سازی، محافظت و ادارهٔ محیط طبیعی به شرط تکمیل نیازهای بشری و برای زندگی سالم و رضایت‌بخش

constant level ارتفاع سطح ثابت آب

constillation صورت فلکی

consumer جانداران مصرف‌کننده در شبکهٔ غذایی

contagious disease بیماری مسری، بیماری عفونی که در اثر تماس مستقیم یا غیرمستقیم انتقال می‌یابد.

container ظرف، مخزن

container ship کشتی قوطی‌بر، کشتی حاوی بار در داخل کانتینرها

contamination فساد، آلودگی، انتقال مستقیم یا غیر مستقیم آلودگی به گوشت ماهی، بخصوص در طول نگهداری قبل از عمل آوری و در حین عمل‌آوری

continental drift جابجایی قاره‌ای، نام تئوری آلفرد وگنر، هواشناس آلمانی، دربارهٔ جابجایی قاره‌ها، که اظهار داشت حدود ۱۰۰ میلیون سال پیش تمام توده‌های خشکی زمین بصورت یک قارهٔ واحد، به نام Pangae (در آلمان به معنی تمام خشکی) بودند. این خشکی به دلایل ناشناخته قطعه قطعه شده و قطعات با سرعت ۲/۵ سانتی متر در سال ازهم دورگشته تا قاره‌های امروزی شکل گرفتند. از نظر دانشمندان، خشکی Pangae (بعضی آن را به صورت دو خشکی یوراسیا در شمال و گندوانا در جنوب نامگذاری کرده‌اند) تقریباً در منطقه اقیانوس اطلس امروزی قرار دارد، واقع بوده است. فاصلهٔ میان آفریقا و یوراسیا با دریای تتیس، بوجود آورنده مدیترانه، پر شده بود و باقیمانده سطح زمین بوسیلهٔ پانتالاسا که اقیانوس آرام از بقایای آن است، پوشیده شده بود. اکنون حرکت قاره‌ها و تغییر شکل ساختار ظاهری زمین با نظریهٔ تکتونیک صفحه‌ای و فرآیندهای فیزیکی قابل توجیه است. براساس این نظریه، پوستهٔ زمین شامل چند صفحهٔ مستقل است که هر کدام حدود ۱۰۰ کیلومتر ضخامت دارند، و با سرعت نسبی یک تا ۱۰ سانتیمتر در سال حرکت می‌کنند. مادهٔ صفحه‌ای در مراکز گسترش و یاتخریب صفحات اضافه می‌شود و به این ترتیب در لبه‌های برخورد کنندهٔ صفحه‌ای، کوه بوجود می‌آید یا اینکه فرونشستی در آن ایجاد می‌شود. تمام زلزله‌ها و تقریباً تمام آتشفشانها با مرزهای صفحه‌ای مرتبط هستند.

continental margin حاشیه یا لبهٔ قاره‌ای، ناحیه‌ای که قسمت برآمدهٔ خشکیها را از اعماق دریا جدا می‌کند، بطور کلی شیب قاره‌ای، فلات قاره و پشتهٔ قاره‌ای را شامل می‌شود.

continental rise برآمدگی قاره‌ای، پشتهٔ قاره‌ای، شیب قاره‌ای در عمق حدود ۱۴۰۰ تا ۳۲۰۰ متر پایان می‌یابد. پشتهٔ قاره‌ای میان این منطقه و دشت مغاکی قرار دارد و شیب آن حدود نیم متر در ۱۰۰۰ متر عمق است. این مناطق رسوبات فرو ریزنده از فلات قاره و شیب قاره را دریافت می‌کنند و بوسیلهٔ جریان آشفته حمل می‌شوند.

continental shelf فلات قاره،
ناحیهٔ حاشیه‌ای زیر آبی کم شیب قاره‌ها از ساحل تا جایی که شیب عمقی ناگهان زیاد می‌شود. عمق متوسط آن ۱۸۳ متر و عرض متوسط آن ۷۰ کیلومتر است، ولی عرضهای مختلف باریک تا پهن (۳۲۲ کیلومتر) وجود دارد. شیب فلات قاره بطور معمول کمتر از یک متر در ۱۰۰۰ متر عمق است. فلات قاره از نظر زیست شناسی و بوم‌شناسی اهمیت زیادی دارد.

continental slope شیب قاره‌ای،
ژرفاشیب ناحیه‌ای که در آنجا عمق دریا، مابین لبهٔ پوسته قاره‌ای و بستر عمیق‌تر اقیانوس، سریعاً افزایش می‌یابد. در این ناحیه دره‌های عمیق وجود دارند. جانوران زیادی نیز در این ناحیه زندگی می‌کنند.

contour خط تراز، خط همدور (در نقشه)

contractile vacuole واکوئل انقباضی

contrantant شناکردن در مسیر عکس جریان آب

controlled condition (in fish culture) پرورش ماهی درشرایط کنترل شده

controlled fish culture پرورش ماهی در شرایط کنترل شده

controlled fleet کشتیهای متعلق به، یا زیر نظارت یک سازمان

controlled induced breeding تولید مثل القایی کنترل شده

controlled smoking دود کردن کنترل شده، عمل‌آوری ماهی با کنترل حجم، درجهٔ حرارت، رطوبت، سرعت و توزیع هوا و دود، جهت اطمینان از کیفیت مطلوب محصول

controlli depth کمترین عمق مجاز برای عبور کشتی

control of aquatic weeds کنترل (مبارزه با) رویش گیاهان آبزی

convection currents جریانهای همرفتی، جریانی که در یک آبگیر وجود دارد و اغلب حاصل اختلاف دما بین لایه‌های آب است.

conventional submarine زیر دریایی معمولی

convergence ۱) همگرایی،
۲) منطقه‌ای که در آن آبهای متعلق به نواحی مختلف به یکدیگر می‌پیوندند. گاهی به آن خط تلاقی نیز می‌گویند. آب سنگین‌تر نزدیک چنین خطی، از یک سو به زیر آب سبکتر ناحیهٔ دیگر می‌رود. خطوط تلاقی شناخته شده اقیانوسها عبارتند از: خطوط قطبی، نیمه حاره‌ای و حاره‌ای
۳) تجمع هوا در جایی که جریان عمودی بوجود می‌آید و شدت جریان هوای درون رونده بیشتر از شدت جریان هوای بیرون رونده است.

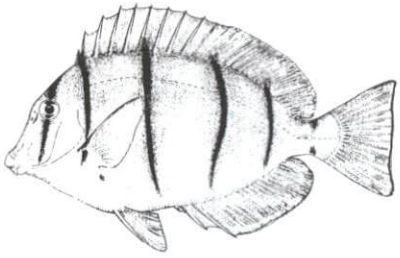
convergence zone منطقهٔ همگرای (اقیانوسها)

conversion rate میزان تبدیل (غذا)، شاخصی که مقدار کیلوگرم غذای لازم برای تولید یک کیلوگرم ماهی را بیان می‌کند.

conversion ratio نسبت تبدیل، نسبت مقدار مصرفی به مقدار افزایش وزن حاصله در آبزیان مورد پرورش

convict surgeon fish گونه‌ای جراح ماهی از خانوادهٔ Acanthuridae با نام علمی *Acanthurus triostegus* که بیشترین طول آن ۲۴ سانتیمتر است ولی، بطور معمول ۱۷ سانتیمتر طول دارد و از جلبکهای رشته‌ای چسبیده به کف تغذیه می‌کند. این ماهی از شرق آفریقا تا سواحل غربی مکزیک پراکنده است. انواع بزرگتر آن تا سواحل ناتال در آفریقای جنوبی، و نوزادان شناور آن تا بندر آلفرد وجود دارند. هیچ نوع از آن در دریای سرخ و خلیج فارس گزارش نشده است. تخم‌ریزی دسته جمعی این ماهی در تاریکی انجام می‌شود و دورهٔ آن از ۱۲ روز قبل تا دو روز بعد از بدر کامل است. تخمها شناور، کروی و به اندازهٔ ۱۸ میلی‌متر هستند. تا ۲۶ ساعت از تخم بیرون می‌آیند و بعد از ۵/۵ روز تغذیه را آغاز می‌کنند. در

آبهای ایران، در دریایی عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای گوشگیر و پرتابی در پهنه‌های صخره‌ای، بخصوص نواحی جزیره‌ای، انجام می‌شود.



Acanthurus triostegus

cooked boops ماهی گلگون تیره باله

cooked marinade ماریناد پخته،
فیله‌های شگ ماهی یا سایر ماهیها که ۷۸ تا ۹۰ درجهٔ سانتیگراد در محلول ماریناد حرارت دیده و در سس یا ژله بسته‌بندی شده است.

Cook, James (1728-1779) جیمز کوک،
کاشف، دریانورد، نقشه‌کش (طراح) انگلیسی، وی در سه سفر دریایی خود، اطلاعات با ارزشی در مورد جغرافیای اقیانوسها، بخصوص اقیانوس آرام در اختیار دانشمندان گذاشت. او در اوت ۱۷۶۸ به اقیانوس آرام رفت، و بعد از دور زدن کیپ هورن و طی کردن نیوزیلند، ساحل شرقی استرالیا و جاوه از طریق اقیانوس هند و دماغهٔ امیدنیک، در سال ۱۷۷۱ به انگلیس بازگشت. وی در این سفر دو جزیره در نیوزیلند را مستعمرهٔ انگلیس کرد، و نام نیوساوت ولز را به آنها گذاشت و آنها را نقشه‌برداری نمود. در سال ۱۷۷۲، از انگلیس به قصد تحقیق در مورد وجود قارهٔ جنوب به دریا رفت. از ساحل آفریقا و دماغهٔ امیدنیک گذر کرد و دایره قطب جنوب را دور زد، اما قاره جنوب را نیافت. سپس وی جزیرهٔ نیوهیبریدز و نیز نیوکالدونیا، جزایر بالرستون و نورفولک را کشف کرد. آخرین و سومین سفر دریایی او در سال ۱۷۷۶ به منظور کشف اقیانوس آرام شمالی و برای یافتن گذرگاهی از آمریکای شمالی به اقیانوس اطلس بود. سپس وی جزایر هاوایی را کشف کرد.

Cook Strait تنگهٔ کوک، این تنگه دو بخش اصلی جزیرهٔ نیوزیلند را از هم جدا می‌کند.

cool water fish واژه‌ای نسبتاً ضعیف که برای نشان دادن گروهی از ماهیان که بین ماهیان گرم آبی و سرد آبی قرار دارند، به کار برده می‌شود.

Copenhagen water آب سنگین

Copepoda پاروپایان،
دسته‌ای بزرگ از بندپایان که آبزیان ریز سخت‌پوست بین ۰/۵ تا ۱۰ میلی‌متر را شامل می‌شود. تعدادی از این گونه‌ها پرتوافشان بوده و در دسته‌های متراکم، نور درخشان جالبی را ایجاد می‌کنند. ناحیهٔ زندگی این جانوران لایه‌های آب سطحی، با درجه حرارت متوسط، و آبهای نیمه قطبی است. این جانوران جزو جمعیتهای پلانکتونی هستند و در زنجیرهٔ غذایی دریا اهمیت زیادی دارند.

copepodid مرحلهٔ نوزادی یک پاروپاکه بعد از آن مراحل ناپلیوس، متاناپلیوس و بلوغ قرار دارد.

Copepods پاروپایان کلیهٔ افراد زیر ردهٔ Copepoda، شامل سخت پوستان کوچک آب شیرین و یا شور که بیشترشان بصورت انگلی زندگی می‌کنند.

copper (Cu) عنصر مس، عنصر اصلی در خون بعضی سخت پوستان و سرپایان (به جای آهن در هموگلوبین). مقادیر زیاد این عنصر برای بیشتر جانداران سمی است.

coracle بلم گرد، قایق کوچک گرد که از تنهٔ درختان تراشیده می‌شود.

coral ۱) مرجان، مرجانی،
۲) تخمدان لابستر ماده، این اندام در لابستر زنده سیاه رنگ است ولی، در اثر پختن صحیح قرمز می‌شود.
۳) پوستهٔ سخت آهکی تعدادی ازمرجانها و پولیپ داران یا توده‌های سنگی شکل حاصل از این نوع جانداران. مرجانها صخره‌های وسیع و گسترده آهکی را در آبهای گرم ایجاد می‌کنند، ولی در آبهای سرد بصورت

coralline مرجانی، از جنس مرجان، شبیه مرجان، وابسته به مرجان، آهکی

coralline algae از راسته Corallinaceae جلبکهای قرمز که شکل تپه یا مرجانی دارند و رسوبات کربنات کلسیم در سطح شاخه‌های آن به عنوان یک لایه شکننده وجود دارد.

corallite اسکلت یک مرجان منفرد یا گروه مرجانها

corallivore مرجان خوار

coral reef صخرهٔ مرجانی، باریکه یا تودهٔ آهکی متشکل از مواد تخریب شده در اطراف یک شبکه اسکلتی باقیمانده از صدف نرمتنان، مرجانهای مجتمع و توده‌های بزرگ جلبک آهکی. مرجان ممکن است بیش از نصف کل این گونه صخره‌ها را بگیرد.

«انواع صخره‌های (جزایر) مرجانی»

ویژگی محل	نوع		
	حاشیه‌ای فلات قاره	مانعی (سدی) ناحیهٔ کم‌عمق اقیانوس	آتول پشته اقیانوسی
شکل	دیواره طویل موازی	دیوارهای موازی	حلقوی حوضچه‌ای
شیوهٔ رشد صخره یا جزیره	بطرف لبهٔ فلات قاره	در قسمتهای مسطح سریع که با عمل امواج جابجا می‌شود	رشد تدریجی و خروج از آب برای تشکیل جزیره
نمونه	فلوریداکیز	گریت باریر	بیکینی

Coral Sea دریای کورال،

این دریا در گوشهٔ شمال غربی اقیانوس آرام جنوبی و در کنار ساحل شرقی استرالیا قرار دارد. آب این دریا با دریای سالومون در شمال و دریای تاسمانی در جنوب مخلوط می‌شود. ارتباط آن با اقیانوس هند از طریق تنگهٔ تورس است. ویژگیهای آن عبارتند از :

مساحت: ۴۷۹۱۰۰۰ کیلومتر مربع

حجم: ۱۱۴۷۰۰۰۰ کیلومتر مکعب

منفرد هستند.

۴) صخره‌های بزرگ تشکیل شده در آبهای سرد توسط جلبک آهکی *(Lithothamnion)*

«جدول راسته‌های ردهٔ آنتوزوآ»

راسته	نام جنس	نام رایج
سینوتکالیا	*Helicopora*	مرجان آبی
آلسیوناسئا	*Alcyoncean*	مرجان نرم
گورگوناسئا	*Gorgonian*	بادبزن دریا
روگوسا	*Petraria*	مرجان مرکب
اسکلراکتینیا	*Fungia*	مرجان سنگی
تابولاتا	*Astrangia* *Favossitea*	یاحقیقی مرجان شش گوش یا شاخه عسلی

coral island جزیرهٔ مرجانی

coral knoll = reef patch

رویشهای مرجانهای پشت سدی، اصطلاحی برای تمام انواع رویشهای مرجانی که در مردابهای پشت سدها و آتلها بطور مستقل اتفاق می‌افتد. این گونه رویشها ابعاد مختلفی دارند و از چند کیلومتر گرفته تا به صورت هرمها یا حتی انواع رویشهای قارچی شکل که فقط یک کلنی بزرگ است، دیده می‌شوند. نمایندگان کوچکتر را به همین نام یا سدهای مرجانی می‌نامند.

Corallimorpharia کورالیمورفاریا از راستهٔ شقایقهای دریایی (sea annemon) در زیر گروه Zoantharia. به واسطهٔ سیستم ماهیچه‌ای ضعیف، شاخکهای حساس شبیه مرجانها بوده و جزو نماتوسیتهای پیچیده می‌باشند. فاقد اسکلت هستندو شاخکها در یک ردیف شعاعی روی صفحه قرار دارند. در صورتی که سیستم ماهیچه‌ای ندارند. در آبهای کم عمق استوایی تا حاره‌ای یافت شده و اکثریت گونه‌ها تولید مثل غیر جنسی دارند. نمونه‌های آن *Corirallimorphase* و *Corynactis* هستند.

Coriolis Effect اثر نیروی کوریولیس

Coriolis Force نیروی کوریولیس، نیروی قدرتمند حاصل از چرخش زمین که بر روی توده‌های هوا و آب جاری اثر می‌گذارد. وجود این نیرو باعث می‌شود که هوا با آب جاری به سمت راست (شرق) در نیمکرهٔ شمالی، و به سمت چپ (غرب) در نیمکرهٔ جنوبی منحرف گردد. نیروی مزبور متناسب با سرعت و دامنهٔ حرکت تودهٔ آب یا هوا متحرک بوده و چون زمین می‌چرخد، باعث تغییر شتاب آنها می‌گردد.

corium لایهٔ زیرین پوست ماهی

cork line, to چوب پنبه گذاشتن

cormorant قره‌غاز (کورمورانت) با نام علمی *Phala crocorax* پرندهٔ آبزی اردک مانند از راستهٔ پلیکانها، پرندگانی با گردن دراز، منقار باریک و طول ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر که شنا و پرواز می‌کنند. این پرندگان از ماهیها، سخت پوستان و نرمتنان تغذیه می‌کنند.

cornet fish ماهی آلاش با نام علمی ***Fistularia petimba***

corn,to شور کردن رقیق ماهی در نمک یا شورآب به مدت ۱۲ تا ۴۸ ساعت

Corona Australis صورت فلکی افسر، اکلیل جنوبی

Corona Borealis صورت فلکی فکه، کاسه یتیمان، اکلیل شمالی

corrosion فرسایش، سایش، سایش مکانیکی ایجاد شده توسط عوامل متحرک مانند آب، یخ قطبی و باد

corvette تندناوجنگی که کوچکتر از ناوشکن است.

***Coryphaena equiselis* = pompano dolphin** گالیت سرحلوائی

Coryphaenidae خانوادهٔ دلفین ماهیان یا گالیتها یا ماهی ماهی

Coryphaena hippurus دلفین، دخ، ماهی یونس، گالیت معمولی، ماهی ماهی

cosmic rays پرتوهای کیهانی،

عمق متوسط: ۲۳۹۴ متر می‌باشد.

این دریا، به جز ساحل شرقی استرالیا، در طول ساحل جنوبی گینهٔ جدید، فلات قارهٔ بسیار محدودی دارد. آب کم عمق آن، وجود سه تا از بزرگترین صخره‌های مرجانی در این دریا را توجیه می‌کند. نام این دریا مدیون وجود این صخره‌هاست. بزرگترین آنها Great Barrier Reef است. در این صخره‌ها جمعیت گیاهی و جانوری فراوانی زندگی می‌کنند. حوضه دریای کورال عمیق بوده و در بستر آن ترانشه‌های عظیم، حوضه و پشته‌های متعددی وجود دارند. چرخشهای سطحی آب آن توسط جریان شرقی استرالیا محدود شده است و آب آن بوسیلهٔ اقیانوس آرام از طریق جزایر سالومون و نیوهیبرید تأمین می‌شود. بستر این دریا از خاک رس قرمز و لجن است ،ولی فلات قارهٔ کم عمق آن ازبقایای کربناته صخره‌ها پوشیده شده است.

coral zone ناحیه‌ای از اعماق دریا که مرجانها در آن رشد می‌کنند.

corange line خط جزر و مد یکسان، خط کشند همگون

corbie steps پلکان کشتی

cord طناب

cordage طنابهای کشتی

core ۱) یک لایه از مواد غیر قابل نفوذ که در وسط دیوارهٔ سد استخر و یا دیوارهٔ انتهایی که خروجی در آن قرار دارد، گذاشته می‌شود.

۲) گمانه رسوبی، مغزه

corer مغزه‌گیر، وسیلهٔ گمانه‌زنی دراقیانوس

core trench شیاری که برای جاگذاری لایهٔ غیرقابل نفوذ [در "core"] در زمین ایجاد می‌شود، ترانشه صخره‌ای

corf = cauf سبد ماهیگیری

Coriolis acceleration بررسی چگونگی حرکت اشیاء در یک سیستم چرخان، شتاب یا سرعت کوریولیس

پرتوهایی که مبنای اصلی تولیدش در خارج از اتمسفر زمین قرار دارد. این پرتوها می‌توانند ضمن عبور از میان هوا یا دیگر مواد، پدیدهٔ یونیزه کردن را بوجود آورده و تا چند متری درون صخره‌ها، نیز نفوذ می‌نمایند. پرتوهای کیهانی اولیه احتمالاً حاوی هستهٔ اتمی، بویژه پروتونها بوده‌اند. وقتی که پرتوهای کیهانی اولیه با هستهٔ اتم و الکترونها برخورد می‌کنند، پرتوهای کیهانی ثانویه تولید می‌گردد. برای مثال، در جو زمین، این قبیل پرتوها حاوی مزونها، پروتونها، الکترونها و فرمولهایی هستند که دارای انرژی کمتری نسبت به پرتوهای اولیه می‌باشند. تمام پرتوهای کیهانی اولیه در عمل، توسط اتمسفر فوقانی جذب گردیده و تقریباً تمام پرتوهای مشاهده شده در سطح زمین از نوع پرتوهای ثانویه هستند.

cosmine مادهٔ سخت و براق دندان مانند در فلس بعضی از ماهیها

cosmogeny کیهان‌زایی

cosmoid scale فلس گانوئید، فلس براق، نوعی فلس در ماهیان ابتدایی

cosmology کیهان شناسی

cosmopolitan پراکنش جهانی یک گونه ، جهانی

cosmopolite جهانی، جهان مشمول دارای گسترش جهانی

cost and freight = C and F قیمت + کرایه حمل

cost , insurance and freight = CIF قیمت + بیمه و حمل

co-tidal line خط هم کشندی

counter قسمت عقب کشتی که بالاتر از سطح آب قرار می‌گیرد.

counter current جریان عکس، جریان مخالف

course مسیر کشتی، جهت

course of river جریان آب، جهت جریان آب، حوضهٔ یک رودخانه

courses بادبانهای مربع شکل پایینی قایق یا کشتی

courtesy flag پرچم احترام

Cousteau, Jacques Yves (1910 -) ناوبر، غواص و کاشف دریایی فرانسوی که افتخار جایزهٔ بین‌المللی را به مناسبت تهیهٔ فیلم های مستند و کتابهایی در زمینهٔ اقیانوسها، حیات جانوری و فعالیتهای انسانی در بالا و زیر دریا را کسب نمود. وی دستیار اختراع aqulaung (وسیله‌ای برای تهیهٔ عکس رنگی از زیر دریا)، پیشگام استفاده ازتلویزیون در زیر دریا و از اولین کسانی بود که عملی کردن غواصی را نشان داد. وی در زمینهٔ محدود کردن عوامل آلودگی اقیانوس فعالیت زیادی انجام می‌دهد.

cove خلیج کوچک، فرورفتگی آب در خشکی، مدخل کوچکی از دریا، خور محفوظ کوچک

cow fish گونه‌ای گاو ماهی یا وال کوچک از خانوادهٔ Mesopledonidae

cowrie شکمپایان زیبای دریایی از آبهای گرم اقیانوس آرام شرقی که صدف آنها جنبهٔ تزیینی و تجاری دارد.

coxed single قایق دو نفره‌ای که که یک سکاندار و یک پارو زن دارد.

coxswain سکان قایق

crab ۱) نام عمومی عده‌ای از سخت پوستان از راستهٔ ده پایان Decapoda که شامل خرچنگ دریایی، خرچنگ منزوی و خرچنگ حقیقی و میگو است. این گروه اعضای Anomura و Brachyura هستند. مشهورترین آنها شاه خرچنگ و خرچنگ منزوی است. بیشتر خرچنگها همه چیزخوار، عدهٔ کمی گیاهخوار، و بعضی گوشتخوار هستند. دشمن طبیعی آنها هشت‌پا و ماهیان گوناگون و بزرگ است. بعضی از آنها کاملاً دریایی و بعضی بصورت دوزیست هستند که دستهٔ اخیر برای تخمگذاری به دریا می‌روند و نوزاد آنها در اولین مرحله، شناگر آزاد است. پوستهٔ سخت یا

اسکلت خارجی دارند و پوست‌اندازی می‌کنند تا بتوانند رشد نمایند. پوشش آنها کیتینی است و در طول حیات چند بار پوست‌اندازی می‌کنند. اگر در طول زندگی یک یا چند پای خود را از دست دهند می‌توانند مجدداً آنها را ترمیم نمایند.

۲) خرچنگ پهن (گرد) از خانواده Cancridae

crab boat قایق خرچنگی، قایق صید خرچنگ

crab dredge لاروب یا چنگک صید خرچنگ

crab eater seal فک خرچنگ خوار قطب جنوب که در واقع از krill تغذیه می‌نماید.

Crab Nebula سحابی خرچنگ

crab pot تلهٔ صید خرچنگ، متا

cradle زین قایق، جایی که قایق را روی آن می‌گذارند.

craft کشتی، قایق، کرجی

craft liftnet تور جمع‌کن، یک تور جمع‌کن کم عمق همراه با چهار چوب که بوسیلهٔ طنابهائی در کف فرو می‌رود و به یکباره به طرف سطح کشیده می‌شود.

cramp fish سفره ماهی برقی

cran کران، مقیاسی برای شگ ماهی ، معادل ۳/۵ فوت مکعب و تقریباً ۳۷/۵ گالن امپریال

cranial جمجمه‌ای، مغزی

cranium جمجمه، مغز

crater lake دریاچهٔ آب شیرینی که با جمع شدن آب باران در دهانهٔ گود یک آتشفشان بوجود می‌آید.

crawfish = Crayfish = crawdad ده‌پای دراز آب شیرین، خرچنگ آب شیرین، ماهی خزنده، نوعی سخت پوست ده پا شبیه شاه میگو ولی کوچکتر از آن، انواع آمریکایی آن در جنس *Cambarus* و *Pacifastacus* و انواع اروپایی در جنس *Astacus* قرار دارند. در مرداب انزلی فراوان است. در گیلان به آن پابوزگیر گویند.

crawl شنای سینه، شنای کرال، خزیدن

crayfish culture پرورش ده‌پای دراز آب شیرین

crayfish pot تلهٔ صید ده‌پای دراز آب شیرین

creal census اجتماع ماهیگیران برای جمع‌بندی اطلاعاتشان در مورد صید و زمانی که صرف ماهیگیری شده است .

creatine کراتین، نوعی اسیدآمینهٔ آزاد، ترکیبی از گوآنیدین که در عضلهٔ بسیاری از گونه‌های ماهیان وجود دارد.

creatinine کراتی نین، ترکیب حاصله از کراتین که اغلب بصورت مرتبط با آن ، بویژه در موادی که با حرارت عمل آوری شده‌اند، یافت می‌شود.

creball , jack = *Caranx hippos* ماهی گیش

creek جویبار، نهر کوچک،

creel وسیلهٔ صید، سبدهای ماهیگیری و میگو گیری

Crenidens crenidens ماهی سیم دندان‌دار، کر بتام، شئوم

crest فراز، قلهٔ موج، ستیغ

crest of wave ستیغ موج، بالاترین قسمت موج، قسمتی از موج که بالاتر از سطح آب آرام است.

Cretaceous = Cretaceous Period دورهٔ کرتاسه از عهد دوم زمین شناسی که ۱۳۶ میلیون سال پیش آغاز شد و ۶۶ میلیون سال پیش خاتمه یافت.

Crete Sea دریای کرت، شاخه جنوبی دریای اژه

crew افراد یا خدمهٔ کشتی

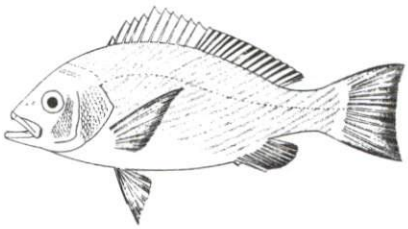
crew boat کشتی نفربر

crews nest برجک دیده‌بانی

crib سد دهانهٔ بندر که از صخره و چوب ساخته می‌شود.

crimson snapper ماهی سرخوی دم سیاه، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Lutjanus erythropterus* که طول آن ۴۵ تا ۶۰ سانتی

متر است. از بی‌مهرگان کف زی و ماهیان تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، شمال حدود عرض ۲۲ درجه جنوبی و احتمالاً در خلیج فارس و در اقیانوس هند شرقی و غرب آرام مرکزی وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی کم عمق تا ۶۰ متری می‌باشد. از آبهای ایران در دریای عمان گزارش شده است . صید آن با قلاب دستی و تور کششی کفی انجام می‌شود.



Lutjanus erythropterus

Crinoid = Crinoidae سوسن دریائی، ستاره پرمانند، یکی از دسته‌های خارپوستان با تقارن شعاعی که در حالت بلوغ شبیه گل است. ممکن است آزاد یا چسبیده باشد.

crinotoxin مادهٔ سمی که بوسیلهٔ برخی آبزیان ترشح می‌شود و روی سطح بدن آنها قرار می‌گیرد.

critical depth عمقی که در آن میزان فتوسنتز و اکسیژن حاصله، معادل اکسیژن مورد نیاز برای آبزیان آن منطقه می‌باشد. بنابراین ،در این منطقه میزان تولید اکسیژن و میزان مصرف آن مساوی می‌باشد.

croakers, drums = Scianidae خانوادهٔ شوریده ماهیان

crocodile flathead ماهی کد (چابهار)، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ ماهیان زمین کن، با نام علمی *Cociella crocodila* که طول آن ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر است . از شمال دوربان در طول ساحلی آفریقا، در سراسر دریای سرخ و در طول سواحل پاکستان تا هند و سریلانکا و آبهای تایلند، ژاپن و استرالیا وجود دارد. گونه‌ای کف‌زی است که در روی بسترهای شنی یا گلی از نزدیک ساحل تا عمق حدود ۱۰۰ متری در فلات قاره یافت می‌شود. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تور کششی کفی انجام می‌شود.



ماهی کُد *Cociella crocodila*

Cromwell Current جریان کرام ول، جریان زیر سطحی استوایی (در حدود ۱/۵ درجه عرض شمالی و جنوب خط استوا، ۱۵۰ درجه عرض شرقی تا ۹۲ درجه عرض غربی) رو به شرق گسترده شده است . این جریان ۳۰۰ کیلومتر عرض و ۰/۲ کیلومتر ضخامت دارد و سرعتش در ناحیهٔ مرکزی حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر در ثانیه است . (۳/۶ تا ۴/۴ کیلومتر در ساعت)

cronian اقیانوس شمالی

crop محصول

cross-breeding دو رگه گیری، دورگه سازی

cross contamination آلوده شدن یک محصول با محصول دیگر

crossing over = cross over تبادل قطعات کرموزومی یا همتا

Crossopterygii زیر دسته‌ای قدیمی از ماهیان استخوانی که احتمالاً اجداد دوزیستان بوده‌اند. جنس *Coelacanth* تنها بازماندهٔ این گروه است .

crown of thorns ستاره دریایی تاج خاری

crow's nest سکوی دیده‌بانی بالای دکل کشتی، آشیانهٔ دیده‌بانی کشتی

crucian carp = *Carassius carassius* ماهی حوض

crude protein content میزان پروتئین خام، مقدار مواد ازتهٔ موجود در گوشت، که به روش کجدال محاسبه می‌شود ضرب در عدد ۶/۲۵.

cruise سفر دریایی، گشت دریایی

cruise ship کشتی تفریحی

cruiser رزم ناو، کشتی تندرو رزمی

crumble خرده مواد غذایی

crust پوستهٔ بیرونی زمین، جنس و ضخامت پوسته متفاوت است. جنس و ضخامت آن حدود ۳۰ کیلومتر است. در قاره‌ها، جنس پوستهٔ گرانیتی ولی جنس آن در اقیانوسها بیشتر بازالتی و ضخامت آن تا ۱۰ کیلومتر است.

Crustacea = Crustacean دستهٔ سخت پوستان از شاخهٔ بندپایان که میگوها، خرچنگها، لابسترها، دهپای آب شیرین، بارناکلها و بسیاری از انواع زئوپلانکتونهای جانوری را شامل می‌شود. این دسته ۲۵۰۰۰ گونه دارد که در انواع زیستگاههای دریایی و آب شیرین زندگی می‌کنند.

crustaceous دارای پوست سخت و شکننده

Crux صورت فلکی چلیپا

cryogenic lake دریاچه‌ای که در زمینهای همیشه یخی، از آب شدن سطحی یخها بوجود می‌آید.

cryophillum سرمادوست، زندگی سردسیری

cryophilous سرمادوست، سردسیری

cryoplankton پلانکتونهائی که در آبهای سرد زندگی می‌کنند.

cryptozoic زندگی در محلهای پنهان مانند شیار سنگها وزیر سنگها

crystal salt No.1 نمک بلوری شماره ۱، نمک تبخیری مرطوب، مرکب از دانه‌هایی با اندازهٔ تا ۳ میلی متر وبطور متوسط یک میلی متر، که برای شور کردن خشک صدفهای خوراکی و شور کردن تر ماهی، قبل از دودی کردن به‌کار می‌رود.

crystal salt No2 نمک بلوری شماره ۲، نمک تبخیری مرطوب، مرکب از دانه‌هایی با اندازهٔ تا ۴ میلی‌متر و بطور متوسط ۱/۵ میلی متر که برای عمل آوری ماهی سفید، شور کردن خشک صدف خوراکی و آزاد ماهی و شورکردن تر ماهی قبل از دودی کردن به‌کار می‌رود.

crystal salt No.3 نمک بلوری شماره ۳، نمک تبخیری مرطوب مرکب از دانه‌هایی با اندازه تا ۵ میلی متر و بطور متوسط ۲ میلی متر که برای عمل آوری ماهی سفید و هرینگ به‌کار می‌رود.

Ctenidia آبشش نرم‌تنان که بصورت جفت، تکی و یا چسبیده بهم دیده می‌شود و کار تنفس، رقم‌بندی غذا، آگاه سازی نرم‌تن از شرایط زیست محیطی و راندن غذای انتخاب شده و بطرف دهان و غذای وازده به حفره مانتو را بعهده دارد.

ctenoid scale فلس شانه‌ای، فلس خاردار، فلس دندانه‌دار

Ctenopharyngodon idella = grass carp ماهی کپور علفخوار، ماهی آمور سفید

Ctenophora شاخه‌ای از پلانکتونهای دریایی که در آبهای سطحی یا عمقی زندگی می‌کنند. این پلانکتونها بزرگ، مهاجم و گوشتخوار هستند. بازوهای آنها یاخته‌های چسبنده دارند و با آنها غذای خود را کسب می‌کنند.

Cubozoa دسته‌ای از کنیداریاها که هنگام بلوغ بدنی مکعبی شکل دارند. این موجودات بسیار سمی هستند.

culch = cultch بستر سنگی، صدفی، گیاهی و سیمانی که صدفچه‌ها روی آنها می‌نشینند.

cull, to رقم بندی، جداکردن ماهیان بر حسب گونه، کیفیت، اندازه یا وزن. این عمل منظور جداکردن نمونه‌های نامرغوب انجام می‌گیرد. به استانداردهایی گفته می‌شود که ماهی طبق آنها رقم‌بندی می‌شود.

cullage درجهٔ کیفی ماهیان دست چین شده، از یک تودهٔ معین، بطور خاص درجه‌ای که زیر استاندارد است.

culling بازرسی، انتخاب و برداشتن یا

پس‌زدن مواد با کیفیت کم

culling crib غربال و رقم‌بندی، رقم‌بندی، جعبه‌ای که ماهی شور هنگام بسته بندی جهت حمل و نقل، در آن رقم بندی می‌شود.

cultivated fishes ماهیان پرورشی

cultivated stock ذخیرهٔ ماهیان پرورشی

cultivation, extensive پرورش غیر متراکم، پرورش بر مبنای ظرفیت تولید طبیعی آبگیر (بدون غذای دستی)

cultivation of dried out ponds استفادهٔ (کشاورزی) از استخرهائی که خشکانیده شده‌اند. منظور از این کار توسعهٔ تولید آنها، و ایجاد محصول اضافی است .

cultural eutrophication تسریع پدیدهٔ طبیعی پیرشدن یا بلوغ یا افزایش مواد غذایی در یک دریاچه به صورتی که حاصل فعالیتها یا کمکهای بشری باشد.

cultured fisheries تولید و صید بر پایهٔ تکثیر و پرورش آبزیان منابع آبی محدود ، مناطق محدود شده وغیره

cultured pearl مروارید پرورشی، مرواریدی که از طریق تحریک مصنوعی صدف (هسته گذاری مصنوعی) بدست می‌آید.

culture,intensive پرورش متراکم، پرورش با بکار بردن کود و غذای دستی

culture medium محیط کشت آزمایشگاهی (میکروبها)

cumulonimbus کومولونیمبوس، ابر بارانزای تیره رنگ که حجمی بزرگ دارد. ارتفاع آن تا ۲۰۰۰ متری از سطح زمین است.

cumulus کومولوس، ابر کوتاه که ضخامت زیاد و پایه‌ای افقی در پایین دارد و تا ارتفاع ۲۰۰۰ متری از سطح زمین است.

cup coral مرجان فنجانی،نوعی مرجان منفرد

curd ۱) مادهٔ کرم مانند بدنمایی روی کنسرو ماهی را می‌پوشاند که از پروتئین بسته نشده حاصل از نگهداری نامناسب ماهی، قبل از عمل آوری، آزاد می‌شود و روی کنسرو ماهی را می‌پوشاند، ایجاد می‌گردد. برای جلوگیری از آزاد شدن این مواد قبل از نگهداری، می‌توان ماهی را در آب شور و یا محلول اسید تارتاریک فرو برد و یا به ماهی آنزیمهای تجزیه کنندهٔ پروتئین اضافه نمود.

۲) لعاب ضخیمی که روی ماهی فاسد شده را می‌پوشاند.

cure, to عمل آوری، نگهداری ماهی بوسیلهٔ شور کردن، خشک کردن، دودی کردن، ماریناد کردن، تخمیر کردن یا ترکیبی از این روشها شامل آبگیری و خشک کردن در سرما (خلاء نمی‌شود). بصورت اسمی، به هر گونه روش نگهداری ماهی گفته می‌شود. همچنین به محصولی گفته می‌شود که بوسیلهٔ هریک از روشهای ویژه تهیه می‌گردد.

cure in the round, to = salt round, to شور کردن ماهی درسته

curi دریای مواج، موج

Curie کیوری، واحد اندازه‌گیری رادیواکتیویته، یک کیوری مقدار ایزوتوپ رادیواکتیوی است که تعداد ۳/۷ × ۱۰ تجزیه بر ثانیه صورت دهد.

Curie point نقطه کیوری، درجه حرارتی که بالاتر از آن، جسم دارای خاصیت فرومغناطیسی تبدیل به جسم دارای خاصیت پارامغناطیسی می‌گردد. نقطهٔ کیوری بر اساس نوع مادهٔ رادیواکتیو تغییر می‌کند.

curing puncheon چان عمل آوری، چان مورد استفاده در عمل آوری

current جریان، حرکت آب، بخشی از هر آبگیر که در یک جهت مشخص حرکت می‌کند و بطور کلی، چرخش یا استفادهٔ پیش رونده، سرعت آب هنگام عبور از یک نقطه، مستقل از حجم آن

current base بیشترین عمق آب جاری ، پایین تر از آن رسوبات جابجا نمی‌شوند.

current, coastal جریان حاشیه‌ای

current curve منحنی جریان، نمایش گرافیکی تغییرات سرعت آب در یک جریان جزر و مد. برای رسم تغییرات سرعت جریان متناوب جزر و مد در محور مشخصات، سرعت آب در حالت جهش مثبت، و در حالت فرود منفی در نظر گرفته می‌شود و منحنی که بدین ترتیب حاصل می‌شود تقریباً بصورت سینوسی می‌باشد.

current diagram نمودار جریان نمایش گرافیکی سرعت جهش و فرود و زمان سکون و حداکثر جهش در طول معینی ازیک معبر جزرومد. زمان مربوط به جریان و مراحل جزر و مد بر حسب ایستگاه مبدأ تطبیق داده شده است.

current difference اختلاف جریان، اختلاف زمانی که بین مرحلهٔ سکون آب یا حداکثر سرعت آن در یک نقطه و همان مرحله در ایستگاه مبدأ وجود دارد و می‌توان آن را از روی جداول پیش بینی کرد.

current drift جریان آرام

current, ebb جریان جزر و مدی در یک نهر

current, eddy جریان گردابی

current, flood جریان سیلابی

current, inshore جریان کرانه نزدیک

current, littoral جریان ساحلی

current, longshore جریان موازی ساحل

current mark نشان جریان، علامتی که در اثر فرسایش امواج در پهنه‌های جزر و مدی ایجاد می‌شود.

current meter جریان سنج، سرعت سنج

current, nearshore جریان نزدیک به ساحل

current, offshore جریان دور از ساحل

current, periodic جریان دوره‌ای، جریان جزر و مدی (کشندی)

current, permanent جریان دائمی

current ripple سطوح ناهموار موجی بستر ماسه‌ای که در اثر حرکت پیوسته آب در یک جهت ایجاد می‌شود.

current rips جریان بازگشتی، موجهای کوچکی در سطح دریا، که از برخورد دو جریان آب مخالف بوجود می‌آیند.

currents جریانهای اقیانوسی، حرکت آب اقیانوسها که با نظم خاصی انجام می‌شود. این حرکت می تواند طبیعت دوره‌ای داشته باشد یا بعنوان یک چشمه یا جریان پیوسته‌ای که الگوی خاصی دارد، عمل نماید.

سه جریان عمدهٔ اقیانوسی وجود دارد:

۱) جریانهای حاصل از تفاوت چگالی آب دریا یا جریانهای درجه‌ای (گرادیان)

۲) جریانهای حاصل از نیروی باد که در اثر نیروی رانش باد روی سطح دریا تولید می‌شود.

۳) جریانهای حاصل از حرکت امواج بلند حاصل از نوسانهای جزرومدی و امواج داخلی. مهمترین جریانهای دریایی، جریانهای سطحی است که حوضه‌های اقیانوسی را در دوطرف استوا می‌چرخاند. این جریانها در استوا و عرضهای جغرافیایی پایین گرما را جذب می‌کنند و در عرضهای جغرافیایی بالا گرمای جذب شده را آزاد می‌سازند.

current, stream جریان تند و ژرف اقیانوسی، مانند گلف استریم

current table جدول جریان، جدولی که می توان از آن برای پیش‌بینی زمان و سرعت جریانهای جزر و مدی استفاده کرد. این جدول معمولاً همراه با اختلاف جریان و ضرایبی است که از روی آنها می‌توان پیش‌بینی‌های لازم برای سایر نقاط را به عمل آورد.

current, tidal جریان جزر و مدی، کشندی

cusk ماهی کاسک

cusp زنجیره‌ای از تپه‌های ساحلی منظم که با شیارهای هلالی شکل از هم جدا شده‌اند.

cuspate bar بازوی هلالی ساحلی، بازوی هلالی شکل متصل به ساحل در هر انتها، از پیشروی دماغه‌ای کوچک در ساحلی که پس روی دوباره داشته درست می‌شود. گاهی دو دماغه کوچک که از ساحل گسترش می‌یابند، بهم پیوسته و حالت فوق را ایجاد می‌نمایند.

cuspate foreland پیشانی هلالی بازوی ساحلی، طرف هلالی شکل بزرگ شنی مربوط به ساحل

cuspate sandkey جزیرهٔ هلالی شکل شنی

cuspate spit زبانه هلالی، طرف هلالی، شکل خط ساحلی که بر روی دو طرف بعضی از مردابها قرار دارد.

custumes گمرک

cutaneous پوستی، جلدی

cut herring برش شگ ماهی، محصول شگ ماهی بسته‌بندی شده در شورآب که سر و بیشتر احشاء آن جدا شده است.

cutlass fish ماهی ظریف، باریک و بلند دریایی، ماهی دم مویی

cutlet, fish کتلت ماهی، مراجعه شود به block fillet

cut off ۱) قاطع، کانال مصنوعی یاطبیعی جدیدی که خم رودخانه را قطع کند.

۲) دریاچه‌ای که در اثر قطع خم یک رودخانه تشکیل می‌شود.

cutspiced herring شگ ماهی بریده شدهٔ ادویه زده، برشهای ماهی هرینگ بطول ۲/۵ تا ۵ سانتیمتر نگهداری شده در نمک و سرکه و بسته‌بندی شده با ادویه کاملاً مخلوط شده

cut surface سطح بریده شده، قسمتی از بدن که پس از بریدن سر، گوشت آن ظاهر می‌شود. همچنین، سطح بریده شده هنگام فیله کردن یا تکه تکه کردن

cutter موجهای کوچکی در سطح دریا که از برخورد و جریان آب مخالف بوجود می‌آیند.

cutter boat کشتی بادبانی یک دکله

cutterhead dredge لایروب برانسر

cut - throat گلوبر، فردی از جاشویان ماهی‌بُر که گلوی ماهیها را می‌برد. این اولین کار در عمل نصفه کردن است.

cutthroat trout قزل آلای کلارکی با نام علمی ***Salmo clarkii***

cuttle fish ماهی مرکب، سپیا، گروهی از سرپایان متعلق به شاخهٔ نرمتنان از جنس *Sepia* این جانوران صدف سخت داخلی، ۸ بازو، دو شاخک بلند، و باله‌های موج جانبی دارند. این موجودات که در خانوادهٔ Sepioidea قرار دارند، گوشتخوار هستند و از ماهیهای کوچک و میگو تغذیه می‌نمایند. سرعت شنای خود را با تغییر چگالی پوشش بدن تنظیم می‌کنند. از صدف داخلی آنها بصورت آرد برای تغذیهٔ پرندگان خانگی، و یا برای تولید واکس وخمیر دندان استفاده می‌شود. کیسهٔ مرکب این جانور منبعی از رنگدانه طبیعی ملانین است که مصارف زیادی دارد.



ماهی مرکب *Sepia*

cut water دماغه کشتی

cuv-val مومغ، حشینه (ساردین) با نام علمی *Sardinella fimbriate*

Cyanelle نوعی جلبک آبی - سبز که بصورت همزیستی زندگی می‌کنند.

Cyanophyceae = Cyanophyta جلبکهای سبز - آبی، سیانوفیتها، سیانوباکتریا

cyanophycin سیانوفیسین، مادهٔ غذایی پروتئینی ذخیره‌ای در جلبکهای سبز-آبی

Cyanophytes سیانوفیتها، جلبکهای سبز - آبی، سیانوباکتریا، گروه قدیمی موجودات که بیش از سه میلیارد سال زیسته‌اند. ساختمان سلولی آنها ساده‌تر از ساختمان سلولی جلبکهاست. هستهٔ مشخص، کلروپلاست، میتوکندری، دستگاه گلژی و شبکهٔ آندوپلاسمی در یاخته‌های آنها وجود ندارد. هیچ سیانوفیت تاژکداری تاکنون گزارش نشده است.
رنگدانه فتوسنتزی سیانوفیتها در کیسه‌های تیلاکوئید قرار دارند و فیکو بیلیزوم نامیده می‌شوند. سیانوفیتها به دو دستهٔ عمدهٔ رشته‌ایها و بدون رشته‌ها تقسیم می‌شوند که در گروه نخست بعضی گونه‌ها یاخته‌های ویژه، مانند، هتروسیست و آکینت، دارند، و بعضی فاقد این سلولها هستند. سیانوفیتها به دلیل توان فتوسنتزی که دارند، نقش اصلی در اکولوژی دریا دارند. بعضی از آنها سمی هستند.

cyanosis آبی شدن پوست بدن در اثر کمبود اکسیژن

Cybium guttatum ماهی شیر، قباد (قبات)

cyclogenesis ایجاد سیکلون ها در جو

cycloidal wave موج چرخدیس، موج متقارن و چرخدیسی با شیب تند در سر آن زاویه ۱۲۰ درجه تشکیل می‌دهد.

cycloid scale فلس دایره‌ای، مدور، نوعی فلس در ماهیان استخوانی که بدون خار یا شانه است، به فلسهای ماهیان نوع نرم باله که دارای حاشیهٔ نرم هستند اطلاق می‌شود.

cyclone گردباد، سیکلون، جهت چرخش هوا که در نیمکرهٔ شمالی در خلاف جهت عقربهٔ ساعت و یا خلاف جهت حرکت خورشید است.

cyclonic گردبادی، چرخه‌ای

Cyclostome انواع لامپری‌ها و هگ فیش‌ها، مارماهی دهان گرد



لامپری دریایی (*Petromyzon marinus*)

Cygnus صورت فلکی ماکیان، دجاجه

Cynoglossidae = tongus sole خانوادهٔ کفشک ماهیان زبان گاوی

Cynoglossus abbreriatus کفشک زبان گاوی سه خط

Cynoglossus bilineatus کفشک زبان گاوی چهارخط

Cynoglossus puncticeps کفشک زبان گاوی

Cyprinid هر نوع ماهی از خانوادهٔ کپور ماهیان (Cyprinidae) شامل کپور معمولی، علفخوار، فیتوفاگ، ماهی سفید و غیره

Cyprinodontidae بالغ بر ۲۷۰ گونه از ماهیهای نسبتاً کوچک رودخانه‌ای که در آبهای شیرین و ساحلی آمریکای جنوبی، آمریکای شمالی، کانادا اروپا ـ آسیا، آفریقا و ماداگاسکار زندگی می‌کنند. برخی از آنها بسیار زیبا و آکوآریومی هستند.

Cyprinus carpio ماهی کپور معمولی

cypris larvae لارو آزاد شناور بعضی

Cyprinus carpio ماهی کپور معمولی

cypris larvae لارو آزاد شناور بعضی از سخت پوستان، مانند: بارناکل

cystine سیس‌تین، یکی از سه نوع اسیدآمینهٔ گوگرد دار که در ماهی یافت می‌شود ولی برای مصرف انسان ضروری نیست.

cystocarp ساختاری در جلبکهای قرمز حاوی کارپوسپورهای دیپلوئید

cytopharynx مجرایی که سطح بعضی از پروتوزوآ را به پروتوپلاسم آنها وصل می‌کند.

cytopyge مجرا یا محل ثابتی در بدن پروتوزوآ که برای دفع استفاده می‌شود.

D

dalmatian pelican مرغ سقا، پلیکان خاکستری



مرغ سقا، پلیکان خاکستری

dam سد، آب بند،
هرگونه سد برای جلوگیری از عبور آب، آب محصور شده توسط یک سد، برگرداندن آب بوسیلهٔ یک سد

dam board تخته یا تخته‌هایی که برای کنترل عمق آب در خروجی گذاشته می‌شود.

dam pond استخری که از طریق سد کردن آب جاری درست می‌شود.

dammed pond استخر خاک ریزدار

damp fish ماهی مرطوب، ماهی شور و خشک کرده که رطوبت باز جذب شده، سطح آنرا آبدار کرده است.

D = Delta دلتا و به معنی
«من به سختی مانور می‌کنم، از من فاصله بگیرید»

dabchick قایق بادبانی جدید مسابقه‌ای

dacca دکا، سیستم الکترونیک دریانوردی که هذلولی موقعیت بوسیلهٔ اندازه‌گیری اختلاف فاز امواج ممتد هماهنگ بدست می‌آید.

dace ماهی ریز، ماهی ریزقنات،
گونه‌ای ماهی با نام علمی *Leuciscus leuciscus* از خانوادهٔ کپور ماهیان (Cyprinidae)

dag پاشیدن آب موج به ساحل

daggle اثر موج در ساحل

dail قطب نمای دریایی

dairy salt نمک تبخیری خشک،
نمک خشک بسیار نرم تبخیری، شامل اجزایی تا اندازهٔ ۰/۹ میلیمتر و بطور متوسط ۰/۲۵ میلیمتر، و رطوبت ۰/۲ درصد. این نمک به درجات ریز، متوسط و درشت بترتیب با اندازه میانگین ۰/۲، ۰/۳ و ۰/۳۵ تقسیم می‌شود.

damp haze غبار یا مه نمناک

dan buoy گویهٔ شناور موقت برای نشان دادن وضعیت خطرناک

dance the shrimp لگد مالی میگو، لگد مال کردن میگوی خشک کرده در آفتاب، برای جداسازی اجزای زائد یا پاک کردن آنها از گوشت میگو

dandy بادبان سه گوش قائم

danger buoy بویه خطر

Danish seiner شناور گردان دانمارکی

dap ماهیگیری به کمک قلاب طعمه‌داری که به آرامی روی سطح آب قرار دارد.

dapping صید ماهی بوسیلهٔ فرو بردن طعمه در آب

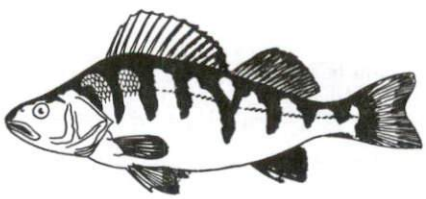
darkband goat fish کوا زرد، بزماهی تیره نوار

dark meat عضلهٔ تیره، گوشت تیره

dark muscle عضلهٔ تیره، نوار عضلهٔ تیره که در طرفین ماهی و زیر پوست در امتداد خط جانبی قرار دارد. رنگ آن از گوشت روشن تیره‌تر است. به آن گوشت خونی، گوشت تیره و گوشت قرمز گفته می‌شود.

dark nebula سحابی تاریک

darter perch سوف حاجی طرخان با نام علمی *Perca fluviatilis*



ماهی سوف رودخانه‌ای حاجی طرخان *Perca fluviatilis*

Dasyatidae خانواده‌ای از سفره ماهیان

Dasyatis sp. گونه‌ای سفره ماهی قهوه‌ای

date marking علامت روی بستهٔ غذای دریایی که تاریخ انقضاء مصرف را بصورت کد و یا نوشته نشان می‌دهد. محصول دریایی باید قبل از آن تاریخ فروخته و مصرف گردد. به آن date stamping هم گفته می‌شود.

date stamping مراجعه شود به date marking

datum مبدأ اندازه‌گیری هر موقعیت، جهت یا سطح

datum , chart صفر دریایی، مبنای صفر نقشه

datum plane سطح مبنا، صفحه‌ای افقی که تراز نقاط سطح زمینی، آب یا بستر دریا نسبت به آن اندازه‌گیری می‌شود.

davit پایهٔ قرقره

Davy Jones روح دریا، روح سرگردان معروف در دریا

day in ice مقیاس تازگی ماهی سردشده، برمبنای آن میزان تازگی و قابل مصرف بودن ماهی با توجه به تعداد روزهایی که در یخ بوده است، سنجیده می‌شود.

dead freight اجاره‌ای که بابت فضای خالی انبارها داده می‌شود.

dead lake دریاچهٔ مرده، دریاچهٔ مسنی که معمولاً با گیاهان آبی پوشیده شده است .

dead neap کمترین حد دامنهٔ یک کشند (جزر و مد)

dead reckoning تعیین موقعیت کور کشتی (تعیین موقعیت کشتی با استفاده از سرعتها و مسیر قبلی آن)

deadstock کالای بنجل

dead water آب مرده، آب راکد، گرداب کوچکی درپشت یک قایق

dead work بخشی از بدنهٔ کشتی پر از بار، که از آب بیرون است.

dead weight وزن آبخور (وزن مایع هم حجم آبخور کشتی)

dead zone بخش مرده، بخش فاقد حیات

dealfish نوعی ماهی از جنس *Trachipterus* وابسته به خانواده Trachuridae

death rate سرعت (میزان) مرگ و میر، سرعت (شدت) مرگ و میر جمعیت که معمولاً بصورت درصد بیان می‌شود.

debone, to استخوان زدایی، مراجعه شود به bone, to

decalcification کلسیم زدایی، فقدان مواد آهکی، مصرف شدن مواد آهکی استخر

Decapterus kiliche گیش گرد (round scad)

decay واپاشی امواج، کاهش دامنه امواج، فاسد شدن

decay of waves مراجعه شود به decay

decibar واحد فشار معادل ۰/۱ بار

decibel واحد صوتی که نسبت بین مقادیر دو صوت با شدتهای مختلف را بیان می‌کند.

deck عرشه

deck beam عرض عرشه

deck cargo کالای روی عرشه

deck department قسمت عرشه

decker عرشه دار

deck gang افراد عرشه

deck hand جاشو، ملوان عرشه، کمک ملوان

deck ice یخ عرشه

deck light چراغ عرشه، نور عرشه

deck log گزارش کشتی

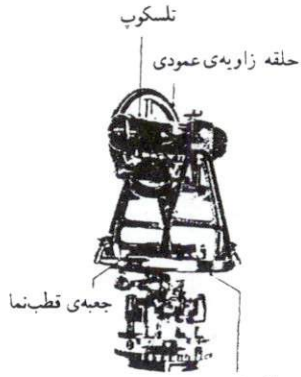
deck officer افسر عرشه

deck space فضای باز عرشه

deck tank مخزن آب یا انبار واقع در عرشه

declination زاویهٔ میل، انحراف مغناطیسی

declinometer دکلینومتر، وسیلهٔ اندازه‌گیری زاویهٔ بین نصف‌النهار مغناطیسی و نصف‌النهار جغرافیایی



دکلینومتر

decomposer تجزیه کننده، میکروبی که باعث تجزیه مواد آلی به مواد معدنی می‌گردد.

decomposition تجزیه یا انحلال، پدیده‌ای میکربی، که بوسیلهٔ آن یک ترکیب به عناصر سازنده‌اش، یا ترکیبات کوچکتری که خود به آسانی تجزیه نمی‌شوند، شکسته می‌شود.

decompression chamber اتاق تقلیل فشار

decompression sickness بیماری ناشی از کاهش سریع فشار در غواصی

deep عمیق، عمق کشتی در آب

deepbody mojarra بت ماهی پهن، چاشوه پهن با نام علمی *Gerres abbreviatus*

deep scattering layer لایهٔ عمقی آب که در آن آبزیان بصورت پراکنده می‌باشند.

deepwater ژرفاب، آب اعماق

defatted چربی گرفته، دارای مقدار خیلی کمی

چربی پس از عمل‌آوری

defect عیب، نقص ایجاد شده در ماهی بصورت ذاتی یا تصادفی، یا در معرض فساد قرارگرفتن در طول نگهداری که بوسیلهٔ چشم یا لمس، (برای مثال وجود استخوان) یا بوسیلهٔ بو و مزه (مانند بوی زخم) مشخص می‌شود.

deficiency diseases بیماریهای ناشی از کمبود یا فقدان برخی ترکیبات غذایی اصلی در یک غذا

deficiency syndrom عوارض کمبود، ناهنجاریهایی در عملکرد و تشریح اندامهای داخلی یا رفتار، رشد و نمو ماهی، که به نظر می‌رسد نتیجهٔ سوءتغذیه باشند.

deflation بادروبی، حمل مصالح ریز گلی توسط باد

deglutition of food فرو بردن، قورت دادن، بلع غذا

degradation ۱) کاهش کیفیت، گاهی deterioration هم بکار می‌رود (در مواقع فساد) ۲) شکسته شدن مولکولهای بزرگ به مولکولهای کوچک در طول تجزیه در اثر فساد

degree-days واحد سنجش حرارت، حاصل جمع دمای آب در روزهای متوالی نمو تخم ماهی، برحسب درجه سانتیگراد

degree of digestion درجهٔ هضم شدن، مراجعه شود به هضم شوندگی (digestibility)

dehydrate, to آبگیری، خشک کردن ماهی در حرارت و رطوبت کنترل شده جهت تولید محصول نهایی معین در یک زمان مشخص

dehydration بی‌آب شدن، خشک شدن محصول بویژه در سردخانه، به آن dessication و drying هم گفته می‌شود. واژه دیگر سوختگی سردخانه‌ای یا freezer burn است.

delicatessild = delicatesill مارینادشگ ماهی، محصول ماهی هرینگ مارینادشده.

deliquesce, to انحلال تدریجی در اثر جذب هوا

Delphinus صورت فلکی دلفین

delta دلتا، زمینی مثلث شکل در دهانهٔ رودخانه که در شاخه‌های متباعد آن محصور می‌شود و یا از آنها می‌گذرد.

demand feeder غذا دهندهٔ درخواستی، نوعی غذا دهنده که غذا از آن کم‌کم بوسیلهٔ نوک زدن ماهیها ریخته می‌شود.

demand for oxygen مقدار اکسیژن مورد نیاز، تقاضا برای اکسیژن

demersal زندگی نزدیک بستر، (از کلمه لاتین demersus به معنی به زیر رفتن گرفته شده است).

demersal fish ماهیان کفزی که نزدیک بستر زندگی می‌کنند.

demersed قرارگرفته یا رشد کرده در زیر آب (بویژه گیاهان آبی)

demise charter کرایه کشتی بدون خدمه

de - modulation بهم خوردن تعادل

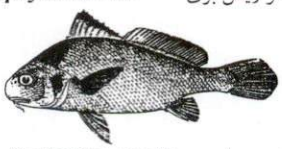
demurrage غرامت معطلی کشتی در بندر

denatant فاقد توان شناوری، جابجائی یا مهاجرت با جریانها (حمل توسط جریانها، معمولاً تخم و لارو)

denaturation تغییر حالت، تغییر حالت دائمی پروتئین ماهی. برای مثال، در اثر پختن و یا نگهداری در سردخانه نامناسب و یا خشک کردن. در این شرایط گوشت تیره وکدر می‌شود و فیبر پروتئین احتمالاً در اثر مجتمع شدن، قسمتی از توان انحلال خود را از دست می‌دهد.

denatured تغییر حالت یافته

Dendrophysa russelli ماهی تعتعو ریش بزی



Dendrophysa russelli تعتعو ریش بزی

denitrification شوره برداری، شوره زدایی، احیای نیترات به نیتریت و سپس به نیتروژن آزاد، مصرف شدن مواد ازته

density تراکم، تعداد افراد یا واحدهای دیگر در واحد سطح

density of fish تراکم (موجودی) ماهی

dentary stocks بزرگترین استخوان جلویی آروارهٔ پایین

dentate دندان‌دار، دارای زوائد دندان مانند

denticle زائدهٔ دندان مانند، فلس دندان مانند در کوسه‌ها

deoxygenation از بین رفتن اکسیژن محلول در آب

depleted خالی شده، نقصان، بیرون کشیده شده، مصرف شده

depletion of stock کاهش ماهی ذخیره به نسبت تعداد، مقدار یا شرایط، تهی شدن ذخیرهٔ ماهی

deposit feeder رسوب خوار، موجوداتی که غذای مورد نیاز خود را از مواد غذائی در حال رسوب یا رسوب یافته بدست می‌آورند.

deposition of silt لجن گذاری (siltation)

deposition of sperm ریختن شیرابه نر، اسپرم ریزی، ریختن اسپرم برای بارور کردن تخمک

depressed صاف شده، مسطح و فشرده شده

depth عمق، ژرفا، اندازه از سطح تا کف آب، بخش عمقی هر آبگیر

depth charge مهماتی که در عمق دریا منفجر می‌کنند، بمب زیر دریایی

depth contour خطی روی نقشهٔ یک آبگیر که نقاط هم عمق را به هم وصل می‌کند، خط تراز عمق

depth - finder, sonic عمق یاب، اکوساندر

depth interval فاصله عمقی، فواصل عمقی در اندازه‌گیریهای اقیانوس شناسی

depth recorder عمق نگار، دستگاه ثبت عمق

depuration پاک کردن، تمیز کردن ماهی یا صدف زنده از میکروارگانیزمهای آلوده کننده بویژه بیماریزا

deratization موش کشی کشتی

derelict کشتی متروکه در دریا

dermis لایهٔ زیرین پوست

derrick جرثقیل کشتی

desalinization نمک زدایی

desalt, to دفع مازاد شوری، رفع قسمتی یا بیشتر نمک محصولات شورشده با فروبردن در آب

descaled فلس گرفته شده

descargamento گوشت بی چربی اطراف ستون فقرات ماهی تن تخمریزی نکرده یا هر قسمت دیگر گوشت ماهی تن تخمریزی کرده به جز گوشت شکم

descent down stream migration دریاکوچی، مهاجرت ماهیان به دریا، مهاجرت به پایین رودخانه

desiccated pond استخر تخلیه شده

desiccation بی آب شدن

desiccation of a fish pond خشک کردن استخر پرورش ماهی، تخلیه استخر

destroyer ناوشکن

detection of fish ماهی یابی، ردیابی ماهی

detergent شوینده، مادهٔ شیمیایی اثر کننده بر سطح که به جای صابون بکار می‌رود و اساساً از ترکیبات فسفردار ساخته می‌شود.

deterioration فساد، کاهش شدید کیفیت در طول نگهداری در سردخانه، کاهش کیفیت هر نوع غذای دریایی

detritivore پوده خوار، پوسیده خوار، آبزی که عمدتاً از مواد پوسیده تغذیه می‌کند.

detritus پوده، مواد پوسیده، خرده، واژهٔ اطلاق شده به اجزای آلی باقی مانده از گیاهان و جانوران، مادهٔ معلق یا منشأ آلی که هرگز قابلیت تولید مثل ندارد.

deuterium دوتریوم، هیدروژن سنگین، این اتم در تشکیل آب سنگین دخالت دارد.

deveined روده گرفته شده، برداشتن روده در میگو و سایر سخت پوستان در مرحلهٔ پاک کردن

developmental stages مراحل نموی، دوره‌ها یا مراحل مشخص از پدیدهٔ رشد و یا نمو یک موجود

development of fishing grounds توسعه (تکامل) مناطق صید

development of shoreline توسعهٔ خط ساحلی، نسبت طول ساحل به محیط دایره‌ای از همان منطقه که محصور در دریاچه است.

deviascope انحراف یاب

devil شکاف بدنهٔ کشتی

dhow دوحه، داو، قایقهای بادبانی خلیج فارس

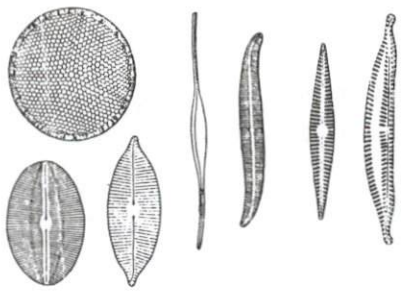
diadrom تمام ماهیان مهاجر بین آب شور و شیرین

diaomic دارای دو پیشینه، معمولاً در ارتباط با رشد پلانکتون در طول فصل رویش بکار می‌رود.

diaphone بوق کشتی که به هنگام مد برای اعلان خطر نواخته می‌شود.

diaphragm breakwater موج شکن غشایی، سازه‌ای نازک در برابر موج

diatoma (algae) جلبکهای دیاتومه



انواعی از دیاتومه‌های کف‌زی

diatom culture پرورش جلبکهای دیاتومه (پرورش دیاتومه‌ها برای تغذیه در مراحل اولیه رشد و نمو نوزاد ماهیان، سخت پوستان و نرم تنان بکار می‌رود).

dichromatic دورنگی

diesel flavour بوی غیرطبیعی، بوی غیرطبیعی ذاتی موجود در برخی کنسروها و گوشت برخی از ماهیان که در مناطق خاصی تغذیه می‌کنند. احتمالاً در اثر تغذیه از موادی که دارای سولفید دی متیل هستند، بوجود می‌آید. به آن بوی نفت هم گفته می‌شود.

diet رژیم غذایی، غذای مقرر شده، محدود به نوع و یا کمیت

diet, artifical (for fish) رژیم غذایی دستی یا مصنوعی (برای تغذیه ماهی)

dietary protein level سطح پروتئین رژیم غذایی، سطح پروتئین در رژیم غذایی بعنوان یک قاعده معادل با کمترین سطح پروتئین مورد نیاز

diet, basic رژیم غذایی اساسی ماهی

diet, supplementary رژیم غذایی تکمیلی ماهی

diffraction امواج آب، صوت و یا هر نوع موج شکسته شده

diffuser هر نوع وسیله یا دستگاهی که هوا یا اکسیژن وارده به آب را به حبابهای بسیار ریز تبدیل کند.

digestibility قابلیت هضم، مقداری از غذای داده شده که می‌تواند بوسیلهٔ یک جانور هضم و جذب شود.

digestion هضم غذا

digestive tract دستگاه گوارش

digger حفار، هر گونه ابزاری که برای کندن و زیر و رو کردن خاک یا حفر کردن بکار می‌رود.

digital دستگاه اندازه‌گیری که نتیجه را با شماره و دقت مخصوص نشان می‌دهد.

dike آبگذر، نهر، آبگذر طبیعی یا مصنوعی، خاکریز یا سد ساحلی، دیواره پائینی استخر پرورش ماهی که خروجی روی آن قرار دارد.

dimethylsulphid, DMS سولفید دی متیل،

مادهٔ شیمیایی با بوی نامطبوع که گاهی در ماهیانی که از نرمتنان پلانکتون‌خوار بنام Pteropod تغذیه می‌کنند، بوجود می‌آید.

dim fish ماهی کپک زده،
ماهی شور خشک کرده که نقاط قهوه‌ای کپکی روی آن دیده می‌شود.

dimorphic دو شکلی

dinalian خمیر میگو، خمیر میگو که
از سخت‌پوستان خیلی ریز خشک شده در آفتاب به مدت یک روز و آسیاب و کوبیده شده به مدت دو روز و سپس به شکل استوانه یا مکعب درآمده باشد، تهیه می‌شود.

dinghy قایق پارویی (در هند شرقی)

dinoflagellate جلبک دو تاژه،
هر گونه جلبک از انواع وابستهٔ راستهٔ dinoflagellata، این موجودات مانند جانوران متحرک هستند، ولی مانند فیتوپلانکتونها عمل فتوسنتز را انجام داده و بیشتر حد واسط بین سلسه‌های گیاهی و جانوری به حساب می‌آیند.

diphycercal ستون دار، نوعی بالهٔ دمی
که ستون مهره‌ها بطور مستقیم تا انتهای بالهٔ دمی ادامه می‌یابد.

Diplodus kotschyi ماهی سیم دریایی، کر

diplospondylous دارای دو مهره در هر قسمت
بدن، مانند ناحیهٔ دم بعضی از ماهیان

dip net یک تور کیفی کوچک که گاهی به
دسته‌هایی نیز متصل است و در اشکال و قالبهای مختلف وجود دارد. این تور توسط دست و یا به کمک نیروی مکانیکی عمل می‌کند و با یک حرکت ملاقه مانند، ماهی را صید می‌کند. این وسیله به نامهای ملاقه (scoop) و تور ملاقه‌ای (scoop net) نیز نامیده می‌شود.

Dipteriformes راسته ماهیان دراز آفریقایی

directive wave موج جهت دار، موج مستقیم

directivity index شاخص راهنمائی

directivity pattern الگوی راهنمائی

driftee یخ شناور

dirty ship نفت کش مخصوص حمل نفت خام

discharge تخلیه، حجم کلی یک نهر آب که در
فاصلهٔ زمانی مشخص از یک نقطهٔ خاص می‌گذرد.

discharge book دفترچه دریانوردی

disco پاروزنی ایستاده

discoast پایین رفتن سطح آب دریا یا دریاچه

discoloration هر نوع تغییر رنگ غیر مطلوب
از رنگ طبیعی در ماهی و محصولات حاصله از آن

discontinuing layer لایهٔ ناممتد
مراجعه شود به ترموکلاین (thermocline)

disease بیماری، حالت مختل شده و بهم ریختهٔ
یک موجود که ممکن است ارثی باشد یا در اثر انگلها، کمبود مواد غذایی و یا عوامل فیزیکی و شیمیایی محیط ایجاد شده باشد.

disease eradication قلع و قمع بیماریها،
ریشه‌کنی بیماریها

disembark پیاده شدن از کشتی، تخلیه بار

dish ظرف دیس مانندی که به هر منظوری بکار
می‌رود (اغلب در محلهای تخمریزی ماهی)

dispersing agent پراکنده ساز، هر نوع نمکی که
وقتی در آب ریخته شود، ذرات رُس را در آب پخش کند تا باعث بسته شدن درزهای استخرها گردد.

disphotic = aphotic بدون نور

distal لبهٔ آزاد باله، دور از مبدأ

distant water آبهای دوردست

distended scales فلسهای باد کرده،
تورم عفونی کپور

distilled smoke دود مرطوب،
دود دارای رطوبت زیاد که در اثر احتراق کند چوب تولید می‌شود.

distraint توقیف قانونی کشتی یا کالای آن

distress signals علایم خطر (قوانین بین‌الملل راه)

distribution پراکنش، پراکندگی، شیوه‌ای که با آن چیزی مرتب می‌شود یا تقسیم می‌گردد. همچنین، به علل مرتب کردن یا تقسیم کردن نیز گفته می‌شود.

distribution of surface area تقسیم‌بندی مساحت کارگاه

disturbance theory نظریه تلاطم

ditch خندق یا راه آب، کانال دراز و باریکی که برای گرفتن یا هدایت آب حفر شده است.

diurnal روزانه، مربوط به یک روز و اغلب برای توصیف فعالیت انجام شده طی ۲۴ ساعت بکار می‌رود، اتفاقی که روزی یک بار رخ می‌دهد.

diurnal inequlity نابرابری روزانه، وقتی این اصطلاح برای جریانهای جزر و مدی بکار برده شود، منظور اختلاف ارتفاع سطح آب در دو مد یا دو جزر در یک روز می‌باشد. همچنین به اختلاف سرعتهای بین دو جریان مد و بین دو جریان جزر در هر روز نیز اطلاق می‌شود.

diurnal migration مهاجرت روزانه، مهاجرتی که هر روز انجام می‌گردد.

diurnal range دامنهٔ روزانهٔ اختلاف ارتفاع متوسط بالاترین مد با ارتفاع متوسط پایین‌ترین جزر

diurnal tides جزر و مد روزانه، جزر و مدی که دورهٔ آن در روز فقط یک بار رخ می‌دهد. بعبارت دیگر در هر روز قمری یک بار جزر و یک بار مد اتفاق می‌افتد.

dive شیرجه، غوص، غواصی، غواصی کردن

diver غواص

divergence (water) انشعاب جریان آب، اشتقاق جریانهای کوچکتر از جریانات اصلی، واگرایی، متضاد همگرایی

diversion channel کانال آبرسانی، آب بر،

diversion ditch خندق آبرسانی برای عبور آب رودخانه یا سد، مازاد بر احتیاج کارگاه

diversion pond استخر انحرافی، حوض یا استخری که در اثر انحراف یک نهر بوجود می‌آید و بنابراین، تنها بخشی از نهر را قطع می‌کند.

diversity تنوع، گوناگونی

diverter خندقی که به منظور هدایت هرز آبهای یک آبگیر ایجاد شده است.

diving غواصی

diving set لوازم غواصی

diving suit لباس غواصی

Djeddaba crevella ماهی بزک، ماهی چش

DMA = dimethylamine دی متیل آمین

DMS = dimethyl sulfide دی متیل سولفید

D.O. = dissolved oxygen میزان اکسیژن محلول در آب که معمولاً بصورت میلی‌گرم در لیتر یا قسمت در میلیون نشان داده می‌شود.

docking بردن کشتی به تعمیرگاه

docks انبارهای کالا در بندر

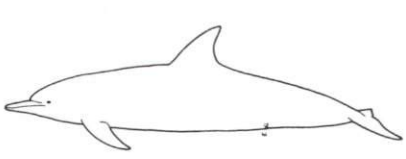
dockside بارانداز بندری

dockwet حوضچه تعمیر کشتی

dockyard تعمیرگاه کشتی

doldrum منطقهٔ آرامگان (بخشی از اقیانوس مجاور خط استوا که دارای بادهای بسیار ضعیف و یا فاقد باد می‌باشد).

dolphin ۱) دلفین، نوعی پستاندار دریائی ۲) کشتی بند



دلفین

dolphin fishes (Coryphaenidae)
خانوادهٔ دلفین ماهیان یا گالیت ها، این ماهی را در زبان هاوائی ماهی ماهی می‌نامند. ماهی است بسیار قوی، سریع‌الرشد و قابل پرورش که در سطح زندگی می‌کند و از سایر ماهیها تغذیه می‌کند.
مراجعه شود به Pompano dolphin fish

DOM = dissolved organic matter
مواد آلی محلول در آب

donkey man مأمور دیگ بخار

dorab wolf herring خارو باله سیاه

با نام علمی *Chirocentrus dorab*

dorado ۱) ماهی دورادو
۲) کشتی بند

dormancy (dormant period) دورهٔ خواب، دوره‌ای که طی آن یک موجود یا بخشی از اندام آن غیر فعال و یا دارای فعالیت بسیار کمی است .

Dorosoma nasus ماهی پهلوا، گواگ

dorsal fin باله یا باله‌هایی که در پشت قرار دارند و خاردار یا شعاع دار هستند.

dorsum قسمت پشتی سر یا بدن

dory قایق ماهیگیری کوچک با بدنهٔ بلند و کف صاف

dot خلیج کوچک

double - banked boat قایق دوپاروزن

double emarginate حاشیهٔ دولبه‌ای

double fillet = block fillet
فیله ماهی قطعه‌ای

douse ضربه امواج کشتی

dover sole(sole sp.) ماهی کفشک دوور از خانوادهٔ Soleidae

downcoast ساحل پایین

downdrift در جهت پایین دست رانش، چپ رانش

down stream در جهت جریان، بطرف پایین

down stream migration, descent
مهاجرت بازگشتی، بازگشت ماهیان تخم ریخته و بچه ماهیان به دریا

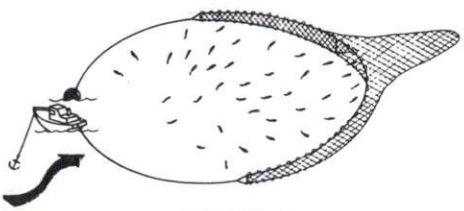
down to her morke کشتی که تا حد آبخور بارگیری شده است.

downwelling فرو جوشی

draft آبخورکشتی، سفته یا برات

drag کشیدن بادبانها یا چرخ دنده‌ها از طریق آب

dragging anchor seining تور لنگردار کشیدنی



تور لنگردار کشیدنی

drag line طناب مخصوصی که بوسیلهٔ تراکتور کشیده می‌شود، برای کندن و خاکبرداری

drag net تور کشیدنی

drag seine پرهٔ کشیدنی

drain زه آب، فاضلاب و غیره، انجام هر عملی برای زهکشی

drainable pond استخر قابل زهکشی، حوضی که آب آن را می‌توان بطور کامل خالی کرد، اما کف آن قابل کشت وسیع نیست.

drainage زهکشی، روش یا سیستم زهکشی

drainage basin بستر زهکشی

drainage ditch کانال زهکشی

(خشک کردن) استخر

drainage litch مراجعه شود به کانال زهکشی (drain channel)

drain bonn وسیله‌ای (عملی) برای زهکشی، بویژه یک monk

drain channel کانال زهکشی، ابزار (کانالی) برای زهکشی

draining کشیدن یا بردن آب، فاضلاب و غیره

drain pipe لوله‌ای که برای زهکشی بکار می رود.

drain water آب حاصله از زهکشی شده بویژه با یک سیستم زهکشی مصنوعی، آب خروجی

draught صید ماهی با پهن کردن تور، پهن کردن تور برای ماهیگیری، آبخورکشتی

draught of fish گرفتن ماهی

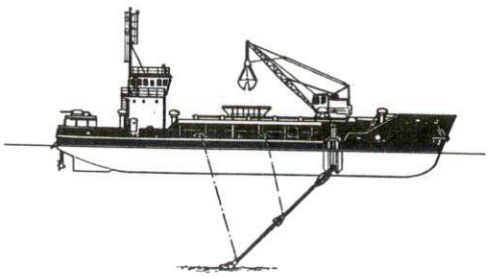
draw تخلیهٔ محتویات، بیرون کشیدن (بیرون کشیدن یک تور ماهیگیری)

draw bridge پل تاشو کشتی

draw down به شدت سطح آب را پایین آوردن

dredge لایروب، لایروبی، دستگاهی برای پاک کردن گل و نظیر آن از کف یک آبگیر. بیرون آوردن هر ماده‌ای از زیر آب به کمک لایروب، ادوات صید ویژهٔ صید دوکفه‌ایها

dredger کشتی لایروب



کشتی لایروب

dredge, to = rouse, to مخلوط کردن ماهی و نمک قبل از جابجا کردن

dredging hook ادوات صید، قلاب ویژهٔ صید نرمتنان

Drepane (Ephippus, Alectis) شینگ

***Drepane punctata* = spolled-fish** عروس ماهی، ینم

Drepanidae (Sickle fishes) خانوادهٔ عروس ماهیان

dress gang پاک کنندگان ماهی، گروهی که روی عرشهٔ کشتی صیادی مسئول تمیز و پاک و شور کردن ماهی هستند.

dress green fish = green fish from the knifel پوست کندن ماهی تازه

dress, to پاک کردن ماهی، جدا کردن فلسها، احشاء، سر، دم و باله‌های ماهی

dried salt = stoved salt نمک تهیه شده از قالبهای حاصله از ظروف تبخیر که خرد و الک شده است .

dried salted fish ماهی شور و خشک شده، ماهی نگهداری شده با شورکردن و خشک کردن

dried - up pond استخر خشکانیده شده، استخری که آب آن را می‌توان بطور کامل تخلیه کرد و آنرا به یک کف (بستر) وسیع قابل کشت تبدیل کرد.

drier = fish drier دستگاه ماهی خشک کن

drift ۱) مراجعه شود به littoral drift
۲) سرعت یک جریان
۳) مواد شناور آب آورده به ساحل
۴) رسوبات یخچالی

drift current جریان آرام

drift gill net تور گوشگیر شناور، دربند (جنوب)

drifting longline رشته قلاب طویل شناور

drift-net تور شناور، تور بزرگ صید ماهی، این تور در اثر وزنه‌هایی در کف پهن می‌شود و در سطح شناور است و با آب به این طرف و آن طرف رانده می‌شود.

drilling platform سکوی حفاری

drilling ship کشتی حفاری

drip آبِ گوشت، مایعی که از گوشت ماهی خارج می‌شود، بخصوص هنگام ذوب کردن ماهی منجمد، به آن thaw drip هم می‌گویند.

driploss کاهش وزن در اثر خروج مایع از گوشت

معمولاً بصورت درصد از وزن ماهی داده می‌شود.

dripper قفسه‌های خشک کن، قفسه‌های خشک کننده سیار ثابت که به منظور چکیدن آب ماهی یا خشک کردن آن، قبل از دودی کردن، در طول شب بر روی آنها چیده می‌شوند.

driving fish راندن ماهی (به داخل دام)

Dromiacea جنس نوعی خرچنگ پهن

drop کشتی که بدست امواج افتاده است.

drop anchor لنگر انداختن

drop line وسیله‌ای بدون سبد یا میله که برای ماهیگیری بی‌صدا بکار می‌رود.

dropsy, infection of fish استسقاء، آب آوردن بدن، بیماری تجمع مایع سروز در حفرات و بافتهای بدن توسط باکتری *Pseudomonas punctata*

droptail لابستر پخته که دم آن برگشته است، اکثراً در اثر فاصله‌ای که بین سر سینه و دم وجود دارد ایجاد می‌شود. علامت فساد و مرگ قبل از پختن است. همچنین به آن looseneck می‌گویند.

drouge لنگر دریایی

dry, to خشک کردن و گرفتن رطوبت، تحت شرایط طبیعی یا شرایط کنترل شدهٔ مصنوعی

dry caviar = grain caviar خاویار دان

dry cure, to شور کردن خشک ماهی، نگهداری ماهی با افزودن نمک خشک

dry cured herring مراجعه شود به dry salted herring

dry dock حوضچه تعمیر کشتی، حوضچه خشک

dry feed غذای خشک، انواع غذاهایی که برای حفظ کیفیت و طولانی کردن زمان نگهداری قسمت اصلی آب آن گرفته شده است.

dry-fly قلابی (چنگکی) که با پرهٔ ابریشم رنگین و نظایر آن پوشانده شده تا شبیه یک حشره باشد. این وسیلهٔ ماهیگیری بر روی آب شناور می‌شود و ماهی را می‌فریبد.

dry matter مادهٔ خشک، مراجعه شود به وزن خشک dry weight

dry off, to خشک کردن ماهی شور در آفتاب

dry salt, to = dry cure,to شور کردن ماهی با نمک خشک

dry salted herring شگ ماهی شور کرده و خشک، شگ ماهی عمل‌آوری شده با نمک خشک در تانکهای غیرقابل نفوذ به مدت ۶ روز، آب ماهی در مدت ۲۴ ساعت کشیده شده و در جعبه محکم بسته بندی شده و کاملاًبه آن نمک خشک پاشیده شده است.

drying out of a fish pond خشک کردن (تخلیه) استخر پرورش ماهی

dry weight وزن ماده هنگامی که به کلی آب از دست داده باشد. وزن خشک

drying kiln = fish drier دستگاه ماهی خشک‌کن

drying rack قفسه خشک کردن ماهی، قفسه‌ها یا چهارچوبهای عمودی که ماهی شور را به منظور خشک کردن در هوا، از آن آویزان می‌نمایند.

drying stage = flake مرحله خشکاندن

dubisch method روشی برای پرورش کپور که در آن حوضچه‌های طراحی شدهٔ ویژهٔ تخمریزی مشخص می‌شوند.

duck mussels = Anodonta از انواع نرمتنان دوکفه‌ای آب شیرین

duckweed گیاه عدسک آبی با نام علمی *Lemna minor L.* نوعی گیاه آبزی شناور با ریشه‌های آویزان در آب



عدسک آبی (*Lemna minor* L.)

dugout استخری که از طریق خاکبرداری ساخته شده است، بلم یک تکه درست شده از تنه درخت

dumbvessel شناور بدون خدمه، کشتی بدون خدمه که معمولاً برای فریب دشمن به کار می‌رود.

dun کپک قهوه‌ای *Sporendonema epizoum* که بعضی مواقع سطح ماهی شور خشک کرده را آلوده می‌کند. جزو قارچهای نمک دوست یا هالوفیل (halophilic) می‌باشد.

dune تپه ماسه‌ای ساحلی، تلماسه

dun fly نوعی مگس مصنوعی که برای ماهیگیری با قلاب بکار می‌رود.

dung-worm کرم یا لاروی که در مدفوع گاو یافت می‌شود و بعنوان طعمه در ماهیگیری بکار می‌رود.

duo-trio test نوعی روش حسی، بررسی کیفیت، در این روش به ارزیاب بعد از بررسی نمونه، ۲ نمونه دیگر داده می‌شود که یکی از آنها مشابه نمونه بررسی شده است و او بایستی نمونه مورد بررسی را تشخیص دهد.

duration of ebb tide مدت جزر

duration of flood tide مدت مد،

رجوع شود به duration of tide

duration of tide مدت مد و مدت جزر، مدت مد فاصلهٔ زمانی است که از حد پایین به حد بالای خود می‌رسد، و مدت جزر فاصلهٔ زمانی است که آب از حد بالا به حد پایین خود می‌رسد. این دو مجموعاً در یک دورهٔ نیم روزه بطور متوسط ۱۲/۴۲ ساعت طول می‌کشد و بنابراین، مدت هر مد و یا هر جزر ۶/۲۱ ساعت به طول می‌انجامد، ولی باید دانست که این مدت ممکن است به علت جریاناتی غیر از جزر و مد دریا تغییر کند. در رودخانه مدت جزر به علت دبی آن معمولاً طولانی تر از مدت مد می‌باشد.

durg مدفوع جانوران که بعنوان کود مصرف می‌شود، کوددادن

Dust devile تنورهٔ دیو، گردباد مشهور جنوب آمریکا

Dutch cure داچ هرینگ، شگ ماهی تهیه شده به روش آلمانی، شگ ماهی «روده کشی» شده و شور شده در دریا که مجدداً در ساحل بسته بندی شده است.

Dutch cured herring

مراجعه شود به Dutch cure

dye رنگ غذایی، رنگ مجازی که به نمک برای تهیهٔ برخی از انواع ماهی دودی اضافه می‌شود.

dyed fish ماهی رنگ شده، ماهی رنگ شده با رنگهای طبیعی یا مصنوعی

dye marker پودر رنگی که روی دریا پاشیده می‌شود و برای علامت دادن به هواپیماها بکار می‌رود.

dyke خاکریز، سد، دیوارهٔ استخر،

مراجعه شود به dike

dynamic of fish population

دینامیک جمعیت ماهی

dynamic of growth دینامیک رشد ماهی

dynamite fishing صید با دینامیت

dysbaric osteonecrosis تغییرات ساختمان استخوان غواصان در اثر افزایش غلظت نسبی استخوان،

مراجعه شود به caisson disease

dysphotic = disphotic بدون نور

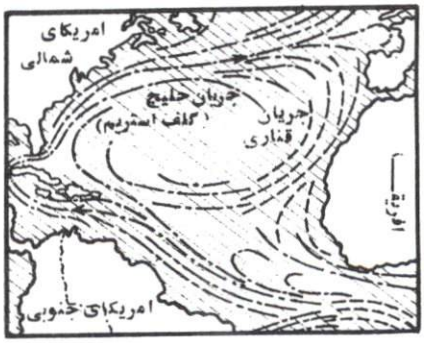
dystrophic مربوط به رنگ کف دریاچه با مواد آلی محلول فراوان، فقیر از نظر جانوران کف و دارای مصرف اکسیژن مشخص

dystrophy آبهایی با محتوای آهکی و مواد غذایی کم، ولی اسیدیتهٔ بالا و مواد هوموسی فراوان

E

East Boundary Current جریانهای به سوی

استوا که در شرق اقیانوسها جاری هستند، مانند جریانهای قناری، کالیفرنیا، استرالیای غربی، پرو و بنگوئلا



جریان قناری

East Cape دماغهٔ شرقی،

نام قدیم دماغه دژنوف در شرقی‌ترین نقطه شبه جزیرهٔ چوکچی سیبری

East Greenland Current جریان آب سرد

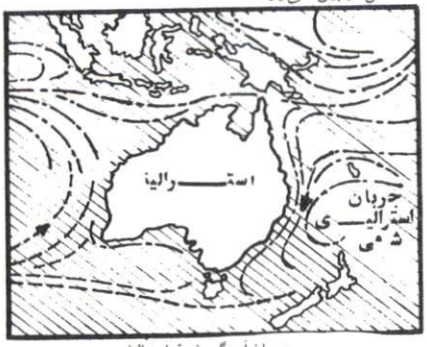
eager مد بلند، مد سریع

ear bones = ear stones = otolith

سنگ گوش، سنگهای آهکی موجود در گوش ماهیان

East Australian Current جریان آب گرم

سطحی شرق استرالیا که بخشی از جریان گردشی آبهای سطحی اقیانوس آرام جنوبی است. تشکیل توده‌های آب متفاوت از اطراف (eddy)، یکی از ویژگیهای این جریان است. بعضی‌ها هم آنرا گلف استریم نیمکرهٔ جنوبی دانسته‌اند ولی تفاوت آن با گلف استریم این است که جریان استرالیای شرقی به محض دور شدن از ساحل از بین می‌رود.



جریان آب گرم شرق استرالیا

عمیق قطبی تندرو، حجم زیادی از آب را جابجا می‌کند و در ویژگیهای فیزیکی و شیمیایی آب جهانی اثر می‌گذارد.

Easter Island جزیرهٔ ایستر، جزیرهٔ آتشفشانی در غرب شیلی که بخشی از پشتهٔ میان اقیانوس آرام است.

eastern little tuna *(Euthynnus affinis)*، زرده، تون نوار پشتی

eat-before date تاریخی که باید غذای دریایی قبل از آن مصرف شود. این تاریخ بوسیلهٔ عمل آورندگان روی محصول دریایی نوشته می‌شود، تاریخ انقضاء مصرف

eating quality ارزش کیفی غذا از نظر آزمایش مزه

Eau de Mer = normal water آب دریای نرمال

ebb خالی شدن آب، به عقب برگشتن آب هنگام جزر، جزر شدن

ebb current جریان فرود مد، جریان ناشی از فرود آب

ebb tide جزر، وضعیت آب در بین حد بالایی و حد پایینی بعدی آن

ebby current جریان جزری

ecdysis = moulting پوست اندازی جانوران، مانند سخت‌پوستان دریایی

Echeneis neucrates (**shark - sucker**)، چسبک، لزک، لازک، کوسه‌کش



چسبک، لزک، لازک و کوسه‌کش *Echeneis naucrates*

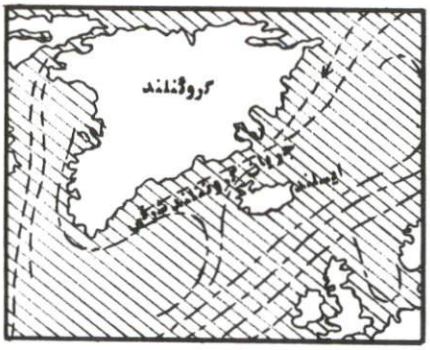
echinate=echinoi خاردار، شبه خارپوست دریایی

echinite فسیل خارپوست

echinoderm خار پوست

Echinodermata شاخه جانوران خارپوست،

قطبی کم شور رو به جنوب دریای گرینلند



جریان گرینلند شرقی

East Pacific Rise (Ridge) پشتهٔ میان اقیانوس آرام شرقی، پشته (۲ تا ۴ کیلومتری) شمالی - جنوبی اقیانوس آرام که ۲ تا ۳ کیلومتر بالای بستر اقیانوس است. این پشته در محل کالیفرنیا زیر پوسته صفحه‌ای آمریکای شمالی می‌رود. در کنار چاههای آب گرم مجاور چاههای آتشفشانی اکوسیستم میکروارگانیسمهای مصرف کننده گوگرد وجود دارد.

East Siberian Sea دریای سیبری شرقی، دریایی سطحی (۲۰ تا ۴۰ متر عمق) با شوری و دمای وابسته به مقدار ورودی آب شمال پوسته قاره‌ای سیبری



دریای سیبری شرقی

East Wind Drift جریان ساحلی قطب جنوب که اطراف توده‌های خشکی حرکت می‌کند. این جریان

خارپوستان، این شاخه دارای رده‌های زیر است:

Crinoidea	لاله‌های دریایی
Asteroidea	ستاره‌های دریایی
Crinoidea	لاله‌های دریایی
Echinoidea	توتیاهای دریایی و دلارهای ماسه‌ای
Holothroidea	خیارهای دریایی
Ophiocistioidea	ردهٔ منقرض شدهٔ حیوانات گنبدی، شکل کوچک دوران اول زمین شناسی
Ophioroidea	ستاره‌های شکننده و ستاره‌های مارسان

Echinoidea ردهٔ توتیاهای دریایی و دلارهای ماسه‌ای که پوسته سخت دارند.

Echiuroidea = Echuira کرمهای قاشقی، کرمهای حفار دریایی با خرطوم مفصل دار و شیار دار که از پلانکتونها و مواد ریز معلق تغذیه می‌کنند.

echo پژواک، انعکاس، طنین

echo analysis تجزیه و تحلیل انعکاس صوت در آب

echogram پژواک نگار، دستگاهی که عمق راثبت می‌کند.

echo integrator تکمیل کنندهٔ انعکاس

echo level سطح انعکاس

echolocation دورسنجی صوتی، تعیین شکل، اندازه و جای اجسام و جانوران

echo sounder = echo sounding machin دستگاه اکوساندر، عمق‌یاب، ماهی یاب، وسیله‌ای برای ایجاد صدا بر اساس فرستادن امواج صوتی و دریافت پژواک آنها از کف آب یا مواد مختلف در آب

echo - sounding اندازه‌گیری بوسیلهٔ echosounder، روش امواج بازگشتی برای تعیین عمق بستر دریا

echotrace رد صدا، اثر صدای بازگشتی

Eckman spiral حلقهٔ ریاضی اکمن، حلقه‌ای که در آن اثر باد روی امواج و صف شده است.

Eckman transport انتقال اکمن، جابجایی یا انتقال کلی آب سطحی در اثر حرکت ناشی از باد، این جابجایی زاویه آب، ۹۰ درجه به طرف راست باد در نیمکرهٔ شمالی و به طرف چپ باد در نیمکرهٔ جنوبی می‌گردد.

ecliptic دایرةالبروج، مربوط به خسوف و کسوف، سطح مدار چرخشی شمسی، سطح کمربندی بین قطبهای زمین که بامدار شمسی زاویه ۲۳° ۳۰′ می‌سازد که همین خمیدگی باعث تغییر دما، بارندگی و تفاوتهای فصلی بین دو نیمکرهٔ شمالی و جنوبی می‌گردد.

eclosion خروج از تخم، پدیدهٔ سر از تخم درآوردن

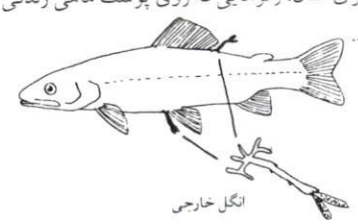
ecological niches مکانهای اکولوژیک، کنجهای اکولوژیک، کنام

ecology بوم‌شناسی، شاخه‌ای از زیست‌شناسی که با موجودات زنده در ارتباط با محیط شان سرو کار دارد، مطالعهٔ ارتباطهای سازمان یافته، اندرکنش بین موجودات زنده و محیط شان، مطالعهٔ ارتباطهای جانوران و گیاهان با آنچه در اطرافشان وجود دارد (زنده یا غیر زنده)

ecosystem مجموعهٔ خود برپایی از اجزای زنده و غیرزنده با ذخیره‌ای از مواد و انرژی در یک دورهٔ زمانی خاص

ecotone توسعه محیط زیست

ectoparasite انگل خارجی، موجودی که بر روی موجود دیگر (میزبان) زندگی می‌کند و برای ادامهٔ متابولیسم خود به میزبان وابسته است. برای مثال، زالوهایی که روی پوست ماهی زندگی می‌کنند.


انگل خارجی

Ectoprocta شاخه‌ای از بی‌مهرگان دریایی میکروسکوپی کلنی ساز ثابت، کلنی این بی‌مهرگان که از نواحی ساحلی تا اعماق ۶۰۰۰ متری می‌رویند، بصورت ورقه‌های پوسته‌ای آهکی یا جعبه‌های کیتینی در سواحل دیده می‌شوند.

ectothermic وابسته به حرارت زیست محیطی

eddy گرداب کوچک، جریان آبی که جهت حرکت آن از جهت حرکت آب اطراف کاملاً متفاوت است، گردابهای دائمی آب را ویرپول می‌گویند.

edentate بی دندان

edge wave موج لبه‌ای

edibility of fish مأکول بودن ماهی، در خور خوردن بودن ماهی

edible قابل خوردن بوسیلهٔ انسان، برای خوردن، خوردنی

edible fish ماهی که مناسب برای غذا باشد، معمولاً از نوع تجارتی

edible protein پروتئین قابل خوردن، قسمتی از مادهٔ غذایی جانوری (یا گیاهی) که خورده می‌شود. برای مثال، گوشت ماهی در مقایسه با استخوان، باله‌ها، روده‌ها و گاهی سر و پوست

EDTA اتیلن دی آمین تتراستیک اسید، مادهٔ ضد اکسیدکننده که باعث کاهش فعالیتهای پروتئین خون در همهٔ ماهیها می‌گردد. این ماده همچنین بعنوان نگهدارنده (بصورت حمام) برای جلوگیری از فعالیتهای میکروارگانیزمها بکار می‌رود.

eel مار ماهی، مارماهی حقیقی با نام علمی *Anguilla anguilla* از خانوادهٔ Angullidae رجوع شود به Angullidae

eel - basket دام سبدی با دهانهٔ قیف مانند برای صید مارماهی

eel - buck سبد بزرگی که برای صید مارماهی بکار می‌رود.

eel culture پرورش مارماهی

eel - fare حرکت فراروی مارماهیان جوان، مهاجرت بچه مار ماهیها بطرف سواحل

eel grass = wrack علف مار، گیاهان نهاندانه خانوادهٔ زوستراسه که در محلهای پرنور غرقابی زندگی می‌کنند و پناهگاه و غذای بیشتر اجتماعات ساحلی محسوب می‌شوند.

eel-pond استخر پرورش مارماهی

eel-pot شکلی از دامهای سبدی برای صید مارماهی

eel pout = guffer نوعی ماهی زنده‌زایا نام علمی ***Zoarces viviparus*** از خانوادهٔ Zoarcidae

eels, seaward - migrating مارماهی بازگشتی، در حال مهاجرت به دریا

E - ES method روش مارینادکردن با سرکه‌ای که از میان نمک خشک گذرانده شده باشد.

efferent وابران، هدایت یا دورکردن چیزی

efferent branchial artery شریان وابران آبششی

efficiency breeding تکثیر و پرورش تجارتی (با بازدهی اقتصادی)

efficiency of fertilizer کارآیی کود، مقیاسی که در آن کودها تاثیر پیش‌بینی شده را می‌دهند.

effluent مجرای خروجی آب، بیرون ریزنده، خروجی، طغیان، محلی که آب کارگاه پرورشی ماهی تخلیه می‌شود.

efflux سرریز شدن، انتشار، آنچه که جریان می‌یابد و یا سر ریز می‌شود.

efflux of water مصرف آب، نشت آب، بیرون ریزی آب

egg تخم، سلول زایشی ماهی ماده و بسیاری از مهره‌داران آبی که معمولاً به خارج از بدن رها می‌شود.

egg case = egg sac کیسه حاوی تخمهای شناور در بعضی از آبزیان

egg fertilization لقاح تخم

egg-laying تخم‌گذاری، تخم‌ریزی، عمل رها کردن تخمها

egg-laying area منطقه تخم‌ریزی

egg mass توده یا حجم تخمهای رها شده بویژه

در مقادیر زیاد

egg pouch مراجعه شود به egg sac

egg raft تودهٔ تخمهای شناور بعضی آبزیان

egg-rearing (season) فصل باروری، دوره یا فصلی که ماده‌ها تخم دارند و تخمها در حال طی مراحل رشد و نمو می‌باشد.

egg sac محفظه تخم، حجره، یا محفظه‌ای در سخت پوستان که تخمهای بارور شده درون آن قرار می‌گیرند. مراحل رشد و نمو جنینی، تخمه گشائی، و قسمتی از مرحله رشد و نمولاروی در آن طی می‌شود.

eggs, adhesive تخمهای چسبنده

eggs (of fish) تخمک‌های (تخم) ماهی

egg stripping تخم کشی، تخم‌گیری

egg yolk زرده تخم، بخش زرد رنگ یک تخم که واجد ویتامین و پروتئینهای لازم است و ذخیرهٔ غذایی جنین و (اغلب) لاروها را فراهم می‌کند.

egret حواصیل، مرغ ماهیخوار بزرگ

eider duck اردک دریایی منقار چنگالی، مرغابی شمالی، قوی شمالی

***Elagatis bipinnulate* = rainbow runner** ماهی گیش دوبالچه‌ای

Elasmatidae خانوادهٔ ماهیان پیگمی (کوتوله) از راستهٔ پرسیفورمها

Elasmobranchii گروهی از ماهیان غضروفی، ماهیان آبشش بشقابی بدون کیسهٔ شنا، کوسه‌ها و باله شعاعیان

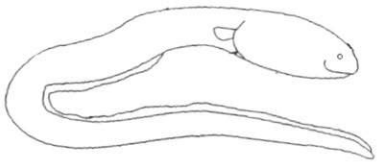
electrical conductivity of water هدایت الکتریکی آب، قابلیت آب در هدایت جریان الکتریکی بر اساس غلظت نمک موجود در آن

electrical fence حصار الکتریکی

electrical fishing ماهیگیری با برق، ارزیابی ماهیگیری براساس صید ماهیها بوسیله نیروی برق

electrical smoking مراجعه شود به electrostatic smoking

electric eel مارماهی الکتریکی آب شیرین با نام علمی *Electrophorous electricus*



مارماهی برقزا

electric fish ماهی الکتریکی، ماهی که اندامهای خاص تولید کننده برق دارد.

electric fishing صید ماهی با برق

electric fish screen شبکه الکتریکی جهت صید یا ممانعت از عبور ماهی

electric screen دیوار الکتریکی، مجموعه‌ای از الکترودهایی که یک آبگذر را قطع می‌کنند (یا در یک آبگیر آویخته می‌شوند) تا با تاثیر میدان الکتریکی ماهیها را از مناطق انتخاب شده‌ای خارج کنند و یا حرکت آنها را (به طرف دامها یا گذرگاههای ماهیان و نظایر آن) جهت بدهند.

electroacoustic الکتریکی صوتی

electroacoustical وابسته به الکتریکی صوتی

electromagnetic spectrum طیف امواج الکترو مغناطیسی که محدودهٔ انرژی رها شده ازستارگان یا سایر منابع نوری بصورت امواج یا ذرات است. طول این امواج از ده کیلومتر تا یک بیلیونیم کیلومتر (یک میکرون) است. نور قابل رویت بخشی از این طیف است.

electron الکترون

electronarcosis برق سنجی، الکتریسیته‌سنجی

electronic counter measure جنگهای الکترونیک

electronic navigation دریانوردی الکترونیکی

electrophoresis الکتروفورز، روش الکترو شیمیایی که باعث جداکردن ذرات باردار در یک حوزه الکتریکی می‌گردد و برای شناسایی گونه ماهی بکار می‌رود.

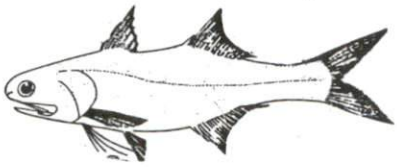
electrosarcosis حالت بی‌حرکتی ناشی از سست شدن ماهیچه‌های ماهی در اثر جریان الکتریکی

electrostatic smoking دودی کردن الکتریکی، روش تسریع کنندهٔ دودی کردن (حدود ۱۲ ثانیه برای ساردینها) که در آن دود در معرض میدان الکتریکی با قدرت زیاد قرار می‌گیرد (۱۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ ولت جریان مستقیم) و ذرات دود باردار بر روی مادهٔ غذایی که بعنوان قطب مخالف عمل می‌کند، ته‌نشین می‌شود.

electrotaxis برقگرایی، الکتریسته گرایی

elementary population جمعیت پایه، گروهی از ماهیهای زنده که معمولاً در یک سن و در شرایط زیستی یکسان قرار دارند و پدیده‌های زیستی هماهنگ دارند.

Eleutheronema tetradactylum راشگوی چهارنخ fourfinger threadfin

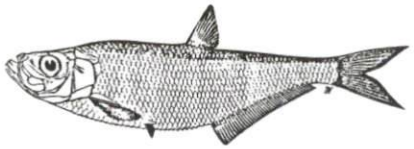


Eleutheronema tetradactylum راشگوی چهار نخ

El Nino ال نینو (کلمهٔ اسپانیایی به معنای نوزاد مقدس، مسیح خردسال)، شرایطی است در آبهای ساحلی پرو و اکوآدور که طی آن درجه حرارت آب گرمتر از حد عادی شده و باعث مهاجرت ماهیان و تغییر شرایط محیطی و مرگ و میر پرندگان می‌گردد. تناوب آن بین ۵ تا ۸ سال است. وجه تسمیه آن به دلیل مصادف بودن این پدیده با سالگرد تولد حضرت مسیح می‌باشد.

Elongate ilisha

ماهی پیگوی دراز با نام علمی *Ilisha elongata*



Ilisha elongata پیگو دراز

Elopidae ماهیان باله شعاعی استخوانی از راستهٔ الوپیفورمها (خانوادهٔ ناز ماهیان)

Elopiformes راستهٔ ماهیان ابتدایی باله شعاعی با یک بالهٔ‌پشتی، فلسهای نازک، گرد و آروارهٔ دنداندار

***Elops machnata* (tenpounder)** ناز ماهی

elutriation شسته شدن در اثر حرکات آب، شسته و کنده شدن

elver بچه مارماهی مهاجر، مارماهی جوانی که دگردیسی یافته و معمولاً در دهانهٔ خلیج های کوچک و یا در مسیر بالارفتن به سمت رودخانه یافت می‌شود. مارماهی شیشه‌ای

emabayment استخرسازی، خلیج سازی

emarginate حاشیهٔ تقریباً گرد و بدون لبه

embargo ضبط و توقیف کشتی در بندر

embankment خاکریز ساحل، دیوارهٔ ساحلی

embark در کشتی سوارشدن، در کشتی گذاشتن، حمل کردن با کشتی

embarkment هر گونه دیواره یا سد خاکی مرتفع برای جمع‌آوری آب و جلوگیری از خارج شدن آن

embay در خلیج قرار دادن، احاطه کردن

embayment استخرسازی، خلیج سازی

embouchure دهانهٔ یک رودخانه یا نهر

embrail بادبان

embryo جنین، یکی از مراحل مختلف نمو ماهی (در تخم)

embryonal stage مرحلهٔ جنینی، مربوط به مراحل مختلف نمو ماهی در تخم

emerge برآمده از آب

emerge from egg تخمه‌گشائی، تخم‌گشائی، سر از تخم درآوردن

emergency conning postion پل فرماندهی اضطراری

emergent aquatic plants گیاهان ریشه‌دار آبزی که پایهٔ آنها در زیر آب است و بقیهٔ طول آنها از آب بیرون آمده است.

emergents گیاهان برآمده از آب، مراجعه شود به emergent aquatic plants

emerged aquatic plants گیاهان آبزی برآمده
از آب. مراجعه شود به emergent aquatic plants

emperores, scavengers خانوادهٔ شهری ماهیان گوشتخوار(Lithrinidae)

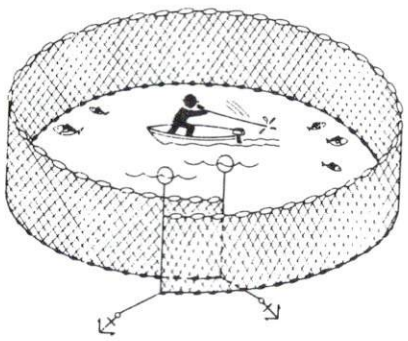
Empror Sea Mount تپه دریایی امپراطور در اقیانوس آرام

empty gutted ماهی با روده‌های خالی شده

emptying خالی کردن یا کشیدن آب یا مواد

encircling fishing صید احاطه‌ای

encircling gill net تورهای ثابت یا دام گوش‌گیر احاطه‌ای



تور گوش گیر احاطه‌ای

encircling net تور احاطه‌ای

enclosed waters آبهای محصور شده، آبهای مهار شده

enclosure محوطه محصور شده، محوطه بسته شده
آنچه که در برمی‌گیرد و محصور می‌کند، مانند حصار، دیوار، سد و نظایر آن. برای مثال، خلیج کوچکی را که دهانه آن تنگ است اگر با دیواره‌ای از دریا جداکنند آنرا محصور نموده‌اند.

endognath شاخه داخلی اصلی زایده دهانی در سخت پوستان

endolithic درون سنگ زی، درون سنگی

endoparasite انگل داخلی، موجودی که در درون موجودی دیگر (میزبان) زندگی می‌کند و از نظر متابولیسمی وابسته به میزبان است .

Endoprocta مراجعه شود به Entroprocta

endothermic درون گرمایی

endozoite موجودات جانوری بومی یا درون یک اکوسیستم

enemies of fish دشمنان ماهی

energy توان کار، انرژی گرمایی اقیانوس
ناشی از گردش لایه‌های آب با دمای متفاوت است.

energy coeffecient ضریب انرژی (موج)

energy value ارزش انرژی،
میزان انرژی متابولیک که در اثر سوخت وساز یک مادهٔ غذایی از جیرهٔ غذایی تولید می‌گردد و امروزه بعنوان انرژی دخیره و بصورت کیلوژول درگرم محصول بکار می‌رود. درگذشته بصورت کیلوکالری در ۱۰۰ گرم بکار می‌رفت. هر کیلوکالری در ۱۰۰ گرم معادل ۴۱۸۴/۰ کیلو ژول در گرم است. به آن calorific energy هم گفته می‌شود.

enfonced کشتی غرق شده، چالهٔ دریایی

engine room موتورخانه

englacial درون یخچال قطبی، درون یخی

English Channel کانال مانش،
کانالی در اقیانوس اطلس که فرانسه و انگلستان را از هم جدا می‌کند.



کانال مانش

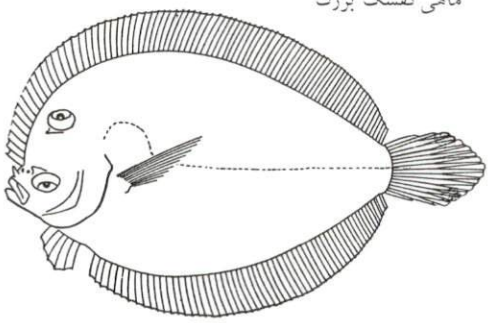
***Engraulis* = anchovies** جنس آنچوی،
جنس آنشوا ماهیان یا موتوماهیان

Engraulis bitrirostris ماهی کوا

engraved catfish گربه ماهی،
ماهی گلّو با نام علمی *Arius caelatus*

Engyprosopon grandisquamis

ماهی کفشک بزرگ



Engyprosopon grandisquamis ماهی کفشک بزرگ

Eniwetok گروه جزایر مرجانی اقیانوس آرام مرکزی غربی از مجموعه جزایر مارشال

enmesh گرفتارکردن یا صید کردن در یک تور، به دام انداختن

enriched water آب غنی شده از مواد غذایی

enrichment غنی تر کردن (در مورد آب ازنظر مواد غذایی است)

enrobed پوشیده شده

ensign ۱) پرچم پاشنه کشتی ۲) ناوبان دوم

entanglement gear ابزار صید توری

entangling گرفتار کردن، صید کردن

entangling net توری که ماهی راگیر می‌اندازد

entire حاشیهٔ صاف (در مورد برگ گیاهان آبزی)

entrapment gear ابزار صید تله‌ای

entrapment wall تلهٔ حصاری،کلهام، شیل (شمال)

entrepeneur of cage culture مباشر (مسئول) پرورش ماهی در قفس

Entroprocta انترو پروکتا، شاخه‌ای مشابه روتیفرا و اکتوپروکتا

environment محیط، شرایط یا تاثیراتی که یک موجود تحت آنها زندگی می‌کند.

environment, natural محیط زیست طبیعی

environmental conditions شرایط محیطی، شرایط زیست محیطی، کلیهٔ عوامل تعیین کنندهٔ ساختمان و شکل زندگی در یک فضای مشخص، هم فیزیکی و هم زیستی

environmental disease بیماری محیطی، بیماری که در اثر شرایط نامناسب محیطی، مثل کمبود اکسیژن یا تغییرات حرارتی و غیره، ایجاد می‌شود.

environmental factors عوامل زیست محیطی

environmental manipulation بهسازی محیط زیست

environmental resistance مقاومت محیطی، اختلاف بین توان بالقوهٔ یک جمعیت در افزایش و عملی که بطور واقعی مشاهده می‌شود.

enzootic بیماری که در درون یک جانور یا در یک محل ویژه بوجود آمده است.

enzyme یک کاتالیزور آلی که فعل و انفعالات شیمیایی را سرعت می‌بخشد.

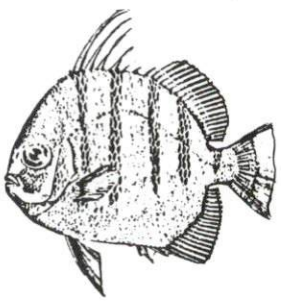
Eocen (epoch) دورهٔ ائوسن از دوران سوم زمین شناسی که ۲۰ میلیون سال طول کشید (حدود ۵۰ میلیون سال پیش تمام شد). در آب و هوای گرم آن موجودات زیادی زندگی می‌کردند. پلانکتونها، شکمپایان، خارپوستان، نومولیتها، ماهیان و پرندگان در این دوره فراوان بودند.

eolian رسوبات حاصل از باد، ماسه‌بادی

ephemeral stream جریان زودگذر، نهر یا جریانی که تنها در بعضی مواقع آب دارد.

Ephippidae (spade fishes) خانوادهٔ شینگ یا شینگو ماهیان

***Ephippus orbis* (spade fish)** شینگ، شینگو



Ephippus orbis شینگ ـ شینگو

epibenthic روی بستر، بالای بستر، وابسته به فاصله حدود سه متری کف دریا، روکفی

epicent نقطه‌ای در سطح زمین درست روی کانون زلزله

epicercal tail باله دمی که شکاف آن در نیمه فوقانی است.

epicontinental sea دریای روی خشکی، بخشهایی از دریا که روی پوسته قاره‌ای هستند.

epiderm لایه فوقانی پوست، بشره

epidermal وابسته به لایه فوقانی پوست

epidermis پوست زیرین (ماهی)

epifauna اپی‌فون، موجودات کفزی که در سطح بستر دریا زندگی می‌کنند. جانوران روکفی دریا

epilimnion بالاترین لایهٔ آب در یک دریاچهٔ لایه لایه، لایهٔ آب بالای ترموکلاین در دریاچه‌های مطبق، لایه بالایی آب در یک دریاچه، این لایه گرمتر از آبهای پایینی است.

Epinephelus (grouper) ماهی هامور، لدام

Epinephelus areolatus ماهی هامور منقوط قرمز، سمن، سمان



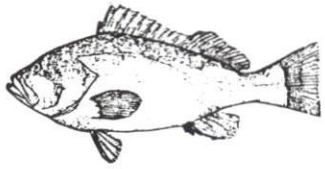
Epinephelus areolatus هامور منقوط قرمز

Epinephelus chlorostigma هامور منقوط، سمن

Epinephelus fuscogultutus = brown marbled grouper هامور قهوه‌ای

Epinephelus latifasciatus هامور خاکی

Epinephelus multinotatus هامور خاکستری



Epinephelus multinotatus هامور خاکستری

Epinephelus tauvina هامور معمولی، هامور چرب (greasy grouper)

epineritic محیط دریایی بین سطح جزر تا عمق ۴۰ متری

epiotic فوق گوشی

epipheris time زمان زیجی

epiphyte گیاه یا موجودی که روی گیاه دیگر مستقر است.

epiphytic رو گیاهی، گیاه یا موجودی که روی گیاه دیگر مستقر است.

epiplagic zone بالاترین لایهٔ ستون آب اقیانوس تا عمق ۲۰۰ متری

epizoite لایهٔ نازک سلولی که اکثراً سطح خارجی بدن یک موجود زنده را می‌پوشاند.

epizootic همه‌گیر، بیماری که بسیاری از افراد یک گونه را همزمان آلوده سازد.

epizootiology همه‌گیر شناسی، مطالعهٔ شیوع همزمان یک بیماری در بین افراد زیادی از یک جمعیت جانوری

equatorial counter current جریان عکس استوایی

equatorial currents جریانهای استوایی، هر جریانی که در جهت شرق به غرب (در اثر بادهای تجارتی) جاری است.

equatorial tide مد استوایی، مد دریا هنگامی که در سطح استوایی یا نزدیک به آن قرار گرفته باشد.

equilibrium species گونه‌های متعادل

equinox نقطهٔ اعتدال، زمانی که طول شب و روز برابر است.

equipalent days in ice = days in ice تعداد روزهای در یخ

equipments تجهیزات، کلیهٔ وسایل لازم برای یک آزمایشگاه خاص

eridanus جوی

erosion, beach فرسایش ساحل در اثر عمل امواج

esca اسکا، طعمه روی زایدهٔ قلابی ماهیان قلابدار (Lophiformes)

escabeche محصولی که با سرخ کردن ماهی در روغن، افزودن پیاز خام، آب کافی، سرکه، مقداری برگ بو و ادویه‌جات تهیه می‌گردد و تا پخته شدن پیاز به آرامی جوشانده می‌شود.

escape hatch دریچه نجات

escarpment پرتگاه ساحلی

Escherichia coli گونه بارز گروههای باکتریهای کلی فرم که در رودهٔ ماهیها و سایر جانوران ایجاد می‌شوند. تعداد موجود در هر غذا نشانگر میزان آلودگی آن می‌باشد و از روی کشت دادن و شمارش کلنی‌ها بررسی می‌گردد، اشریشیاکُلای

Esox lucios **(common pike)** اردک ماهی معمولی



Esox lucios اردک ماهی

essential amino acids اسید آمینه‌های لازم، هر یک از ۸ نوع اسیدهای آمینه که باید در جیره غذایی موجود باشند. سایر انواع اسیدهای آمینه را سیستم موجود می‌تواند بسازد.

essential elements عناصر لازم، هر یک از ۲۰ عنصری که وجود آنها برای تداوم حیات ضروری است.

estimate by eye تخمین چشمی، تخمین زدن با چشم، برآورد ظاهری و تقریبی ارزش تعداد، مقدار، وسعت و ...

estivation خواب (رخوت) تابستانی ماهی

estuary دهانهٔ یک خور بزرگ که جزر و مد روی آن جریان دارد. مصب رودخانه، دهانهٔ رودخانه، منطقه‌ای که آب شور و شیرین بصورت مخلوط و با غلظتهای مختلف وجود دارد.

estuary, bar مدخل کم ارتفاع رودخانه‌ای که رسوبات زیادی دارد و توسط امواج دریا جابجا می‌شوند.

estuary, negative مدخلی که آب ورودی آن کمتر از آب خروجی تبخیری است.

estuary, positive or true مدخل واقعی که آب ورودی بیشتر از آب آورده شده توسط مد است. مدخلهای واقعی ممکن است بصورت لبه‌های نمکی (جریان آب شیرین روی آب شور ساحل اقیانوس) (هالوکلاین)، یا تبخیر نمکی (انتقال آب شور به هوا در اثر امواج کوچک) یا مدخلهای مدی که مد قوی با نیروی زیاد خود در لایه زیرین باعث اختلاط لایهٔ آب می‌شود و هالوکلاین شیب کمتری دارد، باشند.

ethoxyquin نوعی آنتی اکسیدان که برای جلوگیری از اکسیده شدن آرد ماهی تهیه شده از ماهیهای چرب بکار می‌رود.

ethylene diamine tetra acetic acid مراجعه شود به EDTA

Euglena نوعی آغازی میکروسکوپی از انواع زئوپلانکتونهای ریز از خانواده Uglenidae



Euphausiaceae راستهٔ سخت پوستان شناگر دریایی

euphotic zone منطقهٔ روشن اقیانوسها، ناحیه پرنور

Eupleurogrammus muticus ماهی یال اسبی (Malayan hairtail)



Eupleurogrammus muticus یال اسبی

Eurasian Deep گودال اوراسیا، بخشی از اقیانوس منجمد شمالی در قطب شمال

Eurasian Plate صفحهٔ پوسته‌ای اروپا-آسیا، بخش بزرگ پوستهٔ زمین زیر اروپا و آسیا که از شرق به دریای ژاپن و از جنوب به ترانشهٔ جاوه (تا ایران، عربستان، ترکیه، یونان و آدریاتیک) محدود می‌شود.

European solar salt نمک آفتابی اروپا، نمک آفتابی که ناخالصیهای آن، از قبیل سولفات آهن، کربنات کلسیم، و سولفات کلسیم، کلرید کلسیم وکلرید منیزیوم، در طی فرآیند تولید جدا شده است.

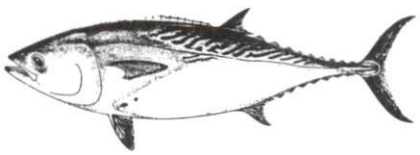
Euryglossa orientalis کفشک ماهی، کفشک شرقی، (oriental sole)

euryhaline موجود شورزی، موجودی که در محیطهای با شوری متغیر یا متفاوت زندگی کند. موجودی که توان تحمل تغییرات وسیع شوری آب را دارد.

eurythermal موجودی که بتواند در طیف وسیعی از دما (آب) زندگی کند.

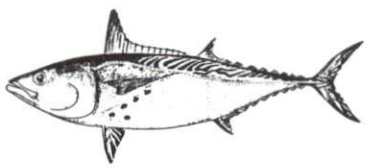
eustatic تغییرات سطح دریا در سرتاسر جهان

Euthynnus affinis زرده، تون نوار پشتی، تون کوچک شرقی، کاواکاوا kawakawa



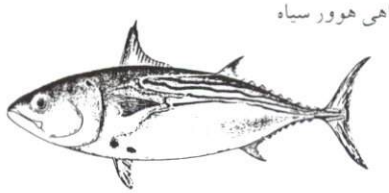
Euthynnus affinis زرده، تن نوار پشتی

Euthynnus alleteratus **(little tunna)** ماهی زرده، تون کوچک



Euthynnus alleteratus ماهی زرده، تن کوچک

Euthynnus lineatus **(black skipjack)** ماهی هوور سیاه



Euthynnus lineatus هوور سیاه

Euthynnus pelamis **(skipjack tuna)** ماهی هوور مسقطی

eutrophic مربوط به دریاچه‌هایی با محتوای اکسیژن پایین در کف آب و غنی از نظر مواد غذایی و گیاهان و جانوران زنده و زایا، در ارتباط با نوعی دریاچه که نشان ویژهٔ آن نسبت بالای حجم لایهٔ بالایی (epilimnion) به لایهٔ پایینی (hypolimnion) است و سرعت رسوب‌گذاری و تولید آن بالاست، آبهای غنی از نظر مواد غذایی، خوب تغذیه شده

eutrophication پیرشدن دریاچه، پدیده‌ای که از طریق آن دریاچه‌های روشن و عمیق باتولید کم به تدریج کم عمق‌تر و زایاتر می‌شوند و در نهایت بطور کامل پژمرده می‌گردند و به سرزمینهای خشک تبدیل می‌شوند.

eutrophic lake دریاچه‌ای که تولید اولیهٔ بالایی دارد.

eutrophy مراجعه شود به eutrophic

evaporated salt = brine evaporated salt نمک تبخیر شده

evaporation تبخیر، ورود بخار آب به اتمسفر که در زیر نقطهٔ جوش آب صورت می‌گیرد.

evaporation loss از دست دادن آب در اثر تبخیر آبیکه در اثر تبخیر از دست رفته است.

evaporite estuary مصبها و آبهای لب شوری که تبخیر بسیار دارند.

evaporites نمکهای تبخیری، نمکهای باقیمانده از تبخیر آب دریا

eviscerate, to درآوردن احشای ماهی

evolution نظریه تحول موجودات زنده، تحول، دگرحالی، دگرگونی

evolution of the oceans تحول اقیانوسها، مراجعه شود به ocean

excavation pond = dugout حوضچه حفاری

exclusive economic zone = EEZ محدودهٔ انحصاری اقتصادی (به طول ۲۰۰ مایل از خط حد جزر)

executive officer فرمانده دوم

exerted به طرف بیرون، بیرونی

Exocoetidae (flying fish) خانوادهٔ پرنده ماهیان بالی ماهیان، خانواده ماهیان پرنده

exotic species گونه‌های غیر بومی برای یک منطقهٔ مشخص، گونه‌های خارجی، گونه‌های وارد شده

expanded scale اشل توسعه یافته

expanding population جمعیت فزاینده، واژهٔ بوم شناختی که به توسعه جمعیت با ویژگی تمایل شدید به اشغال جایگاههای جدید اکولوژیک اشاره می‌کند.

experimental culture تکثیر و پرورش آزمایشی

experimental fishing ماهیگیری تجربی، استفاده از ابزار ماهیگیری برای تعیین ویژگیهای خود ابزار یا واحدهای سازنده آن بویژه از نظر تأثیر آن بر ماهی

experimental introduction بومی کردن (وارد کردن) آزمایشی، معرفی ماهی بطور آزمایشی

experimental pond استخر آزمایشی، استخر تجربی

experimental station ایستگاه تحقیقاتی، محلی که در آن آزمایشها توسعه می‌یابند و با دیدگاه پیشرفت روش و محصول، رهبری می‌شوند.

expired air method تنفس دهان به دهان

expiry date تاریخ انقضاء، تاریخی که قابلیت مصرف غذای دریایی باتمام می‌رسد. معمولاً روی فرآورده نوشته می‌شود.

exploitable age سن بهره‌برداری، سنی که در آن ماهی قابل برداشت از یک منبع است.

exploitable biomass وزن زندهٔ قابل برداشت، زی‌توده قابل صید در اندازهٔ مناسب صید از ذخایر معین، تودهٔ قابل صید

exploitative competition رقابت در امر بهره‌برداری، رقابت صید

exploratory fishing ماهیگیری اکتشافی، استفاده از انواع مختلف ابزار جستجوی ماهی و وسایل ماهیگیری برای تعیین انواع ماهیان موجود در یک منطقه، و بدست آوردن نظری در مورد میزان ذخایر آنها

explosive fishing صید انفجاری

extensive cultivation پرورش غیر متراکم ماهی

extensive culture کشت غیر متراکم، قراردادن جمعیت نسبتاً کم آبزیان در استخرها با مدیریت و توجه محدود

extensive fish culture پرورش ماهی غیرمتراکم پرورش توسعه یافتنی ماهی، کشت ماهی که نیازمند سطح نسبتاً کمی هزینه (در واحد سطح) می‌باشد و غالباً درآمد کمی نیز دارد.

extinction coefficient ضریب انقراض

extinction of light ناپدید شدن نور، وقتی نور به داخل آب نفوذ می‌کند بتدریج ناپدید می‌شود که در اثر جذب و تفرق نور است. میزان نفوذ نور برای همهٔ طول موجها برابر نیست.

extinction, species انقراض گونه‌ها، نابودی گونه‌ها

Extra, E رقم مرغوبیت، بهترین و مرغوب‌ترین غذای دریایی

extractable protein test اندازه‌گیری مقدار پروتئین قابل استخراج از گوشت ماهی، بخصوص ماهی منجمد در محلول رقیق آب نمک

extractive ماده قابل استخراج، هر یک از گروه ماده‌های غذایی که قابلیت انحلال در آب را دارند، غیر از املاح و مواد غیرآلی

extractor خارج کننده، استخراج کننده

extrinsic defect عیوب غیر ذاتی، عیوبی که توسط انسان در ماهی و غذاهای دریایی بوجود می‌آید.

eye مرکز گردباد

Eyemouth cure عمل آوری به روش آیموث، ماهی هاداک سرزده و پخته شده که ستون فقرات آن در طرف راست باقی مانده و به مدت ۱۵ تا ۳۰ دقیقه در شوراب شور شده و دودی رقیق شده است.

eye spot نقطه (لکه) چشمی، رنگدانه فتوسنتزی بعضی از جلبکهای تک سلولی

eyed egg تخم چشم زده، تخم ماهی که چشمهای سیاه جنین آن قابل رویت است.

F

E. coli در یک واحد وزنی مدفوع آبزیان، بعد از قرار گرفتن در درجه حرارت مشخص انکوباتور. از آن بعنوان شاخص کیفیت استفاده می‌شود.

faggot قفسه‌های کوچکی که طی مرحلهٔ خشک کردن در هوای آزاد، ماهیها در طول شب در آنها انباشته می‌گردند.

Fahrenheit Gabriel Daniel (1686 - 1736) گابری‌یل فارنهایت، هواشناس و ابزارساز آلمانی که بواسطهٔ اندازه‌گیری دما و طراحی درجهٔ دماسنج معروف گردید. فارنهایت فیزیک را در هلند، آلمان و انگلیس مطالعه کرد و در سال ۱۷۲۴، در انجمن سلطنتی انتخاب گردید. وی برای درجه‌بندی دماسنج از یخ و نمک برای پایین‌ترین دمایی که می‌توانست ایجاد کند، استفاده نمود و این نقطه را صفر نامید. دومین نقطهٔ مرجع او دمای معمولی بدن انسان بود. سپس او این فاصله را به واحدهای ۱۲ تایی تقسیم کرد. براین اساس نقطهٔ انجماد آب ۳۲ درجهٔ فارنهایت و نقطهٔ جوش آب ۲۱۲ درجهٔ فارنهایت است. مقیاس دمای فارنهایت از

FA = formaldehyde فرمالدئید

FA=fatty acid اسید چرب

face رویهٔ ماهی، طرف گوشتی ماهی دو نیمه شده

factor عامل، عمل یا هر نیرویی که منجر به یک نتیجه می‌شود. مانند عوامل فیزیکی، شیمیایی و زیستی

factory کارخانهٔ عمل‌آوری

factory mothership کشتی مادر کارخانه

factory trawler ترالر کارخانه‌دار

facultative aerobe هوازی فرصت طلب، میکروارگانیسم بی‌هوازی که در شرایط هوازی محدود می‌تواند زندگی کند.

facultative anaerobe بی‌هوازی فرصت طلب، میکروارگانیسمی که می‌تواند در شرایط هوازی یا بی هوازی بطور مطلوب زندگی کند.

faecal coli (*Escherichia coli*) باکتری کُلای موجود در مدفوع

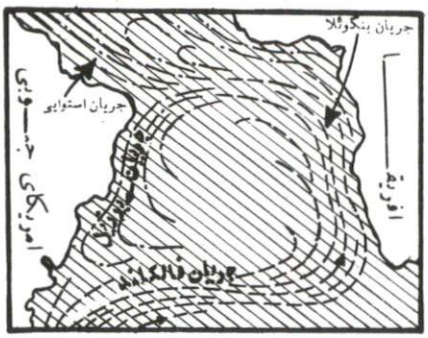
faecal coliform count تعداد کلونیهای

مقیاسی که در بیشترنقاط دنیا بکار می‌رود، بزرگتر نیست. آمریکا و انگلیس دو معترض عمدهٔ این مقیاس می‌باشند. جامعهٔ علمی دنیا از مقیاس سلسیوس استفاده می‌نماید. شاید مهمتر از طراحی مقیاس دماسنج، آزمایشات فارنهایت باشد. وی از مایعاتی به جز آب بعنوان شاخصهای دما استفاده کرد. کوششهای او در زمینهٔ دمای پایین، منجر به استفاده از الکلهای مختلف بعنوان مایعات شاخص گردید که امروزه نیز از الکلها برای این منظور استفاده می‌کنند.

fairway آبراه کشتی، بخش قابل کشتیرانی
یک رودخانه، مسیر عادی یک کشتی، رودخانهٔ قابل کشتیرانی

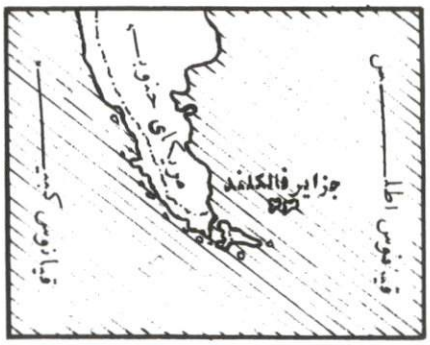
falcate هلالی، داسی

Falkland Current جریان فالکلند،
جریان سرد قطبی که به موازات سواحل شرقی آمریکای جنوبی جاری می‌گردد و با جریان برزیل در حدود ۳۵ تا ۴۰ درجه عرض جغرافیایی تلاقی می‌کند.



جریان فالکلند

Falkland Islands گروهی از جزایر واقع در فلات
قاره سواحل جنوب شرقی آمریکای جنوبی می‌باشند که در کمتر از ۲۰۰ کیلومتری غرب تنگهٔ ماژلان قرار دارند.



جزایر فالکلند

Falklands Plateau فلات فالکلند،
در شرق جزایر فالکلند زیر سطح دریا، فلاتی قرار دارد که عمق آن بطور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از عمق اقیانوس احاطه کننده جزایر می‌باشد و بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر عمق دارد. شیبی عمیق آن را از گودال شرق جزیرهٔ جورجیای جنوبی و لبهٔ اسکاتیا به سمت جنوب جدا می‌کند.

fall chinook salmon شاه ماهی آزاد پائیزه،
ماهی آزاد چینوک با نام علمی
Oncorhynchus tshawytscha

fall cure ماهی کاد شور شده رقیق،
خشک کرده و نرم حاوی نمک و رطوبت بیشتری نسبت به روش «گاسپه» که در اواخر سال در گاسپه و نیوبرانسویک تهیه می‌شود.

falling gear ابزار پرتابی

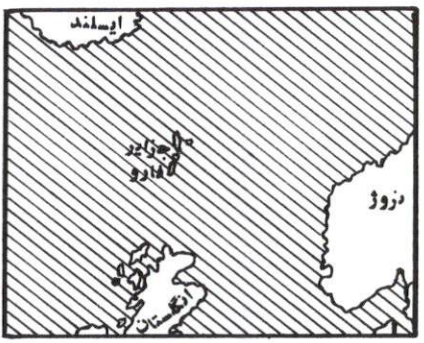
falling nets انواع تور مخروطی شکل
ماهیگیری که در سطح آب انداخته می‌شوند و در حین فرورفتن، ماهیان را در بر می‌گیرند و به دام می‌اندازند، تورهای صیادی پائین رونده

fall overturn وارونگی پاییزی، هم خوردن پائیزی،

بزرگ خوک و گاو که با BOD خیلی بالا مشخص می‌شود.

farm pond استخر مصنوعی پرورش ماهی، معمولاً بین ۰/۱ تا ۲ هکتار یا بیشتر

Faroe Islands جزایر فارو، گروهی از جزایر، که در شمال انگلیس واقع شده‌اند و قسمتی از دانمارک نیز بشمار می‌روند. هفده جزیرهٔ قابل سکونت و تعداد زیادی جزایر کوچک غیر قابل سکونت در گروه فارو وجود دارند. این گروه شامل قله‌های بلند رشته کوههای آتشفشانی و پرتگاههایی با شیب تند و خطوط ساحلی بدون نظم می‌باشد. آب و هوای جزایر به علت وجود چرخش آب گرم آتلانتیک شمالی ملایم است و تقریباً باران و مه روزانه وجود دارد. این جزایر به علت باد مداوم بدون درخت هستند.



جزایر فارو در شمال انگلیس

fast ice یخ چسبیده به ساحل

fat چربی، استرگلیسرینی اسید چرب، در صورتی که در حرارت اطاق بصورت محلول باشد به آن روغن اطلاق می‌شود. بیشتر بصورت ذخیرهٔ غذایی در بدن جانوران جمع می‌شود.

fata moygana سراب، سرابی که روی یخ و آب مشاهده می‌شود.

هم‌خوردنی که در پاییز اتفاق می‌افتد. بهم‌خوردن آب دریاچه‌ها و دریاها در پاییز

false trevally گیش دروغی، چیلا (چابهار)، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ Lactaridae با نام علمی *Lactarius lactarius* طول آن ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر است و از موجودات کفزی تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند و غرب اقیانوس آرام مرکزی وجود دارد. از آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بطور عمده بوسیلهٔ تورهای کشتی کفی، تورهای احاطه‌ای قایقی و دام در آبهای ساحلی تا اعماق ۱۰۰ متری انجام می‌شود.

falt boat نوعی قایق تاشو

FAMOUS = French - American Mid Ocean Under sea

نام مصطلح برای مطالعه محدوده میان اقیانوسی زیر دریا از سوی دانشمندان فرانسوی و آمریکایی است. این هیئت اعزامی در سال ۱۹۷۴ محور پشته میان اطلس (Mid - Atlantic Ridge) راکشف کردند.

fan نوعی تشکیلات زمین شناختی در بستر رود یا مدخل درهٔ ژرف که مشخصهٔ طرح انتشاری مواد رسوبی حاصل از رودخانه می‌باشد. دلتای زیر دریا

fanal فانوس دریایی

F and D مراجعه شود به freight and demurage

fan valley درهٔ بادبزنی

FAO = Food and Agriculture Organization فائو، سازمان خواروبار جهانی

farlands تغارهای بزرگی که شگ ماهی تازه را در آن نمک‌پاشی می‌کنند و چند بار جهت برطرف شدن موکوس می‌گردانند تا سپس احشای آن درآورده شود.

farm manure پهن، نوعی کود حاصل از گله‌های

fat content مقدار چربی،
میزان چربی موجود در ماهی برحسب درصد از وزن بدن، ماهیهای کم چربی (lean) کمتر از یک درصد و ماهیهای پر چربی تا ۳۰ درصد چربی دارند. نرمتنان و سخت‌پوستان حدود ۲ درصد چربی دارند.

fathead minnow ماهی آبنوس کلّه گنده
با نام علمی *Pimephales promelas*

fathogram ارائه گرافیکی قسمت تحتانی اقیانوس، تهیه شده توسط یک عمق سنج. واژه‌ای که به غلط به یک اکوگرام نسبت داده می‌شود.

fathom قولاج، فاتوم، واحد عمق برابر با ۱/۸۳ متر

fathometer عمق سنج، ژرفاسنج

fattening pond استخر پرواربندی،
حوضچه پرورش و تولید، حوضچه یا استخری که در آن ماهی خوراکی تولید می‌شود.

fatty acids (FA) اسیدهای چرب،
مواد شیمیایی که باگلیسرول ترکیب شده و تولید چربی می‌نمایند.

fatty degeneration
شرایطی که در آن سلولهای کارآ و فعال در اندامهای خاصی، در چربی محصور می‌شوند یا توسط چربی جانشین می‌شوند.

fatty fish ۱) ماهی که قسمت عمدهٔ ذخایر چربی آن در عضلات بدنش قرار دارد.
۲) ماهی که به هنگام زنده بودن بیش از ۲ درصد چربی دارد (براساس تعاریف FAO)

fault منطقهٔ شکست در پوستهٔ زمین،
جابجایی توده‌ای از پوسته زمین که در گسلها ایجاد می‌شود. یک تودهٔ جابجا شده معمولاً قطعه‌ای از پوستهٔ زمین محدود به خط راست می‌باشد. یک تودهٔ جابجا شده از پایین به Graben و از بالا به Horst موسوم است.

fault embayment ناحیهٔ فرو رفته بین
دو شکستگی که دریا روی آن قرار دارد.

fauna جانوران، مجموعه جانوران یک منطقه یا اکوسیستم، حیات جانوری مخصوص یک محیط یا ناحیهٔ خاص، زندگی جانوری در زمان بخصوصی در یک مکان معین

faunal فونی، مربوط به جانوران یک منطقه در یک زمان

faunal extinction انقراض مجموعه جانوری، نابودی جهانی گروههای متنوع جانوری در شرایط محیطی که به ظاهر مرتبط هستند.

faunal province محدوده‌ای که ترکیب جانوری خاص و متمایز دارد.

faunal region ناحیهٔ جانوری،
محدودهٔ محیطی و جغرافیایی اجتماعات جانوری

fauna, nutritive مجموعه جانوران غذایی

favorite food غذای مورد علاقه،
غذای دل‌پسند

fazeeq محصول ماهی شور شده رقیق در شوراب

feathering صید تفریحی با قلاب پردار

feather star مراجعه شود به Crinoidea

feather stars مراجعه شود به Echinoderm

fecal pellet فضولات جانوران دریایی
که به وفور در رسوبات یافت می‌شود.

fecundity زادآوری، توان تولید تخم در یک ماهی یا آبزی ماده

fecundity, absolute زادآوری مطلق،
کل تعداد تخمکهایی که توسط یک ماهی ماده تولید می‌شود.

fecundity, high پرتخم، زادآوری بالا

fecundity, low کم تخم، زادآوری پائین

fecundity, relative زادآوری نسبی،
تعداد تخمکهای تولیدی نسبت به واحد وزن مثلاً تعداد تخمک نسبت به هر کیلوگرم وزن بدن

fecundity, spawning تعداد تخمکهایی که
توسط یک ماهی ماده در طول یک‌بار تخمریزی کامل

ریخته می‌شود.

fecundity, work هم‌آوری کاری،
تعداد تخمکهایی که از یک ماهی ماده توسط تکثیر کننده گرفته می‌شود.

feed غذا دادن، تغذیه کردن، گرفتن غذا، دادن غذا

feeder , automatic دستگاه پخش اتوماتیک غذا، غذاده خودکار

feeder beach ساحلی مصنوعی و عریض که با جریان یافتن فضولات رو به سمت سواحل پایین‌تر تغذیه می‌گردد.

feeder canal کانال آبرسانی، کانال برداشت آب

feeder channel مجرای آبرسان، مجرایی که آب را به یک مخزن یا ظرف می‌رساند.

feeder current جریان تغذیه کننده

feeding تغذیه، عمل دادن یا گرفتن غذا

feeding , artificial تغذیه دستی (مصنوعی)

feeding behavior رفتار غذایی، رفتار تغذیه‌ای

feeding coeficient ضریب غذایی

feeding ground بستر تغذیه،
بخشی از کف (بستر) که از نظر غذای قابل دسترس ماهی، غنی است. مکانی که ماهی در آن تغذیه می‌کند.

feeding habits عادات تغذیه، عادات غذایی

feeding mixture مخلوط غذایی،
مراجعه شود به food mixture

feeding of carps تغذیهٔ ماهیان کپور پرورشی

feeding place محل تغذیه، بخشی از بستر تغذیه که ماهی در آن واقعاً تغذیه می‌کند.

feeding ratio ضریب تغذیه، سرعت تغذیه،
نسبت تغذیه، وزن غذای مصرف شده تقسیم بر مقدار افزایش وزن یک حیوان در یک دورهٔ زمانی مشخص

feeding ring حلقه تغذیه، یک استوانه توری ریز چشمه که برای جلوگیری از خروج غذا از قفسهای پرورشی طوری روی جدار داخلی قفس قرار می‌دهند که قسمتی از آن از آب بیرون می‌آید.

feeding value ارزش تغذیه‌ای،
ارزش غذایی غذاهای مختلف، مقدار مواد غذایی موجود در یک غذا که درجهٔ قابلیت هضم آن را بیان می‌کند.

feed pipe لولهٔ تغذیه، لولهٔ ارتباط،
لوله‌ای برای هدایت کردن یا توزیع آب و غیره

feed pyramid هرم غذایی،
مراجعه شود به food chain

feed quotient مقدار غذای لازم

feeds غذاها یا موادی که جانوران از آنها تغذیه می‌کنند.

feedy ماهی چربی‌دار که زیاد تغذیه نموده و امکان فساد سریع آن به دلیل چرب و چاق بودن، بیشتر است. ماهی که در سیستم گوارشی آن مقادیر زیادی آنزیم وجود دارد.

feedy fish ماهی که در روده‌اش غذا وجود دارد.

fee fishing صید در مقابل پرداخت وجه،
صید در استخرهای خصوصی که برای عموم باز است در مقابل پرداخت حق صید. این نوع صید با قلاب بصورت ورزشی انجام می‌گیرد.

felucca نوعی کشتی بادی کوچک قدیمی که در گذشته در مدیترانه شرقی متداول بود. اما، اکنون تقریباً منحصر به رود نیل می‌باشد. معمولاً دارای دو دکل است و به ندرت یک دکل دارد. بادبان آن سه گوش است.

female , ripe ماهی ماده رسیده، ماهی رسیده

fencing trap دام نرده‌ای

fendering system سیستم ضربه‌گیر برای پیشگیری از صدمه به کشتی

ferale ماهی تولید کننده تخم، ماهی تخمساز

ferment مادهٔ تخمیر کننده،
موادی که باعث شکسته شدن مولکولهای زنده بدن ماهی می‌گردند، مثل، آنزیمها و باکتریها

fermented fish paste خمیر تخمیر شدهٔ ماهی، خمیری تهیه شده از ماهی شور که در آب خیسانده می‌شود تا تخمیر یا رسیده گردد. ادویه و مواد رنگی نیز ممکن است افزوده شود.

fermented fish sauce سُس تخمیر شده ماهی، محصول حاصل از هضم و آبگونه شدن ماهی درسته در اثر آنزیمهای موجود در بافتهای آن و عمل میکروارگانیزمهای خاص در حضور نمک

fermented fishery products فرآورده‌های شیلاتی تخمیر شده، محصولات حاصل از اثر آنزیمها و مُیکروارگانیسمها بر روی ماهی و سایر محصولات دریایی در حضور نمک

Ferrel's Law قانون فرل، نیروی کوریولیس، اثر گردش زمین روی جریانهای هوا یا آب که آنها را به طرف راست در نیمکرهٔ شمالی و به طرف چپ در نیمکرهٔ جنوبی می‌چرخاند. مراجعه شود به Coriolis Force

ferry کشتی مسافربری

ferry boat قایقی که بوسیله سیم یا طناب از یک سوی رودخانه به سوی دیگر می‌رود.

fertilization بارور شدن، گشن‌گیری، تلقیح، بکارگیری ماده‌ای که سبب افزایش مقدار تولید خاک یا آب می‌شود، کوددهی

fertilization of ponds پر بذری، کود دادن استخر، بارورسازی استخر

fertilization, polyspermous لقاح پلی‌اسپرمی (نفوذ بیش از یک اسپرماتوزوئید به تخمک)

fertilizer کود، باروران، ماده‌ای که به خاک یا آب افزوده می‌شود تا قابلیت تولید آن را بالا ببرد.

fertilizer, biological کود، کود آلی

fertilizer, chemical کود شیمیایی

fertilizer, mineral کود معدنی = شیمیایی

fertilizer requirement نیاز کودی، نیاز بارورانی، نیاز به کود، مقدار و نوع مواد غذایی مورد نیاز برای بدست آوردن محصول و نتیجهٔ مورد نظر

fertilizing گشن‌دادن، بارورکردن

fessikh مراجعه شود به fazeeq

fetch موجگاه، ناحیهٔ تشکیل موج، ناحیهٔ پیوسته سطح دریا که در اثر وزش باد جهت و سرعت ثابت می‌یابد و حالت ایجاد شدهٔ خاصی به دریا می‌دهد. طول این ناحیه، توسط سرعت بادی که دریا ایجاد می‌کند، سنجیده می‌شود.

fetch length طول موجگاه، طول ناحیه تشکیل موج

fetid متعفن، بدبو، برای نشان دادن بوی بد حاصله از ماهی فاسد

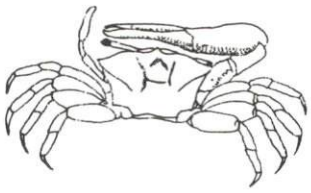
FFA = free fatty acid اسید چرب آزاد

fibered cod fish = shredded cod کاد خرد شده و عمل‌آوری شده

fibrillar protein پروتئین سازندهٔ فیبر، آندسته از پروتئینها که فیبر عضلات را بوجود می‌آورند. برعکس پروتئینهای سازندهٔ سارکوپلاسم و بافتهای پیوندی

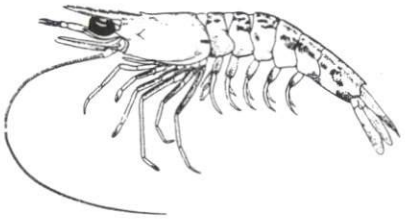
fibrous peat تورب الیافی

fiddler crab خرچنگ ویولون زن، گونه‌ای خرچنگ از جنس *Uca*. این گونه، خرچنگ واقعی است و پای بزرگ متحرکی دارد که مرتبط به یک چنگال گاز انبری می‌باشد. این چنگال بزرگ تنها علامت مشخصهٔ خرچنگ نر است. ماده‌ها پاهای مستقارن دارند. پاهای مذکور در انتخاب جفت و جفتگیری بکار می‌رود.



خرچنگ ویولون زن

fiddler shrimp میگوی ویولون‌زن، گونه‌ای میگو از خانوادهٔ Pennaeidae با نام علمی *Metapenaeopsis stridulans* که حداکثر طول نرها و ماده‌ها به ترتیب ۷/۲ و ۱۰/۵ سانتی‌متر می‌باشد. در اقیانوس هند غربی، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. یک گونهٔ دریایی است که در بسترهای گلی و یا شنی در اعماق بین ۹ تا ۹۰ متر یافت می‌شود. در آبهای ایران از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی میگوگیری، تورگوشگیر، تورهای احاطه‌ای، و دیگر ابزار صید سنتی انجام می‌شود.



میگوی ویولون زن *Metapenaeopsis stridulans*

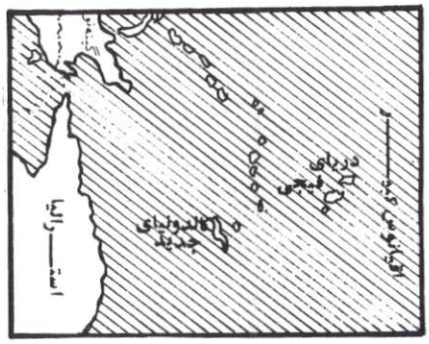
field ice = sea ice یخ دریا

Fierduvs cavalla ماهی گیش مخطط خال‌دار

Fiji گروهی از جزایر جنوب غربی اقیانوس آرام که در حدود ۱۵ درجهٔ عرض جنوبی و ۱۸۰ درجهٔ طول غربی واقع شده‌اند. فی‌جی شامل بیش از ۲۰۰ جزیره می‌باشد، که کمتر از نصف آنها قابل سکونت هستند و جمعیت آن پولی‌نزیایی و ملانزیایی می‌باشند. این جزایر ناحیهٔ مهمی از نظر پناه‌آوردن و منبع خوبی برای تولیدات کشاورزی به شمار می‌روند. از نظر زمین‌شناختی، به علت اینکه ساختار آتلهای این جزایر مرجانی و آتشفشانی نیست جالب هستند، ولی صخرهٔ زیرین قاره‌ای دارند.

Fiji Plate فلات فی‌جی، بخشی کوچک و مجزا از قشر زمین که در اصل به قطب جنوب می‌پیوندد. از این رو جزایر گوناگون و بزرگ این دشت قاره‌ای ترکیبی از مواد آذرین قاره‌ای و لایه‌های رسوبی با مراکز انفجارات آتشفشانی و پوشش مرجانی می‌باشند.

Fiji Sea دریای فی‌جی



دریای فی‌جی

filamentous رشته‌ای، ریسه‌ای

filamentous algae جلبک رشته‌ای، جلبک ریسه‌ای، هر نوع جلبکی که سلولهای آن به یکدیگر چسبیده و رشته‌های مو مانند تشکیل می‌دهد.

fillet فیله، عضلهٔ بریده شده و برداشته شده از یک طرف ماهی به موازات ستون فقرات

filling احشایی که در آن غده‌های تناسلی تا حدودی ایجاد شده‌اند.

filteration صافی کردن، فیلتر کردن، گرفتن ذرات معلق در آب

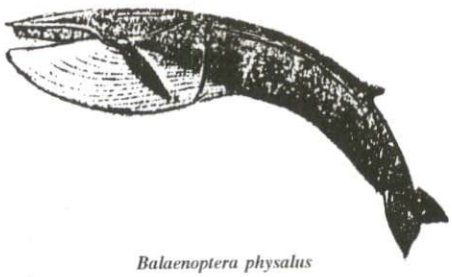
filter feeders صافی کنندگان، آبزیانی که غذای خود را از طریق صافی کردن آب بدست می‌آورد. گروهی از موجودات زنده کف اقیانوس یا شناور که با صافی کردن آب، غذای خود را کسب می‌کنند.

filter net تور فیلتری، تور فیلتر کننده

fimbriate ریشه‌دار، حاشیهٔ ریشه مانند، حاشیه ریشه‌دار

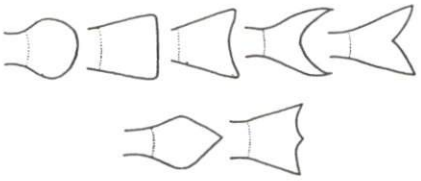
fin باله، اندامی که با آن ماهی تعادل خود را حفظ می‌کند و شنا می‌کند و این اندام دارای غشاء است و با شعاعهایی حمایت می‌شود.

fin back whale بالن سواحل اقیانوس اطلس، وال پشت باله با نام علمی *Balaenoptera physalus*



Balaenoptera physalus

fin , caudal بالهٔ شنای دُمی، باله دمی



انواع باله دمی

findon haddie = findon haddock = finnan haddie = finnan haddi

مراجعه شود به *finnan*

fin, dorsal بالهٔ شنای پشتی

fine grain common salt=crystal salt No.1 نمک بلور درجهٔ ۱

fine meshed ریز شبکه، شبکه ریز، الک ریز چشمه تور ماهیگیری دارای شبکه‌های نسبتاً ریز

fin fish ماهی، هریک از اعضاء ردهٔ ماهیان، این واژه در اصطلاحات شیلاتی در مقابل shellfish که شامل سخت‌پوستان و نرمتنان است بکار می‌رود.

finger lake دریاچه انشعابی، دریاچه‌هایی که روی بسترهای باریک دراز سنگی قرار دارند.

fingerling انگشت قد، بچه ماهی که از fry بزرگتر است ولی بالغ نیست. اندازهٔ آن بسته به گونه‌های مختلف ممکن است بین ۲ تا ۲۵ سانتیمتر باشد. ماهی از مرحلهٔ نوزادی پیشرفته تا یکسال پس از خروج تخم، بدون در نظر گرفتن اندازه ماهی جوان در اواخر سال اول زندگی

fingerling pond استخر پرورش انگشت قد، استخر پرورش بچه ماهیان انگشت قد

finishing food غذای نهایی، غذایی که دو تا چهار هفته قبل از صید برای بازار به ماهی داده می‌شود تا رنگ و بافت مورد نظر را بدست آورد.

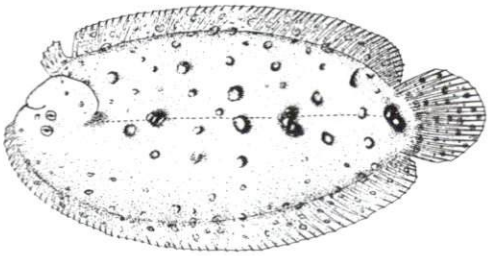
Finland, Gulf of خلیج فنلاند، بازویی از دریای بالتیک به طول ۴۰۰ کیلومتر که بین شوروی سابق و فنلاند قرار دارد. حداکثر عرض آن ۱۳۰ کیلومتر است و عمق آن از ۸ متر تا ۱۰۰ متر تغییر می‌کند. این خلیج از دریاچهٔ Ladoga که قسمتی از آن بوده است، توسط Kareline Isthmus جدا گردیده است. انتهای شرقی خلیج باریک، و عرض تقریبی آن حدود ۱۰ کیلومتر می‌باشد. کف خلیج شنی است و دارای بار زیادی می‌باشد و با یخ سنگین زمستانی، کشتیرانی را مشکل و خطرناک می‌سازد. این خلیج خروجی چندین رودخانه را دریافت می‌کند که بزرگترین آنها Neva است که از لنینگراد عبور می‌کند.



خلیج فنلاند

finless sole کفشک بی‌باله، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ کفشک ماهیان تخم‌مرغی با نام لاتین *Pardachirus marmoratus*. طول آن ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان کف زی تغذیه می‌نماید.

ساکن آبهای کم عمق سواحل شرقی آفریقا می‌باشد. در آبهای ایران، از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی و پره‌ای انجام می‌شود.



کفشک بی‌باله *Pardachirus marmoratus*

finlet بالچه، بالهٔ کوچک

finnan = finnan haddie هاداک شوردودی، هاداک پوست کنده و نیمه شده که بطور جزئی در شوراب، شور شده و به مدت ۶ تا ۷ ساعت دودی سرد گردیده است.

finnan kiln دودخانهٔ ویژهٔ تولید هاداک شور دودی

fin rays شعاعهای باله

fin rot disease پوسیدگی باله ودُم، باله خوره، بیماری فساد باله (عامل آن *Mycobacterium* است).

fins باله‌ها، باله‌های شنا، اعضایی در ماهیان و سایر جانوران دریایی که برای حفظ تعادل، راهنمایی و به جلو رفتن بکار میرود. ۹۷ درصد ماهیان دریایی از نوع ماهیان باله شعاعی هستند. در ماهیان فرابستر زی، باله‌های زوج و باله‌های تحتانی شکمی (در قسمت دم) به عنوان عوامل پایداری و باله‌های دمی، پشتی و سینه‌ای برای توقف و به جلو رفتن بکار می‌روند.

fiord = fjord فیورد، آبدره، یک راه آبی در نواحی کوهستانی یا صخره‌ای که معمولاً تحت تأثیر عمل یخ بستن قرار دارد و یا در گذشته توسط یخ سترک پوشیده بوده است. آب دریا به پرتگاههای ساحلی گود راه یافته است. فیوردها مشخصهٔ خطوط ساحلی نیوزیلند جنوبی، نروژ، شیلی و آلاسکا هستند.

fire dry , to خشک کردن ماهی بوسیلهٔ دودی کردن گرم

fire pit آتشدان، اجاق، قسمتی از دودخانه که آتش در آن است.

first dog watch نگهبان اول (سرشب)

first dorsal fin اولین بالهٔ پشتی ماهی (برای مثال در ماهی کفال)

first feeding fry نوزادی که کیسهٔ زردهٔ آن جذب شده و تازه شروع به تغذیه نموده است.

first filling بسته‌بندی اولیهٔ ماهی شور در بشکه، بطوری که ماهیهای اضافه بر ظرفیت، روی آن انباشته شده و به آن فشار وارد می‌کنند.

first fry pond حوضچه پرورش ماهی، مراجعه شود به nursery pond

first rearing pond مراجعه شود به استخر پرورش ماهی nursery pond

firth بازوی باریک دریا، مصب، خور، برکه ساحل، شاخهٔ باریکی از دریا و نیز محلی که رودخانه از تنگه به دریا وارد می‌شود. مراجعه شود به estuary

fish ماهی (مفرد)، آبزی، آبزیان، ماهیان (جمع)، صید، ماهی گرفتن، صید کردن. ماهیان جانوران خونسردی هستند که ستون فقرات، آبشش و باله دارند و در آب زندگی می‌کنند. علم مطالعه ماهیها را ماهی‌شناسی (ایکتیولوژی) می‌نامند. ماهیها متنوع‌ترین مهره‌داران می‌باشند که در حال حاضر حدود ۲۶۰۰۰ گونه از آنها شناسایی گردیده و بنابه نظر دانشمندان حدود ۴۰،۰۰۰ گونه از آنها در آبهای جهان زندگی می‌کنند. اندازه آنها از کمتر از یک سانتیمتر (مانند نوعی گاوماهی در آبهای فیلیپین) تا ۲۱ متر (کوسه نهنگ) متفاوت است. بیشترشان شکل اژدر مانند دارند، ولی برخی پهن و یا دارای اشکال متنوع دیگر هستند.

fish abundance فراوانی ماهی

fish barrier مانع یا سد ماهی

fish basket سبد ماهی

fish batch = fish school

fish behaviour عادات رفتاری ماهی، رفتار ماهی

fish bladder بادکنک یا کیسهٔ شنا،
مراجعه شود به air bladder

fish body oil روغن بدن ماهی، روغن گوشت ماهی

fish bone استخوان ماهی، خار ماهی

fish, boneless ماهی بدون استخوان

fish, bony ماهی استخوانی

fish breeder تکثیر کنندهٔ ماهی

fish breeding تکثیر ماهی

fish breeding establishments
تأسیسات تکثیر و پرورش ماهی

fish cake کیک ماهی،
کیک تهیه شده از ماهی شور یا تازه، مخلوط با سیب‌زمینی، تخم‌مرغ و چاشنی

fish capture channel مجرای صید ماهی،
مجرایی در کف یک حوضچه که وقتی آب خارج می‌شود، ماهیها در آن جمع می‌شوند و در نتیجه می‌توان به آسانی ماهی را صید کرد.

fish , carnivorous ماهی ماهیخوار،
ماهی گوشتخوار، ماهی درنده

fish carrier کشتی حمل ماهی

fish,cartilaginous ماهی غضروفی

fish catching box جعبه صید ماهی

fish , coarse ماهی معمولی

fish , cold-water ماهی آب سرد،
ماهی سرد آبی

fish ,collecting pool
حوضچهٔ جمع‌آوری ماهی، بارگیری، مخزنی که ماهیها در طول خشک شدن یک حوضچه در آن جمع می‌شوند.

fish conservation (protection)
نگهداری (حفاظت) ماهی، اعمالی در ارتباط با نگهداری ماهی و جلوگیری از فساد آن

fish,corral ماهی مرجانی، ماهی که در مناطق مرجانی زندگی می‌کند، مراجعه شود به barricade

fish court دیواره‌های توری که اتاقک نگهداری را در یک دام توری تشکیل می‌دهد.

fish crop محصول ماهی، میزان برداشت ماهی ،
محصول، مراجعه شود به yield

fish culture تکثیر و پروش ماهی ،
تولید و افزایش تولید ماهی به روش مصنوعی

fish culture as a subsidiary to agriculture پرورش ماهی در روستاها
توأم با کارهای کشاورزی بصورت درآمد کمکی

fish culture, commercial
تکثیر و پرورش تجارتی ماهی

fish culture in rice fields
پرورش ماهی در برنج زار (شالیزار)

fish cultuer, intensive
پرورش متراکم ماهی (توأم با کود و غذادادن)

fish culturist پرورش دهندهٔ ماهی،
کسی که در کشت ماهی یا کشت آبی کار می‌کند.

fish - cum - duck culture
پرورش توأم ماهی و اردک

fish curing salt mixture
نمک مخلوط، نمک مخلوط با نگهدارنده‌های شیمیایی که برای جلوگیری از رشد باکتریهای قرمز نمک دوست و سایر موجودات فاسد کننده به کار می‌رود.

fish dams سدهای ماهی

fish demersal ماهیان کفزی، ماهیان عمقی

fish detection ماهی‌یابی، ردیابی ماهی

fish diseases بیماریهای ماهی

fish - diverter منحرف‌کنندهٔ ماهی،
ابزاری الکتریکی برای تولید میدان الکتریکی در یک

منطقهٔ خاص (نزدیک سدهای قوی) برای منحرف کردن ماهی و جلوگیری از ورود آن

fish drier ماهی خشک کن،
دستگاه مورد استفاده برای خشک کردن ماهی بطور خودکار و تحت شرایط دما، رطوبت و جریان هوای تنظیم شده.

fish dynamics پویایی ماهیان، دینامیک ماهی

fish egg تخم ماهی

fish enemies دشمنان ماهی

fish farm مزرعهٔ پرورش ماهی،
کارگاه پرورش ماهی، تشکیلاتی که در آن پرورش ماهی انجام می‌گیرد.

fish farmer پرورش دهندهٔ ماهی

fish farming پرورش ماهی

fish feed تغذیه ماهی

fish feeder دستگاه تغذیهٔ ماهی

fish fence نرده یا دیواری برای هدایت ماهی به استخر یا محل ماهیگیری

fish finding ماهی‌یابی

fish finger زبانه ماهی،
قسمت عمل‌آوری شدهٔ ماهی به شکل مستطیل، که طول آن سه برابر عرض آن است و از یک بلوک گوشت منجمد عمدتاً به وزن ۱۸ گرم بریده شده و با سوخاری پوشیده شده، در روغن سرخ شده و منجمد می‌گردد و به همان حالت به فروش می‌رسد.

fish flesh = fish meat گوشت ماهی

fish food غذای ماهی

fish food organisms موجودات غذایی ماهی

fish food technology تکنولوژی تولید غذای ماهی

fish, fresh fatty ماهی تازه، چاق و چرب

fish garth مانع یا سدی در رودخانه یا ساحل دریا برای حفظ و نگهداری ماهی

fish genetics ژنتیک ماهی، توارث ماهی

fish grading رقم‌بندی ماهی، درجه‌بندی ماهی

fish grating سد بندی جهت صید ماهی

fish grids شبکهٔ فلزی مانع عبور ماهی

fish growth rate میزان رشد ماهی، نرخ رشد ماهی

fish hatchery تفریخگاه ماهی، هَچری

fish, herbivorous ماهی گیاهخوار

fish hold انبار ماهی

fish hook قلاب برای صید ماهی

fish house انبار ماهی،
اصولاً به انبار ماهی شور گفته می‌شود. در آمریکا به هر جایی که ماهی برای طی مراحل بعدی، آماده می‌گردد، اطلاق می‌گردد.

fish in bulk جمله‌ای، همینطوری، بیطرف

fish in round = round fish
ماهی درستهٔ پاک نشده

fish - kill مرگ و میر ماهی،
کشته شدن یا مردن ماهیها، مرگ انبوه ماهیان به دلایل متعددی، مانند کاهش اکسیژن، وارد شدن سموم مختلف، یا بیماریهای عفونی و غیره

fish ladder پلهٔ عبور ماهی (در سدها)،
نردبان ماهی، مجموعه‌ای از عوامل قادرسازی به بالا رفتن از یک سد هیدرولیک (آبی)

fish length طول ماهی

fishless بدون ماهی، فقدان ماهی، نداشتن ماهی

fish lift بالابر یا آسانسور ماهی (در سدها)،
گذرگاهی برای بالا بردن ماهی بر روی یک سد آبی و عبور دادن آن به پشت سد

fish line خط ماهیگیری، ریسمان ماهیگیری

fish - liver oil روغن کبد ماهی،روغن ماهی

fish louse شپشک ماهی‌از جنس *Argulus*

fish, low fat ماهی کم چربی

fish management ماهیداری،
مدیریت در امر ماهی

fish manure کود ماهی

fish marking علامت گذاری ماهی

fish maw کیسهٔ شنای ماهی

fish meal آرد ماهی

fish meat = fish flesh گوشت ماهی

fish migration مهاجرت ماهی

fish, migratory ماهیان مهاجر

fish mite کرم ماهی،

کرم انگلی که ماهی شور را آلوده می‌کند.

fish oil روغن ماهی

fish, ornamental ماهیان زینتی

fish park چراگاه ماهی

fish pass = fish way ماهی گذر، گذرگاه ماهی

fish paste خمیر ماهی،

مخلوط ماهی و نمک آسیاب شده نرم کم رطوبت، که در ظرف شیشه‌ای یا قوطی کنسرو سترون و بسته‌بندی شده است. محصول تخمیر نمی‌شود و بعنوان جزئی از ساندویچ بکار می‌رود.

fish, pelagic ماهیان پلاژیک (آبهای باز)

fish pests آفات ماهی

fish planting ماهی دار کردن

fish poisoning صید توسط مسموم کردن

fish pole میلهٔ ماهیگیری،

مراجعه شود به fishing rod

fish pond استخر پرورش ماهی،

حوضچه‌ای که در آن ماهی نگهداری یا پرورش داده می‌شود.

fish pond desication

تخلیهٔ استخر ماهی، خشکاندن استخر ماهی

fish pond farming

پرورش ماهی در استخر

fish pond management

مدیریت استخر پرورش ماهی

fish pond well چاهک استخر پرورش ماهی

fish population جمعیت ماهی

fish population dynamics

پویایی جمعیت ماهی

fish population sampling

نمونه‌برداری از جمعیت ماهی

fish pot تلهٔ ماهی، گرگور،

fish, predatory ماهیان ماهیخوار، درنده،

دام سبد مانندی برای صید ماهی؛ بویژه مارماهیان و خرچنگهای گرد یا دراز

Fish Protein Concentrate = F P C

پروتئین متراکم ماهی، هر نوع آرد ماهی بی‌تغییر که برای مصارف انسانی تولید می‌شود و میزان پروتئین آن بیشتر از ماهی اصلی است. بصورت دانه‌ای و یا آرد درست می‌شود و آب و چربی آن از طریق قراردادن در مواد حلال چربی و گیرنده آب گرفته می‌شود.

fish pumping صید با پمپ، جابجا کردن ماهی با پمپ

fish , raw ماهی خام

fish - rearing پرورش ماهی،

کشت و پرورش ماهی

fish rearing station ایستگاه پرورش ماهی

fish, recoveries of tagged

صید مجدد ماهیان علامت گذاری شده

fish, releases of tagged

رهاسازی ماهیان علامتگذاری شده

fish resources منابع ماهی، ذخایر ماهی

fish - rice culture

کشت توأم ماهی و برنج

fish, round

ماهی کامل (بُریده و شکم زده نشده)

fish sauce = fermented fish sauce

سس ماهی

fish school گلهٔ ماهی، دسته ماهی

fish schooling گله‌بندی ماهی، دسته شدن ماهیها

fish screens, electric

شبکه الکتریکی جهت صید ماهی یا جلوگیری از عبور ماهی

fish, secondary ماهیان جنبی

fish seed بذر ماهی، تخم ماهی

fish shelter پناهگاه ماهی، چراگاه ماهی

fish size limit محدودیت اندازه صید ماهی

fish skin پوست ماهی

fish sorting رقم‌بندی ماهی

fish sound صدای ماهی

fish - spear نیزه ماهی مراجعه شود به spear

fish specialist کارشناس ماهی، متخصص ماهی

fish stock ذخایر (ذخیره) ماهی،

موجودی ماهی (استخر)، آبزیان یک گونهٔ معین که در یک ناحیه معین زندگی کرده و از نواحی یکسان تخمریزی و تغذیه استفاده می‌کنند.

fish, tagged ماهی علامتگذاری شده

fish tagging علامت گذاری ماهی

fish tail دم ماهی

fish tank مخزن ماهی، حوضچه ماهی

fish trap قفس ماهی، دام ماهی

fish, tropical ماهیان مناطق گرمسیری

fish wandering مهاجرت ماهی، سرگردانی ماهی

fish watch نظارت بر گذر ماهی

fish water way آبگذر ماهی

fish way گذرگاه ماهی، راه‌گذر ماهی،

گذرگاه مصنوعی برای عبوردادن ماهی از زیر سد به بالای سد، مراجعه شود به fish lift و fish ladder

fish weight وزن ماهی

fish weir بند یا سد ماهیگیری ،

سیمی که برای نگهداری یا محافظت ماهیها بر روی رودخانه قرار می‌گیرد.

fish well چاهک نگهداری ماهی ،

حوض جهت زنده نگه داشتن ماهی ، چاه ماهی

fish wheel گردونهٔ صید ماهی

fish, white ماهیان سفید

fish wood = katsuobushi

چوب ماهی، فیله عمل‌آوری و خشک شدهٔ تون ماهیان

fish worm کِرم مورد استفاده برای صید ماهی

مراجعه شود به worm، کِرم ماهی

fisher ماهیگیر

fisheries شیلات، مجموعه صید، صیادی،

عمل‌آوری، تولید و عرضه فرآورده‌های آبزی

fisheries biologist زیست شناس شیلاتی

fisheries biology زیست شناسی شیلاتی

fisheries conservation حفاظت آبزیان

حفاظت آبزیان شیلاتی، بخصوص انواع دریازی

fisheries cooperatives تعاونیهای صیادی

fisheries development planning

برنامه‌ریزی توسعهٔ شیلات

fisheries expert کارشناس شیلات

fisheries hydrography آب‌نگاری شیلاتی،

اقیانوس‌نگاری شیلاتی نیز نامیده می‌شود.

fisheries , hypersaline

ماهیگیری (ماهیداری) در آبهای خیلی شور

Fisheries, Iranian شیلات ایران

fisheries management مدیریت شیلاتی

fisheries oceanography اقیانوس شناسی

شیلاتی، مطالعه و کاربرد اقیانوس‌شناسی (اقیانوس نگاری) دریانوردی، هواشناسی، و اکولوژی محیط آبی جهت حل مشکلات معین کاربردی می‌باشد. بررسی مشکلات عملی در رابطه با توان تولیدی اقیانوسها یا ذخایر شیلاتی اقیانوسها، رفتار انواع گونه‌های مختلف، موجودیت ماهی و دیگر آبزیان دریایی قابل صید و اثرات شرایط اقیانوسی و هواشناسی بر عرصه‌های هدایت صیادی

fisheries research تحقیقات شیلاتی

fisherman ماهیگیر، صیاد

fishermen ماهیگیران، صیادان

fishermen training آموزش صیادان

fishery صید، ماهیگیری،
کلیهٔ فعالیتهای مرتبط با برنامه‌ریزی کشت و توسعهٔ ماهی در آبهای شیرین و شور مثلاً مدیریت منابع ماهی

fishery administrator مدیر امور صید

fishery biology زیست شناسی شیلاتی،
علمی که با بهره‌برداری از آبزیان دریایی و آب شیرین توسط انسان سر و کار دارد.

fishery dynamics پویایی ذخایر شیلاتی

fishery laws and regulation
قوانین و مقررات شیلاتی

fishery management مدیریت شیلاتی،
مدیریت صید ماهی، فعالیت و علم افزایش سالانهٔ تولیدات طبیعی آبها، برای استفاده‌های تجاری بیشتر

fishery products فرآورده‌های شیلاتی،
تولیدات شیلاتی قابل عرضه به بازار شامل تولیدات حاصله از ماهی، سخت‌پوستان، نرم‌تنان و غیره

fishery protection حفاظت ذخایر شیلاتی،
حفاظت ذخایر ماهیان، شکلهای خاص تنظیم یا نگهداری که به وسیلهٔ حکومت یا نمایندگان مختلف آن برای تشویق یا نگهداری ویژگیهای بنیادی ماهیگیری استفاده می‌شود.

fishery research craft
کشتی تحقیقات شیلاتی

fishery resources منابع شیلاتی، ذخایر شیلاتی

fishery salt نمک تبخیری مرطوب، با اجزای
تا اندازهٔ ۶ و بطور متوسط ۳ میلیمتر. در آمریکا درجهٔ خلوصی از نمک دانه درشت بدون کلسیم و منیزیوم است.

fishery stock ذخایر شیلاتی،
مراجعه شود به ذخایر تجارتی commercial stock

fishery stock assessment
برآورد ذخایر شیلاتی

fishery, sturgeon مدیریت، صید،
عمل آوری و عرضه ماهیان خاویاری

fishery zone منطقهٔ ماهیگیری

fishing صیادی، ماهیگیری، صید،
صید ماهی به منظور سود، ورزش یا هر دلیل دیگری

fishing area منطقه صیادی،
یک آبگیر ویژه (یا بخشی از آن) یا مجموعه‌ای از آبگیرها در درون منطقهٔ ماهیگیری

fishing boat قایق ماهیگیری، قایقی که برای
فعالیتهای مرتبط با ماهیگیری بکار می‌رود.

fishing efficiency کارایی (بازده) ماهیگیری،
نسبت تعداد ماهیهای صید شده، به تعداد موجود در یک منطقهٔ صیادی

fishing effort تلاش ماهیگیری،
ترکیبی از زمان و ابزارها که بتوانند به آسانی استاندارد شوند. کل ابزارهای ماهیگیری برای استفاده در یک دورهٔ خاص زمانی

fishing, electric صید ماهی با الکتریسیته

fishing, exploitation بهره‌برداری ماهیگیری ،
ترکیب روشها و فعالیتها با هدف صید ماهی (یا سایر مقاصد مدیریتی) با استفاده از دامهای مختلف و یا ابزار گوناگون ماهیگیری

fishing gear ابزار صید

fishing gear accessories ابزار جانبی
ماهیگیری تجاری، وسایل ماهیگیری که در ماهیگیری تجارتی به کار می‌رود.

fishing gear technology تکنولوژی ابزار صید

fishing ground محدوده ماهیگیری، صیدگاه،
مناطق صید، بخشی از یک آبگیر که بویژه برای فعالیتهای صید ماهی مناسب است.

fishing grounds development
توسعه مناطق صیادی

fishing hurdles سد، چپر، یا کلهام ماهیگیری

fishing industry صنعت ماهیگیری،

صنایع وابسته به ماهیگیری

fishing intensity شدت ماهیگیری، میل به توسعهٔ ماهیگیری که بصورت واحدهای استاندارد شده‌ای از فعالیتهای ماهیگیری در یک سطح معین، بیان می‌شود.

fishing laws قوانین ماهیگیری

fishing legislations ضوابط صید، قوانین صید

fishing line نخ ماهیگیری، نخی (ریسمانی) با یک قلاب (یا قلابهای متعدد) برای صید ماهی

fishing methods روشهای صید

fishing mortality مرگ و میر ناشی از صید، مرگ و میر در اثر فعالیتهای ماهیگیری

fishing mortality coefficient ضریب برداشت (مرگ و میر) ماهی در اثر صید

fishing mortality rate نرخ برداشت (مرگ و میر) ماهی در اثر صید

fishing net تور ماهیگیری، تور بزرگ صید ماهی، دام ماهیگیری

fishing operations عملیات صیادی، دنبال کردن ماهی و صید واقعی آن

fishing period فصل صید، دورهٔ ماهیگیری، بخشی از فصل ماهیگیری که اختصاص به صیدگونه‌های مشخص و یا ابزار مخصوص ماهیگیری و روشهای خاص دارد.

fishing pit حفره‌های موجود در کف آبگیر که ماهیها، بویژه در فصل زمستان، در آن جمع می‌شوند و به آسانی می‌توان آنها را صید کرد.

fishing place محل ماهیگیری

fishing region ناحیهٔ ماهیگیری،ناحیهٔ نسبتاً بزرگی از یک کشور با بدنه‌های آبی فراوان، که در آن قوانین خاص معمول ماهیگیری اجرا می‌شود.

fishing regulations ضوابط و مقررات ماهیگیری

fishing research vessel شناور صیادی تحقیقاتی

fishing right (s) امتیاز ماهیگیری، حق (حقوق) ماهیگیری، مجوزهای صیادی، حق قانونی ماهیگیری در یک منطقه مشخص، طی یک دورهٔ زمانی محدود

fishing rod چوب ماهیگیری، میلهٔ قلاب ماهیگیری

fishing season فصل ماهیگیری، بخشی از یک سال که طی آن صید گونه‌های مختلف ماهی با ابزار و روشهای مختلف انجام می‌شود.

fishing sites حوضه‌های ماهیگیری (صیادی)

fishing stakes چوبهای ماهیگیری

مراجعه شود به stake net

fishing tackle آلات صید، ابزار مورد نیاز ماهیگیری

fishing techniques روشهای صید، فنون صید

fishing time زمان ماهیگیری، زمان واقعی صید ماهی؛ مانند، روز، شب، ماه تمام، مُحاق و ... و نیز مدت ماهیگیری

fishing twine صید با ابزار دوقلو،

مراجعه شود به twine netting

fishing vessels کشتیهای صیادی

fishing waters آبهای با قابلیت ماهیگیری

fishing with troll line ماهیگیری با قلاب،

مراجعه شود به trolling

fishy پُر ماهی

Fistularia petimba ماهی آلاش ـ قیف ماهی

***Fistularia villosa* = red cornet fish** ماهی الچ

Fistularidae خانواده لب لوله ماهیان

fixed davit قایق بالابر ثابت، جرثقیل ثابت

fixed gill net دام گوشگیر ثابت

fixed net تور ثابت

fjord = fiord آبدره، دریاچه ساحلی

flabby گوشت نرم و بدون حالت ارتجاعی

flagellum [flagella جمع] تاژک (تاژکها)

اعضای زایده مانند روی برخی آبزیان تک سلولی که به سرعت و معمولاً بطور منظم حرکت می‌کنند. از نظر ساختمانی شبیه به مژه می‌باشند که در اندازه و تعداد متفاوت هستند. تاژکهای قویتر و بزرگتر با تعداد کمتری نسبت به مژه‌ها وجود دارند.

flag officer افسر دریایی، دریا سالار، دریادار، دریابان

flake ۱) تلوارهٔ ماهی خشک کنی، چهارچوبه‌ای که از شاخه‌های درختان و یا تور سیمی در بالای سطح زمین درست می‌کنند و ماهی شور شده را جهت خشک کردن روی آن پخش می‌کنند.

۲) میوتوم، لایهٔ گوشت ماهی که از لایه‌های دیگر بوسیلهٔ ورقه نازک بافت پیوندی جدا می‌شود.

flake = ide نوعی ماهی از کپور ماهیان

flake box محفظهٔ تلواره‌های ماهی خشک کنی، محفظهٔ مستطیلی شکل با سقف شیبدار که ماهی خشک شده ناقص بر روی تلواره ماهی خشک کنی را در هوای بارانی محافظت می‌کند.

flake cod fish = shredded cod

flake yard محوطهٔ ماهی خشک کنی، محوطه‌ای که تلواره‌های ماهی خشک کنی برای خشک کردن ماهی برپا می‌شود.

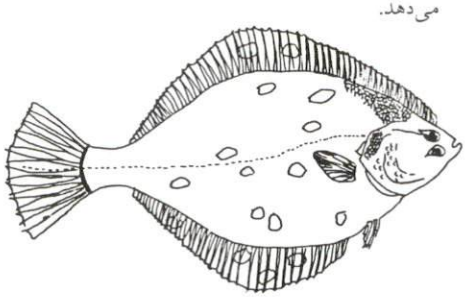
flaps = napes قسمت گوشتی و چاق ماهی در پشت برانشی‌ها

flasher چشمک زن، قلاب ماهیگیری، چشمک زنی که برای جذب ماهی، در بالای طعمه بسته می‌شود.

flash grainer salt نمک تصفیه شده توسط حرارت دادن زیاد شوراب و پاشیدن آن در یک اتاقک یا چلیک، بطوری که کریستالهای ریز جدا شده، و در یک «سطح جمع کنندهٔ مکانیکی» دانه‌ها سقوط می‌کنند.

flat boat قایقی با کف پهن که در آبهای کم عمق و معمولاً روی استخرها بکار می‌رود.

flat fish ۱) ماهیان پهن، نام گروهی از ماهیان ساکن مناطق عمیق دریا که دارای بدنی بدون تقارن، دهان پیچ خورده و یک جفت چشم در دو طرف سر، می‌باشند. بیشتر عمر خود را (۱۲ تا ۳۵ سال) در بستر دریا به سر می‌برند. این ماهیان قدرت تغییر رنگ و هماهنگی با محیط را دارند و می‌توانند به رنگ ماسه، گل و لای یا صخره در آیند. بزرگترین نمونه‌های این ماهیان در اقیانوس اطلس شمالی زندگی می‌کنند. نمونه‌های جوان بدنی متقارن دارند و در حین رشد چشم چپ آنها به طرف بالای سر تغییر مکان می‌دهد و بدین ترتیب ماهی بیشتر به سمت چپ بدن متمایل می‌شود و باله‌های خود را بر روی بخش بالایی قهوه‌ای و سیاه بدن گسترش می‌دهد. رژیم غذایی آنها را خرچنگ، صدف، ماهی کاد و بویژه شگ ماهی تشکیل می‌دهد.



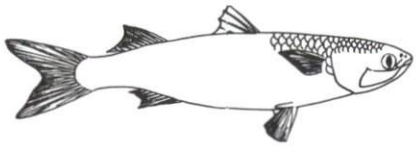
ماهی پهن

۲) سفره ماهی، کوشک (*Heterosomata*)

flathead catfish گربه ماهی سر پهن با نام علمی *Polydictis clivaria*

flathead gray mullet بیاح سر پهن، کفال سر پهن، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ کفال ماهیان با نام علمی *Mugil cephalus* طول آن ۳۵ تا ۹۰ سانتیمتر است. از جلبکهای کوچک (دیاتومه) و فورامینیفرها و سایر مواد آلی (بصورت زنده و یا غیر زنده) تغذیه می‌نماید. در تمامی منطقهٔ اقیانوس هند غربی وجود دارد. این ماهی به صورت گله‌ای زندگی می‌کند. گاهی از داخل آب به بیرون می‌جهد. دسته‌های بزرگتر آن در زمان تخم‌ریزی (پاییز و اوایل زمستان) تشکیل می‌شوند. این ماهی قادر به زندگی در

استخرهایی با شوری ۸۷ درصد می‌باشد. در آبهای ایران، از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن با تورهای گوشگیر، پرتابی، نرده‌ای یا حصاری، بالاکش و یا تور ساحلی گردان انجام می‌شود.



ماهی کفال سر پهن *Mugil cephalus*

flathead locust lobster

شاه میگو یا لابستر سر پهن از خانوادهٔ Scyllaridae با نام علمی *Thenus orientalis*. حداکثر طول کاراپاس ۸ سانتیمتر و طول کلی بدن ۱۵ سانتیمتر می‌باشد. پراکندگی آن از ساحل شرقی آفریقا، تا منطقه گرمسیری استرالیا می‌باشد. در بسترهای نرم (گلی و یا شنی، بعضی مواقع مخلوط با صدفها و یا ریگ) و در اعماق بین ۸ تا ۷۰ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران، از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای میگو گیری و غواصی انجام می‌شود. این شاه میگو فاقد پنس است.



شاه‌میگوی سر پهن *Thenus orientalis*

flathead mullet مراجعه شود به flathead gray mullet

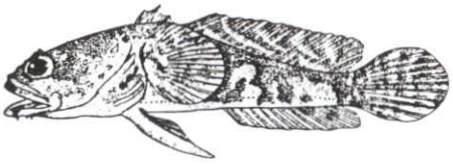
flat needle fish ماهی گرگم، سوزن ماهی مسطح، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ سوزن ماهیان با نام علمی *Ablennes hians*. طول آن ۷۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر است. از ماهیان کوچک تغذیه می‌نماید. در سرتاسر آبهای آفریقای جنوبی، دریای سرخ، دریای عمان، خلیج فارس و هندوستان زندگی می‌کند. بیشتر با قلابهای کششی سطحی با طعمه، تورهای پرتابی (سالیک)، تورهای شناور و احاطه‌ای صید می‌گردد.



گرگم ، سوزن ماهی مسطح *Ablennes hians*

flat oyster (*Ostrea edulis*) اویستر معمولی، اویستر پهن، اویستر اروپایی

flat toadfish قورباغه ماهی پهن، وزغ ماهی پهن گونه‌ای ماهی با نام علمی *Austrobatrachus dussumieri* طول آن ۲۰ تا ۲۷ سانتیمتر است. در تمام طول سواحل پاکستان، هندوستان و سریلانکا یافت می‌شود. بسترهای گلی را برای زندگی ترجیح می‌دهد. در ایران، از آبهای خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. بوسیلهٔ قلاب، ریسمان، تور کششی و بطور اتفاقی صید می‌گردد.



قورباغه ماهی پهن *Austrobatrachus dussumieri*

flat worm کرم پهن

flavour طعم و مزه، ویژگی کیفی ماهی که از طریق چشیدن و یا بوئیدن و چشیدن، مشخص می‌شود.

flavouring مزه دادن، افزایش مواد طبیعی یا مصنوعی به غذای عمل‌آوری شده برای ایجاد مزه، عوض کردن مزهٔ موجود

flavour profile بررسی کیفیت مزه،

بررسی از روی بررسیهای فردی انجام شده و عوامل جداگانه‌ای که مزه به آنها بستگی دارد.

fleck herring شگ ماهی دو نیمه شده از پشت، شبیه «هرینگ کیپر شده» که به روش «بوکلینگ» دودی شده است.

fleet ناوگان

fleet admiral دریا سالار (پنج ستاره)

flesh fin بالهٔ چربی، مراجعه شود به adipose fin

flexure میزان خم شدن، بررسی کیفیت ماهی درستهٔ تازه، از روی میزان خم شدن آن

FLIP = Floating Instrument Platform یک وسیلهٔ مورد استفاده برای ساختن علائم شنوایی در اقیانوس است. این وسیله توسط مؤسسه اقیانوس‌نگاری اسکریپس (Scripps) در کالیفرنیا طراحی گردید.

flipper قوطی کنسروی که به دلیل فساد مواد داخل آن دارای کمی فشار است. اگر یک سر قوطی فشار داده شود، طرف دیگر متورم می‌شود و بر عکس

float شناور، هر چیز شناوری که به تور یا ریسمان ماهیگیری متصل می‌شود و مانع از فرو رفتن آن در آب می‌گردد.

floatage = flotage شناوری

floatation = flotation شناوری

floater جسم شناور

float fishing صید با شناور

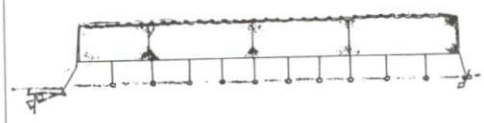
floating aquatic plants گیاهان شناور آبزی، گیاهانی که تمامی و یا قسمتی از آنها بر سطح آب شناور است و گاهی به کف نچسبیده‌اند.

floating capacity قدرت شناوری

floating dock حوضچه شناور تعمیر کشتی

floating fish box جعبه شناور در آب برای نگهداری ماهی

floating gillnet تور گوشگیر شناور



تور گوشگیر شناور

floating island جزیرهٔ شناور و مصنوعی

floating pens آغل پرورش ماهی شناور

floating plant گیاه شناور در آب، گیاهانی که با برگهای خود روی آب شناور مانده و فاقد ریشه هستند.

floating rafts کلکهای شناور پرورش نرم‌تنان

floating staff کارکنان دریایی، کارکنان روی عرشه

floating trap مشتای شناور

float line طناب شناور، خط شناور پره، دام و غیره

float plane هواپیمای دریایی، هواپیمای آبی

flocculent چسبیده به هم، درست شده از ذرات ریز چسبیده به هم

floe قطعهٔ نسبتاً پهنی از یخ شناور که اندازهٔ آن بین ۲۵ سانتیمتر تا بیش از یک کیلومتر متغیر است.

flood سیل

flood current سیلاب، جریان سیلابی، جریان جزر و مدی همراه با افزایش ارتفاع یک جزر و مد. این گونه جریانها بطور معمول به سمت ساحل حرکت نموده و یا در جهت پیشرفت یک جزر و مد ادامه می‌یابند.

floodgate سیل‌گیر، دریچهٔ سد

floodplain دشت سیلابی

floodtide سیل، طغیان آب، مد، وضعیت فاصله زمانی آب دریا بین حد پایین و حد بالایی بعدی آن

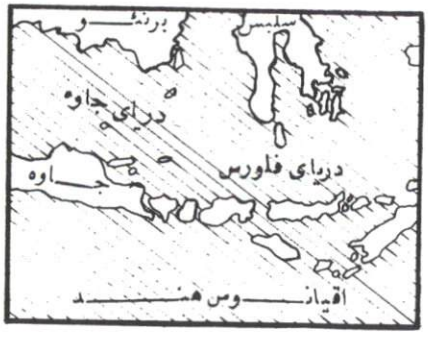
floodwater سیلاب

flora مجموعه گیاهی یک اکوسیستم، گیاهان خاصی که در زمان معینی در مکان خاصی قرار می‌گیرند، پوشش گیاهی

Flores Sea دریای فلورس،

این دریا در بخش غربی اقیانوس آرام، بوسیلهٔ جزایر فلورس ، کرمورو، و باتنا از اقیانوس هند جدا می‌شود. مساحت : ۱۲۱،۰۰۰ کیلومترمربع، حجم : ۱۲۱،۰۰۰ کیلومتر مکعب ، عمق متوسط : ۱۸۲۹ متر.

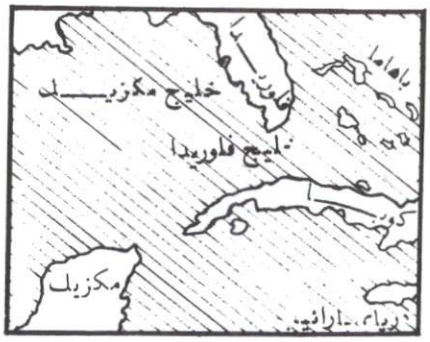
بستر این دریا بوسیلهٔ آبشخور فلورس پوشیده شده است که حداکثر عمق آنها ۵۱۴۰ متر می‌باشد. رسوبات کف آن شامل گل و لای تریژنوس و آتشفشانی است که از طریق فرورفتگی‌های مالاکا و باندا، آب اقیانوس آرام به این دریا وارد می‌شود. دمای آب سطحی آن در نیمکرهٔ جنوبی حدود ۲۶ درجهٔ سانتی‌گراد در زمستان و ۲۹ درجهٔ سانتی‌گراد در تابستان می‌باشد.



دریای فلورس

Florida Bay خلیج فلوریدا،

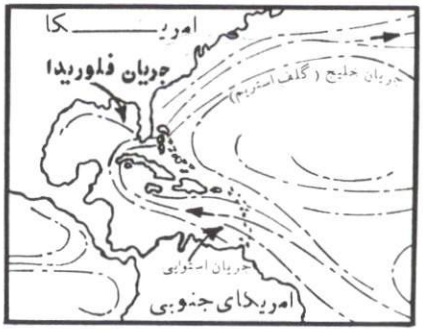
قسمتی از آب انتهای جنوبی شبه جزیرهٔ فلوریدا، که در مرز جنوبی آن رشته‌ای از جزایر کوچک موسوم به Florida Keys قرار دارند.



خلیج فلوریدا

Florida Current جریان فلوریدا، روان آب

فلوریدا، جریان سریعی با سرعت ۲ تا ۵ گره دریایی که از طریق تنگهٔ فلوریدا به جریان آنتیل می‌پیوندد و تشکیل جریان گلف‌استریم را می‌دهد. این جریان تا کانال یوکاتان ادامه داشته و اثرات آن بطور کامل مشهود است. قسمت اعظم جریان مزبور، کانال را در جهت حرکت عقربه‌های ساعت دور زده و دوباره به سوی تنگه‌های فلوریدا باز می‌گردد.



جریان فلوریدا

flotage جسم مواج و شناور

flotilla ناوگان کوچک

flotsam کالای آب آورده، آب آورد

flounder ماهی پهن دریایی

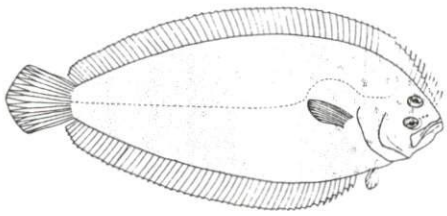
از راستهٔ Pleuronectiformes که اغلب برای تغذیه صید می‌شوند. دارای دو خانواده که عبارتنداز :

۱) راست بین Pleuronectidae

۲) چپ بین Bothidae

در خانوادهٔ اول چشم راست مهاجر، و در گروه دوم چشم چپ مهاجر است. گروه اول دارای حدود ۱۰۰ گونه است که در آبهای شمال ،عرضهای میانه ،و آبهای قطبی یافت می‌شوند. همهٔ افراد این گروه از نظر تجاری حائز اهمیت هستند.

خانوادهٔ Bothidae حدود ۲۰۰ گونه دارد که ساکن آبهای گرمتر هستند و از گروه اول کوچکتر می‌باشند. تعدادی از افراد این خانواده ارزش تجاری دارند.



Paralichthodes algoensis ماهی پهن دریایی

flowing water آب جاری

flow meter جریان سنج،

وسیله‌ای برای اندازه‌گیری سرعت آب، این وسیله معمولاً یک چرخ و یک پروانه (یا rotor) دارد که جریانات انتقالی در هر دقیقه را می‌تواند به یک قسمت مخصوص نشان دهنده (monitoring) بعنوان اندازهٔ سرعت آبی که سبب چرخش پروانه (rotor) می‌گردد، منتقل نماید.

flow of water (through ponds)

جریان آب (در استخر)

flow rate شدت جریان، آب گذر، دبی،

میزان آبی که در واحد زمان از یک نقطهٔ مشخص می‌گذرد و معمولاً بصورت لیتر در ثانیه نشان داده می‌شود. حجم سیلاب ضربدر مقطع عرضی بستر رود

fluctuate موج زدن، روی امواج بالا و پایین رفتن

fluff = shredded cod نوسان داشتن

fluid مایع سیال، روان،

fluidizer مولد دود، شامل یک استوانهٔ عمودی که خاک اره بطور مداوم در آن بوسیلهٔ وزش هوای گرم زده می‌شود. درجهٔ حرارت، کمیت و کیفیت دود کنترل شده است.

fluke ۱) نوعی کرم پهن انگل از ترماتودها جانور بالغ در رودهٔ برخی از انواع ماهیها دیده می‌شود. نوزاد بی‌ضرر در پوست یا زیر آن در بسیاری از ماهیهای تجارتی دیده می‌شود و ایجاد نقاط کف مانند می‌کند.

۲) قلاب لنگر، انتهای دم بالن

fluke bar چنگک قلابدار

flushing time زمان شستشو، زمان ریزش

fluvial = fluviatille رودخانه‌ای، رودخانه زی، مربوط به رودخانه، ماهیانی که در تمام طول زندگی خودشان در آب شیرین رودخانه‌ها زندگی می‌کنند.

fly حشره طبیعی یا مصنوعی که بعنوان طعمه در ماهیگیری بکار می‌رود.

fly , artificial مگس مصنوعی

fly - book کتابچه‌ای برای ثبت حشراتی که به عنوان طعمه ماهیگیری استفاده می‌شوند.

fly casting استفاده از مگس مصنوعی برای ماهیگیری (فن استفاده از حشرات در ماهیگیری)

fly dragging = Scotish seining

پره‌کشی به روش اسکاتلندی با طعمه مصنوعی

fly, fishing ماهیگیری با استفاده از حشرات طبیعی یا مصنوعی به عنوان طعمه

flyhook قلاب ماهیگیری با مگس، چنگک (قلاب) مجهز به یک طعمهٔ حشره‌ای

flying Dutchman مراجعه شود به ghost ship

flying fish ماهیان پرنده از خانوادهٔ Exocoetidae طول آنها کمتر از ۴۵ سانتیمتر است و دارای باله‌های

سینه‌ای پره مانند بزرگی هستند. این ماهیها در آبهای گرمسیری و نیمه گرمسیری یافت می‌شوند.

flying gurnard نوعی ماهی پرنده، ماهی گورنارد پرنده

flying jib بادبان سه گوش کوچک

fly rod میله‌ای قابل انعطاف برای ماهیگیری با حشره

foam کف دریا، حباب آب دریا

foam line خط حباب موج

foamy کف‌آلود

focus ۱) در زلزله شناسی، منبع یک سری امواج قابل ارتجاع را تشکیل می‌دهد.

۲) مرکز واقعی یک زلزله، که در درون آن انرژی نهفته، ابتدا مبدل به انرژی قابل ارتجاع موجی می‌شود (معمولاً این حالت در زیر سطح زمین رخ می‌دهد).

fodder غذاهایی با ارزش غذایی نسبتاً کم

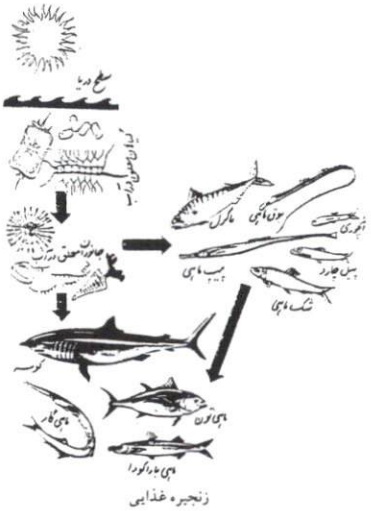
fog مه، مه یک پدیدهٔ هواشناسی است که وقتی محتوای هوا بصورت اشباع ذره‌ای در می‌آید، ایجاد می‌شود. مه معمولاً زمانی که هوای مرطوب گرم با هوا یا آب سرد تماس یابد، ایجاد می‌گردد. دمای برآیند نیروهای تعادلی بین بخار آب و آب مایع موجود راکاهش می‌دهد، که این عمل میعان نام دارد. اگر آب در اطراف غبار یا ذرات دیگر در هوا متراکم شود، مه حاصل می‌گردد. مه تقریباً سیمای ثابتی در بعضی نواحی، خصوصاً در مناطق همگرایی آب با هوای قطبی دارد.

following wind باد پیرو، در پیش‌بینی موج به وزش باد در جهت پیشروی موج اقیانوسی گفته می‌شود.

food غذا، هر گونه ماده‌ای که جذب بدن شود و قادر به زنده نگهداشتن یا تغذیهٔ موجود زنده گردد.

food animal غذای حیوانی، جانوری که غذای جانوران دیگربویژه ماهیها است.

food chain زنجیرهٔ غذایی، وابستگی زنجیره‌ای اعضاء به یکدیگر و نیز به محیطشان می‌باشد. جلبک و سایر موجوداتی که دارای کلروفیل هستند، با استفاده از انرژی خورشید مواد معدنی را از آب گرفته و عمل فتوسنتز را انجام می‌دهند و کربوهیدراتهای حاصل از این عمل را ذخیره می‌نمایند که به نوبهٔ خود توسط موجودات دیگری که مصرف‌کنندگان اولیه نامیده می‌شوند خورده می‌شوند. مصرف‌کنندگان اولیه نیز توسط مصرف‌کنندگان ثانویه خورده می‌شوند و ... در نهایت بقایای این موجودات توسط تجزیه‌کنندگان به مصرف می‌رسد، و بقایای تجزیه شدهٔ آنها به محیط باز می‌گردد.



زنجیره غذایی

food competitive species گونه‌های رقیب، رقبای غذایی

food factor عوامل غذایی

food fish ماهی خوراکی

food fishes ماهی غذایی، ماهیانی که بعنوان غذا برای ماهیهای پرورشی بکار می‌روند.

food hygiene بهداشت غذایی، شرایط لازم برای تولید، نگهداری و توزیع بهداشتی، نگهداری بهداشتی کالای ماهی برای مصارف انسانی

food mixture مخلوط غذایی، غذایی که از مواد اصلی غذایی با مقادیر مناسب و مطابق فرمول غذایی خاص ترکیب یافته است.

food, natural غذای طبیعی

food net = food web شبکهٔ غذایی،
سازگان درهم بافته‌ای از غذاهایی که در چرخهٔ غذایی یک جامعهٔ مشخص، به یکدیگر وابسته‌اند. ارتباطات عوامل زنجیره غذایی با یکدیگر

food poisoning مسمومیت غذایی،
مریض شدن در اثر مصرف غذای آلوده به میکروارگانیزمها یا مواد شیمیایی بیماریزا و یا غذایی که مصرف کننده نسبت به آن حساسیت دارد.

food poisoning organism
عامل ایجاد مسمومیت غذایی که ممکن است بطور مستقیم و یا از طریق ایجاد سم باعث بیمار شدن مصرف کننده گردد.

food pyramid هرم غذایی

food - quotient ضریب غذایی،
بهره‌دهی غذاهای با ارزش غذایی مختلف

food relations ارتباطات غذایی،
ارتباطهای بینابینی موجود در چرخش غذا در یک اکوسیستم مشخص

food requirment نیازهای غذایی،
نیازهای تغذیه‌ای، مراجعه شود به nutritional requirments

food supply غذای حاصله، مجموع کلی موجودات گیاهی، جانوری و تحلیل فرآورده‌های آنها

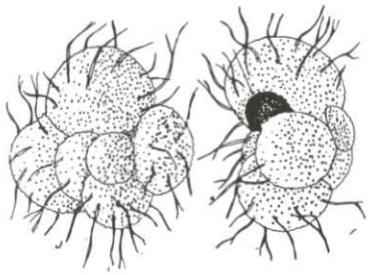
food web ارتباطات غذایی، شبکه غذایی،
مجموعهٔ ارتباطات غذایی موجود در یک چرخه که در هرسیستم طبیعی وجود دارد.

forage علف تَر، علوفه برای تغذیه ماهی

forage fish ماهی که برای تغذیهٔ ماهیهای دیگر پرورش داده می‌شود. گونه‌هایی از ماهیها که به عنوان غذا برای ماهیهای پرورشی نگهداری و یا پرورده می‌شوند.

forage, for fish
علف (علف سبز) جهت تغذیه ماهی

Foraminifera فورامینیفرها،
گروه بزرگی از آغازیان دریایی که بیشترشان دارای لاک یا صدف آهکی یا کیتینی هستند. لاکها بصورت تک حجره‌ای که حجره با رشد جانور انبساط می‌یابد یا چند حجره‌ای با یک سری فضاهای بزرگتر که حیوان داخل آن حرکت می‌کند، می‌باشند. دیوارهٔ بین حجره‌ها سوراخ و لاکها معمولاً رنگی هستند. جنس معروف این گروه، گلوبی ژرینا *(Globigerina)* می‌باشد که اغلب قرمز - قهوه‌ای است اما ممکن است صورتی یا نارنجی تیره نیز باشد. قدمت این موجودات به دورهٔ کامبرین برمی‌گردد. لجن (ooze) کف اقیانوسها که از فلات قاره تا اعماقی در حدود ۴ هزار متر ادامه دارد، حاوی پوسته‌های فورامینیفرها است. اندازهٔ نمونه‌ها در دوره‌های ائوسن و الیگوسن در مقایسه با نمونه‌های عهد حاضر بزرگتر بوده است. بعضی از آنها با جلبکها روابط غذایی دارند و ارتباط با گونه‌های دیگر بصورت همزیستی است. از باکتریها، دیاتومه‌ها و سایر جلبکها تغذیه می‌نمایند. انواع مشخصی از این حیوانات بعنوان سنگواره شاخص بکار می‌روند.



فورامینیفر گلوبی‌ژرینا

foraminiferal ooze رسوبات دریایی که محتوی بیش از ۳۰ درصد کربنات کلسیم بصورت متخلخل و متحجر هستند.

foraminiferan وابسته به فورامینیفرها

forbay آب جمع شده در یک استخر مستقر در بالای یک سد

Forbes, Edward (1815-1854)
ادوارد فوربز دانشمند علوم طبیعی انگلیسی همدوره با

HMS Beacon بود که مناطق مدیترانه‌ای را با نقشه نشان داده بود. در سال ۱۸۴۰ قبل از سفر دریایی Beacon، فوربز حیوانات دریایی سواحل انگلیس را مطالعه کرده و با مدرک ثابت کرده بود که هر گروه از آبزیان در محدودهٔ خاصی از اعماق وجود دارند. سفر دریایی Beacon به او فرصت توسعهٔ این کار را در آبهای عمیق‌تر و گرمتر داد. وی موجودات را با توجه به عمق و انواعی که در کف سکنی دارند به هفت گروه تقسیم کرد. وی بیان کرد که هر گونه قابلیت تحمل اکوسیستم خاصی را دارد، و نمونه‌های عمیق‌تر، از فراوانی کمتری برخوردارند. وی اظهار داشت که حیات گیاهی در عمق ۱۰۰ متر وجود ندارد. زندگی جانوری نیز از عمق ۶۰۰ متر از بین می‌رود. نظریات وی توسط سایر دانشمندان با تحقیقات کاملتر رد شد.

forcastle قسمت جلویی کشتی، سینهٔ کشتی (که در زیر عرشه قرار دارد)

force wave موج ممتد که توسط نیرویی در جهت عکس یک موج آزاد بوجود می‌آید.

fore دماغه

fore and aft سینه و پاشنه کشتی

foredune تلماسه جلودار

forerunner موج پیشرو، موج جلودار

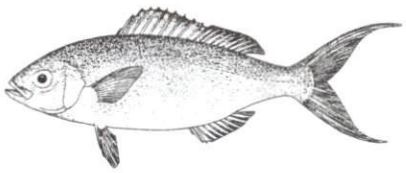
foresail بادبان سینه

foreshore ۱) بادبان اصلی دکل جلو کشتی، بادبان پایین
۲) پیش کناره، بخش ساحلی بین مد پایین و آب پایین معمولی

fore topman جلوی ساحل، موج شکن، کنار دریا

fork fishing صید چنگالی

forktail snapper سرخوی دُم چنگالی، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ سرخوماهیان با نام علمی *Apsilus fuscus*. این ماهی در اقیانوس هند غربی وجود دارد. ساکن اعماق ۳۰ تا ۱۰۰ متری می‌باشد. در آبهای ایران، از دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط قلاب دستی در صخره‌های عمیق مرجانی و سنگی انجام می‌شود.



سرخوی دم چنگالی *Apsilus fuscus*

formaldehyde, FA فرمالدئید، آلدئید ساده با بوی تند که بطور طبیعی به مقدار بسیار کم در بعضی از ماهیان بوجود می‌آید. ایجاد آن می‌تواند در مراحل عمل‌آوری و یا نگهداری بخصوص در سردخانه از طریق تجزیه تری متیل آمین اکسید صورت گیرد.

Formioidae = black pomfrets خانواده حلوا ماهیان، پامْفِرت

Formio niger ماهی حلوای سیاه

forward جلوی کشتی

fossa گود، شیار، گودال

fossil باقیمانده‌ها یا اثرات موجودات زنده یا گیاهان مربوط به دوران زمین‌شناسی باستان که در اثر فرآیندهای طبیعی حفظ شده‌اند.

fouling خراب کننده، ضایع کننده، موجوداتی که با چسبیدن به بدنهٔ کشتی‌ها ظاهر بدی ایجاد می‌کنند. این نوع از اتصال و رشد دریایی، بخصوص برای کشتیها از آنجایی که آنان را از نحوهٔ عمل سودمند باز می‌دارد جدی و خطرناک است. عمل این موجودات سالانه ۵۰۰ میلیون دلار خسارت به کشتیرانی دنیا تحمیل می‌کند. بیشتر این موجودات را بارناکلها تشکیل می‌دهند. سایر موجودات عبارتنداز: هیدرها (Hydroid)، جلبک، کرمهای Cacareas و آبدزدک. این موجودات در دورهٔ نوزادی شناگرهای آزاد هستند و زمانی که کشتی در بندر است خود را به بدنهٔ آن می‌چسبانند و تا زمانی که توسط اصطکاک در اثر حرکت کشتی از آن جدا شوند، در آن مکان باقی می‌مانند و رشد می‌کنند. سه گروه از موجودات دریایی

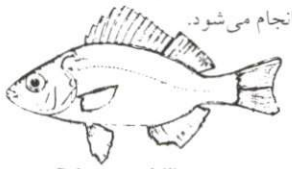
مسئول اصلی خرابی ابزار و ادوات چوبی در دریا عـــــبارتنداز : Toredinidae , Pholadidae و Limnoriidae . راه مبارزه موفقیت‌آمیز با این جانداران استفاده از رنگهای سمی در کشتیها است. این رنگها یا پوششهای پلاستیکی دارای یون مس، قلع، سرب یا جیوه هستند و جانداران را در دورهٔ لاروی مسموم می‌کنند. البته نگرانی اصلی، اثرات بعدی این رنگهای سمی بر روی حیات سایر جانداران و اکوسیستم دریایی است.

foul weather هوای ناجور

fountain سرچشمه، چشمه مصنوعی یا طبیعی

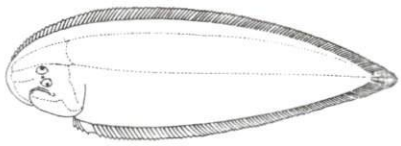
fourfinger threadfin ماهی راشگو چهار نخ گواتر (چابهار)، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ راشگو ماهیان با نام علمی *Eleutheronema tetradactylum* . طول این ماهی ۵۰ تا ۲۰۰ سانتیمتر است. از سخت‌پوستان کوچک و ماهی تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی تا غرب استرالیا وجود دارد. بیشتر بر روی بسترهای گلی کم عمق نواحی ساحلی زندگی کرده و گاهی نیز وارد رودخانه‌ها می‌شود. در آبهای ایران از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای ساحلی گردان، رشته قلابهای طویل، دام گوشگیر و دام و تورهای کششی کفی انجام می‌شود. مراجعه شود به *Eleutheronema tetradactylum*

fourlined terapon یلی، کرکاسه، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ یلی ماهیان با نام علمی *Pelates quadrilineatus* . طول آن ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر است. از ماهیهای کوچک و بی‌مهرگان تغذیه می‌کند. در تمام سواحل شرقی آفریقا وجود دارد. از آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر، دام، قلاب دستی و تور کششی کفی انجام می‌شود.



Pelates quadrilineatus یلی، کرکاسه

fourlined tonguesole کفشک زبان گاوی، زبان گاوی چهار خط، ماهی پرو (چابهار)، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ کفشک ماهیان با نام علمی *Cynoglossus bilineatus* . طول آن ۳۰ تا ۳۵ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان کف‌زی تغذیه می‌کند. در منطقهٔ اقیانوس هند غربی و سواحل شرقی هند تا شرق استرالیا وجود دارد. ساکن بسترهای گلی و شنی فلات قاره با عمقی حدود ۸۰ متر می‌باشد. در آبهای ایران از دریای عمان (سواحل چابهار) گزارش شده است. این ماهی بوسیلهٔ تورهای کششی کفی در فلات قاره و فراتر از آن تا آبهای عمیق صید می‌شود.



Cynoglossus bilineatus کفشک زبان گاوی پرو

FPC = fish protein concerntrate پروتئین تغلیظ شدهٔ ماهی، کنسانتره پروتئین ماهی، آرد ماهی تهیه شده برای مصرف انسانی

fracture zone ناحیهٔ شکستگی، منطقهٔ خطی و مسطح وسیعی از کف دریا که از دیدگاه توپوگرافی غیرعادی است و توسط کوههای زیردریایی، بریدگی‌ها، و دیواره‌های بسیار تند و تیز ،یا بریدگی های غیر متقارن، فرورفتگی‌ها و گسلها پوشیده شده است.

Fram کشتی کاشفان نروژی به نامهای Frijdtof Nansen و Otto Sverdrup که در میان آبهای قطبی در اواخر قرن نوزدهم از مسیر خود منحرف گردید. این نام به معنای پیشرو می‌باشد. این کشتی براساس مشخصاتی که توسط Nansen داده شده بود، ساخته شد، که یک کشتی کوچک Schooner سه دکله با بدنهٔ مدور بود که می‌توانست تا کوه یخی جلو برود و نشکند. نانسن و ۱۲ نفر دیگر در یخهای حوالی جزایر نیوسیبری، در ۱۴ ژوئن ۱۸۹۲ منجمد شدند. این کشتی در حال حاضر در موزه‌ای در اسلو نروژ، نگهداری

جان فرانکلین، **Franklin , John (1767 - 1848)** کاشف و کاپیتان دریایی انگلیسی و پسر خواهر M. Flinder کاشف استرالیا می‌باشد. فرانکلین از کودکی در نیروی دریایی سلطنتی بود. او در نبرد کپنهاک در سال ۱۸۰۱ شرکت داشت.

وی به دلیل اینکه از خود بعنوان یک نقشه بردار استعداد نشان داد، انتخاب گردید تا Buchan را در اولین سفر دریایی به قطب ، در سال ۱۸۱۸ که غرب آمریکای شمالی را نقشه‌برداری می‌کرد، همراهی نماید. در سال ۱۸۱۲، فرانکلین به درجه کاپیتانی ترفیع یافت، و بعنوان عضو جامعه سلطنتی انتخاب گردید. سفر دریایی دوم به آمریکای شمالی و سرزمینهای شمال غربی در سال ۱۸۲۵ انجام گردید. از سال ۱۸۳۴ تا ۱۸۳۶، فرانکلین، در نیمکره جنوبی بعنوان فرمانده تاسمانیا بود. در می سال ۱۸۴۵، بعنوان فرمانده Erebus بود و توسط Francis Rawdon Crozier کاپیتان کشتی ترور (Terror) همراهی می‌شد. او به قطب فرستاده شد تا گذرگاه شمال غربی را بیابد. سرانجام از این گروه تحقیقاتی هیچ کس زنده نماند. امکان دارد که آنها به مسمومیتهای سربی، ناشی از خوردن غذای کنسرو شده در ظروف حلبی که بطور نامناسب لحیم شده بودند، مبتلا شده باشند.

freckled goat fish بز ماهی تیره‌نوار، کوازرد، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ بز ماهیان. طول آن ۲۳ تا ۳۰ سانتی‌متر می‌باشد. در بیشتر آبهای اقیانوس هند غربی وجود دارد. ولی، در دریای سرخ وجود ندارد. معمولاً روی بسترهای شنی و سیلیسی و در مجاورت آبسنگهای مرجانی، تا عمق ۴۰ متری بصورت انفرادی زندگی می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیله تورهای کششی کفی ، و نیز توسط تورهای ساحلی گردان و دام توری انجام می‌شود.

free air anomaly اختلاف بین نیروی ثقل مشاهده شده و نیروی ثقل تئوری که در رابطه با ارتفاع مورد محاسبه قرار گرفته است و برای مشخص کردن ارتفاع می‌شود.

frame = herring horse قاب و یا برانکار حمل شگ ماهی، قرار گرفته در میله‌های آهنی

Fram Strait تنگه فِرَم، حجمی از آب قطبی که توسط آن تنگهٔ ساحل شرقی گرینلند از اسپیزبرگن جدا می‌شود. این آب سرد با شوری کم بطور نسبتاً آهسته‌ای در امتداد سطح تنگه به سمت جنوب حرکت می‌کند، عمق آب در این تنگه متجاوز از ۳۰ تا ۵۰ متر است، و خروجی بخش عظیمی از حوضچه یوراسین Eurasian است.

اختلاط لایه‌های خیلی نزدیک آب قطبی خصوصاً با آب دارای شوری متوسط و حرارت بالاتری که به سمت شمال حرکت می‌کند، تقریباً غیرممکن است. کف تنگهٔ Fram دارای برشهای خیلی کوچک با عمقهای متجاوز از ۵۰۰۰ متر می‌باشد. این تنگه بطور کامل مورد مطالعه قرار گرفته است. کف تنگه با تک کوههای دریایی (seamount) بالا آمده از آن بطور قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌کند.

franhl fog مراجعه شود به fog

frank مشخص، بارز، غیرقابل کتمان (در مورد فساد مواد غذایی)

Franklin, Benjamin (1706 - 1790)

بنجامین فرانکلین دانشمند بلند مرتبهٔ آمریکایی که اقیانوس شناسی را با بسیاری از علوم دیگر مشارکت داد. اگر چه او هیچ کار سازمان یافته‌ای دراین رشته انجام نداد، اما مشاهدات و پیشنهادات او روی پدیده‌های مهم، منجر به کار منظم توسط دیگران گردید. نام فرانکلین به عنوان اولین کسی که به گلف استریم، بعنوان یک رودخانه در اقیانوس اشاره کرده، ثبت گردیده است. وی، همچنین پدیدهٔ امواج درونی را مشاهده کرد، این امواج توسط حرکت در مرز یا فصل مشترک، جایی که آب شور روی آب شیرین قرار می‌گیرد، ایجاد می‌شوند. بطور مشابه امواج درونی در خورها از نوع fiord ، به شدت مورد مطالعه واقع شده‌اند که در درک حرکتهای آب مهم می‌باشند.

صحیح ایستگاه واقع در بالای خط ساحلی نسبت به شیب کرهٔ زمین است . این اختلاف با استفاده از نسبت نرمال تغییر نیروی ثقل در رابطه با تغییر ارتفاع در هوای آزاد، تصحیح می‌شود. در رابطه با جبران ایزوستاتیک و اثر توپوگرافی، هیچگونه تصحیحی انجام نمی‌شود.

free air correction عامل تصحیحی که معمولاً برحسب میلی کال‌ها بر متر بیان گشته و در عمل در رابطه با نیروی ثقل مشاهده شده برای کاهش مقدار نسبت به سطح دریا، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

free amino acid اسید آمینه آزاد، اسید آمینه‌ای که با گوشت ماهی اتصال نداشته و ممکن است عامل ایجاد بو باشد. اسیدهای آمینه ممکن است با مواد قندی ترکیب شده و هنگام فساد رنگ قهوه‌ای بوجود آورد.

freeboard لبهٔ استخر، حد فاصل بین سطح آب و بالای دیواره استخر، باد خور کشتی

freeboard deck عرشه‌ای که در زیر آن ساختمانهای غیر قابل نفوذ آب قرار گرفته است.

free diving مراجعه شود به scuba و diving

freedom of fishing آزادی ماهیگیری

free fatty acids اسیدهای چرب آزاد، اسیدهای چرب آزاد که از هیدرولیز چربیها در طول دوره نگهداری حاصل می‌شوند. مقدار اسیدهای چرب موجود در یک محصول را می‌توان بعنوان محک تعیین کیفیت بکار برد. حد زیاد اسیدهای چرب موجود در یک محلول نشان دهندهٔ پایین بودن کیفیت آن است.

free on board = FOB تحویل در عرشه

free - swimming شنای آزاد، شنای آزادانه، شنای یک جانور آبزی در مقایسه با مراحل دیگر نمو که غیر متحرک است.

free water آب آزاد، آب خاک، بیشتر از حدی که قابل جذب توسط خاک است و به نام آب ثقل نیز نامیده می‌شود.

free wave موج آزاد، هر نوع موجی که بر روی نیروی خارجی عملی را اعمال نمی‌کند، مگر اینکه بر روی موجی که آن را بوجود آورده است. موج آزاد بر روی سطح آب، موجی است که در اثر یک تلاطم ناگهانی بوجود آمده، که پس از آن تنهاتوسط اصطکاک، ابعاد بستر ایجاد شده و خاصیت پراکنده سازی آب حد واسطی که در آن حرکت می‌کند، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به استثنای امواج جزر و مدی، سایر امواج اقیانوسی همگی از نوع امواج آزاد است.

freeze dry, to خشک کردن در سرما و خلاء، خشک کردن در حالت انجماد در خلاء

freezer burn سرما سوختگی، سوختگی فریزری، صدمه‌ای که به ماهی در طول دورهٔ نگهداری در سردخانه، از طریق خشک شدن بیش از حد بوجود می‌آید و بصورت لکه‌های سفید وصله مانند که ظاهر ماهی را خراب می‌کند، روی ماهی دیده می‌شود.

freezer trawler ترالر سردخانه‌دار

freight کرایه بار، کرایه کشی

freight and demurage = F and D کرایه حمل و کرایه معطلی

freighter اجراکنندهٔ هزینه‌ها، شامل کرایه‌بار

freight forward = FF حق‌العمل کار

French caviar خاویار فرانسوی، نوعی «خاویار زمستانه» کم‌نمک malossol که در منطقه ژیقوند فرانسه، منحصراً، از اشپل تاسماهیان تهیه می‌شود.

French cod fish cure ماهی کاد عمل‌آوری شده به روش فرانسوی ، ماهی کاد شور خشک کرده که هنگام خشک کردن فشرده نشده است.

French spliting knife کارد فرانسوی برش ماهی، چاقویی که دو لبهٔ آن تیز است و مخصوص دو نیمه کردن ماهی، و درآوردن ستون فقرات است.

frenum غشای پیوندی، غشای نگهدارنده

frequency فرکانس، تکرار

frequency response عکس‌العمل فرکانس

fresh تازه، دارای کیفیت ماهی تازه،

دارای هیچگونه آثار فساد، ماهی تازه‌ای که به هیچوجه منجمد نشده است.

freshet حوضچه یا رودخانه‌ای از آب شیرین، طغیان یک رودخانه در اثر بارندگی یا ذوب برف

fresh fatty fish ماهی چرب تازه

freshness تازگی، میزان تازگی، درجه تازگی ماهی

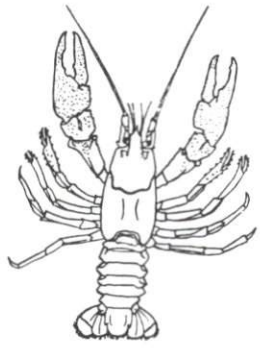
freshness tests آزمایشهای تازگی ماهی

freshwater آب شیرین، آبی که شوری آن کمتر از ۵ قسمت در هزار باشد. در برخی موارد، آبهایی را که تا ۲ قسمت در هزار شوری دارند جزء آبهای شیرین به حساب می‌آورند.

freshwater biology زیست‌شناسی آبهای شیرین

freshwater catfishes گربه ماهیان آب شیرین

freshwater crayfish خرچنگ آب شیرین



Austropotamobius torrentium خرچنگ آب‌شیرین

freshwater ecosystem بوم سازگان آب شیرین، اکوسیستم آب شیرین

freshwater fishes ماهیان آب شیرین

freshwater fishing صید در آبهای شیرین، ماهیگیری رودخانه‌ای

freshwater pollution آلودگی آبهای شیرین

freshwater prawn مراجعه شود به giant freshwater prawn

freshwater Siluroids (Siluridae) اسبله ماهیان آب شیرین

freshwater trawling ترال در آبهای شیرین

fried marinade ماریناد سرخ شده

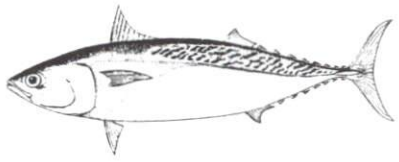
friendly ice یخ نیم بسته

Friends of the Earth دوستان زمینی، تشکیلاتی از طرفداران محیط زیست و نگهداری و حفظ منابع طبیعی که در سال ۱۹۷۱ تشکیل گردید. هدف این گروه افزایش استفاده به موقع و عاقلانه از منابع طبیعی جهان می‌باشد.

frigate ناو جنگی کوچک، یک کشتی دریایی که در موقع سفر دریایی، دارای سه دکل بود و ۲۴ تا ۳۸ توپ را بر روی عرشه حمل می‌کرد. این ناو قابلیت مانور بیشتری نسبت به کشتیهای موجود در آن زمان را دارا بود. نام frigate در جنگ دوم جهانی رواج یافت.

frigate bird = pirate bird پرنده‌ای از خانوادهٔ Fregatidae و از راستهٔ Pelicaniformes. اسم این پرنده، به دلیل رفتار پرندگانی است که غذا را از سایر پرندگان در حال پرواز می‌ربایند. این پرندگان بزرگ و سیاه رنگ بوده، ماده‌ها بزرگتر از نرها هستند و قسمت زیرین بدن آنها سفید است. دارای بالهایی به اندازه بالهای مرغابی بزرگ می‌باشد که فاصلهٔ بین آنها بیش از دو متر است. این پرنده تقریباً همیشه در حال پرواز است. آشیانهٔ آن روی درختان و در سواحل گرم همهٔ قاره‌ها می‌باشد. هم نر و هم ماده از جوجه‌ها مراقبت می‌نمایند. از ماهی و خرچنگ تغذیه می‌نمایند.

frigate mackerel ماهی ماکرل نوارپشتی، ماکرل پشت منقوط با نام علمی *Auxis thazard*



Auxis thazard ماکرل نوار پشتی ، ماکرل پشت منقوط

frightening fishing صید از طریق ترساندن ماهیها

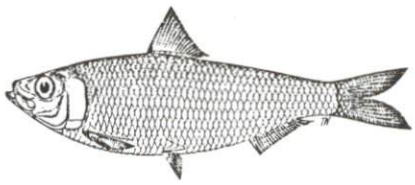
fringefin zebra sole ماهی پرو (چابهار)، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ کفشک ماهیان تخم مرغی با نام

علمی *Zebrias guagga* . طول آن ۱۲ تا ۱۵ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان کفزی تغذیه می‌کند. در سواحل غربی هند تا چین وجود دارد. در آبهای ایران، از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورهای کششی کفی و پره انجام می‌شود.

fringing reef آبسنگ حاشیه‌ای، صخره کناری، تپهٔ دریایی متصل به یک جزیره یا قاره، که سمت دریایی آن ممکن است در آب فرو رفته و در نتیجه کشتیرانی مخاطره‌آمیز گردد.

fring scale *Sardinella*

ماهی مومغ، حشینه، ساردین لذیذ با نام علمی Sardinella fimbriata



ماهی مومغ ، حشینه *Sardinella fimbriata*

Frobisher Martin (1538 - 1594)

مارتین فروبیشر، کاشف انگلیسی که سه سفر دریایی در جستجوی گذرگاه شمال غربی انجام داد. اولین گروه تحقیقاتی در سال ۱۵۷۶ اعزام گردید که تنگهٔ دیویس و نقاط دیگری را در شمال کانادا کشف کرد. وی با خود اجسام معدنی آورد، با این اطمینان که طلا یافته است. ولی او به میکا (Mica) و پیریستس (Pyristes) دست یافته بود، که این امر او را مشتاق به انجام سفر دریایی دوم نمود. در سال ۱۵۷۷، به تنگه Frobisher سفر نمود و سال بعد دوباره به قطب بازگشت. آنها نقشهٔ دریایی آبهایی را که کشف کرده بودند، تهیه کردند، اما هیچ چیز جالب اقتصادی نیافتند و پروژه رها گردید. آخرین سفر دریایی، آخرین دورهٔ زندگی Frobisher را به عنوان یک کاشف مشخص می‌کند. وی در سالهای ۱۵۹۰ تا ۱۵۹۲ در جزایر آنتیل واقع در دهانهٔ خلیج مکزیک کوششهایی در جهت تسخیر ناوگان اسپانیا نمود. وی در سال ۱۵۹۴ ، برای دفاع از بندر Brest در مقابل مهاجمین اسپانیا، اعزام گردید، و آنها را در جنگ به هلاکت رسانید.

front جبهه هوا، توده‌های هوای قطبی و گرمسیری به نواحی معتدله زمین، از غرب به شرق حرکت می‌کنند. جبههٔ گرم، حرکت توده هوای گرم به سوی توده هوای سرد می‌باشد، و جبههٔ سرد به معنای این است که توده هوای سرد، حجمی از هوای گرم را مورد هجوم قرار می‌دهد. در هر برخوردی هوای گرمتر به بالای هوای سرد صعود می‌نماید. بنابراین، بخار آب هوای گرم، با صعود به نواحی سردتر، متراکم می‌شود و بصورت باران یا برف می‌بارد.

front of the feth پیشانی "موجگاه"

frozen portions تکه‌های منجمد شده، تکه‌های هم شکل بریده شده از ماهی

Frroude number عدد فرود ، عددی بی بُعد که برای جریان مشخص یک سیال ، از تقسیم نیروی ماند بر نیروی جاذبه حاصل می‌شود و بصورت $Fr = \frac{V^2}{gl}$ تعریف می‌گردد که در آن V سرعت، l طول و g شتاب ثقل است. این عدد ممکن است بصورت جذر نیز تعریف شود.

frustule پوستهٔ سیلیسی دیاتومه‌ها

fry بچه ماهی نورس، بچه ماهی ، مرحلهٔ بین نوزاد و انگشت‌قد . مرحلهٔ بعد از نوزادی، مرحلهٔ جوانی ماهی بویژه بعد از جذب کیسهٔ زرده

fry pond استخر پرورش بچه ماهیان نورس، هر نوع حوضچه‌ای که در آن نوزاد ماهی پرورش داده می‌شود.

fry rearing پرورش بچه ماهیان نورس

fry rearing pond استخر پرورش بچه ماهیان نورس

fry , second summer بچه ماهیان دو تابستانه (آزاد ماهیان)

fry, small بچه ماهیان کوچک

fry stage مرحلهٔ بچه ماهی نورس

fry stocking out ماهیدار کردن با لاروهای پیشرفته و یا بچه ماهیهای کوچک

fucoid مانند جلبک دریایی، فوکاسه

fucoxanthin فوکوزانتین، مادهٔ رنگی قرمز ـ قهوه‌ای که مشخصهٔ جلبکهای قهوه‌ای می‌باشد. رنگدانهٔ کاروتن ($C_{40}H_{56}O_6$) دیاتومه و جلبکهای قهوه‌ای

Fucus نوعی جلبک قهوه‌ای که در مناطق جزر و مدی می‌روید. نمونه‌هایی به بلندی ۲ متر و یا بیشتر تاکنون مشاهده شده‌اند. سارگاسوم ***Sargassum*** یک جلبک گرمسیری شبیه گیاه آوندی است. این جلبک شناور بوده و توسط ساختمانهای بالش مانند خود را شناور می‌سازد. بطور انبوه رشد می‌کند و گاهی تشکیل اجتماعات متراکم را می‌دهد. سارگاسوم، اکوسیستمی از جانوران (از خانوادهٔ خرچنگها، نرمتنان، ماهی کوچک و پلانکتونها) راکه روی گیاهان زندگی می‌کنند، یا در میان شاخهٔ آنها مخفی می‌شوند، حمایت می‌نماید.

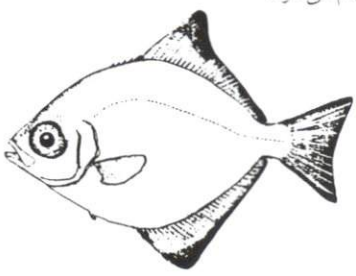
fugitive species گونه فراری، گونه پناهنده

fugu مراجعه شود به puffer

full ماهی تخمدار، ماهی که تخمدانهای آن کاملاً رسیده است و قبل از تخمریزی صید می‌شود.

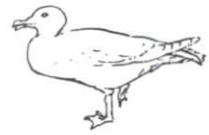
full - drown fish ماهی کاملاً بالغ

full moony گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ Monodactylidae با نام علمی *Monodactylus falciformis*. حداکثر طول آن ۲۵ سانتیمتر است. از پلانکتون و ریزه‌های غذایی تغذیه می‌کند. در آبهای شیرین، خورها و بنادر فراوان است. در اقیانوس هند غربی وجود دارد. بصورت گله‌ای زندگی می‌کند. در آبهای ایران، از دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیله تور احاطه‌ای ساحلی (پره) و تور پرتابی انجام می‌شود.



Monodactylus falciformis

fulmar یک پرندهٔ اقیانوسی جوجه غاز مانند است و از خانوادهٔ مرغ طوفان (Procellariidae) می‌باشد. این پرندگان از سطح و زیر سطح دریا تغذیه می‌کنند. معمولاً سفید یا سفید خاکستری می‌باشند. طول fulmar قطب‌جنوب حدود ۹۰ سانتی‌متر است.



پرنده اقیانوسی

حد معمولی fulmar اکثراً نصف این اندازه می‌باشد.

Fulton, Robert رابرت فالتون، مخترع مشهور آمریکایی که اولین کشتی بخاری را که از نظر تجاری موفق بود، اختراع نمود. fulton در ابتدا شاگرد جواهر فروشی بود، بعد هنرپیشه شد و بالاخره وارد رشته مهندسی گردید. اولین موفقیت وی زیر دریایی ناتیلوس (Nautilus) بود که با امتیازی از دولت فرانسه در سال ۱۸۰۶ مورد حمایت و پشتیبانی واقع گردید. کوششهای فالتون در مورد کشتیهای قوی با بخار آب بیشتر مورد توجه باربرهای خصوصی قرار گرفت. وی در سال ۱۸۱۵، کشتی بخار چرخ پره‌دار برای نیروی دریایی آمریکا ساخت.

fundamental niche جایگاه یا کنام زیستی اساسی

Fundy, Bay of خلیج فاندی، خلیج بزرگی در سواحل اقیانوس اطلس شمالی که به موازات شمال شرقی قرار گرفته و ساحل Brunswick و Maine را از Nova Scotia جدا می‌کند. حدود ۲۴ کیلومتر طول و ۷۵ متر عمق دارد. در انتهای رأس آن، به یک دنباله دوشاخه‌ای که خور Chignecto در شمال و غرب حوضچه Minas است، تبدیل می‌شود. بواسطهٔ شکل و موقعیت، این خور، بیشترین حد جزر و مد را در دنیا نشان می‌دهد. موج ایستا بیش از ۲ متر و دامنهٔ جزر و مد بیش از ۱۷ متر می‌باشد.

fungal disease بیماری قارچی، بیماری حاصل از قارچهایی، مانند، ساپرولگنیا، برانکیومایسیت و غیره

fungi قارچ، گیاهی بدون کلروفیل که

روی بافت گیاهان و جانوران مرده و زنده زندگی می‌کند. منشاء قارچها مشخص نیست.

fungicidal قارچکشی

fungicide قارچ کُش

fungiform قارچ مانند

fungivorous قارچ خوار

fungoid قارچی، قارچ مانند

fungous قارچی، اسفنجی

fungus (pl. fungi) قارچها، موجودات یوکاریوت ریسه‌ای تولید کننده هاگ که کلروفیل ندارند، اما ساختار سلولی آنها یوکاریوتی که مشابه سلولهای جانوری و گیاهی است. اجداد آنها، احتمالاً جلبکها و پرتوزوآ بوده‌اند که در طی تکامل بدین صورت درآمده‌اند.



قارچ

چند هزار گونه هستند. اکثراً خشکی‌زی هستند. قارچها و مخمرهایی نیز در آبها و رسوبات اقیانوسهای دنیا بصورت طبیعی وجود دارند که همراه با باکتریها، از عوامل اصلی پوسیدگی مواد آلی هستند. در انواع ساپروفیت، بیشتر مواد آلی محلول بوسیلهٔ این میکروارگانیزمها مصرف می‌شوند. قارچهای دریایی به اکثر جانوران آبزی حمله کرده و باعث بیماری آنان می‌شوند. قارچها در محیطهای رسوبی کف دریا، منبع غذایی مناسبی برای کرمهای بدون بند (نماتودها) می‌باشند که این کرمها شاخکهای تغذیه‌ای خود را درون سلولهای قارچ فرو کرده، پروتوپلاسم آنرا خارج می‌کنند. قارچهای دریایی قدرت تجزیه تار و پود چوب را دارند. بنابراین، زمانی که ارگانیزمهای متخصص در سوراخ کردن چوب مانند Teredo، به بدنهٔ چوبی کشتی حمله می‌کنند، عمل آنها توسط قارچها تکمیل می‌گردد.

funnel دهانهٔ قیف مانند یک تله ماهی

funnel trap تلهٔ ماهی دهانه‌دار

furunculosis of salmonids کورک سرخ، بیماری دمل آزاد ماهیان یا فورونکولوزیس

Fury and Hecla Strait تنگه فوری وهکلا، راه آبی کوتاهی که در کانادا به زحمت قابل کشتیرانی است و قسمتی از مرز آبهای غربی جزیرهٔ بافین می‌باشد. خور هودسن در جنوب و شرق این تنگه قرار دارد. تنگه قسمتی از مسیر جنوبی، موسوم به گذرگاه شمال غربی است.

furyle furamide فوریل فورامید، نوعی مادهٔ شیمیایی که در گذشته بعنوان مادهٔ نگهدارنده، بخصوص در ژاپن برای طولانی کردن دورهٔ نگهداری ماهی به کار برده می‌شد.

fusariotoxin سم حاصل از قارچ فوزاریوم

fusca croaker شوریده فوسکا، گونه‌ای ماهی از خانواده شوریده ماهیان طبال با نام علمی *Umbrina renchus*. طول آن ۵۰ تا ۸۰ سانتیمتر است. در طول سواحل آفریقای جنوبی وجود دارد. این ماهی ساکن آبهای ساحلی بالای ۵ متر می‌باشد و برای تغذیه روی کرانه سنگی خورها جمع می‌شوند. از آبهای ایران در جنوب شرقی خلیج فارس و غرب دریای عمان گزارش شده است. صید آن با تورهای کششی کفی و ریسمان دستی انجام می‌شود.

fusiform دوکی شکل

fyke net تور تله‌ای مخروطی، دام کیسه‌ای، تور قیفی شکل شبیه یک تور حلقه‌ای اما دارای بال، کیسهٔ مشبکی برای صید مارماهی که توسط حلقه‌هایی در محل دریچه‌های غیرقابل برگشت آن، باز می‌ماند و به نام حلقه‌ای نیز خوانده می‌شود.

G

هستند.

gametophyte گیاهان دانه‌دار، گیاهانی که از طریق تولید مثل جنسی افزایش می‌یابند.

gang کارگران اسکله

gang board پل تخته‌ای، پل کشتی

gangen طناب منشعبی که بوسیلهٔ آن قلاب یا طعمه به ریسمان دراز اصلی متصل می‌شود.

Ganges رود گنگ، مهمترین رود هند شمالی با ۲۵۰۰ کیلومتر طول که با یکی از انشعاباتش (رود براهماپوترا) با ۲۹۰۰ کیلومتر طول، ۴/۵ میلیون هکتار زمین را آبیاری می‌کند.

gang hooks قلابهای ماهی که در یک مجموعه بهم وصل شده‌اند، به گونه‌ای که بتوانند در همه جهت ها مؤثر باشند.

gangway راهرو عبور

gannet غاز دریایی شمال، مرغان بزرگ ماهیخوار قطبی تاآبهای معتدله از جنسهای *Morus* و *Sula*

ganoid فلس لوزی، یکی از انواع فلس که لایه خارجی آن از نوعی نمک سخت غیرآلی بنام گانوئین ganoine پوشیده شده است. این فلس در

Gaatee croaker تعتعو ریش‌بزی (*Dendrphysa russelli*)

Gadidae خانواده‌ای از ماهیان راستهٔ گادیفورم، شامل کاد، هاداک، پولاک و هیک

Gadiformes ماهیان بدون خار شعاعی و کیسهٔ شنا با فلسهای نازک گرد و باله‌های سینه‌ای چند شعاعی

gain سود، مقدار افزایش

Galapagos Islands جزایر گالاپاگوس در اقیانوس آرام که مرجان ندارند.

gale طوفان دریایی، موج بزرگ

Galeocerdo cuvieri کوسه مخطط

galleon کشتی بادبانی تجاری یا جنگی اسپانیولی قرن پانزدهم

galley کشتی پارویی یا بادبانی جنگی مدیترانه‌ای قرون وسطی، آشپزخانه کشتی

galley man کارگر آشپزخانه

Gambia Abyssal Plain دشت مغاکی گامبیا، دره طولانی عمود بر پشته میانی اقیانوس اطلس

game fish ماهیان تجاری، ماهیان بزرگ یا کوچک که دارای ارزش تجاری صید

ماهیان خاویاری و برخی دیگر از ماهیان دیده می‌شود.



فلس لوزی

gantry بنای زیر جرثقیل

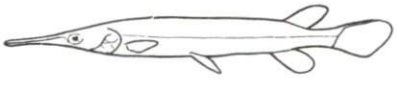
gaper clam = horse clam

نرم‌تن بزرگ خوراکی نعلی حفار

gaping شکاف دار، بریدگی یا شکاف در فیله ماهی که به آن ظاهر ناجور می‌دهد. ایجاد شکاف

GARP = Global Atmospheric Research Project برنامهٔ پژوهشی جَو جهانی، گروه بین‌المللی پیگیری و نقشه‌کشی پدیده‌های هواشناسی جهانی

gars منقار ماهیان، سوسمار ماهیان، ماهیان آب شیرین یا لب شور و شورکه گاهی از اکسیژن هوا تنفس می‌کنند. این ماهیها از خانواده Lepisosteidae می‌باشند.



منقار ماهی ـ سوسمار ماهی

gas bladder مراجعه شود به air bladder

کیسه هوا، کیسه شنا، بادکنک شنا

Gaspe Current جریان آب گاسپه، جریانی که آب رودخانه سنت لورنس را پیرامون شبه جزیرهٔ گاسپه، کِبک کانادا، می‌گرداند و سپس به جریان لابرادور یا کابوت می‌پیوندد.

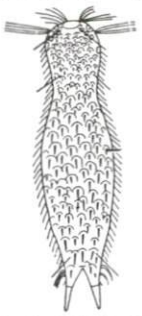
Gasterosteiformes راستهٔ ماهیان باله شعاعی استخوانی که کیسهٔ شنای آنها بدون مجرا می‌باشد، بالهٔ سینه‌ای که موقعیت آن شکمی یا زیر سینه‌ای است و یک پوزه دراز دارند.

gastropoda ردهٔ شکمپایان، شامل حلزونها(snails)، صدفهای خار چسب کوهی (limpets)، حلزونهای بدون صدف (slugs) و حلزونهای صدف سوراخ کُن بزرگ (wholk)



نوعی حلزون

Gastrotrichia شکم تاریان، کرمهای حلقوی ریز آبهای شیرین و شورکه تارهای آنها روی شکمشان قرار دارند.



نوعی کرم شکم تاریان ،کرمهای حلقوی ریز

Gazza minuta = toothed pony fish

ماهی پنجزاری دندان تیز

gear, fishing ادوات صید، ابزار صید، آلات و ادوات صید غیر از قایق یا قایقهای ماهیگیری، یک تور و وسایل مربوط به آن وقتی که درون آب است.

gear pump پمپ آب دنده‌ای

gear technology تکنولوژی ادوات صید

gefilte fish گوشت قطعه قطعه و پخته ماهی توأم با پیاز، تخم‌مرغ و ادویه

gel electrophoresis الکتروفورزژلی، روش خاصی از الکتروفورز که برای تعیین گونهٔ ماهی به کار می‌رود.

Gemini صورت فلکی جوزا، دوپیکر

Gemphylidae خانوادهٔ مار ماهیان خال مخالی
دندان نیشی. ماهیان ماکرل ماری که بطور معمول در اعماق ۶۰۰ متری یا بیشتر زندگی می‌کنند.



Gempylus serpens گونه‌ای از خانواده مارماهیان خال‌مخالی

gene ژن، قسمتی از کروموزوم که انتقال صفات ارثی را بعهده دارد.

general purpuse ship کشتی چند کاربردی، کشتی چند منظوره

genetic plasticity توان گونه‌ها برای نشان دادن ویژگیهای مختلف، هر چه این توان بیشتر باشد، تنوع نژادهای آن بیشتر و احتمال گزینش در آنها برای تولید مثل بیشتر است.

genetic selection گزینش ژنتیکی

genetic stock ,fish ذخیره ژنتیکی ماهی

genital coelom حفرهٔ جنسی نرمتنان

genital papilla برجستگی تناسلی، زائده کوچک گوشتی در جلوی مخرج تناسلی برخی از ماهیان که از آن برای تعیین جنسیت استفاده می‌شود.

genital tract لوله‌های سازگان زایشی بی‌مهرگان

geochemistry ژئو شیمی، شیمی زمین، شامل مطالعات مربوط به پوسته زمین، آب و هوا

geochronology of (sea) تعیین سن پدیده‌های زمینی دریایی، اندازه‌گیری عناصر رادیو اکتیو آب دریا و مرجانها

geological oceanography زمین شناسی اقیانوسی

geology , marine زمین شناسی دریایی، شامل مطالعات تعیین جنس، سن و ترکیبات رسوبات و لایه‌ها، فرسایش آنها و نیز حرکت پوسته‌ها

geometrical loss تلفات هندسی

geometrical spreading گسترش هندسی

geometric zone منطقه هندسی، بخشهای هندسی

geomorphology ساختار زمین، اختصاصات و ویژگیهای ساختاری زمین

geo - navigation نشانه‌های زمینی دریانوردی

geosmin جازمین، ژئوزمین، ترکیبی چرب با بوی خاک که توسط آکتیومیستها در دریاچه‌ها بوجود می‌آید و بو و مزهٔ نامطلوبی به ماهیان می‌دهد.

gephyrocercal ماهیانی که بالهٔ پشتی و شکمی آنها بطور پیوسته تا انتهای مهرهٔ دمی ادامه دارد.

Gerres filamentosus whipfin mojarra خرگوش ماهی، ماهی بت (چاشره)

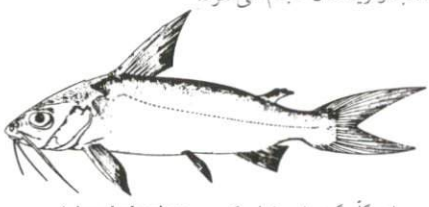
Gerres oyena common mojarra بت ماهی معمولی، چاشره معمولی

Gerres sp. باته، چقو

ghost crab = sand crab خرچنگ پهن ماسه‌ای از جنس *Ocypoda*

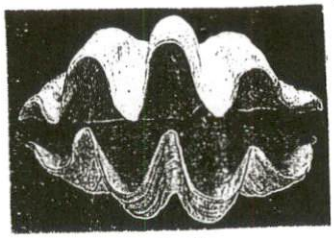
giant catfish = (*Arius thalassinus*) ماهی گلّو، گربه ماهی غول پیکر، گونه‌ای از خانوادهٔ گربه ماهیان (Arridae) با نام علمی *Arius thalassinus*، حداکثر بطول ۱۸۵ سانتیمتر و بطور معمول ۲۵ تا ۷۵ سانتیمتر، که از خرچنگ، میگو، ماهی و نرمتنان تغذیه می‌کند. پراکندگی آن در طول سواحل شرقی آفریقا (کانال موزامبیک و تانزانیا)، دریای سرخ، خلیج عدن و دریای عمان، پاکستان، سواحل غربی هند و سریلانکا و نیز در سواحل شرقی هندوستان، تایلند، سنگاپور، چین، فیلیپین، ژاپن، شمال استرالیا و کوئینزلند می‌باشد. یک نوع ماهی دریایی است که اغلب در مصب‌ها وجود دارد و به ندرت وارد آبهای شیرین می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای کشش کفی، تور گوشگیر،

قلاب و ریسمان انجام می‌شود.



ماهی گلّو، گربه ماهی غول پیکر *Arius thalassinus*

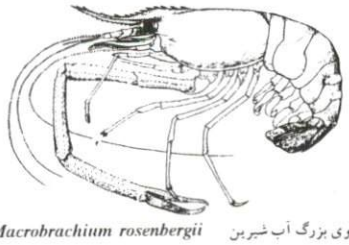
giant clam صدف غول پیکر، نرم تن صدفدار، کِلَم بزرگ آبی اقیانوس آرام و هند (در استوا) که بطول بیشتر از یک متر و تا ۱۵۰ کیلوگرم می‌رسد (وزن شامل کفه‌ها).



کِلَم بزرگ

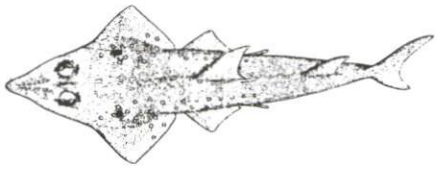
giant crab خرچنگ پهن بزرگ عنکبوتی با نام علمی *Macrocheira kaempferi* که در اعماق ۵۰ تا ۴۰۰ متری آبهای ژاپن زندگی می‌کند. به آن خرچنگ عنکبوتی هم گفته می‌شود.

giant freshwater prawn میگوی بزرگ آب شیرین از خانواده Palaemonidae با نام علمی *Macrobrachium rosenbergii* بومی آبهای شیرین کشورهای آسیایی بویژه هند، بنگلادش، تایلند و فیلیپین است. وزن آن تا ۴۰۰ گرم میرسد. از عمده‌ترین میگوهای پرورشی است که در سالهای اخیر به ایران هم آورده شده است.



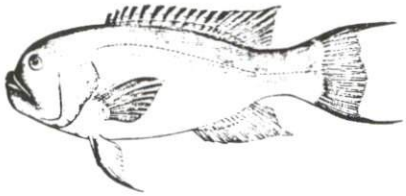
Macrobrachium rosenbergii میگوی بزرگ آب شیرین

gaint guitarfish = *Rhynchobatus djeddensis* سوس، گیتار ماهی عظیم‌الجثه



Rhynchobatus djeddensis سوس، گیتار ماهی عظیم‌الجثه

giant hogfish گونه‌ای از خانوادهٔ بچه طوطی ماهیان با نام علمی *Bodianus macrognathos* حداکثر طول آن ۶۲ سانتیمتر است. در طول ساحل شمال شرقی آفریقا خارج از دریای سرخ و خلیج عمان، در عمق تقریباً ۲۵ تا ۶۵ متری در بسترهای صخره‌ای وجود دارد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن گاهی توسط تور کششی و نیز قلاب و ریسمان انجام می‌گیرد.



Bodianus macrognathos

Gibraltar تشکیلات جبل‌الطارق، تشکیلات آهکی روی بستر گرانیتی دماغهٔ جنوبی اسپانیا در انتهای غربی مدیترانه

Gibraltar , Strait of تنگه طارق (جبل‌الطارق) که آفریقا و اروپا را در غرب مدیترانه جدا می‌کند.

gids of trout سرگیجه قزل‌آلا، بیماری چرخش ماهی (آزاد ماهیان)

gill = branchia آبشش، برانشی، اندام تنفسی بسیاری از جانوران آبزی، بویژه ماهیان

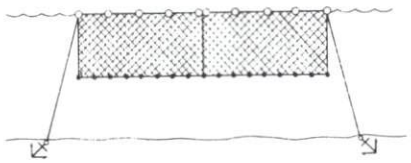
gill arch کمان آبششی، کمان برانشی، استخوانهای ۷ شکل نگهدارندهٔ آبشش و رشته‌های آبششی، استخوانهای نگهدارندهٔ آبشش‌ها

gill cover سرپوش آبشش، سرپوش برانشی، سرپوش استخوانی حفرهٔ آبششی که مرکب از استخوانهای درپوشی است.

gill filaments رشته‌ها یا شعاعهای آبششی

gill lamellae تار برانشی، تیغه‌های خوندار با دیواره نازک در آبشش ماهی که کار تبادلات گازی را انجام می‌دهند.

gill net دام گوش‌گیر، تور صیادی که بوسیله شناورهای قسمت بالایی و وزنهٔ قسمت پائینی بصورت دیواره‌ای در سطح یا عمق مناسب آب آویزان می‌گردد. اندازه چشمه تور می‌تواند نوع یا انواع ماهیانی را که صید می‌کند مشخص نماید. علت گرفتار شدن ماهی در آن کوچکتر بودن سر نسبت به قسمت عقبی بدن می‌باشد. ماهی با سر وارد چشمه تور شده و چون تور زیر سرپوش برانشی قرار می‌گیرد، ماهی را گرفتار می‌نماید.



تور گوش‌گیر

gill net , fixed دام گوشگیر ثابت

gill net , floating دام گوشگیر شناور

gill netter شناور صیاد که در آن صید ماهی با دام گوش گیر انجام می‌گیرد

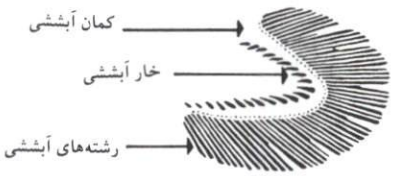
gill netter boat قایق صید ماهی با دام گوش گیر

gill netting صید ماهی با دامهای گوشگیر

gill opening شکاف آبششی، دهانه آبشش

gill pouch کیسهٔ آبشش

gill rakers خارهای آبششی، زائده‌های خار مانند داخل کمان آبششی، مجموعه‌ای از برآمدگیهای استخوانی در طول لبهٔ داخلی کمان آبششی، مجموعه‌ای از ساختمانهای استخوانی دندان مانند که در طول لبهٔ داخلی کمانهای آبششی قرار دارند. این بخشها برای محافظت یا پالایش غذا بکار می‌روند.



خار آبششی

gill rot = branchiomycosis پوسیدگی آبششها، بیماری فساد آبشش‌ها یا برانشیو میکو زیس

gill slit شکاف آبشش، در جانورانی که از اکسیژن محلول در آب تنفس می‌کنند و بویژه ماهیان، شکاف آبشش، عرضی است و از حلق بطرف عقب کشیده شده است.

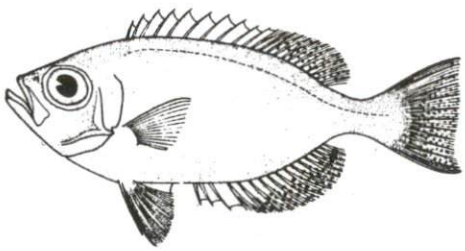
gill worms کرمهای آبششی، کرمهای انگلی آبشش

gimbals سه پایهٔ نگهدارندهٔ قطب نمای کشتی

glacier یخچالهای طبیعی، رودهای یخی مناطق قطبی یا در کوهستانهای مرتفع

glass eye ماهی چشم شیشه‌ای، گونه‌ای با نام علمی *Pricanthus cruentatus* طول آن ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر است که از ماهیان کوچک بخصوص مرحلهٔ بعد از لاروی و سخت پوستان بزرگ پلانکتونی و نرمتنان تغذیه می‌کند، نژاد نواحی اطراف استوای آن، در دریای سرخ و قسمت بالای خلیج فارس دیده می‌شود. گونهٔ آبهای کم عمق است که بر روی آبسنگهای مرجانی و بسترهای صخره‌ای در سواحل منطقه فلات قاره یافت می‌شود، ولی، اغلب در اطراف جزایر اقیانوسی به تنهایی دیده می‌شود. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن بطور عمده

بوسیلهٔ قلاب و ریسمان و نیز بوسیلهٔ دام انجام می‌شود.



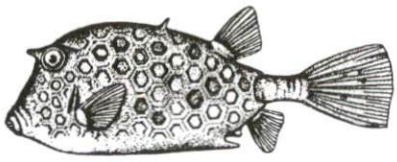
ماهی چشم شیشه‌ای *Pricanthus cruentatus*

glass sponge اسفنج شیشه‌ای، اسفنج سیخول شیشه‌ای از ردهٔ هگزاکتینلیدا

gleization ایجاد عایق زیستی

gley نوعی ماده پلاستیکی زیستی که توسط باکتریهای بی‌هوازی در کف استخرها بوجود آمده و حفرات خاک را می‌بندد.

globe fish = Tetraodontidae ماهی کروی، ماهی دمنده، ماهی فوگو



ماهی دمنده، فوگو Tetraodontidae

Globigerina گلو بی‌ژرینا، یک جنس از آغازیان صدفدار سطح‌زی از راستهٔ روزن داران که صدفهای واجد کربنات کلسیم آنها بیشترین رسوبات کف اقیانوسها را تشکیل می‌دهند.

globigerinal ooze لجن گلوبی‌ژرینا، شلکای گلوبی‌ژرینا

glochidium مرحلهٔ لاروی نوعی صدف آب شیرین که انگل آبشش برخی از ماهیهاست.

Glomar Challenger کشتی حفاری آمریکایی برای نمونه‌برداری از لایه‌های کف اقیانوس یا برای اکتشاف چاههای نفت

gloria گلوریا، روش تصویربرداری صوتی از بستر اقیانوس ها

glossy درخشندگی، درخشندگی سطح بریده ماهی بخصوص در ماهی دودی و ماهی منجمد ذوب شده

Gloucosomidae = big mouth breams خانواده شانک ماهیان دهان بزرگ

glucose گلوکز، قند آزاد اصلی در گوشت ماهی که بمقدار خیلی کم یافت می‌شود. این قند با گروه آمین در اسیدهای آمینه ترکیب شده و رنگ قهوه‌ای و بوی نامطلوبی ایجاد می‌کند.

glutamic acid اسید گلوتامیک، نوعی اسید آمینه که در پروتئین ماهی و صدفها وجود دارد. بصورت آزاد بو و مزهٔ گوشت را ایجاد می‌کند.

glycerol گلیسیرین، مادهٔ شیرین و چسبنده‌ای که توأم با اسیدهای چرب ایجاد چربی می‌نماید.

glycine گلایسین، یکی از انواع اسیدهای آمینهٔ غیر ضروری، با مزهٔ شیرین که در گوشت ماهی و صدف یافت می‌شود. عامل اصلی ایجاد مزه و طعم شیرین اولیه است که بسرعت در ضمن فساد از بین می‌رود.

glycogene گلیکوژن، نشاسته حیوانی، از تجمع گلوکز در ماهی زنده تشکیل شده و در کبد و عضلات بعنوان مادهٔ انرژی‌زا ذخیره می‌گردد. این ماده بلافاصله پس از مرگ شروع به فاسد شدن می‌نماید.

***Gnathanodon speciosus* =golden toothless trevally** ماهی گیش طلایی با نام معمولی Goldentoothless trevally

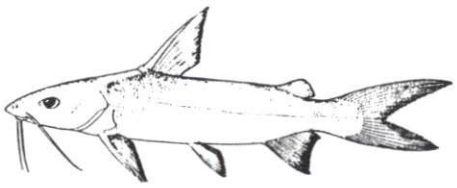
GNP تولید ناخالص، اختصار واژه gross national product مجموع تولید ملی سالانه شامل کالا و خدمات

goast net تور گوشگیر سرگردان

goast trap دام سرگردان

goat catfish گربه ماهی بزی، گونه‌ای از خانوادهٔ گربه ماهیان با نام علمی *Arius sumatranus* . حداکثر طول ۳۲ سانتیمتر و بطور معمول ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر

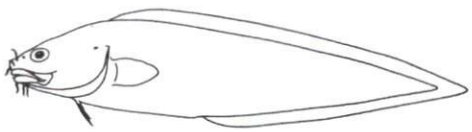
مـی‌باشد. از بـی‌مهرگان تـغذیه مـی‌نماید. در آبـهای پاکستان تا سواحل غـربی هـندوستان، سـریلانکا و از سواحل شرقی هندوستان تا سنگاپور، تایلند، سوماترا، جاوه، برنئوبانکا و فیلیپین یافت می‌شود. محل زیست آن، آبهای دریایی و خورها و رودخانه‌های جزر و مدی است. در ایران، در سواحل چابهار (از دمـاغهٔ مـیدانـی بطرف شرق) یافت می‌شود. بوسیلهٔ تـورهای سـاحلی احاطه‌ای، تورهای ملافه‌ای، قلاب و ریسمان در آبهای ساحلی و خورها صید می‌گردد.



گربه ماهی بزی *Arius sumatranus*

goat fishes = Mullidae خانوادهٔ بز ماهیان

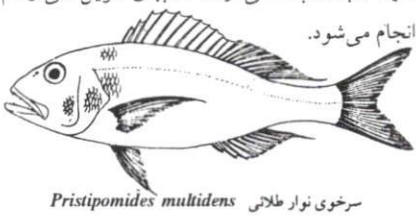
goat's beard brotula گونه‌ای از خانوادهٔ Ophidae بـا نـام عـلمی *Brotula multibarbata* طول آن حداقل ۵۰ سانتیمتر می‌باشد. در تمام منطقهٔ اقیانوس هند غربی و بطرف شرق تا هاوایی وجود دارد. ماهیهای بالغ بصورت کف‌زی، و در فلات قاره، و بیشتر بطرف پایین تا عمق ۶۵۰ متر زندگی می‌کند. در مراحل اولیه، سطح‌زی و بطور معمول در نـواحـی صـخره‌ای اقیانوس هند غربی یافت می‌شود. در آبـهای ایـران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود.



Brotula multibarbata

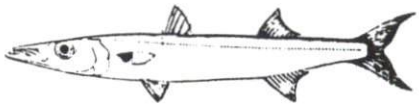
goby ماهی گوبی از خانوادهٔ گوبیئیده، ماهیان کوچک بین حدود ۱۳ میلیمتر (گوبی فیلیپین، *Pandaka pygmea*) تا ۱۰ سانتیمتر (گوبی شیشه‌ای) بدون فلس که با ماهیان بزرگتر رابطهٔ همسفرگی دارند.

gold band jobfish ماهی سرخوی نوار طلایی، گـونه‌ای از خـانوادهٔ سـرخـو مـاهیان بـا نـام عـلمی *Pristipomoides multidens* طـــول آن ۶۰ تـا ۹۰ سـانتیمتر است. از غـلافداران، بـی‌مهرگان کـف زی و ماهیان که طول استاندارد آنها در سن بـلوغ حـدود ۴۵ سانتیمتر است تغذیه می‌کنند. در سراسر قسمت شمالی منطقه از دریای سرخ و خلیج عدن تا سریلانکا، و نیز در اقیانوس هند شرقی و غرب اقـیانوس آرام مـرکزی بـه علاوه در سواحل گرمسیری استرالیا در آبهای سـاحلی نسبتاً عمیق به عمق ۴۰ تا ۱۴۰ متر دیده مـی‌شود. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن با قلاب دستی، رشته قلابهای طویل کفی و دام انجام می‌شود.



سرخوی نوار طلائی *Pristipomides multidens*

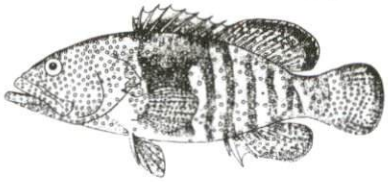
golden barracuda = *Sphyraena flavicauda* ماهی کوتر



ماهی کوتر *Sphyraena flavicauda*

golden hind ماهی هامور طلایی، گـونه‌ای از خـانوادهٔ هـامور مـاهیان بـا نـام عـلمی *Cephalopholis aurantia*. حـداکـثر طـول آن ۶۰ سانتیمتر است. در اکثر نقاط اقیانوس هند غـربی بـجز خلیج فارس و دریای سرخ وجود دارد. بطرف جنوب تا دوربان آفـریقای جـنوبی، هـمچنین در اقـیانوس هـند شـرقی و غـرب اقـیانوس آرام مـرکزی وجـود دارد. نمونه‌های انـدکی از آن جـمع‌آوری شـده کـه عـلت آن ممکن است بواسطهٔ وجود آن در اعماق زیاد (بیش از صد متر) باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان یـافت می‌شود. بوسیلهٔ قلاب و ریسمان، دام و تور گـوشگیر

صید می‌گردد.



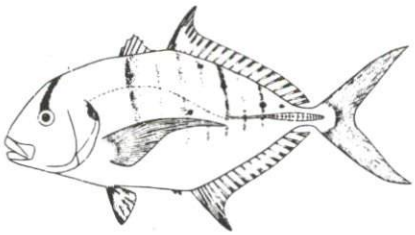
Cephalopholis aurantia

golden thread ماهی گیش طلایی

golden toothless trevally ماهی گیش طلایی

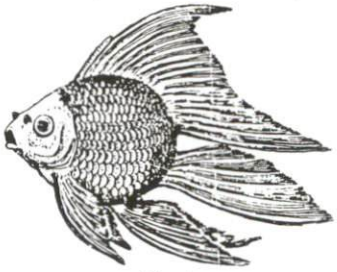
golden trevally ماهی گیش طلایی، کش،

گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Gnathanodon speciosus* . حداکثر طول آن ۱۱۰ سانتیمتر و در آفریقا نمونه‌ای بوزن ۱۴/۸ کیلوگرم صید شده است. در اقیانوس هند و اقیانوس آرام غربی، شامل، هاوایی و همچنین در آبهای اقیانوس آرام شرقی از پرو بطرف ساحل کالیفرنیا یافت می‌شود. در آبهای نزدیک ساحل، شامل آبسنگهای صخره‌ای، مردابهای عمیق و مناطق رو به دریا و آبسنگها به سر می‌برند. ماهیان جوان در کنار کوسه‌ها و سایر ماهیان بزرگ بصورت گروهی بسر می‌برند و از این طریق از حملهٔ سایر ماهیان در امان می‌باشند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شوند. بطور عمده توسط تور گوشگیر در آبهای ساحلی صید می‌شوند.



Gnathanodon speciosus گیش طلایی

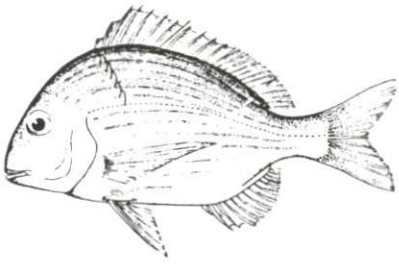
gold fish ماهی قرمز، ماهی طلائی با نام علمی *Carassius auratus* . از خانواده کپور ماهیان که فاقد زوائد حسی (سبیلک هستند). رنگها و نژادهای گوناگونی از این گونه وجود دارد. ماهی است که در هفت سین نوروزی ایرانیان جای ویژه‌ای دارد.



ماهی طلایی

goldlined seabream شانک خط طلا،

گونه‌ای از خانواده شانک ماهیان با نام علمی *Rhabdosargus sarba* طول آن ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان کف زی بویژه نرمتنان تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی (به جز جزایر اقیانوسیه مانند سیشل) تا استرالیا و غرب اقیانوس آرام وجود دارد. ماهی کف زی ساحلی است که تا عمق ۶۰ متری دیده می‌شود. بعضی اوقات وارد خورها می‌گردد. در بخش جنوبی منطقه در نزدیک دهانهٔ رودخانه تخم‌ریزی می‌کند. بعد از یک دورهٔ کوتاه شناوری، ماهیهای جوان وارد خورها (که بصورت پناهگاه می‌باشد) می‌شوند، سپس با بزرگ شدن، از خورها به سوی آبهای عمیق مهاجرت می‌نمایند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شوند. صید آن توسط تورهای کششی کفی، گوشگیر، رشته قلابهای طویل، قلاب دستی و دامهای نرده‌ای انجام می‌گیرد.



Rhabdosargus sarba شانک خط طلا

gold's addle goalfish بز ماهی پشت طلایی،

گونه‌ای از خانوادهٔ بز ماهیان با نام علمی

gonad maturation stages مراحل رشد گنادها، رده‌بندی درجات نمو گنادها که براساس نظر نویسنده‌های مختلف، متفاوت است، مراحل بلوغ غدد جنسی (گنادها)

gonads غدد جنسی، غدد جنسی که تخم یا اسپرم تولید می‌کنند. واژه‌ای عمومی که هم به تخمدانها و هم به بیضه‌ها اطلاق می‌گردد.

gondola قایقهای مسافربری درون شهری

gondolier قایقران، کرجی‌بان

Gondwana Land سرزمین گُندوانا، قارهٔ قطب جنوب قدیمی که از شکستن ابر قارهٔ پانگیابوجود آمد. از شکستن گندوانا، آمریکای جنوبی، آفریقا، استرالیا، قطب جنوب و هند بوجود آمده‌اند.

Goniatites نرم‌تنان منقرض شده، که صدف آنها قلبی شکل بود و از سیلورین تا دونین می‌زیستند.

goosewing دو پهلو پایان

Gorda Plate صفحهٔ پوسته‌ای گوردا، بخش کوچکی از اقیانوس آرام که مجاور صفحهٔ پوسته‌ای آمریکای شمال غربی است.

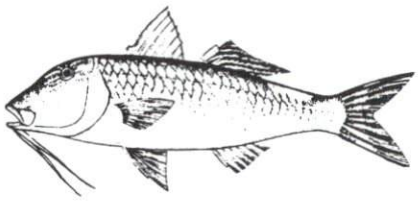
Gorgonia بادبزن دریایی

Gorgonian = horny coral مرجانهای شاخی نازک از راستهٔ گورگوناسه ؛ شامل، شلاق دریا، پر دریایی و بادبزن دریایی. این مرجانها و مرجانهای نرم تقارن هشت وجهی ندارند. گورگونین نام لایهٔ پوششی آهکی است که این مرجانها ترشح می‌کنند. بیشتر آنها رنگهای روشن جذاب دارند و مادهٔ شیمیایی دفاعی تولید می‌کنند.

Gorlo Strait تنگه گورلو، آبراه قطبی بین دریاهای بارنتز و وایت در روسیه

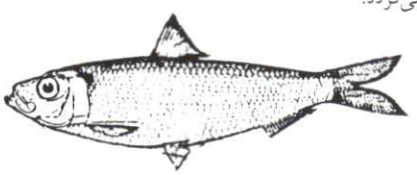
gourami ماهی گورامی، گونه‌های مختلفی از ماهیان خانواده Anabantidae (اخیراً Belontiidae) که در آکوآریومها

Parupeneus cyclostomus . طول آن ۳۵ تا ۵۰ سانتیمتر است. از ماهیان کوچک، سخت پوستان، کرمها و سرپایان تغذیه می‌کند. در تمام اقیانوس هند غربی بصورت گسترده وجود دارد. در خلیج فارس گزارش نشده است. بطرف جنوب تا ماپوتیولند در سواحل آفریقای شرقی، خارج از منطقه تا جزایر هاوایی و پلی‌نزیای فرانسه وجود دارد. در آبهای ایران در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط قلاب و گاهی با تور احاطه‌ای و دام انجام می‌گیرد.



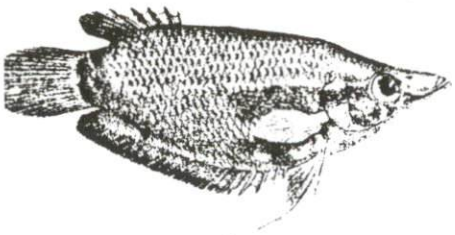
بز ماهی پشت طلایی *Parupeneus cyclostomus*

goldstripe sardinella، ماهی ساردین نوار طلایی گونه‌ای از خانوادهٔ ساردین ماهیان با نام علمی *Sardinella gibbosa* . طول آن ۱۵ تا ۱۷ سانتیمتر است و از پلانکتونهای جانوری (سخت پوستان و نوزاد نرمتنان) و پلانکتونهای گیاهی (بویژه، *Trichodesmium*) تغذیه می‌کند. در سرتاسر منطقهٔ اقیانوس هند غربی (از دریای سرخ و موریس گزارش دقیقی در دست نیست)، و نیز بطرف شرق تا تایوان و استرالیای شرقی و غربی وجود دارد. گونه‌های سطح زی در آبهای ساحلی به سر می‌برند. تخمریزی آنها بطور عمده در اوایل بهار است. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. توسط تورهای گردان، گوشگیر و کششی در آبهای کم عمق صید می‌گردد.



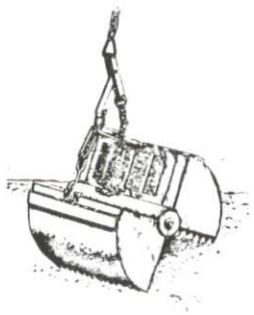
ساردین نوار طلایی *Sardinella gibbosa*

نگهداری می‌شوند. گونه‌های بزرگ مصرف خوراکی دارند.



ماهی گورامی

grab نمونه‌بردار، گراب، نمونه‌بردار از بستر



گراب

graben = rift valley دره‌ای که در اثر نشست یا تخریب بخشی از پوسته زمین حاصل شده باشد (معمولاً در اطراف پشته‌های فعال میان اقیانوسی بوجود می‌آیند).

grab fishing صید ماهی با چنگک یا قارماخ

grade رقم، درجه، شاخص کیفیت کالا

grader رقم بند، وسیله‌ای که ماهیهای هم‌اندازه را جدا و دسته‌بندی می‌نماید.

gradient گرادیان شیب، از دید کلی به معنی نرخ تغییرات یک خاصیت در جهت معین می‌باشد.

gradient wind باد فرضی (نظری) که از ترکیب نیروی کوریولیس و فشار هوا بدست می‌آید. این محاسبه برای پیش بینی سرعت باد، و امور مربوط به هواشناسی خیلی حیاتی است زیرا امکان پیش بینی نیروی باد را در طوفانها می‌دهد.

grading ,of fish رقم بندی ماهی، طبقه‌بندی، طبقه‌بندی (ماهی) براساس گروه، اندازه، کیفیت و نظایر آن

grading table, for fish میز رده‌بندی ماهی (اندازه)

grain capacity ظرفیت کلی کشتی، ظرفیت بارکشتی به فوت مکعب که بطور طولی یا عرضی و عمودی از جمله فضاهای بارگیری حساب می‌شود.

grampus گاوماهی، نوعی ماهی یونس بزرگ

Grand Banks گراند بانکز، سواحل بزرگ، حاشیهٔ قاره‌ای سه گوش غرقابی شرق اسکاتلند نو (نوااسکوشیا)

granite سنگ آتشفشانی گرانیت که در پایین ترین لایهٔ پوسته خشکی دیده می‌شود.

grapnel قلاب، چنگک، گیره، لنگر کشتی

grappling iron لنگر قایق

graptolite گراپتولیت، موجودات دریایی که دارای پوستهٔ کیتینی بودند و در دوران اول منقرض شدند. این موجودات بصورت کلنی زندگی می‌کردند.

grass beds بسترهای علفی

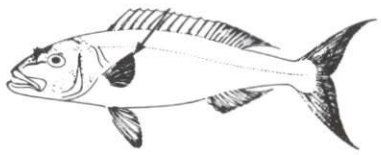
grass carp ماهی علفخوار، آمور سفید از خانوادهٔ Cyprinidae با نام علمی *Ctenopharyngodon idella*. نوعی ماهی کپور علفخوار از گروه ماهیان پرورشی کپور چینی که از گیاهان پر سلولی تغذیه می‌کند. مراجعه شود به White amur

grass pikerel اردک ماهی علفی، خانوادهٔ Esocidae، با نام علمی *Esox americanus vermiculatus*

gravel سنگ‌ریزه، ذرات معدنی به قطر ۲ تا ۴ سانتیمتر، به گل نشستن کشتی

gravel pit حفره‌ای که از آن سنگ ریزه

gream jobfish ماهی سرخوی سبز، گونه‌ای از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Aprion virescens* طول آن ۵۶ تا ۸۰ سانتیمتر است. از سایر ماهیها تغذیه می‌نماید. در سراسر آبهای گرم اقیانوس هند غربی، در شمال حدود عرض ۲۲ درجهٔ جنوبی (به جز خلیج فارس) و در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی از سطح تا عمق ۱۰۰ متر می‌باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط قلابهای کششی طعمه دار، قلاب دستی، رشته قلابهای طویل کفی و تورهای کششی کفی در آبهای ساحلی انجام می‌گیرد.



سرخوی سبز *Aprion virescens*

greaser ۱) ماهی هاداک، بخصوص هاداک دودی که دارای گوشت نرم روغنی است و دارای ظاهری ناپسند و بوی نامطبوع است. این ویژگی در اثر آلودگی با قارچی به نام علمی *(Ichthyophonus hoferi)* بوجود می‌آید.

۲) روغنکار کشتی

greasy grouper ماهی هامور چرب، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus tauvina* طول آن حداکثر ۸۰ سانتیمتر می‌باشد. در شمال ترانسکی (عرض ۳۲ درجهٔ جنوبی) بانضمام دریای سرخ و خلیج فارس بطور بسیار گسترده وجود دارد. همچنین، در سراسر منطقهٔ استوایی اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی تا جزایر پیت سرن در شرق وجود دارد. گونهٔ آبسنگهای مرجانی است که در عمق یک تا ۵۰ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان

برداشت می‌کنند، چاله (گودال) حاصله در اثر برداشت شن و ماسه

gravid fish ماهی با گنادهای بالغ، حامله یا رسیده و آمادهٔ تخمریزی

gravimeter جاذبه سنج، دستگاه اندازه‌گیری نیروی جاذبه

graving پاک کردن زیر کشتی

graving dock حوضچه تعمیر کشتی

gravity سنگینی، ثقل، حرکت با نیروی وزنی

gravity davit قایق بالا برگرانشی، جرثقیل گرانشی

gravity drainage تخلیهٔ ثقلی، زه کشی گرانشی، زه کشی در اثر جاذبه

gravity feed تأمین آب با استفاده از قوهٔ ثقل (اختلاف سطح)

gravity, specific وزن مخصوص

gravity trap دام ثقلی

gravity wave موج جاذبه‌ای، موجی که نیروی جاذبه، تعادل آن را حفظ می‌کند. طول این موجها بطور معمول بیشتر از ۵ سانتی متر است.

grayling ماهی خارپوس، از خانوادهٔ Thymallidae با نام علمی *Thymallus thymallus L.*

grayling section منطقهٔ گسترش ماهی گری‌لینگ، منطقه‌ای در رودخانه که بین منطقهٔ وجود قزل‌آلاها و منطقهٔ دارای ماهی بارب (ریشک دار) قرار دارد و ویژگی آن تغییر بین جریان سریع آب و جریان ملایم آن است.

graylings گروهی ماهی از خانوادهٔ آزاد ماهیان Salmonidae

grayling zone ناحیهٔ ماهی گری‌لینگ، مراجعه شود به grayling section

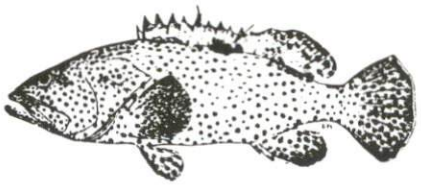
gray trout قزل‌آلای خاکستری

grazer علفخوار، ماهی که غذای خود را از طریق چرای علوفه آبی تأمین می‌کند.

great circle بزرگترین دایره روی کره، در مورد زمین، خط استوا و نصف‌النهارات بزرگترین دایره‌ها هستند. اهمیت بزرگترین دایره برای دریانوردی است، زیراکوتاهترین فاصله بین دو نقطه در سطح زمین، خط بزرگترین دایره‌ای است که آنها رویش قرار دارند.

great diurnal range بزرگترین دامنهٔ روزانه، اختلاف ارتفاع های متوسط بالاترین مد و دو جزر در یک روز قمری

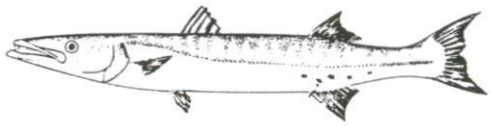
greater amberjack ماهی گیش یراقدار، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Seriola dumerili* حداکثر طول آن ۱۸۸ سانتیمتر و بطور معمول تا حدود ۱۰۰ سانتیمتر است. وزن آن ۱۵ کیلوگرم می‌باشد. از ماهیان و بی‌مهرگان، و طعمهٔ زنده و مرده تغذیه می‌نماید. در آبهای اقیانوس هند غربی، فقط از آفریقای جنوبی بطرف شمال تا خلیج آنگولا و خلیج فارس (بازار بحرین) در آبهای هند، آرام غربی، در ژاپن، استرالیا و جزایر هاوایی، در آبهای اقیانوس اطلس غربی (از نووا اسکوشیا تا برزیل)، و در اطلس شرقی در جنوب انگلستان و دریای مدیترانه یافت می‌شود. هم بصورت سطحی و هم بصورت بالای کف می‌باشد. نمونه‌های کوچک این گونه (کمتر از ۳ کیلوگرم) ممکن است در آبهای کم عمق صید شوند (کمتر از ۱۰ متر). نمونه‌های بزرگتر معمولاً در اعماق ۱۸ تا ۷۲ متری دیده می‌شوند و گاهی نیز تا ۳۶۰ متری دیده شده‌اند. اغلب بر روی آبسنگها و یا گودالهای بسترهای دور از ساحل بصورت گله‌های کوچک و یا متوسط دیده می‌شوند. بصورت انفرادی نیز دیده می‌شوند. ماهیان کوچک جوان همراه با گیاهان شناور و یا خاشاک روی سطح آبهای باز اقیانوسها و دور از ساحل دیده می‌شوند. در آبهای ایران در خلیج فارس دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی سطحی و کفی و لانگ لاین دیده می‌شود. صید آن با قلاب و ریسمان، دام و تور گوشگیر انجام می‌گردد.



Epinephelus tauvina هامور چرب

greasy haddock ماهی هاداک روغنی، ماهی هاداک چرب

great barracuda ماهی کوتر بزرگ، گونه‌ای از خانوادهٔ کوتر ماهیان با نام علمی *Sphyraena barracuda* طول آن ۱۴۰ تا ۱۸۰ سانتی متر است. از ماهیهای متوسط تا بزرگ تغذیه می‌کند. احتمالاً در سراسر اقیانوس هند غربی و در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام و شرق و غرب اقیانوس اطلس وجود دارد. بیشتر در نزدیک سطح آب یافت می‌شود. روزانه بطور انفرادی فعالیت می‌نماید و در گروههای کوچک یافت می‌شود. بالغ‌ها در آبهای دریایی و اطراف صخره‌ها، و جوانها گاهی داخل مناطق مانگرو و خورها وجود دارند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن در عمق ۱۰۰ متری و بوسیلهٔ ریسمانهای کششی و ابزار صید سنتی و ورزشی، و گاهی توسط تور انجام می‌گیرد.

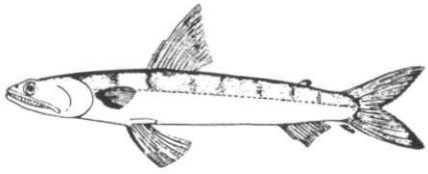


Sphyraena barracuda

Great Barrier Reef سازگان صخره مرجانی سدی شرق استرالیا، این سازگان که ۱۷۵۰ کیلومتر طول دارد (بزرگترین صخره مرجانی جهان) دارای کانالها، جزایر و صخره‌های کوچکتر است.

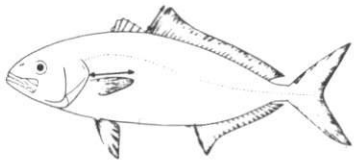
great lakes پنج دریاچهٔ بزرگ آمریکای شمالی که روی هم بزرگترین بدنه آب شیرین جهان را به مساحت ۲۴۵۰۰۰ کیلومتر مربع تشکیل می‌دهند. این دریاچه‌ها دارای جزر و مد و طغیان هستند. ارتفاع این دریاچه‌ها به ترتیب از دریاچه سوپریور، میشیگان، هورون، ایری و اونتاریو کاهش می‌یابد. خروجی دریاچه اونتاریو به رود سنت لورنس تخلیه می‌شود.

great lizardfish کریشو غول پیکر، گونه‌ای از خانوادهٔ کریشو ماهیان با نام علمی *Saurida tumbil* حداکثر طول آن ۴۰ سانتی متراست. ماهیخوار است و نیز از سخت‌پوستان و سرپایان تغذیه می‌نماید. در اقیانوس هند غربی از ساحل شرقی آفریقا (بجز کنیا و سومالی) در ماداگاسکار، دریای سرخ، خلیج فارس، پاکستان، هند و سریلانکا دیده می‌شود. و نیز در اقیانوس هند شرقی، مجمع‌الجزایر مالایی، شرق هند، استرالیا و دریای چین گزارش شده است (از مرکز و شرق اقیانوس آرام گزارش نشده است). روی بسترهای گلی بین اعماق ۲۰ تا ۶۰ متر یافت می‌شود و ممکن است داخل آبهای کم عمق نیز دیده شود. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی کفی انجام می‌شود.



مارمولک ماهی بزرگ *Saurida tumbil*

great white shark کوسه سفید بزرگ، گونه‌ای گوشتخوار و خطرناک با نام علمی *Carcharodon carcharias* از خانوادهٔ لامنیده Lamnidae، که در آبهای استوایی و معتدله گرم زندگی می‌کند. اندازهٔ آن به ۱۰ متر می‌رسد. رنگ آن خاکستری آبی یا قهوه‌ای با شکم سفید رنگ انجام می‌گیرد.



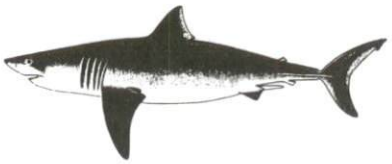
گیش برادار *Seriola dumerili*

great hammerhead ماهی سرچکشی بزرگ، گونه‌ای از خانوادهٔ Sphyrnidae با نام علمی *Sphyrna mokarran* حداکثر طول آن ۵۵۰ تا ۶۰۰ سانتیمتر است. اغلب نمونه‌های مسن بین ۲۴۰ تا ۲۶۵ سانتیمتر طول دارند. از ماهیهای استخوانی، کوسه‌ها، سفره ماهی، اسکوئید و شاه میگو تغذیه می‌کند. گونهٔ نواحی گرمسیری با گسترش زیاد ولی ناپیوسته می‌باشد. در اقیانوس هند غربی، در آبهای دور از ساحل آفریقای جنوبی، ماداگاسکار، موریس و جزایر سیشل، دریای سرخ، خلیج فارس و احتمالاً پاکستان، هند و سریلانکا، هند شرقی، غرب اقیانوس آرام مرکزی، اطلس و مدیترانه وجود دارد. گونهٔ نیمه اقیانوسی و ساحلی قدرتمند آن نزدیک ساحل می‌آید. اغلب در اطراف و روی آبسنگهای مرجانی دیده می‌شود. این گونه زنده‌زا است. نوزاد هنگام تولد ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر می‌باشد. برای انسان خطرناک است. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر شناور، گوشگیر کفی، رشته قلابهای طویل شناور، قلاب و ریسمان انجام می‌گیرد.



ماهی سرچکشی بزرگ (عکس از بالا)

است.



کوسه سفید بزرگ *Carcharodon carcharias*

greator amberjack گیش یراقدار با نام علمی *(Seriola dumerili)*

greator grouper هامور چرب

greator lizard fish کریشو، برادر حسون، ماهی شیرآور

green algae جلبکهای سبز، جلبکهای ردهٔ کلروفیسه، مانند، Caulerpa یا انگور دریایی، کاهوی دریایی، کلادوفورا و انترومورفا. جلبکهای سبز در آبهای آزاد به اندازهٔ جلبکهای قهوه‌ای غالب نیستند.

greenback mullet کفال پشت سبز، گونه‌ای از خانوادهٔ کفال ماهیان بانام علمی *Liza subviridis*. طول آن ۲۵ تا ۳۵ سانتیمتر است. از جلبکهای کوچک، دیاتومه‌ها و سایر موجودات زنده دیگر، هم بصورت زنده و هم جسد آنها از درون شن و گل و لای تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از خلیج فارس تا سریلانکا، در مناطق دیگر بطرف ساحل شرقی هند، چین، کوئینزلند و پلی‌نزیا وجود دارد. تخم‌ریزی در دریا صورت می‌گیرد. وارد آبهای شیرین می‌شود. صید آن توسط تورهای گوشگیر، پرتابی، بالاکش، ساحلی گردان (پره)، در آبهای ساحلی کم عمق، مردابها، مردابهای پشت ساحل و خورها انجام می‌گیرد.



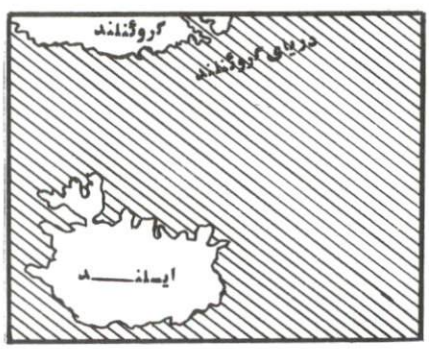
کفال پشت سبز *Liza subviridis*

greenhouse effect اثر گلخانه‌ای، افزایش تدریجی گرمای جوّ در اثر افزایش گاز کربنیک هوا

greening سبز شدن یا خاکستری شدن ماهی تون بعد از پختن به دلیل تغییر در پیگمانهای رنگی خون

Greenland - Scotland Ridge برآمدگی اقیانوسی گرینلند ـ اسکاتلند (شرقی ـ غربی) در اقیانوس اطلس شمالی که شاخه‌ای از گلف استریم را بین جزایر فارو و شتلند هدایت می‌کند.

Greenland Sea دریای گرینلند، این دریا در اثر برآمدگی یان‌ماین به دو بخش ایسلند و گرینلند تقسیم شده است. بستر ایسلند ۲۸۰۰ متر، و بستر گرینلند ۴۸۰۰ متر عمق دارد. فعالیتهای آتشفشانی زیر دریایی و نیز بارشهای سنگین، بخصوص برف فراوان است. چهار جریان آب قطبی منشعب از جریان گرینلند، میانی منشعب از جریان نروژ، آب عمقی جریان نروژ و جریان آب اطلس شمالی منشعب از جریان ایرمینگر به آن وارد می‌شوند. سطح دریا در آوریل یخ می‌بندد.



دریای گرینلند

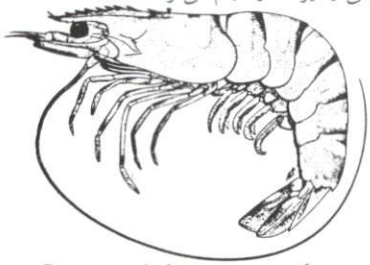
Greenlings گونه‌هایی از ماهیان خوراکی از خانواده کوچک Hexagrammidae که بومی قسمت شمالی اقیانوس آرام در آمریکای شمالی می‌باشند.

green manure کود سبز، گیاهانی که بعنوان کود در بستر حوضچه‌های خشک شده کشت می‌شوند.

Green Peace صلح سبز، سازمان طرفداران حفظ محیط زیست با ایجاد توازن بین فعالیتهای

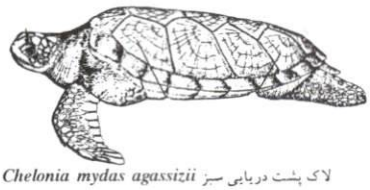
پیشرفت انسان و موجودات و پدیده‌های محیطی

green tiger prawn میگوی ببری سبز، گونه‌ای از خانوادهٔ Penaeidae با نام علمی *Penaeus semisulcatus* بیشترین طول نرها و ماده‌ها ۱۸ و ۲۳ سانتیمتر می‌باشد. از شرق و جنوب آفریقا تا هند و سریلانکا به انضمام دریای سرخ، خلیج فارس و غرب ماداگاسکار و بطرف شرق تا کره، ژاپن، فیلیپین و شمال استرالیا وجود دارد. این گونه از طریق کانال سوئز وارد قسمت شرقی دریای مدیترانه گردیده است. ساکن فلات قاره از خط ساحلی تا عمق حدود ۱۳۰ متری است، ولی بیشترین فراوانی را در آبهای با عمق کمتر از ۶۰ متر بر روی بسترهای گلی - شنی، گلی یا ماسه دارد. در طول روز در زیر بستر دریا مخفی می‌شود و تشکیل گله‌های کوچکی را می‌دهد. در آبهای ایران ،در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد و عمده‌ترین گونه را در صید تجارتی استان بوشهر تشکیل می‌دهد. صید آن بطور عمده در شب انجام می‌شود. ولی، در بعضی مناطق در روز صید می‌گردد. صید آن بطور عمده توسط تور کششی دردار، تورهای سرگردان، گردان ساحلی و قایقی و دیرک دار انجام می‌گردد.



میگوی ببری سبز *Penaeus semisulcatus*

green turtle لاک پشت دریایی سبز، خزنده بزرگ آبهای آزاد که در اثر شکار بی حد و نیز تخریب سواحل در حال انقراض است.



لاک پشت دریایی سبز *Chelonia mydas agassizii*

Grenadier = Macruridae ماهیان عمق زی خویشاوند کاد که سری بزرگ و بدنی باریک دارند.

grey bamboo shark کوسه خاکستری بامبو، (مشک - چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ Hemiscylliidae با نام علمی *Chiloscyllium griseum* . حداقل طول آن ۷۴ سانتیمتر می‌باشد. از بی‌مهرگان تغذیه می‌کند. به شمال شرقی اقیانوس هند محدود می‌شود. خلیج فارس بطرف شرق تا پاکستان، هند و شاید سریلانکا، در مناطق دیگر اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی، گسترش یافته‌است بطرف شرق تامالایا، تایلند، اندونزی، چین، ژاپن، جزایر فیلیپین و گینه‌نو گسترش یافته که نیاز به تحقیقات بیشتر دارد. گونه‌ای فراوان است که روی بستر لجنی مناطق ساحلی یافت می‌شود. تخمگذار است و تخمهای خود را در کیسه‌های کوچکی روی بستر دریا می‌گذارد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی کفی، تور گوشگیر ثابت کفی، تورهای گوشگیر کفی سرگردان، گاهی تورهای گوشگیر کفی سرگردان و گاهی تورهای گوشگیر شناور انجام می‌گیرد.



کوسه خاکستری بامبو *Chiloscyllium griseum*

grey bigmouth bream شانک خاکستری دهان بزرگ با نام علمی *Glaucosoma burgeri*

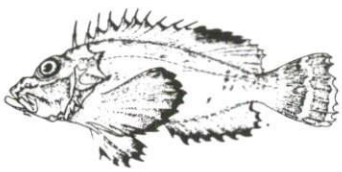
greyfin croaker شبه شوریده، تعتعو، گونه‌ای از خانواده شوریده ماهیان طبال با نام علمی *Johnieops aneus* . طول آن ۲۰ تا ۲۵ سانتی‌متر است که از سخت‌پوستان کوچک ، کرمهای کف زی ، و ماهیان کوچک تغذیه می‌کند. در سراسر سواحل غربی شبه قاره هندوستان تا سریلانکا، در آبهای ساحلی تا عمق ۳۰ متری دیده می‌شود. در آبهای ایران ، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن با تورهای کششی کفی، گردان قایقی و گردان ساحلی (پره) انجام می‌گیرد.

grey ice یخ تازه بسته

grey mullets خانوادهٔ کفال ماهیان

(بیاح ماهیان، Mugilidae)

grey stingfish گونه‌ای از خانوادهٔ عقرب ماهیان با نام علمی *Minous monodactylus* . طول آن ۸ تا ۱۰ سانتی متر می‌باشد. در اقیانوس هند غربی از دریای سرخ، خلیج فارس، پاکستان و سواحل غربی هند، موریس، مالدیو و سریلانکا و در مناطق ساحل شرقی هند در خلیج تایلند، سنگاپور، اندونزی، هنگ کنگ، و چین تا جزیره تایوان وجود دارد. در بسترهای نرم فلات قاره در آبهای نزدیک ساحل تا عمق حدود ۵۵ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی و گاهی توسط پره انجام می‌شود.



Minous monodactylus

grid شبکه، تعداد مربع‌هایی است که جهت محاسبهٔ یک ناحیه بر روی آن رسم می‌شود.

Grillotia erinaceus نوعی کرم انگل، بطور عمده در عضله ماهی کفشک دیده می‌شود.

grilse یک ماهی قزل‌آلای دریائی پیش رس یا ماهی آزاد رود کوچی که نسبت به ماهیهای کاملاً رسیده و بالغ در اندازه‌ای کوچکتر (و معمولاً در مراحل جوانی) بالغ شده است. قزل‌آلایی که یک زمستان را در دریا گذرانده باشد.

groin دیوار ساحلی، موج بند دست‌ساز، دیوارکشی ساحلی، نوعی سازه ساحلی که معمولاً بطور عمود بر خط ساحلی ساخته می‌شود.

grondage عوارض لنگر انداختن

gross ناخالص

gross composition ترکیب ناخالص، ترکیب تقریبی

gross photosynthesis فتوسنتز کلی و ناخالص

gross primary production تولید اولیه ناخالص، مقدار کربنی که توسط یک گیاه جذب و به ترکیبات آلی تبدیل می‌شود.

gross protein value (in fish meal) ارزش تقریبی پروتئین آرد ماهی

gross registered tonnage = GRT تناژ ناخالص ثبت شده کشتی

gross tonnage = GT تناژ ناخالص، (مجموعه فضاهای داخلی یک کشتی برحسب تن)

ground بستر آبگیر

ground - angling ماهیگیری بدون حرکت با قایقی با ریسمان سنگین

ground - bait طعمه زمینی، طعمه‌ای که به طرف کف آب انداخته می‌شود تا ماهی را جذب کند، طعمه عمقی (کف آبگیر)

ground discrimination تشخیص زمین، تشخیص بستر

ground fish ماهی که در کف آب زندگی می‌کند.

ground fishing ماهیگیری در بستر، ماهیگیری با طعمه در کف آب یا نزدیکی آن

ground line خط قلابی که برای صید ماهیان کفزی به کار می‌رود.

groundling ماهیهای ریز گوناگونی که در کف قرار می‌گیرند بخصوص، ماهی ریز قنات (gudgeon) و ماهی لوچ (loach).

ground net تور زمینی، هر نوع تور ماهیگیری که در کف آب به کار می‌رود.

ground rope طناب زمینی، طنابی در لبهٔ پایینی یک تور زمینی

ground sea دریای محصور در خشکی، دماغه، امواج دریا که به ساحل برخورد می‌کنند.

ground swell موج دورآی بلند

ground tackle مهار کشتی، ابزار مهار

ground water آبهای موجود در زیرزمین، آب زیرزمینی

groupers (Serranidae, sea basses) خانوادهٔ هامور ماهیان، از راستهٔ سوف مانندها. جنس مشهور این خانواده *Epinephelus* می‌باشد. بعضی از گونه‌ها ارزش غذایی دارند ولی، بعضی، مواد سمی تولید می‌کنند. پرورش برخی گونه‌ها در مدیترانه و بعضی مناطق دیگر انجام می‌گیرد.

growing out تغذیه ماهی برای رساندن به وزن قابل صید و برداشت

growing pond = rearing pond استخر رشد، استخر پرورش، استخر پرورش ماهی

growing season فصل رشد، دوره‌ای از سال که طی آن رشد و نمو صورت می‌گیرد.

growth رشد، افزایش و توسعه در تعداد یا اندازهٔ موجودات و جمعیتها یا در یک سیستم زنده

growth, absolute رشد مطلق، سرعت رشد، میزان رشد در واحد زمان

growth coefficient ضریب رشد

growth curve منحنی رشد، نمودار اندازهٔ رشد نسبت به زمان

growth factor ,fish meal فاکتور رشد وابسته به آرد ماهی، عاملی که باعث رشد و نمو در موجوداتی که با آرد ماهی تغذیه می‌شوند، می‌گردد. ارزش غذایی و میزان افزایش تولید غذاهای معدنی

growth period دورهٔ رشد، گستره‌ای از زمان که طی آن رشد صورت می‌گیرد.

growth , population افزایش تعداد افراد جمعیت

growth rate of fish سرعت رشد ماهی، نرخ رشد ماهی، افزایش نسبی یک ویژگی سنجیده شده از یک سیستم در حال رشد

growth, relative رشد نسبی، نسبت رشد و نمو در مراحل مختلف زندگی

groyne دیواری که کنار ساحل جهت جلوگیری از اثر امواج و حرکت ماسه احداث می‌شود، سد ساحلی

grunion ماهی نقره‌ای با نام علمی *Lurestis tenuis* . در سواحل کالیفرنیا از اقیانوس آرام، این ماهی تخم خود را در ماسه‌های ساحلی در حد بالاترین خط مد می‌گذارد و سال بعد نوزادان با آب شسته شده و به دریا می‌روند.تعداد آنها هنگام تخمریزی در ساحل به اندازه‌ای است که با پیمانه می‌توان آنها را صید کرد.

Grunt ماهی خُرخُر و (نالشی)، ماهیهای کوچک خوراکی استوایی صداساز

grunter ماهی سنگسر

guano گوانو، مدفوع پرنده‌های دریایی

guard نرده روی عرشه کشتی

guard of honor گارد احترام، پاسدار تشریفات

guard, coastal گارد ساحلی، حراست دریا

gudgeon = *Gobio gobio* , *Gobio fluviatilis* گاو ماهی از خانواده Gobiidae

guide راهنما

guided missle destroyer ناوشکن موشک انداز

guide piles شمعهای راهنما، ستونهای راهنما

Guinea Current روان آب گینه، جریان آب گرم و شورکم اکسیژن ساحل غربی آفریقا که با تغییرات فصل مسیر آن عوض می‌شود.

gular area گلو، منطقهٔ گلویی ماهی، منطقهٔ زیر برانشی در سطح شکمی ماهی

gulf خلیج، پیشرفتگی آب در خشکی

Gulf, of Oman خلیج عمان

Gulf, Persian خلیج فارس

Gulf (Persian) Parrotfish طوطی ماهی ایران، گونه‌ای از خانوادهٔ طوطی ماهی با نام علمی *Scarus persicus*. طول آن ۳۵ سانتیمتر و وزن آن ۱/۵ کیلوگرم می‌رسد. فقط در خلیج فارس (در آبهای بین شبه جزیرهٔ عربستان و ایران) گزارش شده است. صید آن

بلند بال دریایی از جنس *Larus* و از خانوادهٔ Laridae. منقار آن کمی خمیده و بدن آن قوی و سنگین است.

gully آبگذر، کانال یا حفرهٔ فرسایش که در اثر فعالیت آب : بویژه، در منطقه کوهستانی یا در تپه‌ها، ایجاد شده است.

gulpers ماهیان قورت دهنده، ماهیان باریک و سیاه که طول آنها ۵۰ سانتیمتر است. از سخت‌پوستان کوچک و پلانکتون تغذیه می‌کنند. بعضی از پژوهشگران، آنها را جزو ماز ماهیان می‌دانند. این ماهیان وابسته به خانواده Eurypharyngidae می‌باشند. بطور عمده در اعماق ۱۵۰۰ تا ۲۷۰۰ متری زندگی می‌کنند.



ماهی قورت دهنده

gunning درزبندی

gun room اتاق ادوات و مهمات کشتی

gurry ضایعات حاصله از ماهی یا پستانداران دریایی، امعاء، مجموعهٔ اعضاء و زوائد گوارشی شامل معده، روده و غیره (غیر از کبد و گنادهای جنسی)

gutted fish ماهی روده درآورده شده، ماهیی که شکم آن خالی و روده‌هایش خارج شده است.

guy زنجیر مهار جرثقیل

guyot تپه دریایی، قله صاف در کف دریا

Gymnura poecilura سفره ماهی ببری

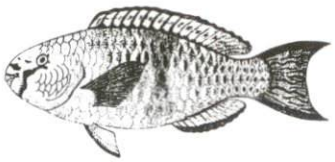
gyre مسیر تقریباً کره‌ای جریان آب در دریای آزاد، چرخش دایره‌ای جریان آب (ممکن است چند جریان با هم در یک مسیر دایره‌ای قرار گیرند)

gyrene = marine دریایی

gyro compass قطب نمای الکتریکی

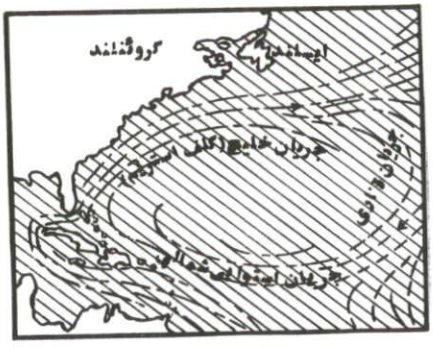
gyttya نوع رسوباتی که خاص دریاچه‌هایی با بستر اکسیژن‌دار می‌باشد.

توسط دام، تور و سایر وسایل صید سنتی انجام می‌شود.



طوطی ماهی ایران *Scarus persicus*

Gulf Stream جریان آب گرم گلف استریم در اقیانوس اطلس شمالی، جریانی منشعب از جریان اطلس شمالی که بصورت رودی در اقیانوس جاری است. این جریان آب گرم و شور دریای سارگاسوم را از آب سرد و کم شور آبهای ساحلی جدا می‌کند. در لبهٔ دشت بلایک با سرعت ۴ تا ۵ گره دریایی در ساعت حرکت می‌کند. عمق ۸۰۰ متری جریان باعث طوفانهای ناگهانی می‌گردد، این جریان در حدود مدار دماغهٔ هاتراس، کارولینای شمالی ساحل را ترک می‌کند، ویژگیهای آن تغییر می‌یابد، عریض‌تر و عمیق‌تر (حدود ۱۰۰۰ متر) می‌شود، در شمال دماغه، این جریان از روی پشته قاره‌ای می‌گذرد و توسط جریان لابرادور به سوی شرق متمایل می‌شود. پهنای آن در کف مغاکی بیشتر می‌شود. وقتی گلف استریم به آبهای گراند بانکز می‌رسد، ۲۰ درصد از حجم آن کاسته می‌شود. نقش این جریان در آبهای اروپا هنوز مشخص نشده است.

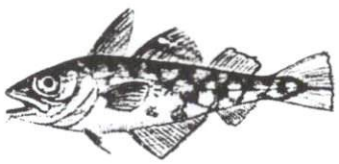


جریان آب گرم گلف استریم

gull , sea مرغ نوروزی، پرنده پا پرده‌دار

H

آبزیان شمالی و اروپا است، و در حال حاضر به دلیل صید بی‌رویه، ذخائر آن کاهش یافته است. از کفزیانی مانند ستاره دریایی، کرمها، ماهیان و گاهی اسفنج‌ها تغذیه می‌نماید.



ماهی هاداک *Melanogrammus aeglefinus*

Hadromerina اسفنجهایی از ردهٔ کلاواکسینلا

haffara seabream ماهی از خانوادهٔ شانک ماهیان با نام علمی *Rhabdosargus haffara* . طول آن ۲۰ تا ۳۵ سانتیمتر است. ماهی گوشتخواری است که از بی‌مهرگان کفزی (شکمپایان و سخت پوستان) تغذیه کرده و بیشتر روی شن زندگی می‌کند. این ماهی بومی دریای سرخ می‌باشد و بویژه در شمال آن فراوان است. ساکن آبهای کم عمق حدود ۱۰ متر و بطور عمده در اطراف آبسنگهای مرجانی و بر روی بسترهای گلی - شنی یا شنی دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج

haberdine, fish ماهی نمک زده و خشک شده

habitat زیستگاه، مسکن طبیعی یک جاندار، بویژه جایگاه بخصوصی که در آن موجود بطور طبیعی رشد یا زندگی می‌کند.

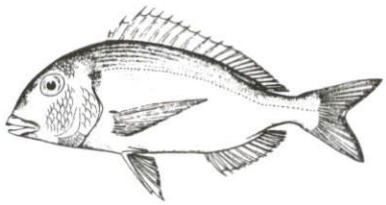
habitat improvement بهسازی زیستگاه، ابزاری مدیریتی در ماهیگیری که تنها هدف آن ایجاد شرایط محیطی بهتر برای گونه‌های خاص ماهی می‌باشد.

habitats, marine زیستگاههای دریایی، مانند مردابهای حرا، آبهای لب شور، مردابها، پهنه های گلی، ناحیهٔ بین جزر و مدی، مناطق کفی و آبهای آزاد

hadal zone ناحیهٔ عمقی زیر دشت مغاکی (۶ کیلومتر و عمیق‌تر)، این ناحیه تاریکی مطلق است. فشار آب ۶۰۰ اتمسفر می باشد و در ترانشه ها تا ۱۲۰۰ اتمسفر می‌رسد. دما و شوری این ناحیه ثابت است. رسوبات معمولاً از جنس رس قرمز است.

haddock ماهی هاداک با نام علمی ***Melanogrammus aeglefinus*** ، در آبهای اطلس شمالی و در آمریکا و اروپا وجود دارد. بصورت گله‌های بزرگ حرکت می‌کند. یکی از ماهیهای مهم تجارتی

فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر سه جداره، گوشگیر، پره و گاهی با قلاب دستی انجام می‌گیرد.



Rhabdosargus haffara

hag موج شکن

hagfish نوعی مارماهی دهان گرد، ماهی بدون آرواره غضروفی از ردهٔ بی‌آروارگان که در شیارهای آبهای سرد زندگی می‌کند، از بی‌مهرگان، مواد ریز و حیوانات مرده تغذیه می‌کند. برخی انواع زندگی انگلی دارند.

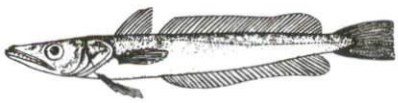
hail = hailstorm تگرگ یا طوفان تگرگ

hairback gizzard ماهی گواف

hairtail ماهی هسفک، یال اسبی، اسبک، سالو، ناخوز، هسپ،

hairtails, cutlassfishes = Trichiuridae ماهیان خانواده یال اسبی

hake ماهی هیک، ماهی تجارتی گوشتخوار سواحل کاناداکه خیلی سریع شنا می‌کند. این ماهی که از خانواده Merluciidae و از جنس *Urophycis* است، عمده‌ترین ماهی تجارتی سواحل آفریقا بحساب می‌آید.



Merluccius merluccius ماهی هیک

Haldane, John Scott (1860-1936)

جان هالدان، فیزیزلوژیست اسکاتلندی که پژوهشهای زیادی را در زمینه تنفس زیر آبی و شرایط فشار انجام داد. نتایج مطالعات بنیادی وی تا کنون کاربردهای زیادی داشته است .

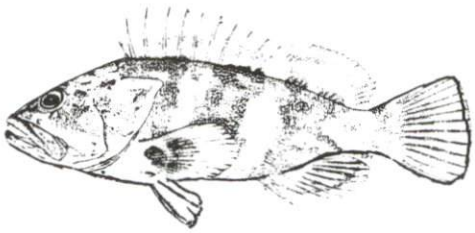
hale تغییر سریع مسیر کشتی

half ناحیه کم عمق کنار دریا

halflife نیمه عمر، زمان لازم برای تجزیه نصف اتمها در یک ماده رادیو اکتیو

halfmast پرچم نیمه افراشته کشتی

halfmoon grouper هامور نیمه ماه، گونه‌ای از خانواده هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus rivulatus* . طول آن حداکثر ۳۵ سانتیمتر می‌باشد. به تعداد فراوان در اقیانوس هند غربی و به طرف جنوب تا خلیج آلگوا، آفریقای جنوبی و نیز در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی ،و بطرف شرق تا چین و ژاپن وجود دارد. در دریای سرخ و خلیج فارس دیده نشده است. در ایران ،در آبهای دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیله قلاب و ریسمان، دام و تور گوشگیر، در بسترهای سنگی و یا آبسنگهای مرجانی در عمق ۱۵۰ تا ۲۰۰ متری انجام می‌شود.



Epinephelus rivulatus هامور نیمه ماه

half spent ماهی که بخشی از تخمهای خود را ریخته است.

half tide کشند ناقص، کشند نیمه، جزر و مد ناقص

halibut ماهی هالیبوت، کفشک از جنس *Hippoglossus*

Halichondria راسته‌ای از اسفنجهای ردهٔ دموسپانژیده

Halimeda هالیمدا، جلبک سبز توده‌ای از خانواده کودیاسه با تیغه‌های برگ مانند

Haliotis گوش دریا، آبالون،

یک جنس خوراکی از شکمپایان

Halmahera Sea دریای هالمائرا، دریایی بین جزایر هامارا و گینه نو در اقیانوس آرام با مساحت تقریبی ۹۵۰۰۰ کیلومترمربع، دمای سطح آب این دریا ۲۶ تا ۲۹ درجه سانتی‌گراد است.



دریای هالمائرا

Halobacteriaceae هالو باکتریاسه، باکتریهای گرم منفی گرد یا دراز هوازی نمک دوست

Halobacterium هالو باکتریوم، باکتری دراز گرم منفی نمک دوست دریایی

Halobates هالوباتها، تنها حشرات اقیانوسی که شامل ۳۹ گونه می‌باشند. این گونه‌ها از دریاچه ها گرفته تا اقیانوسهای بزرگ، بین مدارهای ۴۰ درجه شمالی و ۴۰ درجه جنوبی زندگی می‌کنند. تراکم این حشرات در اقیانوس هند محدود می‌باشد.

halocline لایه‌ای از آب که در آن درصد شوری خیلی سریع تغییر می‌کند. لایهٔ مرزی بین دو لایه با شوری متفاوت

Halococcus هالوکوکوس، باکتری گرد گرم منفی نمک دوست دریایی

halogen نمک ساز، هالوژن، عناصر فلوئور، کلر، برم، ید که بصورت یون در آب دریا وجود دارند.

halophile نمک دوست، موجودات آب شور خواه

halophilism نمک خواهی، نمک دوستی، پدیده‌ای‌که طی آن موجود برای رشد و نمو به نمک زیادی نیاز دارد.

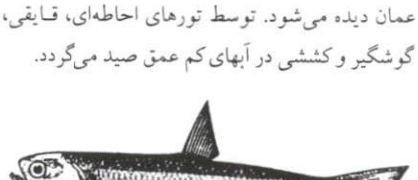
halophyte گیاه محیط‌های شور، گیاه شوری دوست، هالوفیت

haloseries توالی اجتماعات گیاهی در محیط آب شور

halyard ریسمان پرچم کشتی

Halystidae خانوادهٔ مرجانهای منقرض شده از راستهٔ تابولانا از دوران اول زمین شناسی

Hamiltons thryssa موتوی هامیلتون، فدنی (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ آنشوا ماهیان، با نام علمی *Thryssa hamiltonii* . به طرف شرق تا آسیای جنوب شرقی، گینه‌نو و سواحل شمالی وجود دارد. ماهی سطح‌زی در آبهای ساحلی و احتمالاً در خورها یافت می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. توسط تورهای احاطه‌ای، قایقی، گوشگیر و کششی در آبهای کم عمق صید می‌گردد.



موتوی هامیلتون ***Thryssa hamiltonii***

hammer head shark کوسه سرچکشی، کوسه آب گرم با پراکنش جهانی که به سواحل هم هجوم برده و علاوه بر ماهی به انسان هم حمله می‌کند.

مراجعه شود به hammer head great

hand brailer تور ماهیگیری با چوبی که در در طرفین آن قرار دارد و آن را صاف و کشیده نگه می‌دارد، brailnet

hand lead ژرفیاب دستی، عمق یاب دستی

hand liftnet تور بالاکش دستی

hand line ریسمان ماهیگیری بدون نخ با یک یا چند قلاب طعمه دار که با دست کار می‌کند، قلاب دستی

hand liner شناور صید با قلاب دستی

hand lining صید با قلاب دستی

hand net تور دستی، ساچوک

handtong صید با انبر دستی

hanging coefficient ضریب آویختگی در تور ماهیگیری، نسبت فاصلهٔ افقی اشغال شده توسط تعداد مشخص چشمه (برابر با عمقی از تور که همان تعداد چشمه را دارد) را به عمق واقعی تور، قبل از آویزان شدن گویند. به عبارت دیگر نسبت طول افقی یک تعداد سوراخ مشخص در تور در حالت آویزان ، به طول افقی همان تعداد سوراخ وقتی که تور آویزان نباشد.

hanging method (of culture) روش آویزانی پرورش صدف‌های دو کفه‌ای (اویسترها)

hanging ratio ضریب تعلیق، نسبت آویختگی

hang - net نوعی تور با سوراخهای بزرگ، توری که بطور عمودی (آویزان) نصب می‌گردد.

harbor = harbour اسکله، لنگرگاه، بندرگاه، لنگر انداختن

harborage لنگرگاه، پناهگاه

harbor control tower برج مراقبت بندر

harbor mastere رئیس بندر، مسئول تنظیم امور حمل ونقل بندرگاه، راهنمای بندر

harbor seal = common seal = spotted seal فوک معمولی، با نام علمی *Phoca vitulina*، فوک بندرگاه نیمکره شمالی که از ماهی، ماهی مرکب، و سخت پوستان تغذیه می‌نماید.

hard clam دوکفه‌ای از خانوادهٔ Veneridae با نام علمی *Meretrix lusoria*

hardness of water سختی آب، ویژگی آبی که دارای نمکهای محلول بویژه کلسیم و منیزیم است. مجموع املاح محلول در آب بصورت بیکربنات کلسیم. هر چه آبی سنگین‌تر باشد، صابون در آن کمتر کف می‌کند.

hard (aquatic) plants گیاهان سخت آبزی، نام عمومی که به گیاهان آبزی بویژه آنهایی که متعلق به منطقه شنی هستند اتلاق می‌گردد.

hard roe تخمهای یک ماهی ماده

hard tail scad ماهی گیش باریک، کنو (داردم) با نام علمی *Meagalapsis cordyla*

hard water آب سخت، آب حاوی نمکهای کلسیم و منیزیم

harem حرم، حرمسرا، ماهیان نری که چند ماده دارند.

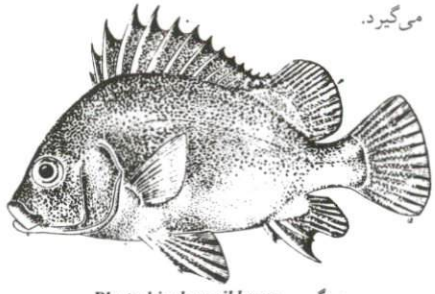
harpoon fishing صید با زوبین

harpooning صید با ادوات صید نیزه‌ای شکل یا زوبین

harp seal فوک پوستی مهاجر نیمکره شمالی با نام علمی *Pupophillus (Phoca) groenlandicus*. این فوک را به دلیل پوست مرغوبی که دارد صید می‌کنند و در خطر انقراض می‌باشد.

harrow fishing صید با چنگگ

harry hotlips ماهی سنگسر، گونه‌ای از خانواده سنگسر ماهیان، با نام علمی *Plectorhinchus gibbosus*. حداکثر طول آن ۷۰ سانتیمتر می باشد. در تمام منطقه اقیانوس هند غربی به جز خلیج فارس و نیز به طرف مجمع الجزایر اندونزی، استرالیا، فیلیپین، چین و پلی‌نزیا وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی، بسترهای شنی و نزدیک خورها می‌باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط قلاب دستی، نیزه و تور گوشگیر انجام می‌گیرد.



Plectorhinchus gibbosus سنگسر

harvestable fish ماهی قابل استحصال، ماهی که رشد و نمو کافی برای صید اقتصادی نموده است.

harvest basin حوضچه صید استخر، عمیق‌ترین قسمت استخر نزدیک خروجی، محلی که پس از تخلیه آب استخر، ماهیها در آن جمع شده و صید آنها آسان می‌گردد.

harvesting برداشت محصول، صید محصول، صید ماهیهای پرورش یافته

harvest of fish برداشت محصول ماهی

hatch, to تخمه گشائی کردن، سر از تخم درآوردن، پاره کردن پوسته تخم و خروج نوزاد، دریچه بارگیری، دریچه سیل بند کشتی

hatch - boat نوعی قایق ماهیگیری نیم عرشه‌ای با گودال آبی برای نگهداری ماهی

hatcher محفظه نگهداری تخم جهت طی دوره رشد و نمو جنینی، انکوباتور

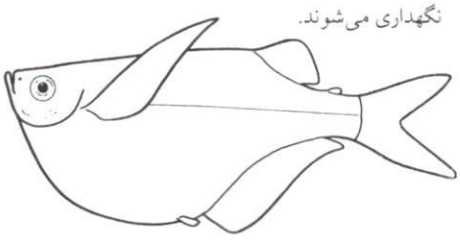
hatchery زایشگاه، ساختمانی که تکثیر ماهی و پرورش تخم و نوزاد در آن انجام می‌گیرد، هچری

hatchery jar انکوباتور قیفی شکل شیشه‌ای یا پلکسی گلاس

hatchery techniques روشهای تکثیرماهی و پرورش تخم و نوزاد در هچری

hatchery tray سینی نگهداری تخم در هچری، ظرفهای کم عمق و معمولاً چهارگوش که در پرورش تخم ماهیها استفاده می‌شود.

hatchet fish تبرزین ماهی، ماهیانی از خانواده Gasteropelecidae ، نزدیک به کاراسین ها که قسمت شکمی آنها کمان مانند، و قسمت پشتی آنها کشیده است. در آبهای آمریکای مرکزی و جنوبی زندگی می‌کنند وبرخی از گونه‌ها در آکوآریوم نگهداری می‌شوند.



Gasteropelecidae تبرزین ماهی

hatching تخمه گشایی، خروج نوزاد از تخم

hatching apparatus دستگاههای تبدیل تخم به نوزاد

hatching boxes جعبه‌های انکوباسیون تخم (تا بیرون آمدن نوزاد)

hatching jar انکوباتور شیشه‌ای قیف مانند

hatching pond استخری که در آن پرورش تخم و خروج نوزاد از آن انجام می‌گیرد.

hatching rough کانال کوچک پرورش بچه ماهی در داخل هچری

hatching tray سینی‌های مخصوص انکوباسیون تخم برای زمان خروج نوزادها از تخم

hatching trough کانالهای کوچک و دراز انکوباسیون تخم

hatchling نوزاد ماهی با کیسه زرده، نوزادی که تازه تخمه گشای‌ی نموده است.

hatch way دریچه یا روزنه عرشه کشتی که معمولاً برای جابجایی بار استفاده می‌شود.

Hatteras Abyssal Plain دشت مغاکی هاتراس، بخشی از بستر شمال غربی اقیانوس اطلس در شرق پوستهٔ قاره‌ای آمریکای شمالی تا برمودا

Hatteras, Cape دماغهٔ هاتراس، جایی که جریان آب گرم گلف‌استریم به جریان آب سرد لابرادور می‌پیوندد. این پیوند و هوای سرد بالای آب گرم باعث جریانهای طوفانی هوا می‌شود.

haul ماهیهایی که‌با کشیدن یک بار تور ماهیگیری صید می‌شوند. عملکرد کامل از مرحلهٔ انداختن تور ماهیگیری یا پرتاب آن به درون آب، تا مرحلهٔ بیرون کشیدن از آب

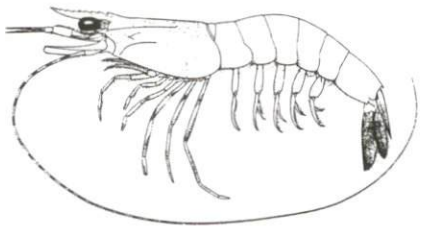
hauling in فرآیند تورکشی، پدیدهٔ بیرون کشیدن تورها و طنابهای ماهیگیری و سایر ملزومات

haul-net ادوات صید پره، تور

haul seine مراجعه شود به beach seine

hawknose shrimp میگو منقار قوشی، گونه‌ای از خانواده Penaeidae با نام علمی

Parapenaeopsis acclivirostris. بیشترین طول نرها و ماده‌ها بترتیب ۴/۷ و ۷/۳ سانتیمتر می‌باشد. از جنوب و شرق آفریقا تا سواحل غربی هند، در خلیج فارس و در آبهای دور از ساحل غربی ماداگاسکار (جزایر اروپا)، و همچنین در سواحل شرقی هند وجود دارد. از نواحی نزدیک خط ساحلی تا حدود ۵۰ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران، از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورهای کشش میگوگیری، گوشگیر و تورهای گردان و دیگر وسایل صید سنتی انجام می‌گردد.



میگو منقار قوشی *Parapenaeopsis acclivirostris*

hawl تور کشیدن، کشیدن تور از آب

hawse سوراخهای دماغهٔ کشتی که برای نگهداشتن طناب است.

hawse hole سوراخ دماغهٔ کشتی مخصوص عبور طناب

hawser طناب فولادی برای نگهداری کشتی در حوضچه

hawser bend گره طنابی که دو سر طناب را به هم وصل کند.

haze مه، مه کم، تیرگی هوا

head سرچشمه یک رود، آبگیری که بعنوان ذخیره یک کارخانه و نظایر آن در سطح بالایی نگهداشته شده است. انتهای بالایی یک دره، دریاچه و غیره

head erosion = head water erosion فرسایش نوک خشکی پیشرفته در آب

head land پیشرفتگی خشکی در دریا، دماغه

head length طول سر، فاصلهٔ بین نوک پوزه تا انتهای سرپوش آبششی (در ماهی)

head line طنابی که شناورها به آن بسته می‌شوند و به لبهٔ بالایی یک تور متصل می‌شود.

head - rope طنابی سراسری در بالای تور ماهیگیری

head sail دماغه کشتی، بادبان جلوی کشتی

head spring کانالی که آبرا به چرخ آب یا آسیاب آبی هدایت می‌کند.

head water آب سرچشمه، بخش بالایی هر جریان در نزدیکی منبع آن

heat حرارت

heat budget بودجه حرارتی، مقدار انرژی که یک بدنه آبی جذب و تولید می‌کند.

heat budget, annual بودجه حرارتی سالانه، مقدار انرژی حرارتی که لازم است آب یک دریاچه را از کمترین دمای آب زمستان به بالاترین دمای آب تابستان برساند.

heat capacity گنجایش حرارتی

heat conductivity قدرت هدایت گرما

heat of variation حرارت حاصله از تغییر فرم

heaving بالا و پایین رفتن کشتی

heavy derrick جرثقیل ثابت و سنگین کشتی

heavy fertilization کوددهی سنگین، کوددهی زیاد

heavy metals فلزات سنگین شامل : مس، روی، جیوه و غیره که در آبهای آلوده یافت می‌شوند و برای آبزیان سمی و کشنده‌اند. این مواد می‌توانند در بافتهای مختلف آبزیان جمع گردند.

heavy sea = very rough sea دریای خیلی خراب، دریای خشن

heavy weather هوای نامساعد

hectocotylus بازوی مخصوص انتقال اسپرم در سرپایان نر، بازوی صد سوراخه

hedge دیواره یا دیواره‌هایی که ماهیها را به طرف دام هدایت می‌کند.

heel یک ورشدن یا کج شدن کشتی

Heezen, Bruce Charles (1924-1977)
چارلز هیزن، اقیانوس شناس آمریکایی که نقشه بستر اقیانوسهای جهان را رسم کرد.

height of wave ارتفاع موج، فاصلهٔ بین قلهٔ موج تا عمق شیار قبلی آن

hemal خونی، وابسته به خون

Heliasteridae خانواده‌ای از خارپوستان ردهٔ ستاره‌های دریایی (استروییدیا) که تقارن پنج بخشی ندارند.

heliogram پیام آفتابی

heliograph آیینهٔ آفتابی

heliozoa آغازیان مارپیچی آب شیرین با صدفهای پرزایده

helium (He) گاز هلیوم، گازی که در دستگاه غواصی بکار می‌رود.

Hellenic Plate صفحهٔ پوسته‌ای یونانی (یونان و جزایر یونانی)

helm چرخ سکان

helmsman سکان گیر، سکان دار

Helodontidae خانواده موش ماهیان منقرض شده

helophyte گیاه مردابی، گیاهی که زیر آب جوانه می‌زند.

helophytia تفاوتهای کنترل اکولوژیک مردابها یا نواحی جزر و مدی با نوسانات سطح آب

Helotrophidae خانواده حشرات آبزی استوایی

hemback red snapper نوعی ماهی سرخو

hemibranch آبششی که دارای یک ردیف تار آبششی (نصف حالت معمولی) می‌باشد.

Hemichordata نیمه مازه‌داران، شاخهٔ بی‌مهرگان دریایی کرم مانند ریز خوار که در نواحی جزرو مدی تا اعماق زندگی می‌کنند.

Hemirhamphus far گونه موران

Hemirhamphus sp. ماهی نیم منقار

hepatic degeneration (of trout) بیماری دژنراسیون کبد (قزل آلا)، فساد کبد

herbicide علف کش، مادهٔ شیمیایی که برای کشتن و از بین بردن علفهای هرز به کار می‌رود.

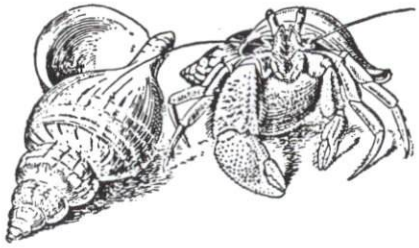
herbivorous fish ماهی علفخوار، ماهی تغذیه کننده از گیاهان، گیاهان غذای اصلی این ماهی‌ها را تشکیل می‌دهند.

hermaphrodite brig کشتی دو کله

hermaphroditism نرمادگی، واجد دو جنسیت نر و ماده

hermatypic coral مرجانهای تپه‌ای

hermit crab خرچنگ منزوی، خرچنگ خانه‌بدوش، نوعی خرچنگ که از صدف حلزونها برای حفاظت و سکونت استفاده می‌کند. رابطهٔ همسفرگی بین این خرچنگها و شقایقهای دریایی وجود دارد.



خرچنگ منزوی

heron خواصیل، نوعی مرغ ماهیخوار

heronery پرورشگاه مرغ ماهیخوار، منطقه زاد و ولد حواصیل

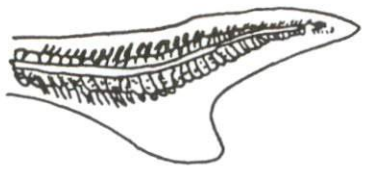
herrings = Clupeidae شگ ماهی‌ها، خانوادهٔ شگ ماهیان شامل، ساردین ماهیان، مومغ ماهیان، کیلکاها و غیره

Hess Harry (1906 - 1969) هری هس، زمین شناس آمریکایی که نخستین بار نظریه گسترش بستر اقیانوسها را ارائه داد.

heteracanth دارای تیغه‌های باله‌ای نامتقارن

چپ و راست

heterocercal باله دمی نامتقارن،
باله دمی که اندازه قسمت فوقانی و تحتانی آن مشابه نیست.



باله دمی نامتقارن

heterotrophic دگرخواری، موجود زنده‌ای که قادر به تولید غذای مورد نیاز خود نیست و از تولیدات دیگران استفاده می‌نماید.

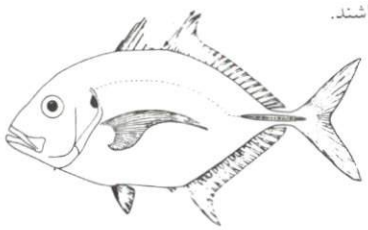
heterotrophs موجودات دگرخوار، مصرف کننده‌ها

Hexactinellida هگزاکتینلیدا، اسفنجهای شیشه‌ای و اسفنجهای دارای تقارن شعاعی شش و جهی با ساختارهای محافظ (شیشه‌ای) یا سیلیسی

hibernation زمستان گذرانی، خواب زمستانی، طی کردن فصل زمستان به حالت خواب یا با حداقل تحرک

high - backed اشاره به شکل ماهیانی که نسبت وزن آنها به طول بدنشان خیلی بالا است .

high - backed caranx چِش، گیش گوژپشت دو گونه مختلف آن با اسامی علمی *C. auroguttattus* و *Caranx malabaricus* می‌باشند.



چش *Caranx malabaricus*

high - density catfish culture پرورش متراکم گربه ماهی

higher high tide مراجعه شود به high tide،

higher high water (HHW) مد بالاتر، برکشند بالاتر، آب بالاتر بین دو آب بالای هر روز جزر و مدی

higher low water (HLW) جزر بالاتر، فروکشند بالاتر، جزر بالاتر بین دو آب پایین هر روز جزرو مدی

higher plants گیاهان عالی (تر)، ماکروفیتها

high level radioactive wastes پسماندهای رادیواکتیو که میزان رادیواکتیویته بالا دارند.

high opening net تور دهانه گشاد

high opening trawl ترال دهانه گشاد

high - protein diet غذای پُر پروتئین، غذایی با محتوای پروتئینی بالا

high sea دریای طوفانی (با امواجی به ارتفاع ۵ تا ۸ متر)

high seas دریاهای آزاد

high technology تکنولوژی پیشرفته، واژه‌ای نسبی که دال بر لزوم کاربرد انرژی بیشتر، تخصص برتر و امکانات مناسبتر برای راه اندازی آن است.

high tide = high water مد، بالاترین حد مد در یک نقطه خاص، برکشند

high tide mark خط مد، داغ یا اثر بالاترین مد

high water مد، برکشند

high water line of tide خط مد بالا، سطح بالای مد، محل تقاطع متوسط مد با ساحل دریا

***Hilsa ilisha* = hilsa shad** ماهی صبور، زبور

hilsa shad ماهی پرک (چابهار)، ماهی صبور، از خانواده ساردین ماهیان با نام علمی *Tenualosa ilisha*. طول آن ۳۶ تا ۶۰ سانتیمتر است. در بخش شمال شرقی اقیانوس هند غربی، از خلیج فارس به طرف سریلانکا، و نیز در خلیج بنگال در خورها، رودخانه‌ها و دریا وجود دارد. گونه‌ای سطح‌زی که در آبهای ساحلی دیده می‌شود. در آبگیرهای ماهیگیری بوسیلهٔ تور گوشگیر شناور، در خورها و رودخانه‌ها به هنگام مهاجرت به سمت بالای جریان و در دریا توسط تورهای گوشگیر و گردان صید

همهٔ فرآیندهای ضروری مرتبط به آن است.

holm زمین پست و مسطح نزدیک ساحل دریا، دریاچه و رودخانه

Holocene, epoch دورهٔ هولوسن، جوانترین بخش دوران چهارم، و جدیدترین زمان تاریخ زمین که در آن یخچالهای طبیعی بیشتر نقاط زمین ذوب شدند و منجر به بروز بعضی خشکیها، و نیز افزایش سطح دریاها گردیدند که در نتیجه بعضی گذرگاههای خشکی مانند گذرگاه بین آلاسکا و سیبری، اروپا، انگلستان، سیسیل، ایتالیا، سریلانکا، و هند از میان رفت. هولوسن ۱۰۰۰۰ سال پیش شروع شد و ادامه دارد.

Holocephalii موش ماهیها، ماهیان کفزی گوشتخوار خویشاوند کوسه‌ها که بعضی از آنها اندامهای نور افشان دارند و اوره را در خون خود متمرکز می‌سازند.

holoepipelagic آبزیانی که تمامی عمر را در آبهای سطحی و بطور شناور می‌گذرانند.

holomictic lakes دریاچه‌هایی که آبهای سطحی و عمقی آنهابطور کامل در اوائل بهار و پائیز مخلوط می‌شوند.

Holophoridae خانواده‌ای از میگوها با نمونه‌های کفزی یا آزاد عمقی

holoplankton آبزیانی که تمامی عمر خود را بصورت معلق در آب به سر می‌برند.

Holoptychidae خانواده ماهیان منقرض شده باله لپی از راسته استئولیپیفورم

Holostei اجداد ماهیان استخوانی که از ماهیان غضروفی منشعب شدند. شامل ماهیانی مانند گار

Holothurian نوعی حلزون دریایی

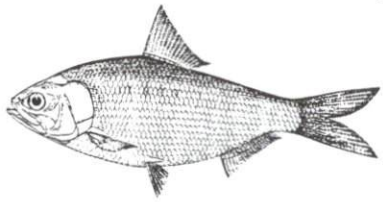
Holothuroidea خیارهای دریایی، بی‌مهره استوانه‌ای شکل با پوست نرم و چرمی

Holotrichia آغازیان تاژکدار با آرایش ردیفهای طولی تاژکها

holotype نمونه نماینده، نمونه هولوتیپ، تنها نمونهٔ تعیین شده که نمایندهٔ گونه‌است.

Holuridae گروهی از ماهیان غضروفی منقرض شده

می‌گردد.



Tenualosa ilisha پزک (چابهار)

Himantura uarnak ماهی صبور، ماهی زبور

hinder fin باله لگنی

hinter land زمین پشت ساحل، فاصلهٔ بین ساحل تا ۵ کیلومتر دورتر از آن

Hirudinea = leeches زالوها، ردهٔ کرمهای حلقوی بدون تارهای حسی که انگل ماهیان غضروفی و استخوانی هستند. این کرمهای نر ماده، اندام مکنده در دو انتهای خود دارند که توسط آنها خون میزبان را می‌مکند. مادهٔ ضد انعقاد مترشحه توسط زالوها مصارف دارویی دارد.

HN هیدرودینامیک نمادین، مدل هیدرودینامیک رقمی، مدل رقمی جهت محاسبه تغییرات سطح دریا، جریانات و چگونگی توزیع هر صفت ویژه در این مدلها از معادلات اساسی (مقدماتی) حرکت و معادلات استاتیک استفاده می‌شود.

hoe fishing صید با کج بیل

hog fish نوعی عقرب ماهی، گراز ماهی

holding ground نقطه توقف کشتی در مناطق عمیق دریا

holding pond استخر نگهداری، استخر نگهداری ماهیان مولد، استخر نگهداری ماهیان جهت تخمریزی

holding tank مخزن نگهداری ماهی زنده، حوضچه نگهداری ماهی قبل از حمل و نقل یا هنگام وارد کردن به کارگاه پرورش

holding trough کانال باریک و دراز ویژه نگهداری ماهی زنده

holistic ecosystem اکوسیستم هولیستیک، صورت نمادین (numerical simulation) اکوسیستم (دریایی) که در برگیرنده تمام موجودات زنده، محیط و

Homalozoa خارپوستان فاقد تقارن شعاعی

Homaridae خانواده شاه میگوها (لابسترها)

homeiothermic خون گرمی

homeotherm جانور خون گرم

home port بندر مبدأ

home range قلمرو، منطقه‌ای که توسط یک حیوان منفرد برای فعالیت های حیاتی، مانند، تغذیه، تولید مثل و ... استفاده می‌شود.

homestead fish ponds استخرهای پرورش ماهی روستایی، استخر پرورش ماهی خانوادگی

homing بازگشت به زادگاه، بازگشت ماهیان به زادگاه تخمریزی اولیه بازگشت ماهیان به آخرین آبهایی که در جوانی و به هنگام مهاجرت از رودخانه‌های زادگاهشان به آبهایی که در آن خانه داشته و فرصت کافی برای خو گرفتن به آب و هوای آن داشته اند.

homocercal باله دمی متقارن، باله دمی با تقارن محوری



باله دمی متقارن

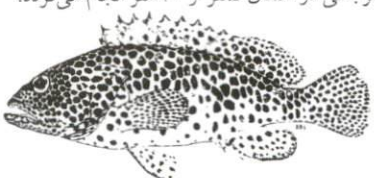
homogeneous estuary خور یا مصب یکنواخت، خور یا مصبی که ترکیبات شیمیایی و زیستی آن یکنواخت است.

homoiotherm = homeotherm خون گرم، ویژگی جانورانی که درجه حرارت بدن آنها ثابت است و تحت تاثیر نوسانات درجه حرارت محیط قرار نمی‌گیرد.

homothermal هم‌دما، از کلمهٔ یونانی homos همگون به معنی یکسانی و همسازی چیزی و therm به معنی حرارت ساخته شده است، اشاره به آب دریا که دارای درجه حرارت یکسان و برابر است. در عمل، به توده آبی که دارای درجه حرارت همسان است، هم گرما یا هموترمال می‌گویند. کلمهٔ ایزوترمال (isothermal) به سطوح یا لایه‌هایی گفته می‌شود که درجه حرارت آنها مشابه است.

honey comb coral مرجانهای شانه عسلی، مرجانهای شش گوش، مرجانهای منقرض شدهٔ راستهٔ تابولاتا

honey comb grouper هامور شانه عسلی، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔهامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus merra*. طول آن حداکثر ۳۰ سانتیمتر است. بطور گسترده در اقیانوس هند غربی و بطرف جنوب تا ترانسکی (حدود ۳۲ درجهٔ عرض جنوبی) غیر از دریای سرخ و خلیج فارس وجود دارد. در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و بطرف شرق تا پلی نزیای فرانسه، و در اقیانوس آرام غربی از شمال ژاپن تا کوئینزلند وجود دارد. معمولاً روی آبسنگهای مرجانی در مردابهای کم عمق یا آبهای محفوظ زندگی می‌کند. ایران، در آبهای دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ قلاب و دام در آبسنگهای مرجانی در اعماق کمتر از ۲۰ متر انجام می‌گردد.



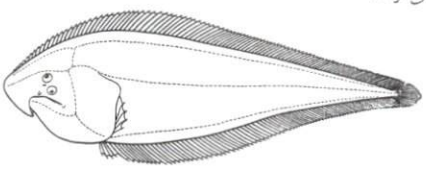
Epinephelus merra هامور شانه عسلی

hook قلاب، لنگر کشتی، خمیدگی در نقطه خاص از سیم که لخت است و برای گرفتن ماهی به کار می‌رود.

hook and line gear هر نوع ابزار ماهیگیری که در آن برای صید ماهی از قلاب و نخ ماهیگیری استفاده می‌شود.

hooked tongue sole کفشک زبان گاوی قلاب دار، پرو (چابهار)، گونه‌ای از خانواده کفشک ماهیان با نام علمی *Cynoglossus carpenteri*. طول آن ۱۵ تا ۲۳ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان کفزی تغذیه می نماید. در منطقه اقیانوس هند غربی از خلیج فارس تاپاکستان، ساحل غربی هند و سریلانکا وجود دارد. ساکن بسترهای شنی و آبهای عمیق تر از ۱۲۰ تا ۴۵۰ متر است. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. با تورهای کششی کفی عمقی از شروع فلات قاره تا آبهای عمیق‌تر حدود ۴۰۰ متر صید

می‌گردد.

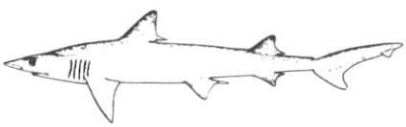


کفشک زبان‌گاوی فلاب دار *Cynoglossus carpenteri*

hook, fish چنگه ماهی

hooking صید با قلاب

hooktooth shark کوسه دندان چنگکی، از خانوادهٔ Hemigaleidae با نام علمی *Chaenogaleus macrostoma*. طول آن حداکثر ۱۰۰ سانتیمتر گزارش شده است و از ماهیان کوچک و بی‌مهرگان تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی محدود به شمال شرقی، از خلیج فارس تا پاکستان، هند و شاید سریلانکا، و در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی بطرف تایلند، جزیره تایوان و اندونزی وجود دارد. این کوسه کوچک، رایج آبهای ساحلی دور و نزدیک آبهای فلاتی می‌باشد. برای انسان بی خطر است . در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیله تورهای گوشگیر کفی متحرک، و رشته قلابهای طویل انجام می‌شود.



کوسه دندان چنگکی *Chaenogaleus macrostoma*

hoop net = fyke net تور تله‌ای حلقوی، دام کیسه‌ای مخروطی، دام حلقوی کم و بیش حفره‌ای شکل که از قلابهای گرد یا آویزان با سوراخهای بهم چسبیده تشکیل شده و دارای دو ردیف دهانه قیفی شکل است.

horizontal incubator انکوباتور افقی، محفظه جعبه مانندی که آب در آن جریان افقی دارد و برای پرورش تخمهای نسبتاً بزرگتر ماهیها، بویژه، تخم قزل‌آلا و ماهی آزاد بکار می‌رود.

hormogonium سلولهای هورموگونیوم در رشته‌های جلبکها، بین یاخته‌های هتروسیت

horny corals مرجانهای شاخی، نام رایج مرجانهای خانواده Corgonaceae کورگوناسه

horse latitudes مدارهای فعلی، کمربندهای هوایی پرفشار درمدارهای ۳۰ تا ۴۰ درجه نیمکره‌های شمالی و جنوبی که هوای خوب و باد ملایم دارند.

horse mackerel برک، ماکرل اسبی، گیش کوچک با نام علمی *Trachrus japonicus*



ماکرل اسبی *Trachrus japonicus*

horse neck clam صدف دوکفه‌ای گردن اسبی، نرم‌تن کفزی حفار خوراکی

horse shoe crab خرچنگ نعل اسبی (بخاطر شباهت تقریبی خرچنگ خوانده می‌شود). از ردهٔ مروستوماتا، بندپایی سه قسمتی با چشمان مرکب و پاهای زیاد، مشهورترین جنس آن *Limulus* است .



خرچنگ نعل اسبی

horseshoe lake دریاچه نعلی شکل، دریاچه‌ای که در قسمت جدا شده یک رودخانه که تغییر مسیر داده، ایجاد شده است.

host میزبان (حامل انگل)

hot springs چشمه‌های آب گرم (با دمای حدود ۴۰ درجه سانتیگراد)

hound fish ماهی شینگو با نام علمی *Tylosurus crocodilus*

hound needlefish شینگو، خرخور، زیر گونه‌ای از خانواده سوزن ماهیان با نام علمی *Tylosurus crocodilus crocodilus*. طول آن ۹۰ تا ۱۲۴ سانتیمتر است. گوشتخوار می‌باشد و بطور عمده

قطب جنوب شروع می‌شود.

humeral شانه‌ای یا وابسته به شانه، در منطقه شانه

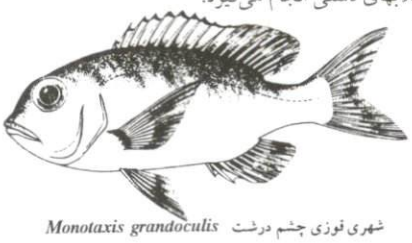
humic water آب هوموس دار، آب محتوی محلول مواد حاصله از پوسیده شدن موجودات زنده مراجعه شود به dystrophy

humidity رطوبت، مقدار نسبی بخار آب در هوا

hummock تپه یخی، تودهٔ یخ

humper back whale نهنگ گوژپشت، گونه‌های *Megaptera modosa* یا *M. novaenglia*، نهنگهای نسبتاً کوتاه قد (۱۲ تا ۱۵ متر)، که به دلیل شکار فروان و بی‌رویه در حال انقراض هستند.

humpnose bigeye bream ماهی شهری قوز چشم درشت، گونه‌ای از خانواده شهری ماهیان با نام علمی *Monotaxis grandoculis*. طول آن ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر است و از نرمتنان، سخت‌پوستان و خارپوستان تغذیه می‌کند. در بیشتر نواحی منطقه وجود دارد. از سواحل شرقی آفریقا، دریای سرخ، ماداگاسکار، سیشل، جزایر لاکادیو، سواحل هندوستان و سریلانکا، سراسر اقیانوس هند شرقی، و اقیانوس آرام مرکزی تا هاوایی گزارش شده است. ساکن آبسنگهای مرجانی و آبهای ساحلی تا اعماق حدود ۶۰ متر می باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای گوشگیر، دام، رشته قلابهای کفی و قلابهای دستی انجام می‌گیرد.



شهری قوزی چشم درشت *Monotaxis grandoculis*

humus هوموس، مواد آلی که تا حدی تجزیه شده‌اند.

hunchback box fish صندوق ماهی پشت خمیده، گونه‌ای از خانواده Ostraciidae، با نام علمی *Tetrosomus gibbosus*. طول آن ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر از ماهیان کوچک تغذیه می‌کند. از آفریقای جنوبی تا سراسر دریای سرخ، خلیج فارس، دریای عمان، هندوستان و سریلانکا گسترش دارد. در آبهای مناطق گرمسیری سراسر جهان ممکن است دیده شود. صید آن بوسیلهٔ قلاب اندازی یا قلابهای کششی سطحی یا در نزدیک سطح با طعمه، همچنین با تور احاطه‌ای و شناور در مناطق نزدیک و دور از ساحل انجام می‌گردد.



شینگو ـ خرخور *Tylosurus crocodilus crocodilus*

house flag پرچم شرکت کشتیرانی

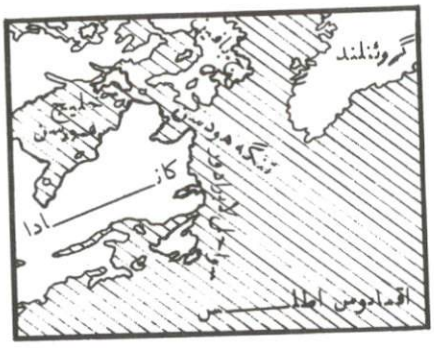
hoy کشتی کوچک ساحلی، دوبه، یدک کش

Huang Ho = Yellow River رود زرد چین

Hudson Bay خلیج هودسن در آمریکا

Hudson Canyon دره هودسن، دره‌ای به طول ۹۰ کیلومتر از دهانه رود هودسن، تا لبهٔ پوسته قاره‌ای اطلس شمالی

Hudson Strait تنگه هودسن، راه آبی ۷۰۰ کیلومتری بین خلیج هودسن و دریای لابرادور که در نهایت به اقیانوس اطلس می‌پیوندد.

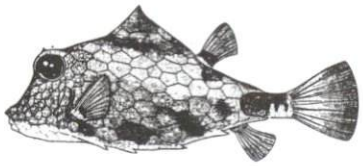


تنگه هودسن

hull بدنه کشتی

Humboldt Current = Peru Current جریان آب سرد سطحی پرو یا هامبولت که از آبهای

می‌باشد. در سراسر اقیانوس هند غربی، به جز خلیج فارس، بین شبه جزیره عربستان و ایران وجود دارد. در اغلب مناطق هند و آرام غربی یافت می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تور کششی کفی بطور ضمنی انجام می‌گیرد.



صندوق ماهی پشت خمیده *Tetrosomus gibbosus*

hurricane طوفان دریایی استوایی در اقیانوس اطلس غربی (مشابه همین طوفان در اقیانوس آرام تایفون نام دارد). فصل این طوفان حوالی تیر تا شهریور در نیمکره شمالی، و دی تا فروردین، در نیمکره جنوبی است. گردباد دریایی با سرعت باد حداکثر ۳۳/۵ متر بر ثانیه (۶۵ گره دریایی یا ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت)

hurricane deck عرشه سبک بالایی کشتی

hurricane lamp چراغ دریایی یا بادی

hurricane path گذرگاه طوفان، مسیر طوفان

***Huso huso* = Beluga** فیل ماهی، بلوگا، بزرگترین ماهی آب شیرین جهان که وزن آن تابیش از ۱۴۰۰ کیلوگرم گزارش گردیده است. این ماهی گران قیمت ترین ماهی جهان است و گرانترین نوع خاویار را تولید می‌نماید.



فیل ماهی *Huso huso*

hyaline شفاف، بیرنگ

hybridization دورگه سازی

hybrid salmonids آزاد ماهیان دورگه

Hydra جنس هیدر آبی از کیسه‌تنان (مرجانیان)

hydraulic gradient شیب هیدرولیک

hydric رطوبتی، رطوبت دار

Hydrobatidae خانواده مرغان طوفان از راسته پروسلاریفورم (Proselariformes)

hydrocaulus ساقه ایستاده کلنی شاخه‌ای هیدر آبی

Hydrocharitales راستهٔ گیاهان تک لپه‌ای آبزی از خانواده آلیسماتیده Alismatidae

hydrocladium یکی از انشعابات کلنی شاخه‌ای هیدر آبی

hydroclime اقلیم آبی، هیدروکلیما، اقلیم آبی اقیانوسها، (سطح و زیر آنها)

hydrodynamic هیدرودینامیک، پویایی آب نیروی آبی، وابسته به نیروی آب

hydrodynamic numerical (HN) model مدل عددی هیدرودینامیک

hydrogen band پیوند هیدروژنی

hydrogensulphide سولفید هیدروژن، مولکول معدنی تأمین کننده الکترون در باکتریهای احیا کننده گوگرد

hydrographic وابسته به آب نگاری

hydrography آب نگاری، هیدروگرافی، علم و عمل نقشه برداری و رسم منحنی ها و چارتهای اقیانوسها و دریاها، در این چارتها مسایل زیستی دخالت داده نشده‌اند.

hydroid هیدری، وابسته به هیدرهای آبی،

Hydroida راسته‌ای از کیسه‌تنان که انواع کلنی را شامل می‌شود.

hydrologic cycle چرخه آب در طبیعت، چرخه آبشناسی

hydronavigation دریانوردی با استفاده از نشانه‌های آبی دریایی (برای مثال : با استفاده از مسیر جریانها یا آبهای روان دریایی)

hydrophil = hydrophylic آبدوست

hydrophone گیرنده مغناطیسی یا پیزو الکتریک امواج زلزله زیر دریایی

hydroplane هواپیمای روی آب رو، سکان افقی

hydroponics کشت گیاهان زمینی در آب، کشت گیاهان در آب غنی شده از مواد غذایی به جای خاک

hydropower انرژی حرکت آب، بویژه رودخانه، جریانهای دریایی، جزر و مد و امواج

hydropsis مفاهیم و نظرات وابسته به آب، هیدروپسیس، اصطلاحی است که اکنون به بخشی از اقیانوس نگاری اطلاق می‌شود که بطور پیوسته و آنی به جمع‌آوری اطلاعات و نظارت مستمر و گزارش پدیده‌های اقیانوس نگاری می‌پردازد. هدف از تهیه این اطلاعات استفاده از دریاها برای صید ماهیان تجاری و اطلاعات جاری است. در عین حال، گزارش هواشناسی بر مبنای هواشناسی همزمان (متئورولوژی سینوپتیک) است. متئورولوژی سینوپتیک منظم و پیوسته سینوپسیس نامیده می‌شود. بنابراین، اقیانوس نگاری سینوپتیک که پیوسته انجام می‌گیرد هیدروپسیس نامیده می‌شود.

hydrosphere کرهٔ آبی، کره آب، بخش آبی کره زمین همراه با بخار آب

hydrothermals چاههای آب گرم معدنی (دریایی)

Hydrozoa ردهٔ هیدروزوآ، متعلق به شاخهٔ کیسه‌تنان (مرجانیان)

hyperbolic navigation system روش ناوبری هذلولی

hypersaline fisheries صیادی و شیلات آبهای فوق شور

hypertrophy, infections of the kidney بیماری‌های عفونی کلیه

hypertrophy پرغذایی، پر تولیدی، هیپروتروفی مربوط به آبهایی با مواد اولیه غذایی خیلی بالا

hypervitaminosis بیماری و ناراحتی حاصله از مصرف زیاد ویتامینها

Hyphochytriales هیفوکیتریا یا لایه لایه شدن، راسته‌ای از قارچهای آبزی شاخه ماستیگومایکوتا

Hypogaleus balfouri چارگوگ

hypolimnion هیپولیمنیون، بخشی از دریاچه‌های عمیق در زیر ناحیهٔ ترموکلاین که هیچ حرارتی از خورشید و نیز هیچ جریان هوایی به آن نمی‌رسد. اما رسوب‌گذاری در آن ادامه دارد. تودهٔ آب زیر لایهٔ ترموکلاین، در دریاچه‌هایی که از عمق کافی برخوردارند، آب در تابستان تمایل به لایه لایه شدن دارد. لایه هیپولیمنیون اکسیژن بسیار کمی دارد.

hypomandibular فکی کامی

hypophysation تزریق عصاره هیپوفیز برای پیش رس کردن ماهی

***Hyporhamphus* sp.** گونه‌ای از ماهیان نیم منقار

hypural bones استخوانهای زیردمی، استخوانهای بادبزنی شکل، که شعاعهای بالهٔ دمی به آنها می‌چسبند.

I

IASY = International Active Sun Years
برنامه همکاری بین المللی برای مطالعهٔ پدیده‌های زمینی ـ خورشیدی در سالهایی که بیشترین لکهٔ خورشیدی وجود دارد.

ice یخ، آب یخ زده یا بلوری شده، آب دریایی که ۳/۵ درصد نمک داشته باشد، در حدود ۱/۹- درجه سانتیگراد یخ می‌زند.

ice age عصر یخبندان

iceberg توده‌های بزرگ یخ شناور، کوه یخی

ice breaker یخ شکن

ice cap کلاهک یخی

ice - cover پوشش یخی، لایه‌ای از یخ که در زمستان، با رسیدن دمای هوا به زیر صفر، بر سطح یک آبگیر تشکیل می‌شود.

ice fall آبشار یخی، تودهٔ یخ غلتان

ice field یخزار، سرزمین یخی، توده بزرگ یخ شناور

ice fishing صید زیر یخ، ماهیگیری از داخل حفراتی که در یخ ایجاد می‌شود،

ice - free بدون یخ، فاقد پوشش یخی

ice - house ساختمانی که اغلب بطور نسبی یا کامل در درون یخ سفت ساخته می‌شود.

ice island جزیره یخی، توده یخ بزرگ که چندین کیلومتر مربع وسعت داشته باشد.

ice jigger وسیله‌ای برای جاگذاری دام گوشگیر زیر یخ

ice pack کوه یخ (که حاصل انجماد آبهای در شیرین قطبی و یا آب دریاست).

ice shelf سکوی یخی شناور در محل ورود یخچال به دریا

Ichthydectidae خانوادهٔ ماهیان فسیلی استخوانی دورهٔ کرتاسه

ichthyologist = fish specialist
ماهی شناس، متخصص ماهی شناسی

ichthyology ماهی شناسی

ichthyophage ماهیخوار

ichthyophagous ماهیخواری

ichthyophthiriasis

بیماری لکه سفید ماهی، نوعی بیماری ماهی که عامل آن *Ichthyophtirius multifillis* می‌باشد.

Ichthyosaur ایکتیوسور، خزنده دریایی منقرض شده عصر مزوزوئیک

ichthyosis = fish-scale disease ایکتیوز، فلسی شدن پوست، بیماری فلس ماهی (ایکتیوزیس)، بیماری در انسان که در آن پوست به شکل فلس ماهی در می‌آید.

ichthyotoxic plants گیاهان ماهی کُش مانند لرگو در مازندران

ide ماهی از خانوادهٔ کپور ماهیان (Cyprinidae) با نام علمی *Idus idus*

igneous rock سنگ آذرین

IGOSS = International Global Ocean Station System سیستم بین المللی که برای مشخص کردن و راهنمایی شناورها و کشتی‌های هواشناسی دریایی بکار می‌رود.

IGY = International Geophysical Year سال بین المللی ژئوفیزیک (۱۹۵۷ تا ۱۹۵۸)، سال تحقیقات وسیع ژئوفیزیک توسط ۷۰ کشور

IHD = International Hydrologic Decade برنامه همکاری بین المللی ده ساله برای تربیت هیدرولوژیستها بین سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۴

***Ilisha elongata* = elongate ilisha** ماهی پیکو دراز

***Ilisha indica* = Indian pellona** ماهی پیکو، کوو، پیکو هندی

***Ilisha melastome* = Indian ilisha** ماهی صبور هندی، پیکو پهن

illicium زائده قلاب مانند طعمه‌گیری ماهیان قلابدار، قلاب طعمه گیر

imbancment مراجعه شود به embankment

imbricate آرایش سفالی، نیمه نیمه روی هم چیدن

immature نارس، نابالغ، نرسیده، نمو جنسی نیافته

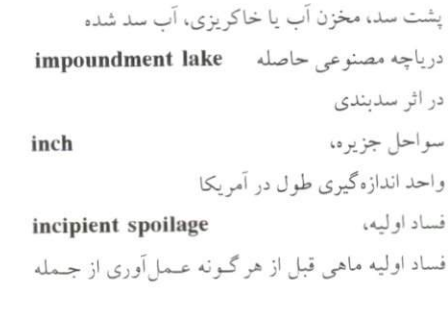
immense sea دریای وسیع، دریای پهناور

immerged غرقابی، در آب فرو رفته (زیر آب)

impaling gear چهار میخ کردن با قلاب، هر شکلی از قلاب که ماهی با آن به یک میلهٔ تیز چهار میخ می‌شود.

impermeable soil خاک نفوذناپذیر، خاکی که آب از درون آن نمی‌تواند نفوذ کند و برای احداث استخر پرورش ماهی مناسب است .

imposter trevally گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Carangoides talamparoides*. بیشترین طول آن ۲۸ سانتیمتر است .در آبهای اقیانوس هند غربی، در آبهای ساحلی از بخش شرقی خلیج عمان بطرف سریلانکا، در اقیانوس هند - آرام غربی، از خلیج تایلند تا سوماترا، برنئو، فیلیپین و استرالیا یافت می‌شود. صید آن توسط قلاب و ریسمان و تور کششی کفی و چند نوع ابزار صید سنتی انجام می‌گردد.



Carangoides talamparoides

impoundment استخری که با بستن یک دیواره درست می‌شود، آبگیر مصنوعی، سدبندی، مخزن آب پشت سد، مخزن آب یا خاکریزی، آب سد شده

impoundment lake دریاچه مصنوعی حاصله در اثر سدبندی

inch سواحل جزیره، واحد اندازه‌گیری طول در آمریکا

incipient spoilage فساد اولیه، فساد اولیه ماهی قبل از هر گونه عمل‌آوری از جمله

انجماد و کنسرو کردن، جدا از هر گونه فسادی که بعد از عمل آوری ایجاد می‌شود.

incisor دندان اسکنه‌ای، دندان نوک پهن و تیز

incoming year class گروه سنی آتی، گروه تازه وارد سالانه، گروه ماهیان تازه واردی که سالانه به ذخیره اضافه می‌شود.

incubate نگهداری و پرورش تخم، نگهداری تخمها در طول نمو جنینی

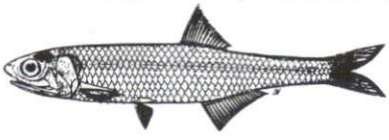
incubation عمل یا پدیدهٔ نگهداری و پرورش دادن تخم آبزیان

incubation period دوره رشد و نمو تخم از زمان بارورشدن تا خروج نوزاد از تخم

incubation time زمان انکوباسیون، دوره انکوباسیون

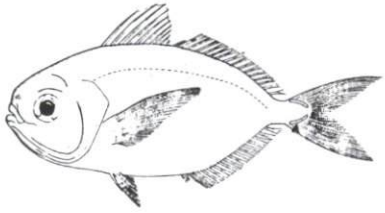
incubator انکوباتور، وسیله‌ای برای نگهداری و پرورش تخم ماهی

Indian anchovy موتوی هندی، گونه‌ای از خانوادهٔ آنشوا ماهیان یا موتو ماهیان، با نام علمی *Stolephorus indicus* . طول آن ۱۲ تا ۱۵/۵ سانتیمتر است. در سراسر اقیانوس هند غربی، در مناطق دیگر بطرف شرق تا آسیای جنوب شرقی، ساموا، و تاهیتی پراکنده می‌باشد. ماهی سطح زی آبهای ساحلی می‌باشد. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود.بوسیله تورهای گردان کششی و تور نرده‌ای و در آبهای کم عمق صید می‌شود.



موتوی هندی *Stolephorus indicus*

Indian ariomma ماهی آرین، گونه‌ای از خانوادهٔ Ariommidae با نام علمی *Ariomma indica* بیشترین طول حدود ۲۵ سانتیمتر و معمول آن تا ۱۸ سانتی متر است. بطور عمده از پلانکتونهای جانوری تغذیه می‌کند. پراکندگی آن در نواحی فلات قاره و قسمت بالای شیب آن و در طول ساحل شرقی آفریقا، خلیج سوئز، عدن، دریای عمان، هندوستان بطرف شرق شامل اندونزی و جنوب ژاپن می‌باشد. در مناطق کم عمق بر روی بسترهای گلی تا عمق ۳۰۰ متر دیده می‌شود. شبها پلاژیک و روزها در اعماق زندگی می‌کند. ممکن است دارای مهاجرت فصلی باشد. تخمریزی در تناوب بهاره و پائیزه در آبهای دور هندوستان، و کمی زودتر در موزامبیک انجام می‌گیرد. در ایران نیز از دریای عمان گزارش شده است .



آرین *Ariomma indica*

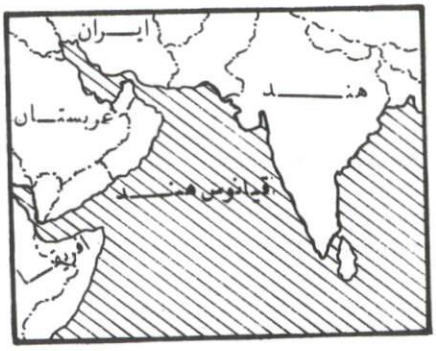
Indian carps گروه کپور هندی، مجموعه‌ای از سه گونه ماهی پرورشی که بصورت کشت توأم پرورش داده می شوند. این گونه‌هاعبارتنداز : کاتلا (*Catla catla*)، راهو (*Labeo rohita*)، و مریگال (*Cirrhinus mrigala*)

Indian drift fish آرین، مراجعه شود به *Indian ariomma*

Indian halibut ماهی هالیبوت هندی از خانواده Psettodidae

Indian ilisha ماهی صبور هندی، پیکو پهن، گونه‌ای از خانواده ساردین ماهیان با نام علمی *Ilisha melastoma* . طول آن ۱۲ تا ۱۳ سانتی متر است . در ساحل غربی هند، و نیز بطرف شرق تا آبهای جنوب شرقی ، تایوان و ساحل شمال شرقی استرالیا وجود دارد. گونه‌های پلاژیک آن در آبهای ساحلی دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تور گردان ، تور بالاکش و

جغرافیایی اقیانوس هند تقریباً بین مدار ۱۴۰ تا ۲۰ درجه شرقی است. بادهای اقیانوس هند الگوی فصلی دارند و بارانزا هستند. بیشترین شوری اقیانوس هند در خلیج فارس، و کمترین آن در خلیج بنگال است. آب سطحی معمولاً منشاء محلی دارد ولی، آبهای عمقی یا میانی منشأ قطبی (قطب جنوب) دارند.



اقیانوس هند

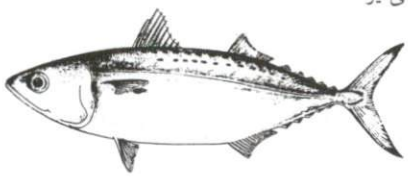
Indian - oil sardinella ماهی ساردین روغنی

هندی، ساردینلای روغنی، ساردینلای پوزه دراز، گونه‌ای از خانواده ساردین ماهیان با نام علمی *Sardinella longiceps*. طول آن ۱۶ تا ۲۳ سانتیمتر است. از پلانکتونها بویژه *Fragilaria* و نیز از سخت‌پوستان و جلبکها تغذیه می‌کند. در بخش شمالی اقیانوس هند غربی (شامل دریای سرخ) وجود دارد، اما ظاهراً در سواحل آفریقای شرقی ماهیهای گونهٔ *Sardinella neglecta* جای آن را می‌گیرد. بطرف شرق و نیز تا سواحل هند شرقی (در آسیای جنوب شرقی هند با گونهٔ *S. lemura* جایگزین می‌شود). گونه‌های سطحزی در آبهای ساحلی بصورت گله‌های بسیار بزرگ می‌باشند. ماهیان مولد حدود خرداد یا تیر ماه وارد آبهای ساحلی می‌شوند (در شروع بادهای موسمی جنوب غربی). شدت تخم‌ریزی از شهریور تا مهر است. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تورگردان قایقی و یا گوشگیر، تورگردان ساحلی یا پره و پرتابی یا ماشک، در سرتاسر تورکششی کم عمق انجام می‌گیرد.



ماهی صبور هندی، پیکو پهن *Ilisha melastoma*

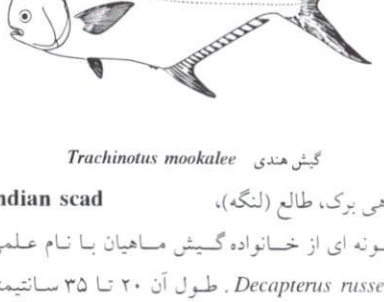
Indian mackerel قدال، لب (چابهار)، ماکرل هندی، گونه‌ای از خانواده شیر ماهیان با نام علمی *Rastrelliger kanagurta*. تغذیه آن ابتدا از پلانکتون‌ها بویژه، لارو سخت پوستان می‌باشد. از ناتال بطرف شمال درطول ساحل شرق آفریقا، ماداگاسکار، رئونیون، کامور، سیشل و نیز در دریای سرخ و غرب هند و سریلانکا، در اقیانوس هند غربی بطرف شرق تا فیلیپین، استرالیا، ساموا وجود دارد. در شرق دریای مدیترانه نیز وجود دارد. گونه‌ای رایج و سطحزی آبهای ساحلی که در گله‌های بزرگ یافت می‌شود. از فصل بهار تا تابستان بصورت دسته جمعی تخمریزی می‌نماید. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تور پیاله‌ای گردان، تور احاطه‌ای، تور بالاکش و دامهای خیزران نرده‌ای انجام می‌گیرد.



قدال، لب (چابهار)، ماکرل هندی *Rastrelliger kanagurta*

Indian Ocean اقیانوس هند که در جنوب هندوستان، غرب استرالیا و شرق آفریقا قراردارد. این اقیانوس از شکستن ابر خشکی گندوانا به آمریکای جنوبی، آفریقا، استرالیا، قطب جنوب، هند و ماداگاسکار بوجود آمده است. مساحت آن ۷۶ میلیون کیلومتر مربع می‌باشد و چند دریا دارد که عبارتند از: خلیج فارس، دریای عمان، دریای عربی، خلیج عدن، دریای سرخ، خلیج بنگال و دریای آندامان. محدودهٔ

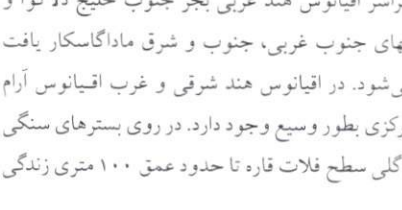
قلاب دستی و سایر ابزار سنتی انجام می‌گیرد.



گیش هندی *Trachinotus mookalee*

Indian scad ماهی برک، طالع (لنگه)،

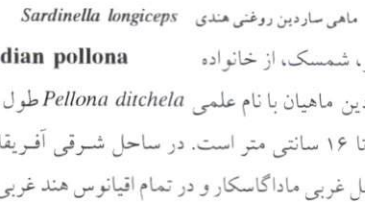
گونه ای از خانواده گیش ماهیان با نام علمی *Decapterus russelli* . طول آن ۲۰ تا ۳۵ سانتیمتر است . از بی‌مهرگان پلانکتونی کوچک تغذیه می‌کند. در آبهای اقیانوس هند غربی ، و از ژاپن تا استرالیا در اقیانوس آرام غربی پراکنده بوده و بیشترین نوع گیش در آبهای اقیانوس هند می‌باشد. در آبهای ساحلی در اعماق حدود ۱۰۰ متر وجود دارد. این ماهی در حدود ۳ سالگی به فراوانی صید می‌شود. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن در آبهای ساحلی بوسیلهٔ تور پیاله‌ای گردان و کششی انجام می‌شود.



ماهی برک ، طالع (لنگه) *Decapterus russelli*

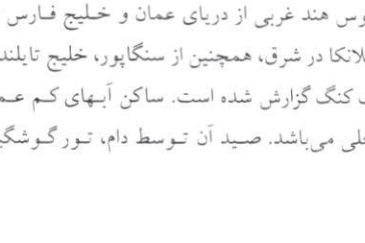
Indian spiny turbot توربوت خاردار، ماهی کفشک کوچک، کفشک هندی، کفش (چابهار)، با نام علمی *Psettodes erumei* که طول آن تا ۶۰ سانتیمتر است. از موجودات کفزی تغذیه می‌کند. تقریباً در سراسر اقیانوس هند غربی بجز جنوب خلیج دلاگوآ و آبهای جنوب غربی، جنوب و شرق ماداگاسکار یافت می‌شود. در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی بطور وسیع وجود دارد. در روی بسترهای سنگی و گلی سطح فلات قاره تا حدود عمق ۱۰۰ متری زندگی

اقیانوس هند غربی، و بطور عمده در آبهای اطراف سواحل غربی هند در یک نوار ساحلی بطول ۱۶ کیلومتر انجام می‌شود. حداکثر صید در شهریور ماه و صید جوانترها از آبان تا دی می‌باشد و در اوایل بهار صید خاتمه می‌یابد.



ماهی ساردین روغنی هندی *Sardinella longiceps*

Indian pollona پیکو، شمسک، از خانواده ساردین ماهیان با نام علمی *Pellona ditchela* طول آن ۱۳ تا ۱۶ سانتی متر است. در ساحل شرقی آفریقا و ساحل غربی ماداگاسکار و در تمام اقیانوس هند غربی و نیز بطرف شرق تا سواحل شمالی استرالیا یافت می‌شود. گونه‌های سطحزی آن در آبهای ساحلی، در خورها، مردابها و حتی رودخانه‌ها پیش می‌آیند. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می شود. صید آن توسط تورهای گردان، بالاکش و کششی در آبهای کم عمق انجام می‌گیرد.

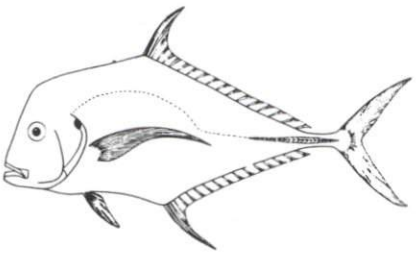


پیکو، شمسک *Pellona ditchela*

Indian pompano گیش هندی،

گونه‌ای از خانواده گیش ماهیان با نام علمی *Trachinotus mookalee* . بزرگترین نمونه به طول ۹۰ سانتیمتر به وزن ۸/۱ کیلوگرم اندازه‌گیری شده است. در اقیانوس هند غربی از دریای عمان و خلیج فارس تا سریلانکا در شرق، همچنین از سنگاپور، خلیج تایلند و هنگ کنگ گزارش شده است. ساکن آبهای کم عمق ساحلی می‌باشد. صید آن توسط دام، تور گوشگیر،

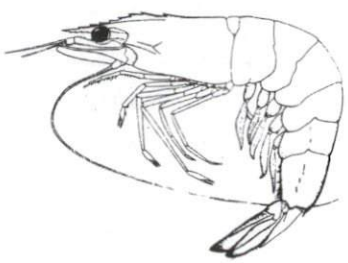
می‌شوند. انواع بالغ آن بصورت تفریحی صید می‌گردند.



گیش گوژشت ، پاپیل ، مقوا *Alectis indicus*

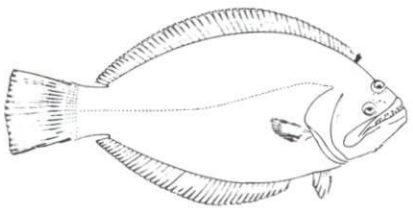
میگو سفید هندی، **Indian white shrimp**

گونه‌ای از خانواده Penaeidae با نام علمی *Penaeus indicus* . بیشترین طول نرها و ماده‌ها به ترتیب ۱۸/۴ و ۲۳ سانتیمتر می‌باشد. در سراسر سواحل جنوبی و شرقی آفریقا تا هند و سریلانکا بانضمام ماداگاسکار و دریای سرخ وجود دارد. در دریای عمان و خلیج فارس بندرت دیده می‌شود. بطرف شرق و جنوب تا چین و فیلیپین و شمال استرالیا دیده می‌شود. ساکن نواحی فلات قاره از خط ساحلی تا عمق حدود ۹۰ متری می‌باشد. در آبهای کمتر از عمق ۳۰ متر و برروی بسترهای شنی یا گلی فراوانی بیشتری دارد. گونه‌ای شوری‌دوست است، و در دریای سرخ شوری بیش از ۴۵ در هزار را تحمل می‌کند. در آبهای ایران، از سواحل چابهار تا سواحل شرقی هرمزگان گزارش شده است . صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی در دار، تورهای مستقر، دام‌های سرگردان، گوشگیر مستقر، تورهای نرده‌ای و پرتابی انجام می‌شود.



میگو سفید هندی *Penaeus indicus*

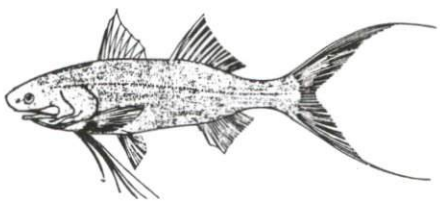
می‌کند. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تور کششی کفی در آبهای فلات قاره انجام می‌گیرد.



تورپوت خاردار *Psettodes erumei*

راشگوی هندی، **Indian thread fin**

راشگوی باله نخی با نام علمی *Polynemus indicus*



راشگوی هندی ، راشگوی باله نخی *Polynemus indicus*

گیش گوژپشت، پاپیل، مقوا، **Indian thread fish**

گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Alectis indicus*. طول آن تا ۱۵۰ سانتیمتر و وزن یک نوع آفریقایی آن ۲۱/۴ کیلوگرم گزارش شده است. تغذیه آن از طیف وسیعی از ماهیان، هشت پاهای کوچک و سخت پوستان می‌باشد. در آبهای ساحلی اقیانوس هند غربی به انضمام جمهوری مالاگاسی، و نیز در آبهای ساحلی اقیانوس هند شرقی، آبهای اقیانوس آرام غربی و شرق به طرف استرالیا، پاپوآ و گینه‌نو وجود دارد. ماهیان بالغ بصورت گله های بزرگ در مناطق ساحلی استوایی شامل آبسنگها، و ماهیان جوانتر بصورت انفرادی دیده شده و وارد خورها می‌گردند. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید بالغین با قلاب و ریسمان مخصوص سبک و ماهیهای جوان اغلب توسط تور احاطه‌ای ساحلی یا پره صید

indicating lamp چراغ راهنما

indicator, plants or animals مراجعه شود به biological indicators

indicators, biological شاخصهای زیستی، نشان دهنده‌های زیستی

indole ایندول، ترکیب شیمیایی با بوی مدفوع که از اثر باکتریها بر روی تریپتوفان در آخرین مراحل فساد ماهی ایجاد می‌شود. این بو بیانگر غیر قابل مصرف بودن ماهی می‌باشد.

indoor culture, ornamental fish پرورش ماهی درمحلهای سربسته (برای ماهیان زینتی، و یا مراحل ابتدایی رشد و نمو ماهیان پرورشی). در سازگانهای مدار بسته پرورش در محلهای سر بسته صورت می‌گیرد.

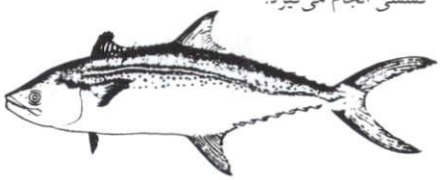
indoor engine موتور درون عرشه‌ای

Indo - Pacific boar fish گراز ماهی هند ـ آرام، گونه‌ای از خانواده Caproidae با نام علمی *Antigonia rubescens*. طول آن حداکثر ۲۲ سانتیمتر می‌باشد. در آبهای گرم و استوایی تمام اقیانوسهای جهان یافت می‌شود. نزدیک به کف دریا در اعماق بین ۶۵ تا ۶۰۰ متر زندگی می‌کند. نوزادهای آن سطحزی هستند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن اغلب توسط صید ضمنی بوسیله تور کششی کفی می‌باشد.



Antigonia rubescens گراز ماهی هند ـ آرام

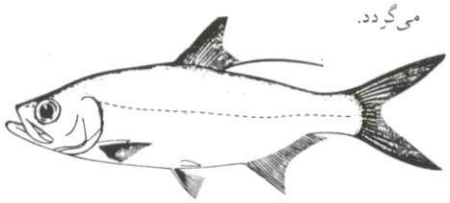
Indo - Pacific king mackerel ماهی قباد، گلگون، تکی (چابهار)، گونه‌ای از خانواده شیرماهیان با نام علمی *Scomberomorus guttatus*. طول آن ۵۵ تا ۷۵ سانتیمتر است و از گله ماهیهای کوچک بویژه ساردینها و آنشوی، ماهی مرکب وسخت پوستان تغذیه می‌کند. از خلیج فارس بطرف غرب و در طول سواحل هند و سریلانکا بطرف شرق هند، دریای چین جنوبی و دریای ژاپن وجود دارد. گونه مهاجر سطحزی که ساکن آبهای ساحلی بین اعماق ۱۵ تا ۲۰۰ متری می‌باشد. بعضی مواقع داخل آب خورها می‌گردد و بصورت گله‌های کوچک دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای گوشگیر شناور، تورهای کششی میان آبی، پیاله‌های گردان، دامهای نرده‌ای خیزرانی و قلابهای کششی انجام می‌گیرد.



Scomberomorus guttatus ماهی قباد، گلگون، تکی (چابهار)

Indo - Pacific Spanish mackerel ماهی شیر منطقه هند - آرام با نام علمی *Scomberomorus commersoni*

Indo - Pacific tarpon ماهی هینگ (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ Megalopsidae با نام علمی *Megalops cyprinoides* (Broussonet). طول آن ۳۰ تا ۵۵ سانتیمتر است. از ماهی و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در تمام اقیانوس هند غربی و در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب آرام مرکزی، بطرف غرب تا هاوایی وجود دارد. گونهٔ سطحزی آبهای ساحلی بوده که داخل مردابها و خورها می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط تور گوشگیر، تورهای گردان و تور کششی انجام



ماهی هنگ (چابهار) *Megalops cyprinoides*

indraft (indraght) ریزش درونی، جریانی به طرف داخل

induced breeding تکثیر (زاد و ولد) القاء شده، پیش رس کردن، وادار کردن ماهی به تخمریزی از طریق تزریق هورمون و یا ایجاد تغییر در شرایط زیست محیطی آن

induced spawning تخمریزی القاءشده

industrial fishing صید صنعتی

inedible غیرقابل مصرف انسانی، ماده یا غذایی که غیرقابل مصرف است، دیگر قابل مصرف نیست.

inertial navigation ناوبری ماهواره‌ای

infauna جانورانی که در داخل رسوبات زندگی می‌کنند.

infected آلوده، آلوده به باکتری، آلوده به باکتریهای بیماریزا

infectious disease بیماری عفونی، بیماری که در اثر میکروارگانیسمها ایجاد شده و به آسانی از جانور آلوده به جانور دیگر منتقل می‌شود.

infectious dropsy, of carp تورم عفونی کپور

inferior زیرین (وضعیت دهان نسبت به سر)

infested آلوده به عوامل انگلی و کرمها

inflatable boat قایق غیرقابل بادکردن

inflow آب ورودی، ورودی آب

influent درون ریز، دارای جریانی به طرف داخل

influx مراجعه شود به influent

infralittoral fringe حاشیه زیر ساحلی

infraneritic زیر ساحلی، ناحیهٔ بین ۴۰ تا تا ۱۹۵ متری عمق دریا

inisolation غیر جدایی، غیر دور افتادگی

initial quality کیفیت طبیعی، کیفیت ابتدایی

inland زمین دور از دریا، داخلی

inland bodies of water آبهای داخلی

inland fish culture پرورش ماهی در آبهای داخلی

inland fisheries شیلات آبهای داخلی

inland fisheries inventories موجودات قابل صید آبهای داخلی، ذخایر صید داخلی

inland fisheries , tropical صید در آبهای گرم داخلی

inland fishery biologist زیست شناس شیلاتی آبهای داخلی

inland fishery body سازمان صید (ماهیگیری، در آبهای داخلی)، منطقه قابل صید آبهای داخلی

inland fishery management مدیریت صید در آبهای داخلی

inland fishery resources ذخایر شیلاتی آبهای داخلی

inland fishing صید در آبهای داخلی

Inland Sea = Seto Naikai دریای درون مرزی ژاپن، دریای ستونایکای، بین جزایر اصلی ژاپن یعنی هونشو، کیوشو و شایکوکو

inland water bodies منابع آبهای داخلی

inland waters آبهای داخلی

inlet ورودی، خور، مصب، دلتا، سواحل سه گوش

inlet channel کانال آب ورودی

inner harbor بندر داخلی

innings زمینی که در اثر عقب نشینی دریا حاصل شده باشد.

inorganic fertilizer کود شیمیایی، کود معدنی، کود غیرآلی، کود مصنوعی

inosine اینوسین، نوکلئوتید،

مادهٔ حاصله از شکسته‌شدن اینوسین منوفسفات در طول فاسد شدن ماهی

inosine monophosphate نوکلئوتید، یکی از مواد عمده و اصلی ایجادکنندهٔ بوی طبیعی در ماهی تازه. به مقدار زیاد بعد از مرگ ماهی از شکسته شدن ATP (آدنوزین تری فسفات) بوجود می‌آید. پس از خود هضمی، ابتدا به اینوسین وسپس به هیپوگزانتین شکسته و تبدیل می‌شود.

in - plant chlorination کلر زدن دستگاهها در جا، ضد عفونی دستگاهها باکلر در جا و بدون بازکردن آنها

inquilinism کم آزاری، انگلی که نسبت به میزبان خود کم آزار است.

insectivore حشره خوار

inshore کرانه، ساحل، کرانه‌ای، ساحلی، دریاکنار، بَرِ ساحل، نزدیک ساحل یا به سوی ساحل

inshore current جریانهان ساحلی

inshore waters آبهای ساحلی

insitu در جای اصلی، بررسی موجود زنده در محل زیست طبیعی آن

insolation آفتاب رسی، مقدار آفتابی که به هر نقطهٔ خاص می‌رسد. واحد اندازه‌گیری آن کالری بر سانتیمترمربع است و به تغییر مدار، نوع سطح تابش و باد بستگی دارد.

inspection بازرسی، بازرسی و آزمایش ماهی و فرآورده‌های حاصله از آن، و اندازه‌گیری کیفیت آن، که ممکن است بطور قانونی و یا خصوصی انجام پذیرد.

insular shelf هالهٔ جزیره، ناحیه‌ای محیط بر یک جزیره که از خط آب پایین تا ژرفایی ادامه می‌یابد که در آن سراشیبی مشخصی به سوی اعماق زیاد (حدود ۱۸۳ متر) وجود دارد.

insulated hold انبار عایق کشتی

insurgent sea دریای مواج، دریای خروشان

intake مدخل آبگیری، جذب، منطقه‌ای که در آن آب به داخل یک کانال، یک لوله و نظیر آن کشیده می‌شود.

intake area زمین زراعتی که حاصل عقب نشینی آب دریاست

integrated fishing صید توأم

integrated system, culturing کشت چند منظوره، ایجاد یک اکوسیستم مصنوعی که در آن از تعدادی موجودات قابل پرورش استفاده می‌شود، به گونه‌ای که هر یک از تولیدات دیگری استفاده‌کرده و در نهایت باعث افزایش تولید در مجموع می‌گردد. مانند کشت توأم ماهی و اردک و یا کشت و پرورش علوفه، دام و ماهی در یک مجموعه

intensity شدت، میزان، سختی، درجه، قوت

intensive culture کشت متراکم، کشت آبزیان با تراکم زیاد، برعکس extensive culture

intensive fish culture کشت متراکم ماهی، کشت ماهی به ترتیبی که نیاز به سطح بالایی از مخارج در واحد سطح دارد، بنابراین تولید ماهی آن بالا و درآمدش زیاد است.

interface مرز، سطح میانی بین دو بدنه یا توده، مانند لایه‌های آب با شوری متفاوت

interference دخالت، مداخله، برخورد، تداخل امواج

interglacial واقع در بین دو دورهٔ یخبندان

intermediate fishing ماهیگیری بینابینی، ماهیگیری میانی یا متوسط، ماهیگیری که در طول فصل رشد در حوضچه‌های ماهی و به منظور کاهش تراکم ماهی یا برای بدست آوردن ماهیان بازاری (فروشی) انجام می‌شود.

intermittent stream رود فصلی، رود موقت، رود منقطع از لحاظ زمانی

intermuscular bones تیغ ماهی، استخوانهای درون عضلات، استخوانهایی نازک به شکل Y که در گوشت ماهی قرار دارند و هیچگونه اتصالی با اسکلت

آن ندارند.

intern داخل شدن در کشتی، توقیف کردن کشتی

internal waters = interior waters = national waters آبهای داخلی، آبهایی که پشت خط مبداء دریای سرزمینی و سایر مناطق دریایی قرار گرفته‌اند.

internal wave موجی که بر اثر تغییرات عمودی تراکم در آب دریاها پیش می‌آید، امواج درونی، گم شدن بعضی کشتیها در قسمتهایی از اقیانوسها را به وجود امواج درونی مرتبط دانسته و توجیه می‌کنند.

interorbital بین دو چشم

inter - radial membrane غشای بین شعاعهای باله

interrupted stream رود منقطع از لحاظ مکانی، رودی که گاهی به بعضی مکانها نمی رسد.

interspecific ارتباط برون گونه‌ای، ارتباط بین گونه‌های مختلف

interspecific competition رقابت برون گونه‌ای، رقابت بین افراد گونه‌های مختلف برای غذا و مکان

interspinous membrane غشاء بین خارهای یک باله

interstitial فاصله دار، قرار گرفتن در میان فاصله

interstitial water آب میان درزها و شکافهای صخره‌ها یا سنگهای رسوبی

intertidal جزر و مدی، بین جزر و مدی

intertidal flats پهنه‌های جزر و مدی

intertidal zone ناحیهٔ بین جزر و مدی

intertropical convergence = equatorial convergence همگرایی استوایی یا میان استوایی، ناحیهٔ هوایی یا آبی مجاور استوا. محدودهٔ این ناحیه با تغییرات فصل عوض می‌شود و بیشترین تغییر در اقیانوس هند مشهود است، چون هوای گرم بالا می‌رود و طوفان و بارانهای شدید در اثر سرد شدن بخار آب بوجود می‌آیند.

interzonal fauna جانوران درون محل تلاقی دو ناحیه دریایی

intrapretoneal injection تزریق داخل صفاق، تزریق در داخل لایهٔ پوشندهٔ حفرهٔ شکمی

intraspecific درون گونه‌ای، اشاره به وقایع یا ارتباطهای بین افراد یک گونه

intraspecific competion رقابت درون گونه‌ای، رقابت افراد یک گونه برای غذا، مکان، جفت و غیره

intrinsic composition کیفیت طبیعی، ترکیب طبیعی

intrinsic quality کیفیت ذاتی، کیفیت زیستی

intromittent organ = penis عضو تناسلی نر،

intrusive rock سنگ آذرین مذاب رسوخ کننده به سایر سنگها

invasion by aquatic weeds استیلای گیاهان آبزی، غلبه گیاهان آبزی، برای مثال در استخرهای پرورش ماهی وقتی تراکم گیاهان آبزی زیاد می‌شود و کار پرورش را مختل می‌سازد.

invertebrate بی‌مهره، هر جانوری که فاقد ستون فقرات باشد. هر جانوری غیر از ماهیان، دوزیستان، خزندگان، پرندگان و پستانداران

inward charge عوارض ورود به بندر

iodine (I) ید، عنصری موجود در آب دریا بصورت یونهای (I^-) یا یدات (IO_3^-) به غلظت حدود ۰/۰۶ میلی گرم در لیتر

iodine number ارزش ید، عدد ید، (مشابه iodine value)

iodine value اندازه‌گیری میزان غیر اشباعی در چربی ماهیان، بر مبنای مقدار یدی که توسط ۱۰۰ گرم چربی ماهی گرفته می‌شود، اندازه‌گیری می‌گردد. بوسیلهٔ پیوندهای دوگانه غیر اشباع در زنجیره اسیدهای چرب آزاد برای مشخص کردن کیفیت چربی ماهیها به کار می‌رود.

ion یون، اتم یا مولکول واجد بار الکتریکی در اثر دادن یا گرفتن الکترون

ionization یونیزاسیون، فعل و انفعالی که در آن یک ترکیب شیمیایی به یونهای مثبت و منفی باردار شکسته می‌شود.

Iran Plate صفحهٔ پوسته‌ای ایران، صفحه‌ای در جنوب صفحهٔ پوسته‌ای اروپا ـ آسیا و بین صفحه‌های ترکیه، عربستان و هندوستان. صفحهٔ پوسته‌ای ایران توسط صفحهٔ عربستان بطرف شمال فشرده می‌شود و حرکت آن شرقی - شمال شرقی است و به قسمت شرقی صفحهٔ اروپا ـ آسیا فشار می‌آورد.

iredocyte سلولهای درخشنده یا جلادار زیر پوست ماهیان

Irish moss = Carageen جلبک قرمز تیره با نام علمی *Chondrus crispus*. حداکثر طول آن ۲۵ سانتیمتر است و در سواحل آمریکایی یا اروپایی اقیانوس اطلس می‌روید. از این جلبک کاراگینان استخراج می‌شود که موارد استفادهٔ تجاری دارد.

Irish Sea دریای ایرلند بین انگلستان و ایرلند با عمق متوسط ۱۰۰ متر



دریای ایرلند

Irminger Current جریان ایرمینگر، جریان آب اطلس شمالی در اطراف ایسلند

iron (Fe) آهن، عنصری در آب دریا به غلظت ۰/۰۱ میلی گرم در لیتر

Irrawaddy رودخانه‌ای در برمه که پس از طی ۲۱۰۰ کیلومتر به دریای آندامان می‌ریزد.

irrigation آبیاری ، آبیاری مصنوعی یک زمین

irrotational wave موج غیر چرخشی، موجی که ذرات آن پیرامون محوری که از مرکز آنها می‌گذرد نمی‌چرخد.

island جزیره

island, continental جزیره‌ای که منشأ از خشکی دارد.

islandic arc جزایر کمانی، جزایر هلالی، جزایر آتشفشانی (یا خشکی) که بصورت هلالی قرار گرفته باشند.

island, oceanic جزیره‌ای که از پوسته اقیانوسی در اثر فعالیتهای آتشفشانی ایجاد می‌شود.

island shelf پوسته جزیره، ناحیه اطراف جزیره (جزایر) از خط آب کم عمق تا اعماقی که شیب سریعاً افزوده می‌شود.

island slope شیب جزیره، شیب لبهٔ بیرونی یک جزیره تا اعماق زیاد

islet جزیره کوچک

isobar خط هم فشار، خطی که نقاط هم فشار جوی را روی نقشه به هم وصل می‌کند . هر چه تراکم خطوط هم فشار یک منطقه بیشتر باشد، تغییرات هوا سریعتر خواهد بود.

isobaric surface سطوح هم فشار (مناطقی از اقیانوس که دارای فشار برابر می‌باشند)

isobath خط هم‌ژرفا، منحنی رابط که نقاط آبی هم عمق را روی نقشه به هم وصل می‌کند.

isobathytherm خط یا سطح رابط نقاط همدمای عمقی

isoclinic line خط رابط نقاط همسوی مغناطیسی روی نقشه

isodynamic خط رابط نقاط هم نیروی مغناطیسی

isohaline خطوط هم شوری

isolated fish hold انبار عایق ماهی

isopoda سخت‌پوستان جورپا، جورپایان، بندپایانی که انواع خشکی زی و آبزی (دریایی و آب شیرین) را شامل می‌شود. بیشتر گونه‌های دریایی این گروه انگل ماهیها و میگو هستند.

isopor نقاط مشابه زمین که تغییرات مغناطیسی یکسان در طول سال دارند.

isopycinc خطوط هم تراکم

isostasy نظریه شناوری متوازن قسمتهای مختلف پوستهٔ زمین روی پوشش کرهٔ سنگی (مایع) کره زمین ، بنابراین مواد کم تراکم (سبکتر) پوسته‌ای روی مواد متراکم‌تر (سنگین‌تر) قرار می‌گیرند.

isotherm خطوط هم گرما

isothermal هم گرما، دارای گرمای ثابت یا مشابه

isovel pattern نمودار نقاط هم شیب

isthmus تنگه، شیار روی یاختهٔ دینوفلاژله‌ها

Istiophoridae = sail fishes

خانوادهٔ بادبان ماهیان یا نیزه ماهیان

***Istiophorus platypterus* = sail fish**

نیزه ماهی، ماهی بادبزنی یا بادبانی

Isuridae خانوادهٔ کوسه‌های خال مخالی

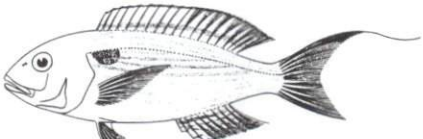
itai - itai disease بیماری ایتالی ایتالی، بیماری که در اثر مصرف ماهی آلوده به کادمیوم ایجاد می‌شود و در ژاپن باین اسم موسوم است.

iteroparous ماهی که چند بار تخمریزی می‌کند

IYQS = International Years of the Quiet Sun برنامهٔ همکاری بین‌المللی برای مطالعهٔ پدیده‌های زمینی خورشیدی در سالهایی که کمترین لکهٔ خورشیدی وجود دارد.

J

است. از موجودات کفزی شامل: کرمها، سخت‌پوستان، صدفها، سرپایان و ماهیان تغذیه می‌کند. در بیشتر آبهای منطقه اقیانوس هند غربی، بطرف شرق تا اندونزی، فیلیپین و جنوب ژاپن وجود دارد. موجودی است کفزی که تا حدود عمق ۶۰ متر دیده می‌شود. نرها سریعتر رشد کرده و نسبت به ماده‌ها درشت‌تر می‌گردند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای کششی کفی، گوشگیر و رشته قلاب در آبهای ساحلی انجام می‌شود.



دم‌ریش خالدار، گوازیم، قبا، زندو *Nemipterus japonicus*

Japan, Sea of دریای ژاپن،

توده آبی که جزایر ژاپن را از آبهای اصلی اقیانوس آرام جدا می‌کند. عمق متوسط این دریا ۱۳۵۰ متر است. جبهه قطبی اقیانوس آرام از مدار ۳۸ درجه می‌گذرد. آب بخش شمالی این جبهه سرد و سبز رنگ، و آب بخش

J به معنی اداره در نیروی دریایی بکار می‌رود. برای مثال، J-1 ادارهٔ یکم و J-5 ادارهٔ پنجم است.

jack light چراغ یا نورافکن مخصوص ماهیگیری

jack mackerel ماهی ماکرل کالیفرنیایی

jack - pike

نوعی ماهی از خانواده اردک ماهیان (Esocidae)

jack salmon ماهی آزاد نابالغ که به رودخانه مهاجرت کرده است.

jacks (Carangidae) خانواده گیش‌ها یا مقواماهیان

jackstay بند بادبان، بند تیرکشتی

jaeger مرغان دریایی شکارچی قطب شمال و جنوب، مراجعه شود به skua

jam دریای خروشان

Japanes meager نوعی میش ماهی ژاپنی با نام علمی *Argyrosomus hololepidotus*

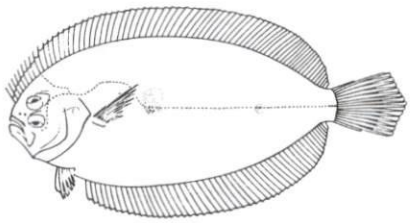
Japanes threadfin bream

ماهی دم‌ریش خالدار، گوازیم، قبا، زندو، گونه‌ای از خانوادهٔ دم ریش ماهیان با نام علمی *Nemipterus japonicus*. طول آن ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر

رشد و نمو جنینی

Java Head نوک جاوه که بعنوان نشانه‌ای زمینی در مسیر کشتی‌ها به چین معروف بود.

Javan flounder کفشک نازک جاوه‌ای، گونه‌ای از خانواده کفشک ماهیان با نام علمی *Pseudorhombus javanicus* که طول آن از ۲۰ تا ۳۵ سانتیمتر است. از جانوران کفزی عمقی تغذیه می‌کند. در خلیج فارس و سواحل هندوستان (از بمبئی تا سریلانکا) به طرف شرق تا غرب گینه جدید وجود دارد. ساکن بسترهای کم عمق گلی و شنی فلات قاره می‌باشد. صید آن بطور عمده بوسیلهٔ تورکششی عمقی در بسترهای شنی و گلی فلات قاره انجام می‌شود.



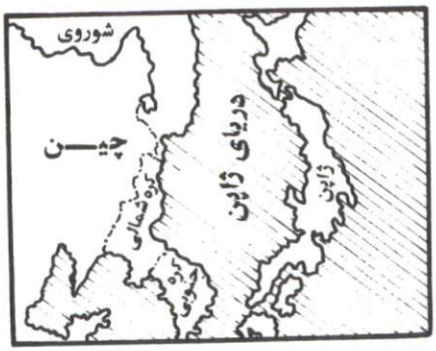
کفشک نازک جاوه‌ای *Pseudorhombus javanicus*

Java Sea دریای جاوه، بخشی از اقیانوس آرام غربی بین جاوه و برونئی با عمق متوسط این دریا ۴۵ متر، و شوری آن کمتر از شوری یک دریای استوایی است.



دریای جاوه

جنوبی آن گرم و آبی رنگ است.



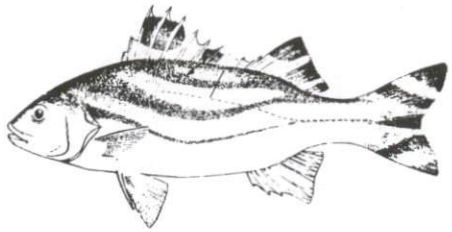
دریای ژاپن

Japan Trench ترانشه یا گودی شرق ژاپن که عمیق‌ترین نقطه آن ۸۵۰۰ متر است.

jar اثر امواج بر ساحل بلند

***jarbus terapon* = jarbua therapon**

ماهی یلی، گونه‌ای از خانوادهٔ یلی ماهیان با نام علمی *Terapon jarbua*. طول آن ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر است. از ماهیان و بی‌مهرگان تغذیه می‌کند. در سراسر ساحل شرقی آفریقا، ماداگاسکار، دریای سرخ، مجمع‌الجزایر عربی، خلیج فارس، اقیانوس هند شرقی و اقیانوس آرام غربی بطرف شمال تا ژاپن یافت می‌شود. در آبهای داخلی و از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر، دام، قلاب دستی و تورکششی کفی انجام می‌شود.



ماهی یلی *Terapon jarbua*

jar method روش استفاده از ظرف شیشه‌ای بطری مانند برای نگهداری تخم ماهیها در طول دورهٔ

javelin grunter = lined silver grunter

ماهی هُل‌هلو (چابهار)، سنگسر تیغ‌دار، گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسر ماهیان با نام علمی *Pomadasys kaakan* طول آن معمولاً ۵۰ تا ۸۰ سانتیمتر است. از سخت پوستان و ماهی تغذیه می‌نماید. در اقیانوس هند غربی، در طول ساحل شرقی آفریقا (شامل : ماداگاسکار، جزایر سیشل، فارکوهر، کومور) و در دریای سرخ و از خلیج عدن بطرف خلیج فارس و سریلانکا، همچنین به طرف جنوب تا کوئینزلند و بطرف شمال تا تایوان (حوضه چین) وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی، در عمقی حدود ۶۰متر می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. توسط تور کششی کفی، رشته قلابهای طویل کفی، گوشگیر و دام صید می‌گردد.



Pomadasys kaakan ماهی هُل هلو (چابهار)

jaw فک، آرواره

jazland جزیره درون دریا

jelly fish ژله ماهی، عروس دریایی

jerking بازدید کشتی در گمرک

jet کار گذاشتن لوله یا میله در زمین با استفاده از فشار آب، بطور معمول در سواحل یا زمینهای ماسه‌ای استفاده می‌شود.

jet stream جریان جت، جریان باد بلند و باریک با سرعت زیاد در ارتفاعات ۱۲ کیلومتری سطح زمین که در جهت غربی می‌وزد. سرعت این جریان تا ۴۰۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد.

jettison به دریا انداختن کالا

jetty اسکله عمود بر ساحل، بارانداز، اسکله دیواری

jib بادبان سه گوش که از تیرک بادبانی اول به جلوی کشتی وصل می‌شود.

jib boom تیر دکل کشتی

jig قلاب ماهیگیری با انتهای وزنه‌دار، ماهیگیری با یک قلاب، ابزار تعمیر کشتی

jigger بادبان در کشتی، موج دریا

jigging ماهیگیری با قلاب، مراجعه شود به trolling

jinga shrimp میگوی سفید، میگو جینگا، گونه‌ای از خانوادهٔ Penaeidae با نام علمی *Metapenaeus affinis* بیشترین طول نرها و ماده‌ها به ترتیب ۱۶/۶ و ۱۸/۶ تا ۲۲/۲ سانتی‌متر می‌باشد. از خلیج فارس و دریای عربی، از خلیج عدن به سمت جنوب هند و در سریلانکا وجود دارد. بیشتر به طرف شرق تا فیلیپین و جزیره تایوان گسترش دارد. از خط ساحل تا عمق حدود ۵۵ متر (گاهی در آبهای عمیق‌تر تا ۹۰ متری) بطور عمده روی گل و یا شن یافت می‌شود. جوانهای آن ساکن حورها و مردابهای پشت ساحل می‌باشند ولی، مهاجرت مرحله پس از لاروی‌شان از دریا به طرف آبهای خورها و مردابها مثل سایر گونه‌هاشدید نمی‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن بطور عمده توسط تورکششی میگوگیری، همچنین تور گوشگیر مستقر، تورهای سرگردان، گردان قایقی، گردان ساحلی، تور کششی دیرکدار و غیره انجام می‌شود.



Metapenaeus affinis میگوی سفید

john boat قایق باریک و دراز

john dory = dory نوعی ماهی خوراکی جهانی، این ماهی در اعماق حدود ۲۰۰ متری زندگی می‌کند. گونه *Zeus faber* نوع اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه‌ای و گونه *Zeus japonicus* نوع اقیانوس آرام آن است.

Johnius aneus = **bigeye croaker** شبه شوریده، طعطعو

Johnius carutta = **karut croaker** شبه شوریده

Johnius maculatus = **blotched croaker** شبه شوریده

johns snapper ماهی آگال، دم ریش خالدار با نام علمی *Luthjanus johni*

JOIDES = Joint Oceanographic Institutions for Earth Sampling برنامهٔ مطالعاتی مشترک مؤسسه‌های اقیانوس‌شناسی اسکریپس، وودز هول، و لامونت دوهوتی و... مؤسسات دانشگاهی در سال ۱۹۷۰ برای نمونه‌برداری کف دریا در جاهای مختلف

joint staff ستاد مشترک

jolly boat قایق بارکشی از کشتی به ساحل و بالعکس

jolly roger پرچم دزدان دریایی

Juan de Fuca Ridge پشته خوان دوفوکا، کوهی آتشفشانی در آبهای اقیانوس آرام نزدیک ونکوور کانادا آب گوگرددار حدود ۳۰۰ درجه سانتی‌گراد از حفره‌های آن در اعماق ۲۰۰۰ متری بیرون می‌زند. باکتریهای قدیمی (آرکئوباکتریا) در اطراف این چشمه‌ها زندگی می‌کنند.

Juan Fernandez Islands جزایر خوان فرناندز که از اجزای پشته خوان فرناندز در اقیانوس آرام جنوب شرقی در نزدیک شیلی هستند.

jubble دریای مواج

judge داور، فرد متخصصی که از طریق حسی کیفیت کالا را داوری می‌کند.

jugular گلویی

junior engineer کمک مهندس

junior officer افسر جزء

junk ژانک (جانک)، کشتی تجاری چینی ته پهن با دو یا سه بادبان

Jupiter مشتری، برجیس

Jurassic Period دوره ژوراسیک، قدیمی‌ترین دورهٔ عصر دوم زمین‌شناسی که ۳۰ میلیون سال طول کشید. دایناسورها در این دوره فراوان بودند.

jury mast دکل موقت

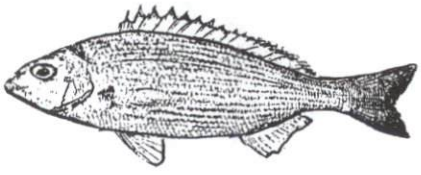
jutting land شبه جزیره، صخرهٔ پیش‌آمده در دریا

juvenile جوانی، ماهیان جوان (نابالغ) ماهی غیر بالغی که شباهت کامل به افراد بالغ دارد. مراحل جوانی یک جانور، معمولاً بین مراحل بعد از لاروی تا زمانی که به بلوغ جنسی می‌رسد، می‌باشد.

juvenile water آب بکر، آبی که از قبل بصورت آبی سطحی یا جوّی وجود نداشته، و از اعماق زمین استخراج شده باشد.

K

بـــه مـــنظور طـعمه از طـریق تـورهای پـیاله‌ای صید می‌شود.



جرهاز (چابهار) *Crenidens crenidens*

Kara Sea دریای کارا،

دریای حاشیه‌ای قطب شمال که جـوانـترین دریـای زمین است و متوسط عمق آن ۱۲۵ متر می‌باشد. آبهای سطحی آن تقریباً شیرین است.

karut croaker شبه شوریده

katadromous = Catadromous

ماهیان دریا کوچ، پایین رو (از آب شیرین به دریا)

kathala croaker شبه شوریده

K پرچمی با علامت بین‌المللی به معنی، "کشتی را فوراً متوقف کنید".

Kamchatka Peninsula شبه جزیره کامچاتکا

بین دریای اوخوتسک و دریای برینگ ـ اقیانوس آرام شرقی

Karanteen seabream ماهی جرهاز (چابهار)،

گونه‌ای از خانوادهٔ شانک ماهیان با نام علمی *Crenidens crenidens* که طول آن ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر می‌باشد. از جلبکها و بی‌مهرگان (سخت‌پوستان، کرمها و غیره) تغذیه می‌کند. زیر گونهٔ آن با نام علمی *C. crenidens crenidens* از دریای سرخ تا آفریقای جنوبی، و سواحل جنوبی ماداگاسکار پیش می‌آید. زیر گونهٔ *C. c.indicus* از دریای سرخ تا هندوستان و به طرف شرق تا جزایر نیکوبار گسترش دارد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. در قسمت شمالی هند غربی در تمام طول سال توسط تورهای گوشگیر سه جداره و پره به مقدار اندکی صید می‌شود. در قسمتهای جنوبی اقیانوس هند غربی،

Katsuwonus pelamis = **skipjack tuna**

هوور مسقطی

kawa kawa زرده، تون نوار پشتی،

گونه‌ای از خانوادهٔ شیر ماهیان با نام علمی *Euthynnus affinis* طول آن ۶۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر است. از ماهیهای کوچک، بویژه از آترین‌ها و شگ‌ماهیان و نیز از ماهی مرکب، سخت پوستان و پلانکتونهای جانوری تغذیه می‌کند. در تمام طول ساحل آفریقا، دریای سرخ، خلیج عدن، خلیج فارس، آبهای دور از ساحل پاکستان، در ساحل شرقی هند و سریلانکا، و به طرف شرق تا هاوایی وجود دارد. در آبهای ساحلی و آبهای اطراف جزایر یافت می‌شود. بصورت گروهی با دیگر گونه‌های شیر ماهیان دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده شده است. صید آن بوسیلهٔ قلابهای کششی سطحی و نیز با تورهای گوشگیر در آبهای ساحلی و اطراف جزایر انجام می‌گیرد. رجوع شود به *Euthynnus affinis*

kayak قایق پارویی اسکیموها، نوعی قایق مسابقه

kedge لنگرک، بیرون آوردن از گل با استفاده از لنگرک، کشیدن کشتی توسط لنگرک

kedeg anchor = stream anchor لنگرک پاشنه

keel پاشنه کشتی، تیر ته کشتی، تیزی زیر شکم در بعضی از ماهیان، از جمله شگ ماهیان

keelboat قایق پهن یا تفریحی لنگردار رودخانه‌ای

keel boatman کرجی بان قایق رودخانه‌ای

keeled mullet گونه‌ای از خانوادهٔ کفال ماهیان (بیاح ماهیان) با نام علمی *Liza carinata* که طول آن ۱۵ تا ۱۸ سانتی متر می‌باشد. در اقیانوس هند غربی، از دریای سرخ تا بمبئی (هند) وجود دارد. در آبهای ساحلی دریایی زندگی می‌کند. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط ابزار سنتی انجام می‌گیرد.

keelson تیر حمال کشتی

keeltail needle fish

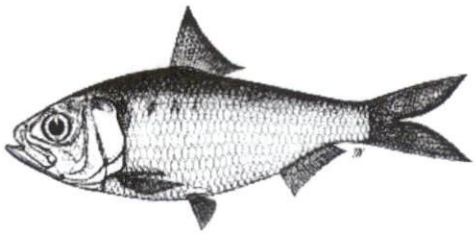
گونه‌ای از خانوادهٔ سوزن ماهیان، با نام علمی *Platybelone argalus platyura* که طول آن ۳۰ تا ۳۸ سانتیمتر است. گوشتخوار می‌باشد و بطور عمده از ماهیان کوچک تغذیه می‌کند. در بسیاری از جزایر اقیانوس هند غربی، و از دریای سرخ تا خلیج فارس، و نیز در مرکز و شمال اقیانوس آرام و زیر گونه‌های آن در آبهای استوایی و گرمسیری جهان یافت می‌شود. این ماهی پلاژیک بوده و در آبهای سطحی دور از ساحل، بویژه در اطراف جزایر، به فراوانی یافت می‌شود. در ایران در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. روش صید آن بطور عمده توسط تور پرتابی (سالیک) یا قلابهای کششی سطحی و یا قلابهای طعمه‌دار نزدیک سطح، همچنین با تورهای احاطه‌ای و مانعی (چند جداره) می‌باشد.



Platybelone argalus platyura

kellee shad ماهی از خانواده ساردین ماهیان با نام علمی *Hilsa kelee* که طول آن ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر است. در سرتاسر اقیانوس هند غربی و نیز بطرف شرق تا آسیای جنوب شرقی وجود دارد. گونه‌های سطحزی آن در آبهای ساحلی دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ تور گردان، تور گوشگیر شناور، تور بالاکش و تور

کششی در آبهای کم عمق انجام می‌گیرد.



Hilsa kelee

kelp bed بستر پوشیده از جلبکهای دریایی

kelp forest جنگل جلبکهای دریایی

kelps کلپها، جلبکهای قهوه‌ای بزرگ دریایی از راسته لامیناریالیز و فوکالیز، طول تیغه‌های پهن این جلبکها تا ۶۰ متر هم می‌رسد.

kelt ماهی آزاد تخمریزی کرده

kentledge آهن یا فلزی که برای سنگین کردن ته کشتی بکار می‌رود.

Kentucky black bass = *Micropterus sp.* ماهی باس سیاه از خانوادهٔ Centrarchidae (ماهی باس کنتاکی)

kerb حاشیه ساحل، دریاکنار

kerguelen faunal region ناحیه زیستی اطراف جزایر کرگولین

Kerguelen Islands جزایر کرگولین، مجموعه ۳۰۰ جزیره آتشفشانی در جنوب غربی استرالیا

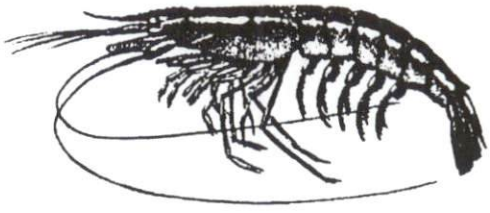
Kermadec Trench ترانشه یا فرورفتگی کرمادک یا تونگاکرمادک که مرز بستر اقیانوس آرام جنوب غربی است. فعالیتهای زلزله‌ای در این ترانشه وجود دارد.

ketch نوعی قایق دو بادبانه ماهیگیری ساحلی یا تجاری که بعدها بعنوان کشتی نظامی مورد استفاده قرار گرفت.

kettle بخش کوچکی از بستر یک آبگیر مشخص که نسبتاً عمیق است. عمیق‌ترین بخش یک استخر ماهی که معمولاً نزدیک دریچه کنترل قرار دارد.

key = core صخره یا دشت هموار (معمولاً مرجانی)، جزیره یا شبه جزیره کوچک سنگی یا مرجانی پست، دیوارهٔ ساحلی، یک لایه از مواد غیرقابل نفوذ که در وسط دیوارهٔ سد استخر و یا دیوارهٔ انتهایی که خروجی در آن قرار دارد، گذاشته می‌شود.

kiddi shrimp میگو ی سرتیز، میگوی کیدی، گونه‌ای از خانوادهٔ Penaeidae با نام علمی *Parapenaeopsis stylifera* بیشترین طول نرها و ماده‌ها بترتیب ۱۱/۷ و ۱۴/۵ سانتیمتر است. از خلیج فارس و دریای عمان بطرف جنوب هندوستان (حدود یک درجه شمالی در طول سواحل شرقی) از نزدیک خط ساحلی تا حدود عمق ۹۰ متری و بطور معمول در عمق کمتر از ۵۰ متر یافت می‌شود. روی بسترهای گلی یا شنی وجود دارد. این گونه چرخهٔ زندگی‌اش را در دریا و بدون وارد شدن به عمق خورها کامل می‌کند. در جنوب هند در اعماق ۲۰ تا ۲۲ متری تولید مثل می‌نماید. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیله تورهای نرده‌ای، تورهای گردان ساحلی، تورهای مخروطی، تورهای کششی دیرکدار و تور کششی دردار انجام می‌شود.

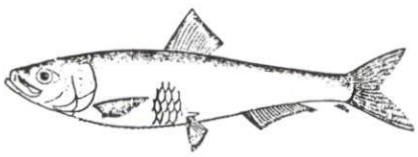


میگوی سرتیز *Parapenaeopsis stylifera*

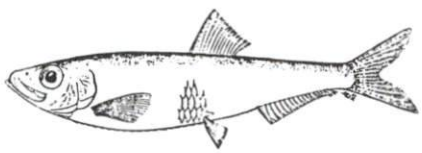
kidney disease , Dee disease (of fish) بیماری عفونت باکتریایی معروف به Dee

kilifish ماهی کوچک آب شیرین از گروه کپور ماهیان

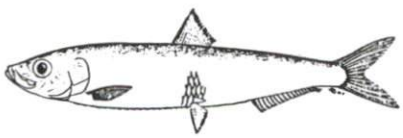
kilka = *Clupeonella sp.* کیلکا، جنس مهمی از شگ ماهیان در دریای خزر که دارای ۳ گونه *C. grimii* , *C. engrauliformis* و *C. cultriuentris* است. از نظر وزن، بالاترین صید ماهیان در دریای خزر را بخود اختصاص می‌دهند.



Clupeonella cultriuentris کیلکای معمولی



Clupeonella grimmi کیلکای چشم درشت



Clupeonella engrauliformis کیلکای آنچوی

killer whale = Orca وال قاتل با نام علمی *Orcinus orca*

killing point of temperature درجه حرارت کشنده، دمایی که در آن مرگ جاندار آغاز می‌شود.

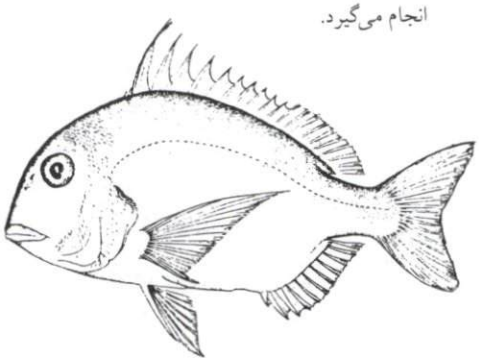
kinetic energy of waves انرژی جنبشی امواج

king carp نوعی کپور پرورشی، شاه ماهی کپور

king crab خرچنگ نعلی، شاه خرچنگ

king mackerel = *Scomberomorus cavalla* ماهی شیر

king soldier bream ماهی سیم سرباز، از خانوادهٔ شانک ماهیان با نام علمی *Argyrops spinifer* که طول آن ۳۰ تا ۶۵ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان کفزی بویژه نرمتنان تغذیه می‌کند. در سراسر منطقه اقیانوس هند غربی وجود دارد. بطرف شرق تا مجمع‌الجزایر هند و مالایا و شمال استرالیا گسترش دارد. گونهٔ رایجی است که بطور گسترده ساکن تمام بسترهای اقیانوس هند غربی می‌باشد (اغلب در عمق ۵۰ تا ۱۰۰ متری دیده می‌شود). جوانهای این گونه بصورت انفرادی در آبهای کم عمق خلیجهای کوچک محفوظ و بالغین آن در اعماق بیشتر دیده می‌شوند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیله تورهای کششی کفی، رشته قلابهای طویل، قلاب دستی و نیز توسط دامهای نرده‌ای و دام ماهی و بیشتر بوسیله ابزار صید سنتی انجام می‌گیرد.



Argyrops spinifer ماهی سیم سرباز

King William Island یکی از جزایر قطبی کانادا، جزیره شاه ویلیام

Kinorhyncha کرمهای ریز بندبند غیرحلقوی خاردار و دیاتومه‌خوار

kipper ماهی آزاد نر هنگام تخمریزی

kittiwake نوعی مرغ دریایی اقیانوس اطلس شمالی

knee - deep عمق تا زانو، زانو رس

knee - high به زانو رسیده، تا زانو

knoll تپه دریایی، برجستگی زیر آبی دایره‌ای شکل با ارتفاع کمتر از ۱۰۰۰ متر از بستر اقیانوس

knot گره، گره دریایی واحد سرعت ، هر گره دریایی معادل ۸۵/۱ کیلومتر در ساعت است.

knot (to) گره زدن

knotless net تور بدون گره

knotted net تور گره دار

knuckle زاویه عرشه

Koonungidae سخت‌پوستان استرالیایی چشم کوتاه حفار

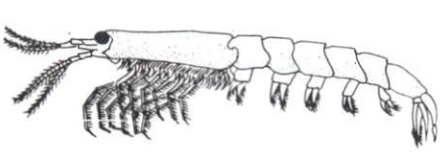
Korea Current روان آب کره، جریان آب گرم سطحی شمال کره‌در دریای ژاپن. این جریان سپس بطرف شرق ادامه یافته و به جریانهای تسوگارو و سویا تبدیل می‌شود.

Korea Strait تنگه کره که بین کره و ژاپن قرار دارد.

K Q = line squall بوران تند

krakatau = krakatoa جزیره کراکاتوا، جزیره کوچک بی‌سکنه در اندونزی که در سال ۱۸۸۳ منفجر و ناپدید گردید.

krill کریل، نوعی سخت‌پوست میگو مانند از جنس *Euphausia* که دمی شکننده دارد. ممکن است اندامی شفاف و پرتو افشان داشته باشد. جزو پلانکتونها محسوب می‌شود. در آبهای جنوبگان فراوان است و مورد تغذیه والها قرار می‌گیرد.

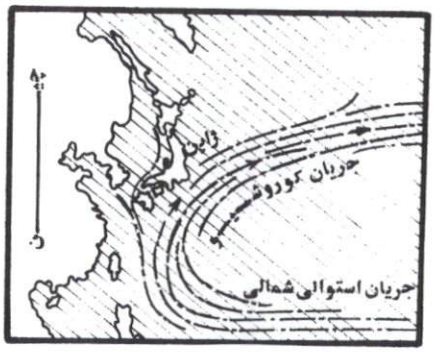


کریل *Euphausia superba*

Kurile Current جریان کوریل، جریان آب سرد قطبی اویاشیودر اطراف جزایر کوریل در اقیانوس آرام شمالی

Kurile Trench ترانشه کوریل، گودی عمیق در شرق شبه جزیره کامچاتکا و جزایر کوریل در شرق ژاپن با عمق ۱۰۵۴۲ متر

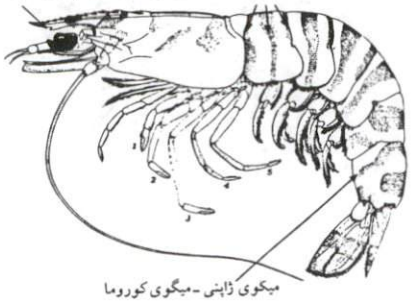
Kuroshio Current = Japan Current جریان کوروشیو یا جریان ژاپن، بخشی از جریان چرخشی اقیانوس آرام شمالی که از فیلیپین تا سواحل شرقی ژاپن ادامه دارد. شعبه‌ای از این جریان به نام جریان تسوشیما به تنگه کره وارد می‌شود. دمای آب جریان ژاپن حدود ۲۰ درجه سانتی‌گراد، و شوری آن ۴۵/۳ درهزار است. سرعت متوسط آب این جریان ۶ کیلومتر در ساعت است. گروهی آن را گلف استریم اقیانوس آرام نامیده‌اند.



جریان کوروشیو

kuruma shrimp میگوی ژاپنی، میگو کوروما، گونه‌ای میگو از خانواده، Penaeidae با نام علمی *Penaeus japonicus* بیشترین طول نرها و ماده‌ها بترتیب ۲۰ و ۲۳/۵ سانتیمتر است. از جنوب و شرق آفریقا تا هند، شامل، دریای سرخ، خلیج فارس، ماداگاسکار، موریس و ریونیون، بطرف شرق کره و ژاپن، گینهٔ جدید، فی‌جی و استرالیا، وجود دارد. این گونه به قسمت شرق دریای مدیترانه، از طریق کانال سوئز وارد شده است. ساکن فلات قاره از خط ساحلی تا عمق حدود ۹۰ متری است ولی بیشترین فراوانی آن در بسترهای شنی با عمق کمتر از ۵۰ متر می‌باشد.

نمونه‌های بزرگتر در شب فعال هستند و روز در زیر بستر مخفی می‌شوند. در آبهای ایران در دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیله تورهای کششی در دار، تور گردان، تور گوشگیر مستقر و دامهای نرده‌ای انجام می‌شود.

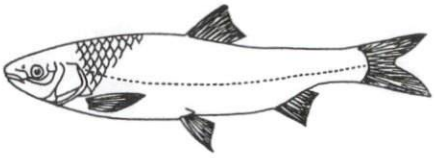


میگوی ژاپنی - میگوی کوروما

Penaeus (Marsupenaeus) japonicus

kutum = ***Rutilus frisii kutum***

ماهی سفید، مهمترین ماهی دریای خزر بعد از ماهیان خاویاری در آبهای ایران است. صید سالانه این ماهی در گذشته تا ۸۰۰۰ تن در سال می‌رسید ولی ذخایر ارزنده آن در اثر صید بی‌رویه و عدم توجه کافی به تکثیر طبیعی و مصنوعی آن در سه دهه گذشته کاهش فراوان یافت. در سالهای اخیر، با توجه به برنامه‌های تکثیر و پرورش و تولید انبوه بچه ماهی، ذخایر آن افزایش یافته است، بطوریکه در بعضی سالها مقدار صید، حدود شش برابر گذشته گزارش گردیده است. در سالهای اخیر بدلیل صید بی‌رویه توسط صیادان دام گستر، ذخایر آن به رغم رها کرد منظم بچه ماهی توسط شیلات، کاهش یافته و میانگین وزن آن نیز بمراتب کمتر از گذشته گردیده بود، لیکن پس از توقف صید توسط دام‌گستران، میانگین وزن آن در حد چشمگیری افزایش یافته است.



ماهی سفید دریاچه خزر *Rutilus frisii kutum*

kuweh trevally بزک، طالع

kymatology موج شناسی

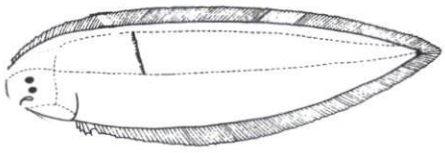
Kyphosus bigibbus ماهی پروانه دریا

L

Labridae = Parrot fishes لابریده ماهیان، خانوادهٔ بچه طوطی ماهیان که در راستهٔ پرسیفورمها قرار دارند.

Labyrinthulla گروهی از آغازیان، ریشه پایان دریایی بیضوی تا دوکی شکل لغزنده

Lachners tongue sole کفشک زبان گاوی لاخنر، پرو (چابهار). گونه‌ای از خانوادهٔ کفشک ماهیان با نام علمی *Cynoglossus lachneri* که طول آن ۳۰ تا ۴۶ سانتیمتر است. از بی مهرگان کفزی تغذیه می‌کند. از موزامبیک تا خلیج عدن و دریای عمان، همچنین در ساحل غربی ماداگاسکار، جزایر کومورو و سیشل وجود دارد. در بسترهای گلی و شنی فلات قاره ساکن است. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. معمولاً توسط تورهای کششی کفی در فلات قاره صید می‌گردد.



کفشک زبان گاوی لاخنر، پرو *Cynoglossus lachneri*

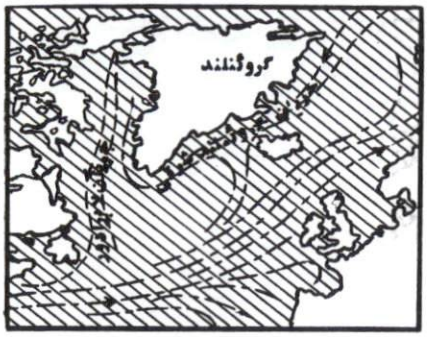
L علامت یا پرچم دریایی بین المللی به معنی «توقف ! خبر مهمی است» .

Labeo rohita = rohu ماهی روهو نوعی کپور در هندوستان، جزو گروه کپور هندی که در پرورش توام انواع ماهی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

labial لبی، وابسته به لب

labial palp هریک از دو زایده گوشتی طرفین دهان بعضی از نرمتنان

Labrador Current روان آب لابرادور، جریان اقیانوسی لابرادور، جریان آب سطحی سرد کم شوری سواحل کانادا بین گرینلند و جزیرهٔ بافین



جریان لابرادور

lachrymal استخوان اشکی

Lacops guentheri نوعی کفشک ماهی

***Lactarius lactarius* = false trevally**
گیش دروغین

lactic acid اسید لاکتیک، نوعی اسید آلی که از شکسته شدن گلیکوژن عضلهٔ ماهی، دو تا سه روز بعد از مرگ ماهی بوجود می‌آید. میزان اسید لاکتیک حاصله تا حد زیادی بستگی به شرایط تغذیه‌ای ماهی و میزان فعالیت آن هنگام مرگ دارد.

Lacustrine fish ماهیان دریاچه زی، مربوط به دریاچه‌ها و نیز ماهیانی که تمام دورهٔ زندگی شان را در آبهای آرام می‌گذرانند.

Lagenidales راستهٔ قارچهای بیماریزای آبزی از گروه کپکهای آبی ائومیست، که زئوسپورانژیوم کیسه مانند، و زئوسپورهای دو تاژکی دارند.

Lagenidium لاجنیدیوم، یک جنس از قارچهای ائومیسیت بیماریزای آبزیان

lagging تأخیر روزانهٔ جزر و مد

lagoon مرداب، ساحل پست، تالاب، کولاب، بدنهٔ آبی گرم کم عمق مجزا از دریا در اثر جزایر سدی، تپه‌های ماسه‌ای، صخره‌های مرجانی و یا ترکیبی از موارد فوق

lagoon cycle چرخه مردابی، پر شدن تدریجی مرداب از رسوبات آبی، هوایی و خشکی که در نهایت به خشکیدن آن می‌انجامد.

lagoon fisheries صید ماهی در مردابها، صید ماهی در خلیج های کم عمق

laguna دریاچه‌های کم عمق حاشیه‌ای، مرداب، دریاچه‌ای که آب آن از رودخانه‌های کوچک کوهستانی تأمین می‌شود.

lake دریاچه، یک آبگیر خیلی بزرگ یا حوضچه طبیعی محصور و دارای آب آرام که با آبهای آزاد ارتباط ندارد.

lake, artificial دریاچه مصنوعی (دست ساز)

lake ball توپ دریاچه، توپ مویی، توپ خازی، مجموعه کروی از تارها و زوائد گیاهان مرده و یا زنده که در اثر عمل امواج در کف دریاچه ساخته می‌شوند.

lake basin حوضهٔ دریاچه، حوضهٔ آبریز دریاچه

lake drainage خروجی آب دریاچه

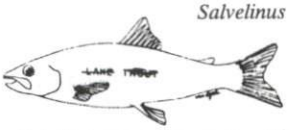
lake fry بچه ماهی دریاچه‌ای

lakeland منطقه‌ای با دریاچه‌های فراوان

lakelet دریاچه کوچک

lake rampart = ice rampart
تپه یا بلندی ماسه‌ای حاصل از حرکت رو به ساحل یخ

lake trout ماهی قزل آلای دریاچه‌ای از خانوادهٔ Salmonidae با نام علمی *Salvelinus namaycus*



ماهی قزل‌آلای دریاچه‌ای ***Salvelinus namaycus***

lakie tide پس‌افتادن موقتی مد دریا در خلیج‌ها و خورها، جزر و مد خفیف

lamellae بشقابک، لایه‌های نازک بشقاب مانند که آبشش‌های نرمتنان دو کفه‌ای را می‌سازند، تار آبششی

Laminaria جنس لامیناریا از جلبکهای قهوه‌ای بزرگ دریایی،

Laminariales راستهٔ لامیناریال‌ها از جلبکهای قهوه‌ای که جنگلهای کلپ دریایی جزو آنهاست.

lam net تور گریز، توری که با کوبیدن آب، با شلیک کردن و یا با کوبیدن یک چوب به بدنهٔ قایق، ماهی را به طرف آن تور فراری می‌دهد. این تور به نام تور آب پاش splash net نیز نامیده می شود.

Lamont-Doherty Geological Observatory
رصدخانه زمین شناسی لامونت - دو هرتی که توسط دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۴۹ تأسیس شد تا زلزله‌ها، زمین شناسی دریایی، بیوفیزیک دریا، اقیانوس شناسی، شیمی، فیزیک دریا، و مطالعات آبهای قطبی را انجام دهد.

lampara net تور صید گردان با نور

lampern = lamprey مارماهی کاذب، مارماهی دهان گرد رودخانه‌ای از گروه Cyclostomata با نام علمی *Lampetra fluviatilis* لامپری، مهره‌دار (ماهی) غضروفی بی‌آروارهٔ ابتدایی از گروه دهان گردان. این ماهیها در سواحل آبهای معتدله وجود دارند و انگل سایر ماهیان هستند.

Lampetra planeri مارماهی ولگا

lampreys = Pteromizontidae خانوادهٔ ماهیان دهان گرد

Lampridiformes راسته ماهیان استخوانی لامپری مانند، شامل ماهیان نواری (سفره‌ای)، پاروماهیان و اوپا (opah)، این ماهیان ۶ تا ۷ متری در ناحیهٔ میان عمقی زندگی می‌کنند. مهمترین ویژگی آنها نداشتن بالهٔ زوج مشخص است.

lamp shell صدف کوزه‌ای، بازوپای (براکیوپود) کوزه‌ای

lanceolate نیزه مانند، نوک تیز

lancet fish نیزه ماهی، ماهی باریک و دراز با بالهٔ پشتی استخوانی دراز دندان دار، که از سایر ماهیان تغذیه مـی‌کند. *Alepisaurus ferox* دراقـیانوس اطـلس و گونه‌های *A. borealis , A. richardsor* در اقیانوس آرام وجود دارند.



نیزه‌ماهی ،ماهی باریک و دراز *Alepisaurus ferox*

land board سمت چپ کشتی (رو به جلو)

land breeze نسیم خشکی، وزش باد از خشکی به سوی دریا

landing craft assault قایق نیرو پیاده کن

landing craft raiding قایق هجومی

landing craft tank ناو تانک پیاده کن

landing - net تور کیسه‌ای کوچکی برای گرفتن ماهیان بزرگ از آب، زمانی که به قـلاب گـرفتار شـده باشند.

landing order اجازه تخلیه

landing ship ناونیرو پیاده کن

land locked waters آبهای محصور در خشکی

land mark علامت مشخصه زمینی

land side دریا کنار، روبه خشکی، طرف خشکی

land ward به سوی خشکی، به سوی ساحل، به سوی زمین

Langouste خرچنگ خاردار یا خاری، لانگوست

lantern fish فانوس ماهی، ماهی از ناحیهٔ میانه عمقی (مزوپلاژیک) یا میان‌زی، که اندامهای پرتوافشان دارد. این ماهیان کوچک (معمولاً ۳ سانتیمتر، حداکثر تا ۱۵ سانتی متر)، در اعماق ۵۰۰ متری زندگی می‌کنند و شبها به طرف سطح آب مهاجرت نمایند.

lantern net تور فانوسی، تور فانوس دار

lanyard طناب کشتی که معمولاً چهار لایه است

lapilli قطعه سنگهای کوچک آتشفشانی بین ۴ تا ۳۲ سانتیمتر

Laptev Sea = Siberian Sea

دریای لاپتف یا سیبری، دریایی در شرق دریای کارا با عمق حدود ۵۰ متر و در حال تشکیل و تکمیل از یـخچالهای طـبیعی. آب شیرین سطح ایـن دریـا را می‌پوشاند و یخ دائمی در سواحل آن وجود دارد.



دریای لاپتف

large-eye breams = Pentapoddidae

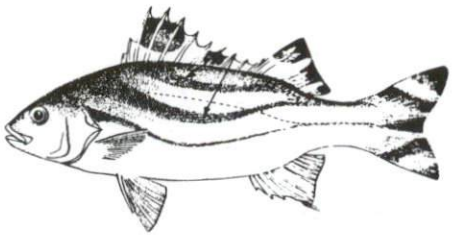
شانک ماهی‌های چشم بزرگ، خانوادهٔ شانک ماهیان بزرگ چشم، سیم‌های دریایی چشم بزرگ

large - meshed

تور ماهیگیری با چشمه‌های تور نسبتاً بزرگ

largemouth black bass ماهی باس دهان بزرگ با نام علمی *Micropterus salmoides* از خانوادهٔ Centrarchidae

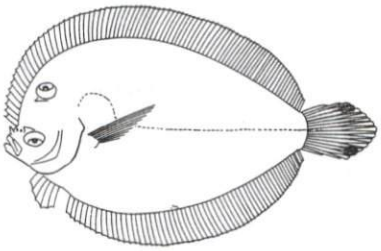
largescaled terapon یلّی فلس درشت، گمگام گونه‌ای از خانوادهٔ یلّی ماهیان با نام علمی *Terapon theraps* که طول آن ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان و ماهی تغذیه می‌نماید. در تمام طول ساحل آفریقا، ماداگاسکار، سیشل، دریای سرخ و مجمع‌الجزایر عربی، خلیج فارس و جزایر آندامان، و بصورت گسترده در سواحل اقیانوس هند شرقی و اقیانوس آرام غربی، در آبهای ساحلی و بعضی مواقع در آبهای لب شور وجود دارد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر، دام، قلاب دستی و تورهای کششی کفی انجام می‌گیرد.



Terapon theraps

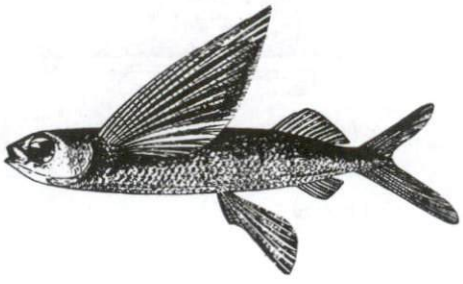
large - scale fisheries ماهیگیری در مقیاس وسیع، صید کلان، ماهیگیری‌هایی که دارای اهمیت اقتصادی و اجتماعی بارزی هستند.

large - scale flounder کفشک پولک درشت، گونه‌ای از خانوادهٔ کفشک ماهیان با نام علمی *Engyprosopon grandisquamis* که طول آن ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر است. از جانوران کف زی تغذیه می‌کند. پراکندگی آن در تمام فلات قاره‌های منطقهٔ ماداگاسکار به طرف غرب تا گینهٔ جدید و شمال استرالیا دیده می‌شود. ساکن بسترهای کم عمق شنی و گلی فلات قاره است. در آبهای ایران از دریای عمان گزارش شده است. صید آن بطور عمده توسط تور کششی کفی در بسترهای گلی و شنی فلات قاره انجام می‌گیرد.



کفشک بزرگ *Engyprosopon grandisquamis*

large scale flyingfish ماهی پرنده پولک درشت، بالی ماهی پولک درشت، گونه‌ای از خانوادهٔ بالی ماهیان یا پرنده ماهیان با نام علمی *Cypselurus oligolepis* که طول آن تا ۱۷ سانتی متر می‌رسد. پراکندگی آن احتمالاً بطور گسترده در آبهای گرمسیری اقیانوس هند بانضمام دریای سرخ و خلیج فارس و نیز در اقیانوس آرام غربی می‌باشد. بصورت سطح زی در آبهای سطحی شنا می‌کند بنابراین قادراست به بیرون از آب بجهد و سر بخورد و روی آب مسافت طولانی را طی نماید. در آبهای ایران، نواحی جنوبی خلیج فارس گزارش شده است. تاکنون ارزش تجاری و صید نداشته است.

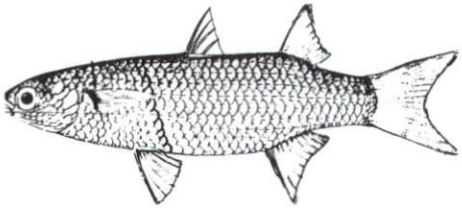


ماهی پرنده پولک درشت، بالی ماهی بزرگ پولک

Cypselurus oligolepis

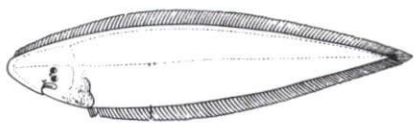
largescale mullet کفال پولک درشت،

گونه‌ای از خانوادهٔ کفال ماهیان، با نام علمی *Liza macrolepis* که بیشترین طول آن ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر است. از دیاتومه، جلبکهای کوچک، روزنه‌داران و دیگر مواد آلی زنده یا ریزه‌های موجود در گل و لای تغذیه می‌کند. در خلیج عدن، ساحل غربی هند و سریلانکا و در مناطق دیگر به طرف شرق تا ساحل شرقی هند (به جز بنگال) آندامان و جزایر نیکوبار، اندونزی، چین، فیلیپین، ژاپن، جزایر مارشال و توآموتو، مداتریا و پلی نزیا وجود دارد. در آبهای کم عمق ساحلی، خورها، و مردابهای پشت ساحل بصورت گله‌ای وجود دارد. در زمان تخمگذاری در دریا بصورت گله‌های بزرگتر وجود دارد. این ماهی قادراست در محیطهایی با ۸۷ درصد شوری زندگی نماید. ماهیان جوان در مناطق کم عمق و مناطق پر شده از آبهای ساحلی در سراسر منطقه اقیانوس هند غربی یافت می‌شوند. مناطق اصلی صید این گونه سراسر سواحل غربی هند می‌باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بویژه با تورهای گوشگیر، پرتابی، نرده‌ای یا حصاری، بالاکش، ساحلی گردان و تورهای کیسه‌ای بویژه در زمان تخمگذاری انجام می‌گیرد.



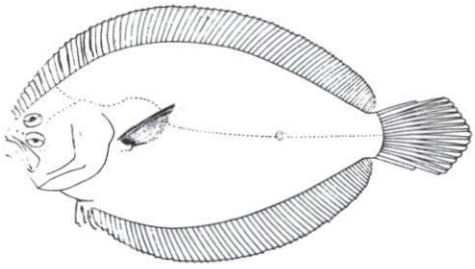
کفال پولک درشت *Liza macrolepis*

largescale tongue sole ماهی سواسو (چابهار)، کفشک زبان گاوی بزرگ، گونه‌ای از خانوادهٔ کفشک ماهیان با نام علمی *Cynoglossus arel* که طول آن ۳۰ تا ۳۸ سانتی متر است. اغلب از بی‌مهرگان کفزی تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، از خلیج فارس به طرف سواحل غربی هند و سریلانکا و در مناطق دیگر از هند به طرف فیلیپین و اندونزی پراکندگی دارد. ساکن بسترهای گلی و شنی فلات قاره می باشد. در آبهای ایران از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. بیشتربوسیلهٔ تورهای کششی کفی در فلات قاره تا اعماق ۱۲۵ متر صید می‌گردد.



سواسو (چابهار)، کفشک زبان‌گاوی بزرگ *Cynoglossus arel*

large tooth flounder ماهی کفشک دندان بزرگ، گونه‌ای از خانوادهٔ کفشک ماهیان با نام علمی *Pseudorhombus arsius* که طول آن ۳۰ تا ۳۵ سانتی متر است . از جانوران کفزی تغذیه می‌نماید. در فلات قاره تمام اقیانوس هند غربی و ماداگاسکار و نیز تا شرق اقیانوس هند و غرب اقیانوس آرام مرکزی یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تور کششی کفی در بسترهای گلی و شنی فلات قاره انجام می‌گیرد.



کفشک دندان بزرگ *Pseudorhombus arsius*

larvae نوزاد، لارو، مرحلهٔ کرمینهٔ بیشتر موجودات آبزی، مرحلهٔ ابتدایی زندگی آزادانهٔ حیوان که موجود فرق زیادی با بالغها دارد. گاهی نام لارو، با نام موجود بالغ فرق می‌کند. برای مثال لارو قورباغه را tadpole و لارو مار ماهی را آموسیت گویند.

larval نوزادی، کرمینه ای

larvacea کرمینه‌ای‌ها، دسته‌ای از موجودات متعلق به زیر شاخهٔ Tunicata که از پلانکتونها تغذیه می‌کنند.

larval stage مرحلهٔ نوزادی، مرحله لاروی، مرحله‌ای از زندگی ماهی بین مرحلهٔ خروج از تخم تا نمو کامل خارها و اشعه در همهٔ باله‌ها و استخوانی شدن ستون مهره‌ها، مرحلهٔ نمو حشرات و برخی سخت پوستان شناور (پلانکتون)

larvicidal نوزادکش

larviform نوزاد مانند، کرمینه شکل، کرمینه‌ای

larviparous کرمینه گذار، کرمینه آور، نوزادزا

larvivorous کرمینه خوار، نوزاد خوار

larvule کرمینک، لارو یا نوزاد خیلی ریز

laryngeal teeth دندانهای حلقی

lateen بادبان سه گوش

latent heat حرارت نهان یا تأخیری سنگهای مذاب

latent heat of evaporation حرارت نهان یا تأخیری تبخیر

latent heat of fusion حرارت نهان یا تأخیری ذوب

lateral جانبی، کناری

lateral line خط جانبی ماهی، خط حسی گیرنده در طرفین سر و جوانب بدن ماهی

late - spawning تخمریزی آخر فصل تولید مثل، تخمریزی خارج از فصل تخمریزی ماهی که نسبت به حالت معمول یک گونهٔ مشخص، نسبتاً دیر تخمریزی کرده است.

latitude عرض جغرافیایی، فاصلهٔ معین در طرفین خط استوا که با مقیاس درجه، دقیقه و ثانیه اندازه‌گیری می‌شود. ستاره قطب شمال و گذر جنوبی راهنماهای اندازه‌گیری هستند. هر درجهٔ عرض جغرافیایی معادل ۱۱۱/۱ کیلومتر یا ۶۰ مایل دریایی و هر مایل دریایی برابر با ۱۸۵۲ متر است.

launch, to به آب انداختن

launching به آب انداختن کشتی

Laurasia قارهٔ لوراسیا، قاره‌ای که از شکست ابر قارهٔ پانگیا بوجود آمد. قارهٔ آمریکای شمالی و یوراسیا از شکستن لوراسیا بوجود آمد.

lava - dam lake دریاچه گدازه سد، دریاچه‌ای که پشت گدازهٔ سرد شده در مسیر رودخانه ایجاد می‌شود.

laver جلبک نوری، جلبک قرمز از جنس *Porphyra* از شاخه Rhodophyta که بصورت فرشی در سطح دریا می روید.

law of constancy of relative proportions قانون ثبات مقادیر نسبی طبق این قانون، نسبتهای عناصر دریایی قابل دسترس موجودات در تمام اقیانوسها ثابت است .

law of the minimum قانون حداقل لیبیگ (Leibig)، که بر اساس آن، تولید تازمانی ادامه می‌یابد که محدودترین عناصر و مواد مربوط به رشد و نمو در دسترس باشند.

lay تخمگذاری، پهن کردن، تخمریزی ماهی، پهن کردن تور ماهیگیری

laying عمل یا زمان تخمریزی، تخم گذاشتن

laying out قرار دادن تور در آب به قصد ماهیگیری

laying period مراجعه شود به spawning period (دورهٔ تخمریزی)

lay on your oars راحت باش در هنگام پاروزنی

lazaretto قسمت قرنطینه کشتی، انبار واقع در عقب کشتی

LD_{50} نقطهٔ مرگ ۵۰ درصد، زمانی که ۵۰ درصد آبزیانی که تحت آزمایش در مقابل یک مادهٔ سمی قرار گرفته‌اند، می‌میرند. برای اندازه‌گیری کشندگی یک ماده به کار می‌رود.

leaching تراوش، تراوش ترکیبات بویژه مواد معطر از داخل ماهی به بیرون در موقع شستشو، یا نگهداری در یخ در حال ذوب شدن

lead هدایت، سرب، وزنه

lead block قرقره هادی

leader هدایت کننده، دیوارهٔ هادی (تور مشتا)،

تور دیوار مانندی که بطور عمودی در حوضچه آویزان می شود و ماهیها را به طرف دام هدایت می نماید. این تور به نام دیوار یا هدایت گر نیز نامیده می‌شود.

leading marks نشانه‌های هدایت کشتی

leading net تور هدایت کننده، توری عمودی که ماهیها را در یک حوضچه به طرف دام هدایت می‌کند.

leading ship ناو، نوک

leading wind باد مساعد کشتی رانی

lead line ریسمان هدایت، طناب زمینی، طناب سرب دار، قسمت پایین پره و تور گوشگیر که بوسیله وزن حاصله از سرب در پایین قرار می‌گیرد. ریسمان وزنه‌داری که در پایین یک تور چرخان یا تور ماهیگیری قرار دارد.

leads وزنه یا کشندهٔ هادی

lean fish ماهی کم چربی، ماهی که هنگام زنده بودن دو درصد یا کمتر چربی دارد (FAO).

leatherback turtle لاک پشت پشت چرمی، نوعی لاک پشت دریایی

leather carp کپور چرمی، کپوری که پولکهای خیلی کم و معمولاً در پایهٔ باله‌هایش دارد. کپور لخت (بدون فلس)

leave the anchorage ترک کردن لنگرگاه

leave the jetty جدا شدن از اسکله

lecithotrophic larvae نوزاد زرده خوار، نوزادانی که از ذخیره کیسه زرده تغذیه می‌نمایند.

ledge تیر زیر عرشهٔ کشتی

ledger صورتحساب کشتی

lee بادپناه

leech زالو

leeches = hirudina زالوها، کرمهای حلقوی تارهای حلقوی

leech of fish زالوی ماهی، زالوی انگل ماهی

lees-hore ساحل در پناه از باد، باد پناه کشتی

lee-ward طرف بدون باد

leeway طرف رو به خشکی کشتی

left-eye flounders کفشکهای چپ گرد، کفشک چشم چپ از خانوادهٔ Bothidae

leg اثر باد روی آب، اثر کشتی روی دریا

legal size fish ماهی با اندازهٔ مجاز صید، ماهی در اندازه‌ای که صید آن مطابق قوانین ماهیگیری، مجازاست.

legends = myths افسانه‌ها، اسطوره‌ها

lein گردکشتی، حق رهن

Leiognathidae = ponyfishes, slipmouths ماهیان خانوادهٔ پنجزاری یا فوکو ماهیان

***Leiognathus equalus* = common pony fish** ماهی پنجزاری معمولی

leister نیزه خاردار مخصوص ماهیگیری، بخصوص قزل آلا

Lena رودلنا، دومین رود بزرگ روسیه که در سیبری قراردارد و به دریای لاپتف می‌ریزد.

length of recruitment طول زمان بازگشت، مدت زمان لازم از رهاسازی بچه ماهی تا حصول ماهی مولد

length of shoreline طول خط ساحلی، طولی از خط ساحلی که معمولاً روی نقشه یک دریاچه بوسیلهٔ بردار سنج (rotometer) اندازه گیری می‌شود.

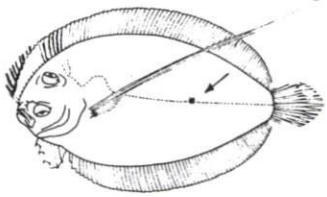
length of wave طول موج

length overall طول سراسری کشتی

lentic مربوط به آبهای ساکن، آب ساکن، دریاچه‌ای

leopard flounder کفشک پلنگی، کفشک نازک، گونه‌ای از خانوادهٔ کفشک ماهیان با نام علمی *Bothus pantherinus* که طول آن ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر می‌باشد و از جانوران کفزی تغذیه می‌کند. پراکندگی آن در سطح فلات قاره منطقهٔ اقیانوس هند غربی، احتمالاً بجز خلیج فارس، در گینه جدید و نیمه شمالی استرالیا

می‌باشد. ساکن مناطق کم عمق گلی، شنی و فلات قاره می‌باشد. بوسیلهٔ تور کششی کفی در مناطق گلی و شنی فلات قاره صید می‌گردد. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود.



Bothus pantherinus کفشک نازک، کفشک پلنگی

leopard shark کوسه پلنگی، کوسه ماهیخوار کوچک آبهای سطحی اقیانوس آرام شرقی

Leptocephalus [Leptocephali [جمع لاروهای شفاف نواری شکل شناور مارماهیان، نوزاد و یا بچه مارماهی

Leptomitales راستهٔ قارچهای دارای ریز و پیدهای پایه‌ای از گروه کپکهای آبی اثومیست، با زئوسپورهای دو تاژکی

lernaea لرنه‌آ، نوعی سخت پوست انگل ماهیان



Lernaea لرنه‌آ

Lernaeidae سخت پوستان ثابتی که انگل بیرونی ماهیان آب شیرین هستند.

Lernaeopodidae خانواده‌ای از سخت پوستان انگل بیرونی ماهیان

Lernaeopodoida کرم ماهیان،

سخت پوستان انگل بیرونی روی آبششهای ماهیان

less by evaporation کاهش در اثر تبخیر، مراجعه شود به evaporation loss

Lesser Antilles مجموعه جزایر کوچک آنتیلز شامل سفت کریستوفر، آنتیگوا، گوادولوپ، باربادوس، سنت لوسیا و گرنادا

Lethrinidae (Emperors, Scavengers) خانوادهٔ شهری ماهیان که به نام ماهیان امپراطور و ماهیان کف روب هم نامیده می‌شوند.

***Lethrinus choerorynchus* = blue streak emperor** شهری، ماهی امپراطور آبی

***Lethrinus harak* = black spot emperor** شهری خال سیاه، ماهی امپراطور خال سیاه

***Lethrinus lentijan* = red spot emperor** ماهی شهری خال قرمز، ماهی امپراطور خال قرمز

***Lethrinus miniatus* = longface emperor** شهری دراز صورت، ماهی امپراطور کوچک صورت دراز

levee سیل بند، دیواره، دیواره‌ای که از طریق خاکریزی روی زمین ساخته می‌شود تا به عنوان دیوارهٔ استخر عمل کند.

levee pond استخری که تمامی یا قسمتی از آن بوسیلهٔ دیواره‌های خاکی ساخته شده در روی زمین، محاصره شده باشد.

level مخزن طبیعی یا مصنوعی که برای نگهداری آب، مثلاً در یک استخر، احداث می‌شود، تراز

lever net تور اهرمی، مراجعه شود به liftnet

Libra میزان

lieutenent ناوسروان

lieutenent commander ناخدا سوم

lieutenent junior grade ناوبان یکم

life boat = life raft قایق نجات

life buoy کمربند نجات (دریایی)، حلقهٔ نجات، بویه نجات

life cycle چرخه زندگی، چرخه زیستی

life history = life cycle شرح زندگی

life jacket جلیقه نجات

life preserver کمربند یا حلقهٔ نجات غریق

life raft قایق نجات

life saver ناجی غریق

life saving نجات غریق

life span طول عمر

life vest جلیقه نجات

light ۱) نور، عامل موثر در فتوسنتز
۲) سبک، کم وزن
۳) روشن (در مقابل تیره)

light absorption and scattering by seawater جذب و پخش نور توسط آب دریا، طول موجهای کوتاه (آبی و بنفش) از آب دریا عبور می‌کنند و طول موجهای بزرگتر (قرمز و وراء قرمز) جذب می‌شوند.

light boom دیرک چراغ دار

light displacement وزن کشتی بدون بار

light fishing صید با نور، ماهیگیری با نور

lighter قایق باری، حمل کالا با قایق باری

lighter age هزینهٔ حمل و نقل کالا با قایق باری

light house روشهای ماهیگیری براساس نورگرایی مثبت برخی از ماهیها
فانوس دریایی، برج راهنمای دریانوردان

light meat گوشت روشن

light muscle = light meat گوشت روشن، گوشت روشن در بسیاری از ماهیان کفزی، این گوشت عموماً در ماهیهای چرب روشن تر از گوشت تیرهٔ چربی دار می‌باشد

light organs اندامهای پرتوافشان موجودات، اعضای مولد نور در آبزیان، این پرتو افشانی در اثر رنگدانه‌های شیمیایی لوسیفرین و یا یاخته‌های ملانوفور حاصل می‌گردد.

light ship کشتی فانوس دار

Ligurian Sea دریای لیگوریان، انتهای دریای تیرهانیان، که جزو بخشهای دریای مدیترانه، (در حاشیهٔ استان لیگورا، ایتالیا) است. بیشترین عمق این دریا ۲۸۰۰ متر است

liman خلیج، مصب رودخانه، مدخل رودخانه، مرداب

limb خلیج، دماغه، شبه جزیره

lime آهک، آهک زنده، اکسید کلسیم (CaO)، مادهٔ قلیایی سفید رنگی که از حرارت دادن سنگ آهک بدست می‌آید.

lime fishing صید با آهک، (ریختن آهک در آبهای کم عمق)

lime - juicer کشتی یا ملوان انگلیسی

limestone سنگ آهک، سنگی که بخصوص دارای کربنات کلسیم است. سنگ آهک مرکب از کلسیت و دولومیت

lime washing (of pond) شستشوی استخر با آب آهک، آغشته کردن استخر با دوغاب آهک

limey سرباز، یا ملوان انگلیسی

liming آهک دهی، آهک دادن به استخر پرورش ماهی یا دیگر آبزیان، کاربرد خاک یا آبی که دارای عنصر کلسیم از اشکال گوناگون باشد.

limiting factor عامل محدود کننده، عاملی که تاثیرات بازدارنده‌ای بر روی یک جمعیت

line fish ماهی صید شده یا قابل صید با رشته قلاب

line fishing صید ماهی با رشته قلاب

line hauler دوار قلاب کش

liner شناور قلاب‌انداز، آستر، یک لایه نازک پلاستیک یا لاستیک که برای جلوگیری از نفوذ آب استخر در کف آن گذاشته می‌شود.

lining ماهیگیری با رشته قلاب و یا نخهای درازی که طعمه به قلاب آنها بسته شده است .

linked ponds حوضچه‌های پیوسته، تعدادی حوضچهٔ مجزا که در یک مجموعه قرار دارند ولی، ورودی وخروجی مشترکی دارند آب از یک استخر وارد استخر بعدی می‌شود.

lipid چربی، نام کلی برای هرگونه چربی، روغن، واکس و هرگونه ترکیب طبیعی اسیدهای چرب، هر نوع مادهٔ شیمیایی که از چربی و مواد مشابه درست شده باشد.

lipper دریای طوفانی

liquid fertilizer کود مایع، کودی که به شکل مایع به کار می‌رود، مانند، محلول آمونیاک

lithium (Li) لیتیوم، عنصر نرم نقره‌ای رنگ محلول در آب دریا به صورت Li^+ به مقدار ۰/۱۷ گرم در لیتر آب دریا

Lithodidae خانوادهٔ شاه خرچنگها (لیتودیده)

lithodomous سنگ سوراخ کن، سنگ تراش

lithofraction شکستن سنگها در اثر عمل امواج ، سنگ شکنی امواج

lithophagous سنگ خوار، مانند، بعضی از نرمتنان

lithosphere کره سنگی، لیتوسفر، سنگ کره، پوستهٔ زمین که عمق آن حدود ۲۰۰ کیلومتر است و شکستهای آن باعث حرکت قاره‌ها می‌شود.

lithothamnion ridge پشته یا کوه آهکی ازطریق رقابت در تحمل یا کسب نیازهای خاص دارد، عاملی که رشد و توسعهٔ یک موجود را متوقف می‌کند، هر شرایطی که حد تحمل را بالا یا پایین می‌برد.

limit of backrush حد بازگشت موج

limnetic استخری، وابسته به استخر، آبزی آب شیرین، وابسته به آب شیرین

limnetic zone منطقهٔ آب شیرین، مدخل یک دریاچه، حوضچه‌ها و دریاچه‌های درون مرزی

limnetic zone ناحیهٔ نفوذ نور در آبهای شیرین

limnobios حیات آب شیرین، آبزیان آب شیرین، موجودات آب شیرین

limnologist متخصص لیمنولوژی، متخصص بررسی آبهای شیرین

limnology علم مطالعهٔ آبهای شیرین، آب شیرین شناسی، شناخت آبهای داخلی، علمی که آبهای داخلی را از نظر زیست شناسی، شیمی، فیزیک و زمین شناسی مورد بررسی قرار می‌دهد.

limnoplankton پلانکتونهای آب شیرین، پلانکتونهای آبهای داخلی

Limnoriidae لیمنوریده، خانواده سخت پوستان دریایی حفار چوب

limpet صدف خاره چسب، نرم تن کوچک ناحیهٔ بین جزر و مدی مناطق معتدله

Limulacea خرچنگهای نعل اسبی زیر گروه لیمولیدا

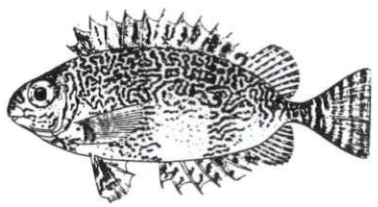
Limulus یکی از جنسهای خرچنگ نعل اسبی

line خط قلاب، قلاب (قرماق)، طناب، طنابی که قلاب یا قلابهای متعددی را برای ماهیگیری حمل می‌کند.

lined silver ماهی سنگسر نقره‌ای با نام علمی *Pomadasis hasta*

حاصل از بقایای جلبک *Lithothamnion*

little spine foot گونه‌ای از خانوادهٔ خرگوش ماهیان یا صافی ماهیان با نام علمی *Siganus spinus* که طول آن ۱۵ تا ۲۱ سانتیمتر می باشد. از خلیج فارس تا جنوب هند وسریلانکا و در مناطق دیگر در بیشتر مناطق مرجانی جنوب، مرکز و غرب اقیانوس آرام و در سراسر مجمع‌الجزایر هند و مالایا وجود دارد. گونه‌ای کوچک است که نمونه‌های مسن آن، در پهنه‌های کم عمق آبسنگهای مرجانی در گله‌های کوچک (معمولاً کمتر از ۱۰ عدد) دیده می‌شود. پس از اتمام مرحلهٔ لاروی، دسته‌های متعددی در مواقع مشخصی از سال بوجود آمده، که از دریاهای باز به طرف پهنه‌های آبسنگی مهاجرت می‌کنند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید گونه‌های جوان با استفاده از انواع تور و نمونه‌های بزرگتر توسط نیزه و تورهای ثابت انجام می‌شود.



Siganus spinus

little tuna ماهی زرده، تون کوچک با نام علمی *Euthynnus affinis*

littoral ساحلی، کرانه‌ای، منطقهٔ ساحلی یک دریاچه، ناحیه بین جزر و مدی

littoral benthal جانوران کفزی ناحیهٔ جزرو مدی

littoral current جریان ساحلی، جریانی که در ساحل و موازی با آن حرکت می‌کند. جریان آب ایجاد شده در سواحل در اثر برخورد امواج زاویه‌دار. مراجعه شود به longshore currents

littoral drift حرکت ساحلی، رانش ساحلی، حرکت مواد موجود در ساحل دریاها بر اثر جریان ساحلی

littoral state دولت ساحلی

littoral zone = intertidal zone ناحیهٔ بین جزر و مدی، منطقهٔ ساحلی

live bait طعمه زنده، کرم، ماهی کوچک یا چیزی شبیه آن که به طور زنده به عنوان طعمه در ماهیگیری استفاده می‌شود.

live bait fishing صید با طعمهٔ زنده

live bait tank مخزن طعمهٔ زنده، هر نوع مخزن برای نگهداری طعمهٔ زنده، بویژه ماهیان کوچک

live box = live car قفس توری که در آن شاه میگو، خرچنگ آب شیرین و آبزیان نظیر آنها را می‌توان بصورت زنده نگهداری نمود.

live car هر نوع وسیلهٔ نقلیه‌ای که برای نقل و انتقال ماهی یا سایر آبزیان زنده بکار می‌رود.

live fish ماهی زنده

live hauler کسی که ماهی را به صورت زنده در بازار ارائه می‌دهد. کسی که ماهی را می‌خرد تا آن را بصورت زنده در بازار ارائه دهد.

live storage ذخیره کردن ماهی زنده، ذخیره سازی ماهی زنده

live weight = biomass وزن زنده، وزن تودهٔ زنده، زیتوده

living resources منابع طبیعی موجودات زنده، منابع زنده

lizard fishes خانوادهٔ کریشو ماهیان (Synodontidae)

Liza subviridis ماهی کفال، بیاح

loach ماهی هواشناس

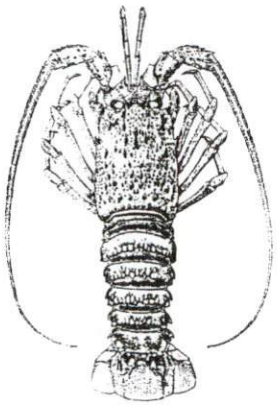
ماهی لوچ از خانوادهٔ Cobitidae

load draft آبخور بارگیری

loaded stream رودخانهٔ پر رسوب، رودخانهٔ پر لای

loading rate میزان افزایش، نسبتی که مواد آلی به سیستمهای پرورش آبزیان افزوده می‌شوند.

lobster شاه میگو، لابستر، خانواده‌هایی از سخت‌پوستان با چشمهای پایه‌دار و پوشش کیتینی، لابسترهای واقعی یا هوماریده، لابسترهای خاردار یا پالینوریده، لابستر اسپانیایی یا سیلاریده و لابستر اعماق دریا یا پلی کلیده



Panulirus homarus شاه میگو ـ لابستر

lobster pot کوزه صید شاه میگو

lobster trap تلهٔ شاه میگو

locating the fish ردیابی ماهی، روشی برای ردیابی ماهی در آب

loch دریاچه، خلیج

lock بخش ثابت شدهٔ یک کانال که به کمک دریچه‌های تخلیه، سطح آب درون آن تغییر می‌کند و بخصوص برای انتقال از سطحی به سطح دیگر به کار می‌روند.

Loculoascomycetes زیر شاخه‌ای از قارچهای آسکومیسیت که انواع دریازی دارد. آسک این قارچها دو جداره است.

log گزارش کشتی، سرعت نما

logbook گزارش روزانهٔ کشتی

loggerhead turtle لاک پشت دریایی کله خشک

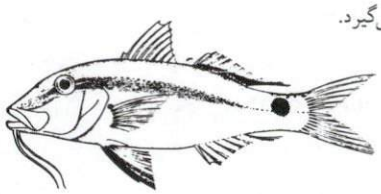
loin یک تکه از چهار تکه گوشت سفید حاصله از ماهی تون (فیله دراز)

Lomonosov Ridge پشته لومونوسوف، این پشتهٔ ۱۸۰۰ کیلومتری‌لومانوزوف بستر دریای قطب شمال را به دوقسمت کانادایی و سیبریایی تقسیم می‌کند.

londing بارگیری

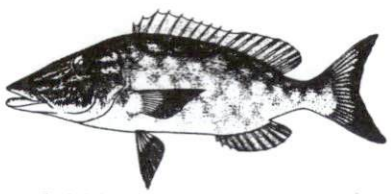
lond ling عمق آبخور (علامت کنار کشتی، حداکثر آبخور را برای آبگیری کشتی نشان می‌دهد).

longbarbel goatfish بز ماهی ریش بلند، گونه‌ای از خانوادهٔ بز ماهیان با نام علمی *Parapeneus macronema* که طول آن ۲۰ تا ۳۲ سانتیمتر است. در طول ساحل جنوب آفریقا به طرف خلیج دالاگوا، بطرف شرق تا اندونزی و فیلیپین وجود دارد. گونهٔ آبهای کم عمق که بر روی بسترهای شنی و علفی زندگی می‌کند. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می شود. صید آن توسط تور کششی کفی، و نیز تورهای احاطه‌ای ساحلی و تورهای تله‌ای انجام می‌گیرد.



Parapeneus macronema بز ماهی ریش بلند

longface emperor ماهی شهری دراز صورت، گونه‌ای از خانوادهٔ شهری ماهیان با نام علمی *Lethrinius elongatus* که طول آن ۶۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر است و از سخت پوستان و ماهیان کوچک تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از ساحل شرقی آفریقا از حدود ۳۰ درجه عرض جنوبی به طرف شمال ماداگاسکار، موریس، الجبرا، سیشل، دریای سرخ، خلیج فارس و مجمع‌الجزایر چاگوس، سواحل غربی و جنوبی هندوستان و سریلانکا، و در مناطق اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی، و نیز تا نواحی پلی‌نزیای فرانسه وجود دارد. ساکن آبسنگهای مرجانی و ساحلی تا عمق حدود ۱۸۵ سانتیمتر می‌باشد. صید آن توسط قلاب دستی، تور گوشگیر و رشته قلابهای طویل عمودی، تورهای کششی کفی در محیطهای شنی و ساحلی آبهای آبسنگهای مرجانی صید می‌گردد.



Lethrinius elongatus ماهی شهری دراز صورت

longfin cavalla گیش باله دراز، مقوا باله دراز با نام علمی *Carangoides ciliarius*

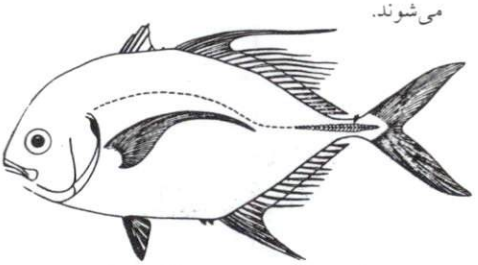
longfin lizard fish کریشوی باله بلند، گونه‌ای از خانوادهٔ کریشو ماهیان با نام علمی *Saurida longimanus* که بیشترین طول آن ۲۵ سانتیمتر است. در حال حاضر، در دریای عمان و دریای عربستان در اعماق بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری وجود دارد. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی کفی انجام می‌گیرد.



Saurida longimanus کریشوی باله بلند

longfin mojarra خرگوش ماهی باله دراز

longfin trevally ماهی گیش باله دراز، گیش (جاسک)، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Carangoides armatus* که طول آن حداکثر ۵۰ سانتیمتر می‌باشد. در آبهای اقیانوس هند غربی در طول ساحل آفریقا، از بخش شرقی آفریقای جنوبی (دوربان) به طرف دریای عمان، آبهای ساحلی غربی مالاگاسی، دریای سرخ، هند جنوبی و سریلانکا، و نیز در خلیج تایلند، هنگ کنگ، تایلند و اوکیناوای ژاپن یافت می‌شود. ساکن خطوط ساحلی صخره‌ای و مرجانی و خلیجهای کم عمق است. گروههای کوچک نمونه‌های بالغ اغلب در طول حاشیهٔ آبسنگها شنا می‌کنند. ماهیهای جوان در آبهای سطحی مصبها وجود دارند. بلوغ جنسی با طول ۲۱ تا ۲۲ سانتیمتر حاصل می‌شود. از آبهای ایران در دریای عمان گزارش شده است. توسط قلاب و طناب در مناطق آبسنگی نزدیک ساحل صید می‌شوند.



Carangoides armatus گیش باله دراز

longhaul seine تور گردان طویل کشیدنی

long-haul seining روشی از ماهیگیری که در آن با یک دام عمودی و دوقایق به طرف ساحل حرکت می‌کنند، تا در ساحل تور را با دست جمع نمایند.

longhorn cowfish گاوماهی شاخ بلند، گونه‌ای از خانوادهٔ Ostraciidae با نام علمی *Lactoris cornuta* که طول آن ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر می‌باشد. در سراسر اقیانوس هند غربی وجود دارد. ولی در خلیج

لانگ لاین

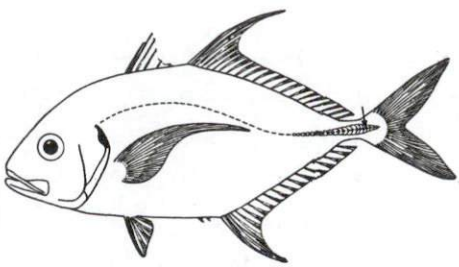
longline fisheries صید با رشته قلابهای طویل

longline fishing ماهیگیری با رشته قلاب طویل ، نوعی ماهیگیری که در آن نخهای طویل ماهیگیری را که قلابها و شناورهای متعددی به آن وصل هستند در مسیرهای معین رها کرده و پس از به دام افتادن ماهیان و فرو رفتن تدریجی شناورها نسبت به صید ماهیان اقدام می‌شود.

longliner شناور مجهز به رشته قلابهای طویل، لانگ لاینر

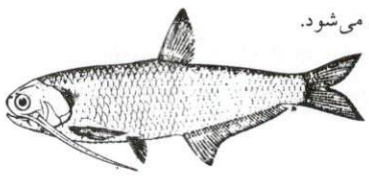
longnose cavalla ماهی گیش بال افشان

longnose trevally ماهی گیش بال افشان، مقوا پوزه دراز، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Carangoides chrysophrys* که طول آن از ۴۴ تا ۶۰ سانتیمتر می‌باشد. در آبهای ساحلی و در تمام طول اقیانوس هند و اقیانوس آرام غربی، شامل ژاپن و استرالیا پراکنده است. ساکن آبهای ساحلی تا عمق حداقل ۶۰ سانتیمتر می‌باشد. نمونه‌های جوان در آبهای نزدیک ساحل و نیز خورها پیش می‌روند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ رشته قلاب، تور گوشگیر و دام در آبهای ساحلی انجام می‌گردد.



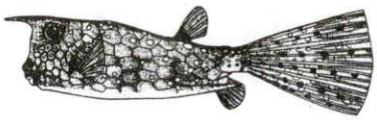
ماهی گیش بال افشان، مقوا پوزه‌دراز
Carangoides chrysophrys

longrakered trevally ماهی جولام (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Thryssa setirostris* که طول آن ۱۲ تا ۱۵ سانتیمتر است و در سرتاسر منطقهٔ اقیانوس هند غربی، همچنین به طرف شرق تا آسیای جنوب شرقی، گینه‌نو، و ساحل شمالی استرالیا وجود دارد. ماهی سطح‌زی آبهای ساحلی است. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. توسط تورهای احاطه‌ای قایقی، گوشگیر و تورهای کششی در آبهای کم عمق صید می‌شود.



ماهی موتو بلند آرواره، فدّنی (چابهار) *Thryssa setirostris*

long line رشته قلاب طویل، ابزاری شامل یک ریسمان اصلی که تعداد زیادی قلاب طعمه دار را نگهداشته است و بر روی ریسمانهای سبکتر عمودی حرکت می‌کند. ماهیگیری بانخ بلند، رشته قلاب طویل، فارس بین شبه جزیرهٔ عربستان تا ایران وجود ندارد. در بیشتر نواحی اقیانوس هند و آرام غربی نیز یافت می‌شود. بصورت کفزی در اعماق ۱۰۰ متری زندگی می‌کنند. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. بوسیلهٔ تورهای کششی کفی صید می‌گردد.



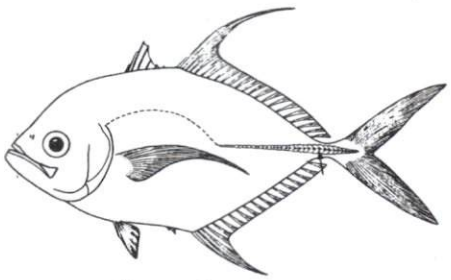
گاو ماهی شاخ بلند *Lactoris cornuta*

longitude خط نصف‌النهار، فاصله نصف‌النهارات از نصف‌النهار اصلی یا صفر که از گرینویچ می‌گذرد، تعیین می شود.

longjaw thryssa ماهی موتو بلند آرواره، فدّنی (چابهار)، گونه‌ای ازخانوادهٔ آنشوا ماهیان با نام علمی *Thryssa setirostris* که طول آن ۱۲ تا ۱۵ سانتیمتر است و در سرتاسر منطقهٔ اقیانوس هند غربی، همچنین به طرف شرق تا آسیای جنوب شرقی، گینه‌نو، و ساحل شمالی استرالیا وجود دارد. ماهی سطح‌زی آبهای ساحلی است. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. توسط تورهای احاطه‌ای قایقی، گوشگیر و تورهای کششی در آبهای کم عمق صید می‌شود.

ماهی موتو بلند آرواره، فدّنی (چابهار) *Thryssa setirostris*

Ulva mentalis. بیشترین طول آن ۸۵ سانتیمتر و وزن آن ۶/۴ کیلوگرم می‌باشد. اندازهٔ معمول آن ۶۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر گزارش شده است. از سخت پوستان و ماهی تغذیه می‌نماید. در آبهای اقیانوس هند غربی، در طول سواحل آفریقا به سمت جنوب تانزانیا، ساحل شمال غربی مالاگاسی، دریای سرخ، خلیج عدن و دریای عمان، خلیج فارس و سریلانکا، در هند، اقیانوس آرام غربی از خلیج تایلند، تایوان، فیلیپین، گینهٔنو و استرالیا وجود دارد. ساکن آبهای کم عمق ساحلی است. صید آن بوسیلهٔ تور گوشگیر، دام، قلاب دستی و سایر ابزار انجام می‌شود.



ماهی جولام (چابهار) *Ulva mentalis*

long range aid to navigation = LORAN لوران، کمک به دریانوردی از مسافت دور

longseine تور گردان طویل

longship نوعی قایق بادبانی یا پارویی چند منظوره وایکینگها

longshore = alongshore موازی ساحل، مربوط به زندگی یا کار در طول ساحل

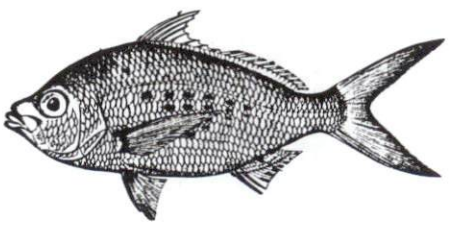
longshore لبهٔ کنار ساحل، پشته موازی ساحل

longshore currents جریانهای موازی با ساحل

longshore trough شیار یا عقب رفتگی ساحلی

long - spined tripod fish ماهی فر (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ سه خاری ماهیان با نام علمی *Pseudotriacanthus strigilifer* که طول آن ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان کف زی تغذیه می‌نماید. در آبهای ساحلی دریای عرب، از سریلانکا تا خلیج عمان، و نیز بطرف شرق تا اندونزی و فیلیپین وجود دارد. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی کفی و پره انجام می‌گیرد.

longtail silver biddy خرگوش ماهی دم دراز (کوه ماهی) از خانواده خرگوش ماهیان (بت ماهیان) با نام علمی *Gerres acinaces* که طول آن ۱۵ تا ۳۵ سانتیمتر است. در اقیانوس هند غربی از ساحل شرقی آفریقا به طرف دریای سرخ، به انضمام ماداگاسکار، جزایر کومور، سیشل، و موریس، رئونیون، مالدیو و جزایر لاکادیو، همچنین در خلیج فارس در طول سواحل جنوبی هند و سریلانکا، در مناطق دیگر در سرتاسر آبهای گرمسیری اقیانوس هند و آرام به طرف جزایر اقیانوس آرام غربی وجود دارد. ساکن آبهای کم عمق و شفاف بر روی بسترهای ماسه‌ای و در آبسنگهای مرجانی تا آبهای لب شور مردابها می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان تا سواحل جاسک دیده می‌شود. عمدتاً بوسیلهٔ تور کششی کفی تا اعماق ۴۰ متر در آبهای نزدیک ساحل صید می‌شود.



خرگوش ماهی دم دراز *Gerres acinaces*

longtail tuna ماهی هوور، اگور (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ تون ماهیان با نام علمی *Thunnus tonggol* که طول آن ۷۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر است. از انواع ماهیان، سرپایان و سخت پوستان، بویژه،

looking glass جعبهٔ شیشه‌ای (مخصوص دیدن ماهیان در زیر آب جهت شکار)

loop حلقه

loop line fishing صید باقلاب و حلقه

lophophore دهان پوش، ساختار تاخوردهٔ دیوارهٔ دهان بی‌مهرگان که دهان را می‌پوشاند. این ساختار معمولاً تاژکی است و برای گرفتن غذا می‌باشد.

LORAN = long range aid to navigation دریانوردی دوربرد، علامت ارسالی توسط دو فرستنده متفاوت از دو ایستگاه مختلف برای تعیین محل کشتی نیازمند به کمک (برد این روش حدود ۱۱۴۰ کیلومتر است).

Lord Howe Ridge = Newzealand Rise پشتهٔ لرد هاو، یا کوه زلاندنو که بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر ارتفاع دارد و در اقیانوس آرام جنوبی از مدار ۴۰ درجه تادریای کورال (مرجانی) ادامه دارد.

lorica پوستهٔ سخت محافظ بعضی جانوران و جلبکها

Loricaridae خانوادهٔ گربه ماهیان جزایر آند

lotic آبهای جاری و تند (کانالهای ارتباطی پر فشار) موج‌زی، سیلابزی، موجود زیست کننده برروی امواج

lower course مراجعه شود به bream section،

lower deck عرشهٔ تحتانی

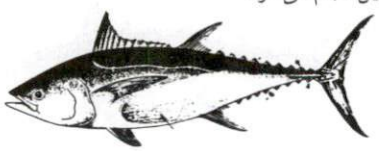
lower high water برکشند (مد) پائین‌تر، سطح پائین‌تر دو آب بالای هر جزر و مد

lower low water فروکشند (جزر) پائین‌تر، سطح پائین‌تر دو آب پائین هر روز جزر و مدی

lower river رود پائین، پائین رودخانه، مراجعه شود به bream section

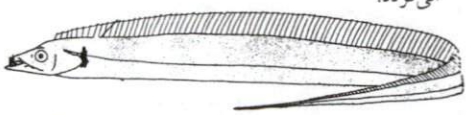
low-fat fish ماهی کم چربی

low land river رودخانهٔ پست، بخشی از لارو دهان پایان (استوماتوپود) و میگو، تغذیه می‌نماید. در سومالی، دریای سرخ، خلیج عدن، پاکستان و سواحل هندوستان، جزایرمالدیو و سریلانکا و به طرف شرق تا ژاپن و استرالیا وجود دارد. گونه‌ای بزرگ ساحلی است که وارد مصب رودخانه‌های بزرگ با شوری کم نمی‌شود. بصورت گروههای کوچک و در آبهای دور از ساحل هندوستان، و در گروههای بزرگ دور از سواحل غرب استرالیا گزارش شده است. در آبهای ایران، در بخش جنوبی خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ رشته قلابهای طویل انجام می‌شود.



Thunnus tonggol

longtooth hairtail ماهی چندی (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ اسب ماهیان با نام علمی *Eupleurogrammus glossodon* که طول آن ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر است و از سخت‌پوستان، هشت‌پاها و ماهیها تغذیه می‌نماید. در منطقهٔ اقیانوس هند غربی، در خلیج فارس و آبهای دور از ساحل هند و سریلانکا و در مناطق دیگر، از هندوستان تا مالزی و اندونزی وجود دارد. بصورت بنتوپلاژیک در آبهای ساحلی تا اعماق پایین حدود ۸۰ متری یافت می‌شود. گاهی در شب در نزدیک سطح آب نیز دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس یافت می‌شود. صید آن توسط تورهای پره، تور کیسه‌ای و تورهای کششی کفی ساحلی انجام می‌گردد.



Eupleurogrammus glossodon ماهی چندی (چابهار)

رودخانه که آرام و پرپیچ و خم است، و یک بستر گلی که (اغلب) گیاهان ریشه‌دار فراوان دارد.

low - level radioactive wastes فضولات رادیواکتیو کم فعالیت و یا دارای حد پرتوافکنی کم

low tide = low water جزر، جزر آب دریا، فروکشند

low velocity layer لایهٔ کم سرعت موج

low water فروکشند، جزر، سطح پایین آب یک رودخانه، دریاچه و غیره، جزر و مد خفیف

low water datum خط مبنای جزر

low water line خط جزر، خط فروکشند

low water of ordinary tides = LWOOT جزر فروکشند مه کشندهای معمول، آب پایین جزر و مدهای شدید معمول

Loyds list لیست مصوبه لویدز، فهرست لویدز

Lucibacterium یک جنس باکتری پرتوافشان از خانوادهٔ ویبریوناسه

luciferase آنزیم لوسیفراز که اکسید کنندهٔ لوسیفرین می‌باشد مولکول پرتوافشان موجودات عمق زی دریا، ترکیب لوسیفراز با لوسیفرین باعث ایجاد نور می‌شود.

luciferin رنگدانهٔ پرتو افشان ماهیان نورزا

Luciocephalidae رخشا سران، ماهیان آب شیرین که سر آنها درخشنده است.

***Lucioperca lucioperca* = pike - perch** ماهی سوف، ماهی سوف اردک ماهی شکل، از معروفترین سوف ماهیان تجاری است . روی بدن ۸ تا ۱۲ نوار رنگی در قسمت پشت دارند که در جوانها مشخص تر است . در فصل تخمریزی شکم ماده‌ها (آبی مرمری، و در نرها کاملاً سفید است. دو باله پشتی بوسیله یک فاصله از هم جدا شده‌اند. باله پشتی جلویی ۱۳ تا ۱۷ شعاع باله سخت، و باله پشتی عقبی ۱ تا ۳ شعاع باله سخت و ۱۹ تا ۲۷ شعاع باله نرم دارد. روی خط جانبی ۸۰ تا ۹۷ فلس قرار دارد. در آبهای اروپای مرکزی، رودخانه‌هایی که به دریای بالتیک می‌ریزند، همچنین، در دریاهای سیاه، خزر، آرال و غیره یافت می‌شود.



ماهی سوف *Lucioperca lucioperca*

luff قسمت رو به بادکشتی، حرکت کشتی در جهت‌باد

lugger زورق یا بادبانی که چند بادبان چهارگوش داشته باشد.

lugsail بادبان چهارگوش

lugworm کرم گوشکی، کرم حلقوی حفار، از جنس *Arenicola* که در ماسه‌های ناحیهٔ جزر و مدی زندگی می‌کند.

Luidiidae خانواده‌ای از خارپوستان دریازی

Lumbriculidae خانوادهٔ کرمهای حلقوی آبزی

luminescence رخشایی، پدیدهٔ پرتوافکنی، نورافشانی، نور پراکنی

lunar day روز قمری، فاصلهٔ زمانی بین دو عبور متوالی مرکز ماه از نصف‌النهار معین

lunar tide مه کشند، آن بخش از جزر و مد که در اثر نیروی کشش ماه است.

lungfish ماهی استخوانی ریه دار، ماهی آب شیرین از گروه دوزم (dipnoi) که مدت زیادی را در محیط آبی بدون اکسیژن یا حتی رودخانه و برکهٔ خشکیده زندگی می‌کند.

luni current جریان مه کشندی

lurch چرخش یا کج شدن ناگهانی کشتی به یک طرف

lure = baited fish طعمه مصنوعی، طعمه گذاری

lure - line قلاب با طعمهٔ مصنوعی

lures = baited hooks قلاب طعمه دار

Lutjanidae = snappers, jobfishes, fusiliers خانوادهٔ سرخو ماهیان

***Lutjanus fulviflamma* = black spot** ماهی خال کشمیر باریک، سرخوی لکه سیاه

***Lutjanus gibbus* = hemback red snapper** ماهی سرخوی قرمز پشت لبه‌دار

***Lutjanus johnii* = Johns snapper** ماهی آگال، سبیتی

***Lutjanus lineolatus* = big eye snapper** ماهی سرخوی چشم درشت، آگال

***Lutjanus malabricus* = malabar red snapper** ماهی سرخوی دم سیاه، سرخوی مالابار

***Lutjanus russelli* = Russells snapper** سرخوی لکه دار، خال کشمیر پهن، سرخوی راسل

***Lutjanus sanguineus* = blood snapper** سرخوی خونی

lysine لایسین، نوعی اسید آمینهٔ ضروری

lysocline عمق افزایش انحلال کربنات کلسیم در دریا، عمق یا ناحیه‌ای از اقیانوس که حلالیت کربنات کلسیم خیلی زیاد بالا می‌رود.

M

M علامت بین‌المللی نشانهٔ «درکشتی پزشک است».

maatje's cure روش عمل‌آوری دقیق هرینگ «روده کشی شده»، «احشاء درآورده»، جوان و چاق که در چلیک‌های سر پر شده با «خونابه» بسته‌بندی می‌شود.

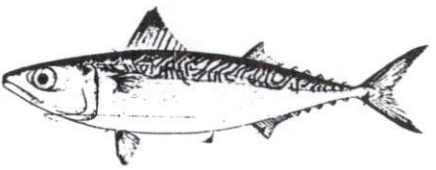
maatjes cured herring = maatje cure

maatjes herring شگ ماهی چاق با گنادهای رشد نیافته

macerated ۱) خیس خورده، نرم شده از طریق خیساندن در آب
۲) هوموژن شده (واژه غیر صحیح)

Mackenzie River رودخانه مکینزی کانادا، دومین رود بزرگ آمریکای شمالی که پس از طی ۱۷۰۰ کیلومتر به خلیج مکینزی دریای بوفورت می‌ریزد.

mackerel ماهی شیر، ماهی خال‌مخالی، ماهی ماکرل، ماهی نیزه مانند اطلس شمالی و بعضی از رودخانه‌ها. گونه‌های *S. choos;Scomber scomberus; S. japonicus ; S. commerson* و *S. cavalla* که در اقیانوس‌های آرام و اطلس فراوان می‌باشند.



ماهی شیر، ماهی خال مخالی ماهی ماکرل *Scomber japonicus*

mackerel shark کوسهٔ خال مخالی از جنس *Lamna*

mackerels , tunas = Scombridae خانواده شیر ماهیان، خانواده تون ماهیان

mackerel style split, to دو نیمه کردن ماهی به موازات تیرهٔ آن و باقی گذاشتن ستون فقرات، بطوری که بتوان آن را در چلیک‌ها به پهنا گذاشت.

mackinaw قایق کف پهن چهار گوش

macrobenthos کفزیان بزرگ دریا،

تقسیم بندی کفزیان از نظر اندازه بشرح زیر است :

گروه کفزیان	ویژگیهای گروه
۱ ـ درشت کفزیان (مگابنتوز)	کفزیان درشت ؛مانند، خرچنگ و شاه میگو
۲ ـ بزرگ کفزیان (ماکروبنتوز)	از شبکه توری ۰/۵ میلی متری رد نمی‌شوند. مانند، میگو، صدف، کرمهای حلقوی، بارناکلها و ناجورپایان
۳ ـ میانه کفزیان (میوبنتوز)	از شبکه توری ۰/۵ میلی متری می‌گذرند ولی، از شبکه ۰/۰۵ میلی متری نمی‌گذرند، مانند، کرمهای پهن، کرمهای حلقوی ، پلی‌کیتها و سخت پوستان ریز
۴ ـ ریز کفزیان (میکروبنتوز)	از شبکه توری کمتر از ۰/۰۵ میلی متر می‌گذرند. مانند، باکتریها ، آغازیان ، جلبکها و قارچها

macroclimate هواشناسی کلان در مقیاس جهانی و یا بعُد زمانی

macrofauna جانوران بزرگ

macrophytes گیاهان بزرگ، ماکروفیت، گیاهان بزرگ با اندازه‌های قابل رؤیت (بدون استفاده از وسایل بزرگ نمایی)، گیاهان عالی، گیاه پر سلولی که دارای سلولهای تخصص یافته است. همه گیاهان موجود غیر از جلبکهای تک یاخته

macroplankton پلانکتونهای بین یک تا ۱۰ میلی‌متر

Macruridae = Macrouridae ماهیان عمق‌زی خویشاوند کاد که سری بزرگ و بدنی باریک دارند.

magazine انبار مهمات ناو

Magellan, Ferdinand (1480 - 1521) ماژلان، دریانورد پرتغالی کاشف تنگهٔ بین دو اقیانوس اطلس و آرام

Magellan, Strait of تنگهٔ ماژلان که دو اقیانوس اطلس و آرام را وصل می‌کند. این تنگه در جنوبی‌ترین نقطه شیلی و آرژانتین قرار دارد.

magma سنگ مایع، ماگما، سنگ مذاب جاری از شکافهای میان اقیانوسی، گدازه آتشفشانی

magnesium (Mg) منیزیوم، عنصر سبک با غلظت ۱۳۵۰ میلی‌گرم در لیتر آب دریا. این عنصر در مولکول کلروفیل، نقش اساسی در تولید اولیه انرژی در دریاها دارد.

magnetic anomaly تغییر زمینه‌های مغناطیسی زمین، کشش مغناطیسی غیرمتعارف و نامتجانس در قسمتهای مختلف زمین

magnetic deviation انحراف مغناطیسی

magnetic diurnal نوسان روزانه‌نیروی مغناطیسی زمین

magnetic field حوزه مغناطیسی، محدوده مغناطیسی، محدوده یا زمینه‌ای که بر یک تودهٔ مغناطیسی اثر می‌گذارد.

magnetic inclination = magnetic dip زاویه خطوط نیروی مغناطیسی با صفحه افقی

magnetic intensity شدت مغناطیسی

magnetic poles قطبهای مغناطیسی، دو نقطه در نیمکره‌های شمالی و جنوبی که قوی‌ترین نیروی مغناطیسی را داشته و این تا حدودی با دو نقطه قطب جغرافیایی مصادف است.

magnetic storm or disturbance توفان مغناطیسی یا بر هم خوردن میدانهای مغناطیسی زمین که معمولاً پس از فعالیتهای خورشیدی اتفاق می‌افتد.

maiden voyage نخستین سفر یک کشتی نو

main دریای وسیع

main channel کانال اصلی، مراجعه شود به main stream

main fish مهمترین گونه‌های ماهی در یک مکان مشخص، برای مثال، در یک آبگیر و در ماهیگیری

main line بخشی از یک ریسمان بلند که وسایل به آن بسته می‌شود.

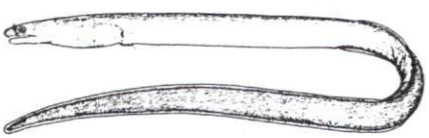
main river شعبه اصلی یک رودخانه

main sail بادبان اصلی کشتی

main sheet طناب نگهدارندهٔ بادبان اصلی

main stream مسیر اصلی رودخانه یا جویبار، شعبهٔ اصلی یک آب در جریان نهر، رود و ...

mained snake eel گونه‌ای از خانواده مار ماهیان حفار با نام علمی *Muraenichthys schultzei* که طول آن ۸۰ تا ۱۴۴ میلی‌متر است. در موزامبیک، شمال تاآلدابرا، دریای سرخ و سواحل شمال غربی هند، جزایر آندامان و اندونزی طرف شرق آرام مرکزی یافت می‌شود. گونه‌ای کوچک و فعال است که رسوبات نرم نزدیک ساحل را حفر نموده و در برکه‌های جزر و مدی زندگی می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورکیسه‌ای یا توسط حفر نمودن انجام می‌گیرد.



Muraenichthys schultzei

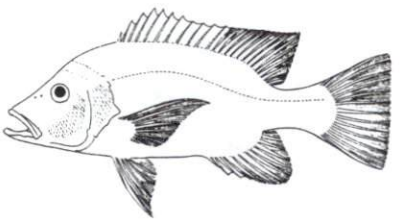
maintenance food غذای نگهدارنده، غذای تأمین کننده، کمترین مقدار غذای لازم برای ترمیم روزانه ماهیچه‌ها، اندامهای داخلی و دیگر بافتهای بدن

make fast لنگر، آنچه قایق را به آن می‌بندند.

make the fish , to خشک کردن ماهی شور با آفتابی کردن و توده کردن متناوب، برای این که امکان بیرون آمدن رطوبت درون ماهی به سطح آن فراهم شود.

mako shark کوسه ماکو، کوسه خال مخالی استوایی، این کوسه نزدیک به سطح شنا می‌کند و فقط باله دمی آن بیرون از آب است.

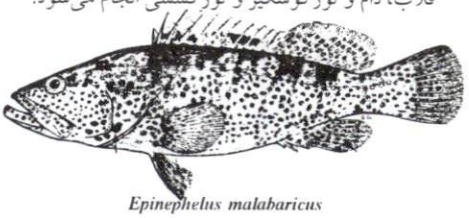
malabar blood snapper ماهی سرخوی دم سیاه، گونه‌ای از خانواده سرخو ماهیان با نام علمی *Lutjanus malabaricus* که طول آن ۵۰ تا ۹۰ سانتی متر است و از بی‌مهرگان کفزی تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی در شمال، حدود عرض ۲۲ درجه جنوبی و در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب آرام مرکزی وجود دارد. بطور معمول، در آبهای ساحلی تا عمق ۱۰۰ متری یافت می‌شود.از آبهای ایران، در خلیج فارس (بندر لنگه) و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط قلاب دستی ، رشته قلابهای طویل کفی و تورکششی کفی انجام می‌شود.



ماهی سرخوی دم سیاه *Lutjanus malabaricus*

malabar cavalla ماهی گیش پهن، جِش، مقوای پهن، مقوای مالاباری که نام علمی آن *Carangoides malabaricus* است .

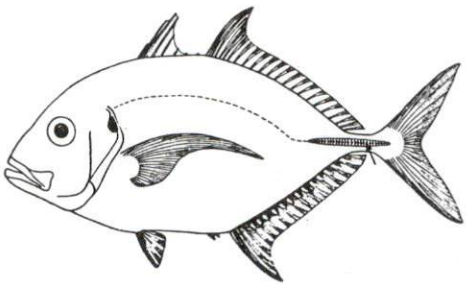
malabar grouper گونه‌ای ماهی از خانواده هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus malabaricus* که بیشترین طول آن ۱۰۰ تا ۲۰۰ سانتی‌متر است. بطور وسیعی در اقیانوس هند غربی بانضمام دریای سرخ و خلیج فارس، همچنین در اقیانوس هند شرقی و بطرف شرق تا غرب اقیانوس آرام مرکزی (از شمال ژاپن تا کوئینزلند) وجود دارد. احتمالاً در اقیانوسیه وجود ندارد. اغلب در بنادر، خورها و اقیانوسها تا عمق حداقل ۳۰ متری وجود دارد و صید می‌شود. این گونه از نظر اقتصادی حائز اهمیت است. معمول‌ترین گونه ساحلی از هامور ماهیان، در اقیانوس هند غربی می‌باشد. ارزش اقتصادی آن در خلیج فارس و سواحل هندوستان زیاد است. از آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط خط قلاب، دام و تورگوشگیر و تورکششی انجام می‌شود.



Epinephelus malabaricus

malabar red snapper ماهی آگال، سرخوی دم‌سیاه بانام علمی *Lutjanus malabaricus*

malabar trevally = malabar cavalla ماهی گیش پهن، مقوای مالاباری، چش، گونه‌ای از خانواده گیش ماهیان با نام علمی *Carangoides malabaricus* که طول آن حداکثر ۲۴ سانتی‌متر است. از سخت پوستان و ماهیهای مرکب کوچک تغذیه می‌نماید. در آبهای ساحلی اقیانوس هند غربی، از جنوب آفریقا بطرف سریلانکا، ساحل غربی آبهای مالاگاسی، در اقیانوس هند و آرام غربی از تنگه مالاکا، خلیج تایلند، اوکی‌ناوا، ژاپن، اندونزی و استرالیا و در آبسنگهای صخره‌ای وجود دارد و ممکن است در خلیج‌های کم عمق شنی نیز یافت شود. ماهیان جوان تا حدودی نسبت به آبهای متلاطم مقاوم هستند. در آبهای ایران، از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط قلاب و طناب، تور کشششی کفی، تور گوشگیر و دام انجام می‌شود.



Carangoides malabaricus

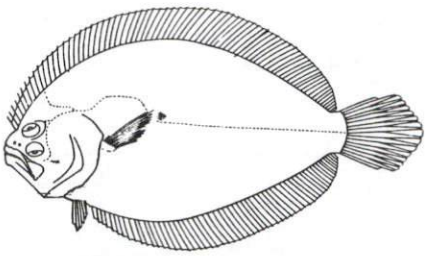
ماهی گیش پهن، مقوای مالاباری، چش

malachite green سبز ختمی، مالاشیت گرین، مادهٔ شیمیایی سبز رنگی که بطور عمده از کربنات مس با فرمول ($CuCO_3$, $Cu[OH]_2$) درست شده و اغلب برای مداوای بیماریهای قارچی در آبزیان و تخم آنها بکار می‌رود. مصرف رنگرزی هم دارد.

malacology نرم‌تن شناسی

Malacostraca سخت پوستان سپردار، مانند، میگو و خرچنگ

malayan flounder ماهی کفشک نازک مالایایی، گونه‌ای از خانواده کفشک ماهیان با نام علمی *Pseudorhombus malayanus* که طول آن ۲۰ تا ۳۵ سانتی‌متر است. از حیوانات کفزی تغذیه می‌کند. در غرب اقیانوس هند از خلیج فارس و سواحل غربی هند و نیز سواحل شرقی هند تا فیلیپین گسترش دارد. ساکن آبهای کم عمق بسترهای گلی و شنی فلات قاره می‌باشد. صید آن با تور کششی کفی در آبهای کم عمق و در بسترهای گلی و شنی فلات قاره انجام می‌شود.



کفشک نازک مالایی *Pseudorhombus malayanus*

malayan hairtail ماهی یال اسبی با نام علمی *Eupleurogrammus muticus*

Maldives جزایر مالدیو، جزایر مرجانی مالدیو در اقیانوس هند

male, (fish) نر (ماهی نر)، ماهی تولید کننده اسپرم

mallard اردک یا مرغابی وحشی

malodorous بدبو، دارای بوی ناراحت کننده

malonaldehyde مالون آلدئید، ترکیب حاصله از اکسیده شدن چربی ماهی در طول نگهداری در سردخانه، افزایش فساد مقدار آن به نسبت افزایش فساد ماهی زیادتر می‌شود.

malossol caviar خاویار کم نمک، بهترین خاویار روس که از تخمهای تاسماهیان صید شده در زمستان تهیه می‌شود و با ید محتوی ۳ تا ۴ درصد نمک باشد.

mammal, aquatic پستاندار آبزی

mammalia شاخه پستانداران

manatee گاو دریایی،

نوعی نهنگ یا وال کوچک دریایی

mandibule استخوان ماندیبول، آروارهٔ پایین

manganese (Mn) منگنز،
عنصر ضروری برای زندگی. این عنصر به مقدار بسیار ناچیز بصورت محلول در آب دریا وجود دارد.

manganese nodule دانه‌های منگنز که در کف دریابه همراه سایر عناصر دیده می‌شود.

mangrove چندل، درخت حرّا، درخت شاپسند، مانگرو، گیاه نیمه استوایی یا استوایی از جنس *Rhizophora* که در مردابهای نمکی و آبهای لب شور جزر و مدی می‌روید.

mangrove forest جنگل چندل، جنگل حرّا، جنگل مانگرو

mangrove oyster اویستر جنگلهای حرّا، اویستر ماندابی با نام علمی *Crassostrea rhizophorae*

mangrove red snapper ماهی سرخوی تیره، آگال، گژی کو (چابهار)، گونه‌ای از خانواده سرخو ماهیان با نام علمی *Lutjanus argentinaculatus* که طول آن ۸۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر است. از سخت پوستان و ماهیان تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی، در شمال حدود عرض ۲۲ درجه جنوبی، وجود دارد. احتمالاً در بعضی از جزایر دور از ساحل نیز یافت می‌شود. در مناطق دیگر، در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی یافت می‌شود. ماهیان جوان معمولاً ساکن آبهای مناطق کم عمق و مانگرو، اما ماهیان مسن گاهی تا عمق ۸۰ متری نیز دیده می‌شوند. در آبهای کم عمق و نیز بر روی آبسنگهای دور از ساحل وجود دارند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بطور عمده توسط قلاب دستی، رشته قلابهای طویل کفی و تورهای کششی کفی انجام می‌شود.

mangrove swamp مرداب حاوی درختان حرّا

man - of - war ناو جنگی، نوعی عروس دریایی

man - overboat آدم به دریا

man - ruot سوس ماهی تخمیر شده

mantle ۱) پوشش سنگی پوستهٔ زمین، پوشش بیرونی
۲) جبّه، غشایی که قسمتهای نرم بدن نرمتنان را می‌پوشاند.

manure کود، ماده‌ای که معمولاً منشأ طبیعی دارد (مثل : مدفوع جانوران، کود مخلوط، کمپوست) و بعنوان کود به کار می‌رود.

manured pond استخر کود دهی شده

manurial salts املاح کودی،
نمکهای زیستی (بیوژنیک) و مواد غذایی لازم برای رشد و نمو گیاه

manuring کوددادن، کود دهی

manuring of ponds کود دادن استخرها (آلی)

manuring requirments نیازهای کود دهی،
ضوابط کود دهی، میزان کود مورد نیاز

march پیشروی آب دریا، باتلاق

mare clausum دریای بسته،
دریای تحت سلطه یک کشور

margin حاشیه، حاشیه بین خشکی و آبگیر

marginal sea (s) دریای حاشیه‌ای،
دریاهای حاشیه‌ای اقیانوسها که اثر مستقیم در تمام اقیانوس دارند. دریای مدیترانه، دریای کارائیب و خلیج مکزیک از دریاهای حاشیه‌ای اقیانوس اطلس هستند. دریای چین جنوبی و دریای ژاپن مربوط به اقیانوس آرام و دریاهای آرافورا و تیمور از دریاهای حاشیه‌ای اقیانوس هند می‌باشند.

marginal vegetation جمعیت گیاهی واقع در منطقه انتقال بین آب و خشکی

mari- پیشوندی به معنای دریا

Marianas Islands جزایر ماریان،
جزایر مرجانی و آتشفشانی اقیانوس آرام در شرق فیلیپین

Mariana Trench ترانشه ماریان،

فرو رفتگی عمیق اقیانوس در شرق جزایر ماریان که تا ۱۱۷۰۸ متر گزارش شده است.

maricolous دریازی

mariculture کشتاب ورزی در دریا، دریـا پـروری، کشت و پـرورش دریـایی، اسـتفاده از حوضچه‌های دریایی برای پرورش جلبک، خرچنگ یا صدف. رهاسازی ماهیان جوان و صید ماهیان بالغ، هر گونه پرورش آبزیان با استفاده از آب دریا

marigenous volcano آتشفشان دریایی

marigenous waves امواج دریایی

marigram نمودار جزر و مد

marigraph کشند نگار، جزر و مد نگار

marina مجموعه لنگرگاهی

marinade مارینـاد، ترشی ماهی، فرآورده‌ای که با اضافه کردن اسید استیک رقیق و نمک، عمل‌آوری و نگهداری می‌گردد. از نظر نگـهداری جـزء گروه نیمه نگهداری شده به حساب می‌آید.

marinate, to = acid cure, to

marine دریایی، وابسته به آب شور یا لب شور (بر عکس موجودات وابسته به آب شیرین)

marine abrasion فرسایش کف دریا در اثر حرکت ماسه‌ها

marine archeology باستان شناسی دریا، مطالعه منظم لایه‌های رسوبی کف اقیانوس

marine biology زیست شناسی دریا

marine - built terrace سطح ایجاد شده در ساحل سنگی در اثر عمل فرسایش امواج

marine cave غار دریایی

marine chemistry شیمی دریا

marine corps نیروی تکاوران دریایی، نیروی تفنگداران دریایی

marine - cut terrace سطح برش یافته در ساحل سنگی در اثر عمل امواج

marine deposits نهشته‌های دریایی

marine - dominated estuary خـور یـا مـصبی کـه قسـمت اصـلی آن را آب دریـا و موجودات دریازی احاطه کرده باشند.

marine ecology اکولوژی دریا، بوم شناسی دریا

marine exclusive zone منطقهٔ ممنوعهٔ دریایی

marine geology زمین شناسی دریا

marine insurance بیمه حوادث دریایی

marine law حقوق دریا

marine life حیات دریایی

marine meteorology هواشناسی دریا

marine microbiology میکروبیولوژی دریا، ریز موجود شناسی دریا

marine mycology قارچ شناسی دریا

marine oils انواع روغنهای ماهیان دریایی

marine physics فیزیک دریا

marine plane آخرین مرحلهٔ ساحل سازی دریا

marine platform erosion فرسایش سکوی دریایی

marine snow برف دریایی، مواد غذایی پوسیده که در طول زمان به قسمتهای عمیق دریا می‌ریزند.

marine terrate سطح مسطح و برجسته حاصل از عمل امواج در ساحل

marine transgression پیش روی آب دریا در اثر بالا آمدن سطح آب

maritime دریانوردی، دریایی، بازرگانی دریایی

maritime state دولت دریایی

mark نشانه یا علامتی که بر روی یا درون بدن ماهی قـرار دارد (شـامل، مـنگوله، نـوار و غـیره) و اجـازه شناسایی آن را از بقیه می‌دهد. مراجعه شود به tag

marking پدیده‌ای که ماهی را قابل شناسایی می‌کند (بعنوان یک فرد یا عضو یک گروه)، بی آنکه از منگوله و نوار و نظیر آن استفاده کند. مراجعه شود به tagging

mark-recapture method

روشی برای تخمین تعداد کل جمعیت با این فرض که نسبت ماهیهای نشاندار در یک نمونه تصادفی، تخمینی از نسبت نشاندارهای کل جمعیت است.

marlin = spear fish مارلین، نیزه ماهی

marlin مارلین،

انواع ماهیان بزرگ استوایی عمق‌زی از راسته سوف ماهیان، خانواده ایستیوفوریده. ویژگیها و پراکنش عمده بشرح زیر است :

نام‌گونه	نام‌علمی	وزن تقریبی	رنگ	اقیانوس
مارلین آبی	*Makaria nigricans*	۴۰۰ .	آبی با قسمت شکمی سفید	اطلس
مارلین سیاه	*M. indica*	۷۰۰ .	آبی مایل به خاکستری تا سیاه و بالهٔ سینه‌ای سخت	هند
مارلین هندی	*M. audax*	۱۲۰ .	سطح بالایی برهنه	هند
مارلین سفید	*M. albida*	۴۵	سبز مایل به سفید	اطلس

Mars سیاره مریخ

marsh باتلاق، ماندا ب ساحلی

مرداب مجاور دریا که آب لب شور دارد. در مردابهای استوایی یا نیمه استوایی درختان مانگرو (حرّا) و در مردابهای منطقهٔ معتدله، گیاهان علفی، مانند اسپارتینا می‌رویند. اکوسیستم هر مردابی شرایط و موجودات خاص خود را دارد.

Marshal Island جزایر مرجانی و آتشفشانی مارشال در شرقی‌ترین بخش میکرونزی

marsh , salt مرداب نمکی،

مرداب دارای آب لب شور

marsh worm کرم لجنزار،

کرمی که در ماهیگیری به کار می‌رود و به نام سر آبی (blue head) نیز نامیده می‌شود.

marshy مردابی، باتلاقی، لجنزاری،

مربوط به (یا مانند) لجنزار

mast دکل یا تیر کشتی،

چوب عمودی بادبان

Mastigophora تاژکداران،

آغازیان تک یاخته‌ای تاژکدار

mate کمک ناخدا،

افسری که در غیاب ناخدا، فرماندهی کشتی را بعهده می‌گیرد. معمولاً به افسر اول کشتی گفته می‌شود.

matijes herring = maatijes herring

mating جفت یابی، همسریابی، پیداکردن جنس مخالف بمنظور تولید مثل

matt غیر شفاف،

رنگ غیر شفاف سطح بریده شده ماهی، بویژه ماهی دودی و ماهی منجمد که در شرایط نامطلوب در سردخانه نگهداری گردیده است.

mature salt نمک رسیده،

نمک آفتابی که حداقل یک سال مانده باشد.

maturing pond استخر بالغ سازی،

استخری که ماهیهای مولد قبل از تخم‌ریزی به منظور رسیدن به بلوغ جنسی در آن نگهداری می‌شوند.

maturity بلوغ، رسیدگی، رسیدگی جنسی،

توان تولید مثل جنسی، بر خلاف مهره‌داران عالی، گفته می‌شود که ماهیها سالی یک بار یا بیشتر رسیدگی جنسی پیدا می‌کنند اگر چه آنها فقط یک بار بالغ می‌شوند.

maturity coefficent ضریب رسیدگی،

وزن غدد جنسی بعنوان درصدی از وزن کل بدن یا درصدی از وزن بدن بدون اندامهای داخلی

maxilla [maxillae جمع]

یکی از دو استخوان هر نیمهٔ آروارهٔ بالایی

maxillary فکی، آرواره‌ای

maximum economic yield MEY

حداکثر برداشت اقتصادی، بیشترین تولید اقتصادی

maximum potential yield

بیشینه بالقوهٔ تولید، بیشترین محصول پایداری که می‌توان از یک منطقه با بهترین تراکم جمعیت در شرایط طبیعی، بدست آورد.

maximum standing crop

بیشینه محصول موجود، بیشترین فراوانی موجوداتی مثل ماهی که می‌توان از یک آبگیر معین بدست آورد، بی آنکه افزایش یا کاهش در وزن نسبت به حالت تعادل بوجود آید.

maximum sustainable yield = MSY

حداکثر برداشت بهینه، متوسط حداکثر صید طی مدت زمانی معمول که می‌توان بطور مستمر از ذخایر معینی تحت شرایط زیست محیطی جاری، برداشت نمود. حداکثر محصول مستمر

mayfly حشرات راستهٔ زود میران

(Ephemeroptera)، حشره‌ای که در مرحلهٔ لاروی در آب زندگی می‌کند.

M.B.S. رده‌بندی ماشین آلات در

ثبت لویدز که ثابت می‌کند کشتی طبق مقررات دریایی انگلیس رده بندی شده است.

mean daily temperature

میانگین دمای روزانه، میانگین دماهای اندازه‌گیری شده در مراحل مختلف در یک روز

mean depth ژرفای میانگین، عمق متوسط،

رابطه‌های بین حجم و مساحت یک دریاچه

mean higher high water

میانگین برکشندهای بالاتر، میانگین ارتفاع آبهای بالای بالاتر در یک دوره ۱۹ ساله

mean high water = MHW برکشند میانگین،

میانگین آب بالا، میانگین آبهای بالا طی یک دوره ۱۹ ساله

mean highwater springs

برکشند میانگین شدید

mean low water = MLW

فروکشند میانگین، آب پایین میانگین، ارتفاع میانگین آبهای پایین در یک دوره ۱۹ ساله

mean low water springs

فروکشند میانگین شدید، ارتفاع میانگین آبهای پایین که در زمان جزر و مدهای شدید روی می‌دهد.

mean lower low water

میانگین فروکشندهای آبهای پایین پائین‌تر، میانگین آبهای پایین پائین‌تر در یک دوره ۱۹ ساله

mean sea level تراز میانگین دریا،

سطح متوسط دریا

mean tidal range متوسط تغییرات دامنهٔ

جزر و مد، اختلاف ارتفاع بین مد متوسط و جزر متوسط. متوسط مدهای بزرگ و دامنهٔ تغییرات مدهای ضعیف مدهای ضعیف را به ترتیب، ارتفاع متوسط مدهای بزرگ و مدهای ضعیف می‌نامند.

mean tide level = half tide level

متوسط جزر و مدها، سطحی فرضی که کاملاً بین متوسط سطح بالا و متوسط سطح پایین قرار گرفته است. به علت اینکه منحنی جزر و مد متقارن نیست، این سطح بطور کامل برابر سطح متوسط دریا نمی‌باشد.

mean water متوسط آب،

میانگین بِده رودخانه، میانگین آبگذری رودخانه

measuring board تخته اندازه‌گیری،

وسیله‌ای که برای اندازه‌گیری دقیق طول ماهی بکار می‌رود.

meat گوشت، عضله، قسمت خوردنی ماهی

mechanical drier = fish drier

mechanical filtration صافی کردن مکانیکی،

هر نوع روش صافی کردن که مواد جامد معلق در آب را جدا کند. این روش با صافی کردن شیمیایی و زیستی کاملاً متفاوت است.

mechanical kiln کورهٔ دودی کردن ماهی که

شرایط دودی کردن با وسایل خود کار برقرار و تنظیم می‌گردد. بعنوان یک قاعده، دود در خارج آن تولید می‌شود.

mechanized smoking process = smoke

mechanically, to mechanoreceptor

(organs) اعضاء (حساسه‌های) مکانیکی،

اعضایی در ماهی (بطور عمده در طول خط جانبی) که او را قادر می‌کنند که جریانها و حرکتها را احساس نماید.

medial میانی، بطرف وسط

median روی خط میانی یا سطح محوری بدن

median line خط میانه

mediterranean دریای محصور در خشکی، واقع شده در بین چند خشکی، دریای مدیترانه

Mediterranean Sea دریای مدیترانه در اروپا

Mediterranean shrimp

میگوی مدیترانه با نام علمی *Penaeus kerathurus*

medium salt , to عمل‌آوری ماهی با استفاده از ۲۰ تا ۲۸ قسمت نمک به ازای ۱۰۰ قسمت وزن ماهی، محصول محتوی ۳۰ درصد تا ۴۰ درصد نمک براساس وزن خشک آن خواهد بود.

medusa مدوز، عروس دریا

megabenthos درشت کفزیان، مراجعه شود به macrobenthos

***Megalaspis cordyla* = hardtail scad**

ماهی گیش باریک، کنو

megaplankton درشت شناورزیان

Meinesz, Felix Andries Vening (1887-1966)

فلیکس مینز، اندازه گیرنده نیروی جاذبه زیر دریا

meiobenthos میانه کفزیان، کف زیان میان اندازه مراجعه شود به macrobenthos

meiofauna جانوران میان اندازه

Mekong رود مکانگ در آسیای جنوب شرقی که از تبت شروع شده و پس از طی ۴۲۰۰ کیلومتر به دریای چین جنوبی می‌ریزد.

Melanesia جزایر ملانزی در شمال شرقی استرالیا و در اقیانوس آرام، شامل جزایر فیجی، بیسمارک، نیوهیبرید و سلیمان

melanin لکهٔ سیاه، ملانین

melanosis سیاه شدن، سیاه شدن پوست سخت پوستان، بویژه میگو و شاه‌میگو، نشانگر فساد

melker = milker herring

melt, to حل شدن نمک در آب

melt water یخ یا برف ذوب شده

Mendocino Escarpment

شیب تند مندوسینو در کف اقیانوس آرام شمالی

menhaden ماهی منهادن، نوعی ماهی که برای استخراج روغن صید می‌شود.

Mercator, Gerardus (Gerhard kremer) (1512-1594)

گرهادر کرمر یا گرهارد مرکاتور که نقشه‌های متعدد جهان را ترسیم کرد.

mercator sailing دریانوردی با استفاده از نقشهٔ نصف‌النهار

merchandise مال‌التجاره، محصول تجاری

mercury جیوه، نوعی فلز سنگین آلوده کننده ماهی، معمولاً بصورت متیل جیوه باعث ایجاد بیماری سیستم عصبی در انسان می‌گردد. برخی از گونه‌های ماهیان از جمله تون ها ممکن است بیش از حد مجاز جیوه داشته باشند. حد قابل قبول جیوه در گوشت ماهیان ۰/۵ میلی‌گرم در هر کیلوگرم است.

mere = mear دریاچه، حوضچه، مرداب، باتلاق، خلیج، خور، دریا

meridian نصف‌النهار

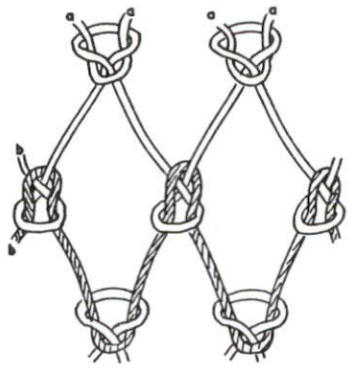
meristic ویژگیهای قابل شمارش ماهی

meroepipelagic سطحزی دریائی موقتی

meroplankton پلانکتونهای موقت، پاره شناوران، آبزیان که فقط مراحل اولیه زندگی آنها بصورت شناور است.

mesh چشمه استاندارد، چشمهٔ کوچک و غیره، چشمه تور، شبکه محاسباتی، هر یک از فضاهای باز

بین طنابهای یک تور مشبک



چشمه تور

meshes of fishing nets چشمه‌های دامهای ماهیگیری

mesh size اندازهٔ چشمه (دام، تور)
اندازهٔ چشمهٔ تور ماهیگیری

mesoderm مزودرم، لایهٔ بافت میانی جنین،
این لایه در مهره داران منشاء بافت استخوانی، گردش خون و ماهیچه‌ها

mesohaline آب لب شور

mesolimnion طبقهٔ میانی آب دریا یا دریاچه

mesolittoral zone
ناحیهٔ ساحلی بین جزر و مد دریا

mesonephric کلیه‌های میانی ماهیان

mesopelagic نیمه سطحی، میانه عمقی

mesopelagic zone ناحیهٔ میانه عمقی،
ناحیهٔ بی نور بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ متری عمق دریا

mesoplankton پلانکتونهای اعماق میانی

Mesopotamia میان دو رود، بین‌النهرین،
بین دو یا چند رود

mesopsammon بین ماسه‌ای

mesopterygoid رجلی میانی

mesotrophic مزوتروفیک، میانه غذا،
نوعی دریاچه که حد واسط بین دریاچه‌های الیگوتروف (کم غذا) و یوتروفیک (پر غذا) می‌باشد.

mesotrophy آبهایی که از نظر تراکم مواد غذایی در حد متوسط هستند.

Mesozoa میان‌زیا،
جانوران ساده ۱۰ تا ۲۰ یاخته‌ای که نه جزو باکتریها و نه جزو آغازیان به حساب می‌آیند.

Mesozoic ,era عصر مزوزوئیک (میان زیایی)،
عصر دوم زمین شناسی از ۲۳۰ تا ۱۰۰ میلیون سال پیش. این عصر به سه دورهٔ تریاس، ژوراسیک و کرتاسه تقسیم شده است.

Messina , Strait of تنگهٔ مسینا بین ایتالیا و سیسیل

metabisulphite متابی سولفیت،
نمک اسیدی، معمولاً نمک سدیم حاصله از اسید سولفوریک که بصورت محلول تهیه شده و سخت پوستان، از جمله، میگو، را پس از عمل‌آوری در آن فرو کرده تا از ایجاد لکه سیاه روی آنها جلوگیری گردد.

metabolic chain زنجیره سوخت و ساز بدن

metabolism متابولیسم،
مجموعه‌ای از فعل و انفعالات مختلف فیزیکی، شیمیایی و زیستی در یک موجود زنده که از طریق آن تغذیه، تنفس و رشد حاصل می‌گردد، تغییرات شیمیایی که در مواد حیاتی رخ می‌دهد.

metabolite متابولیت،
هر نوع ماده‌ای که به وسیلهٔ موجود زنده در انجام فعل انفعالات زیستی آن حاصل می‌گردد.

metacenter نقطه ثبات و توازن کشتی

metalimnion متالیمنیون، میان دریاچه‌ای
سطح آب بین اپی لیمنیون و هیپولیمنیون که در آن حرارت بیشترین تغییرات عمودی را نشان می‌دهد و بیشتر بنام لایه ترموکلاین نامیده می‌شود.
منطقه‌ای از یک دریاچه که دمای آب آن در تابستان با افزایش عمق به شدت کاهش می‌یابد.

metamorphic rock سنگ دگرگون،
سنگ حاصله از دگرگونی

metamorphological front

جبهه‌های هواشناسی، مرزبندی توده‌های هوا، سطح جبهه وقتی تشکیل می‌شود که دو تودهٔ هوا که حداقل از یک نظر برای مثال درجهٔ حرارت و رطوبت با هم متفاوتند، با هم مواجه می‌گردند. بعلت وجود اختلاف مذکور، بجای آنکه در یکدیگر ادغام شوند، توده هوای سرد به زیر هوای گرم خزیده و آنرا عقب می‌راند. وجود توده آبهای اقیانوسی غیر همسان که دارای مرزبندی مشخص هستند، به سادگی قابل مشاهده است، که به این توده‌ها، جبهه‌های اقیانوس نگاری گفته می‌شود.

metamorphosis دگردیسی،
تغییرات تدریجی شکل ظاهری و ساختمان موجود از مرحلهٔ نوزادی تا ایجاد شکل والدین

metanephric کلیهٔ آخرین

metaphysics متافیزیک،
قیاس نتایج و توصیف طبیعت از طریق قیاس منطقی استنتاجات حقیقی و وجودی براساس حقایق شناخته شده در بارهٔ ارتباط وجود و پدیده (وجود و حدوث)

metapterygoid فرامیانی

Meteor Research Expedition

کاوش تحقیقاتی متشور که بین سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۷ توسط آلمانیها انجام شده وطی آن بسترهای اقیانوس اطلس شمالی و جنوبی نقشه برداری دقیق شدند و جریانهای اقیانوسی شناسایی گردیدند.

meterology = climatology آب و هواشناسی، اقلیم شناسی

methionine متیونین، اسید آمینهٔ لازم گوگرددار

methods of fishing روشهای صید

methyl mercury متیل جیوه

Mexico, Gulf of خلیج مکزیک بین ساحل شرقی مکزیک و جنوب غربی ایالات متحده آمریکا

Mexico Trench ترانشه مکزیک، این بریدگی در کف اقیانوس که در لبهٔ شرقی پوستهٔ اقیانوسی آرام ایجاد شده و مجاور صفحه پوسته‌ای کاکاس است، به خلیج کالیفرنیا منتهی می‌شود.

microbe میکروب، میکروارگانیزم، ریز موجود

microbenthos ریز کفزیان

microbial مرتبط با میکروبها، مرتبط با میکروارگانیزمها، وابسته به میکروبها

microbiological وابسته به علم میکروبیولوژی

microbiological limit حد قابل تحمل میکرو بیولوژیک

microbiological quality

کیفیت میکروبیولوژیک، بررسی کیفیت یک محصول از طریق اندازه‌گیری میزان باکتریهای بیماریزا در آن

microbiological standard

حد استاندارد میکروبیولوژیک

microfauna جانوران ریز یک منطقه

microflora موجودات گیاهی ریز یک منطقه، انواع میکروارگانیزمهای یک محیط خاص، برای مثال، روی پوست یک گونه خاص ماهی

Micronesia جزایر میکرونزی در شرق فیلیپین شامل جزایر ماریان، مارشال، کارولین، گیلبرت و چند جزیرهٔ دیگر

micronesian اهل جزایر میکرونزی

micronutrient عناصر کمیاب، عناصر غذایی کمیاب، عناصری که برای تداوم حیات موجودات به مقدار خیلی کم لازم هستند.

microorganism موجود ذره بینی،
موجود زنده‌ای که دیدن آن با چشم غیرمسلح، عملی نیست. شامل: باکتریها، ویروسها، قارچها، جلبکها، پروتوزوئرها و مخمرها

microplankton پلانکتونهای ریز،
پلانکتونهائی که اندازه آنها کمتر از یک میلی‌متر است و می‌توانند از صافی با چشمه‌های ۰/۰۶ میلی‌متر عبور نمایند.

Mid-Atlantic Ridge کوههای زیردریایی میان اقیانوسی اطلس

middle ۱) وسط، ۲) محصولی از نیوانگلند که مرکب از قطعات بزرگ کاد شور خشک بوده که پس از جداکردن دیوارهٔ شکمی، دم و غشاء، ظریف، حاصل می‌گردد.

middle course جریان میانی،
امتداد یک رود که بین بخش بالایی و پایینی آن قرار می‌گیرد و معمولاً در زیر منطقهٔ ماهی آزاد و بالای منطقهٔ ماهی سیم واقع می‌شود.

middle ground shoal تپه زیرآبی

middle reach مراجعه شود به
middle course

middy دانشجوی سال دوم نیروی دریایی

midge larva کرم خونی،
لارو حشرهٔ *Chironomus* از خانوادهٔ شیرونومیده

mid - lake بخش میانی یک دریاچه

midland sea دریای محصور شده توسط خشکی

mid - littoral zone منطقهٔ ساحلی میانی

mid - ocean میان اقیانوسی

mid - ocean canyon درهٔ عمیق میان اقیانوسی

mid - oceanic islands جزایر میان اقیانوسی

mid - ocean ridge پشته میان اقیانوسی،
رشته کوههای میان اقیانوسی که ۵۶۰۰۰ کیلومتر طول دارند. این رشته کوهها در تمام اقیانوسها وجود دارند.
عمده‌ترین آنها بشرح جدول زیر هستند :

رشته کوه	اقیانوس	جهت
میان اطلسی	اطلس	شمال به جنوب
رایکزنز	اطلس	اطلس شمالی به قطب
آرام شرقی	آرام	شرق
میان هند	هند	

mid ocean rise پشته یا کوه میان اقیانوسی
(کوه مدورتر از حالت معمول)

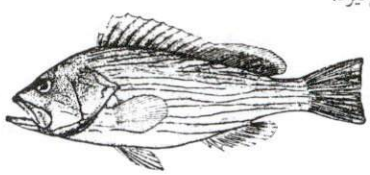
midship man دانشجوی افسری،
دانشجوی سال دوم نیروی دریایی

mid stream میان رود،
بخش میانی یک رودخانه یا نهر

mid water میان آبی،
بخش میانی جریان عمودی آب

mid - water fishing صید میان آبی،
صید در اعماق میانی آب دریا

mid - water grouper گونه‌ای از خانوادهٔ هامور
ماهیان با نام علمی *Epinephelus undulosus* که طول آن حداکثر ۷۵ سانتی متر و وزن آن ۷ کیلوگرم است. از ماهیان شناور و کفزی، سخت پوستان کوچک و تونیکاتهای سطح‌زی (Thalicean) تغذیه می‌کند. در شمال اقیانوس هند غربی (حدود ۵ درجهٔ عرض شمالی)، بجز دریای سرخ و خلیج فارس، همچنین در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و بطرف فیلیپین و گینهٔ نو وجود دارد. این گونه در کناره‌ها (نه در آبسنگها) وجود دارد. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورهای کششی و قلاب دستی در اعماق ۲۰ تا ۹۰ متری انجام می‌گیرد.



Epinephelus undulosus

mid water seine تور گردان میان آبی

mid water trawl تور کششی (ترال) میان آبی

mid water trawler شناور ترال میان آبی

migrate, to مهاجرت کردن،
حرکت دوره‌ای ازیک زیستگاه به زیستگاه دیگر

migrate down-stream مهاجرت به پایین رود،
مهاجرت ماهیها موافق جهت جریان رود

migrate up-stream مهاجرت به بالای رود،
مهاجرت ماهیها در خلاف جهت جریان رود

migration مهاجرت، مهاجرت ماهیان و سایر

جانوران دریایی

نوع مهاجرت	تعریف	مثال
اقیانوسی (oceanodromous)	همیشه دراقیانوس زندگی و تخمریزی می‌نماید	تون ، شاه ماهی
اقیانوس - رودخانه‌ای (رود کوچ) (anadromous)	بیشتر زندگی در دریاولی در رودخانه تخمریزی می‌نماید	ماهی آزاد
رودخانه‌ای - اقیانوسی (دریا کوچ) (catadromous)	ماهیان آب شیرین که در اقیانوس تخمریزی می‌نمایند	مارماهی

migration of fishes مهاجرت ماهیها

migratory fish ماهی مهاجر، ماهی که عادت به مهاجرت دارد.

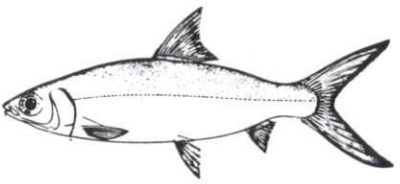
mikagi-mishin محصول شگ ماهی خشک بدون نمک

mild cure,to عمل آوری ملایم (رقیق)، شور کردن یا دودی کردن رقیق. این روش باعث محدودیت نگهداری کیفیت محصول می‌گردد. بصورت اسمی به مراحل عمل‌آوری، دقیق، و نیز تولیدی که به این روش بدست می‌آید، گفته می‌شود.

mild cure salt نمک دانه ریز یکنواخت با درجهٔ خلوص بالا. مخصوص تولید قزل آلا بصورت عمل آوری رقیق

mild smoke, to دودی کردن کوتاه مدت به منظور دادن طعم دودی به ماهی

milk fish خامه ماهی، شیرماهی، گونه‌ای از خانوادهٔ خامه ماهیان با نام علمی *Chanos chanos* که بیشترین طول آن ۱۸۰ و معمولاً ۱۰۰ سانتی‌متر است. از بی‌مهرگان کفزی تغذیه می‌کند. در تمام ناحیهٔ اقیانوس هند غربی و نیز در شرق، از اندونزی تا ساموآ و ماورای آن یافت می‌شود. این گونه سطح‌زی بوده و وارد خورها، رودخانه‌ها و دریاچه ها می‌گردد. لاروهای آن به مقدار زیاد در حوضچه‌ها و استخرها پرورش داده می‌شوند (بدین منظور نوزادان از کنار دریا جمع آوری می‌شوند). از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای ملاقه‌ای (scoop nets)، تورهای کششی، تور مستقر و دام انجام می‌گیرد.



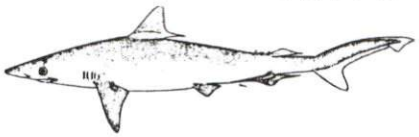
خامه ماهی، شیر ماهی

milker herring شگ ماهی عمل آوری شده به روش «آلمانی» همراه با مواد تناسلی، که در چلیک‌های کوچکی که حدود ۱۲ ماهی را در بر می‌گیرد، بسته بندی شده است.

milk fishes = Chanidae خانوادهٔ خامه ماهیان

milk shark کوسه شیر، گونه‌ای از خانوادهٔ Carcharhinidae با نام علمی *Rhizoprionodon acutus* که بیشترین طول آن ۱۰۲ سانتی‌متر و در سن بلوغ ۶۸ تا ۷۲ سانتی‌متر است. از ماهیان استخوانی کوچک و سخت‌پوستان تغذیه می‌نماید. در اقیانوس هند غربی از آفریقای جنوبی و ماداگاسکار، طول سواحل شرق آفریقا تا دریای سرخ، سپس بطرف شرق تا خلیج فارس، پاکستان، هند و سریلانکا، در مناطق دیگر شرق اقیانوس اطلس از مادریا و موریتانی، تا آنگولا و به طرف شرق تا خلیج فارس، پاکستان، هند و سریلانکا، در مناطق دیگر شرق اقیانوس اطلس به طرف شرق از منطقهٔ اقیانوس هند غربی تا ژاپن و استرالیا وجود دارد. در اندازه‌های کوچک و به تعداد زیادی در آبهای دور و نزدیک مناطق گرمسیری (از سطح تا عمق ۵۰ متری) یافت می‌شود. این کوسه بدون خطر است. فراوانترین کوسهٔ کوچک در آبهای ساحلی اقیانوس هند غربی است. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ رشته قلابها (شامل رشته قلابهای طویل شناور در نزدیکی سواحل) و تورهای گوشگیر شناور و

کفی انجام می‌شود.



Rhizoprionodon acutus

millard reaction واکنش میلارد، عکس العمل بین پروتئینها یا اسیدهای آمینه با مواد قندی در طول دورهٔ نگهداری غذاها، بخصوص غذاهای دریایی کنسرو شده و خشک شده، که باعث ایجاد رنگ قهوه‌ای، تغییر طعم و از دست دادن ارزشهای غذایی می‌شود. به آن قهوه‌ای شدن در اثر واکنش غیر آنزیمی هم گفته می‌شود.

mill- dam سد آسیاب، سدی در عرض رود برای بالا آوردن سطح آب آن و قابل استفاده کردن آب برای چرخاندن آسیاب

miller's thumb عقرب ماهی کله گاوی با نام علمی *Cottus gobioo*

mill-pond حوضچه آسیاب، آبی که در بالای یک سد آسیابی نگهداری می‌شود.

mill-race مجرایی برای انتقال آب یک چاه به آسیاب

***M*ilne seamount** تپهٔ دریایی آتشفشانی میلنه در اقیانوس اطلس شمالی

milt شیر، اسپرم، ماده‌ای که از بیضه‌های ماهی نر تخلیه می‌شود.

milted roe تخم اسپرم زده

milter ماهی نر بویژه در زمان تخمریزی، ماهی اسپرم دار

mimic تقلید کردن، شبیه سازی کردن، همرنگ یا همسان کردن (معمولاً برای دفاع یا شکار به کار می‌رود).

Minamata disease بیماری میناماتا، بیماری که روی سیستم عصبی اثر می‌گذارد و در اثر بالا بودن میزان جیوه در ماهی حاصل می‌شود.

mined rock salt = mineral salt

mined salt = mineral salt

mine layer کشتی مین گذار

mineral معدنی، هر یک از انواع متعدد ترکیبات و مواد غیر آلی، عمدتاً نمکها که شامل عناصری هستند که وجود آنها در جیرهٔ غذایی حیوانات از جمله انسان و ماهی ضروری است ؛ مثل، ید و گوگرد

mineral salt نمک معدنی، نمک استخراجی از ته نشینهای زیر زمینی

mine sweeper کشتی مین جمع کن

minimum fetch کمترین طول موجگاه، کمترین مسافتی که در آن شرایط موج پایا به وجود می‌آید.

minimum protein level کمترین سطح پروتئین، پایین‌ترین سطحی از پروتئین که برای رشد ماهی و تولید تجاری آن در نظر گرفته می‌شود.

minimum recordable signal حداقل علامت قابل ثبت

minimum size کوچکترین اندازه، اندازه‌ای از ماهی که کمتر از آن، خرید یا فروش ماهی، جز با اجازهٔ مخصوص، ممنوع است .

minnow ماهی مینو، گونه‌هائی از خانوادهٔ Cyprinodontidae. یکی از انواع آن ماهی *Phoxinus phoxinus* است که در سراسر اروپا وجود دارد.

minnow farmer پرورش دهندهٔ ماهی مینو

minnow - size کوچک (ماهی کوچک)

minnow zone (reach) ناحیه دسترسی ماهی مینو، مراجعه شود به bream zone

minstral sweet lip ماهی سکن (چابهار)، سنگسر خاکستری، قهوه‌ای، نیم، دختر ناخدا، گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسر ماهیان با نام علمی *Plectorhinchus schotaf* که در اقیانوس هند غربی، در طول ساحل شرقی آفریقا، از دریای سرخ به طرف آفریقای جنوبی، بعلاوه جزایر ماداگاسکار، سیشل،

mixed fertilizer کود مخلوط

mixed layer لایهٔ مختلط، لایهٔ آبی که توسط عمل‌باد، امواج یا گرما مخلوط می‌شود.

mixed layer depth = MLD عمق لایهٔ اختلاط آبها، در بالای ترموکلاین فصلی، مراجعه شود به thermoclin

mixed stocking ماهیدارکردن یا آبزیدارکردن مختلط

mixed tides جزر و مد مختلط، جزر و مدهایی که برحسب انحراف ماه در بعضی از فصول نیم روزه و گاهی نیز روزانه می‌باشد.

mixing chamber قسمتی از دودخانهٔ خودکار که دود، هوای تازه و هوای بازچرخشی با هم مخلوط می‌شوند.

mixing rate = of water body درجهٔ آمیختگی آب یک آبگیر، سرعت مخلوط شدن توده‌های آب در یک تالاب معین بویژه ،در چرخه‌های دوره‌های فصلی

mizzen بادبان دوم واقع در پشت بادبان اصلی قایق، نام قایق دو بادبانه

MMA = monomethyl amine منومتیل آمین،

moat for fish خندق (گودال) ماهی

mobula سفره ماهی دو شاخ، خفاش ماهی

MODE = Mid - Ocean Dynamics Experiment مطالعه کوتاه مدت محدود هواشناسی اطلس شمالی توسط آمریکا و انگلستان در سال ۱۹۷۳

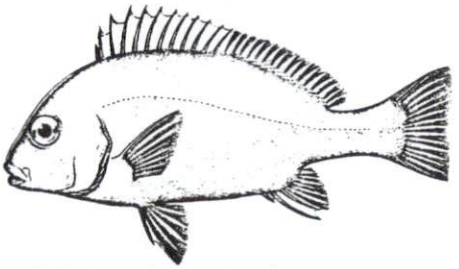
moderate sea دریای معتدل

modulation تعدیل، تعدیل صدا

Moho = Mohorovicic discontinuation ناحیهٔ تغییر ناگهانی زمین در اثر تغییر ترکیب سنگهای پوسته و سنگهای ترکیبی آن ناحیه، ناپیوستگی موهو

Mohole = Mohorovicic hole

موریس و کومور، و از خلیج عدن به طرف هند و سری لانکا، و نیز به طرف شرق تا شمال استرالیا و فیلیپین وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی نزدیک آبسنگها می‌باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ قلاب دستی و نیزه انجام می‌شود.



ماهی سکن (چابهار)، سنگسر خاکستری، قهوه‌ای، نیم، دختر ناخدا

Plectorhinchus schotaf

Miocene, epoch دورهٔ میوسن، دورهٔ سوم از عصر سنوزوئیک که ۱۰ میلیون سال طول کشید. آب و هوای ملایم و فعالیتهای آتشفشانی از ویژگیهای این دوره بود. شکمپایان تنوع بیشتری در این زمان یافتند.

mirror carp کپور آینه‌ای با نام علمی *Cyprinus carpio* از خانوادهٔ Cyprinidae. نژادی از کپور که پولکهای محدودی با اندازهٔ متفاوت، سطح بدن آن را می‌پوشاند. عموماً یک ردیف پولک بلند روی پشت آن وجود دارد.

Mississippi River رودخانهٔ می سی سی پی در ایالات متحده آمریکا به طول ۴۱۲۰ کیلومتر که بزرگترین شبکه رودخانه‌ای آمریکای شمالی است.

missle destroyer ناوشکن ضد موشک

mite = fish mite

mited , to be آلودگی به کرم ماهی

Mittel Meer دریای تتیس، که در دوران دوم وجود داشته و دریاهای خزر و مدیترانه از بقایای آن هستند، دریای مدیترانه

mixed culture کشت مخلوط، کشت توأم پرورش ماهی درسنین و اندازه‌های مختلف یا گونه‌های مختلف در یک آبگیر

طرح پژوهشی ناتمام برای سوراخ کردن پوستهٔ زمین

moisture content میزان آب موجود، درصد رطوبت

mojama نوارهای تون خشک شور

mojaras, silver-biddies = Gerreidae خانوادهٔ بت ماهیان، خانواده خفاش ماهیان

molar دندان آسیا

mole موج شکن، سد، آب بندر، اسکله موج شکن جزیرهٔ مرجانی مجاور ساحل

mollusk = mollusc نرم تن، هر یک از اعضای شاخهٔ نرم تنان؛ شامل دو کفه‌ایها، شکم‌پایان، سرپایان، ناوپایان و کیتونها

mollusks = molluscs = Mollusca نرم تنان

Monera سلسلهٔ باکتریها، سیانوباکتریها، پروکاریوتها

monk وسیلهٔ کنترل خروج آب یک حوضچه پرورش، دریچهٔ خروج آب حوضچه، خروجی آب استخر

monoculture کشت تک گونه‌ای، پرورش تنها یک گونه آبزی در یک زمان

monolithic سازه یکپارچه ساحلی، یکپارچه‌ای

monomethyl amine = MMA منومتیل آمین، یکی از انواع آمینهای ردیف پایین که به میزان کم در ماهی در حال فاسد شدن بوجود می‌آید.

monomictic lake دریاچه با یک گردش آبی، دریاچه بایک گردش آب سالانه

monoplacophora نرم تنان تک کفه

monosex hybrid هیبریدهای حاصله از یک آمیزش که صد در صد از یک جنس نر یا ماده هستند.

monosex tilapia hybrids دورگه‌های تک جنسی تیلاپیا

monospondy lous دارای یک مهره در هر قسمت بدن

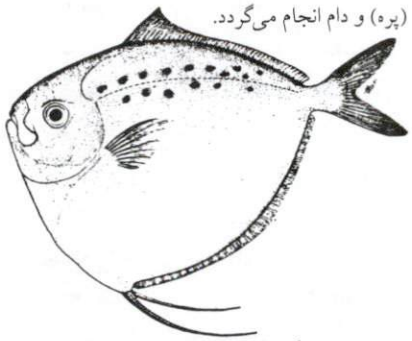
monotypic تک گونه، واجد تنها یک گونه

monsoon بادهای موسمی

montmorillonite هر یک از انواع خاک رس با فرمول عمومی $Al_2 Si_{14} O_{10}(OH)_2$ که با جذب آب به شدت متورم می‌شوند.

moon ماه، قمر زمین که قطر آن ۳۴۷۶ کیلومتر و به فاصلهٔ ۳۸۴۰۰۰ کیلومتر از زمین است. نیروی جاذبهٔ ماه باعث تشکیل جزر و مد می‌گردد.

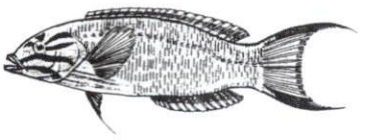
moon fish ماه ماهی، آدینوک (چابهار) گونه‌ای از خانواده Menidae با نام علمی *Mene maculata* که طول آن ۱۸ تا ۲۴ سانتی‌متر است. از بی‌مهرگان کوچک تغذیه می‌کند. در فلات قاره‌ها و در اطراف جزایر منطقهٔ اقیانوس هند غربی، در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب آرام مرکزی وجود دارد. ساکن آبهای عمیق تر ساحلی، بویژه در اطراف آبسنگهای مرجانی است و گاهی اوقات داخل خورها می‌گردد. این ماهی بطور انفرادی نزدیک کف دریا زندگی می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بیشتر بوسیلهٔ تورهای کششی، انواع گوناگون وسایل صید سنتی، بخصوص تور ساحلی احاطه‌ای (پره) و دام انجام می‌گردد.



ماهی آدینوک (چابهار) *Mene maculata*

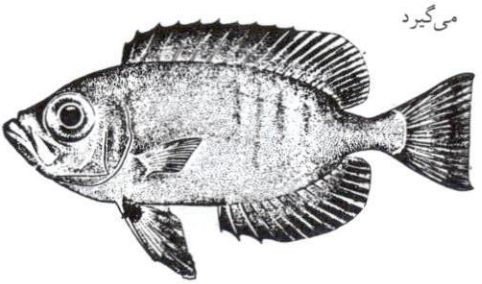
moon wrasse زمرد ماهی، گونه‌ای از خانواده بچه طوطی ماهیان، با نام علمی *Thalassoma lunare* که بیشترین طول آن ۳۰ سانتی‌متر است. از بی‌مهرگان کوچک کفزی و تخم ماهی تغذیه می‌کند. کم و بیش در سر تا سر منطقه اقیانوس هند غربی یافت می‌شود. در اطراف جزایر دور از ساحل زیاد معمول نیست ولی، در اقیانوس آرام مرکزی و غربی، و در شرق تاتوآمونوس

یافت می‌شود. ساکن مناطق آبسنگی مرجانی و صخره‌ای در اعماق یک تا ۲۰ متری است. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن با گرگور و نیزه بوسیلهٔ غواصان انجام می‌شود.



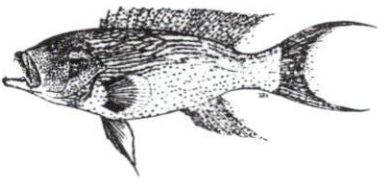
Thalassoma lunare زمردماهی

moontail bullseye ماهی گلبرگ، گونه‌ای ازخانوادهٔ Priacanthidae با نام علمی *Priacanthus hamrur* که طول آن ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر است. از ماهی‌های کوچک، سخت پوستان و دیگر بی‌مهرگان کوچک تغذیه می کند. در سراسر آبهای کم عمق وجود دارد. احتمالاً، در نزدیک بستر آبهای کم عمق (کمتر از ۲۵ متر) یعنی جایی که دارای بسترهای مرجانی و صخره‌ای باشد زندگی می‌کند. در آبهای ایران، در جنوب شرقی خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ قلاب دستی و تورگوشگیر انجام می‌گیرد



Priacanthus hamrur ماهی گلبرگ

moontail seabass ماهی ماه دم، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Variola louti* که در اقیانوس هند غربی تا شمال دوربان (آفریقای جنوبی) به انضمام دریای سرخ و به طرف غرب اقیانوس آرام (جنوب ژاپن تا آبسنگ عظیم سدی استرالیا) گسترش دارد. در خلیج فارس وجود ندارد. گونهٔ معمولی آبسنگهای مرجانی است. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط قلاب و ریسمان، دام و تورگوشگیر در آبسنگهای مرجانی در اعماق ۵ تا ۱۰۰ متری انجام می‌شود.



Variola louti ماهی ماه‌دم

moor لنگر انداختن

moorage حق لنگر انداختن، محل لنگراندازی کشتی

mooring بستن کشتی به لنگرگاه یا لنگر انداختن، محل مهار کشتی

mooring anchor لنگر بویه

morain رسوبات یخچالی

morainal lakes دریاچه‌های سدی، دریاچه‌های حاصل از مسدود شدن دره‌ها در اثر عمل جابجایی یخچالهای طبیعی

moray eel مار ماهی بزرگ، مار ماهی سمی

moribund علامت مشخص کنندهٔ نزدیک بودن مرگ آبزیان، لحظهٔ قبل از مرگ

***Morone saxatilis* = striped bass** ماهی باس نواری

morphology ریخت شناسی، بررسی ساختمان و شکل فیزیکی موجود زنده، شکل شناسی، مورفولوژی

mortality مرگ و میر، تعداد مرده‌ها در واحد حجم یا سطح در یک زمان مشخص

mortality rate سرعت مرگ و میر، نرخ مرگ و میرطبیعی، سرعت مردن

mosasaur مارمولک آبی دورهٔ کرتاسه که طول آن تا ۹ متر می‌رسید.

mother ship کشتی مادر

motorboat قایق موتوری

motorship کشتی موتوری

mould کپک، قارچ، قارچهایی که تولید ریسه‌های منشعب کُرده و حالت پنبه مانند پیدا می‌کنند. بوسیلهٔ اسپور تولید مثل می‌نمایند. معمولاً روی ماهی دودی، خشک و شور ایجاد می‌گردد.

moult پوست اندازی، کنده شدن فصلی پوست یا کنده شدن پوست یاپوشش خارجی بدن، مانند افتادن اسکلت خارجی بندپایان. پوست‌اندازی بدلیل رشد داخلی و حجیم شدن بافتها و اعضاء درون اسکلت خارجی صورت می‌گیرد.

moulting = ecdysis پوست اندازی

moulting of crayfish پوست اندازی خرچنگ آب شیرین

mound موج شکن، سد بند

mousing قلاب طناب

moustached thryssa ماهی موتو سبیل دار، مینگ (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ آنشوا ماهیان یا موتو ماهیان با نام علمی *Thryssa mystax* که طول آن ۱۴ تا ۱۶ سانتی متر می‌باشد. در سواحل هندوستان، پاکستان، سریلانکا و خلیج فارس و در مناطق دیگر بطرف شرق تا اندونزی یافت می‌شود. این ماهی سطح‌زی بوده و در آبهای ساحلی به سر می‌برد. گاهی تا مصبها نیز پیش می‌آید. از آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. بوسیلهٔ تورهای احاطه‌ای قایقی، گوشگیر و کششی در آبهای کم عمق صید می‌شود.



موتو سبیل‌دار، مینگ (چابهار) *Thryssa mystax*

mouth دهانهٔ ریزش یک رودخانه، زه‌کشی یا واردکردن تور ماهیگیری در رودخانه، دهان

Mozambique Current جریان موزامبیک، بخشی از جریان حاشیه‌ای اقیانوس هند که بین آفریقا و ماداگاسکار جاری است.

MS - 222 ام اس ۲۲۲، اتیل - ام - امینونیترات متان سولفانات به فرمول (C_{10} H_{15} NO_5 S) که برای خواب کردن و بیهوش نمودن ماهی بکار می‌رود.

MSY = maximum sustainable yield متوسط حداکثر صید طی مدت زمانی معقول که می‌توان بطور مستمر از ذخایر معینی تحت شرایط زیست محیطی جاری برداشت نمود. حداکثر محصول قابل استحصال

muck مادهٔ آلی سیاه رنگ کاملاً تجزیه شده، زمین توربدار، مواد آلی مخلوط با بعضی از مواد معدنی که از بقایای گیاهی که قسمتی از آن تجزیه شده و در شرایط غیرهوازی و مرطوب تشکیل می‌شود.

mud لجن، گل، ذرات رسوبی کوچکتر از ۰/۰۶ میلی‌متر، گل و لای

mudding پاک کردن استخر، لجن زدایی استخر

muddy لجنی، مثل لجن یا پوشیده از گل و لای، دارای گل و لای فراوان

mud - fish انواع ماهیانی که در آب گل آلوده وجود دارند و یا در باتلاق نقب می‌زنند.

mud flat جلگهٔ گلی، زمین صاف پست ساحلی که به تدریج هم‌سطح ساحل می‌گردد. در این جلگه، علف لاک پشت (*Thalassia*) و علف مار ماهی (*Zostera*) و نیز خرچنگ حفار فراوان است.

mud line طناب گل، طناب پایین تور ماهیگیری که ویژهٔ صید در بسترهای گلی درست شده است. از طناب سنگین و سرب درست می‌شود.

mud - living زندگی کننده در لجن و گل و لای

***Mugil cephalus* = flathead grey mullet** ماهی کفال سر پهن

Mugil dussumieri ماهی بیاح (نمونه‌های بزرگتر)، گریز، مید (نمونه‌های کوچکتر)

Mugilidae = grey mullets
خانوادهٔ کفال ماهیان

mullet = *Mulloidichthys upeneus*
ماهی کوازرد (جنوب)، کفال (شمال)

mullet, golden grey = *Mugil cephalus*
ماهی کفال قهوه‌ای - طلایی

mullet, grey = *Mugil macrolepis*
ماهی کفال خاکستری

mullet, thicklipped grey = *Mugil labrosus*
ماهی کفال لب کلفت خاکستری

mullet , thinlipped grey ماهی کفال لب نازک
Mugil capito خاکستری با نام علمی

mullets = *Mugil sp.*, (*Liza sp.*) ماهی کفال

mullidea (goat fishes) خانوادهٔ بزماهیان

***Mulloidichthys auriflama* = slender goldband goat fish**
ماهی کوآزرد، بز ماهی نوار طلائی باریک

Mulloidichthys martinicus ماهی قباد زرد، بز ماهی زرد جام

Multiple Comparison Test
آزمایش چند گانهٔ مقایسه‌ای، بررسی چند نمونهٔ ناشناخته و مقایسهٔ آن با نمونهٔ شناخته شده و درجه دادن به آنها

multiserial چند ردیفی

multistylus چند فرمی

multivore چند نوع خواری

Muraenesox cinereus مارماهی دریایی

Murex یک جنس از شکمپایان دریایی که در آبهای سواحل سنگی کم عمق زندگی می‌نماید. از خانوادهٔ موریسیده

Murray, John (1841-1914) جان موری، اقیانوس‌شناس اسکاتلندی الاصل کانادایی که شعاعیان، دیاتومه‌ها و پرپایان را از سطح اقیانوس جداسازی و شناسایی کرد. وی منشأ غیراقیانوسی بودن رس قرمز، و سرعت ته نشینی خیلی کند آن را ثابت کرد. او وجود خشکی در زیر قطب جنوب را عنوان کرد. کتب زیادی از وی به جای مانده است .

murrels = *Ophiocephalus* مارماهیان دریایی ماهیان سرماری

mussel culture = breeding of mussels
پرورش صدف دو کفه‌ای ماسل

mussels = Mytilidae ماسل، نرم تن دوکفه‌ای از خانوادهٔ Mytilidae. این صدفها خوارکی بوده و در بسیاری از نقاط دنیا قابل پرورش می‌باشند.

mustard herring محصول تهیه شده به صورت «شگ ماهی بیسمارک» که به جای سرکه شیرین شده، در سس خردل قرار داده می‌شود.

muster roll لیست کارکنان کشتی

mutagenic جهش زا، قادر به ایجاد موتاسیون ژنتیکی

mutiny شورش در کشتی

mutualism همیاری، تعاون، همدستی

***Myliobatis* sp.** ماهیهای رامک

Mylio berda ماهی سیم دریایی

Mylio bifasciatus ماهی سیم دریایی لکه دار، سیم دریائی گر

Mylio cuvieri ماهی سیم دریایی نقره‌ای

Mylio latus ماهی سیم دریایی زرد باله

Myripristis parvidens ماهی بشنگ

myocomma میوکوما، لایه‌ای از بافت پیوندی که بین دو تکه گوشت ماهی که مجاور هم هستند، قرار دارد.

myofibril میوفیبریل، فیبر کوچک منقبض شونده در ساختمان عضلهٔ ماهی

myofibrillar protein پروتئین موجود در فیبر عضله

myoglobin میوگلوبین،

myotom میوتوم، تارگوشت، رشتهٔ گوشت

Mysiidacea میگوسانان، راستهٔ سخت پوستان کوچک میگو مانند

mysis stage سومین مرحله رشد و نمو نوزادی در سخت پوستان، مایسیس، موش مانند

myxopterygium عضو جنسی ماهی

Myzostomaria کرمهای حلقوی مسطح انگل خارپوستان

مـادهٔ رنگـی صـورتی غـیرپایدار در گـوشت مـاهی، بخصوص در گوشت تیره که هنگام ذخیره کردن، اکسیده شده و بـه مـادهٔ تـیره و قـهوه‌ای رنگ مت مـیوگلوبین (metmyoglobin)تبدیل می‌شود.

myosin میوزین، یکی از عمده‌ترین پروتئینهای سازندهٔ گوشت ماهی، قابل حل در آب نمک. این ماده بـه سـرعت بـا اکـتین (actin) تـرکیب شـده و تـولید اکتومیوزین (actomyosin) می‌کند.

N

ظرفی که توسط نانسن و پترسون برای نمونه‌برداری از آبهای عمیق طراحی شد. این ظرف حلقه‌های عایق شدهٔ متعدد هم مرکز دارد و دماسنجی نیز در آن تعبیه شده است. دهانهٔ ظرف در عمق خاص باز و پس از پر شدن بسته می‌شود و دمای آب عمق همزمان با نمونه‌برداری ثبت می‌گردد.

nape بخش پشتی از سر تا بالهٔ پشتی یا قسمت عمودی پایهٔ بالهٔ سینه‌ای، سطح گوشت ماهی که در مجاورت سرپوشهای آبششی است.

napes بالوشها، دیوارهٔ شکم ماهی که هنگام بریدن گلو و باز کردن شکم بصورت بال یا بالهٔ پهن نمودار می‌شود.

naris [nares جمع] سوراخ بینی

narrow تنگه، بغاز، زمین باریک در کنار ساحل، آبی که بین دو جزیره واقع شده است.

narrow-barred Spanish mackerel ماهی شیر، گور (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ شیر ماهیان با نام علمی *Scomberomorus commerson* که طول آن ۹۰ تا ۲۲۰ سانتیمتر است. از گلهٔ ماهیان کوچک

N حرف بین‌المللی روی پرچم به نشانهٔ «خیر» حرف نفی

nacre نقیر، لایه مرواریدی، لایه‌ای که در صدف مرواریدساز روی اشیاء خارجی (از جمله هسته در پرورش مصنوعی مروارید) را می‌پوشاند. داخلی‌ترین لایه در صدف دوکفه‌ایهای مرواریدساز.

NAD نیکوتین آمید ـ آدنین ـ نوکلئوتید، مادهٔ طبیعی موجود در عضلهٔ ماهی که همراه ATP هنگام اتولیز ماهی شکسته شده و باعث ایجاد رنگ قهوه‌ای در گوشت می‌شود.

name of ship نام کشتی، چنانچه تغییر یابد، ثبت لویدز و سایر شرکتهای کشتی‌رانی، کلیهٔ نامهای سابق را نیز به مشخصات آن اضافه می‌کنند.

name pla سُس ماهی تخمیر شده

nanoplankton ریز پلانکتون، نانوپلانکتون، پلانکتون گیاهی ریز، پلانکتونهای به قطر ۵ تا ۶۰ میکرون

Nansen bottle بطری نانسن، شیشهٔ نانسن،

مانند، ساردین و متو، تغذیه می‌کند. در سراسر قسمتهای گرم اقیانوس هند غربی، از خلیج آلگوآ و خلیج موسل بطرف شمال در طول سواحل آفریقای شرقی تا ماداگاسکار، موریس و الجبرا، بطرف دریای سرخ و خلیج فارس، پاکستان و سواحل غربی هندوستان و سریلانکا، بطرف شمال تا فیلیپین و ژاپن و بطرف جنوب تا کالدونیای جدید، و ساحل جنوبی استرالیا و نیز در دریای مدیترانه یافت می‌شود. گونه‌ای سطحزی است که ساکن آبهای ساحلی در اعماق بین ۱۵ تا ۲۰۰ متری می‌باشد و در گروه‌های کوچک یافت می‌شود. در آبهای ایران، از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر شناور، دام نرده‌ای خیزرانی، تور کششی میان آبی و قلاب انجام می‌گیرد.



Scomberomorus commerson ماهی شیر، گور (چابهار)

narrowly bay خلیج کوچک و باریک

narwhal = narwhale = narval

وال قطبی، پورپوز قطب شمال با نام علمی *Monodon monoceros*



Monodon monoceros وال قطبی

nasal بویایی، وابسته به بینی

nasalin بویایی

natant جانور شناور یا متحرک در آب، جانوران دارای توان شنا کردن، شناگر

Natantia سخت‌پوستانی که جهت حرکت کردن شنا می‌کنند.

natation فن شنا، شناوری، شناگری

natatorial وابسته به شنا، شناوری

natatorium استخر شنا، شناگاه

national waters = internal waters

native species گونه‌های بومی

natural breeding زاد و ولد طبیعی

natural environment محیط زیست طبیعی

natural feed تغذیه طبیعی

natural feeding تغذیه طبیعی، تغذیه از غذاهای طبیعی موجود در آب

natural fertilizer کود طبیعی، کودی که در آن عناصر اصلی و فعال، مشکلات شیمیایی برای موجودات زنده بوجود نمی‌آورد.

natural food غذای طبیعی، همه موجودات خوراکی که بطور طبیعی در آب وجود دارند و ماهیان از آنها تغذیه می‌کنند.

natural growth increment مقدار افزایش رشد طبیعی، بخشی از رشد ماهی که ناشی از تغذیهٔ طبیعی در استخر پرورش ماهی است.

natural mortality مرگ و میر طبیعی، از دست رفتن تعدادی از رده‌های سالانهٔ ماهی در یک گروه سنی و گروه بعد از آن در اثر مرگ طبیعی، مرگ و میر در اثر هر عاملی، به جز صید توسط انسان، که شامل پیری، بیماریهای همه‌گیر، آلودگی محیط، خورده شدن توسط سایر آبزیان و غیره می‌شود.

natural pond استخر طبیعی

natural reproduction تولید مثل طبیعی، زادآوری طبیعی بدون دخالت انسان

natural stocking rate شدت، درجه، یا مقدار ذخایری که هر ساله بطور طبیعی به یک منبع یا مخزن آب اضافه می‌شود.

Naucoroidae خانوادهٔ حشره‌های آبی خزنده

nauplius ناپلیوس، اولین مرحله از مراحل لاروی سخت‌پوستان

nautical دریایی، ملوانی، وابسته به دریا

nautical almanac زیج دریایی

nautical chart نقشه دریایی

nautical hydrography آب نگاری دریایی، نقشه‌برداری دریایی (برای آب)

nautical mile (nm) مایل دریایی، میل دریایی، هر مایل دریایی برابر با طول قوس یک دقیقه عرض جغرافیایی یا ۱۸۵۲ متر (اندازه پذیرفته شده در آمریکا) می‌باشد.

nautical slide ruler خط کش محاسبه دریایی

nautilicone صدف مارپیچی شکمپایان

Nautiloid از سرپایان دارای صدف مارپیچی

Nautiloidea سرپایان دارای صدف مارپیچی

Nautilus نرم تن از ردهٔ سرپایان نواحی گرمسیری اقیانوس هند و آرام، ناتیلوس

Nautilus ناتیلوس، نام چند کشتی مشهور زیر دریایی اتمی و غیر اتمی

Nautilus pompilius گونه‌ای از سرپایان که دارای صدف مارپیچی است.

naval دریایی، وابسته به کشتی، وابسته به نیروی دریایی

naval aviation هوا دریا، هوانوردی دریایی

naval conscript ناوی وظیفه

naval forces نیروی دریایی

naval vessel ناو

navicular زورقی شکل، زورقی، استخوان ناوی

navigability قابلیت کشتیرانی

navigable قابل کشتیرانی

navigable water آب قابل کشتیرانی، دریا، اقیانوس، رود یا آبی که قابل استفادهٔ کشتیها و قایقهاست

navigate , to کشتیرانی کردن، دریانوردی کردن، هدایت کشتی یا هواپیما، ناوبری کردن

navigation کشتیرانی، دریانوردی، ملاحی، ناوبری

navigator کشتیران، دریانورد، ناوبر، افسر متصدی کشتی

navy سرباز نیروی دریایی، درجه دار نیروی دریایی

Nazca Plate صفحهٔ پوسته‌ای نازکا در اقیانوس آرام

Nazca Ridge پشتهٔ نازکا، ناحیهٔ زلزله‌خیز عمود بر سواحل آمریکای جنوبی

neap range دامنهٔ مد ضعیف،

neap tide کهکشند، جزر و مد خفیف، جزر و مد حداقل که در تربیع اول و سوم هر ماه پیش می‌آید. در این مواقع، نیروی جاذبهٔ ماه و خورشید که عامل جزر و مد است، در خلاف جهت یکدیگر تأثیر می‌کنند.

nearshore منطقه‌ای نزدیک به ساحل، ناحیهٔ بین خط ساحلی و خط شکست امواج

nearshore circulation گردش جریانهای نزدیک ساحل

nearshore current جریان نزدیک ساحل

nearshore current system رشته جریانهای نزدیک ساحل

nebula سحابی

necton = nekton مراجعه شود به nekton

nectoplanktonic = pelagic شناگران آزاد

needle scaled queenfish ماهی گیش لکه‌دار، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Scomberoides tol* که بزرگترین نمونهٔ آن ۴۷ سانتیمتر بوده است. از ماهیان تغذیه می‌کند. بیشتر در آبهای اقیانوس هند و اقیانوس آرام غربی، از ژاپن بطرف استرالیا و بطرف شرق تا فیجی دیده می‌شود. معمولاً بصورت گله‌های کوچک سطحی در آبهای ساحلی زندگی می‌نماید. بیشترین صید آن در عمق ۱۵ تا ۱۸

متری بدست می‌آید. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای شناور، گوشگیر، احاطه‌ای و قلاب و طناب انجام می‌گردد.



Scomberoides tol ماهی گیش لکه دار

negative estuary خور منفی،
ناحیه آب لب شور منفی

negative shoreline خط ساحلی منفی،
خط ساحلی که در اثر پیشروی خشکی یا پسروی دریا ایجاد می‌شود.

nektobenthos کف زیان شناگر در بالای بستر،
کفزیان شناگر، کفزیانی که در سطح رسوبات هستند.

Nekton = necton نکتون،
جانوران متحرک آبزی که دارای توانایی حرکت فعال در مسیر عکس جریان آب (به رغم وجود جریانها و امواج) هستند.

nektoplankton مرحله پلانکتونی انواع نکتونها

Nelumbonaceae خانوادهٔ گیاهان گلدار علفی آبی

***Nematalosa nasus* = blochs gizzard - shad**
ماهی گواف

nematocyst نماتوسیست،
یاختهٔ نیش زن مرجانهایی مانند، شقایق دریایی یا عروس دریایی

Nematoda نماتودها، شاخهٔ کرمهای لوله‌ای، کرمهای رشته‌ای

nematode کرم لوله‌ای، کرم رشته‌ای

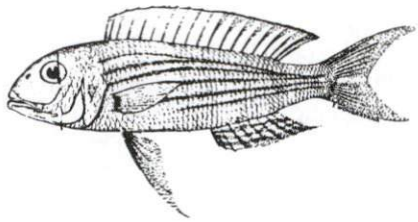
Nematophora نماتوفورها،
گروهی کرم از خویشاوندان نماتودها که انگل میگو و خرچنگ و سایر بندپایان می‌شوند. نخ ریختیان، نخ‌سانان

Nemertea جنسی از کرمهای روبانی

Nemertina = Nemertinea = Nemertini
کرمهای روبانی، روبانیان

Nemipteridae = threadfin breams
خانواده سلطان ابراهیم ماهیان، دم ریش ماهیان، سیم ماهیان باله نخی،

***Nemipterus bleekeri* = Delagoa**
یک گونه ماهی دم ریش (سلطان ابراهیم)



Nemipterus bleekeri نوعی دم ریش ماهی

***Nemipterus japonicus* =**
Japanese threadfin bream ماهی گوازیم،
قبازندو، ریشو، دم ریش خالدار

***Nemipterus tolu* = Notched threadfin**
bream ماهی گوازیم، دم ریش،
ماهی سیم نخ باله شکری

Nephropidae خانواده خرچنگهای واقعی

Nephropidea نفروپیدیا،
راستهٔ خرچنگهای واقعی

Nepidae خانوادهٔ عقرب آبی (حشره)

neptune دریای وسیع، اقیانوس

Nereidae خانواده‌ای از کرمهای حلقوی انگل کرمها و زئوپلانکتونها

Neritacea جنسی از شکمپایان نرم‌تن از راستهٔ آسپیدوبرانشیا

neritic ساحلی، آبهای کم عمق فلات قاره
مربوط به ساحل یا آبهای کم عمق

neritic zone ناحیهٔ ساحلی یا پایانی

Neritidae خانوادهٔ شکمپایان آبزی یا

خشکی زی از راستهٔ آرکئوگاستروپودا

Nernst's law قانون نرنست،
طبق این قانون حلالیت یک نمک با وجود نمک دیگری که یون مشابه در محلول داشته باشد، کاهش می‌یابد.

net ۱) تور، تور ماهیگیری، دام ۲) خالص

net, to صید با تور، بافتن تور، به دام افکندن، با تور گرفتن

net capacity ظرفیت خالص، گنجایش خالص

net-day کاربرد روزانه تور یا صید روزانهٔ
یک تور ماهیگیری، بویژه وقتی که بعنوان معیار شدت ماهیگیری، به کار می‌رود.

net depth عمق تور، عرض تور
علائم مشخص یک تور کامل که فاصله از رأس تا طناب زیرین را برحسب تعداد سوراخها نشان می‌دهد.

net - fishing صید ماهی با دام گوشگیر، صید ماهی با استفاده از تور ماهیگیری

net haul کشیدن تور ماهیگیری،
مراجعه شود به (haul)

net hauler دوار کشنده تور

net laying ship کشتی تورگذار

net making ساخت تور، تورسازی، توربافی

net mending تعمیر و ترمیم تور ماهیگیری که بطور معمول با دست انجام می‌شود.

net needle سوزن تور بافی

net photosynthesis تولید خالص فتوسنتز

net plankton موجودات شناوری که اندازه‌شان در حدی است که می‌توان آنها را با تور صید کرد.

net preservation نگهداری تور، حفاظت تور،
پدیده‌های مختلفی که به محافظت تور از آسیبها یا تأثیرات محیط اطراف کمک می‌کند.

net primary production تولید اولیه خالص،
افزایش اولیه تولید با تصحیح تنفس

net production تولید خالص

net protein utilization = NPU
شاخص ارزش غذایی پروتئین، بخصوص در مواد غذایی دامی حاصله از ماهی، مانند، آرد ماهی که از طریق افزایش نسبی وزن در جانوران پرورشی و مقایسه با سایر مواد غذایی برآورد می‌گردد.

net registered tonnage = N.R.T.
ظرفیت خالص ثبت شده پس از کسر ارقام ظرفیت ناخالصی مانند، موتور و فضای موتورخانه، بر مبنای ۱۰۰ فوت مکعب در هر تُن فضای بسته محاسبه می‌شود.

net repair تعمیر تور

net room اتاقک ویژه‌ای که برای هر نوع کار با تور، برای مثال تعمیر، نگهداری و غیره بکار می‌رود.

net sounder ردیاب تور، نت ساندر

net tanks حوضچه‌های توری، تانکهای توری

netting ۱) تور، تور بافی
۲) ماهیگیری با تور،
تورگذاری برای ماهی، ساختن تور، تور ماهیگیری

netting twine کشیدن تور دو قلو،
طنابی که برای ساختن تور ماهیگیری بکار می‌رود.

neural عصبی

neuston سطحزیان، سطحزی،
موجوداتی که خود را به سطح تماس هوا با آب می‌چسبانند و در آب حرکت می‌کنند. جمعیتهایی از موجودات که در لایهٔ سطحی آب زندگی می‌کنند.

neutral خنثی، دارای پی اچ ۷

Newcastle kipper ماهی کیپرنیوکاسل،
منشاء نام کیپر (Kipper)

New Hebrides Basin بستر نیوهیبرید،
بخشی از دریای کورال (مرجانی) در شرق استرالیا با آتشفشانهای جوان فعال

New Hebrides Trench ترانشه نیوهیبرید،
نقطه تماس بین صفحه‌های پوسته‌ای آرام و استرالیا که دریای کورال در آن قرار دارد. عمیق‌ترین نقطه آن ۷۶۶۱ متر است.

ngam-pya-ye مایعی که از خمیر ماهی تخمیر شده در مراحل نهایی که جهت فروش بسته‌بندی

می‌شود، از آن چکیده می‌شود.

nga-pi «خمیر ماهی تخمیر شده»، معمولاً پس از نام ماهی که محصول از آن تهیه شده بکار می‌رود.

niacin نیاسین، اسید نیکوتینیک

nibble عمل جویدن و گاز گرفتن طعمه بوسیله ماهی

niche کُنج، کُنام، محدوده زیستی و عملکرد گونه در اکوسیستم. مقام محیطی، نقش مشخص و منحصر به فردی که افراد یک گونه در یک اکوسیستم، شامل زیستگاه، تغذیه و سایر رفتارها دارند.

niches, ecological آشیانه اکولوژیک، کنجها یا مکانهای بوم‌شناسی

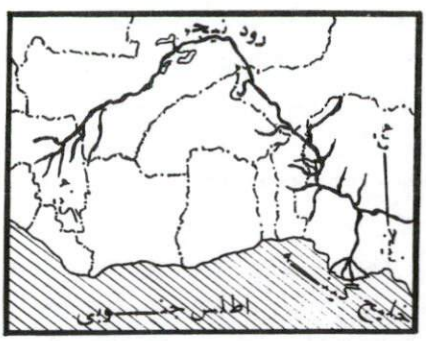
nick برخورد دو موج

nickel = Ni نیکل، عنصر فلزی سفید رنگ که غلظت محلول آن در آب دریا ۰/۰۰۲ میلی‌گرم در لیتر است.

nicotinic acid اسید نیکوتینیک، نیاسین، از انواع ویتامین B که در آب محلول است، به مقدار کم در گوشت ماهی موجود است.

nictitating membrane = nictitans پلک داخلی قابل حرکت کوسه‌ها

Niger River رودخانهٔ نیجریه که پس از طی ۴۲۰۰ کیلومتر به خلیج گینه در اقیانوس اطلس جنوبی می‌ریزد.

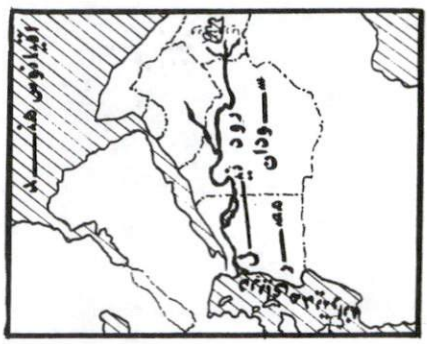


رودخانه نیجریه

night boat قایق آماده

night effect اثر شبانه، (پارازیتهای رادیویی از یک ساعت قبل و بعد از غروب خورشید)

Nile River رودخانهٔ نیل، که با ۶۶۵۰ کیلومتر طول، طویل‌ترین رود جهان است. از دریاچهٔ ویکتوریا در شرق اوگاندا سرچشمه گرفته و به دریای مدیترانه می‌ریزد.



رودخانه نیل

nip برش حاصل، برش ایجاد شده در خط ساحلی (توسط امواج)

nisin نیسین، نوعی آنتی بیوتیک که گاهی بعنوان مادهٔ نگهدارنده در کنسرو ماهی بکار می‌رود.

nitrification نیتریفیکاسیون، نیتراته شدن، شوره‌گذاری، اکسیده شدن موجود در آمونیاک حاصله از موجودات زنده و تبدیل نیتریت‌ها به نیترات

nitrite نیتریت، نوعی مادهٔ نگهدارنده که به مقدار کم و بیشتر همراه با فرمالین برای تبدیل ماهیان صنعتی به آرد ماهی بکار می‌رود.

nitrofurazone نیتروفورازون، مادهٔ شیمیایی که در گذشته بعنوان نگهدارنده در بعضی از کشورها از جمله، ژاپن، برای افزایش عمر نگهداری سوسیس و همبرگر ماهی بکار می‌رفت.

nitrogen=N نیتروژن، ازت، عنصر گازی بی رنگ و بی بو که حدود ۷۸ درصد ترکیب جّو را تشکیل می‌دهد. این عنصر به صورت یونهای نیتریت، نیترات و آمونیوم وجود دارد.

nitrogen content نیتروژن موجود در ماهی، میزان نیتروژن موجود در گوشت ماهی یا فرآورده‌های حاصل از آن که مبنای اندازه‌گیری پروتئین می‌باشد.

nitrogen cycle چرخهٔ نیتروژن، چرخهٔ طبیعی نیتروژن بین جّو و زمین

nitrogen fixation تبدیل و تثبیت نیتروژن جّو (N_2) به صورت نیتروژن قابل استفاده گیاهان و باکتریها (یون نیتریت یا نیترات)

nitrogen narcosis تخدیر نیتروژنی، حالتی که در اعماق دریا در اثر افزایش غلظت نیتروژن در خون غواصان بوجود می‌آید. در این حالت، غواص قدرت تفکر و تصمیم‌گیری درست را از دست می‌دهد.

nitrogen oxidation اکسیداسیون نیتروژن، فعل و انفعالی که در آن برخی از باکتریها می‌توانند ازت هوا راگرفته و در آب یا خاک تثبیت کنند.

nitrogenous bases ترکیبات قلیایی وابسته به آمونیاک، برخی از این ترکیبات بوی ماهی را ایجاد می‌کنند و بعضی باعث ایجاد بو در ماهی گندیده می‌شوند. بازهای نیتروژنی

NOAA = National Oceanic and Atmospheric Administration نُوآ، مرکز ملی جّوی و اقیانوسی آمریکا که شامل مراکز زیر می‌باشد:
مرکز ملی اقیانوسی، مرکز ملی هواشناسی، مرکز ملی شیلات دریایی، مرکز اطلاعات محیطی، مرکز ملی خدمات ماهواره‌ای محیطی، آزمایشگاههای تحقیقات محیطی، دفتر اعتبارات تحقیقات دریایی، دفتر مدیریت سواحل

Noah's Ark کشتی نوح

nobbed سر زده، انواع ماهیان ساردین، کیلکا و غیره که سر و امعاء و احشاء آنها برداشته شده است (معمولاً با یک برش). ماهیان سر زده شده

nobb, to جداکردن سر و روده‌هابدون شکافتن شکم

Noctiluca نوکتیلوکا، دینوفلاژلهٔ دریازی که در اثر تحریک، پرتو افشانی می‌کند. یکی از پلانکتونهایی است که در سطح وسیع پدیده کشند قرمز را ایجاد نماید.

nocturnal فعال در شب، شبانه، شب کار

nodal zone ناحیه تغییر جهت انتقال (امواج)

node گره، بخشی از موج ایستا که در آن حرکت عمودی، حداقل و سرعتهای افقی حداکثر هستند.

noise level سطح سر و صدا، میزان سر و صدا

noise limited محدود شده با سر و صدا

nominal catch صید اسمی

noise spectrum طیف سر و صدا

non - harvestable غیر قابل برداشت، ذخایر ماهی (یا بخشی از آن) که قابل دسترسی برای استفاده‌های تجارتی نیست.

non-living resources منابع غیر زنده

non-pelagic development توسعه آبزیان غیر پلاژیک

non-predatory fishes ماهیهای غیر شکارچی

non-renewable resources منابع غیر قابل تجدید شدن

non-selective feeding تغذیه غیر انتخابی، روشی از تغذیه که در آن هیچ انتخابی روی نوع غذا یا موجوداتی که بعنوان غذا به کار می‌روند، وجود ندارد.

non-spawner نازا، ماهی بالغی که تخمریزی نمی‌کند.

non-tidal current جریان غیر جزر و مدی، جریانی است که بر اثر عوامل دیگری غیر از جزر و مد

بوجود می‌آید، که ممکن است مربوط به سیستم اصلی جریانهای دائمی دریایی، و یا اثر عوامل اقلیمی، و یا جریان رودخانه‌ای باشد.

North American Basin بستر آمریکای شمالی

North American Plate صفحهٔ پوسته‌ای آمریکای شمالی، صفحهٔ بین پشتهٔ اطلس شمالی تا ساحل غربی (محل اتصال به صفحهٔ اقیانوس اطلس)

North Atlantic Current

جریان سطحی اطلس شمالی، از برخورد این جریان با جریان سرد قطبی، جبههٔ قطبی بوجود می‌آید که ناحیهٔ کم فشار همیشه مه‌آلود است.

North Atlantic Deep Water Current

جریان زیر آبی و عمیق اطلس شمالی، جریان آب سرد کم شوری که در شرق یا غرب گرینلند فرو می‌رود و سپس به طرف جنوب پخش می‌شود. شوری این جریان پس از ورود به آبهای مدیترانه به حد طبیعی دریا می‌رسد.

North Cape Current جریان دماغهٔ شمالی، بخشی از جریان اطلس شمالی که در نوک شمالی شبه جزیرهٔ اسکاندیناوی جریان می‌یابد و آب گرم را به دریای بارنتز وارد می‌کند.

northeasterlies بادهای شمال شرقی، نسیم‌های شمال شرقی

Northeast Passage گذرگاه آبی شمال شرقی، از اروپا به هندوستان و اروپا ـ آسیا

northern lights شفق شمالی، نور فجر شمالی

north kiln دودخانهٔ نورث، دودخانه‌ای جهت عمل‌آوری «هرینگ کیپر» و هاداک شور دودی

North Pacific Current

جریان اقیانوس آرام شمالی، جریان شرقی اقیانوس آرام در نیمکرهٔ شمالی، ادامهٔ جریان کوروشیو

North Pole = arctic قطب شمال

North Sea دریای شمال، دریای کم عمق بین انگلستان و اروپای شمالی



دریای شمال

North Star ستارهٔ قطب شمال، ستارهٔ راهنمای دریانوردان در نیمکرهٔ شمالی

northwesterlies بادهای شمال غربی، طوفانهای شمال غربی

Northwest Passage گذرگاه آبی شمال غربی از اروپا به آسیا

Norwegian cured herring

شگ ماهی عمل‌آوری شده سخت که از هرینگ تابستانه چاق و تازه که تا زمان خالی کردن روده‌ها، در دریا زنده نگه‌داشته می‌شود، تهیه می‌شود. بعضی مواقع جهت مراحل بعدی در دهلیزهای نگهداری، قرار داده می‌شود.

Norwegian Current جریان نروژی، ادامهٔ جریان اطلس شمالی تا جریان دماغهٔ شمالی

Norwegian Sea دریای نروژ، دریایی بین البارد تا جزایر فارو. مراجعه شود به Evolution of the Ocean

Norwegian silver herring

محصول شگ ماهی عمل‌آوری شده رقیق که در درجه حرارت معمولی، به خوبی قابل نگهداری است.

Norwegian Trench ترانشه نروژ، ترانشه زیر دریایی حاشیهٔ نروژ جنوبی که عمق آن ۲۵۰

تا ۶۰۰ متر است.

nose ۱) بینی، پوزه
۲) دماغه، خور، پیشرفتگی آب دریا در خشکی

nose-carp ماهی کپور پوزه‌ای، کپور پوزه‌ای

Notacanthidae خانوادهٔ ماهیان کفزی عمیق از راستهٔ نوتاکانتیفُرم

Notacanthiformes راسته ماهیان استخوانی بدون بالهٔ دمی و بدن کشیده

Nothosauria خزندگان دریایی از دورهٔ تریاس

notice to mariner آگهی دریایی

Notidanoidae خانوادهٔ کوسه‌های آرواره‌ای آزاد (کوسه‌های کمیاب)

notochord پشت مازه، طناب پشتی،
در مهره‌داران، پشت مازه توسط ستون نخاعی پس از مرحلهٔ گاسترولاسیون جایگزین می‌شود.

Notonectidae حشرات آبزی شناگر پشتی

Notostraca میگوهای کفچه‌ای

Nourishment مواد غذایی، مواد پرکننده ساحل، مواد لایروبی

NPU = Net Protein Utilization مصرف خالص پروتئین

nucal مراجعه شود به neap

nucleus هسته سلول

nuco - man سوس ماهی تخمیر شده

Nudibranch = sea slug شکمپای بی‌صدف دریایی، شکمپای گندرو برهنه دریایی

number of recents تعداد تازه واردها،
تعداد ماهی که در یک زمان مشخص به حوضچه قابل توسعه‌ای وارد می‌شوند.

Nummulites نومولیتها،
جنسی از فورامینی‌فرها (بیشتر گونه‌های فسیلی) با صدفهای عدسی شکل

nuptial colour رنگ عروس

nuptial dress پوشش جفتگیری ،
لباس عروسی ماهی، تغییر رنگ بدن در فصل تخمریزی

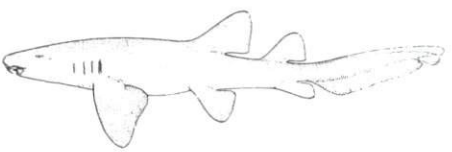
nuptial tubercles = pearl organs
دانه‌های مرواریدی، برجستگیهای زمان جفتگیری، نرینه، برجستگیهای نرینه‌ای، برجستگیهایی که روی سر جنس نر برخی از کپور ماهیان در فصل تخمریزی ظاهر می‌شود.

nursery نوازدگاه، پرورشگاه،
استخر یا مکانی برای پرورش اولیهٔ تخمهای ماهی، محل پرورش نوزادان

nursery ground نوزادگاهی، پرورشگاهی

nursery pond استخر نوزادگاه،
حوضچه پرورش ماهی در اولین سال از چرخهٔ تولید مثلی با مخازنی برای تخمریزی و یا دیگر تمهیدات پرورش ماهی، استخر نوزادگاهی

nurse shark کوسه پرستار،
از گونه‌های آن می‌توان *Ginglymostoma cirratum* در خلیج مکزیک و *Laemargus microcephalus* ، در قطب شمال و اقیانوس آرام را نام برد. این گونه به انسان هم حمله می‌کند.



Ginglymostoma cirratum کوسه پرستار

nut برآمدگی لنگر که طناب را به آن می‌بندند.

nutrient غذا، مواد مغذی،
مواد غذایی در آب دریا. اشاره به عناصری است که لازمهٔ رشد ریز موجودات و فیتوپلانکتونها در آب دریا می‌باشند. معمولاً شامل فسفاتها ، نیتراتها و سیلیکاتها بوده ولی گاهی وجود عناصر کمیاب آب دریا نظیر مس، منگنز، کبالت، آهن و غیره نیز در این اصطلاح مستتر است. هر ماده یا عنصری که در زنجیره غذایی مؤثر باشد.

nutrition تغذیه،
این واژه معمولاً پدیده‌های مختلف مربوط به حفظ کردن، بکار بردن و هضم کردن مواد غذایی را در برمی‌گیرد.

nutritional condition وضعیت تغذیه‌ای،
وضعیت تغذیه‌ای ماهی در هنگام صید که توأم با سایر عوامل مرتبط به آن، کیفیت ذاتی (intrinsic quality) گفته می‌شود.

nutritional requirements نیازهای غذایی،
مقدار و کیفیت مجموعه ترکیبات آلی و نمکهای معدنی در غذا، که برای رشد و نمو و تولید مثل مطلوب یک موجود لازم است.

nutritional value ارزش غذایی

nutritive fauna مجموعه جانوران غذایی یک اکوسیستم

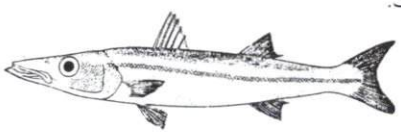
nutritive ratio ضریب غذایی

nutritive value ارزش غذایی،
مجموعه نیازهای غذایی مصرف کننده که به وسیلهٔ یک غذای مصرف شده تأمین می‌گردد و قابل اندازه‌گیری است. واژه‌های معادل energy value و nutritional value می‌باشد.

nyctoepipelagic مهاجران شبانه آبهای عمیق به آبهای زیر سطحی

O

روزانه هستند و بیشتر افراد کوچک گروهی می‌باشند. در آبهای ایران، از خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط رشته قلابهای کششی و گاهی بوسیلهٔ تور انجام می‌گردد. صید ورزشی آن مرسوم است.



ماهی کوتر معمولی *Sphyraena obtusata*

occipital پس سری، قسمت بالایی عقب سر

occipitalis وابسته به پس سر، وابسته به میان چیزی

occulting light چراغ ممتد

ocean اقیانوس، کمی بیشتر از ۷۰ درصد سطح کره زمین با آب اقیانوسها پوشیده شده است.

ocean-atmosphere interchange تبادل بین اقیانوس و جَو و روابط پیچیده‌ای که در سیستمهای ترکیبی آب - هوا اثر می‌گذارند.

ocean bank تپهٔ زیر دریایی در عمق ۲۰۰ متری

ocean basin بستر اقیانوس،

O پرچمی با رنگ قرمز و زرد و حرف O به نشانهٔ «افراد روی عرشه»

oars-down پارو پایین

oars-forward پارو به جلو

oarsman پاروزن، پاروزن مسابقات قایقرانی

objective هدف، تنها حقایق را در نظر گرفتن بدون دخالت نظرات شخصی

objective test آزمایش و بررسی حسی، بدون تحت تاثیر نظرات دیگران قرار گرفتن

obtrusive دماغه، خلیج، دریا شاخه

obtuse گرد، دایره‌ای

obtuse barracuda ماهی کوتر معمولی، گونه‌ای از خانوادهٔ کوتر ماهیان با نام علمی *Sphyraena obtusata* که بیشترین طول آن ۴۰ سانتیمتر و بطور معمول بین ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر است. از ماهیان تغذیه می‌کند. به احتمال، در سراسر اقیانوس هند غربی و در اقیانوس هند شرقی و آرام غربی در نزدیکی سطح آب و نیز درست در مجاورت بستر دریا (بویژه، افراد تکی بزرگ) وجود دارند. دارای فعالیت

نواحی بین قاره‌ای زیر اقیانوسها، بخشهایی از اقیانوس که نه جزو خشکی هستند و نه قسمتی از ساختارهای پشته‌های میان اقیانوسی

ocean circulation چرخش اقیانوسی

ocean currents جریانهای اقیانوسی

ocean floor بستر اقیانوس، کف اقیانوس، معادل oceanic crust، موادی که در زیر آبهای اقیانوسی قرار دارند، کف اقیانوس که دارای سه لایه می‌باشد :

۱) لایهٔ بالایی که تا عمق ۲ کیلومتری می‌رسد و بیشتر رسوبات دریایی است.

۲) لایهٔ میانی از جنس لاوا می‌باشد. این لایهٔ ۲/۵ کیلومتری به دو بخش لاوای بالشتی با حدود ۰/۵ کیلومتر ضخامت ، و لاوای صفحه‌ای تقسیم می‌شود.

۳) لایهٔ زیرین که حدود ۵ کیلومتر ضخامت دارد و از جنس سنگهای آذرین می‌باشد.

ocean going اقیانوس پیما، اقیانوس رو

Oceania اقیانوسیه، قاره اقیانوسیه

oceanic اقیانوسی، وابسته به اقیانوس

oceanic crust = ocean floor پوستهٔ اقیانوسی

oceanic ridge پشته اقیانوسی

oceanic islands جزایر اقیانوسی، جزایری که ازکف اقیانوس بوجود می‌آیند. بیشتر این جزایر منشأ آتشفشانی دارند.

oceanic rises کوههای اقیانوسی، برآمدگیهای اقیانوسی، این برآمدگیها نتیجهٔ فعالیتهای آتشفشانی و نیز فعالیت زیستی مرجانها می‌باشند.

oceanic zonation ناحیه بندی زیستی اقیانوس

oceanic zone ناحیهٔ اقیانوسی

oceanid پری دریایی

oceanite نوعی بازالت پیکریتی

oceanodromous ماهیان مهاجر به آب شور، ماهیان اقیانوس کوچ

oceanographic equipments ابزار و وسایل مطالعات اقیانوسی (اقیانوس نگاری)

انواع ابزار و وسایل مطالعات اقیانوسی

گرایش مطالعات	نوع مطالعه	وسیله
شیمی اقیانوسی	تجزیه آب	بطریهای ناتسن، دماسنج ترمیستور، اسپکتروفتومتر، پی اچ متر، کروماتوگراف
فیزیک اقیانوسی	ویژگیهای فیزیکی اقیانوس	نقشه‌های ماهواره‌ای، عمق یاب صوتی ، وسایل اندازه‌گیری زمینهٔ الکتریکی ، فشار زمین زیرآب ، سرعت جریانهای دریایی و طرز عمل امواج
زمین شناسی اقیانوسی	رسوبات، توپوگرافی، ذخایرغیرزیستی	نمونه‌برداری از رسوبات و لایه‌های مختلف
زیست‌شناسی اقیانوسی		انواع تورها و سایر وسایل صید ، امکانات آزمایشگاهی شناور یاثابت ، کشتی

oceanographic vessel کشتی تحقیقاتی دریایی، کشتی کاوش اقیانوسی

oceanography = marine science

اقیانوس نگاری، اقیانوس شناسی، علوم دریایی، اقیانوس شناسی به دو شاخهٔ اصلی غیر زیستی (مانند زمین شناسی، شیمی، فیزیک و آلودگی) و زیستی (مانند زیست شناسی، اکولوژی و شیلات) تقسیم می‌شود.

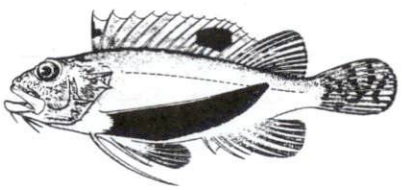
oceanology اقیانوس شناسی

ocean thermal energy نیروی گرمایی اقیانوس، نیروی حاصل از اختلاف دمای لایه‌های مختلف آب اقیانوس

ocean tide جزر و مدهای دوبار در روز اقیانوسی

Oceanus خدای دریاها (در یونان قدیم)

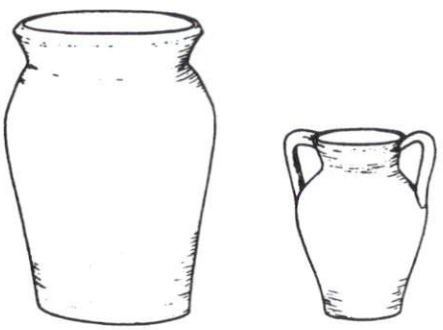
ocellated waspfish گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ عقرب ماهیان با نام علمی *Apistus carinatus* که طول آن ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر است. در اقیانوس هند غربی از ناتال، موزامبیک، دریای سیاه، خلیج فارس و سواحل غربی هند و در مناطق دیگر از سواحل شرقی هند، مجمع الجزایر مالایا، تایوان، چین، فیلیپین، ژاپن، استرالیای غربی و کوئینزلند وجود دارد. در بسترهای نرم فلات قاره و در آبهای نزدیک ساحل تا عمق حدود ۶۰ متری زندگی می‌کند. در آبهای ایران، در خلیج فارس دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی و گاهی توسط پره انجام می‌شود.



Apistus carinatus

ocellus [ocelli جمع **]** نقطهٔ چشم مانند

octapus pot تلهٔ صید هشت پا



تله صید هشت پا

Octopoda هشت پایان، راستهٔ هشت پایان از ردهٔ سرپایان

octopus هشت‌پا، اختاپوس، نرم‌تن هشت‌پا از ردهٔ سرپایان (سفالوپودها) که در آبهای سطحی یا عمقی شکارچی سخت‌پوستان است. این جانور ناشنوا است. خود را به رنگ محیط در می‌آورد و در صورت احساس خطر، مرکب سیاه رنگی را در محیط خود پخش می‌کند.



اختاپوس

ocular چشمی، وابسته به چشم

oculomotor حرکتی

Odontoceti راستهٔ نهنگهای دندان‌دار

odoriferous بودار

odorous بودار، دارای بوی خوب در مقابل malodorous به معنی دارای بوی بد

odour بو (خوب یا بد)

oesteron اِستِرون، هورمون جنسی ماهی ماده با فرمول شیمیایی $C_8H_{22}O_2$

off به سوی دریا، طرف دریا، دور از ساحل، از سمت دریا، موجی که در موقع مد حاصل شود و خود را به نواحی ساحلی قبلاً خشک برساند.

off-flavour (of fish) بوی غیرطبیعی ماهی، بوی نامأنوس و غیرطبیعی ماهی

officialrlog دفتر گزارشهای کشتی

offing نواحی عمیق مجاور ساحل، آب ساحلی

off lap پسروی آب دریا، جزر کامل، مواد نهشته حاصل از عقب نشینی دریا

off lying دور از ساحل

off odour بوی نامطبوع ناشی از گندیدگی

off set دیواره ساحلی، جریان موجی آب به هنگام جزر و مد، برخورد دو موج

off-shore = offshore دور از ساحل، فاصله دار از ساحل

offshore bar ساحل سدی یا مانع زیرآبی دور از ساحل

offshore beach باریکهٔ راه ماسه‌ای بین خشکی و یک جزیرهٔ سدی یا مانعی

offshore current جریان دور از ساحل، جریان آب ناحیهٔ دور از ساحل

offshore fisheries صید دور از ساحل، شیلات آبهای دور از ساحل

offshore waters آبهای دور از ساحل

offshore zone ناحیهٔ دور از ساحل، ناحیهٔ نسبتاً صاف از خط شکست ساحل تا لبهٔ پوستهٔ خشکی

offspring زاده‌ها، نسل، تولید یا نتیجه یک نوع موجود

offtake کانال، مکنده، خارج کننده، برون‌بر کانالی که با آن آب یا تخمهای ماهی و نظیر آن کشیده می‌شود.

OG نصب صحیح میل گاردان در ثبت لویدز

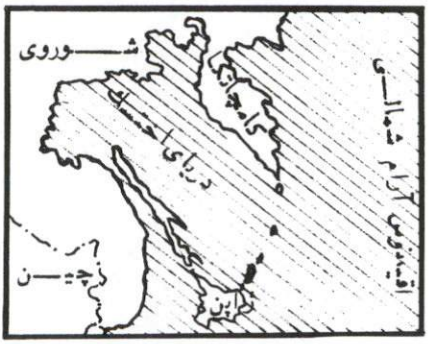
oil روغن

oil, marine محصولات چربی دریایی که از نهنگها و ماهیان مختلف بدست می‌آید و مصارف صنعتی، آرایشی، بهداشتی و درمانی دارند.

oil spill نشت نفت به دریا، واردکردن اتفاقی نفت به دریا، سر ریز نفت به دریا

oil sump مخزن روغن در موتور

Okhotsk Sea دریای اوخُتسک، بخشی از اقیانوس آرام در محدودهٔ جزایر کوریل و شبه جزیرهٔ کامچاتکا با بارندگی زیاد و جریان عمقی آب گرم. این ویژگیها باعث رشد بهینهٔ فیتوپلانکتونها و جلبکها می‌شود که منبع تغذیهٔ انواع ماهیان تجاری مانند ماهی آزاد، و سایر انواع آبزیان مانند فوک و خرچنگها، می‌شود.



دریای اوخُتسک

old airm مراجعه شود به out-off lake

old river bed بستر قدیمی رودخانه

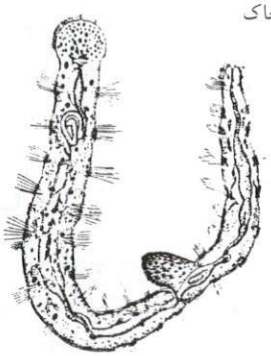
old salt نمک کهنه، نمکی که حداقل به مدت ۳ سال انبار شده باشد.

olfaction بویایی، حس بویایی، قوهٔ بویایی

olfactory وابسته به بویایی، دماغی

Oligocene دورهٔ اولیگوسن از دوران سوم زمین شناسی که ۳۸ تا ۴۰ میلیون سال پیش بود. حادثهٔ مهم این زمان، بالا روی کف دریای تتیس بود که منجر به پیدایش کوههای آلپ شد. فورامینی‌فرها موجودات غالب آن زمان بودند.

Oligochaeta کرمهای کم تار، کم تاران، اولیگوکیتها، دسته‌ای از کرمهای حلقوی آبهای شیرین، شور و خاک



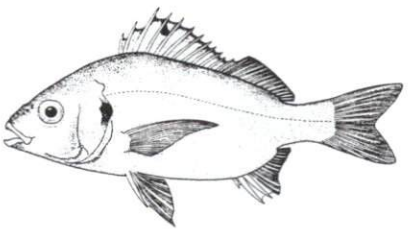
نوعی کرم کم‌تار از جنس *Aeolosoma*

oligohaline = stenohaline اولیگوهالین، موجودات اولیگوهالین موجودات دریایی هستند که قدرت تحمل حدود تغییرات شوری در آنها ناچیز است.

oligotrophic کم تولید، کم غذا، آبهایی که از نظر مواد غذایی فقیر هستند و موجودات زیادی را به نسبت حجمشان ایجاد نمی‌کنند. این آبها در مناطق پایین‌تر خود، اکسیژن فراوانی دارند. دریاچه‌هایی که ویژگی آنها، نسبت پایین حجم لایه اپی‌لیمنیون به لایه هیپولیمنیون، و سرعت پایین رسوبگذاری و تولیدات، آبهایی با غلظت پایین مواد غذایی می‌باشد.

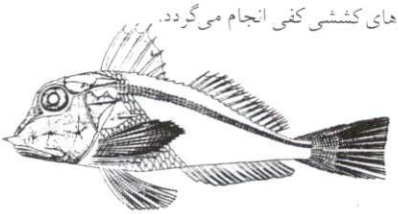
oligotrophy کم تولیدی، کم ساخته خواری، آبهایی با غلظت پایین مواد غذایی

olive grunt ماهی سنگسر زیتونی، گزی کوا (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسر ماهیان با نام علمی *Pomadasys olivaceum* که بیشترین طول آن ۳۱ سانتیمتر است. در اقیانوس هند غربی در طول ساحل شرقی آفریقا (شامل ماداگاسکار) و از خلیج عدن به طرف پاکستان، هند و سریلانکا وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی است. در آبهای ایران، از دریای عمان گزارش شده است. توسط تورهای کششی کفی، رشته قلابهای کفی، قلاب دستی، گوشگیر و دام صید می‌گردد.



Pomadasys olivaceum سنگسر زیتونی، گزی‌کوا (چابهار)

Oman gurnard Triglidae گونه‌ای از خانوادهٔ با نام علمی *Lepidotrigla omanensis* که بیشترین طول آن ۱۲/۵ سانتیمتر می‌باشد. در سواحل دریای عرب از دهانهٔ دریای سرخ تا جنوب هند وجود دارد ولی در خلیج فارس و دریای سرخ وجود ندارد. در اعماق بین ۵۶ تا ۲۲۰ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای کششی کفی انجام می‌گردد.



Lepidotrigla omanensis

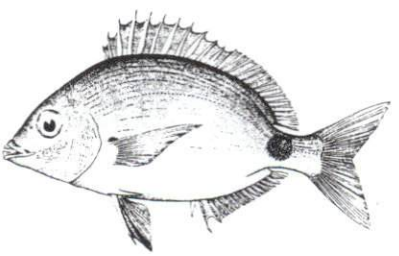
omnivore همه چیزخوار، جانوری که غذاهای گیاهی و جانوری را مصرف می‌کند.

omnivorous همه چیزخواری، تغذیه از گیاه و جانور

on board در کشتی، روی عرشهٔ کشتی

ondoyant sea دریای مواج

one spot seabream ماهی سیم تکخال، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ شانک ماهیان با نام علمی *Diplodus sargus kotschyi* که طول آن ۱۵ تا ۳۰ سانتیمتر است. از جلبکها و بی‌مهرگان کوچک تغذیه می‌کند. در خلیج فارس و شمال سواحل هندوستان یافت می‌شود. گونهٔ فراوانی است که بویژه در آبهای ساحلی آبسنگی کم عمق وجود دارد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ قلاب دستی و تورهای کششی انجام می‌گیرد.



Diplodus sargus kotschyi

one-year old fish ماهی یک ساله، مراجعه شود به yearling

onshore wave موج ساحلی

ontogeny تکوین، مبحث رشد شناسی

ooze رسوبهای نرم کف اقیانوس، لجن کف اقیانوسها (حاصل پوستهٔ موجودات زنده)، رسوبهای نرم بستر اقیانوسها، شلکا

oozing females ماهیان ماده در حال تخمریزی

opalescent شیری، نیمه روشن

opaque مات، تیره، غیر قابل دیدن چیزی ازپشت آن

open air dry, to خشک کردن ماهی در آفتاب و باد

open bay خلیج باز

open boat قایق باز، قایق روباز، قایق بدون عرشه

opening of river دهانه، مصب رودخانه

open lake دریاچهٔ باز، دریاچه‌ای دارای هر گونه خروجی آب

open pack یخهای شناور دور از هم که مانع کشتیرانی نمی‌شوند.

open pan salt اصطلاح عمومی برای نمک حاصل از ظروف تبخیر روباز

open sea دریای آزاد، آبهای خارج از دریای سرزمینی و آبهای داخلی یک کشور

open season فصل آزاد صید، فصل صید، فصلی که ماهیگیری در آن بدون هیچ مانعی قابل انجام است .

open shelter deck عرشهٔ روباز

open system سیستم باز، کشتاب ورزی در چرخه‌های آبی طبیعی که تا حدودی تحت کنترل پرورش دهنده است .

open water آب باز، بخش میانی یک آبگیر ، آب بدون یخ، قسمت آب آزاد بدون گیاه یا موانع زیر آبی سبزینه‌ای یا مصنوعی دریاچه

open waters آبهای آزاد، واژه‌ای قدیمی که برای اشاره به آبهای جاری و دریاچه‌های داخلی دارای معبر و آبراه بکار می‌رود، به استثنای حوضچه‌های پرورش ماهی

opercule سرپوش آبشش

opercular وابسته به سرپوش آبشش

opercular lobe زایدهٔ گوشتی سرپوش آبششی برخی از ماهیان

ophiopluteus لاروهای نوعی ستارهٔ دریایی

opholite اوفولیت، بخش بازالتی که منشأ دریایی قدیمی دارد.

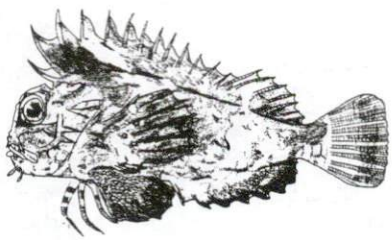
opportunistic species گونه‌های فرصت طلب، گونه‌هایی که غذا بصورت اتفاقی در اختیار آنها قرار می‌گیرد.

optic بینایی

optical lure طعمه نوری

optimum yield (OY) بیشترین تولید، در واقع کمیتی نامعین است که برخی از مدیران شیلات بکار می‌برند. محصول مطلوب یا بهینه

orange banded stingfish عقرب ماهی نوار نارنجی، گونه‌ای از خانوادهٔ عقرب ماهیان با نام‌علمی *Choridactylus multibarbus* که طول آن ۱۰ تا ۱۲ سانتیمتر است. در اقیانوس هند غربی در دریای سرخ، خلیج فارس، خلیج عمان و پاکستان و در ساحل شرقی هند، خلیج تایلند، چین و فیلیپین وجود دارد. در بسترهای گلی یا شنی در آبهای تا عمق ۵۰ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای کششی کفی انجام می‌گیرد.

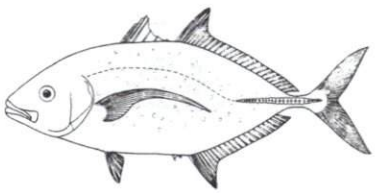


عقرب ماهی نوار نارنجی *Choridactylus multibarbus*

orange fin ponyfish پنجزار ماهی باله نارنجی چم چراغ (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ پنجزار ماهیان (فوکوماهیان) با نام علمی *Leiognathus bindus* که طول آن ۸ تا ۱۱ سانتیمتر و از سخت پوستان کوچک،

orange mouth thryssa ماهی آنشوا دهان نارنجی

orange spotted trevally ماهی گیش خالدار، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Carangoides bajad* که بیشترین طول آن حداکثر ۵۵ سانتیمتر است. در آبهای اقیانوس هند غربی در دریای سرخ، خلیج عدن، خلیج فارس و دریای عمان، در خلیج تایلند، اوکی‌ناوا، فیلیپین و اندونزی نیز گزارش شده است. محل زندگی آن آبهای ساحلی است. صید آن بوسیلهٔ رشته قلاب طویل و تور گوشگیر و دیگر ابزار صید سنتی انجام می‌گردد.



ماهی گیش خالدار *Carangoides bajad*

orbit حفرهٔ چشمی یا پوستی

orbital diameter = eye length قطر چشمی، بزرگترین فاصلهٔ موجود در قطر یک چشم

orbitalis بینایی، چشمی

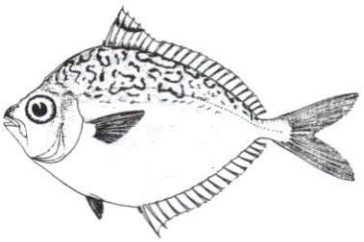
orbitosphenoid استخوان حدقهٔ پروانه‌ای

orca = killer whale وال قاتل،

Ordovician دورهٔ اوردوویسین، از دوران اول زمین شناسی که ۷۰ میلیون سال طول کشید و حدود ۴۳۰ میلیون سال پیش تمام شد. بزرگترین حادثهٔ این دوره، رسوبگذاری شدید در ابر خشکی گندوانا بود که باعث پیدایش خشکیهای کوچکتر بیشتری شد.

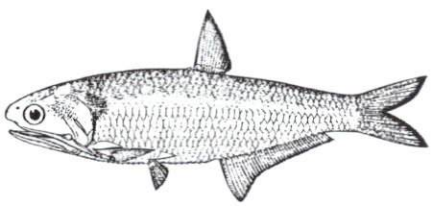
organic agriculture کشاورزی آلی، کشاورزیی که در آن بطور انحصاری از کودهای آلی استفاده می‌شود و از کودهای شیمیایی و سموم کشاورزی استفاده نمی‌شود.

organic deposits صخره‌ها و سایر رسوبات آلی حاصل از موجودات شکمپایان، پرتاران و نماتودها تغذیه می‌کنند. در اقیانوس هند غربی، در دریای سرخ (بندر سودان)، خلیج فارس و در طول سواحل هند و سریلانکا، در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی شامل استرالیا وجود دارد. ساکن آبهای کم‌عمق تا عمق حدود ۴۰ متر است. اغلب نزدیک کف بوده و بصورت گله‌ای یافت می‌شود. از آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان تا سواحل چابهار گزارش شده است. صید آن توسط تورهای کششی کفی و نیز تورهای کیسه‌ای و تورهای احاطه‌ای ساحلی (پره) انجام می‌گیرد.



پنجزاری ماهی باله نارنجی *Leiognathus bindus*

orange mouth anchovy موتوی دهان نارنجی، مینگ (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ آنشواماهیان یا موتو ماهیان با نام علمی *Thryssa vitrirostris* که طول آن ۱۵ تا ۱۸ سانتیمتر می‌باشد. احتمالاً در سراسر منطقهٔ اقیانوس هند غربی وجود دارد. و در مناطق دیگر در سواحل شرقی هند یافت می‌شود. گونه‌ای سطحزی در آبهای ساحلی است که وارد خورها نیز می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. توسط تورهای احاطه‌ای قایقی، گوشگیر و کششی در آبهای کم عمق صید می‌شود.



موتوی دهان نارنجی، مینگ (چابهار) *Thryssa vitrirostris*

organic fertilizer کود آلی، کود طبیعی

organic manure کود آلی، کودی مرکب از مواد آلی

organic matter مادهٔ آلی

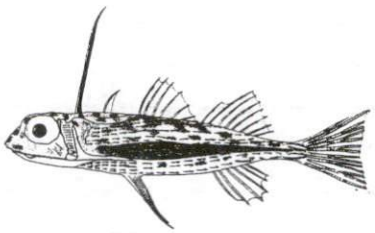
organic reef سنگ رسوبی حاصله از اسکلت موجودات گروه زی

organism موجود زنده، ارگانیزم، موجودات زنده گیاهی یا جانوری ،درکنترل کیفی ماهی و در بهداشت آن معادل میکروارگانیزم، بویژه باکتریهای بیماریزا می‌باشد.

organoleptic مربوط به عامل کیفی، کنترل کیفی کالای ماهی از طریق حسی

oriental cure محصول شگ ماهی عمل‌آوری شده بصورت درسته که به منظور تجارت با شرق تهیه می‌شود.

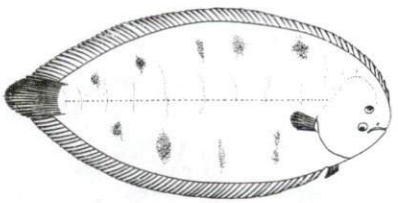
oriental flying gurnard ماهی رژی (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ Dactylopteridae با نام علمی *Dactyloptena orientalis* که طول آن ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر است و از سخت پوستان کفزی، دوکفه‌ایها و ماهیان کوچک تغذیه می‌کند. در بیشتر آبهای اقیانوس هند غربی، از شرق آفریقا و دریای سرخ و بطرف شرق تا هند، در سراسر اقیانوس هند - آرام غربی و از ژاپن تا استرالیا وجود دارد. نوعی ماهی کفزی ساکن بسترهای ماسه‌ای در آبهای ساحلی کم عمق بوده و قادر به «راه رفتن» روی کف، به وسیلهٔ حرکت متناوب باله‌های شکمی و شعاعهای کوچک بالهٔ سینه‌ای می‌باشد. به هنگام وحشت شعاعهای بالهٔ سینه‌ای باز می‌شوند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. نمونه‌های بزرگ اغلب توسط تورهای احاطه‌ای و جوانها، اغلب در شب در نزدیکی سطح آب، یعنی جایی که بواسطهٔ وجود نور جذب می‌شوند، صید می‌گردند.



ماهی رژی (چابهار) *Dactyloptena orientalis*

oriental salar salt نمک تولید شده در حوضچه‌های تبخیر آب دریا. هیچیک از ناخالصیهای آن جدا نمی‌شود.

oriental sole ماهی پرو (چابهار)، کفشک گرد، کوشک (بوشهر)، گونه‌ای از خانوادهٔ کفشک ماهیان تخم مرغی با نام علمی *Euryglossa orientalis* که طول آن ۱۲ تا ۲۴ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان کفزی بخصوص سخت پوستان کوچک تغذیه می‌کند. در منطقهٔ اقیانوس هند غربی در دریای سرخ و خلیج فارس و آبهای دور از ساحل هند و سریلانکا وبطرف شرق در سراسر مجمع الجزایر و شبه جزیرهٔ ماله تا چین و ساحل شرقی استرالیا وجود دارد. ساکن بسترهای شنی و گلی آبهای ساحلی کم عمق می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن اغلب توسط تورهای کششی کفی انجام می‌گیرد.



ماهی پرو (چابهار)، کفشک گرد، کوشک (بوشهر)
Euryglossa orientalis

oriental sweetlips ماهی سنگسر راه راه - گرگ (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسر ماهیان با نام علمی

Plectorhinchus orientalis که بیشترین طول آن ۵۰ سانتیمتر است. در منطقهٔ اقیانوس هند غربی در طول ساحل آفریقا و ماداگاسکار، جزایر شل، کومور، ریونیون، موریس و از خلیج عدن بطرف پاکستان، هند و سریلانکا، بطرف شرق تا مجمع الجزایر اندونزی، استرالیا، تایلند، فیلیپین و پلی‌نزیا وجود دارد. ساکن آبسنگهای مرجانی و آبسنگهای سنگی نزدیک ساحل می‌باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. با قلاب دستی یا نیزه صید می‌گردد.

oriental worm eel مارماهی حفار شرقی، گونه‌ای از خانوادهٔ مارماهیان حفار، با نام علمی *Lamnostoma orientalis* که طول آن ۲۵ تا ۳۵ سانتیمتر است. احتمالاً از بی‌مهرگان کوچک ماسه‌زی تغذیه می‌کند. در آفریقای جنوبی بطرف هند و در بیشتر مناطق اقیانوس هند وجود دارد. ساکن آبهای متلاطم خورها و مناطق نزدیک ساحل می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. با تورهای کیسه‌ای (dol) و نیز دست صید می‌گردد.

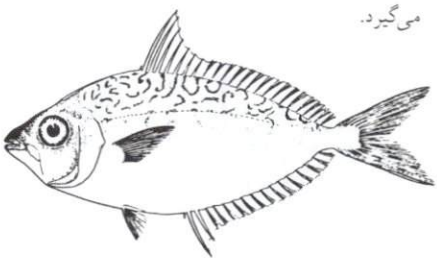


Lamnostoma orientalis مارماهی حفار شرقی

Orinoco River رودخانهٔ اورینوکو به طول ۲۹۰۰ کیلومتر در ونزوئلا که پس از عبور از مرزهای ونزوئلا، برزیل و کلمبیا، به اقیانوس اطلس می ریزد.

ornamental fish ماهیان تزئینی

ornate pony fish پنجزار ماهی منقوش، گونه‌ای از خانوادهٔ پنجزار ماهیان (فوکوماهیان) با نام علمی *Leiognathus lineolatus* که طول آن ۷ تا ۹/۵ سانتیمتر است. از سخت پوستان کوچک، کرمهای پیکانی (کیتوگناتها)، کرمهای حلقوی پهن (نماتودها)، دو کفه‌ایها و شکمپایان تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، در اطراف ماداگاسکار، در دریای سرخ و در طول سواحل هند وسریلانکا، در اقیانوس هند شرقی و بخشهایی از آرام مرکزی وجود دارد. ساکن آبهای کم عمق تا حدود ۴۰ متر بوده واغلب در کف دریا به سر می‌برد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان تا سواحل میانی دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی و نیز تورهای احاطه‌ای ساحلی (پره) انجام می‌گیرد.



Leiognathus lineolatus پنجزاری ماهی منقوش

orogenic فرآیند مربوط به کوه سازی

orogeny فرآیند کوه‌سازی

Orthonectida راسته‌ای از مزوزوآ که انگل بی‌مهرگان دریایی هستند.

Orthopsidae اورتوپسید، خانوادهٔ خارپوستان منقرض شده

oscillatoriales راستهٔ اوسیلا توریال‌ها از جلبکهای سبز ـ آبی که رشته‌های حقیقی داشته و چند سلولی هستند.

Oscillatory wave موج نوسانی، موجی که در آن هر ذره تنها، با دگرگونی همیشگی و خیلی ناچیز نسبت به موقعیت میانگین، پیرامون نقطه‌ای نوسان می‌کند.

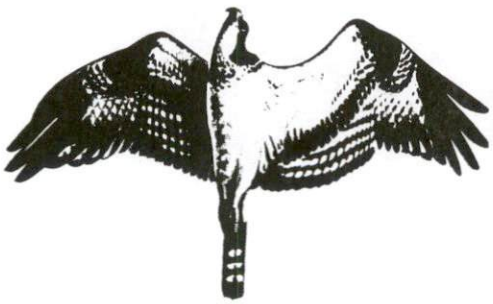
osmoconformer موجودی که می‌تواند خود را با تغییرات اسمزی تطابق دهد.

osmoregulation تنظیم اسمزی، تنظیم غلظت مواد محلول در مایعات بدن (بیشتر

بوسیلهٔ انتشار از طریق بافت یا اعضای نیمه تراوا)

osmosis پدیدهٔ گذرندگی یا اسمز، عبور آب و املاح از غشای نیمه تراوا، غشای یاخته جانوران دریازی سازگاریهای متفاوتی را برای جلوگیری از نمک به بدنشان یافته‌اند.

osprey = fish hawk عقاب ماهیگیر از خانوادهٔ Pandionidae با نام علمی *Pandion haliaetus*



Pandion haliaetus عقاب ماهیگیر

ossa pubis کمربند لگنی، دو قطعه استخوان مثلثی لگنی ماهی

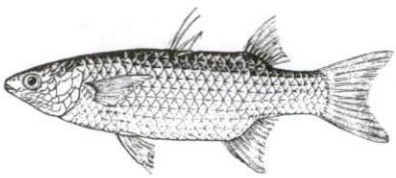
ostracoda زره‌داران، سخت پوستان زره‌دار، میگوی دانه‌ای، بندپای بی بند حفارکه از زئوپلانکتون و مواد غذایی ریز استفاده می‌کنند.

otica شنوایی

otolith سنگ گوش، اتولیت، سنگریزه شنوایی، سنگریزه‌های آهکی موجود در گوش ماهی برای حفظ تعادل، در هر سطح از کانالهای نیم دایره‌ای هر طرف سر یک اتولیت وجود دارد که در مجموع ۶ عدد می‌شود. زیست شناسان شیلاتی، بزرگترین آنها را برای تعیین سن ماهی بکار می‌برند.

***Otolithes ruber* = tiger-toothed croaker** ماهی شوریده، کایره، ماهی موش دندان

otomebora mullet گونه‌ای از خانوادهٔ کفال ماهیان با نام علمی *Liza melinoptera* که طول آن ۱۸ تا ۲۲ سانتیمتر است و از موجودات ریز کفزی و موجودات زنده درون شن و گل و لای تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، از دوربان (آفریقای جنوبی) تا خلیج عدن، بعلاوه ماداگاسکار و سیشل، و بطرف شرق تا ساحل غربی هند و سریلانکا، در مناطق دیگر از ساحل شرقی هند تا اندونزی، فیلیپین و دریای چین جنوبی، در آبهای ساحلی کم عمق بصورت گله‌ای وجود داشته و برای تغذیه داخل مردابها و خورها می‌شود. بچه ماهیان اغلب در مناطق کم‌عمق تر این نواحی پیش می‌آیند. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر، پرتابی، نرده‌ای و ساحلی گردان انجام می‌گیرد.



Liza melinoptera

otter, Sea ۱) سمور دریایی، پستاندار شناگر ماهی‌خوار با نام علمی *Enhydra lutris*

۲) ابزار ماهیگیری که معمولاً دارای یک شناور با ریسمان وچندین قلاب است.



Enhydra lutris سمور دریایی

out-off lake بخشهای قدیمی دور از دریاچه

otter board تخته در تور ترال، تخته صید

outboard بیرون از قایق یا کشتی، قسمت خارجی بدنهٔ کشتی

outboard motor موتور بیرون از قایق یا کشتی

outbound عازم دریا، عازم نواحی دور دست اقیانوسی

outfall سازهٔ تخلیه، مجرای تخلیه، خروجی، منطقهٔ تخلیهٔ آب، مجرای فاضلاب و غیره

outflow خارج شدن، جریان بیرون ریز (وابر)، مقدار آب یا چیز دیگری که خارج می‌شود.

outlet خروجی، دریچهٔ خروجی، خروج آب ونظیر آن، خروجی آب

outlet box دریچه خروجی، مراجعه شود به monk

outlet canal کانال خروجی

outlying tackle ابزار ماهیگیری که در آب قرار می‌گیرند.

out off lake دریاچه‌ای که ورودی آن کمتر از خروجی باشد.

out of season خارج از فصل، کم تناسب برای مصرف انسانی، افت کیفیت ماهی و کم شدن ارزشهای طبیعی، بویژه ارزشهای غذایی ماهی، بدلیل ماندگی و یا ارائه به بازار خارج از فصل مصرف آن

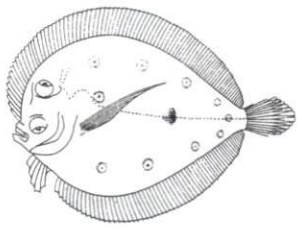
outrigger بازو، ترالر بازودار

outsea دریای دور، اقیانوس

ova تخم

ova, green تخمک (بارور نشده)

oval flounder ماهی کفشک گرد، گونه‌ای از خانوادهٔ کفشک ماهیان با نام علمی *Bothus myriaster* که بیشترین طول آن حدود ۲۰ سانتیمتر است. پراکندگی آن در سطح فلات قارهٔ اقیانوس هند غربی و بطرف غرب تا ژاپن می باشد. در آبهای ایران از دریای عمان گزارش شده است . صید آن توسط تور کشش در بسترهای گلی و شنی فلات قاره انجام می‌گردد.



ماهی کفشک گرد *Bothus myriaster*

ovary تخمدان، پوششی که حاوی تخم ماهی است

ovary crowding فراوانی غیر عادی رشد یک جمعیت یا گونهٔ مشخص، بویژه به نسبت حالت تعادل در یک بیوسنوز (اجتماع موجودات)

over board روی کشتی، در دریا، ازکشتی به دریا

over fall مد، افزایش ناگهانی عمق دریا، ریزش، ساختمانی برای بیرون ریختن آب وقتی که به سطح معین می‌رسد.

over feeding پرخوری، تغذیه اضافی که یا منجر به رشد و نمو غیر عادی می‌شود و یا از نظر اقتصادی مزیتی ندارد.

over fishing صید بیش از حد مجاز، زیاد بهره‌برداری کردن، ماهیگیری بیش از حد، صید بی‌رویه، صید انهدامی

over flow سرریز، یا لبریز، سر ریز آب، روشی که استفاده از آن باعث می‌شود که مازاد آب استخر پس از رسیدن به حد معینی تخلیه گردد.

over flowing سرریزی آب

overflow water آب سرریز شده

over grow بیش از حد رشد کرده، بیش از حد بزرگ شده

overgrowth رشد بیش از حد

over population جمعیت زیاد، جمعیت فوق متراکم (ماهی)، مقدار فراوانی که مانع ازدیاد بعدی گردد و یا در واقع سبب خود تخریبی (self-destruction) شود.

overstock ماهی دارکردن بیشتر از ظرفیت یک آبگیر

overstocking of fish تراکم بیش از ظرفیت مجاز

overtaking light چراغ (دریانوردی) پاشنه کشتی

overtopping لبریز شدن سازه در اثر یورش موج

overturn برگشت، پایان پذیرفتن لایه بندی حرارتی آبهای یک دریاچه در تابستان، همچنین، دریاچه‌های شمالی یک برگشت (اختلاط) بهاره را نشان می‌دهند، زمان آمیختگی تودهٔ آبهای لایه‌بندی شدهٔ قبلی که در بهار و پاییز به هنگام هم دما شدن آبهای یک دریاچه اتفاق می‌افتد.

overwash آب سر رس، بخشی از آب یورش کننده که به یک سازه یا شانه می‌رسد.

overwinter به سر بردن زمستان، نگهداری در طول زمستان

over-wintering pond استخر زمستان گذرانی

ovi-ovoviviparous تخمگذار زنده‌زا، تخمگذار بچه زا، ماهیانی که دارای لقاح داخلی هستند ولی رشد و نموجنینی و نوزادی آنها خارج ازبدن ماهی صورت می‌گیرد.

oviparous تخمگذار، تخمگذارانی که تخمهایشان بیرون از بدن مادر به نوزاد تبدیل می‌شوند.

oviposition تخمگذاری

ovoviviparous تخمگذار بچه‌زا، ماهی تخمگذاری که تخمهایش درون بدن مادر به نوزاد تبدیل می‌شوند. این ماهیهادارای لقاح داخلی بوده و رشد و نمو جنینی تخم آنها نیز در داخل بدن ماهی ماده صورت می‌گیرد، ولی رشد و نمو اولیه نوزاد در خارج از بدن ماهی انجام می‌گیرد.

ovules تخمکها

ovum تخمک، تخم ماهی بویژه وقتی که درون تخمدان است .

oxbow یک انحنای کمانی شکل در مسیر رودخانه

oxidation اکسیداسیون، واکنش شیمیایی که باعث افزایش اکسیژن موجود در یک ترکیب می‌شود، از دست دادن الکترونهای یک ترکیب و افزایش اکسیژن آن بخصوص در چربیها

oxidation - reduction potential پتانسیل اکسیداسیون و احیاء، مراجعه شود به redox potential

oxidizing agent مادهٔ اکسیدکننده، ماده‌ای که اکسیژن محلول در آب را مصرف می‌کند و یا فعل و انفعال اکسیداسیون را تسریع می‌نماید.

oxygen (O_2) اکسیژن، این عنصر ۲۰ درصد از ترکیب جّو و ۵۰ درصد ترکیب پوستهٔ زمین را تشکیل می‌دهد. غلظت آن در آب بین ۴ تا ۸ میلی‌لیتر در لیتر آب است .

oxygen agent مادهٔ اکسیدکننده، ماده‌ای که اکسیژن محلول در آب را مصرف می‌کند و یا فعل و انفعال اکسیداسیون را تسریع می‌نماید.

oxygenation اکسیژن‌دهی، افزودن اکسیژن به آب بوسیلهٔ تهویه یا روشهای دیگر

oxygenation of water اکسیژن‌دارکردن آب، هر روشی برای واردکردن هوا در آب

oxygen compensation depth (OCD) عمق موازنهٔ اکسیژن، عمق جبرانی اکسیژن

oxygen content اکسیژن موجود در آب

oxygen deficit کمبود اکسیژن،
اختلاف بین اکسیژن مشاهده شده با مقداری که در حالت اشباع صد در صد آب وجود دارد.

oxygen demand میزان اکسیژن مورد نیاز

oxygen depletion تهی شدن (نقصان) اکسیژن، کاهش اکسیژن

oxygen minimum layer لایهٔ کمترین اکسیژن،
این لایه بطور معمول در دریاهای استوایی مشاهده می‌شود. لایهٔ سطحی است که در آن مقدار اکسیژن محلول بسیار کم و ناچیز است.

oxygen minimum zone منطقه‌ای که دارای کمترین مقدار اکسیژن است.

oxygen-poor layer لایهٔ فقیر از اکسیژن،
لایه کم اکسیژن، مراجعه شود به tropholytic

oxygen probe وسیله یا آند اندازه‌گیری اکسیژن

oxygen requirement نیاز اکسیژنی،
مقدار اکسیژن محلول در آب که برای زندگی و رشد متعادل یک موجود لازم است.

oxygen - rich layer لایهٔ غنی از اکسیژن،
لایهٔ پر اکسیژن، مراجعه شود به trophogenic

oxyhaemoglobin اکسی هموگلوبین،
رنگدانه‌های قرمز خون ماهی که حمل و نقل اکسیژن را به عهده دارند. این رنگدانه‌ها در طول دورهٔ انجماد، ابتدا به هموگلوبین و سپس به مت هموگلوبین methaemoglobin تبدیل می‌شوند.

oxymyoglobin اکسی میوگلوبین، رنگدانه‌های قرمز موجود در عضلات ماهی که در ضمن نگهداری در سردخانه ابتدا به میوگلوبین غیرپایدار و سپس به مت میوگلوبین (metmyoglobin) قهوه‌ای رنگ تبدیل می‌شود که رنگ نامناسبی به گوشت ماهی می‌دهد.

Oxystomatidae اکسی استوماتیده،
خانوادهٔ نماتودهای دریایی

OY = optimum yield بیشترین تولید، در واقع
کمیتی نامعین است که برخی مدیران شیلات بکار می‌برند، محصول مطلوب یا بهینه

Oyashio Current جریان اویاشیو،
جریان سرد قطبی اقیانوس آرام شمالی که پس از گذر از کامچاتکا و دریای برینگ به جریان کوروشیو در مدار ۳۵ تا ۳۷ درجهٔ شمالی می‌پیوندد، جریان والد

oyster انواع نرمتن دوکفه‌ای از خانوادهٔ اوسترئیده، در بسیاری از نقاط دنیا مصرف خوراکی دارند. توسط یکی از کفه‌ها، به صخره‌های نواحی بین جزر و مدی می‌چسبند.

oyster bank = oyster bed بستر نشو و نمای طبیعی نرمتن دو کفه‌ای اویستر

oyster breeder تکثیر کنندهٔ اویستر

oyster breeding تکثیر اویستر

oyster culture پرورش اویستر

oyster farm مزرعه پرورش اویستر

oyster farming کشت اویستر

oyster, flat اویستر پهن، اویستر اروپایی،
با نام علمی *Ostrea edulis* از خانوادهٔ Ostreidae



Ostrea edulis

oyster, Pacific اویستر اقیانوس آرام، اویستر

اویستر ژاپنی با نام علمی *Crassostrea gigas*



Crassostrea gigas

oysters اویسترها، نرمتنان خوراکی

oyster seed تخم اویستر

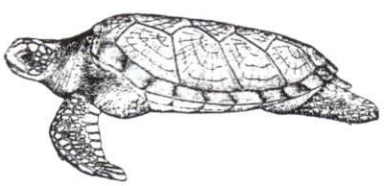
oyster setting نشاندن اویستر بر روی بستر پرورش

oyster spat صدفچه اویستر

ozone گاز اوزون، گازی با ترکیب سه اتم اکسیژن که در جَو پرتوهای فرابنفش را جذب می‌کند. مقداری از این گاز در آب دریا وجود دارد.

P

گونه‌های آن در اقیانوس اطلس و آرام شرقی و مرکزی دیده می‌شود. زیستگاه مطلوب آن آبهای کم عمق با مقادیر فراوان گیاهان غرقابی است ولی بصورت منفرد تا مسافتهای دور از ساحل دیده می‌شود. تجمع عمدهٔ آنها در جزایر کوچک است. جفت‌گیری در تیرماه انجام می‌شود و سپس دورهٔ تخمریزی تا آبان ماه ادامه می‌یابد. دورهٔ بارورشدن تخمها بین ۵۰ تا ۶۵ روز طول می‌کشد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن در دریا بطور عمده توسط تورهای گرفتاری، گردان و چنگک انجام می‌شود. در نواحی آشیانه‌ای، با برگرداندن حیوان به پشت آنرا صید می‌کنند.



لاک پشت سبز دریایی
Chelonia mydas agassizii

pacific hawksbill turtle لاک پشت منقار عقابی آرام، گونه‌ای از خانوادهٔ Chelonidae با نام علمی

P = papa از علائم مورسی دریایی

paar سنگهای مرجانی، سنگریزه‌های آهکی اعماق دریا

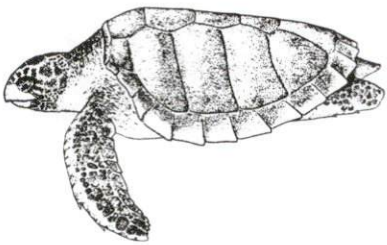
pace مسیر جریانهای دریایی

pacific bottom water آبهای سرد عمق اقیانوس آرام که از قطب جنوب شروع می‌شود و به طرف شمال پخش می‌گردد.

pacific faunal region ناحیهٔ زیستی ساحلی جانوران دریازی اقیانوس آرام از مدار ۵ درجه جنوبی در محدودهٔ غرب آمریکای جنوبی تاکالیفرنیای جنوبی

pacific green sea turtle لاک پشت سبز دریایی، گونه‌ای از خانوادهٔ Chelonidae با نام علمی *Chelonia mydas agassizii* که حداکثر طول آن ۱۲۰ سانتیمتر و بطور معمول ۸۰ سانتیمتر است. بیشترین وزن آن ۱۴۰ کیلوگرم و بطور معمول تا ۷۵ کیلوگرم می‌باشد. نمونه‌های بالغ، علفخوار هستند و از چند گونه علف دریایی تغذیه می‌کنند ولی از خوردن غذای جانوری هم امتناع نمی‌کنند. در بیشتر مناطق اقیانوس هند غربی وجود دارند و بطرف جنوب تا عرض ۲۵ درجهٔ بویژه در اطراف جزایر، در کانال موزامبیک، خلیج عمان، خلیج فارس و خلیج عدن گسترش دارد. سایر زیر

تخمگذاری از بهمن تا اسفند می‌باشد و دوره رشد و نمو جنینی بین ۵۰ تا ۶۰ روز طول می‌کشد. از آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان تا سواحل چابهار گزارش شده است. صید آن در دریا با تورهای گرفتارگر، گردان، چنگک و تورکششی و در سواحل بطور عمده از طریق برگرداندن جانور به پشت انجام می‌گیرد.



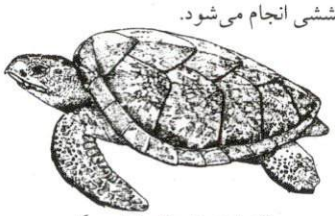
لاک پشت دریایی *Caretta caretta gigas*

اقیانوس آرام، **Pacific Ocean**

اقیانوس بین دو قطب شمال و جنوب و از آمریکا تا آسیا و استرالیا، بزرگترین اقیانوس در کرهٔ زمین است. این اقیانوس را به سه قسمت شرقی، غربی و مرکزی تقسیم می‌نمایند. اقیانوس آرام غربی از خط ترانشه‌های آلوشیان، کوریل و تونگا تا زلاندنو، اقیانوس آرام مرکزی دشتی پهناور با عمق متوسط ۵۰۰۰ متر و اقیانوس آرام شرقی از سواحل آمریکا تا پشتهٔ هاوایی ادامه دارد. بیشتر جزایر این اقیانوس در قسمت غربی آن هستند. دریاهای حاشیه‌ای این اقیانوس عبارتند از: برینگ، اوخوتسک، زرد، تیمور و کالیفرنیا.

جریانهای آب اقیانوس آرام توسط باد حرکت می‌کند. جریانهای اصلی آن عبارتند از: جریان دور قطب جنوب، کوروشیو، استوایی شمالی، زیر جریان استوایی، آرام شمالی، خلاف جریان استوایی شمالی و جریانهای کالیفرنیا و پرو. شوری آن در بخشهایی که تبخیر زیاد است، ۳/۵۵ تا ۳/۶۵ درصد و در قطبها به ۳/۳ درصد می‌رسد. مقدار اکسیژن در سطح بیشترین مقدار و سپس با افزایش عمق، تا حدود عمق ۴۰۰۰ متر کاهش می‌یابد و دوباره افزایش پیدا می‌کند. فسفات در لایه‌های میانی زیادتر است. پدیده فراجوشی در

Eretmochelys bissa که بیشترین طول آن ۱۰۰ سانتیمتر و بطور معمول ۸۰ سانتیمتر است. بیشترین وزن آن ۱۰۰ کیلوگرم و بطور معمول ۶۰ کیلوگرم می‌باشد. این گونه، همه چیز خوار است و بطور عمده از عروس دریایی، اسفنجها، لاله‌های دریایی، سخت‌پوستان، نرمتنان، علفهای دریایی و جلبکهای دریایی تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی بویژه اطراف جزایر وجود دارد و به فراوانی در اطراف سواحل غربی اقیانوس هند غربی دیده می‌شود. ساکن آبهای ساحلی، شامل بسترهای گیاهی کم‌عمق مانند خلیجها، مردابها که بستری گلی و مرجانی و بدون گیاهان دریایی فراوان می‌باشد. جفت‌گیری از تیر تا مرداد و تخمگذاری از شهریور تا اسفند می‌باشد. در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بطور عمده با تورگرفتارگر (tangle)، گردان، چنگک یا توسط غواصی با کپسول و تورکششی انجام می‌شود.



لاک پشت منقار عقابی اقیانوس آرام
Eretmochelys imbricata bissa

لاک پشت دریایی، **pacific loggerhead turtle**

گونه‌ای از خانوادهٔ Chelonidae با نام علمی *Caretta caretta gigas* که بیشترین طول لاک آن ۱۲۵ سانتیمتر و وزن آن ۱۰۵ کیلوگرم است. این گونه گوشتخوار است و از نرمتنان، سخت‌پوستان، ماهی و عروس دریایی تغذیه می‌کند. در اغلب نواحی اقیانوس هند غربی و بطور عمده در دریای سرخ، خلیج عدن، خلیج فارس، دریای عمان و سواحل غربی هند و سواحل غربی کانال موزامبیک و جنوب ماداگاسکار وجود دارد. وارد جریانهای آبهای شور می‌شود ولی در دریاها و اطراف جزایر نیز وجود دارد. در این گونه مهاجرت و جفت‌گیری قبل از فصل لانه سازی انجام می‌گیرد.

سواحل آمریکا مواد غذایی را بالا می‌آورد. بستر این اقیانوس ویژگیهای زمین‌شناسی بیشتری نسبت به اقیانوسهای دیگر دارد.

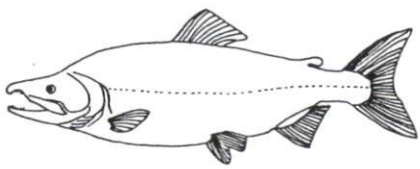


اقیانوس آرام

pacific oyster نوعی دوکفه‌ای اقیانوس آرام، صدف فنجانی، صدف خشن

pacific plate پهنهٔ پوسته‌ای آرام، بستر مرکزی اقیانوس آرام

pacific salmon ماهی آزاد اقیانوس آرام با نام جنس *Oncorhynchus* که شامل ۷ گونه است : *O. keta , O. tshawytscha , O. nerka , O. masu , O. gorbuscha , O. kisutch* و *O. rhodurus* تمامی این ماهیان مهاجر هستند و همگی پس از تخمریزی می‌میرند. صید تجارتی آنها در سواحل غربی آمریکا و کانادا، همچنین در سواحل ژاپن چشمگیر است.



شاه‌ماهی آزاد *Oncorhynchus tshawytscha*

pacific temperate faunal region ناحیهٔ زیستی ساحلی جانوران دریازی در اقیانوس آرام در باریکهٔ هند و چین تا آلاسکا و در طول سواحل ایالات متحدهٔ آمریکا تا مدار ۴۰ درجهٔ شمالی

pacific - type margin لبهٔ کناری یک قاره، این لبه در محل تلاقی دو پوسته یا دو قاره به طرف بالا فشرده می‌شود.

pack ice کوه یخی شناور، یخ متراکم، یخ شناور دریایی که قطر آن کمتر از ۳ متر است و روی هم لایه‌ای یخی محکم را می‌سازند که مانع از حرکت کشتی‌ها می‌شوند.

packing crib ظرف مورد استفاده جهت بسته‌بندی ماهیهای شور در چلیک‌ها

padda محصولی شامل قطعات ماهی که در «خمیر کره تصفیه شده» یا روغن با فلفل، خردل، دانه‌های زیره سبز و تمبرهندی فرو برده شده و در ظروفی بسته‌بندی شده است.

paddle پاوری قایقرانی

paddle fish پارو ماهی با نام علمی *Polyodon spathula*

paddle fishes = Polyodontidae خانوادهٔ پارو ماهیان

paddler پاروزن

paddle wheel چرخ پره، چرخ پره قایق بخار

Pagellus sp. سیم دریایی ریز دندان

Paguridae سخت‌پوستان ده پایی که شکم نامتقارن دارند.

painted spiny lobster شاه میگوی رنگی خاردار، گونه‌ای از خانوادهٔ Palinuridae با نام علمی *Panulirus versicolor* که طول آن ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر می‌باشد. در سراسر دریای سرخ، از جنوب شبه جزیرهٔ سینا، خلیج عدن، سواحل شرق آفریقا به طرف جنوب ناتال، ماداگاسکار، سیشل، ریونیون و سواحل پاکستان، هند و سریلانکا وجود دارد. همچنین، در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام، ژاپن جنوبی، میکرونزیا، ساموئا و شمال غربی و شمال شرقی استرالیا وجود دارد. این گونه در آبهای کم عمق بین صفر تا ۱۵ متری، در نواحی آبسنگهای مرجانی، اغلب در لبه‌های رو به

جفت باله‌های سینه‌ای و شکمی (لگنی)

pair trawling صید ترال با دو شناور

paksiw ماکرل بالغ که احشاء درآورده و در سرکه نارگیل یا نیپا (سرکه تهیه شده از عصاره نخل nipa) که در کوزه‌های گلی یا تانکهای مخصوص مورد استفاده جهت نگهداری مایعات همراه با سرکه و چاشنی بسته‌بندی شده و در آون یا روی آتش ملایم جوشانده می‌شود.

palaeo-oceanography اقیانوس شناسی دیرین، دیرین‌شناسی اقیانوسی

palate استخوان کام

pale cure اسپلت هاداک پس از عمل‌آوری به روش «آیموت»، شور کردن رقیق و دودی نمودن سرد آن به مدت ۴ تا ۱۲ ساعت

pale-smoked red شگ ماهی قرمز دودی شده سرد، شبیه «شگ ماهی نقره‌ای»

paleoalgalogy = paleophycology فسیل شناسی جلبکها، دیرین شناسی جلبکها

paleocaridaceae پالئوکاریداسه، راستهٔ سخت‌پوستان دکاپود سینکاردیا

paleocaridae خانواده سخت‌پوستان دکاپود از راستهٔ پالئوکاریداسه

Paleocene (epoch) دورهٔ پالئوسن، قدیمی‌ترین دوره از تریاس عصر سنوزوئیک که بیشتر سنگهای رسوبی در این زمان تشکیل شدند. این دوره حدود ۷۰ میلیون سال پیش شروع شد و تا ۱۰ میلیون سال ادامه داشت.

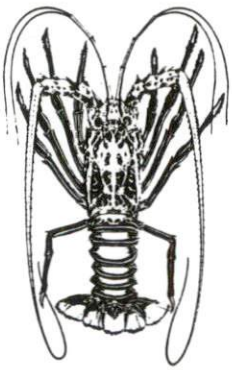
Paleomonidae سخت‌پوستان ده پا از گروه کاریدیا. میگوی آب شیرین جزء این خانواده است.

Paleonisciformes گروه ماهیان غضروفی منقرض شده

Paleoniscoidei گروهی از ماهیان غضروفی دوکی شکل منقرض شده

Paleontology دیرین شناسی، فسیل شناسی،

دریا در آبسنگهای مسطح (جایی که روشن است و جریان قوی دارد) و نیز در آبها مدّی دیده می‌شود. این گونه خود را در طول روز در حفره‌های کم و بیش عمیق سنگها پنهان می‌کند. دارای فعالیت شبانه و گروهی است. از آبهای ایران در خلیج فارس گزارش شده است. صید آن به وسیلهٔ دست و چنگک، بخصوص در شب انجام می‌شود.



Panulirus versicolor شاه میگوی رنگی خاردار

painted sweetlips ماهی دختر ناخدا، خنو معمولی، کرت (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسر ماهیان با نام علمی *Diagramma pictum* طول آن ۴۵ تا ۶۰ سانتیمتر است و از بی‌مهرگان کفزی و ماهیها تغذیه می‌کند. در سر تا سر اقیانوس هند غربی و در مناطق دیگر بطور گسترده در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و آبهای گرم سواحل استرالیا وجود دارد. ساکن نواحی کم عمق ساحلی و آبسنگهای مرجانی تا اعماق ۸۰ متری می‌باشد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ قلاب دستی، دام، رشته قلابهای طویل کفی و تورهای کششی انجام می‌گیرد.

paird comparison test کنترل کیفی دوتایی، آزمون مقایسه‌ای جفت شده، کنترل کیفی حسی با استفاده از دو نمونه با هم

paird fin باله‌های زوج،

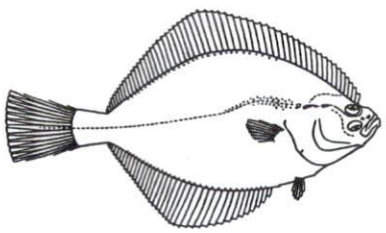
سنگواره شناسی

Paleopneustidae خانواده خارپوستان از راستهٔ اسپاتانگوئیدیا

Paleospondyloidea تنها راستهٔ ماهی دورهٔ دونین میانی *Paleospandylus* که منقرض شده است.

Paleozoic عصر پالئوزوئیک، عصر نخستین اشکال زندگی، این عصر حدود ۲۴۵ میلیون سال پیش به پایان رسید. این عنصر به ترتیب شش دوره کامبرین، اردویسین، سیلورین، دونین، کربونیفر و پرمین را شامل می‌شود.

palice ماهی پهن اروپایی با نام علمی *Pleuronectes platessa* که ارزش تجاری خوبی دارد. انواع آمریکایی آن نیز وجود دارد.



ماهی پهن اروپایی *Pleuronectes platessa*

Palinuridae خانواده شاه میگو یا لابستر خاردار

palolo کرم پالولو، کرمی از جنس Eunice که با الگوی زمانی حرکت ماه حرکت می‌کند.

***Pampus argentus* = silver pomfret)** حلوا سفید، زبیدی

pancake ice یخ شناور شده پاییزی

panellist داور کنترل کیفی، یکی از افراد گروه کنترل کیفی

panfish ماهی ماهیتابه‌ای، ماهی که اندازهٔ آن به حدی رسیده که قابل سرخ کردن در ماهیتابه است. معمولاً به ماهی که اندازهٔ آن بحدی است که غذای یک نفر را تأمین کند اتلاق می‌شود.

Pangaea ابر قارهٔ پانگئا، تودهٔ خشکی اولیه زمین که قاره‌ها از آن جدا شده‌اند.

panhandle شبه جزیره، دماغه، جزیره‌ای که به هنگام جزر به ساحل وصل می‌شود.

Panthalassa پانتالاسا، اقیانوس اولیه

panting ارتعاش کشتی بر اثر فشار امواج

pantoon کرجی ته پهن، تخته پل

pantothenic acid اسید پنتوتنیک، نوعی ویتامین (بدون علامت عددی) که به مقدار ناچیز در گوشت ماهی وجود دارد.

paper nautilus سرپای نرمتن از جنس *Argonauta*

paragesale tongued sole ماهی کفشک زبان گاوی

parallel bottom community مجتمع کفزیان متوازی یا هم‌ردیف

parallel ponds استخرهای موازی، تعدادی حوضچهٔ مجزا که هر یک دارای یک ورودی و خروجی جداگانه برای آب است و بموازات یکدیگر ساخته شده‌اند.

parallel ruler خط کش موازی

parallex اختلاف منظر

paralytic shellfish poisoning فلج نرمتنی، فلج ناشی از مسمومیت حاصله از سخت‌پوستان و نرمتنان. این مسمومیت گاهی ممکن است کشنده باشد. در اثر خوردن نرمتنانی که به مقدار زیاد از فیتوپلانکتونهای ایجاد کنندهٔ کشند (جزر و مد) قرمز تغذیه نموده‌اند (دینوفلاژله‌ها). این پلانکتونها دارای مادهٔ سمی محلول در آب بنام ساکسی توکسین (saxitoxin) هستند که در اثر پختن کاملاً از بین نمی‌رود.

parameter عامل، فاکتور

***Parapeneus macronema* = long barbed goat fish** بچه سنگسر تیره نوار، بز ماهی ریش بلند

بز ماهی لکه‌ای،
بچه سنگسر

Parapercis nebulosus ماهی شبه سوف

parapet دست انداز،
دیوار کوتاه در طول لبه یک دیوار ساحلی

parapodia فراپا، زواید روی کرمهای بندبند دریایی پرتار

Parascolopsis townsendi بچه سنگسر نوار نقره‌ای

parasite انگل، موجود زنده‌ای که درون یا روی موجود زنده دیگر زندگی می‌کند و از مواد غذایی بدن آن تغذیه می‌نماید. ماهی آلوده به انگل، ظاهری ناجور دارد و کیفیت خوراکی خوبی ندارد. عمل‌آوری آن ممکن است سخت باشد و گاهی مصرف آن خطرناک است.

parasitic disease بیماری انگلی،
بیماری ناشی از انگلهایی مانند ایکتیوفتیریوس *Ichthyophtirius* و لیگولا *Ligula*. هر بیماری که ناشی از انگلهای آغازیان، کرمهای روده‌ای، انگلهای پوستی و قارچی است.

parasitism انگلی، زندگی بصورت انگلی

parasphenoid استخوان دور پروانه‌ای

Parastromateus niger حلوا سیاه

paratype نمونهٔ نمایندهٔ جایگزین یا ثانوی بعد از هولوتایپ گونه، پاراتیپ، نمونه دوم

parcel بسته، محموله، دسته،
بخش (در نمونه‌برداری برای کنترل کیفی)

Pardachirus marmoratus ماهی کفشک

parental care مراقبت والدین از تخم و نوزادان

parent fish ماهی مولد، ماهیان مولد

parent population جمعیت اصلی، جمعیت والد،
جمعیتی که نسبت به جمعیت دیگر، بعنوان منشأ یا منبع محسوب می‌شود.

parietal آهیانه، استخوان آهیانه، گیجگاهی

parr ماهی آزاد کوچک، ماهی آزاد یکساله،
مراحل زندگی قزل‌آلا و ماهیهای آزاد مهاجر، مراحل پس از خروج از تخم تا مهاجرت به ترتیب زیر می‌باشد:
parr+ ۰ = نوزاد کمتر از یکسال
parr+ ۱ = نوزاد از یک سالگی تا ۲ سال
parr+ ۲ = ماهی دو ساله یا بیشتر اما کمتر از ۳ سال
parr+ ۳ = ماهی سه ساله یا بیشتر اما کمتر از ۴ سال
و... ، ماهی آزاد پیش رس، ماهی آزاد نسبتاً نقره‌ای رنگ که به طرف پایین رودخانه مهاجرت می‌کند.

parr marks پارمارک، لکه‌ها و نشانه‌های تیره که در طرفین بچه ماهی آزاد ماهیان دیده می‌شود و در هر گونه شکل و ویژگی مشخصی دارد.

parrot fish طوطی ماهی، ماهیان استوایی دریایی خویشاوند ماهی لب کلفت دندان‌دار (Wrasse) از خانوادهٔ لابریده (Labridae)

parrot fishes = Labridae, Scaridae
خانوادهٔ طوطی ماهیان و بچه طوطی ماهیان

particle velocity سرعت ذره‌ای یک ذره مشخص آب در درون موج که از حرکت موج حاصل می‌شود.

particulate organic carboon = POC
کربن آلی جامد معلق در آب

particulates ذرات معلق در آب، ذرات شناور در آب

parting wave موج دور شونده

part-time fishermen ماهیگیر فصلی،
ماهیگیر پاره وقت، ماهیگیری که فصلی کار می‌کند.

pass مسیر مشخص کشتی در دریا و پیشروی دریا، گذرگاه

passage گذرگاه، معبر، سفر دریایی

passenger deck عرشهٔ مجاور خط آبخور

passive fishing صید انتظاری، صید کند

passive fishing gear ابزار ماهیگیری انتظاری،
ماهیگیری با ابزاری که خیلی فعال عمل نمی‌کنند اما به تنهایی کار می‌کنند و ماهی صید می‌نمایند.

pasteurized سترودن کردن فرآورده‌های ماهی

در آب ۷۰ تا ۹۰ درجه سانتیگراد به مدت ۵ تا ۱۰ دقیقه برای نابودسازی پروتئین عوامل بیماریزا، از بین بردن اثرات سمی آنها و در نتیجه طولانی کردن دورهٔ نگهداری فرآورده

pathogen آسیب‌زا، بیماریزا، ریز موجودات زنده میکروسکوپی بیماریزا، بویژه در انسان

pathology آسیب شناسی، بررسی بیماریها

patines استخوانهای دراز دو طرف کام

patis مایع روانی که طی تولید خمیر رسیده ماهی تشکیل می‌شود و بعنوان سس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

patrol boat ناوچه گشتی

patrol, shore گشتی دریایی، دژبان دریایی

paua نوعی آبالون (از شکمپایان)

pay موج عظیم

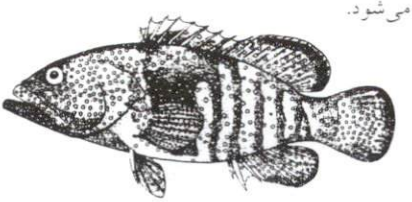
paying a way ریختن، رها کردن، مراجعه شود به تخم‌ریزی (laying out)

paymaster افسر پرداخت، افسر عامل

payusnaia ikra = pressed caviar خاویار فشرده

P D V salt = Pure Dried Vaccum salt نمک خشک خالص، نمک خالص خشک شده در خلاء

peacock grouper هامور طاووسی، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Cephalopholis argus* که بیشترین طول آن ۵۰ سانتیمتر است. معمولی‌ترین و فراوانترین گونهٔ جنس سفالوفولیس می‌باشد. از دریای سرخ و اقیانوس هند غربی (جنوب تا دوربان) تا اقیانوس آرام مرکزی (تا جزایر پیت سرن) و نیز در جزایر هاوایی وجود دارد. گونهٔ آبهای کم عمق است که معمولاً روی آبسنگهای مرجانی تا اعماق ۲۰ متری یافت می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن با قلاب و ریسمان، دام و تور گوشگیر انجام می‌شود.



هامور طاووسی *Cephalopholis argus*

peak تاج موج، فراز، قلهٔ موج، دماغه، حداکثر مد، ستیغ موج، نقطه اوج

peak tanks مخازن واقع در عقب کشتی که بیشتر برای حفظ تعادل کشتی بکار می‌روند.

pearl مروارید

pearl fishing صید مروارید

pearl, mother of نقیر، لایهٔ مروارید، لایه‌ای در داخل صدفهای مرواریدساز که دارای جلای صدفی است.

pearl oyster صدف مروارید ساز

Peary, Robert Edwin (1956-1920) رابرت پیری، کاوشگر قطب شمال که در سال ۱۹۰۹ به مدار ۹۰ درجه قطب رسید و نشان داد که قطب شمال، برخلاف قطب جنوب که خشکی است، روی یخ قرار گرفته و زیر آن آب است.

peat تورب، گیاخاک، مواد آلی تجزیه نشده یا کمی تجزیه شده که در اصل در محیط مرطوب، بی‌هوازی و باتلاقی تشکیل می‌شود.

peat bog باتلاق گیاخاک، حفره‌ای که گیاخاک (peat) از آن استخراج می‌شود.

pebble ریگ، ذرات معدنی (سنگریزه) با ابعاد ۴ تا ۶۴ میلی‌متر

pectoral fin بالهٔ سینه‌ای، یک جفت باله که درست در پشت یا زیر شکافهای آبششی قرار دارند و قابل مقایسه با پاهای جلویی پستانداران است.

pectroal سینه‌ای، قرارگرفته در قسمت سینه

peggy پادو کشتی

pelecanidae پلیکانها، خانوادهٔ پرندگان پلیکان

از راستهٔ پلیکانیفورم.

pelagic وابسته به دریای آزاد، موجودات دریایی که با ساحل و بستر دریاکار ندارند. پلاژیک، موجودات زنده‌ای که آزادانه در توده آبهای آزاد شنا می‌کنند. اصطلاح مشابه آن ترال پلاژیک می‌باشد که عبارت از ترالی است که در آبهای آزاد کشیده شده و به صید ماهیان پلاژیک می‌پردازد.

pelagic fish ماهی دریازی، ماهی که درون لایه‌های آب زندگی می‌کنند، ماهیان پلاژیک، ماهیانی که بیشتر عمر خود را در لایه‌های درون آب می‌گذرانند.

pelagic fishing صید ماهیان در لایه‌های آب،

pelagic sediment رسوبات کف اقیانوس، رسوب حاصل از کوکولیتها، فورامینی‌فرها، دیاتومها و شعاعیان در کف اقیانوس

pelagic trawl ترال درون آبی، تور کششی درون آبی، (درون آبی ذر مقابل بستر)

pelagic zone منطقهٔ دریایی، منطقه دریای لارکن، ناحیهٔ دریای آزاد بدون کف و سواحل اقیانوس، موجودات این ناحیه شامل پلانکتون (فیتوپلانکتون و زئوپلانکتون) و نکتون (بعضی ماهیان، پستانداران، سرپایان و سخت‌پوستان بزرگ) است.

***Pelates quadrilineatus* = Fourlined therapon** ماهی یلی، کمگام

Pelecaniformes راستهٔ پلیکانها

Pelecanoididae پرندگان غواص از راستهٔ پروسلاریفورم

Pelecypoda تبر پایان، نرمتنان دوکفه‌ای آبزی مانند صدفهای خوراکی و صدفهای مرواریدساز، مراجعه شود به Bivalve

pelican پلیکان، پرندگان آبی از خانوادهٔ پلکانیده، مرغ سقا، مرغ ماهیخوار

pelican fish ماهی پلیکان، ماهی عمق‌زی از خانوادهٔ ساکوفارینگیده که دم شلاقی آن، از طول بدنش بلندتر است و طعمه‌اش را می‌بلعد.

pelleted feeds غذاهای دان شده

pellets غذاهای دان، پلت‌ها،

pellicle پوستهٔ غشایی، غشاء براقی که طی خشک کردن مقدماتی ماهی جهت دودی کردن، از سطح ماهی برداشته می‌شود.

Pelmatozoa خارپوستان پایک دار

pelonus قطب نمای جهت یاب کشتی

pelorus پایهٔ قطب نمای الکتریکی

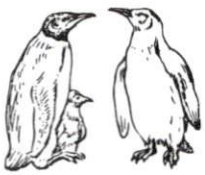
pelvic شکمی، لگنی، وابسته به شکم

pelvic fin بالهٔ شکمی،بالهٔ لگنی، یک جفت بالهٔ شکمی در زیر بالهٔ سینه‌ای یا بین باله‌های سینه‌ای و مخرجی

pen آغل، محیط محصور شده

pen culture پرورش ماهی در آغل، پرورش ماهی در محیط محصور شده در ساحل دریا یا در فاصلهٔ نسبتاً کم عمق دور از ساحل

penguin پنگوئن، پرندهٔ شناگر دریاهای سرد از خانوادهٔ اسفنیسیده که نمی‌تواند پرواز کند. بیشتر در نیمکرهٔ جنوبی یافت می‌شود.



پنگوئن

peninsula شبه جزیره، پیشرفتگی خشکی در دریا، دماغه، بخشی از خشکی که تقریباً از همه طرف بوسیلهٔ آب احاطه شده اما از طریق یک تنگه به خشکی وصل می‌شود.

pennant پرچم باریک (روی کشتی یا ناو)

pens, floating آغل ماهی شناور

pentaprion longimanus خرگوش ماهی

Penthapoddidae = lagre-eye breams خانوادهٔ شانک ماهیان بزرگ چشم

pepsin digestibility test آزمایش هضم پپسین،

آزمایش میزان هضم بوسیلهٔ پپسین، آزمایشی که گاهی برای اندازه‌گیری ارزشهای غذایی از دست رفتهٔ فرآوردهٔ ماهی، بخصوص آرد ماهی، هنگام عمل‌آوری یا در اثر حرارت انجام می‌گیرد. این آزمایش از طریق اندازه‌گیری اثر پپسین، که عمده‌ترین آنزیم هضم مواد پروتئینی است، روی ماهی انجام می‌شود.

peptide پپتید، ترکیبی از اتصال دو مولکول اسید آمینه یا بیشتر بوجود می‌آید.

PER = Protein Efficiency Ratio نسبت بازدهی پروتئین

perch **Percidae** سوف از خانواده

perch, darter سوف حاجی طرخان یا نام علمی *Perca fluviatilis* از خانوادهٔ Percidae

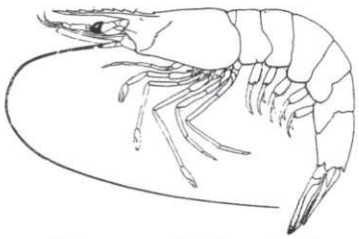
perched beach ساحل بالا آمده، ساحل بالاتر از تراز نیمرخ معمول

Percoidei پرکوایدآی، زیر راستهٔ ماهیان پرسیفورم

percolation تراوش مولکولهای آب از شکافهای یک ماده رسوبی، تراوش حبابی مولکولهای آب

percomorphs ماهیان سوف مانند، سوف سانان

peregrine shrimp میگوی پرگراین، گونه‌ای از خانوادهٔ Penaeidae با نام علمی *Metapenaeus stebbingi* که بیشترین طول نرها و ماده‌ها به ترتیب ۱۱/۱ و ۱۳/۹ سانتیمتر می‌باشد. در سراسر سواحل از آفریقای جنوبی بطرف خلیج کوچ در شمال غربی هند، بانضمام دریای سرخ و خلیج فارس و در ساحل غربی ماداگاسکار وجود دارد. این گونه از طریق کانال سوئز وارد مدیترانه شرقی شده است. از سطح آب تا عمق حدود ۹۰ متری روی بسترهای نرم گلی یا شنی یافت می‌شود. نمونه‌های جوان ساکن آبهای نزدیک ساحل و نمونه‌های مسن‌تر در آبهای عمیق‌تر و بطور معمول در اعماق کمتر از ۴۵ تا ۵۰ متری می‌باشند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی، تور ساحلی، تورهای پرتابی و تورهای مخروطی انجام می‌گیرد.



میگوی پرگراین *Metapenaeus stebbingi*

perigean tide مد نقطهٔ حضیض، مدّی که دامنهٔ آن افزایش یافته و هنگامی که ماده در نقطهٔ حضیض است، اتفاق می‌افتد.

perigee نزدیک‌ترین نقطهٔ مدار یک ماهواره نسبت به سیاره‌ای که دور آن می‌چرخد.

perihelion نزدیک‌ترین نقطهٔ مدار یک سیاره یا شهاب نسبت به خورشید آن

periodic current جریان دوره‌ای، مانند جزر و مد

period of catchability دورهٔ صید، دورهٔ قابل صید شدن، دوره‌ای که طی آن صید گونه‌های معین ماهی مجاز می‌شود.

***Periophthalmus waltoni* = scartelaos**

tenuis ماهی شلامبو، ماهی سگ، گل چراغ

periphyton روگیاه زی، موجودات چسبیده به اشیاء دیگر، موجوداتی که روی گیاه و چسبیده به آن زندگی می‌کنند.

periscope دوربین زیردریایی، پریسکوپ

peritoneum پرده، صفاق

periwinkle شکمپای کوچک دریایی از جنس *Littorina* که در دو سوی اقیانوس اطلس در نواحی جزر و مدی زندگی می‌کند و از جلبک تغذیه می‌نماید.

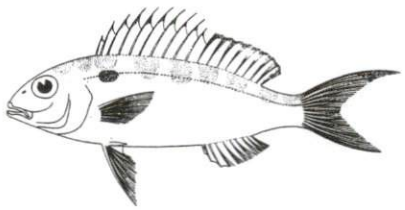
permanent current جریان همیشگی، جریان پایا، جریان دائم، جریانی که به جزر و مد وابسته نیست

permeable groin آب شکن تراوا

permeable (pervious) soil خاک نفوذ پذیر، خاکی که اگر از آن برای ساختن استخر استفاده شود، باید به آن رس اضافه شود.

Permian پرمین، آخرین دوره عصر پالئوزوئیک که ۲۰ تا ۳۰ میلیون سال تداوم داشت. در این دوره، کوههای اورال، آپالاش، هیمالیای شمالی و ارتفاعات فرانسه ساخته شدند.

perone thread fin bream ماهی گوازیم، دم ریش، ریشو، گونه‌ای از خانوادهٔ دم ریش ماهیان با نام علمی *Nemipterus peronii* که طول آن ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر است و از موجودات کفزی تغذیه می‌کند. در آبهای بخش شمالی اقیانوس هند غربی بانضمام دریای سرخ، خلیج فارس و سواحل هند و پاکستان و سریلانکا، در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و دریای چین جنوبی وجود دارد. در آبهای کم عمق‌تر از ۶۰ متر بصورت کفزی زندگی می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تور کششی کفی و رشته قلاب انجام می‌گیرد.



ماهی گوازیم، دم ریش، ریشو *Nemipterus peronii*

Peroxide Value (PV) ازرش پراکسید، اندازه‌گیری میزان فساد چربی از طریق اندازه‌گیری مسیری که هنگام افزودن ید در پتاسیم و ترکیب آن با هیدروپراکسیدهای موجود در چربی حاصل می‌شود. به آن ارزش ید هم گفته می‌شود.

Persian sturgeon = *Acipenser persicus*

تاسماهی ایران، قره‌برون، اسم علمی این ماهی تا چندی پیش *Acipenser guldenstadti persicus* بود و یکی از زیر گونه‌های تاسماهی روس یا چالباش بحساب می‌آمد. بررسیهای اخیر آنرا یک گونه مجزا دانسته است. بالهٔ پشتی دارای ۳۰ تا ۴۹ شعاع باله و باله مخرجی ۱۸ تا ۳۲ شعاع باله است. صفحات استخوان سینه‌ای ۵ تا ۱۳، صفحات استخوانی جانبی ۲۱ تا ۴۲ عدد و صفحات استخوان شکمی ۷ تا ۱۴ عدد است. بیشترین طول آن ۱۴۰ تا ۱۶۰ سانتیمتر، و وزن آن بین ۱۶ تا ۲۰ کیلوگرم است. در عمل عمده‌ترین ماهی خاویاری ایران بحساب می‌آید.

personal hygine بهداشت شخیصی، تمیزی تن و لباسهای افراد برای کاهش آلودگی مواد غذایی

Peru-Chile trench = Atacama trench

ترانشه پرو- شیلی یا آتاکاما، ترانشه عمیق در اقیانوس آرام شرقی با عمق حداکثر ۷۶۳۵ متر

Peru Current - Humboldt Curent

جریان آبی پرو یا هامبولت، جریان سرد سطحی اقیانوس آرام شرقی که در طول سواحل آمریکایی جنوب غربی به طرف شمال جریان دارد. پدیدهٔ النینو از هم گسیختگی جریان پرو است که نتایج اقتصادی و هواشناسی مهمی در سواحل آمریکای جنوبی به بار می‌آورد.

pest آفت، هر نوع حیوان (بویژه پرنده و حشره) که فرآورده‌ها را آلوده یا تخریب نماید. آنها را Vermin هم می‌گویند.

pesticide آفت‌کش، سمومی که برای از بین بردن موجودات زنده ناخواسته بکار می‌رود.

pests of fish آفات ماهی

Petersen grab نمونه‌بردار پیترسون، وسیله‌ای برای نمونه‌برداری از کف آبها

petrel مرغ طوفان، مرغ باران، مرغ دریایی از راستهٔ پروسلاریفورم شامل خانواده‌های آلباتراسها، مرغان طوفان (هیدروباتیده)، مرغان غواص (پلکانوئیده) و آب برها (پروسلاریده)

petrography سنگ نگاری

petroleum نفت، نفت خام، هیدروکربنهای نفتی

petroleum odor بوی نفت، بوی گازوئیل

Petromyzontidae = lampreys

خانوادهٔ ماهیان دهان گرد (دهان گردان)، لمپری‌ها

pew چنگال تک شاخه، چنگک،

چنگال تک شاخه‌ای که جهت انتقال ماهیان بزرگ بکار می‌رود.

pH پی اچ، غلظت یون هیدروژن که معمولاً بصورت عکس لگاریتم غلظت یون هیدروژن H و برحسب اکی‌والان گرم در لیتر بیان می‌شود. pH هفت تقریباً خنثی است. ارزشهای پائین‌تر از آن به معنای افزایش اسیدیته و رقمهای بالاتر از آن نشان دهندهٔ قلیائیت محیط می‌باشد. pH آب اقیانوسها حدود ۸/۲ است که آنراکمی قلیایی نشان می‌دهد.

Phaeophyceae جلبکهای قهوه‌ای

Pharetronida فارترونیدا،

راستهٔ اسفنجهای آهکی سفید رنگ

pharyngeal teeth دندانهای حلقی، دندانهای گلویی، دندانهایی که در گلو یا حلق ماهیان وجود دارد. این دندانها روی پنجمین کمان آبششی قرار دارد.

pharynx حلق

phase مرحله در حرکت تناوبی موج سطحی

phase inequality اختلاف مراحل متناظر جزر و مد (کشند)

phase velocity سرعت پایه، سرعت انتشار یک موج تنها در برابر سرعت انتشار یک گروه موج

phenol فنول، یکی از مواد موجود در دود حاصله از چوب که هنگام دودی کردن ماهی روی سطح بدن ماهی قرار گرفته و هنگام نگهداری بتدریج در داخل گوشت نفوذ می‌نماید. فنول تا حدودی باعث جلوگیری از رشد و نمو باکتریها شده و در نتیجه طول عمر نگهداری ماهی فرآوری شده را افزایش می‌دهد. فنول همچنین از عوامل عمده تولید پودر ماهی دودی است.

pheromone ماده‌ای شیمیایی که بوسیلهٔ یک حیوان برای ایجاد ارتباط به افراد هم‌گونه (برای مثال در حشرات) ترشح می‌شود.

Phillipine Sea دریای فیلیپین، دریای حاشیه‌ای از اقیانوس آرام بین کشورهای تایوان، فیلیپین، ژاپن، اوکیناوا و ماریان

Phocanema decipiens کرم ماهی کاد

Phoenicians فینقیها، اقوام سوریه‌ای و لبنانی کنونی که دریانوردی عمومی را بکار گرفتند.

Phoenician Star مراجعه شود به *Polaris*

Pholidophoridae فولیدوفوریده،

خانوادهٔ ماهیان باله شعاعی منقرض شده

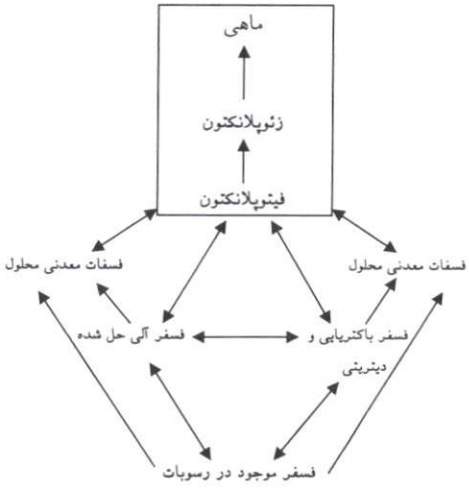
Pholidophoriformes فولیدو فوری‌ها،

ماهیان باله شعاعی کوچک دوکی شکل آبهای شیرین و شور منقرض شده (دورهٔ هولوسن)

Phoronida فورونیدا، کرمهای کوچک کفزی حفار آبهای کم عمق

phosphorus (P) فسفر، عنصری که بصورت یونهای معدنی در آب دریا وجود دارد. غلظت آن در آب اقیانوسهای اطلس، هند و آرام به ترتیب ۲، ۲/۱ و ۲/۲ میلی‌گرم در لیتر است.

phosphorus cycle چرخهٔ فسفر در طبیعت



مسیر اصلی چرخه فسفر در دریا

photic نوری، وابسته به نور

photic zone ناحیهٔ نوری سطح دریا، منطقه روشن دریا، ناحیهٔ نورگیر (۱۰۰ متر اول دریا)، لایه‌ای از آب دریا از سطح تا محلی که نور خورشید به آن نفوذ می‌یابد.

Photidae سخت پوستان دو جور پا، دوجور پائیان سخت‌پوست

photography, underwater عکسبرداری زیر دریایی

photolytic تغییر شیمیایی به وسیله نور

photophore اندامهای مولد نور در ماهیان و آبزیان دیگری که تولید نور می‌کنند.

photosynthesis نور ساخت، فتوسنتز، پدیده‌ای که طی آن گیاهان سبز با استفاده از کربن دی اکسید هوا و انرژی خورشید کربوهیدراتهای مورد نیاز خود را می‌سازند. فتوسنتز اساساً در دریا محدود به ناحیهٔ یوفوتیک یا منطقهٔ روشن می‌باشد.

phototaxis نور کنش، فتوتاکسیس، حرکتی که بوسیلهٔ نور تحریک می‌شود. در جهت نور، فتوتاکسیس مثبت و در جهت خلاف نور فتوتاکسیس منفی نامیده می‌شود.

phototrophic تولید غذا در مقابل نور

phycobilisome فیکوبیلیزوم، اندامکهای حاوی رنگدانه سیانوفیتا

phycocyanine رنگدانه آبی، رنگدانه فیکوسیانین

phycoerythrin رنگدانه قرمز، رنگدانه فیکواریترین

phyllum شاخه، گروهی از جانوران شامل چند رده

physoclistous کیسه شنای بسته و مستقل

physoclist دارای کیسه شنای بسته و مستقل

physostome دارای کیسه شنای باز، دارای کیسه‌شنای دهان دار

phytophagous fish ماهی گیاهخوار

phytoplankton فیتوپلانکتون، جلبک، گیاهان معلق در آب، کلیهٔ پلانکتونهای (عمدتاً میکروسکوپی) جلبکی آبها که آزادانه شناورند.

phytoplankton bloom شکوفایی فیتوپلانکتونی

picked meat گوشت خرچنگ، لابستر که از داخل صدف آن برداشت می‌شود.

pickerel = young pike اردک ماهی جوان با نام علمی *Esox niger*

pickhandie barracuda گونه‌ای از خانواده کوتر ماهیان با نام علمی *Sphyraena jello* که بیشترین طول آن ۱۵۰ سانتیمتر و بطور معمول بین ۵۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر است و از ماهی و مارماهی تغذیه می‌کند. شاید در سراسر اقیانوس هند غربی و اقیانوسهای هند شرقی و آرام غربی و اغلب نزدیک سطح یافت می‌شود. دارای فعالیت روزانه و انفرادی (نمونه‌های جوان اغلب در گروههای کوچک) بوده و معمولاً در لبهٔ آبسنگها و بالای برکه‌های کم عمق می‌باشد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ طنابهای کششی و با ابزار صید سنتی و ورزشی و نیز با تور انجام می‌گیرد.



Sphyraena jello

pickle ۱) شوراب
۲) آب ماهی، محلول نمک (شوراب) مورد استفاده جهت عمل‌آوری ماهی. مایعی که هنگام شور کردن ماهی بصورت نمک محلول در آب خارج شده از شیرهٔ بافتها تشکیل می‌شود.

pickle, to = pickle cure, to

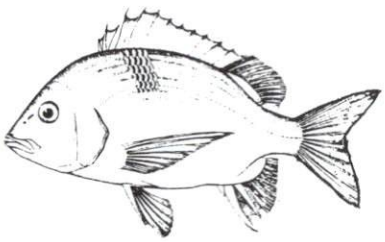
pickle cure, to نمک سود کردن ماهی در ظروف غیر قابل نفوذ و نگهداری آن در آب ماهی

pickle salmon bellies = salmon bellies

pickle salt, to = pickle cure, to

picnic seabream کنسی، کوه بروش (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ شانک ماهیان با نام علمی *Acanthopagrus berda* که طول آن ۳۰ تا ۷۵ سانتیمتر می‌باشد و از بی‌مهرگان کفزی (کرمها، سخت‌پوستان،

نرمتنان، خارپوستان و ...) تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی، از آفریقای جنوبی تا هند و تا غرب اقیانوس آرام، ژاپن و شمال استرالیا وجود دارد. گونه‌ای کفزی، خیلی خجالتی و زیرک که روی بسترهای ناصاف شنی و گلی در آبهای ساحلی بخصوص در خورها، از آبهای کم عمق تا عمق حدود ۵۰ متری یافت می‌شود. نمونه‌های جوان معمولاً در خلیجهای کوچک محافظت شدهٔ کم عمق خورها یافت می‌شوند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده شده است. صید آن توسط تورهای کششی کفی و قلابهای دستی انجام می‌گیرد.



کنسی، کوه‌بروش (چابهار) *Acanthopagrus berda*

picoplankton پلانکتونهای خیلی کوچک

pier اسکله (عمود بر ساحل)، پایهٔ پل، اسکله سنگی

pierhoad line خط پیشانی اسکله یا سازه دریایی

pike - culture پرورش اردک ماهی

pike, luce اردک ماهی یا نام علمی *Esox lucius* L. از خانواده بسیار قدیمی Esocidae. سر این ماهی دراز و فشرده، دهان آن پهن و دارای برش عمیقی و دارای دندانهای جوش خورده به استخوانهای آرواره است. چشمها در بالا و در طرفین سر قرار دارد. وزن آن تا ۳۰ کیلوگرم و طول آن تا ۱۰۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر است. بهر حال، اردک ماهیان بیشتر از ۸ تا ۱۲ کیلوگرم کمیاب هستند. باله پشتی دارای ۶ تا ۱۰ شعاع باله سخت و ۱۳ تا ۱۶ شعاع باله نرم است. باله سینه‌ای دارای یک شعاع باله سخت و ۱۲ تا ۱۶ شعاع باله نرم و باله مخرجی دارای ۴ تا ۵ شعاع سخت و ۱۰ تا ۱۳ شعاع نرم است. روی خط جانبی آن ۱۲۱ تا ۱۴۴ فلس وجود دارد. دو نوزادی از پلانکتونها و کفزیان کوچک تغذیه می‌کند. ولی وقتی به اندازه ۵ سانتیمتر برسد گوشتخواری را آغاز می‌کند.

pike-perch *(lucioperca lucioperca)* ماهی سوف

pilchard ماهی ساردین، پیلچارد

pile شمع، پایه، تکیه‌گاه چوبی یا فلزی درون بستر دریا یا زمین

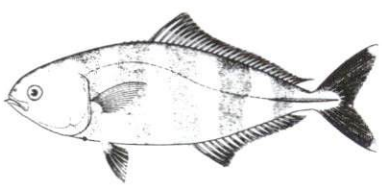
pile, sheet شمع یا پایه سپری در بستر دریا

pilot راهنمای کشتی، ناخدا، خلبان

pilotage حق راهنمایی

pilot charges هزینه‌های راهنما

pilot fish ماهی راهنما، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Naucrates ductor* که بیشترین طول آن ۷۰ سانتیمتر و بطور معمول حدود ۳۵ سانتیمتر است. وزن نمونهٔ ۳۳ سانتیمتری آن، نیم کیلو است. نوعی ماهی سطحزی آبهای اقیانوسی است که بصورت همزیست با کوسه‌های بزرگ، سفره ماهیان و ماهیهای دیگر، لاک‌پشتها، کشتیها و چوبهای شناور زندگی می‌کند. ماهیان جوان اغلب همراه گیاهان دریایی و عروس دریایی یافت می‌شوند. نوزادان در آبهای زیر سطحی (اپی پلاژیک) اقیانوسها بسر می‌برند و بلوغ زمانی شروع می‌شود که طول آنها حداقل به ۲۳ سانتیمتر برسد. در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. روش صید توسط تورهای کششی سطحی در آبهای اقیانوسی می‌باشد.



ماهی راهنما *Naucrates ductor*

pilot whale نهنگ راهنما، نهنگ کوچکی از جنس

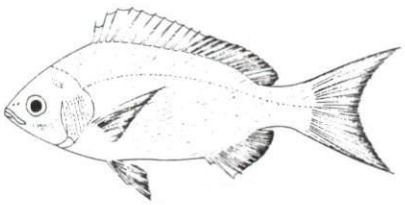
Globicephala که ۴ تا ۶ متر طول دارد. در تمامی آبها به استثنای آبهای قطبی، وجود دارد. از ماهی مرکب تغذیه می‌نماید و شبیه دولفین است.

pinbone تیغ، استخوانهای ریز و نازک داخل عضلهٔ ماهی که معمولاً حتی در فیله هم باقی می‌ماند.

pineal gland غده صنوبری، غدهٔ پینه آل، غده‌ای که در بخش فوقانی مغز ماهی است و برای احساس نور می‌باشد.

pine, to چروک کیدگی ماهی، چروکیدن ماهی در نتیجهٔ کمبود آب در اثر عمل اسمز در هنگام نمک سود کردن

Pinjalo snapper سرخوی کچ پولک، گونه‌ای از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Pinjalo pinjalo* که طول آن ۶۰ تا ۸۰ سانتیمتر است و از بی‌مهرگان کفزی و شاید ماهی تغذیه می‌کند. در سراسر قسمت شمالی اقیانوس هند غربی و شاید در دریای سرخ، خلیج فارس، ماداگاسکار، سیشل، موریس و ریونیون، جزایر مالدیو و مجمع‌الجزایر چاگوس گزارش شده است. در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و آرام غربی وجود دارد. ساکن آبهای نسبتاً کم عمق تا اعماق ۶۰ متری می‌باشد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن با قلاب دستی، دام و تور کششی کفی انجام می‌شود.



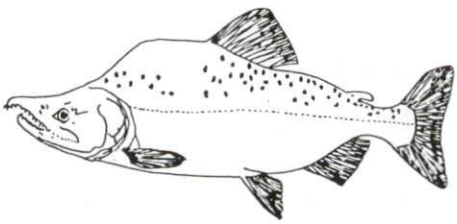
Pinjalo pinjalo سرخوی کچ پولک

pink ۱) بی‌رنگ شدن و نرم شدن گوشت ماهی شور شده در اثر باکتریهای قرمز رنگ نمک دوست

۲) صورتی و کم رنگ شدن گوشت ماهی دودی، بخصوص ماهی دودی منجمد شده در اثر واکنش بین مواد شیمیایی حاصله از فاسد شدن ماهی و سایر مواد از جمله مواد رنگی. این حالت بیانگر کیفیت نامناسب ماهی قبل از عمل‌آوری می‌باشد.

pink fish ماهی صورتی، ماهی شور و خشکیده‌ای که رنگ صورتی یا مایل به قرمز ناشی از رشد باکتریهای نمک دوست قرمز را بخود گرفته است.

pink salmon = *Oncorhynchus gorbuscha* ماهی آزاد صورتی اقیانوس آرام، ماهی آزاد گوژپشت، بدن آن در نرها هنگام تخمریزی خیلی فشرده می‌شود و پشت سر آن قوز ایجاد می‌گردد. این قسمت در ماده گرد است. طول آن تا ۷۵ سانتیمتر و وزن آن تا ۵ کیلوگرم می‌رسد. آرواره‌ها و دندانهای نرها در فصل تخمریزی خیلی رشد می‌کنند. فلس‌ها در اولین ردیف بالای خط جانبی ۱۷۰ تا ۲۲۹ عدد، باله پشتی ۱۰ تا ۱۵ عدد و در باله مخرجی ۱۲ تا ۱۹ عدد است. سکومهای گوارشی ۱۶۵ تا ۱۹۵ عدد است.



ماهی آزاد گوژپشت *Oncorhynchus gorbuscha*

pinniped پستانداران آبزی باله پا، شامل فوکها شیر دریایی و گراز ماهی (شیر ماهی)

pinwiddies مراجعه شود به *Arbroath smoke*

piping the side احترام با سوت

piracy دزدی دریایی

piscary, common of فن ماهیگیری، دستورالعمل ماهیگیری

pisciculture = fish culture کشتاب ورزی، پرورش ماهی، تکثیر و پرورش ماهی، ماهی پروری

pisciculturist کشتاب ورز، پرورش دهندهٔ ماهی

piscivore ماهیخوار، جانوری که ماهی می‌خورد

pissala نوعی «سس گاروم» که در منطقهٔ نانس فرانسه تهیه می‌شود.

pit حفره، گودال، چاله، حفره‌ای مصنوعی که برای بدست آوردن بعضی ترکیبات مانند گچ، گل رس، سنگریزه و مانند آن در زمین حفر می‌گردد و معمولاً با آب پر می‌شود.

pitfall trap صید از طریق گودال سرپوشیده

pituitary gland هیپوفیز، غدهٔ هیپوفیز، این غده در پایهٔ مغز واقع است و چندین هورمون تولید می‌کند که یکی از آنها اعمال جنسی را تنظیم می‌کند و بصورت تزریقی برای تسریع تخمریزی در پرورش ماهی استفاده می‌شود.

pitutary injection تزریق هورمون هیپوفیز، تزریق هیپوفیز، تزریق هورمون هیپوفیز به ماهی مولد برای پیش‌رس کردن آن

pituitary treatment تزریق عصارهٔ هیپوفیز

pivot چرخش

place in cure, to عمل آوردن ماهی، شور کردن

placoid صفحه‌ای

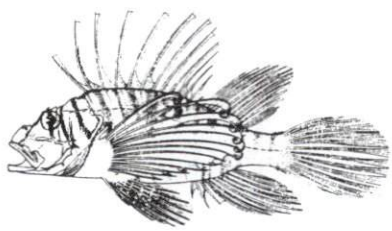
placoid scale فلس صفحه‌ای

plage ساحل، دریاکنار، شنهای ساحل

plaice = *Pleuronectes* ماهی پهلیس، نوعی ماهی پهن از خانواده کفشک ماهیان Pleuronectidae

plain, coastal دشت ساحلی، ناحیهٔ مسطحی که به تازگی از زیر آب در آمده باشد.

plaintail turkey fish ماهی خروس دریا، خروس ماهی، گونه‌ای از خانواده عقرب ماهیان با نام علمی *Pterois russellii* که طول آن ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر است. در اقیانوس هند غربی از ساحل شرقی آفریقا، موریس، خلیج فارس، پاکستان، ساحل غربی هند و سریلانکا و در مناطق دیگر از ساحل شرقی هند، مجمع الجزایر هند، مالزی، چین جنوبی، گینه نو و استرالیای غربی وجود دارد. در بسترهای نرم فلات قاره در آبهای نزدیک ساحل تا عمق ۶۰ متری یافت می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی و گاهی توسط پره انجام می‌شود.



خروس دریا *Pterois russellii*

plan پهنای لنگر کشتی که در زمین فرو می‌رود

plankter پلانکتونخوار، موجودات پلانکتونخوار (گیاهی یا جانوری)

planktology پلانکتون شناسی

plankton شناور، پلانکتون، شناورزی، اصطلاح عام که به موجوداتی گیاهی و جانوری اطلاق می‌شود که در توده آبها، فاقد حرکت و نقل مکان اختیاری بوده یا قدرت شناگری آنها چنان محدود است که بوسیلهٔ نیروی شناوری آب بطور غیراختیاری جابجا می‌شوند.

plankton bloom شکوفایی پلانکتون، رشد رشد شکوفایی پلانکتونها

plankton eaters = plankton feeders پلانکتونخواران، مراجعه شود به *plankter*

plankton feeder = plankter پلانکتون پلانکتونخوار، ماهی که از پلانکتون تغذیه می‌کند.

planktonic شناوری، غوطه‌وری، پلانکتونی

planktonic bloom شکوفایی پلانکتونی

plankton net توری که دارای سوراخهای ظریفی است و برای گرفتن پلانکتون بکار می‌رود.

planktophagous fish ماهیان پلانکتونخوار،

planktotropic larvae نوزاد پلانکتونخوار، نوزادی که غذای آن از انواع پلانکتونها تأمین می‌شود.

plan position indicator شاخص جایگاه برنامه

plantae سلسلهٔ گیاهان

plant association جمعیت گیاهی، مجموعه‌ای موفق از گونه‌های گیاهی که در شرایط رقابتی اجتماعی مکانهای مختلف با هم هستند، گیاهان همراه

plant community جمعیت گیاهی، همهٔ گونه‌های گیاهی که در یک محیط معین، برای مثال در یک دریاچه و مانند آن، زندگی می‌کنند.

plant eater گیاهخوار، جانوری که از گیاهان تغذیه می‌کند. بویژه ماهی که از گیاهان عالی آبزی یا فیتوپلانکتونها تغذیه می‌کند.

plant feeders گیاهخوار

plant food غذای گیاهی

plant formation ساختار گیاهی

planting ماهی‌دار کردن، ریختن ماهیان جوان یا تخم ماهی در یک آبگیر

plants, amphibious گیاهان دوزیست (خشکی و آبی)

plants, aquatic گیاهان آبزی

plants, aquatic emergent گیاهان آبزی با ساقه و برگ خارج از آب

plants, floating aquatic گیاهان آبزی شناور (در سطح آب)

plants, submerged گیاهان آبزی غوطه‌ور در آب

plants, submerged and floating گیاهان آبزی غوطه‌ور و شناور

دشت اقیانوسی، بستر هموار اقیانوسی

plate freezer دستگاه انجماد صفحه‌ای، پلیت فریزر

plate tectonics تکتونیک صفحه‌ای، زمین شناسی ساختمانی، نظریهٔ حرکت صفحه‌های پوستهٔ قاره‌ای زمین

platform, marine سکوی دریایی

platform, oil سکوی نفتی

platnum کام

Platycephalidae خانوادهٔ ماهیان زمین‌کن (حفار)

Platycephalus indicus* = *P. maculipinna ماهی زمین کن، وهر

Platycephalus sp. گونهٔ ماهی زمین کن، واهار، ماهی سینه پهن

Platyhelminths شاخهٔ کرمهای پهن،

Platysomodei ماهیان منقرض شده آبهای شیرین و شور پالئونیفورم

Plectorhynchus cinctus ماهی خار، جنبور، خاهر

Plectorhynchus fangi ماهی دختر ناخدا، سنگسر لکه‌دار

Plectorhynchus gaterinus ماهی سنگسر زردباله، خنوگل باقلی

***Plectorhynchus pictus* = painted sweetlip)** ماهی عروس ناخدا، خنو معمولی

Plectorhynchus schotaf ماهی سنگسر خاکستری قهوه‌ای، ینم، دختر ناخدا

Plectorhynchus sordidus ماهی سنگسر قهوه‌ای دختر ناخدا

Pleistocene (epoch) دورهٔ پلئوستوسن از عصر سنوزوئیک، دورهٔ یخبندان زمین که ۱۰۰۰۰ سال پیش تمام شد.

pleopod پای شنا، زائده‌های شکمی بعضی از سخت‌پوستان که برای شنا بکار می‌روند.

Pleospongia اسفنجهای فسیلی مرجان مانند دورهٔ کامبرین

Plesiosaurs پلسیوسارو، خزندهٔ دریایی منقرض شده عصر دوم زمین شناسی

pleuston گیاهان عالی که بر سطح آب یا در درون آن شناورند.

plicate چین دار، تاخورده، چروک، پلیسه‌ای

Pliocene (epoch) دورهٔ پلیوسن از دوران سوم زمین شناسی، دورهٔ عقب‌نشینی دریای تتیس که تا ۴ میلیون سال پیش تداوم داشت.

Plotosus anguillaris ماهی لورو، گزیم، گرزک

plow, to چین دادن ماهی، چین دادن پهلوهای ماهی ماکرل لاغر و دادن ظاهر فریبه به آن، بصورت اسمی به کارد مورد استفاده در این عمل گفته می‌شود.

pluck = red terter

plug ماهی شناور، وسیلهٔ گول زننده‌ای مصنوعی شبیه یک ماهی کوچک

plunge دره‌های زیر دریایی، امواجی که از ساحل به طرف دریا برمی‌گردند.

plunge point ۱) نقطه فروریزی موج در یک موج آواری، نقطه‌ای که در آن موج، حلقه زده فرو می‌افتد. ۲) آخرین نقطه شکست امواج، درست قبل از یورش به ساحل

plunging breaker موج شکن چرخان

pneumatocyst کیست هوادار، سیست هوادار

poach حمل غیرقانونی ماهی یا صید غیرقانونی آن به روشهای ورزشی

pocket beach ساحل کوچک

podpod ماهی جوشیده، دودی شده و چاشنی زده

Pogonophora کرمهای ریشی، کرمهای لوله‌ای بی‌دهان، کرمهای کفزی عمقی (زیر ۱۰۰۰ متر عمق)

poikilotherm جانور خونسرد، جانوری که دمای بدنش با تغییر دمای محیط تغییر می‌کند.

poikilothermic خونسردی، وابسته به نوع جانوران خونسرد

point ۱) باریک کردن (انتهای طناب) ۲) دماغه کوچک، انتهای بیرونی هر خشکی که معمولاً کمتر از یک دماغه در آب پیش رفته است

point discharge نقطهٔ تخلیه، تخلیهٔ یک مایع در یک جریان آبی در یک نقطه یا محل مشخص

poised stream رودخانه بدون فرسایش و رسوب

poison bait طعمه سمی

poison fishing ماهیگیری با سم، روش ماهیگیری براساس کاربرد سموم انتخابی که برای انسان بی‌ضرر هستند.

poke حفرهٔ شکمی ماهی، بخصوص در ماهی هالیبوت

polar قطبی، مناطق قطب شمال یا قطب جنوب

polar biome زیبوم قطبی، اجتماعات گیاهی و جانوری قطبهای زمین

polar fronts جبهه‌های قطبی، حد و مرزهای کم و بیش دائمی که آبهای سرد قطبی را از آبهای گرمتر عرضهای جغرافیایی میانی مجزا می‌نماید. همچنین در عرصه اقیانوس‌شناسی به واگرایی اقیانوس منجمد شمالی و واگرایی آبهای اقیانوس منجمد جنوبی اطلاق می‌شود.

polar glaciers یخچالهای طبیعی قطبی

Polaris = North Star = Pole Star = Phoenician Star ستاره قطبی، ستارگان شمال، ستارهٔ راهنمای فنقیها، یکی از ستاره‌های دب اصغر (خرس کوچک)

pole دسته، قطب

pole and line قلاب و دسته، چنگه (مازندران)

pole and line fishing صید با قلاب و دسته

pole and line vessel شناور مجهز به قلاب و دسته

pole mast دکل یکپارچه

pole star ستاره قطبی، مراجعه شود به *Polaris*

pollock ماهی پولاک، ماهی تجاری - ورزشی از خانواده گادیده با نام علمی *Pollachius virens*



ماهی پولاک *Pollachius virens*

pollutant آلاینده، مواد آلودگی‌زا برای ماهی که بطور عمد یا غیرعمد بوسیلهٔ انسان در دریا یا آبهای شیرین ریخته می‌شود و باعث آلودگی غذای ماهی می‌گردد. عمده‌ترین مواد آلاینده عبارتند از: فلزات سنگین، هیدروکربن‌های کلردار، روغنهای معدنی، ایزوتوپهای رادیواکتیو و میکروارگانیزمها

polluted آلوده

pollution آلودگی، هر نوع تخریب کیفیت آب از طریق فاضلابها، حشره‌کشها و زباله‌های دستی

pollution control مهار آلودگی

pollution environmental آلودگی محیط‌زیست

pollution, marine آلودگی دریا

Polychaeta پرتاران، پلی کیتها، کرمهای بندبند حلقوی پرتار

polychlorinated biphenyl (PCB) ماده شیمیایی پلی‌کلرین بایفنیل

polyculture کشت چندگونه‌ای، کشت توام، کشت بیش از یک گونه ماهی یا سایر آبزیان در یک استخر پرورشی

Polydactylus plebeius ماهی راشگوی مخطط

***Polydon spathula* = paddle fish** ماهی پوزه پارویی

Polynemidae = thread fins, tasse fishes خانوادهٔ راشگو ماهیان

***Polynemus eleutheronema* = four finger threadfin** ماهی راشگو

***Polynemus plebeius* = common threadfin** ماهی راشگوی مخطط

***Polynemus sextarius*=black spot threadfin** ماهی راشگوی خالدار، طاهر

Polynesia جزایر پولینزی، مجموعه جزایر اقیانوس آرام جنوبی و مرکزی شامل زلاندنو و هاوایی، فوجی، ساموآ، تونگا و چند جزیرهٔ دیگر

polyp پولیپ، تشکیلات ستونی شکل کنیداریانها مانند مرجانهای آهکی

polyphosphate پلی‌فسفات، یکی از ترکیبات پیچیدهٔ نمکهای فسفر که می‌توان از آن بصورت محلول برای بالا بردن کیفیت عمل‌آوری استفاده نمود. از آن برای جلوگیری از تراوش آب داخل فیله به بیرون و در نتیجه ظاهر بهتر فیله ماهی استفاده می‌شود.

polyspermous fertilization لقاح چند اسپرمی

Pomacanthus maculouse ماهی هاماد

***Pomadasyes hasta* = lined silber grunt** ماهی سنگسر نقره‌ای

Pomadasyidae = grunts, sweetlips خانوادهٔ سنگسر ماهیان

Pomadasys argentea ماهی سنگسر

***Pomadasys maculatus* = blotched grunt** ماهی سنگسر چهار لکه‌ای

Pomadasys multimaculatus ماهی سنگسر پرلکه، سنگسر معمولی

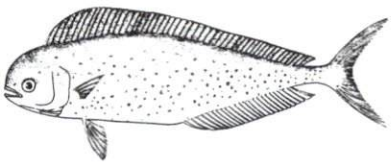
***Pomadasys operculare* = small spotted grunt** ماهی سنگسر منقوط

Pomadasys stridens ماهی کمگام، کورکوره

pomfret = *Stromateus cineveus, Pumpus argentus* ماهی حلوا، زبیدی، صبیتی

pompano dolphin fish ماهی ماهی، گالیت سرحلوایی، دلفین ماهی پومپانو، گونه‌ای از خانوادهٔ دلفین ماهیان یا گالیت ماهیان با نام علمی *Coryphaena equiselis* که طول آن ۵۰ تا ۷۵ سانتیمتر است و از ماهیان کوچک و ماهی مرکب تغذیه می‌کند. احتمالاً در تمام منطقهٔ اقیانوس هند غربی تا حدود عرض ۳۰ درجهٔ جنوبی و نیز بیشتر در دریاهای گرمسیری و نیمه گرمسیری وجود دارد. این ماهی ساکن آبهای آزاد است، ولی نزدیک ساحل و در آبهای اقیانوسی هم دیده می‌شود. گونه‌ای سطحزی است که به تعقیب کشتیها می‌پردازد و در زیر سایر اجسام شناور تجمع می‌نماید. از آبهای ایران، در دریای عمان دیده

می‌شود. اغلب توسط قلابهای کششی و قلابهای شناور صید می‌گردد.



ماهی گالیت سر حلوایی، دلفین ماهی پومپانو
Coryphaena equiselis

pond استخر، حوضچه خاکی، آبگیر نسبتاً کم عمق و کوچک مصنوعی که آب آرام دارد و در آن منطقه ساحلی، بیشتر وسعت را اشغال می‌کند.

pond, aestival استخر تابستانی

pondage حجم، ظرفیت، ظرفیت آبی یک حوضچه

pond - bank خاکریز استخر

pond bottom کف استخر

pond, circular استخر (حوضچه) مدور

pond, dammed استخر خاکریزدار

pond, desiccated استخر خشک شده (تخلیه شده)

pond, drainable استخر قابل زه‌کشی (تخلیه)

pond drying خشک کردن استخر، خشکانیدن استخر

pond, effluent جریان خروجی آب، در رو آب

pond, enriched-water استخر با آب غنی از مواد غذایی

pond, experimental استخر آزمایشی

pond fauna فون (مجموعهٔ جانوران) استخر

pond fertilization کوددهی به استخر، کودرسانی به استخر

pond fish ماهی استخری، ماهیان استخری، ماهیان پرورشی، ماهی که اغلب در یک استخر یا حوضچه پرورش می‌یابد.

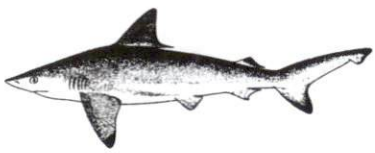
pond fish culture پرورش ماهی در استخر، ماهی‌پروری در استخر، هر گونه پرورش برای تولید و افزایش تولید ماهی در حوضچه‌ها

pond fish rearing پرورش ماهی استخری

pond flora گیاهان استخری، فلور (مجموعهٔ گیاهان) استخر

pond - grate پرده‌ای یا شبکه‌ای که در محل ورود یا خروج آب قرار می‌گیرد تا از فرار ماهیان درون حوضچه جلوگیری کند.

pondicherry shark نوعی کوسه از خانوادهٔ Carcharhinidae با نام علمی *Carcharinus hemiodon* که نوع بالغ آن شناخته شده نیست ولی نابالغ آن حداکثر تا ۶۰ سانتیمتر طول دارد. نوع تغذیهٔ آن شناخته شده نیست ولی شاید از ماهیهای کوچک، سخت‌پوستان و سرپایان تغذیه می‌کند. برای انسان خطرناک نیست. پراکندگی این کوسه محدود به قسمت شمال شرقی اقیانوس هند غربی، از خلیج عمان تا پاکستان، هند و شاید سریلانکا می‌باشد. در اقیانوس هند شرقی از هندوستان تا ویتنام و جزایر فیلیپین، چین و اندونزی گزارش شده که وارد آبهای شیرین هند و ویتنام می‌شود. ظاهراً در آبهای ساحلی تا آبهای دور از ساحل دیده می‌شود. این گونه زنده‌زا می‌باشد. از آبهای ایران، در دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر ثابت کفی و شاید قلاب انجام می‌شود.



Carcharinus hemiodon

ponding استخر سازی، تشکیل طبیعی دریاچه یا تودهٔ آبی بسته

pond, monured استخر کود داده شده، بارور شده

pond, natural استخر طبیعی

pond, running water استخر با آب جاری

pond scraping نظافت استخر

ponds in parallel استخرهای موازی
مراجعه شود به *parallel pond*

ponds in series استخرهای متوالی

pond soil خاک استخر

ponds, stepped استخرهای پله‌ای

pond, stocked استخر ماهیدار شده

pond, unfertilized استخر کود داده نشده

pond vegetation گیاهان استخری

pond weed گیاهان هرز استخر، هر نوع گیاه آبزی شناور یا غوطه‌ور در آب راکد و آرام رشد می‌کند. بیشتر متعلق به گونه‌های Potamogetonaceae هستند.

pool مکان عمیق یا نیمه عمیق در رودخانه یا نهر، آبگیر کوچک طبیعی که آب راکد دارد.

pool (for fish) حوض (جهت ماهی)

poop عرشه عقب کشتی

poorly nourished تغذیه ضعیف، دریافت مقدار بسیار کمی غذا یا مواد غذایی ناکافی (و فاقد برخی ترکیبات) که منتهی به گسترش عوارض کمبود می‌شود.

pope = *Acerina cerhua* نوعی ماهی از خانوادهٔ سوف ماهیان (Percidae)

population جمعیت، افراد یک گونه که در یک منطقهٔ مشخص وجود دارند. مجموعه یا گاهی نژادی از یک جمعیت که بعنوان یک واحد زیستی محسوب می‌شوند.

poulation density تراکم جمعیت، تعداد یا تودهٔ افراد در یک جمعیت معین در واحد سطح

population dynamics پویایی جمعیت

populations of fish جمعیتهای ماهیان

population structure ساختار جمعیت، نشانگرهای ویژگیهای یک جمعیت معین مانند سن، اندازه، ترکیب، نسبت جنس و ...

Porifera اسفنجها، پوریفرا، شاخهٔ اسفنجها

porpoise پورپوز، نوعی پستاندار دندان‌دار شبیه دولفین ولی کوچکتر که جلوی کشتیها می‌جهد.

port بندرگاه، طرف چپ کشتی (رو به جلو)، دریچه یا مجرایی در طرفین کشتی که برای بارگیری یا تهویه بکار می‌رود

port auxiliary service یگان خدمات بندری

port dues عوارض بندری

port-hand buoy بویه سمت چپ

port hole روزنه کشتی، دریچه

port of registry محل ثبت کشتی

portage مزد ملوان، کرایه حمل بار کشتی

portboard سمت چپ کشتی

portion بخش، قسمت، تکه‌ای از فیلهٔ تازه که دارای وزن و اندازه مشخص است. در ماهی منجمد، لکه‌های منجمد شده که دارای شکل مستطیل، اندازه و وزن مشخص است و از یک تکه منجمد شده گوشت ماهی بریده می‌شود.

Portuguese man of war نوعی عروس دریایی، مرد جنگلی پرتغالی، گونه ظریف و شفاف شناور از جنس *Physalia*، متعلق به شاخهٔ مرجانیان که در آبهای گرم دریای کارائیب و اقیانوسهای آرام و هند زندگی می‌کند. این گونه سمی دارد که می‌تواند انسان را بکشد. لاک‌پشت دریایی صیاد این گونه است.

Portuguese oyster = *Crassostrea angulata* صدف پرتغالی، صدف پوسته سخت پرتغالی

position موقعیت، مکان (کشتی)

position fixing تعیین موقعیت، نقطه‌یابی

posterior خلفی، عقبی

post larvae پس نوزاد، مرحله بعد از نوزادی، نوزاد مرحلهٔ سخت‌پوستان

post-larval stage مرحلهٔ پس نوزادی، مرحلهٔ پیشرفته نوزادی

post meridian (PM) بعدازظهر

post ocular = postorbital پشت چشمی

post orbital head length طول سر از

پشت تا انتهای سرپوش آبششی

post smolt مرحلهٔ پس از جوانی قزل آلا، در مورد قزل‌آلاها، مراحل خروج از رودخانه تا تشکیل حلقه در پایان اولین زمستان در دریا را می‌گویند.

post spawning پس از تخمریزی، مربوط به زمان پس از تخمریزی

post-spawning phase مرحلهٔ پس از تخمریزی

pot ظرف ، مراجعه شود به ظرف صید ماهی، fish pot

pot (wire basket) تله (گرگور)

potamodromous ماهیان رودرو (از آب شیرین به آب شیرین) ماهیانی که در دریاچه‌ها زندگی می‌کنند و برای تخمریزی وارد رودخانه‌ها می‌شوند.

Potamonidae پوتامونیده، خانواده انواعی از خرچنگهای آب شیرین

potassium (K) پتاسیم، غلظت یون K در دریا ۰/۰۴ گرم در لیتر می‌باشد.

potato grouper هامور سیب زمینی، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus tukula* که بیشترین طول آن ۲۰۰ سانتیمتر است. در اقیانوس هند غربی تا شمال ناتال و در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و بطرف شرق تا جنوب ژاپن وجود دارد ولی در ماداگاسکار، دریای سرخ و خلیج فارس گزارش نشده است. از آبهای ایران در دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط قلاب و ریسمان در بسترهای سنگی در عمق ۱۰ تا ۱۵ متری انجام می‌شود.



هامور سیب زمینی *Epinephelus tukula*

potential energy of waves انرژی بالقوه امواج، انرژی ناشی از بالا و پایین رفتن سطح آب نسبت به سطح غیر متلاطم آن در یک موج پیشرونده

pot gear دام کوچک قابل حمل که معمولاً یک دهانهٔ کوچک دارد و دارای یا فاقد طعمهٔ فریبنده است.

pothole سوراخ تله

pot vessel شناور تله گذار، شناور تله‌ریز

pound محوطه‌ای برای ماهی، حوضچه‌ای برای صید با تور

pound-net مشتا (با حجرهٔ رو باز)

power block قرقره برقی، قرقره دوار،

power boat قایق موتوری

power driven vessel یکان شناور موتوری

pox آبله، نامی عمومی برای بیماریهای مختلفی که ویژگی آنها جوشهای قابل ترکیدن یا زخمهای روی پوست می‌باشد.

ppm قسمت در میلیون، مخفف part per million

praho خمیر ماهی تخمیر شده

prawn میگوی بزرگتر از ۸ سانتیمتر از جنسهای *Pandalus* و *Penaeus* که در آبهای شور یا لب شور زندگی می‌کند. انواع استوایی آب شیرین این جنسها بزرگتر (۱۸ تا ۲۰ سانتیمتر است).

preadaptation قبل از عادت‌یابی، پیش سازگاری

prebaiting طعمه‌دار کردن قلاب قبل از صید

precession انحراف محور چرخشی زمین (یا ماه)

precipitation ته نشین شدن، جدا شدن یک مادهٔ شیمیایی از حالت محلول و ته‌نشینی آن در بستر بصورت جامد

predaceous = predatory شکار، شکاری، صیادی

predation درندگی، صیادی، ماهیخواری عمل شکار کردن یا خوردن سایر جانوران

predator صیاد، شکارچی،
جانوری که از طریق صید (شکار) جانوران دیگر به حیات خود ادامه می‌دهد.

predator control کنترل صیادان (جانوری)

predatory - prey interaction
اندرکنش صید و صیاد، مراجعه شود به ارتباطهای صید و صیاد (Predatory - prey relations)

predatory - prey relations
ارتباطهای صید و صیادی، ارتباط موجود بین صیاد و جمعیتهای صید شونده در یک محیط که شامل تنظیم تعداد و ویژگیهای شکار است و منجر به تعادل پویای این جمعیتها می‌شود.

predators صیادان، ماهیخواران

predatory fish ماهی درنده

predorsal length طول پیش پشتی (پاله)

predry, to گرفتن مقداری از رطوبت لایه‌های سطحی ماهی قبل از دودی کردن

prefrontal پیش پیشانی

Pregnant Mare Serum (PMS)
سرم مادیان باردار

prehension دریافت

premaxilla قسمت جلویی دو استخوان آروارهٔ بالایی، پیش فک

premaxillary پیش فکی

preopercle استخوانی هلالی قبل از استخوان خلفی سرپوش آبشش در قسمت پشت و پایین چشم که قسمت جلویی سرپوش آبششی را تشکیل می‌دهد.

prepacked پیش بسته، بسته‌بندی شده قبل از ارائه برای فروش کلی، بسته‌بندی از پیش

preparation آماده کردن ماهی،
اعمال مختلفی که روی ماهی تازه صورت می‌گیرد، از قبیل پاک کردن، برش دادن، پوست کندن، فیله کردن، روده‌کشی، سرزنی، جداکردن سر و روده بدون شکافتن شکم، اسپلت کردن و شستن

preservation نگهداری، محافظت یا
کلیهٔ فعالیتهایی که منجر به حفظ و نگهداری گونه‌های کمیاب موجودات مختلف می‌گردد و به حفظ مناطق انتخاب شده‌ای از محیط زیست به شکل طبیعی کمک می‌کند.

preservative نگهدارنده،
ماده‌ای که به ماهی و محصولات حاصله از آن اضافه می‌شود تا طول عمر نگهداری آنرا زیاد کند. نمک، سرکه، دود و مواد ضد اکسیدگی از انواع مواد نگهدارنده می‌باشند.

prespawning = pre-spawning
قبل از تخمریزی، مربوط به زمان قبل از تخمریزی

press, to = water horse, to =

pressed caviar خاویار فشرده،
تخمهای تاسماهیان شور شده در شوراب که برای کاستن مایعات اضافی فشرده می‌شود.

press fish ماهی پرس شده، ماهی فشرده،
فیله‌ها و برشهای ماهی خشکیده در خلاء که بصورت بلوک متراکم شده است.

press pile, to = cross pile, to

pressure hull بدنه فشار پذیر زیر دریایی

prevailing winds بادهای چیره،
بادهای غالب یک منطقه

prey صید، جانوری که بوسیلهٔ یک حیوان گوشتخوار دیگر بعنوان غذا شکار یا کشته می‌شود.

***Priacanthus arenatus* = bigeye**
ماهی سرخوی چشم درشت، آگال

Priacanthus hamrur ماهی گلبرگ

***Priacanthus tayenus* = Purple-spotted bigeye** ماهی حوضی دریا

Priapulida دسته‌ای از کرمهای حلقوی حفار کفزی، صافگیر و گندر

primary factor عامل اولیه ،
عاملی که در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد.

primary food غذای اولیه، مهمترین غذا در یک رژیم غذایی (غذای ماهی)

primary production تولید اولیه،
آن قسمت از تولید کلی آب که به وسیلهٔ گیاهان تک سلولی و پر سلولی آب حاصل می‌شود.

primary tidal station ایستگاه اصلی جزر و مد

prime بهترین، ماهی که دارای بهترین کیفیت است. برای یک صفت از جمله تازگی، اندازه‌های یکنواخت و غیرهٔ بکار می‌رود.

prime meridian نصف‌النهار گرینویچ،
نصف‌النهار مبداء، دایرهٔ نیمروز مبداء

priming of the tide
طغیان جزر و مد در تربیع اول و سوم

primitive equation model (PE)
مدل معادلهٔ مقدماتی، مدلهای رقمی که در آن از معادله اساسی حرکت معادله استاتیک استفاده می‌شود.

priskly croaker نوعی ماهی شوریده

Pristipomoides تعتعو با نام علمی
Aspericorvina jubata

pristis sp. ماهی اره دار، اره ماهی

privateer کشتی تجاری که در زمان جنگ مصادره شود.

probable maximum water level
تراز بیشترین آب محتمل، تراز آب پیشینه محتمل، بالاترین سطح ممکن آب در اثر مجموعه عوامل تأثیر گذار بر سطح بدنه آبی

proboscis عضو خرطومی شکل، پوزه، وسیله جمع‌آوری غذا در ناحیهٔ سر برخی از بی‌مهرگان

Procellaridae خانوادهٔ پرندگان دریایی شامل مرغ ماهیخوار و مرغ غواص

Procellariformes راستهٔ مرغان دریایی غواص

proctal fin = anal fin بالهٔ مخرجی

procumbent خمیدن به سوی جلو

produced تولید شده، دراز، بیرون زده

producing capacity ظرفیت تولید،
مراجعه شود به Carring capacity

production تولید، افزایش وزن موجودات پرورشی در طول دورهٔ پرورش

productivity توان تولید،
گنجایش تولیدی یک سازگان آبی، تولید کلی سالانهٔ یک آبگیر

profile, beach نیمرخ دریاکنار، نیمرخ ساحل

profile of water table
مقطع عمودی سفره آب زیرزمینی

profundal عمقی

profundly sea دریای ژرف،
گودال عمیق دریایی

profundal zone ناحیهٔ عمقی،
ناحیهٔ زیستی بین ناحیهٔ آب شیرین تا مناطق عمقی دریاچه که طبقه‌بندی دمایی دارد. منطقهٔ بسته‌ای در یک دریاچه که گیاهان آبزی ریشه‌دار نمی‌توانند در آن رشد کنند.

progeny نسل

proglacial lake دریاچهٔ پیش یخچالی، دریاچهٔ جلو یخچالی

progression of a beach پیشروی ساحل

progressive wave موج پیشرونده

projection دماغه، شبه جزیره، پیشرفتگی

projector پرتاب کننده، جلو رونده، جلوانداز، پروژکتور

prolarval stage = sac fry

مرحله پیش لاروی، بچه ماهی که کیسهٔ زرده دارد.

promontory دماغه بلند، نقطه‌ای بلند در روی زمین که بر توده‌ای از آب مشرف است.

prootic (pro-otic) استخوان پیش گوشی

prooxidant کاتالیزور اکسیدگی، ماده‌ای که اکسیداسیون را تسریع می‌کند. برای مثال، نمک دریا در ماهی منجمد و یا نگهدارنده‌ها در گوشت تیرهٔ ماهی

propagtion تولید مثل، جوانه‌زنی، تولید، ازدیاد، چند برابر کردن گیاهان و جانوران با هر روش ممکن

propagation loss افت انتشار صوت، افت انتشار انرژی صوت در میان آب که بیشتر در اثر جذب و واگرایی صوت می‌باشد.

propagation of waves انتشار امواج، پراکنش امواج، گسترش امواج

propeller = screw پروانه کشتی، ملخ هواپیما

propionic acid اسید پروپیونیک، مادهٔ نگهدارنده‌ای که در صید صنعتی در ساختن آرد ماهی بکار می‌رود.

propodite = propodus مفصل پای ششم بعضی از سخت‌پوستان

propulsion رانش

protandrous پیش نر، حالت نر مادگی که در آن ماهی ابتدا بصورت نر است و سپس به نقش ماده عمل می‌کند.

protected fish zone منطقهٔ ماهی حفاظت شده، بخشی از یک آبگیر که در آن صید ماهی ممنوع است.

protected water آب حفاظت شده برای لنگرگیری قایقها

protection zone منطقهٔ حفاظت

protein اولین، مقام اول، پروتئین، هر یک از انواع و ترکیبات آلی ازت‌دار ضروری در جیرهٔ غذایی که از ترکیب اسید آمینه ایجاد می‌شود. تعدادی از انواع پروتئینها در یک غذا

protein content مقدار پروتئین، پروتئین موجود در غذاکه در حالت غیرخالص بصورت درصدی از وزن کل ماهی داده می‌شود. بطور کلی، پروتئین از ۱۵ تا ۲۰ درصد وزن ماهی را تشکیل می‌دهد.

Protein Efficiency Ratio (PER)

نسبت کاریی پروتئین، ضریب ارزش کیفی پروتئین، عامل اندازه‌گیری ارزش کیفی غذاها، نسبت بین مقدار پروتئین مصرف شده و مقداری که تولید می‌شود.

protein extractability test

آزمایش قابلیت استخراج پروتئین، آزمایش استخراج پروتئین، آزمایش مقدار جدا شدگی پروتئین، روشی برای آزمایش تغییر حالت گوشت ماهی در شرایط نگهداری در سردخانه. در این روش، اندازه‌گیری درصد پروتئینها، بویژه اکتومیوزین که در آب نمک حل می‌شود، مورد نظر است. به آن آزمایش قابلیت انحلال پروتئین هم گفته می‌شود.

protein-free diet غذای بدون پروتئین

protein solubility test

مراجعه شود به *Protein extractability test*

protein sparing بهره‌برداری از پروتئین برای رشد و نمو، جلوگیری از مصرف پروتئین برای

ایجاد انرژی و استفاده از چربیها و مواد قندی به جای آن

proteins پروتئینها،

ترکیبات آلی بسیار پیچیده‌ای که مستقیماً در پدیده‌های شیمیایی نقش دارند و برای ادامه حیات لازم هستند. ترکیبات غذایی سازنده‌ای که برای همه جانوران ضروری می‌باشند.

proteolysis پروتئولیز، تجزیه شدن پروتئین،

تجزیه شدن پروتئین به اسیدهای آمینه در اثر هیدرولیز

proteolytic enzyme آنزیمی که تجزیه پروتئینها را انجام می‌دهد.

Protista سلسلهٔ آغازیان، پروتیستها،

موجودات یوکاریوت شامل تاژکداران، مژه‌داران، دینوفلاژله‌ها و بعضی از جلبکهای تک سلولی

protogynonus حالت نر مادگی که در آن ماهی ابتدا بصورت ماده و سپس به نقش نر عمل می‌کند.

protoplasm پروتوپلاسم، مادهٔ ژله مانندی که قسمت عمدهٔ حجم سلول را تشکیل می‌دهد، کلیهٔ مواد داخل سلول غیر از هسته

Protozoa پروتوزوآ، آغازیان،

جانوران تک سلولی میکروسکوپی، پیش‌زیان تک یاخته‌ای که در آبهای شیرین، شور و محیطهای مرطوب فراوان هستند.

Protozoan آغازی، پروتوزوئر،

میکروارگانیزمهایی که می‌توانند باعث آلودگی ماهی شوند و بعد از صید گوشت آن را نرم و شیری کنند (بخصوص در هالیبوت، هیک و شمشیر ماهی)

protozoan disease بیماریهای پروتوزوآیی،

بیماریهایی که توسط آغازیان جانوری مانند *Chthyophthirius* و *Myxosoma* ایجاد می‌شود.

protozoan infection عفونت،

آلودگی پروتوزوئری (تک یاخته‌ای)

protrusile = protrusible پرتابی،

قابل پرتاب به جلو

pround sea دریای خروشان

proximate composition ترکیب تقریبی،

ترکیب ماهی یا فرآورده‌های آن بصورت مواد اصلی، مانند پروتئین، چربی، آب و گاهی خاکستر. به آن ترکیب خام هم گفته می‌شود.

psammon ماسه‌ای

***Psettodes erimei* (Indian hulibut)**

ماهی کفشک (کوچک)، هالیبوت هندی

psettodidae = Indian hulibuts

کفشک ماهیان، هالیبوتها

pseudo branch آبشش کاذب، اندام آبشش مانند کوچک در قسمت داخلی سرپوش آبششی

pseudooceanic شبه اقیانوسی،

موجودات دریایی که در فلات قاره هستند.

***Pseudorhombus arius* = large tooth flounder** کفشک ماهی دندان بزرگ

***Pseudorhombus elevalusogolby* = deep flounder** کفشک ماهی نازک

***Pseudorhombus javanicus* = javan flounder** کفشک ماهی نازک جاوه‌ای

***Pseudorhombus malayanus* = Malayan flounder** کفشک ماهی نازک مالایی

***Pseudorhombus oligondon* = Rough scale flounder**

کفشک ماهی سخت پوسته

***Pseudosciaen axillaris* = Kathala croaker**

ماهی شبه شوریده، شوریده کاتالا

***Pseudosciaen bleekeri* = amoy croaker**

ماهی بایلانی (نمونه‌های بزرگ)

psychrometere سرماسنج

Pterios russelli خروس دریا

Pteroplatea poecilura ماهی کافر

Pteropoda پَرپائیان، نرم‌تنان شکمپای پَرپا مانند پروانهٔ دریایی

***Pterotolithus lateoides* = bigmouth croaker** ماهی شوریده دهان گشاد

pterygoids استخوانهای سقف و دیواره‌های دهان ماهی در پشت پالاتینها

pterygopodium پای تناسلی، آلت جفت‌گیری ماهی، آلت انتقال اسپرم در برخی ماهیان

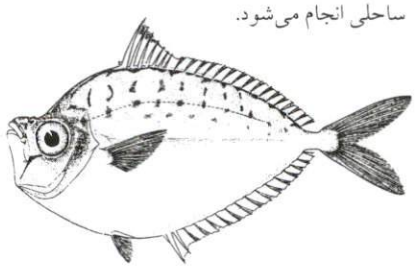
public health organisms میکروارگانیزمهایی که روی سلامت و بهداشت عمومی اثر می‌گذارند. معمولاً به عوامل بیماریزا گفته می‌شود.

Puerto Rio Trench ترانشه پورتریکو، عمیق‌ترین نقطهٔ اقیانوس اطلس شمالی با ۸۳۸۵ متر عمق در لبهٔ صفحهٔ کارائیب

puffer = blow fish = globe fish ماهی پفی، ماهی بادکنکی، ماهی خاردار دریازی از خانوادهٔ تترااودونتیده Tetraodontidae

puffin مرغ ماهیخوار دریایی شبیه پنگوئن، پافین

pugnose ponyfish پنجزار ماهی پهن بینی، گونه‌ای از خانوادهٔ پنجزار ماهیان یا فوکور ماهیان با نام علمی *Secutor insidiator* که طول آن ۸ تا ۱۰/۵ سانتیمتر است و از سخت‌پوستان کوچک تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، در سواحل شرقی آفریقا، در آبهای ناتال و جنوب موزامبیک، اطراف ماداگاسکار و سیشل، دریای سرخ، خلیج فارس و در تمام سواحل هندوستان و سریلانکا و در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی به طرف استرالیا و هائیتی وجود دارد. ساکن آبهای کم عمق ساحلی است و عمدتاً در نزدیک کف دریا و بصورت گله یافت می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تور کششی کفی و نیز تورهای کیسه‌ای، گوشگیر و احاطه‌ای ساحلی انجام می‌شود.



پنجزار ماهی پهن بینی *Secutor insidiator*

pulling boat قایق پارویی

pull net کشیدن تور، مراجعه شود به dray net

pulse زنش، ضربان

pulse duration زمان زنش، طول زمان زنش

pulse length طول زنش

pumpkin seed = *Lepomis giboosus* نوعی خورشید ماهی، ماهی تخمه کدویی

Pumpus argenetus ماهی حلوا سفید، زبیدی

puncheon tub تغار خمره‌ای شکلی که به دو قسمت بریده شده است.

pungent تیز، نوک تیز، خاری، تیغی

pupation پیله‌زدن، قرار گرفتن درون پیله برای گذراندن دگردیسی

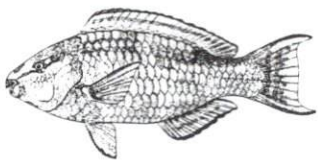
pupation pupil diameter قطر مردمک، اندازهٔ داخلی مردمک چشم

puppis پاشنه کشتی

purification تمیز کردن، پاک کردن، برداشتن، جدا کردن یا از بین بردن میکروارگانیزمها از روی نرم‌تنان آلوده

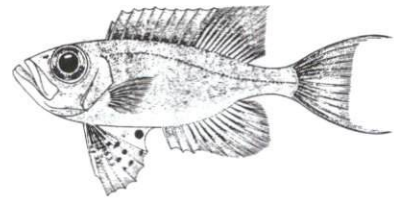
purple-brown parrotfish

طوطی ماهی قهوه‌ای ـ بنفش، گونه‌ای از خانوادهٔ طوطی ماهیان با نام علمی *Scarus fuscopurpureus* که طول آن حدود ۲۸ سانتیمتر است. در دریای سرخ، خلیج عدن و دریای عمان وجود دارد. در آبهای کم عمق اغلب روی بسترهای شنی یا علفی یافت می‌شود. از آبهای ایران، در دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ دام، تور و دیگر ابزار صید سنتی انجام می‌شود.



طوطی ماهی قهوه‌ای ـ بنفش *Scarus fuscopurpureus*

purple - spotted bigeye ماهی حوضی دریا، گونه‌ای از خانوادهٔ Priacanthidae با نام علمی *Priacanthus tagenus* که طول آن ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر است. از جانوران کفزی تغذیه می‌کند. در سراسر قسمت شمال اقیانوس هند غربی، از خلیج فارس (وشایر آفریقای جنوبی) بطرف شرق تا اقیانوس آرام وجود دارد. این گونه کفزی بوده و در آبهای کم عمق تا اعماق ۱۵۰ تا ۲۰۰ متری زندگی می‌نماید. ساکن مناطق صخره‌ای یا مرجانی می‌باشد. گاهی بصورت گروهی یافت می‌شود. انواع کوچکتر آن در آبهای ساحلی داخلی یافت می‌شوند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای کششی کفی و قلاب دستی انجام می‌شود. مقدار صید در طلوع و غروب خورشید بیشتر است.



ماهی حوضی دریا *Priacanthus tagenus*

purse کیف، تور کیف یا کیسه مانند

purse hoop net تور بالاکش بسته شونده

purse seine تور گردان پیاله‌ای، پرس سین

purse seiner شناور مجهز به تور گردان پیاله‌ای، پرسینر

purse seining صید با تور کیسه‌ای، صید با تور پیاله‌ای

push net تور ملاقه‌ای فشاری، کیسهٔ مثلثی شکلی با سوراخهای باریک که با دست کار می‌کند. این تور در آبهای کم عمق با یک حرکت افقی، ماهی را صید می‌کند.

put- and take fishery ریختن و صید ماهی

put on rudder سکان گذاشتن

putre scine بوی بد حاصله از ماهی در آخرین مراحل فساد باکتریایی

puttyfish قسمتی از گوشت ماهی شور شده که باندازه کافی شور نشده و در اثر باکتریها فاسد می‌شود.

P V (Peroxide Value) ارزش پراکسید

pycnocline لایهٔ انفصال چگالی (جرم حجمی) یا پیکنوکلاین، لایهٔ افقی با ضخامت محدود که در آن دانسیته (تراکم یا جرم حجمی یا وزن مخصوص) آب بطور عمودی ناگهان تغییر می‌کند. بنابراین ترموکلاین و

هالوکلاین، هر دو پیکنوکلاین می‌باشند. بهر حال این اصطلاح کمتر در مورد هالوکلاین بکار می‌رود.

pyloric appendages سکومهای گوارشی، زوائد پیلوری، برجستگیهای انگشت مانند در اندامهای گوارشی

pyloric caeca سکومهای گوارشی، زائده‌های گوارشی، زوائد انگشت مانند تو خالی که در نزدیکی زیر معده به روده چسبیده‌اند و آنزیمهای گوارشی مانند تریپسین تولید می‌کنند.

pyrophoshate پیروفسفات، نوعی مادهٔ شیمیایی که به کنسرو ماهی اضافه می‌شود تا از تولید بلورهای کوچک سولفات منیزیوم در قوطی جلوگیری گردد.

Pyrrophyta جلبکهای تاژکدار دینوفلاژله، پیروفیتا

pyxis قطب نما

Q

Q = squalls باد و بوران

quadrant یا **Davis quadrant**
وسیله‌ای که برای اندازه‌گیری مدار خورشید بکار می‌رود.

quadrantal davit قایق بالابر متحرک، جرثقیل متحرک

quaginire مرداب

quality ۱) کیفیت، درجه مرغوبیت کالا
۲) مناسب بودن با توجه به منظور تهیه کالا
۳) مجموعه ویژگیهایی که خریدار برای پذیرش کالا در نظر می‌گیرد.

quality assessment ارزیابی کیفیت، اندازه‌گیری فاکتورهای کیفی، مشخص کردن کیفیت قبل از اقدام به کنترل

quality assurance کنترل کیفی کالا، کنترل همهٔ فاکتورها برای حصول کیفیت شامل جلوگیری، شناسایی، تشخیص و تصحیح مشکلات وابسته به کیفیت، حصول اطمینان از کیفیت

quality attribute عامل کیفیت

quality audit ۱) بازرسی فرآورده‌های ماهی توسط خریدار برای بررسی ویژگیهای کیفی مورد نظر
۲) کنترل کیفی کلی

quality control بازرسی کیفی، کنترل کیفی

quality deterioration کاهش کیفیت آبزیان بعد از صید، ایجاد فساد در آبزیان، بخصوص ماهی و فرآورده‌های آن

quality evaluation اندازه‌گیری فاکتورهای کیفی

quality factor فاکتور کیفی، ویژگیهایی که برای بررسی کیفیت کالای ماهی بوسیلهٔ داوران بررسی می‌گردند. برای مثال گونه، اندازهٔ ترکیب، بافت، تازگی و غیره

quarantine buoy بویه قرنطینه

quarantine pond استخر (حوضچه) قرنطینه، حوضچه‌ای که برای جدا کردن ماهیهایی که تصور شود آلوده و بیمار هستند، بکار می‌رود.

quarry pond استخر حاصل از سنگ برداری، معدن سنگ

quarter تربیع، جهت وزش باد بر قسمت عقب کشتی

quarter boom تیرک پاشنه

quarter deck قسمت پاشنه

quarter diurnal tide کشند ربع روزانه،

جزر و مدی که در آبهای کم عمق، در یک روز چهار بار پیش می‌آید.

quarter master سر سکانی

quaternary period کواترنر، دورهٔ چهارم از عصر سنوزوئیک، که حدود چهار میلیون سال پیش شروع شده و هنوز ادامه دارد. این دوره شامل پلئوستوسن و هولوسن است. بزرگترین حادثه زمین در این دوره پوشیده شدن سطح نیمکره شمالی تا حدود مدار ۴۰ درجه با یخ و سپس عقب نشینی آن است.

quay بارانداز، ساحل بلند، سد ساحلی

quick lime آهک خام، آهک زنده (برای استخرهای پرورش ماهی)، اکسید کلسیم بی‌آب

quicksand ماسهٔ روان

quickwater آب روان، رود یا بخشی از یک رود که مسیر و جریان معینی دارد.

quiet sea دریای آرام

quinaldine water محلول کینالدین (آرام کننده ماهی)

quintal کوینتال، واحد وزن ماهی شور معادل ۵۰/۸ کیلوگرم

R

R پرچمی بین‌المللی با علامت صلیب یونانی بر زمینه رنگ قرمز به معنای «آهسته حرکت کنید».

race ۱) آبراهه، جوی،
۲) گروهی از جانوران که معمولاً جدایی جغرافیایی دارند و تفاوتهای مختصری با اعضای نمونهٔ گونه‌ها دارند.
۳) واژه‌ای که تاکسونومیستها بیشتر برای اشاره به اختلافات زیرگونه‌ای بین دو جمعیت بکار می‌برند.

raceway شاخابه، نهر، کانال، کانال ته باز،
کانال پرورش ماهی یک یا چند تایی (پشت سرهم) که در آن آب معمولاً با سرعت جریان داشته و یا سرعت جریان آب حداقل به اندازه‌ای است که حرکت آب دیده می‌شود. حوضچه باریک و درازی که در آن دریچه‌های ورودی و خروجی آب در دو انتهای متضاد قرار دارند.

Rachycentridae = Cobia, sergent fishes
خانوادهٔ سوکلا ماهیان

***Rachycentron canadum* = cobia**
ماهی سوکلا، سَکَن، سه کله، بوقلمون، سِکاله

rack ۱) موج بزرگ
۲) به هم بستن (طناب)
۳) صندوقی که در انتهای میز برش ماهی جاسازی شده و باید در دسترس «گلوبُر» باشد.

racking ریسمان، طناب نازک

rackling باله‌های ماهیان پهن که حدود ۲ درصد چربی دارند و به صورت رشته‌های طویل باریک با پهنای حدود ۲/۵ سانتی‌متر متصل به استخوان ترقوه می‌باشند.این باله‌ها در شوراب شور می‌شوند و در هوای آزاد خشک می‌گردند.

rack seizing بستن ضربدری

radar = radio detection and ranging
رادار، ردیاب با استفاده از امواج فرکانس بالای رادیویی، با استفاده از رادار می‌توان مقدار بارندگی و سرعت طوفانها، محل بارش و شدت آن را اندازه‌گیری کرد.

radar operator متصدی رادار

radial davit جرثقیل بالابر قایق

radiation تابش، پرتوافکنی،
دریا به عنوان جاذبی قوی، انرژی پرتوی خورشید را می‌گیرد، که باعث ایجاد جریانهای گرمایی آب می‌گردد، این امر به نوبهٔ خود، باعث حرکت آبهای گرمتر به سوی آبهای سردتر می‌شود. همچنین باعث تبخیر آب و ورود آن در چرخه آب می‌گردد. آب گرم، هوای مجاور خود را گرم می‌کند که در این صورت بادها بوجود می‌آیند.

بنابراین، انرژی پرتوی خورشید، جریانهای آب و هوای جهانی را کنترل می‌کند.

radioactive pollutant آلاینده هسته‌ای

radioactive vastes پس مانده‌های هسته‌ای

radiocarbon aging تعیین سن با استفاده از کربن رادیو اکتیو

radio compass رادیوی جهت یابی

Radiolaria شعاعیان،

پروتوزوآی دریایی که تقارن شعاعی با پاهای کاذب شعاعی دارند. این جانوران در نواحی نوری تمام اقیانوسها وجود دارند.

radius of maximum winds شعاع گردباد،

فاصله مرکز یک گردباد شدید تا محلی که باد سطحی بیشترین سرعت را دارد.

radurized گذاشتن زیر تابش اشعه برای سترون کردن

raft کَلَک، شناور، کلک شناور

جعبه یا سکوی شناور و نظیر آن

raft culture پرورش صدف بصورت آویزانی از کلک‌های شناور

ragged nape «بالوشهای» ماهی که بطور نامناسب درست شده است.

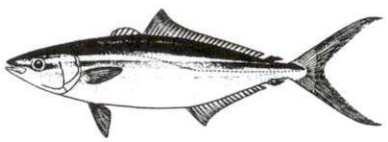
ragged sea دریای متلاطم و طوفانی،

طغیان دریا، بالا آمدن آب دریا هنگام مد

rail نردهٔ کشتی، لبهٔ کشتی

rainbow runner گیش دوبالچه،

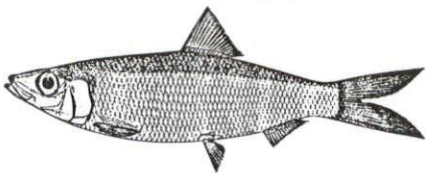
گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Elagatis bipinnulata* که بیشترین طول آن تا ۱۲۰ سانتی‌متر (بدون بالهٔ دمی)، وزن آن تا ۱۰/۵ کیلوگرم و اندازهٔ معمول آن ۸۰ سانتی‌متر می‌باشد. از بی‌مهرگان و ماهیان کوچک تغذیه می‌کند. این ماهی در تمام قسمت غربی اقیانوس هند (ظاهراً بجز خلیج فارس) وجود دارد. همچنین، در آبهای اطراف استوا زندگی می‌کند. در شرق اقیانوس اطلس، فقط از ساحل عاج تا آنگولا گزارش شده است. در آبهای ایران ، در دریای عمان دیده می‌شود.



گیش دوبالچه *Elagatis bipinnulata*

rainbow sardine ساردین رنگین کمان، حشینه،

گونه‌ای از خانواده ساردین ماهیان با نام علمی *Dussumieria acuta* که طول آن ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر است. از خلیج فارس به طرف هند غربی و شاید در سواحل شرقی آفریقا، همچنین، بطرف شرق تا دریای چین جنوبی وجود دارد. گونه‌ای سطحزی در آبهای نزدیک ساحل است که در سواحل هند فراوان است. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تورهای ثابت ، گردان ساحلی و پیاله‌ای گردان انجام می‌گیرد.



ساردین رنگین کمان *Dussumieria acuta*

rainbow trout ماهی قزل‌آلای رنگین کمان

با نام علمی *Oncorhynchus mykiss*. نام علمی این ماهی که در گذشته *Salmo gairdneri* Rich. بود، در سالهای اخیر با توجه به ویژگیهای رده‌بندی آن به *Oncorhynchus mykiss* تبدیل شده است. زیستگاه اصلی آن در حقیقت سواحل غربی اقیانوس اطلس در آمریکای شمالی است. در واقع، قزل‌آلای رنگین کمان به چند گونه از آزاد ماهیان گفته می‌شود که دارای نقاط تیره رنگ در سراسر بدن، و یک نوار قرمز یا صورتی در طرفین بدن هستند. بهرحال اسم علمی داده شده منحصراً برای قزل‌آلای رنگین کمان بکار می‌رود. قزل‌آلای رنگین کمان معمولی در آب شیرین زندگی و

ترانشیب کالا

rank درجه، رتبه، مرتبه

rapfen ماهی ماش با نام علمی *Aspius aspius*

rapid سریع، بخشی از رودخانه که در آن جریان آب به سرعت روی شیب بستر رود جریان دارد.

Rastrelliger kanagurta = Indian mackerel

ماهی یوتا، شیر هندی

rate of current نرخ جریان، سرعت جریان

rate of growth

مراجعه شود به growth rate

rat fish موش ماهی، از انواع کوسه ماهیان، نام رایج برای ماهیان غضروفی راستهٔ Chimaeriformes

rating درجه بندی، کارگر کشتی، درجه‌دار

ratio جیره غذای مجاز برای یک جانور مشخص، که در طول ۲۴ ساعت (چه در یک زمان و یک دفعه و چه بخش بخش و در زمانهای متفاوت) از آن تغذیه می‌کند.

rat line نردبان طنابی کشتی

raw خام، نپخته

rawer خام، ماهی قزل‌آلای بالغی که هنوز تخمگذاری نکرده است.

raw fish ماهی خام

raw odor بوی ماهی خام، بوی ماهی تازه در آبشش‌ها، حفرهٔ شکمی ماهی درسته یا سطح فیله‌ها که برای تشخیص کیفیت ماهی بوسیلهٔ کارشناسان بکار می‌رود.

raw sewage فاضلاب خام، فاضلاب تیمار نشده (دست کاری نشده)

ray ۱) لقمه ماهی، سپر ماهی

۲) شعاع باله، بخشی که در ساقه متصل و پیوسته و در رأس شاخه شاخه و منشعب است. این بخش غشاء باله‌ها را حمایت می‌نماید.

rayfin fishes ماهیان باله شعاعی، تخمریزی می‌کند ولی نوع دریازی آن به نام ماهی استیل‌هد (سر پولادی)، در دریا زندگی می‌کند و برای تخمریزی به آب شیرین مهاجرت می‌کند.

این ماهی در سال ۱۸۸۲ از آمریکای شمالی به اروپا، در سالهای ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۴ به قاره استرالیا، در سال ۱۸۸۹ به آفریقای جنوبی و احتمالاً در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱) به ایران معرفی شده است. باله پشتی این ماهی دارای ۴ شعاع سخت و ۹ شعاع نرم و باله مخرجی دارای ۳ شعاع سخت و ۱۱ شعاع نرم است. روی خط جانبی آن ۱۲۰ تا ۱۵۰ عدد فلس وجود دارد. در حال حاضر، عمده‌ترین ماهی سردآبی پرورشی آب شیرین در آبهای معتدل و خنک سراسر جهان است.



ماهی قزل‌آلای رنگین کمان *Oncorhynchus mykiss*

raising پروراندن، رویاندن

rake شن کش، چنگک

rake fishing صید با چنگک

rak - oerret قزل‌آلای آب شیرین احشاء درآورده شده، شور شده، رقیق گردیده و تخمیرگشته

rally سرسره (مخصوص آب انداختن کشتی)

ramp سرسره (عقب کشتی)، سرازیری

rancid ترشیده، تند، بو و مزهٔ حاصل از اکسیده شدن ماهی و فرآورده‌های آن، داشتن بوی ترشیدگی، تندی

rancidity بوی نامطلوب حاصل از اکسیدشدن اسیدهای غیراشباع یا هیدرولیز چربیها

range دامنه، میزان اختلاف بین حداکثر و حداقل جزر و مد

range resolution دامنه تجزیه

ranging پهلوگیری دو کشتی به منظور

ماهیانی که باله‌های آنها دارای شعاع‌های باله است، نام رایج ماهیان باله استخوانی، شعاع بالگان

raylight scattering zone منطقه پراکنش اشعه نوری

ray wave جهت انتشار موج

realized niche مقام محیطی مشخص، محدودهٔ بوم شناختی واقعی

ream , to = plow , to

rear admiral دریادار

rear , to پرورش دادن، پروراندن، رساندن ماهی به مرحله‌ای از رشد با دادن غذای مناسب و انجام مراقبتهای پرورشی

rearing پرورش، مراقبت و حمایت کردن تا مرحلهٔ بلوغ ، تا زمانی که ماهی بالغ شود.

rearing , intensive پرورش متراکم (ماهی)

rearing of spawners پرورش ماهیان مولد

rearing of young fish پرورش ماهیان جوان

rearing period دوره پرورش

rearing pond استخر یا حوضچه پرورشی، هر نوع استخری که ماهی در آن پرورش داده می‌شود.

rearing pond for second year fish استخر پرورش ماهی در سال دوم از یک چرخهٔ سه ساله تولید که گاهی به نام «استخر ماهیان دو تابستانه» نیز خوانده می‌شود.

rearing station ایستگاه پرورش ماهی، محل یا جایگاه کشت و پرورش ماهی، ایستگاه نگهداری ماهی

recapture صید مجدد، بویژه پس از نشانه‌گذاری

reception facilities تأسیسات دریافت مواد آلاینده (مانند آب توازن کشتیها)

recession , of a beach پسروی ساحل، پسروی دریاکنار

recif آبسنگ، یک رشته تخته سنگ که در سطح آب نمایان باشد.

recirulated water جریان آب چرخشی، جریان آب مدار بسته

recirculating system پرورش ماهی با سیستم بهره‌برداری مجدد از آب، روش پرورشی که در آن از تمامی یا قسمتی از آب مجدداً استفاده می‌شود.

recollecting island جزیره‌ای که به زیر آب فرو رفته، قسمتی از ساحل که بر اثر مد به زیر آب فرو می‌رود.

recover بازگشت به حالت طبیعی

recruit تازه وارد، ماهی جوانتری که هر ساله به نسبت جمعیت آسیب‌پذیر به جمعیت ماهیان تجارتی وارد می‌شود.

recruitment بازبرگیری، ورود، بازگشت، ورود ماهیان جوان تولید شده به مرحله بهره‌برداری، ماهیان جدید یا اضافی که در بین دسته‌های کوچکتر رشد کرده و به یک جمعیت آسیب‌پذیر وارد می‌شوند.

recruit stock ذخیره‌ای که به صید اضافه می‌شود، ذخیره‌ای که هر ساله به تناسب جمعیت قابل بهره‌برداری، ماهی به آن اضافه می‌شود.

recurved خمیدگی مجدد (جلو یا عقب)

re - cycling بازچرخشی، کاربرد مجدد آب، بازچرخش آب خروجی به محل ورودی

red algae جلبک سرخ، جلبکهای قرمز از گروه رودوفیتها، رنگدانه اصلی این جلبکها کلروفیل، فیکواریترین و فیکوسیانین است. این جلبکها در عمق‌های پایین‌تر از جلبکهای سبز و قهوه‌ای زندگی می‌کنند.

red banded grouper هامور نوار قرمز، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus fasciatus* که بیشترین طول آن ۴۰ سانتی‌متر می‌باشد. در سراسر اقیانوس هند غربی و دریای سرخ، بجز خلیج فارس وجود دارد. در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی، به طرف شرق

redd برآمدگی محل تخمگذاری آزاد ماهیان

redden, to صورتی شدن یا تغییر رنگ تدریجی ماهی در اثر رشد باکتریهای قرمز

red halophiles باکتریهای قرمز نمک دوست، باکتریهای دارای رنگدانه قرمز که جهت رشد، به نمک نیاز دارند و باعث تغییر رنگ ماهی شور می‌شوند.

red halophilic bacteria = red halophiles

red herring شگ‌ماهی قرمز، ماهی درسته هرینگ شور شده غلیظ و دودی شده سرد به مدت یک تا دو هفته بطوری که سفت شده است.

redi بستری شنی در رودخانه که ماهی‌قزل‌آلا در آن تخمریزی می‌کند. لانهٔ تخم‌ریزی که در بسترهای شنی یا سنگی یک رود حفر شده است و با تخم پوشیده می‌شود و سپس مجدداً توسط سنگهای درشت تر پوشانده می‌شود. (بیشتر در مورد قزل‌آلا کاربرد دارد). لانهٔ شنی ماهیان خانوادهٔ قزل‌آلا

red light چراغ سمت راست (کشتی)

red mouth, fish disease بیماری قرمزی دهان ماهی

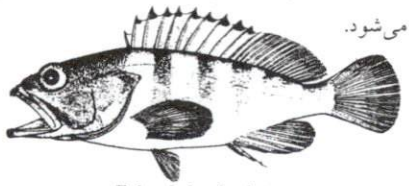
red muscle گوشت تیره

red pest of Cyprinids بیماری طاعون قرمز که در کپور ماهیان بوسیله باکتری *Bacillus ruber* ایجاد می‌شود.

redox potential پتانسیل احیاء، مقدار اکسیداسیون به نسبت پتانسیل الکتریکی سیستم

redox potential discontinuity layer(RPD) لایه قطع پتانسیل احیا

Red Sea دریای سرخ، بحر احمر، دریای باریکی در اقیانوس هند که آفریقا را از شبه جزیرهٔ عربستان جدا می‌کند. این دریا ۱۲۰۰ کیلومتر طول و ۳۰۰ کیلومتر عرض در پهن‌ترین قسمت دارد. شبه جزیره سینا به بخش شمالی این دریا می‌پیوندد و دو خلیج سوئز و عقبه را بوجود می‌آورد. بیشتر آب ورودی به این دریا از طریق باب‌المندب است. به دلیل تبخیر تا جزایر پیت در هاوایی دیده نشده، ولی از جنوب ژاپن به طرف جنوب کوئینزلند گزارش شده است. ظاهراً، در روی آبسنگهای مرجانی و بسترهای صخره‌ای از نزدیک سطح تا عمق ۱۶۰ متری دیده می‌شود. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن با قلاب و ریسمان و دام و تور گوشگیر در آبسنگهای مرجانی و بسترهای سنگی از ساحل تا عمق ۱۶۰ متری انجام می‌شود.



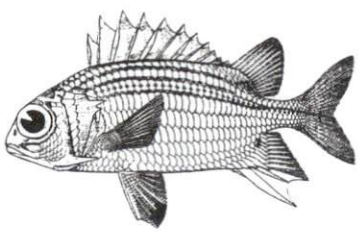
Epinephelus fasciatus

red bellied sunfish = pumpkinseed

red caviar خاویار قرمز، خاویار آزاد ماهیان

red clay رُس قرمز، رُس اعماق اقیانوس بخصوص اقیانوس آرام غربی

red coat ماهی کُت قرمز، گونه‌ای از خانوادهٔ Holocentridae با نام علمی *Sargocentron rubrum* که طول آن ۲۰ تا ۳۲ سانتی‌متر است. در سریلانکا، دریای عمان، دریا سرخ، در جنوب تا دوربان و ماداگاسکار، همچنین در اقیانوس هند و آرام بسیار پراکنده می‌باشد. در آبهای کم عمق و بطور معمول در زیستگاههای محافظت شده، مانند خلیجهای کوچک و مردابها، زندگی می‌کند. ولی، در اطراف آبسنگهای مرجانی کمتر یافت می‌شود. در آبهای ایران در دریای عمان وجود دارد. توسط قلاب و ریسمان و دام صید می‌گردد.



Sargocentron rubrum ماهی کُت قرمز

red swamp crayfish خرچنگ آب شیرین قرمز
مردابی با نام علمی *Procambarus clarkii ruber* این گونه با انواع موجود در ایران فرق می‌کند. گونه‌های موجود در ایران از جنس Astacus هستند.

red tenter شگ ماهی قرمزی که از دستکها افتاده باشد، یا سرپوش آبشش آن در جابجایی قطع شده باشد.

red tide کشند قرمز، جزر و مد قرمز، پرواوغاز، تغییر رنگ آب دریا به دلیل رشد شکوفای جلبکهای داینوفلاژله که در بیشتر موارد سمی است. مسمومیت حاصله از گونهٔ *Gymnodinium brevis* در خلیج مکزیک، ماهیان زیادی را از بین می‌برد. مسمومیتهای ناشی از جنس *Gonyaulax* باعث مرگ انسان می‌شود، زیرا میگو، خرچنگ و ماسلهایی که از جلبک تغذیه می‌نمایند، سم را در خود جمع کرده و در مصرف کننده‌ای مانند انسان اثر سمی خود را نشان می‌دهند.

red worm کرم قرمز، نوعی کرم خاکی که بعنوان طعمه برای ماهیگیری استفاده می‌شود.

reed نی، نیزار، نی با نام علمی *Phragmites comunis* این گیاه اغلب کمربندی را در اطراف آبگیرها بوجود می‌آورد و یا اینکه روی زمینهای مرطوب می‌روید.

reed elimination انهدام نیزار

reed mower نی بر، هر وسیله مکانیکی که برای بریدن گیاهان سخت آبزی، بویژه نی، بکار می‌رود.

reef ۱) آبسنگ، تپه دریایی، تپه ساحلی، ۲) کوتاه کردن بادبان

reef, atoll تپه حلقوی مرجانی

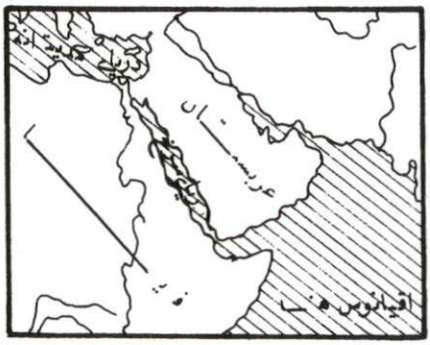
reef, barrier کناره مرجانی، صخره سدی

reef fishing صید در مناطق آبسنگی

reef, fringing آبسنگ حاشیه‌ای

reef knot گره راست

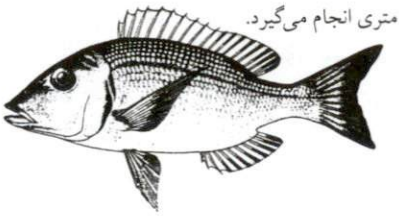
زیاد، این دریا یکی از شورترین آبها را دارا است.



دریای سرخ

red snapper ماهی سرخو
Lutjanus campechanus

red spot emperor ماهی شهری خال قرمز، گیدر (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ شهری ماهیان (Lethrinidae) با نام علمی *Lethrinus lentjan* که طول آن به ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر می‌رسد و از سخت پوستان و نرمتنان تغذیه می‌کند. در سواحل شرقی آفریقا از حدود عرض ۲۰ درجهٔ جنوبی، بطرف شمال در دریای سرخ (شامل سیشل و سواحل غربی ماداگاسکار)، از خلیج فارس تا سواحل جنوبی و غربی هندوستان و اطراف سریلانکا، شرق اقیانوس هند و نیز غرب اقیانوس آرام مرکزی تا ژاپن و گینه‌نو، وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی و نواحی مرجانی است که اغلب بر روی مناطق شنی زندگی می‌کند. در آبهای ایران در خلیج فارس دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ قلاب دستی، تور گوشگیر، رشته قلابهای طویل کفی، تورهای کششی و دام در آبهای ساحلی و آبسنگهای مرجانی تا عمق ۵۰ متری انجام می‌گیرد.



ماهی شهری خال قرمز، گیدر *Lethrinus lentjan*

reef, sand پشته ماسه‌ای

reel مقره، قرقره، قرقرهٔ چوب ماهیگیری

reel-line ریسمان قرقره‌ای، طناب ماهیگیری که به یک قرقره پیچیده شده است.

reeve رد کردن (طناب از قرقره)

reference station ایستگاه مرجع، ایستگاه استاندارد مقایسه مبنای جزر و مد

refertilization کوددهی مجدد، کوددادن دوباره

re-filling پر کردن دوباره، آبدادن دوباره

reflected wave موج باز تابیده، موج بازگشتی

reflection بازتاب

reflector buoy بویه بازتابنده، بویه بازتاب

reflow-reflux پسکشند، جزر

refraction شاخص نور، شکستن نور

refraction, of water waves پیچش امواج آب

refraction coefficient ضریب پیچش آب، همگر چرخش آب

refractive index اندیکس شکست نور

regenerated scale فلس باز تولید شده، فلسهای ریخته شده یا صدمه دیده که دوباره تولید یا ترمیم گردیده‌اند.

registered ثبت شده

registered tonnage ظرفیت ثابت (ثبت شده)

regulation of river تنظیم رودخانه، هر نوع کار مهندسی روی رودخانه، به منظور تغییر سرعت یا شدت جریان طبیعی آن

regulation standard استاندارد رسمی

regulatory standard استاندارد ضابطه‌ای

rehydrate, to آبگیری، جذب مجدد آب، به عمل محصول بی‌آب شده‌ای که مجدداً آب جذب نماید، گفته می‌شود.

rekench, to شور کردن مجدد ماهی به صورت لایه‌های متناوب ماهی و نمک

relative conversion rate سرعت نسبی برگشت (مربوط به غذا)، شاخصی که با تقسیم مقدار غذای داده شده بر تولید کل ماهی بدست می‌آید.

relative humidity رطوبت نسبی

relict beach = relic beach ساحل محو شده، ساحل قدیمی که در حال حاضر ساحل نیست و زیر آب رفته است.

remora ماهی چسبنده، چسبک ماهی، ماهیانی که توسط یک صفحهٔ مشکی، خود را به ماهیان دیگر یا کشتی‌ها می‌چسبانند. این ماهیان معمولاً بصورت همسفره با کوسه‌ها زندگی می‌کنند.

repack , to بسته‌بندی مجدد، بازبندی، درآوردن ماهی شور شده در اولین مرحله شور کردن و شستن و بسته‌بندی آن در بشکه‌های چوبی محتوی نمک و یا شوراب اشباع شده

repack quality herring شگ ماهی که در اولین رسیدگی عرضه نمی‌شود، بلکه پس از «بسته‌بندی مجدد» عرضه می‌گردد.

repile , to تعویض ترتیب قرار گرفتن تودهٔ ماهیهای شور با قرار دادن لایه‌های رویی در زیر و برعکس

repopulation تشکیل مجدد جمعیت، افزایش جمعیت کاهش یافته

reproduction زادآوری، تولید مثل، پدیده‌ای که طی آن یک موجود زنده، موجودی نظیر خود را بوجود می‌آورد.

reproduction season فصل تولید مثل

reproductive potential توان تولید، تعداد بالقوه ماهیانی که از مرحلهٔ تخم تا بلوغ می‌رسند.

reproductive products فرآورده‌های تولید مثلی (تخمک و اسپرم)

reptiles خزندگان، جانورانی با انواع خشکی‌زی مانند مارها و سوسمارها و

انواع آبزی مانند تمساحها، لاک پشتان و مارهای آبی را شامل می‌شوند.

rescue نجات، نجات دادن

Research, H M S کشتی تحقیقاتی سلطنتی انگلیس

research vessel شناور (کشتی) تحقیقاتی

reservoir مخزن، مخزن آب پشت سد،
دریاچهٔ سد، مخزن طبیعی یا مصنوعی که مقادیر زیادی آب در آن قرار می‌گیرد و انبار می‌شود.

residual water آب باقیمانده،
پس‌مانده آبها در طبیعت

residual wave action اثر پس ماند موج

residue تفاله، باقیمانده،
آنچه پس از پدیده‌هایی نظیر جداسازی، تخلیص و غیره باقی می‌ماند.

resistant مقاوم،
قادر به تحمل شرایط طبیعی مخالف یا قادر به دفع بیماری، قادر به دفع یا تحمل بیماری بدون تأثیرهای مخالف

resonance زنش، ارتعاش، تشدید،
تقویت، بازآوایی

resources , aquatic منابع طبیعی آبزی

respiration تنفس،
واکنشی که در آن انرژی شیمیایی موجود در غذا، از طریق سوخته شدن با اکسیژن، به سایر انواع انرژیها تبدیل شده و گاز کربنیک از سوخت و ساز آنها حاصل می‌شود.

respiratory quatient (R.Q.) بهره تنفسی،
نسبت مقدار دی اکسید کربن خارج شده به مقدار اکسیژن مصرف شده در یک زمان

resting stage مرحله استراحت،
مرحله‌ای از نمو لارو چندین گونه ماهی، که به زمانی بین خروج از تخم و شروع تغذیه اشاره دارد.

restless sea دریای خروشان، دریای متلاطم

restocking ماهی دار کردن مجدد،
انبار کردن مجدد

restoration نگهداری،
اعمال مربوط به حفظ نشان ویژگیهای طبیعی یک موجود، یک سرزمین و نظیر آن که در اثر فعالیتهای انسانی تغییر کرده و یا بطور جدی تخریب شده است.

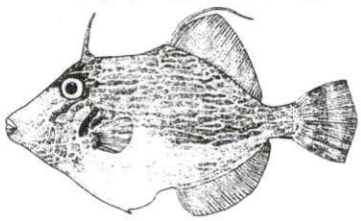
retardation تأخیر در جزر و مد،
پس‌افت جزر و مد

retard of tide = retardation تأخیر کشند

rete mirabile شبکه اعجاب انگیز،
شبکه خونی موجود روی کیسه شنا (در قسمتی از آن) که کار افزودن یا کاستن هوای موجود در آنرا بعهده دارد.

reticulate شبکه‌ای، مشبک

reticulated leather jacket
گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ Monacanthidae با نام علمی *Stephanolepis diaspros* که بیشترین طول آن ۲۵ سانتی‌متر است. فقط در خلیج فارس بین شبه جزیره عربستان و ایران گزارش شده است. صید آن بطور عمده بوسیلهٔ تورهای کششی کفی انجام می‌شود.



Stephanolepis diaspros

retinol ویتامین A

retrogression, of a beach پسروی دریا کنار،
پسرفت ساحل

retrose خمیده به سوی عقب

reversed fault گسل معکوس

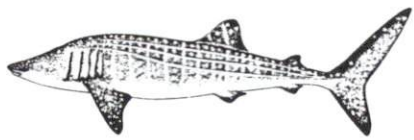
revetment سنگ چینی یا دیواره سازی
سیمانی ساحلی

rheotaxis رئوتاکسیس،
عکس‌العمل ماهی در برابر جریان آب، شنا در جهت یا خلاف جهت جریان آب

Rhina ancylostoma ماهی سوس سرگرد، بادبادک

Rhincodonthidae ماهیان خانوادهٔ کوسه‌های نهنگی

Rhincodon typus کر ماهی، کوسه کولی کَر، کوسه والی



Rhincodon typus **Smith** کر ماهی، کوسه کولی کر

Rhine River رود راین در اروپای غربی که از سوئیس آغاز شده و به دریای شمال می‌ریزد.

Rhinobatis annulatus ماهی سوس منقوط

Rhinchobatidae خانوادهٔ گیتار ماهیان

Rhizocephala ریزوسفال‌ها، راسته‌ای از سخت پوستان که انگل سایر سخت پوستان می‌شوند.

Rhodophyta = red algae جلبکهای قرمز

rhodopsin رودوپسین، متمایل به قرمز

Rhonciscus stridens ماهی سنگسر سه چهار نواری

Rhone River رود رون در فرانسه که از سوئیس آغاز شده و به مدیترانه می‌ریزد.

rhumb دایره افقی (در جعبه‌های قطب نما و بین قسمت دایره افق ۱۱ درجه و ۱۵ دقیقه آزیموت)

rhumb line راه ثابت

***Rhynchobatus djiddensis*=giant guitar fish** ماهی سوس، گیتار ماهی غول پیکر

rib دنده

ribbon worms کرمهای نواری، کرمهای گروه نیمرتیا، کرمهای پهن دریازی، طول این کرمها ممکن است تا ۳۰ سانتی‌متر برسد. نباید آنها را با ماهیان نواری (پهن) اشتباه کرد.

riboflavin ویتامین B_2

ribonucleic acid اسید ریبونوکلئیک

ribose ریبوز، نوعی مادهٔ قندی در ماهی تازه که در اثر خودگواری باعث قهوه‌ای شدن رنگ گوشت می‌شود.

rice - fish culture پرورش ماهی در برنجزار

rice plantation - fish cultivation کشت توأم برنج و ماهی

پرورش ماهی در برنجزار، کاشتن برنج و پرورش ماهی

Richter magnitude scale مقیاس زلزله ریشتر

ridge مرز، پشته یا کوه دریایی، مرزی که دو سیستم رودخانه‌ای را از هم جدا می‌کند.

riding anchor لنگر نگهدارنده، لنگر اولی

riffle سد کم عمق یا صخره‌ای در بستر رودخانه یا نهرهای دیگر و نیز جریان مجزایی از آب که به این ترتیب بوجود می‌آید.

rift valley = graben گودی حاصل از نشست پوسته اقیانوسی

rig وضع بادبانها و دکل کشتی، بر پا کردن، تجهیز

rigg = ide

rigger کارگر تخلیه و بارگیری کشتی

right of search حق بازرسی کشتی‌ها در دریا

right of way حق تقدم

Right whale وال سر بزرگ، وال رایت طول این وال تا ۱۸ متر می‌رسد که حدود ۳۰ درصد آن، اندازهٔ سر حیوان است.

rigor mortis جمود نعشی، سخت شدن عضلات ماهی پس از مرگ که در اثر تغییرات بیوشیمیایی حاصل می‌شود.

rill جویبار، نهر کوچک

rill marks شیارهای ساحلی

ring net تور گردن حلقوی

ring, to سوت زدن، به صدایی گفته می‌شود که در اثر بر هم خوردن ماهیان شور و خشک، ایجاد می‌شود.

Rio Grande Rise کوه (برآمدگی) ریوگراند، کوهی بدون زلزله در سواحل جنوب شرقی آمریکای جنوبی

rip آب متلاطم

rip, to ۱) شکاف، باز کردن شکم با گذاشتن چاقو در میان و زیر استخوانهای برانشی، پس از بریدن حلق و ادامه برش تا مخرج

۲) امتداد جریان مشتق آب از یک رودخانه

riparian ساحل نشین، رودخانه‌ای، رودکنار، رودخانه زی، صاحب املاک در کنار یک آبگیر، بویژه، یک رودخانه

riparian rights حق تملک، حق ساحل نشینی، حقوق متعلق به کسی که مالک سرزمینهای کناره آبگذر یا هر آبگیر دیگری است. این حقوق در مورد ساحل، بستر یا آبهای آن است.

rip current = rip tide خیزاب، جریان موج شکاف، جریان سطحی کم عرض سریع از ساحل به دریا که سرعتش غیر معمول است. این امواج همیشه در سواحل طولانی بدون انقطاع، جایی که امواج به طور موازی به ساحل می‌رسند، حاصل می‌شوند. با حرکت هر موج، مقداری آب در ساحل جمع می‌شود که در هنگام فعالیت امواج زیاد، مقدار این آب نیرویی را گرد آورده که فشار آن باعث جریان بازگشتی آب به طرف دریا می‌شود. هرگاه این نیرو مصرف شود، شرایط به حالت طبیعی باز می‌گردد.

ripe رسیده، آمادهٔ تخم‌ریزی، دارای تخمهایی که کاملاً رسیده هستند.

ripe egg تخم رسیده

ripe female ماهی مادهٔ رسیده

ripe fish ماهی رسیده

ripen , to رسیده کردن ماهی، عمل آوری شده، ایجاد طعم و حالت خاصی در ماهی، بوسیله عمل کنترل شده آنزیمها

ripple موج کوچک، موج ریز، شیار سطح ماسه‌ای ساحل، موجودار شدن ماسه‌های ساحل، خیزاب کوچک موجی با کمتر از ۰/۰۵ متر که به وسیله عوامل کشش سطحی و ثقل کنترل می‌شود.

ripple mark شیارهای کفی بستر اقیانوس که منطبق با فرورفتگی و برجستگی امواج آب است. نشانه‌های موجی، موجک شنی

riprap سنگچین نامنظم، سنگ چینی برای جلوگیری از فرسایش، قرار دادن مقدار مناسب سنگ در روی دیواره استخر به ویژه دیواره‌ای که خروجی روی آن قرار دارد، برای جلوگیری از فرسایش

riprap net تور میله‌ای با طنابهای حائل زیگزاگ

rise پشته (کوههای اقیانوسی)، طغیان آب دریا یا دریاچه، پیشروی آب دریا

riser در پرورش ماهی، به بخش عمودی وسیله کنترل آب مثل، دریچه عمودی (monk) گفته می‌شود.

rivaldi valve لولهٔ تنظیم سطح آب یا تخلیه آب، لولهٔ نرم قابل ارتجاعی که به لولهٔ سخت وصل شده، تا خروجی آب ادامه یافته، و برای تنظیم سطح آب و یا تخلیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

river رودخانه، نهر بزرگ طبیعی از آب شیرین که در مسیر کاملاً مشخص جریان دارد.

riverain = riverine رودخانه‌ای، مربوط به رود یا مجاور آن

river basin حوضهٔ رود، حوضه آبگیر رودخانه، سطح زمینی که آب رود و شعبه‌های آن را فرا می‌گیرد.

river basin management ادارهٔ حوضهٔ رود، گسترش کامل یک حوضهٔ رود با اهداف چند گانه و به منظور استفادهٔ مؤثر و کنترل همهٔ آب در زمینهای تحت جریان رود

river bed , old بستر قدیمی رودخانه

river bore = tidal bore موج جزر و مد رودخانه‌ای با قله موج بلند

river development توسعه رود، میزان و تعداد شعبه‌های جدا شده‌ای از یک جریان پر فشار آب

river-dominated estuary مصب یا فاصله بین آب شیرین و آب شور کامل که

بیشتر تحت تأثیر رودخانه قرار دارد.

river head سرچشمه رود، منشأ یک رودخانه

river mouth دهانه رود، برون ریز یک رودخانه

river ox - bow پیچ قدیمی رودخانه، دماغهٔ رودخانه

river pollution آلودگی رودخانه

riverside کرانهٔ رود، ساحل رود، زمینهایی که در طول ساحل یک رودخانه قرار دارند.

river trout قزل‌آلای رودخانه‌ای

river weir سد رودخانه

rive, to در دودی کردن شگ ماهی به منظور کشیدن ماهی به دستکها یا میله‌های نازک چوبی، این وسایل زیر یکی از سرپوشهای آبششی فرو برده شده و از میان دهان بیرون آورده می‌شوند.

rivulet جویبار، نهر کوچک، رود کوچک

roach ماهی کُلمه، ماهی تلاجی با نام علمی *Rutilus rutilus* که بیشتر در آبهای زمینهای پست یافت می‌شود و از عمده‌ترین ماهیان خانواده کپور ماهیان می‌باشد. در دهان آن دندان وجود ندارد و پنجمین جفت کمان برانشی آن تبدیل به دندانهای حلقی شده است. بدن آن استوانه‌ای و کشیده و از طرفین کمی فشرده است. پشت آن کمی حالت کمانی دارد و دهان آن مرکزی است. باله‌های دمی و سینه‌ای به رنگ خاکستری با زمینه قرمز و سایر باله‌ها رنگ نارنجی متمایل به قرمز دارند. باله پشتی دارای ۳ شعاع سخت و ۹ تا ۱۱ شعاع نرم، باله سینه‌ای دارای یک شعاع باله سخت و ۱۵ شعاع باله نرم، و باله شکمی دارای ۱ یا ۲ شعاع سخت و ۸ شعاع نرم است. روی خط جانبی ۳۸ تا ۴۹ فلس وجود دارد. در گذشته یکی ازعمده‌ترین ماهیان اقتصادی قسمت جنوبی دریای خزر بود که صید آن بالغ بر ۳۰۰۰ تن در سال می‌رسید. صید آن در حال حاضر بسیار کاهش یافته است.

roadstead لنگرگاه باز یا بدون حفاظ

roaring forties چهل تایی‌های غرّان، اشاره به بادهای غربی مدارهای ۴۰ تا ۵۰ درجه که سرعت آنها در نیمکرهٔ جنوبی به دلیل خشکی کم زیاد است.

rock louse شپش سنگ، شپش صخره، یکی از سخت پوستان قسمتهای آب پاش سواحل

rock salt = mineral salt نمک سنگ

rock shell صدف سنگی، نام رایج برای نرمتنان شکمپای خانوادهٔ میوریده که صدف دوکی شکل مزین دارند.

rod = smoke stick ۱) میله دودی کردن ماهی ۲) بخش میله مانند حساسی در شبکیه چشم که بیشترین پاسخ را نسبت به سطوح پایین نور دارد.

roe تخم، تخمهای یک ماهی، این واژه زمانی استفاده می‌شود که تخم بصورت غذا مورد مصرف قرار می‌گیرد، اشپل

roe, hard (from females) تخم ماهی ماده

roe, soft (from males) اسپرم ماهی نر

roed تخم داشتن، پر از تخم بودن

rohu ماهی راهو، نوعی کپورهندی بنام علمی *Labeo rohita*

roiling of water کثیف کردن، کثیف کردن آب از طریق به هم زدن ماسه‌ها

roll, to = rouse, to

roll ایجاد طغیان و تلاطم در دریا، خروشان شدن دریا

roller موج غلطان، موجهای بزرگ پهن رأس که پس از طوفان روی ساحل می‌غلطتند.

rolling hitch گره سه جفت

rollmops «شگ ماهی بیسمارک» که دور آن با شوراب و قطعات پیاز پر شده و با خلال دندان بسته و یا با میخک سفت شده است.

rope stopper طناب نگهدارنده

ropiness = sliminess لزجی

rosary ponds استخرهای پشت سر هم، استخرهایی که پشت سر هم قرار گرفته و آب یکی وارد

دیگری می‌شود.

Ross, John (1777-1856)

جان راس، کاشف گذرگاه شمال غربی در جزایر قطب شمال سرزمین شمال غربی کانادا

Ross Sea دریای راس،

بازوی اقیانوس آرام جنوبی زیر دایرهٔ قطب جنوب، دمای این دریا بین ۲- تا صفر درجه است و شوری آن به ۳۳/۵ تا ۳۴/۷ درهزار می‌رسد.

roster صورت نگهبانی

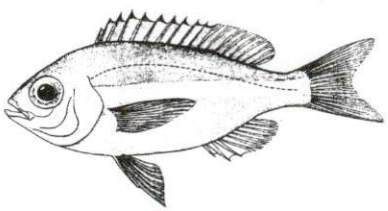
rostral پوزه‌ای، وابسته به پوزه یا خرطوم

rostrum پوزه، خرطوم، منقار (برای مثال در کوسه‌ها)

rostte style packing روش بسته‌بندی «سالاچینی» در تیوبها، به طوری که سرها بیرون و دمها در مرکز قرار گیرند.

rosy dwarf monocle bream

بچه سنگسر کوتاه قرمز، گونه‌ای از خانوادهٔ دم ریش ماهیان با نام علمی *Parascolopsis eriomma* که بیشترین طول آن ۲۵ تا ۳۰ سانتی متر است و از بی‌مهرگان کف‌زی تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند و استرالیا، هند غربی و شمالی، به طرف شرق تا مجمع‌الجزایر هند و استرالیا وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی نزدیک و آبهای نسبتاً عمیق دور از ساحل (تا عمق حدود ۷۵ متری) است و در بسترهای صخره‌ای و یا نرم یافت می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تور کششی کفی و رشته قلاب انجام می‌گیرد.



Parascolopsis eriomma بچه سنگسر کوتاه قرمز

rotating kiln اتاقک دورگردان که یک میله دندانه‌دار حامل واگنهای حمل ماهی را می‌چرخاند.

Rotifera روتیفرها، کرمهای میکروسکوپی از شاخهٔ اشِل منتس Aschelmenthes، بیشتر این کرمها در آب شیرین و ۱۵ گونه در دریا زندگی می‌کنند.

rotskjor ماهیانی که به جز در قسمت کوتاهی از دم، به دو قسمت بریده شده‌اند، که یک روش معمول جهت خشک کردن طبیعی در هوای آزاد است.

rough fish ماهی با کیفیت پایین، ماهی که پس از صید بخوبی نگهداری نشده و کیفیت خوبی ندارد.

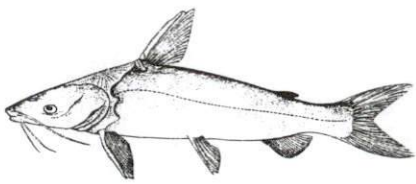
rough scale flounder ماهی کفشک پوست زبر با نام علمی *Pseudorhombus oligodon*

rough sea دریای طوفانی، دریای متلاطم

roughage غذاهایی که دارای درصد بالایی از مواد غیر قابل هضم مثل سلولز می‌باشند.

roughback sea catfish

گربه ماهی پشت سخت، گونه‌ای از خانوادهٔ گربه ماهیان با نام علمی *Arius crossocheilus* که بیشترین طول آن ۴۰ سانتی متر است و اندازهٔ معمولی آن ۱۰ تا ۳۰ سانتی متر می‌باشد. از بی‌مهرگان تغذیه می‌کند. در سواحل غربی هندوستان، پاکستان و نیز در سواحل شرقی هندوستان، مالایا، سوماترا، جاوه، پانکا و فیلیپین وجود دارد. معمولاً در آبهای ساحلی و به ندرت داخل خورها و رودخانه‌های جزر و مدی و در اعماق بیش از ۵۰ متر فراوان است. در ایران در سواحل چابهار یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تور کششی کفی، تور پایه چوبی و قلابهای طویل در آبهای ساحلی تا عمق ۵۰ متری صید می‌گردد.



Arius crossocheilus گربه ماهی پشت سخت

rounder ماهی درسته که شکم آن باز نشده است

roundfish ماهی درسته پاک نکرده، ماهی مقطع عرضی بدن آن نسبتاً گرد است، بر عکس ماهی پهن

round salt, to = salt round, to

round scad ماهی گیش گرد، مقوا باریک با نام علمی *Decapterus punctatus*

round tail بخشی از ماهی کاد که دو نیمه نمی‌شود.

round worm کرم گرد (از نماتودها)، کرمی که بصورت انگل و در مرحلهٔ نوزادی در سیستم گوارشی و عضلهٔ ماهی یافت می‌شود.

rouse , to مخلوط کردن ماهی و نمک قبل از جابجایی و اعمال روشهای مختلف عمل‌آوری

rousing salt = crystal salt No.3

route مسیر، راه

row boat قایق پارویی، قایقی که با پارو زدن حرکت می‌کند.

rowing پاروکشی

rowlock جای پارو، جعبه پاروها

royal mast بالاترین دکل

Royal Society of London انجمن سلطنتی لندن که برای پیشبرد علوم طبیعی فعالیت می‌کند. دانشمندان زیادی در این انجمن عضو بوده‌اند. تعداد اعضای این انجمن در حال حاضر حدود ۱۰۰۰ نفر است که دانشمندان انگلیسی و غیر انگلیسی را شامل می‌شود. این انجمن در زمینه بسیاری از کاوشهای دریایی پیشتازان دریا، سهیم بوده است.

rubble - mound structure سازهٔ سنگریز

ruby snapper سرخوی یاقوتی، نابو (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Etelis marshi* که طول آن ۵۰ تا ۷۰ سانتی‌متر است. در سراسر اقیانوس هند غربی به انضمام جزایر آند دیده شده ولی در دریای سرخ، خلیج فارس، مجمع‌الجزایر موریس، ریونیون و چاگوس وجود ندارد. ساکن اعماق ۵۰ تا ۲۰۰ متری می‌باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ قلاب دستی عمیق و رشته قلابهای عمودی در آبسنگهای عمیق و بیشتر در آبهای دور از ساحل انجام می‌گیرد.

rudd ماهی سرخ باله با نام علمی *Scardinius erythrophthalmus*

rudder سکان، وسیلهٔ هدایت یا راهنمایی، تیغه سکان

rudimentary اصلی، ابتدائی

ruffled sea دریای متلاطم و مواج، موجهای دریایی ناشی از ایجاد زلزله دریایی

rugose خشن، سطح زبر

rules of the road مقرارت راه دریایی، مقرارت دریانوردی

run مهاجرت ماهیان، بویژه، به طرف بالای رود، برای تخمریزی، گروهی از ماهیانی که به آبگذرها مهاجرت می‌کنند، آبگذر کوچک

runlet جویبار، نهر کوچک

runnel رود یا نهر کوچک

running جاری، سیال، دارای جریانی مانند جریان آب

running aground به گِل نشستن کشتی

running end سر طناب

running open water آب جاری باز، آب جاری آزاد

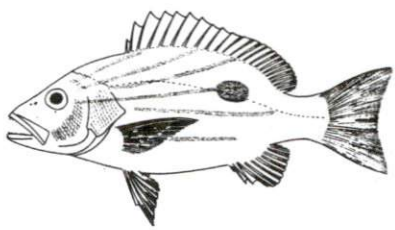
running water آب جاری، آبی که از یک سطح بالاتر به طرف سطح پایین‌تر جریان می‌یابد.

running water pond استخر آب جاری

run - off آب باران جریان یافته، جاری شدن، آن قسمت از آب باران که بطور مستقیم و یا از طریق جریان یافتن سطحی وارد استخر می‌شود. قسمتی از آب باران که به زمین فرو نرفته و تبخیر نمی‌شود ولی در سطح زمین جریان یافته و وارد استخر می‌گردد .

run up یورش موج

Russells snapper سرخوی لکه‌دار، خال کشمیر پهن، گونه‌ای از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Lutjanus russelli* که طول آن ۲۰ تا ۴۰ سانتی‌متر است و از بی‌مهرگان کفزی و ماهی تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی، بجز در دریای سرخ، موریس، ریونیون، مجمع‌الجزایر چاگوس و جزایر مالدیو وجود دارد. در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب آرام مرکزی یافت می‌شود. ساکن آبهای کم عمق در آبسنگهای صخره‌ای و مرجانی می‌باشد. نمونه های جوان در مناطق مانگرو یافت می‌شوند. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بیشتر توسط قلاب دستی و دام انجام می‌گیرد.



ماهی سرخوی لکه‌دار *Lutjanus russelli*

Russian sardine ساردین روسی، محصول ویژه‌ای که در آلمان و روسیه با عمل‌آوری شگ ماهی یا کیلکای معمولی بطور درسته در شوراب اشباع شده، تهیه و پس از سرزنی، تخلیه امعاء و احشاء، در سرکه چاشنی‌دار بسته بندی می‌گردد.

Russian sturgeon چالباش، تاس ماهی روس با نام علمی *Acipenser guldenstadti*

rust زنگ زدگی در ماهی منجمد یا خشک شده

rust, to زنگ زدن، ماهی چاق، یخ زده، شور و خشک هنگامی «زنگ» می‌زند که به رنگ قهوه‌ای یا زرد تغییر رنگ دهد و با انواع بوها و طعم‌ها، که در اثر اکسیداسیون چربی در سطح آن بوجود می‌آید، همراه باشد. به صورت اسمی، به تغییر رنگ اطلاق می‌شود.

rusting قهوه‌ای شدن گوشت ماهی، بخصوص در ماهیان چرب یخ‌زده، قهوه‌ای شدن در اثر اکسیداسیون چربی

rust spot = rust

Rutilus frisii kutum ماهی سفید، کوتوم، این ماهی عمده‌ترین ماهی غیر خاویاری دریای خزر در قسمت جنوبی است. ماهی سفید معروف‌ترین گونه از خانواده کپور ماهیان در ایران است. ماده‌ها در ۴ سالگی، و نرها در ۳ سالگی بالغ می‌شوند. طول آنها گاهی از ۷۰ سانتی‌متر هم تجاوز می‌کند. بومی قسمت جنوبی دریای خزر، بویژه منطقه طالش، است. میانگین وزن آن در گذشته ۲ کیلوگرم بوده است ولی چند سال به دلیل صید بی‌رویه و گرفتن مولدین درشت بوسیله دام صیادان دام‌گستر به زیر یک کیلوگرم کاهش یافته است. باله پشتی آن دارای ۳ شعاع باله سخت و ۹ شعاع باله نرم، باله مخرجی آنان دارای ۳ شعاع سخت و ۱۰ شعاع نرم است. روی خط جانبی آن ۵۳ تا ۶۲ عدد فلس (بیشتر ۵۵ تا ۵۸ عدد) قرار دارد. اقدامات سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ شیلات ایران در زمینه متوقف کردن صید بوسیله صیادان دام‌گستر باعث گردید که ضمن افزایش ذخایر، میانگین وزن آنها هم افزایش چشمگیری یابد.

***Rutilus rutilus caspius* = Caspian roach**

ماهی کُلمه دریای خزر، باله‌های این ماهی خاکستری با حاشیه سیاه است. چشم آن نقره‌ای یا با یک لکه سیاه در زیر مردمک می‌باشد و در فصل تخمریزی دانه‌های مرواریدی روی بدن و باله‌های نر دیده می‌شود. باله پشتی دارای ۳ شعاع سخت و ۸ تا ۱۰ شعاع نرم، باله مخرجی دارای ۳ شعاع سخت و ۸ تا ۱۰ شعاع نرم (بیشتر ۱۰ تا)، روی خط جانبی آن ۴۲ تا ۴۷ فلس (بیشتر ۴۴) قرار دارد. مراجعه شود به roach

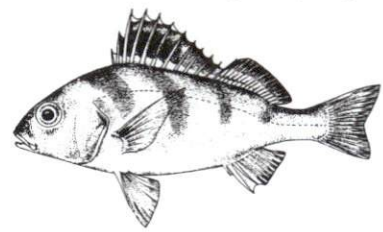
S

sac کیسه، کیسه غشاءدار

sac - fry = yolk-sac fry نوزاد دارای کیسه زرده، مرحلهٔ لاروی تا جذب شدن کیسهٔ زرده، بچه ماهی کیسه‌دار

saddle grunt = blothched grunt

ماهی سنگسر چهار لکه‌ای، گونه‌ای از خانواده سنگسر ماهیان با نام علمی *Pomadasys maculatum* که طول آن ۱۵ تا ۵۰ سانتیمتر است. از سخت پوستان و ماهیها تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، در ساحل شرقی آفریقا (شامل ماداگاسکار، جزایر سیشل و کومور)، در دریای سرخ و خلیج فارس، پاکستان، هند و سریلانکا وجود دارد. این ماهی ساکن آبهای ساحلی تا عمق حدود ۴۰ متر است. درآبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. توسط تور کشششی و قلاب دستی و دام صید می‌گردد.



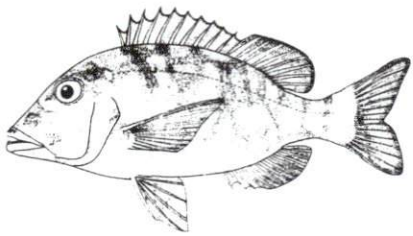
ماهی سنگسر چهار لکه‌ای *Pomadasys maculatum*

S پرچم بین‌المللی با زمینه سفید و مربع آبی رنگ به نشانه «موتور با حداکثر سرعت»

S conversion وارونگی S شکل

saburbir emperor ماهی شهری ،

گونه‌ای از خانوادهٔ شهری ماهیان با نام علمی *Lethrinus mahsenoides* که حداکثر طول آن ۳۵ سانتی‌متر است و از سخت پوستان و نرمتنان تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از سواحل شرقی آفریقا در حدود عرض ۲۵ درجه جنوبی بطرف دریای سرخ و خلیج فارس و جنوب هندوستان وجود دارد. در مناطق غرب اقیانوس آرام مرکزی نیز (از جزایر فی‌جی تا پلی‌نزیا و فیلیپین) یافت می‌شود. ساکن آبهای ساحلی است. از آبهای ایران، در خلیج فارس تا سواحل چابهار گزارش شده است. صید آن در آبهای ساحلی توسط قلاب دستی، تور گوشگیر و دام انجام می‌گردد.



ماهی شهری *Lethrinus mahsenoides*

safeness سلامت غذا

sag قسمت خمیده وسط کشتی

Sagitta کرمهای پیکانی،
جنس مهمی از زئوپلانکتونها از شاخهٔ پیکانیان (کیتوگناتها) که شامل کرمهای پیکانی می‌شوند. گونه‌های ساژیتا منحصر به مناطق خاصی هستند و به همین دلیل به عنوان گونه‌های شاخص مورد توجه می‌باشند. بنابراین وقتی جریان آبهای مدیترانه گونه‌های کرمهای پیکانی را به اقیانوس اطلس می‌برد، ردیابی کرمها حرکت جریان آب مدیترانه‌ای را ممکن می‌سازد.



کرم پیکانی *Sagitta*

Sagittaria گیاه آبزی، تیرکمان آبی

sail بادبان، دریانوردی کردن ، ملاحی کردن، پارچه بادبان کشتی

sailboat قایق بادبانی، کشتی بادی

sailer = sailor دریانورد، ملوان، ملاح

sailfin armourhead ماهی خروس (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ Pentacerotidae با نام علمی *Histiopterus typus* که طول آن ۲۰ تا ۳۵ سانتی‌متر است. در شمال غربی دریای عربی، از خلیج عمان به طرف خلیج عدن و نواحی پایینی دریای سرخ، همچنین در آبهای آفریقا از دماغهٔ آگولهاس به طرف ناتال، و در مناطق دیگر در آبهای کره، فیلیپین و ژاپن وجود دارد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط تور کششی در اعماق ۴۰ تا ۴۰۰ متری انجام می‌گیرد.

sail fish نیزه ماهی، ماهی بادبانی، اسب (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ بادبان ماهیان (نیزه ماهیان) با نام علمی *Istiophorus platypterus* که حداکثر طول آن ۳۲۰ سانتی‌متر و بطور معمول ۲۷۰ سانتی‌متر است. از انواع مختلف ماهیها، سخت پوستان و سرپایان تغذیه می‌نماید. در آبهای گرمسیری و نیمه گرمسیری و گاهی معتدل وجود دارد. در آبهای اقیانوس هند و آرام، در اقیانوس هند غربی بطور متراکم، در آبهای نزدیک سواحل و جزایر اطراف سریلانکا، آبهای سواحل هندوستان و در کانال موزامبیک وجود دارد. گونه‌ای اقیانوسی و سطحزی (اپی پلاژیک) و کاملاً مهاجر است. معمولاً در بالای ترموکلاین دیده می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن اغلب توسط رشته قلابهای طویل و تور مستقر و گاهی با قلابهای کششی و هارپون از قایق انجام می‌گیرد. این گونه زیبا بصورت ماهی ورزشی و تجاری صید می‌شود.

sailing کشتیرانی، سفر دریایی، پارچه بادبانی

sailing card برنامهٔ کشتی

sailing direction راهنمای دریانوردی

sailing free باد آزاد

sailor = salier ناوی، ملاح، دریانورد

sain جزیره زیر دریا، صخره زیر دریا

Saint Lawrence رودخانه سنت لورنس در کانادا که با طی مسافت ۱۲۰۷ کیلومتر به دریاچه اونتاریو و خلیج سنت لورنس می‌ریزد.

Saint Lawrence Gulf
خلیج سنت لورنس در شرق کانادا

Saint Peter and Saint Paul
دسته‌ای از صخره‌های بیرون زده از آب بین برزیل و آفریقای غربی که به عنوان علامت راهنما استفاده می‌شوند.

salachi سالاچی، ماهی پیلچارد خشک، شور و پرس شده

salband خط حد فاصل بین مصب و دریا

salient دماغه، کوه پیشرفته در دریا،

salient دماغه، کوه پیشرفته در دریا، نوک موج، ساحلی که قسمت پایین آن بر اثر امواج از بین رفته باشد.

salimeter = salinometer دستگاه شوری سنج

salina نمکزار، دریاچه نمک، باتلاق نمکی

saline شور، درجه شوری، نمکهای محلول در آب

salinity شوری، میزان نمکهای محلول در یک لیتر آب دریا به گرم. مقیاس استاندارد اندازه‌گیری درجهٔ شوری آب دریا گرم نمک در کیلوگرم آب دریاست. ترکیب یونهای رایج آب دریا به شرح زیر است:

یون	درصد وزنی از کل نمک
Cl^-	۵۵/۰۴
SO_4^{--}	۷/۶۸
HCO_3^-	۰/۴۱
Br^-	۰/۱۹
H_3BO_3	۰/۰۷
Na^+	۳۰/۶۱
Mg^{++}	۳/۶۹
Ca^{++}	۱/۱۶
K^+	۱/۱۰
	۹۹/۹۵ درصد

salinity boxes بسته اندازه‌گیری شوری آب

salinity degree درجه شوری آب

salinity range دامنهٔ تغییرات شوری آب

salinometer شوری سنج

salmlet بچه آزاد ماهی

salmon ماهی آزاد، ماهی بزرگ دریایی که جهت تخمریزی به رودخانه مهاجرت می‌نماید.

salmon bellies شور کردهٔ غلیظ قسمتهای شکمی ماهی آزاد

salmon breeder تکثیر کننده ماهی آزاد

salmon breeding تکثیر ماهی آزاد

salmon egg bait تخمهای ماهی آزاد که بعنوان طعمه صید ورزشی نگهداری و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

Salmonella سالمونلا، نوعی باکتری انگل که باعث ایجاد مسمومیت غذایی می‌شود. معمولاً در ماهی و فرآورده‌های آن وجود ندارد ولی بوسیلهٔ نرمتنان آلوده منتقل می‌گردد که اگر نرمتن آلوده بصورت خام مصرف شود باعث ایجاد بیماری می‌گردد. تعداد آن در ۱۰۰ گرم از غذا باید صفر باشد.

salmon feeding تغذیه ماهی آزاد

salmon feeds غذاهای ماهی آزاد

salmon fisheries صید ماهی آزاد

salmon fish way گذرگاه ماهی آزاد

salmon hatchery زادگاه آزاد ماهیان

salmonid آزاد ماهیان، هر یک از اعضاء خانوادهٔ آزاد ماهیان شامل انواع ماهی آزاد، انواع قزل‌آلا، انواع چار (char) و گری‌لینگ (grayling)

salmonid culture پرورش آزاد ماهیان

salmonid region منطقهٔ آزاد ماهیان

salmon ladder پلهٔ عبور آزاد ماهیان، گذرگاه آزاد ماهیان

salmon - trout ماهی آزاد - قزل آلا از خانوادهٔ Salmonidae

Salmo salar ماهی آزاد اقیانوس اطلس، گونهٔ مهم آزاد ماهی اقیانوس اطلس که حدود دو سالگی رودخانه را به قصد دریا ترک می‌کند و در پنج سالگی با تلاش زیاد خود را به همان رودخانه زادگاهش می‌رساند تا تخمریزی کند. تعدادی از آنها پس از تخمریزی می‌میرند، تعدادی صید می‌شوند و تعدادی نیز به دریا باز می‌گردند تا دو سال بعد سفر تخمریزی دوبارهٔ خود را آغاز نمایند. تغییرات فیزیولوژیک که در ماهی آزاد وارد شده به رودخانه انجام می‌شود، باعث می‌گردد که ماهی تغذیه نکند. با توجه به اینکه در اثر صید بی‌رویه،

محدودهٔ زیستی بعضی جمعیت‌ها کوچکتر شده است، فعالیتهای تولید بچه ماهی و رهاسازی آنها به رودخانه‌ها و دریاها بیشتر انجام می‌گیرد، به همین دلیل جمعیت آنها در برخی از مناطق اقیانوسها زیاد شده است.

این ماهی در باله پشتی خود دارای ۳ تا ۵ شعاع سخت و ۹ تا ۱۲ شعاع نرم است. باله مخرجی آن ۳ تا ۴ شعاع سخت و ۷ تا ۱۰ شعاع نرم دارد. روی خط جانبی آن ۱۱۴ تا ۱۳۰ عدد فلس قرار دارد. اولین کمان آبششی آن دارای ۱۷ تا ۲۴ زائده آبششی است. رنگ ماهیهای بالغ در دریا نقره‌ای متمایل به آبی است. پس از کوچ به رودخانه رنگ آنها، بخصوص در نرها، تیره‌تر می‌شود. در آن موقع نرها رنگ برنزی تا قهوه‌ای متمایل به قرمز دارند. آرواره پایینی نرها بلندتر و بطرف بالا خمیده می‌باشد.

***Salmo trutta* = brown trout**

قزل‌آلای قهوه‌ای خال قرمز

***Salmo trutta caspius* = Caspian salmon**

ماهی آزاد دریای خزر

salps سالپها، غلافداران استوایی از ردهٔ تالیاسه، خانوادهٔ سالپیده و جنس *Salpa*

salt نمک طعام، نام رایج کلرورسدیم که در آب دریا فراوان است.

saltation حرکت جهشی ماسه‌ها در آب

salt , to شور کردن ماهی

salt bulk = kench

salt burn , to نمک سود شده، ماهی هنگامی نمک سود می‌شود که در اثر عمل نمک نرم، پروتئین در سطح بافتهای آن به سرعت منعقد گردد و ادامهٔ نفوذ نمک به داخل گوشت را کاهش دهد.

salt car گاری روبازی که جهت انتقال ماهی از تانک شستشو به مخزن شور کردن به کار می‌رود.

salt concentration تراکم نمک، غلظت نمک، درصد وزن نمک در حالت آبگونه شدن برابر است با

(وزن آب موجود - وزن نمک موجود) ۱۰۰ : مقدار نمک = غلظت نمک

salt content میزان نمک، نمک موجود، مقدار نمک موجود در فرآورده‌های آبزیان، وزن نمک در وزن ماهی که معمولاً بصورت درصد داده می‌شود.

salt cure = salt, to

salt down green, to

نگهداری ماهی به صورت لایه‌های متناوب ماهی و نمک در آب و هوای خشک

salted dried fish = dried salted fish

salted fish ماهی شور، ماهی که به وسیلهٔ نمک نگهداری شده و ممکن است خشک کرده یا خشک نکرده باشد.

salter شورکُن، جاشویی که مسئول شور کردن ماهی در کشتی است.

saltern جای تبخیر آب دریا و استخراج نمک

saltery شورخانه

salt fish = salted fish

salt fish flavor طعم خاص و ترشیده‌ای که در اثر اکسیداسیون روغن موجود در گوشت ماهی شور به وجود می‌آید.

salt in bulk, to = kench salt, to

salt in the round, to = salt round, to

salt loving bacteria = halophilic bacteria

باکتری‌های نمک دوست

salt loving molds = halophilic molds

کپک‌های نمک دوست

salt marsh مانداب ساحلی، مرداب نمکی، آب لب شور در خشکی (ساحل). مردابهای نمکی اکوسیستمهای مهمی هستند که توسط رودخانه‌هایی که رسوبات ماسه‌ای دارند، در اثر وجود جزایر سدی (مانعی) یا فرورفتگی تدریجی ناحیه بوجود می‌آیند.

samoan silverside ماهی سوری (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ Atherinidae با نام علمی *Hypoatherina temminckii* که حداکثر طول آن ۱۰ سانتی‌متر است. در دریای سرخ، اقیانوس هند و جنوب و مرکز اقیانوس آرام (محدود به آبهای ساحلی و مناطق بندری) یافت می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. بوسیلهٔ تورهای احاطه‌ای در آبهای ساحلی صید می‌گردد.

sampan قایق بادبانی سقف حصیری

sample نمونه

sample, to take نمونه‌برداری

sampling نمونه‌برداری

sample size اندازه نمونه

sampling of fish population نمونه‌برداری از جمعیت ماهی

samson دکل یدکی، تیری کوچک که کابل لنگر به آن بسته می‌شود (در کشتی‌های کوچک)

San Andreas Fault گسل یا شکست سنت آندریاس در ساحل کالیفرنیای آمریکا که خشکی‌های آمریکا و آرام از کنار هم می‌گذرند.

sanctuary زمان کوتاه یا مکانی برای محافظت ماهی، پناهگاه موقت ماهی، حفاظتگاه جامع

sanctuary zone منطقه صید ممنوع، پناهگاه ماهی

sand ماسه، ذرات معدنی با ابعاد $\frac{1}{16}$ تا $\frac{1}{2}$ میلی‌متر

sand bank ساحل شنی، سکوی شنی

sand bar سد ماسه‌ای، سد شنی، سد خاکی، مرز ماسه‌ای (گلی) در رودخانه که در اثر عمل آب ساخته می‌شود.

sandbar shark کوسه نوار ماسه‌ای، *Salvelinus fontinalis* قزل‌آلای جویباری، این ماهی بومی آمریکای شمالی است و اولین بار در سال ۱۸۸۴ به اروپا آورده شد. یکی از زیباترین آزاد ماهیان به حساب می‌آید. بدن کمی پهن، سرکشیده و چشمها درشت هستند. باله پشتی دارای ۳ تا ۵ شعاع سخت و ۸ تا ۱۰ شعاع نرم، است وباله دمی دارای ۳ تا ۵ شعاع سخت و ۷ تا ۹ شعاع نرم است. روی خط جانبی ۱۰۹ تا ۱۳۰ فلس وجود دارد. در هر کمان آبششی ۱۱ تا ۲۲ زائده وجود دارد. معمولاً در رودخانه‌های سرد و پر اکسیژن زندگی می‌کند. رشد و نمو آن سریع است. نمونه ۹۰ سانتیمتری با وزن ۷کیلوگرم آن گزارش شده است.

آب مردابها به طور معمول گرمتر از دریای مجاور آنها می‌باشد، چون مردابها عمق کمی دارند، فتوسنتز آنها زیاد است و باعث تولید گیاهان انبوه می‌شوند که به نوبهٔ خود جانوران بیشتر و بزرگتری را حمایت می‌کنند. بعلاوه، مدفوع حیوانات و خاک رسوبی رودخانه‌ای، پرورش میگو و پرندگان بزرگ را ممکن می‌سازد. گونه‌های زیادی از ماهیان، نرمتنان، پرندگان و سایر موجودات به مردابهای نمکی وابسته‌اند. برغم اطلاعات کم علمی در مورد میان کنشهای عوامل زیستی و غیر زیستی اکوسیستم مرداب، آلودگیهای محیطی آنها را از بین می‌برند.

salt pickle, to = pickle salt, to

salt round, to شور کردن ماهی بطور درسته و بدون پاک کردن

salt tolerance مقاومت در مقابل شوری، بردباری شوری، آستانه تحمل شوری

salt water crocodile تمساح آب شور

salt water pond استخرآب شور

salvage نجات، امداد دریایی، نجات دادن یاکشیدن کشتی یاکالای آن، عملیات نجات کشتی یا مسافران

Callionymus marleyi که طول آن ۱۰ تا ۱۳ سانتی‌متر است. از بی‌مهرگان کوچک کفزی (سخت‌پوستان، کرمها و حلزونها) تغذیه می‌کند. در طول سواحل شرقی آفریقا از دماغهٔ امیدنیک به طرف شمال تا جنوب دریای سرخ، خلیج فارس و نیز ماداگاسکار و موریس وجود دارد. ساکن بسترهای کم عمق شنی نواحی ساحلی می‌باشد. صید آن اغلب بصورت صید ضمنی با تورهای کششی میگوگیری می‌باشد. صیدگاه فعلی آن بسترهای شنی خلیج فارس است.

sanding up شن و ماسه زدن

sand - pit حفره حاصل از برداشت شن و ماسه

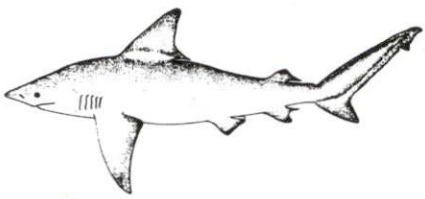
sand reef صخرهٔ شنی در کنار ساحل، تپه دریایی

sand silting ماسه زدن

sand smelt = *Atherina boyeri* گل آذین ماهی

sand tiger shark کوسه ببری ماسه،

گونه‌ای از خانوادهٔ Odontaspididae با نام علمی *Eugomphodus taurus* که حداکثر طول آن حدود ۳۱۸ سانتی‌متر و طول بالغ آن بین ۲۲۰ تا ۲۸۰ سانتی‌متر می‌باشد. از انواع ماهیان استخوانی شامل، گربه ماهیان دریایی، سفره ماهیان و کوسه‌های کوچک، هشت پا و شاه میگو تغذیه می‌کند. حدود پراکندگی آن در اقیانوس هند غربی مشخص نیست، زیرا ممکن است با گونه‌های دیگر مخلوط شود ولی گزارشهای مشخصی از حضور آن در آفریقای جنوبی، موزامبیک و احتمالاً دریای سرخ، عمان، خلیج فارس، پاکستان و شاید هندوستان وجود دارد. این کوسه در اقیانوس اطلس، دریای مدیترانه و غرب اقیانوس آرام فراوان است. گونه‌های ساحلی در داخل و خارج خلیج ها، معمولاً در نزدیک بستر دریا دیده می‌شوند. این گونه بسیار فعال است. کوسهٔ ماده، برای یکسال در آبهای آفریقای جنوبی و موزامبیک به طرف آبهای سرد مهاجرت نموده و در آنجا نوزادان خود را به دنیا می‌آورد و در طول تابستان به آبهای گرمسیری مراجعت می‌کند. زنده‌زا می‌باشد و گونه‌ای از خانوادهٔ Carcharhinidae با نام علمی *Carcharhinus plumbeus* که طول آن ۲۵۰ تا ۳۰۰ سانتی‌متر گزارش شده و از جانوران کفزی شامل سفره ماهیان، خرچنگها و حلزونها و نیز از گله‌های ماهی و هشت پایان تغذیه می‌کند. در آفریقای جنوبی، ماداگاسکار و موریس، ناحیهٔ سیشل تا دریای سرخ، خلیج عمان و خلیج فارس وجود دارد. از ناحیهٔ شرقی اقیانوس هند غربی گزارش نشده است. در شرق و غرب اقیانوس اطلس، دریای مدیترانه و اقیانوس هند شرقی، غرب اقیانوس آرام مرکزی تا جزایر هاوایی گزارش شده است. این نمونه یک گونهٔ ساحلی است که بطور معمول روی بسترهای گلی و شنی یافت می‌شود. اغلب نزدیک خورها ولی گاهی در آبهای اقیانوسی تا عمق ۲۰۰ متری نیز یافت می‌شود. تاکنون برای انسان خطری نداشته است. در آبهای ایران، در خلیج فارس یافت می‌شود. صید آن احتمالاً توسط قلاب و تورهای گوشگیر کفی و شناور انجام می‌شود.



کوسه نوار ماسه‌ای *Carcharhinus plumbeus*

sand crab = gohst crab خرچنگ ماسه،

گونه‌های خرچنگ از جنس *Ocypoda* که در زیستگاههای مناطق معتدله یا استوایی ساحلی زندگی می‌کنند. این خرچنگها از حشرات تغذیه می‌کنند.

sand dollar سند دالر، دلار شنی،

خارپوست مسطح کوچک از ردهٔ Echinoidea، گونهٔ *Echinoarachnius parma* که در آبهای آمریکای شمالی و خاور دور زندگی می‌کند.

sand dragonest اژدهای کوچک شنی،

گونه‌ای از خانوادهٔ Callionymidae با نام علمی

هربار دو بچه به دنیا می‌آورد. در آبهای ایران، از خلیج فارس گزارش شده است. صید آن با قلاب و احتمالاً با تورگوشگیر انجام می‌شود.

sand wave موج ماسه‌ای، رسوبات به شکل موج در آبهای کم عمق

sand worm = Polychaeta ماسه کرم، کرم ماسه‌ای از انواع پُرتاران

sanitary بهداشت

sanitary fish ماهی کنترل کننده، ماهی علفخواری که برای کنترل گیاهان به یک استخر پرورش ماهی معرفی می‌شود.

sanitary quality کیفیت بهداشتی

sanitation اعمال بهداشت، مراحل و کارهایی که طی آن شرایط بهداشتی حاصل و برقرار می‌گردد.

sanitized استریل شده، سترون شده

sanitizer استریل کننده، سترون کننده

santer seabream ماهی پتّر (چابهار)، گونه‌ای از خانواده شانک ماهیان با نام علمی *Cheimeriua nufar* که حداکثر طول آن ۶۰ سانتیمتر و معمولاً بین ۲۵ تا ۳۵ سانتیمتر می‌باشد. در سراسر آبهای ساحلی اقیانوس هند غربی بانضمام ماداگاسکار و جزایر موریس وجود دارد. نمونه‌های نابالغ آن تا نزدیکی خلیج موسل (آفریقای جنوبی) یافت می‌شود. ساکن آبهای بالای بسترهای سنگی از عمق ۶۰ متر تا بیشتر از ۱۰۰ متر می‌باشد. نمونه‌های جوان به هنگام احتمال بروز طوفان، به منظور جستجوی پناهگاه وارد خورها می‌گردند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ رشته قلابهای طویل، قلاب دستی و تورهای کششی کفی انجام می‌گیرد.

saprobic محیطی غنی از مواد آلی و نسبتاً کم اکسیژن، وابسته به محیطهای آلی مملو از مواد آلی

saproel گِل بدبو با رسوب تخریبی تیرهٔ کف دریاچه‌ها که غنی از ترکیبات آلی و سولفید آهن است و از تخریب گیاهان و جانوران باقیمانده در شرایط بی‌هوازی (saprobic) ایجاد می‌شود.

Saprolegnia قارچ انگلی ساپرولگنیا، جنس قارچ تاژکدار آبزی انگل ماهیها، میگوها و تخم آنها

saprolegniaceae خانواده ساپرولگنیا از قارچهای تاژکدار با چند گونه بیماریزای ماهیان و میگو

saproplankton پلانکتونی که در سطح آبهای راکد یافت می‌شود و بر روی بقایای مواد آلی رشد می‌کند.

Sarcodina ریشه‌پایان، سارکودینا، گروهی موجودات تک سلولی متعلق به پروتوزوآ که ۱۱۰۰۰ گونه دارد. فورامینی‌فرها و رادیولاریاها جزو این گروه هستند.

sarcolemma پوشش فیبر عضلانی، لایه‌ای از بافت پیوندی که روی فیبر عضلانی را می‌پوشاند.

sarcoplasm سارکوپلاسم، مادهٔ نیمه مایع موجود بین فیبرهای عضلانی

sarcoplasmic protein پروتئین سارکوپلاسم، پروتئین موجود در سارکوپلاسم، در مقابل پروتئین موجود در فیبر و بافت پیوندی

sardellen butter خمیر ماهی آنچوی مخلوط با حداقل ۳۳ درصد کره

Sardina sp. جنسی از ساردین ماهیان

sardine ماهی ساردین، گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ شگ ماهیان (Clupeidae) که بصورت متراکم در آبهای گرم اقیانوسها زندگی می‌کند. طول این ماهی ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر است. در پشت آن نقاط سیاه زیادی وجود دارد. این ماهیان استخوانی ابتدایی، در بهار تخمریزی می‌کنند تا لاروها بتوانند از تراکم و شکوفایی پلانکتونها استفاده کنند. به تناسب پراکنش زئوپلانکتونها، بین آبهای سطحی و عمیق‌تر

است و به همین دلیل جلبک سارگاسوم در آن فراوان است. بر خلاف تصور که دریای سارگاسوم راکویر آبی (به معنی بدون حیات) می‌نامند، جامعهٔ پلانکتونی در آن وجود دارد ولی به دلیل جریان آب شور گرم، روی آب سرد، فراجوشی آب انجام نمی‌شود، و لایهٔ غنی از مواد غذایی در بخشهای عمقی باقی می‌ماند. به همین دلیل ، جوامع پلانکتونی به حالت شکوفا، آنچنان که در سطح دریا رایج است، نیستند.

Sargassum سارگاسوم،
جلبک قهوه‌ای با پهنکهای شاخه‌ای

Sargus noct ماهی گلدم، سیم دریایی ریز دندان

sashimi ساشی می، غذای دریایی خام ژاپنی

satellite ماهواره،
انواع ماهواره برای نقشه نگاری آتشفشانها، جریانهای دریایی، نقاط آب گرم دریایی و جمعیتهای پلانکتونی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

satellite navigation دریانوردی ماهواره‌ای

satellite navigator دستگاه مورد استفاده برای دریانوردی (با کمک ماهواره)

saturated, with oxygen آب اشباع شده
از اکسیژن، اشباع شده، نگهداری حداکثر ممکن اکسیژن، آب حداکثر می‌تواند ۱۲/۸۸ قسمت در میلیون اکسیژن در گرمای ۴ درجه سانتی گراد و ۹ قسمت در میلیون در گرمای ۲۰ درجه سانتی گراد در خود حل نماید.

saturation حالت اشباع

Saurida elongata = slender lizardfish
ماهی کریشوی دراز

Saurida tumbil = greater lizardfish
ماهی کیمار، کاریچون، کریشو، ماهی شیرآور

Saurida undosquamis=brushtooth lizardfish
ماهی کریشوی دندان سوهانی

scad ماهی گیش

scads شگ ماهی لاغری که برای تولید «هرینگ قرمز» دست چین می‌شود.

جابجا می‌شوند. صید آن در شب انجام می‌شود. گونه‌های رایج ساردین و پراکنش جغرافیایی آنها در جدول زیر خلاصه شده است :

نام رایج	نام علمی	موقعیت
ساردین پلیچارد	*Sardinia plichardus*	اروپای جنوبی و جنوب غربی و شمال آفریقا
ساردین اقیانوس آرام	*Sardinops caerulea*	آمریکای شمال غربی
ساردین آمریکای جنوبی	*S. sagax*	آمریکای جنوب غربی
ساردین ژاپنی	*S. melanosticta*	ژاپن
ساردین استرالیایی	*S. neoplichardus*	استرالیا
ساردین آفریقایی	*S. ocellata*	آفریقای جنوبی

Sardinella albella = **white sardinella**
ساردین سفید

Sardinella fimbriata = fringescale sardinella
مومغ، حشینه، ساردین لذیذ، ساردین لکه‌دار

Sardinella longiceps = Indian - oil sardinella
ساردین روغنی، ساردین پوزه دراز

Sardinella melanura = blacktips sardinella
ساردین دم سیاه

Sardinella sindensis حشینه،
ساردین پهلو طلایی

Sardinella sirm = spotted sardinella
ساردین لکه‌دار

Sardinella sp. گونه مومغ یا ساردین

Sarda orientalis زرده خاوری، تن شرقی

Sargasso Sea دریای سارگاسو،
دریایی آرام در اقیانوس اطلس شمالی بین مدار ۲۵ تا ۳۵ درجه شمالی و نصف‌النهار ۴۰ تا ۷۰ درجه غربی. آب این دریا به دلیل وجود جریان گلف استریم گرم

scale پولک، فلس،
هر یک از پولکهای گرد، کشیده یا شکل دیگر بزرگ یا کوچک شاخی یا استخوانی که بر روی پوست بدن بسیاری از ماهیها یافت می‌شود و دارای غشاء نازکی است.

scaled = scaly فلس‌دار، پولک دار

scaled carp کپور پولک دار،
کپوری که کاملاً بدن آن از پولک پوشیده شده است.

scaled fish ماهیان فلس‌دار

scale fish ماهیان ژرفابی غیر از
روغن ماهیان که بوسیله شور کردن و خشک کردن، عمل‌آوری می‌شوند.

scaleless فاقد پولک، بدون فلس

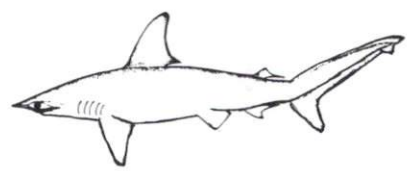
scale-reading پولک خوانی،
تعیین سن ماهی از روی فلس

scales of fish فلسهای ماهی

scaling کندن فلس ماهی، فلس زدایی

scallop صدف اسکالوپ ،
نوعی نرمتن دو کفه‌ای از خانواده Pectinidae ، جنس معروف این خانواده *Pecten* است که حدود ۴۰۰ گونه رایج در سطح جهان دارد. این جانوران از نواحی ساحلی تا اعماق ۴۰۰۰ متری پراکنده‌اند. صافی کننده هستند و در آبهای ماسه‌ای یا شنی زلال زندگی می‌کنند. از انواع پرورشی نرم‌تنان است که گوشت گران قیمتی دارند.

scalloped hammerhead
نوعی کوسه سرچکشی از خانوادهٔ Sphyrnidae با نام علمی *Sphyrna lewini* بیشترین طول آن ۴۲۰ سانتیمتر و طول معمول آن ۳۶۰ سانتیمتر می‌باشد. از ماهیهای پلاژیک، میگو، کوسه، شاه میگو، سفره ماهی، اسکوئید و خرچنگ تغذیه می‌کند. نمونهٔ مناطق گرمسیری می‌باشد که در اقیانوس هند غربی، در آفریقای جنوبی و ماداگاسکار به طرف شمال تا دریای سرخ، پاکستان، هند و سریلانکا وجود دارد. معمول‌ترین گونهٔ کوسهٔ سرچکشی و یکی از گونه‌های فراوان کوسه است. در خورها و آبهای ساحلی نزدیک، تا دور از ساحل و نیمه اقیانوسی وجود دارد. اغب نمونه‌های جوان آن در آبهای ساحلی وجود دارند. بالغ‌ها اغلب بصورت انفرادی و یا جفت، و جوانها گروههای بزرگی را تشکیل می‌دهند. زنده‌زا می‌باشند و اندازهٔ نوزادان به هنگام تولد ۵۰ سانتیمتر است. نمونه‌های بالغ برای انسان خطرناکند. از آبهای ایران در دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیله تور گوشگیر شناور و کفی یا رشته قلابهای طویل شناور و یا با قلاب و طناب انجام می‌شود.



Sphyrna lewini

scaly پرپولک، پولکی، دارای پولک فراوان،

scaly breast gurnard گورنارد سینه پولکی ،
گونه‌ای از خانوادهٔ Triglidae با نام علمی *Lepidotrigla faueri* که طول آن حداکثر ۱۴ سانتیمتر است. از منطقهٔ دوربان، آفریقای جنوبی، به طرف شمال در سراسر ساحل آفریقا تا ساحل دریای عربی منطقهٔ عمان، پاکستان و هندوستان وجود دارد. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. از خلیج فارس و دریای سرخ تا کنون گزارش نشده است. در اعماق بین ۵۰ تا ۱۷۵ متری وجود دارد. صید آن بطور ضمنی با تورهای کشش کفی می‌باشد.

scaly dwarf monocle bream
بچه سنگسر نوار نقره‌ای، گونه‌ای از خانوادهٔ دم ریش ماهیان با نام علمی *Parascolopsis townsendi* طول آن ۱۵ تا ۲۰ سانتی‌متر است و بطور عمده از بی‌مهرگان کفزی تغذیه می‌کند. تاکنون فقط در خلیج عمان شناخته شده است. ساکن آبهای عمیق‌تر دور از ساحل بین

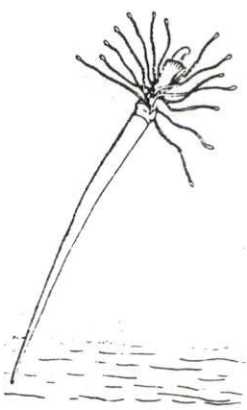
اعماق ۳۵۰ تا ۴۰۰ متر و معمولاً روی بسترهای نرم یافت می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تور کششی کفی بصورت صید ضمنی انجام می‌گیرد.

Scandinavian anchovy

آنچوی عمل‌آوری شده به روش اسکاندیناوی، آنچوی عمل‌آوری شده در شوراب محتوی شکر، چاشنی و مقدار کمی نگهدارنده‌های شیمیایی

Scandinavian salt fish ماهیهای خانوادهٔ کاد که تنها با شور کردن نگهداری می‌شوند.

Scaphopoda ناوپایان، اسکافوپودا، نرم‌تنان ابتدایی دریازی که به نام صدفهای دندانی یا عاجی شهرت دارند. حدود ۲۰۰ گونه از ناوپایان در آبهای عمقی و اعماق بیش از ۴۰۰۰ متر زندگی می‌کنند. مثال بارز آنها *Dentalium* است.



Dentalium

scap net تور دستی چهارگوش (ساچوک)

scar دماغهٔ جزیرهٔ زیر دریایی، صخرهٔ زیر دریا

scarf تیر متصل کننده الوار کشتی

Scaridae (parrot fishes) خانواده طوطی ماهیان

scarp شیب تند زیر دریایی، پلهٔ ساحلی

Scarpaenopsis sp. ماهی خروس دریا

scarp, beach پلهٔ دریا کنار

Scarus ghobban ماهی چارگوگ، طوطی ماهی

Scatophagus argus ماهی زروک

scattering layers اعماق زیر ۲۰۰ متر اقیانوس که اثر صوتی قابل ردیابی و اندازه‌گیری ایجاد می‌کنند.

scattering of light تفرق نور، پراکندگی نور، قسمتی از نور که به داخل آب نفوذ می‌کند، بوسیلهٔ مولکولهای آب، ذرات معلق و حبابهای گاز در آب دریا منعکس و پراکنده می‌شود.

scavenger رفتگر، تمیزگر، مردارخوار، مرده خوار، پوده خوار

scend بالا آمدن موج

school گله، گله ماهی، یک دسته از ماهیهای هم نوع، هم سن، و هم قد که واکنشهای مشابه در مقابل عوامل محیطی نشان می‌دهند.

school fish ماهیان گله‌ای، ماهیانی که معمولاً بصورت گروهی دیده می‌شوند.

schooling گله‌بندی، گله‌ای زیستن ماهیان

schooling up گله‌ای شدن، گروه گروه شدن ماهیها به تعداد زیاد در نزدیکی سطح آب

schooner قایق دو دکلی، شونر، نوعی قایق بادبانی که دو بادبان جلو و عقب دارد.

***Sciaena dussumieri* = bearded croaker** ماهی شبه شوریده

Sciaenidae = croakers, drums خانواده میش ماهیان

scientific name نام علمی، نام علمی هر گونه که طبق کد نامگذاری بین‌المللی است. اسم علمی گونه از دو قسمت اسم جنس و اسم گونه و اسم زیر گونه از سه قسمت درست شده است. اسم علمی باید بصورت ایتالیک نوشته شود و یا زیر آن خط کشیده شود.

Scleractinia = Madreporaria

Sclerosepta دیواره (تیغهٔ) کربنات کلسیمی در اسکلت مرجانها

Sclerospongiae گروه کوچکی از اسفنجهای آهکی

که اسکلتهای بزرگ و پیچیده دارند. کربنات کلسیم یا پوشش پروتئینی اسپانژین و یا سیلیس روی اسکلت را می‌پوشاند.

Scoliopsis personatus ماهی سبیس جو

Scolopsis nosmeri = bream whitecheek moncle بچه سنگسر پهن

Scolopsis bimaculatus ماهی سیم تره هرمز، لباس جو

Scolopsis ghanam ماهی سیم هرمز، لباس جو

Scolopsis ruppeli ماهی سیم زیتونی هرمز، لباس جو

Scomber australasicus ماهی تون منقوش ژاپنی

Scomber microlepidotus ماهی سی باه

Scomberoides commersonianus = ***talang queen fish*** ماهی گیش چند لکه‌ای داغی، سارم، سلیمانی

Scomberoides lysan ماهی سارم

Scomberoides tol ماهی گیش لکه‌دار

Scomberomorus cavalla = ***king mackerel*** ماهی شیر

Scomberomorus commerson ماهی شیر

Scomberomorus guttatus = **Indo - Pacific Spanish mackerel** ماهی قباد

Scombridae = **mackerels, tunas** خانواده شیر ماهیان

Scombroid poisoning مسمومیت غذایی، مسمومیت حاصله از مصرف انواع ماهی تون، ماکرل و گونه‌های وابسته. نوعی حالت حساسیت که همراه با سر درد، سرگیجه و استفراغ می‌باشد. وجود میزان زیاد هیستامین در ماهی ضایع شده، بیانگر این نوع مسمومیت است.

Scombrotoxin نوعی مادهٔ سمی مقاوم در برابر حرارت که در گوشت ماهی تون و ماکرل ایجاد می‌شود.

scoop basket سبد ملاقه‌ای

scoop net dip net تور ملاقه‌ای، مراجعه شود به

scorched سوخته، سیاه شده، به سیاه شدن کنسرو تون، بخصوص در موقع قرار گرفتن در فضای بالای قوطی گفته می‌شود. اگر گوشت ماهی مصرف شده خیلی تازه باشد این حالت بوجود می‌آید.

score نمره، درجه، نمره یا درجهٔ داده شده برای کیفیت یک کالا بوسیلهٔ متخصصی که از طریق حسی آنرا بررسی می‌کند.

score sheet درجه نامه، ورقهٔ مخصوص ارزیابی که آزماینده نظرهای خود را روی آن می‌نویسد.

score, to ایجاد بریدگی یا برشهای کوچک در طول خط جانبی به وسیلهٔ چاقو یا چرخ دنده‌های مخصوص به منظور تسریع نفوذ نمک، در عمل‌آوری قزل‌آلا

scoring نمره دادن، درجه‌بندی برحسب نمره

scorpion fish عقرب ماهی

Scorpionidae خانواده عقرب ماهیان

Scorsby, William (1789-1857) ویلیام اسکورزبی، کاوشگر قطب شمال که تا مدار ۸۱°۳۰ پیش رفت.

Scotch barrel بشکه چوبی که برای بسته‌بندی شگ ماهی شور به کار می‌رود و هنگام پر کردن ۱۱۸ لیتر ظرفیت دارد که تا زمان مصرف به ۱۱۵ لیتر می‌رسد.

Scotch cure (d) herring شگ ماهی کاملاً تازه، غذا نخورده، شسته نشده، روده‌کشی شده و نمک زده که در چلیک بسته‌بندی شده است. این محصول در خونابه خودش بدون بسته بندی مجدد شور و رقیق می‌شود و زمان محدودی قابل نگهداری است.

Scotia Ridge پشتهٔ اسکوشیا که پهنه آمریکای جنوبی را به قطب جنوب وصل می‌کند. عمیق‌ترین نقطه در ترانشهٔ مجاور این پشته ۸۲۶۰ متر است.

Scotia Sea دریای اسکوشیا،

بخشی از اقیانوس اطلس جنوبی در محدودهٔ جزایر فالک‌لند و جزایر جنوبی ساندویچ، جئورجیا، اورکنی و شت‌لند. حدود ۳۰ درصد کف این دریا را رسوبات آهکی فورامینی‌فرها، و ۳۰ درصد رسوبات سیلیسی دیاتومه‌ها، و بقیه رسوبات ماسه‌ای و سیلیسی می‌پوشاند. مقدار نیترات و فسفات آب گرم عمقی این دریا زیاد است و با جریان آب به سوی قطب جنوب، باعث شکوفایی جمعیتهای پلانکتونی جنوب می‌شود.

Scotish seining = fly dragging

صید گردان اسکاتلندی

scour آبشستگی، جابجایی مواد زیر آب بوسیله امواج و جریانها

scraping of ponds, = mudding of ponds

تمیز کردن استخرها(بعد از صید)، بهسازی استخرها

screen شبکه توری ، شبکه مورد استفاده جهت جلوگیری از عبور ماهی

Scripps canyon درهٔ زیر دریایی اسکریپس در سواحل سن‌دیاگو

Scripps Institution of Oceanography

مؤسسه اقیانوس نگاری اسکریپس، بخشی از دانشگاه کالیفرنیا در سن‌دیاگو، که در زمینه زمین شناسی اقیانوسی، رسوبگذاری، اندرکنشهای هوادریا، اکولوژی و دیرین شناسی دریایی مطالعه می‌نماید.

SCUBA = self - contained underwater breathing apparatus وسیله غواصی، وسیله تنفس زیر آبی

scuffed ساییده شده، فرسوده شده

scuffing فرسوده شدن، ساییده شدن

scuffling سوراخ کردن کشتی به منظور غرق آن به هنگام آتش سوزی

scum پس مانده، لجن

scum pond حوضچه بی‌کار و بی‌استفاده

scupper روزنه زهکشی دیوار کشتی، مجرای فاضلاب عرشه

scutate = scutellate دارای صفحات استخوانی، پوشیده از صفحات استخوانی

scute صفحه استخوانی، فلس تخریف شده صفحه مانند

scute , of sturgeon صفحات استخوانی روی بدن ماهیان خاویاری

Scyllarus sp. گونه‌ای لابستر از خانواده Scyllaridae

Scyphozoa پنگان زیا، سیفوزوآ، دسته‌ای از کیسه‌تنان شامل ژله ماهی یا عروس دریایی

sea دریا، بخشی از یک اقیانوس، تودهٔ عظیم آب محصور در خشکی که با اقیانوس مرتبط است.

sea anchor = drogue لنگر دریا

sea anemone شقایق دریایی (از راسته اکتیناریا)، ردهٔ آنتوزوآ، و شاخهٔ کنیداریا. روابط همزیستی و همسفرگی بین شقایق دریایی و بعضی ماهیان و یا خرچنگها وجود دارد.

sea arm خلیج، دریا شاخه

sea bag کیسهٔ پارچه‌ای محتوی البسهٔ ملوانان

sea bank ساحل دریا

sea bass ماهی باس دریایی از خانوادهٔ Serranidae. در آبهای استوایی، نیمه استوایی و برخی گونه‌ها در آبهای سرد معتدله زندگی می‌کنند. این ماهیهای قابل صید، از سخت پوستان و نرمتنان تغذیه می‌کنند. بعضی از آنها هرمافرودیت، بعضی دوپایه و برخی تغییر جنسیت می‌دهند.

sea - basses = Serranidae

خانوادهٔ هامور ماهیان

seabed = bottom بستر دریا

seaboat قایق ترابری

sea bream ماهی سیم دریایی، گونه‌های ماهی از خانواده Sparidae که در ایران عمدتاً

بنام شانک ماهیان و در آمریکا بنام پورگی (porgy) نامیده می‌شوند. گونه‌های *Pagellus centrodontus* و *Archosargus rhomboidalis* از انواع معروف آن می‌باشند.

sea breeze نسیم دریا

sea butterfly پروانه ماهی دریایی

sea cabbage = ***Laminaria***

کلم دریایی (لامیناریا، نوعی جلبک)

sea card نقشه دریایی

sea catfishes = **Ariidae**

خانواده گربه ماهیان دریایی

sea chest سوراخهای بالاکشیدن آب دریا در کشتی

sea cliff پرتگاه ساحلی

sea coast ساحل دریا

sea cow گاو دریایی

sea cucumber خیار دریایی، خارپوست دریایی از ردهٔ هولوتوریدیا، شاخهٔ خارپوستان (اکینودرماتا). اگرچه خیار دریایی با سم خود طعمه را از پا درمی‌آورد ولی مصرف آن برای انسان بی‌ضرر است.

sea duty خدمت دریایی

sea eagle عقاب دریایی، عقابهای ماهیخوار سواحل

sea fan بادبزن دریایی، گونه‌ای مرجان با تقارن هشت وجهی

sea farer دریانورد، بحر پیما

sea fish ماهیان دریازی، ماهیان دریایی

sea floor بستر دریا، بستر اقیانوس

sea front اسکلهٔ کنار دریا، مشرف به دریا

sea goer ملوان، دریانورد، دریارو

sea going دریایی، دریارو

sea gooseberry انگور دریایی یا شانه ژله‌ای، گونه‌ای از شاخهٔ Ctenophora که بیشتر پلانکتونی بوده و از سایر پلانکتونهای کوچکتر تغذیه می‌کند.مراجعه شود به Comb Jelly

sea grass علف دریایی

sea hare شکمپای بی‌صدف از جنس *Aplysia* که با ترشح مادهٔ بنفش رنگ از خود دفاع می‌کند.

sea horse اسبک دریایی، گونه‌ای ماهی دریایی از خانوادهٔ سینگناتیده که سر اسب مانند دارند. این ماهی به جلبکها می‌چسبد و با استفاده از کیسهٔ شنایش به طور عمودی حرکت می‌کند و از سخت پوستان کوچک و زئوپلانکتونها تغذیه می‌نماید. زیر شکم ماهی نر، کیسه‌ای وجود دارد که ماهی ماده تخم‌های خود را در آن می‌گذارد. ماهی نر از آن مواظبت کرده و سپس ماهیهای کوچک از کیسه ماهی نر بیرون می‌آیند.

sea ice یخ شناور در سطح دریا

seal فُک دریایی، پستاندار پاروزنی از خانوادهٔ فوسیده و اوتارایده که در سواحل سردسیر پراکنش جهانی دارد.

sea lab برنامهٔ تحقیقاتی آمریکایی‌ها برای بررسی توان زندگی انسان در اعماق نسبی ۱۸۰ متر که زیستگاهی آزمایشگاهی را به کار می‌گرفت. مخلوط اکسیژن و هلیوم به این آزمایشگاه پمپ می‌شد تا تنفس محققان تأمین شود.

sea lane مسیر یا خط دریایی

sea lettuce کاهوی دریایی، گونه‌های جلبک سبز از جنس *Ulva* که در آبهای سرد و معتدله اقیانوسی دیده می‌شوند.

sea level سطح دریا، میانگین سطح بین جزر و مد، تراز دریا، تغییرات سطح دریا به عوامل متعددی مانند فشار جَو، شوری و دما بستگی دارد. حجم آب سرد یا شور از حجم آب گرم یا شیرین هم وزنش کمتر است. فشارْ هوا باعث پخش شدن و یا مسطح گردیدن آب می‌شود.

sea lily نرگس دریایی

sea line خط ساحلی

sea lion شیر دریایی، نوعی فوک دریایی

seaman ملوان، جاشو

seaman like مثل دریانورد

seaman recruit ناوی وظیفه، سرباز نیروی دریایی

seamanship دریانوردی، ملوانی، مهارت دریانوردی، کارآزمودگی دریایی

sea monsters جانوران غول پیکر دریایی مانند مارهای بزرگ دریایی، بالنها، کوسه‌ها، کرمهای نواری

seamount قلهٔ زیر دریایی، کوه زیر دریایی، تپه زیردریایی منفرد تا ارتفاع ۱۰۰۰ متر. اگر قله نوک تیز باشد آن را قلهٔ دریایی، و اگر پهن باشد آن را گایوت می‌نامند.

sea otter شنگ دریایی، سمور دریایی

sea pansy بنفشه دریایی، نوعی مرجان از ردهٔ آنتوزوآ، جنس *Renalia* که در سواحل آمریکای شمالی وجود دارد.

sea pen قلم دریایی، پر دریایی، نوعی جانور از ردهٔ آنتوزوآ. این جانور پرتوافشانی می‌کند و پراکنش جهانی دارد.

sea plain جلگهٔ دریایی

seaport بندر ساحلی دریایی، دریا بندر، شهر بندری یا ساحلی

sea puss = sea purse گرداب دریایی

sea quake زلزله دریایی

sea rim دریاکنار، ساحل، حاشیه ساحل، خاک دریایی

sea robin ماهی سرسپری از خانوادهٔ تریگلیده

seas امواج محلی، امواجی که در مکان و زمان مشاهده، توسط باد ایجاد شوند.

sea salt = solar salt

sea serpents مارهای بزرگ دریایی

sea shell صدف، صدف دریایی

seashore ساحل دریا

sea sick دریازدگی، دریاگرفتگی، دریا زده

sea slug = Nudibranch

نوعی شکمپای بدون صدف دریایی که آبشش باز دارد.



Nudibranch

sea snake مار دریایی، حدود ۵۰ گونه مار دریایی وجود دارد که انواع سمی در آبهای استوایی فراوان هستند، ولی بیشتر گونه‌های آنها در آبهای آسیا و استرالیا دیده می‌شوند. مارهای دریایی ماهیخوار هستند.

season فصل، فصل مناسب، زمان مناسب در مورد آبزیان به فصل و زمانی اطلاق می‌شود که موجود در شرایط خیلی خوب و مساعد است. در مقابل فصل نامساعد مثل دوره تخمریزی و بعد از آن

seasonal estuary خور فصلی

seasonal restrictions محدودیتهای فصلی صید

seasonal succession توالی فصلی

sea spider = whip spider

عنکبوت دریایی، بندپای دراز پای کفزی اقیانوسی از ردهٔ پیکنوگونیدا که ۶۰۰ گونه جهانی را شامل می‌شود.

sea squirt = Ascidian سیب زمینی دریایی، جانور دریایی ثابت از ردهٔ آسیدیاسه و زیر شاخهٔ تونیکاتا که پراکنش جهانی دارد.

sea star = starfish ستاره دریایی

sea state حالت دریا

sea stick , in مرحلهٔ مقدماتی عمل‌آوری شگ ماهی به روش اسکاچ

sea stock صخره مرتفع و باریک درکنار دریا

sea trout = *Salmo trutta* قزل‌آلای دریایی، ماهی آزاد، قزل‌آلای قهوه‌ای دریایی

sea turtle لاک پشت دریایی،

sea way دریا راه، راه دریایی، مسیر کشتی

sea weed جلبکها و علفهای دریایی مختلف که در ساحل، مردابها و یا اعماق اقیانوسها می‌رویند.

sea worn فرسوده در دریا، سائیده شده توسط دریا

sea worthinees ارزش دریاروی، کارایی کشتی، قابل سفر به دریا

sea worthy قابل اطمینان و آماده برای سفر به دریا

sea zonation ناحیه‌بندی اعماق دریا

Secchi depth عمقی که از آن ببعد بشقاب سیاه و سفید سی چی که قطر آن ۲۰ سانتیمتر است دیده نمی‌شود. این دیسک معیاری از شفافیت یا کدورت آب است.

Secchi disc صفحه سی‌چی، صفحه گرد سیاه و سفیدی که برای اندازه‌گیری شفافیت آب بکار می‌رود.

secondary fish ماهیان جنبی، ماهیهای دست دوم

secondary production تولید ثانویه، تولید موجوداتی که از گیاهان سبز تغذیه می‌کنند و معمولاً برای اشاره به همه انواع زئوپلانکتونها، مراحل پلانکتونی سایر آبزیان، و آبزیانی که از فیتوپلانکتونها تغذیه می‌کنند، به کار می‌رود.

secondary tidal station ایستگاه فرعی جزر و مد

second dorsal fin دومین باله پشتی، بالهٔ عقبی در ماهیهایی مانند سوف مانندها که دو بالهٔ پشتی دارند.

second filling پر کردن دوم، مرحلهٔ تجدید بسته بندی ماهی در چلیک، یک روز پس از اولین بسته بندی

second fry pond استخر پرورش نوزاد مرحله دوم

second rearing pond استخر پرورشی مرحله دوم

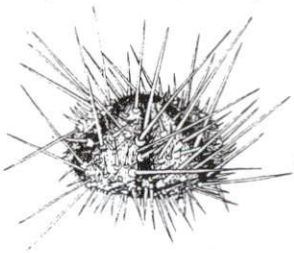
second-summer fish ماهی دو تابستانه

second-summer fry بچه ماهی دو تابستانه

section مقطع، تصویر دو بعدی پراکنش خواص آب یا موجودات در آب، همچنین به یک خط

خزنده‌ای دریازی از گروه چرم پشتان (درموکلایده)، لاک پشت دریایی چرم پشت نوع بزرگ همه چیز خوار است که تا ۵۰۰ کیلوگرم وزن دارد. لاک پشت دریایی سبز گونه‌ای در حال انقراض است.

sea urchin توتیا، خارپوست دریایی، گونه‌ای از ردهٔ Echinoidea که در آبهای استوایی و معتدله زندگی می‌کند. از توتیا به عنوان غذای خوراکی در بعضی مناطق استفاده می‌شود. گونه‌های مختلفی از آن در آبهای جنوبی کشور دیده می‌شود.



توتیا

sea wall دیوار یا سد دریایی

seaward به سوی دریا، رو به دریا، اطراف دریا

seaward migrating eel مارماهی در حال بازگشت به دریا

sea water آب دریا، آب شور دریا حدود ۹۷ درصد آبهای جهان را تشکیل می‌دهد. املاح محلول، به استثنای کلرور سدیم و پتاسیم، فقط حدود ۰/۰۵ درصد تمام مواد محلول در آب دریا را تشکیل می‌دهند. درصد عناصر مختلف در آب دریا در جدول زیر نشان داده شده است :

عنصر یا یونها	غلظت در میلیون (PPm)
استرانسیوم	۸
اکسیژن (مولکولی)	۴/۶ تا ۷/۵ متناسب با عمق
سیلیس	۳
فلوئور	۱/۳۰
نیتروژن (انواع یونها)	۰/۵
آرگون	۰/۵
لیتیوم	۰/۱۷
فسفر (فسفات و اسید فسفات)	۰/۰۷
ید	۰/۰۶
کربن (بصورت CO_2)	خیلی کم

بوجود آمدن این امواج می‌شود که طبق فرمول زیر توصیف شده‌اند :

$$T = \frac{2L}{\sqrt{gh}}$$

طول بدنه (حوضچه) آب = L

عمق بدنه آب = h

گرانش بدنه آب = g

امواج تا حدی جلو و عقب می‌روند تا در اثر اصطکاک خنثی شوند. همچنین شکل بستر بدنهٔ آب نیز مهم است.

seine تور گردان، پره، صید با تور گردان،

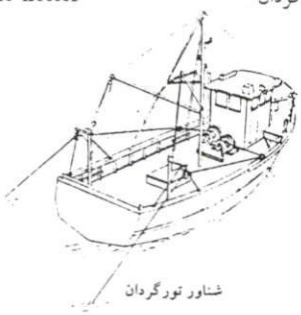
توری که قسمت پایین آن به وزنه‌هایی متصل است و در سطح نیز توسط شناورها باقی می‌ماند و مانعی عمودی برای ماهی بوجود می‌آورد. با کشیدن دو انتهای تور به سوی هم، ماهیان محصور شده به دام می‌افتند.

seine, beach تور پره ساحلی

seine fishing صید با پره

seine net تور گردان

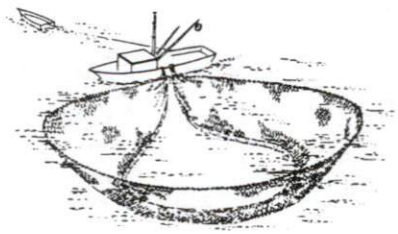
seine netter شناور تور گردان



شناور تور گردان

seine, purse = purse seine

تور پیاله‌ای (توبره‌ای) که کشیدن طناب آن باعث جمع شدن تور می‌شود.



تور پیاله‌ای

مشاهدات و یا ایستگاههای نمونه‌برداری اطلاق می‌شود.

sector light چراغ چشمک زن کشتی

sedentary غیر مهاجر

sedimentary peat تورب رسوبی،

توربی که در زیر آبهای نسبتاً عمیق از بقایای نیلوفر آبی و علفهای هرز و گیاهان و جانوران ذره بینی تشکیل می‌شود و خیلی کلوئیدی و فشرده بوده و حالت منعطف دارد.

sediments رسوبات، موادی که در کف آب ته نشین می‌شوند. رسوبات دریایی، سطح رسوبات اقیانوسهای اطلس، آرام و هند برحسب کیلومترمربع در جدول زیر آورده شده است :

نوع رسوبات	اطلس	آرام	هند	درصد
آهکی	۴۰/۱	۵۱/۹	۳۴/۴	۳۵
گلوبی‌ژرینا	۱/۵			
پتروپاد				
سیلیسی				
دیاتومه	۴۱/۱	۱۴/۴	۱۲/۶	۱۰
شعاعیان		۶/۶	۰/۳	
رس قرمز	۱۵/۹	۷۰/۳	۱۶	۵

* رسوبات آهکی و سیلیسی بیشتر اعماق ساحلی را تشکیل می‌دهند

seed fish ماهیان مولد، ماهیان تخم دار

seelachs محصول جانشین قزل‌آلا که عموماً از ماهی «کول» شورکرده، کمی دودی شده، چاشنی زده و کنسرو شده در روغن تهیه می‌شود. بعضی مواقع ماده شیمیایی نگهدارنده نیز افزوده می‌شود.

seepage نشت آب

segmented ray = soft ray شعاع منشعب باله

segregation pond استخر جداسازی ماهیان

seiche نوسان آزاد آب، پایین و بالا رفتن سطح آب حوضچه‌ها یا خلیجها که بطور مرتب ولی هر از چند گاهی اتفاق می‌افتد. این تغییر سطح آب در اثر نیروی ماه و خورشید نیست (جزر و مد نیست). عاملی باعث

seining تورگردانی

seint net تور عمودی،
توری با یک کیسهٔ مخروطی کوچک و بالهای دراز و باریک. این تور بوسیلهٔ وزنه و قایق کشیده می‌شود و وقتی از الگوی ماهیگیری مثلثی استفاده می‌شود، ابتدا چندین حلقه طناب که متصل به تور هستند، و سپس تور در آب انداخته می‌شود و بالاخره طنابهای بیشتر در آب می‌افتد. هر دو طناب کشیده می‌شوند و ماهی در منطقهٔ بسته محصور می‌شود.

seismology, under sea زلزله شناسی
زیر دریایی، زلزله‌های زیر دریایی که باعث تشکیل امواج تسونامی می‌شوند.

seizing بستن دو طناب

Selar crumenophthalmus = **bigeye scad**
ماهی گیش پهن، اسکاد چشم درشت

selection of young fish گزینش ماهیان جوان

selective feeding تغذیه انتخابی،
روشهای تغذیه براساس انتخاب نوع غذا و یا موجوداتی که به عنوان غذا مصرف می‌شوند.

selectivity انتخاب، گزینش،
قابلیت یا ویژگی انتخاب یا گزینش موجودات خاصی بین یک جمعیت معین

self digestion خود هضمی، اتولیز

self-purification خود پالایی،
خود خالص سازی، توان تجزیه یا خنثی کردن برخی مواد آلاینده به شکل مواد بی‌ضرر توسط آبگیرها بویژه توسط آبهای جاری

Sellaroides leptolepis = yellow stripe trevally
ماهی گیش تک لکه‌ای، مقوا نوار زرد

sell-by date فروش بر پایهٔ تاریخ مصرف

semelparous موجوداتی که فقط یک بار در طول دورهٔ زندگی تولید مثل می‌نمایند.

semiaquatic موجودات نیمه آبزی

semi-closed system روش نیمه بسته،
پرورش آبزیان در سیستم نیمه بسته که تنها قسمتی از آب بطور متناوب تخلیه و جایگزین می‌شود.

semidiurnal tide کشند نیمروزه،
جزر و مد نیم‌روزه‌ای، جزر و مد نیمروزانه که دو جزر و دو مد در هر روز اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر در یک روز قمری دو بار مد و دو بار جزر اتفاق می‌افتد. بیشتر جزر و مدهای دریاها از نوع نیم روزه می‌باشند.

semi-enclosed sea دریای نیم بسته

semi-intensive culture پرورش نیمه متراکم

semi-pelagic trawl ترال نیمه میانی

semi permeable نیمه نفوذپذیر، نیمه تراوا

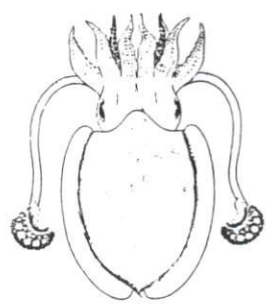
semi preserved نیمه کنسرو شده،
فرآورده‌های نگهداری شده با نمک و سرکه (اسید استیک) که در شرایط خنک ، حداکثر یک تا دو ماه می‌توان آنها را نگهداری نمود.

sensitivity حساسیت، درجهٔ پاسخ به یک محرک

sensory حسی، بررسی کیفیت کالای آبزیان از طریق حسی

sensory method روش حسی،
روش کنترل کیفی از طریق حسی، بررسی کیفیت کالای ماهی صد در صد از طریق کاربرد حواس

Sepia ماهی مرکب، سپیا،
جنسی از نرمتنان ده پا، ردهٔ Cephalopoda



Sepia latimanus ماهی مرکب، سپیا

Sepiella sp. یک جنس از ماهی مرکب

septicaemia (of carp) عفونت خون (در کپور)،
بیماریهای خونی حاصل از ریز موجودات و تولیدات

آنها، یک بیماری ویروسی اولیه کپور که هنوز عامل آن دقیقاً شناخته نشده و به طور وسیعی مزارع کپور اروپایی را آلوده می‌کند.

sere خشک، خراب، پژمرده

Seriodes nigrofasciata = black - banded ماهی خرومو

Seriola dorsalis = yellow tail ماهی گیش دم زرد

Seriola dumerili = greater amberjack ماهی گیش یراقدار

Seriola rivolina = almaco jack ماهی گیش یراقدار

Seriolina nigrofasciata = black-banded trevally ماهی سارم نوار سیاه

Serrannidae = groupers, seabasses خانوادهٔ هامور ماهیان

serrate = serrated دندانی، اره مانند، دندانه‌ای

sessile اتصال دائمی، عدم امکان حرکت آزادانه، چسبیده، موجودی که توسط پایه‌ای به بستر یا مادهٔ دیگری چسبیده باشد.ثابت

seston اسم کلی برای هر چیز غوطه ور یا شناور در آب که شامل موجودات زنده و غیر زنده می‌شود، مقدار کل ذرات معلق در آب دریاچه

set مجموعه بادبانها

setae تارها یا سیخولهای کوچک در اسکلتهای خارجی بند پایان

setiform تار مانند

set line رشته قلابهای طویل

set net تور گوشگیر ثابت

set of a current جهت جریان

set of the sails قرار دادن بادبانها

set sails بالا بردن بادبانها

setting laying out نصب تور، مراجعه شود به

settnig (of oysters) نشستن صدفچه (spat) دوکفه‌ای روی بستر

setting tank = pond مخزن یا حوضچه ته‌نشینی، مخزن یا حوضچه‌ای که ذرات جامد معلق پس از رسوب کردن از زباله و فاضلابها جدا می‌شود.

settlement جزر، فرونشینی آب دریا

seviche خوراک آمادهٔ آمریکای جنوبی شامل ماهی عمل‌آوری شده، اساساً ماهی «کورونیا» (*Micropogon fornieri*) که در آب پرتقال ترش ماریناد شده است.

sevruga = *Acipenser stellatus* ماهی ازون برون، ماهی تیریک، کوچکترین گونه ماهیان خاویاری در دریای خزر. ماهی خاویاری ستاره‌دار. این ماهی در دریای سیاه، آزوف و خزر زندگی می‌کند. در دریا زندگی می‌کند و برای تخمریزی به رودخانه‌ها کوچ می‌کند. حداکثر طول آن ۲۲۰ سانتیمتر و حداکثر وزن آن ۶۸ کیلوگرم گزارش گردیده است. ولی طول معمول آن بین ۱۳۳ تا ۱۴۰ سانتیمتر و وزنش بین ۶/۵ تا ۱۱ کیلوگرم است.

sewage فاضلاب، پسآب صنعتی، فاضلاب شهری

sewage purification pond حوضچه تصفیه، فاضلاب، استخر تصفیه فاضلاب

sewer کانال فاضلاب، مجرای فاضلاب، کانال یا لوله‌کشی مصنوعی و معمولاً زیرزمینی برای حمل و تخلیهٔ آبهای هرز

sexing تعیین جنسیت (نر یا ماده)

sex ratio نسبت جنسی، نسبت ماهیان نر و ماده نسبت درصدی بین نرها و ماده‌ها در یک مساحت مشخص

sextant زاویه یاب، یک ششم دایره، زاویه یا قوس ۶۰ درجه

sexually active period دوره فعالیت جنسی، دوره‌ای از زندگی یک موجود زنده که طی آن قابلیت تولید مثل را پیدا می‌کند.

shackle حلقهٔ اتصال، بخُو، شِکِل، سگک

shad ماهی گواف، شاه ماهی خوراکی

shadow zone منطقهٔ سایه، عمقی که در آن انعکاس کامل صوتی پیش می‌آید.

shaft محور پروانه، شافت

shallow کم عمق، مربوط به عمق کم

shallow water آب کم عمق

shallow - water lagoon خلیج کم عمق، مرداب کم عمق

shark کوسه ماهی،

انواع ماهیان غضروفی گوشتخوار دریاهای گرم. این ماهیان در چند خانواده مهم کارکاریده، کارکارینیده، لامنیده، اسکوائیده و چند خانوادهٔ دیگر قرار دارند. بارزترین ویژگی کوسه‌ها ۵ سوراخ بیرونی آبشش آنها، بالهٔ دمی نامتقارن، دندانهای متعدد قابل جایگزینی و فلسهای پلاکوئید است. بیشتر کوسه‌ها به تبع شکار خود، روزها را در سطح و شبها را در عمق بسر می‌برند. چون کیسهٔ هوایی ندارند، جگر بزرگ آنها که روغن فراوان دارد، نقش غوطه‌وری و تعادل آنها را فراهم می‌کند. بعضی از کوسه‌ها بچه‌زا هستند و در برخی دیگر، تخمها در بدن کوسهٔ ماده رشد می‌کنند. در بعضی از آنها مانند سگ ماهی، ماهیان کوچک نوزاد تا دو سال در لوله‌های تخمدان باقی می‌مانند.

shark sucker = *Echeneis naucrates*

ماهی چسبک، لژک، لازک، کوسه کش

sharp tooth hammer croaker

گونه‌ای ماهی دندان تیز از خانوادهٔ شوریده ماهیان طبال با نام علمی *Johnieops vogleri* که طول آن ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر است. از ماهیهای کوچک و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در منطقهٔ اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی به طرف سواحل شمال استرالیا وجود دارد. ساکن آبهای کم عمق ساحلی می‌باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی و گوشگیر انجام می‌گیرد.

Shaul Shelf پوستهٔ قاره‌ای سواحل استرالیا زیر دریای تیمور

sheap = *Acipenser nudiventris*

ماهی شیپ، تاسماهی خاردار، لب پائینی در این ماهی بر خلاف سایر گونه‌های تاسماهیان بریدگی ندارد. ماهی مهاجری است که بومی دریاهای خزر، آرال و سیاه است. طول آن تا ۲ متر می‌رسد و در قسمت جنوبی دریای خزر فراوان است و کم‌اهمیت‌ترین گونه تاسماهیان دریای خزر می‌باشد. طول آن اکثراً بین ۱۳۰ تا ۱۸۰ سانتیمتر و وزن متوسط آن ۲۰ کیلوگرم است.

shearwater پرندهٔ پا پرده دار اقیانوسی از خانوادهٔ پروسلاریده که در گودیهای امواج پرواز می‌کند. این پرنده یا در آب و یا در هوا است و فقط برای تخمگذاری به خشکی می‌آید.

sheatfish ماهی اسبله با نام علمی *Silurus glanis*

sheathing تخته‌های کف عرشه

sheer قسمت انحنای جلو و عقب کشتی، انحراف (از راه)

shelf فلات قاره، تپهٔ شنی در کنار دریا، جزیره

shelf edge لبهٔ قاره

shelf life عمر نگهداری

shell کفه، صدف، پوستهٔ

shellfish قشرداران، صدفداران، آبزیان دریایی که دارای پوسته سخت خارجی آهکی (نرمتنان) و یا کیتینی (سخت پوستان) می‌باشند. این آبزیان تجاری در مقابل ماهیها که به آنها finfish می‌گویند قرار دارند.

shellfish culture پرورش انواع نرمتنان و سخت پوستان (برای مثال صدفها و میگوها)

shellfish paste خمیر نرمتنان، قسمت خوراکی صدف شور شده که آسیاب شده و به صورت خمیر درآمده و در اثر مرور زمان تخمیر می‌گردد و به آن چاشنی زده می‌شود (مواد رنگی نیز

ممکن است افزوده گردد).

shellfish production تولید آبزیان صدفدار

shell plating قسمتهای فولادی کناره کشتی

shelter پناهگاه

sheltered area ناحیهٔ در پناه،محدوده حفاظت شده

shingle قلوه سنگهای کنار ساحل،
رسوب ساحلی، ضربه‌های امواج بر ساحل، ساحل سنگلاخی

shiokara احشای تخمیر شدهٔ ماهی جهنده

ship کشتی، کشتی اقیانوس پیما،
وسیله دریایی بزرگتر از قایق

shipboard پهلوی کشتی، روی کشتی ،
سوار کشتی شدن

ship building کشتی سازی

ship handler فروشنده لوازم کشتی

ship handling مانور با کشتی

ship husband ناظر و مسئول کشتی

shipman ملوان، دریانورد

shipmaster ناخدای کشتی، رئیس کشتی ،
فرمانده کشتی

shipmate هم کشتی، فرد هم قطار در کشتی

shipment حمل کالا با کشتی، محمولهٔ کشتی

ship owner مالک کشتی

shippable قابل حمل با کشتی

shipper کالابری با کشتی، باربری با کشتی

shipping routes مسیرهای کشتیرانی

shipside کنار کشتی، پهلوی کشتی

shipwater آب بار کردن

shipworm کرم کشتی یا کرم چوب کشتی،
نرم تنی که چوب کشتی را سوراخ می‌کند.

shipwreck شکسته شدن کشتی، غرق شدن کشتی،
کشتی شکستگی

shipwright کشتی سازی، کشتی ساز

shipyard کارخانه کشتی سازی،
محوطه کشتی سازی

shoal = school تپه زیر آبی کم عمق، پایاب،
محل کم عمق در دریاها یا رودخانه، جزیره، تپهٔ زیر دریایی، دسته، گروه، گله، دسته ماهی

shoaling coefficient همگر یا ضریب کاهش ژرفا

shoal water آب کم عمق، پایاب

shooting توراندازی، تور ریزی

shore ساحل، کرانه، حد فاصل خشکی در
جزر تا حد خشکی در مد، به ساحل آمدن، دریا کنار

shore bird پرستو یا چلچلهٔ دریایی

shore cure ماهی کاد کم دودی شده و خشک
گردیده محتوی حدود ۴۰ درصد رطوبت و ۱۲ درصد نمک که با نمک خشک به مدت ۱۰ روز به نسبت ۱۸ تا ۲۰ قسمت نمک به ازای ۱۰۰ قسمت وزن ماهی، تولید شده است.

shore dinner غذای دریایی،
غذای مرکب از موجودات دریا

shoreface کرانه نزدیک

shore leave مرخصی افسران و ملوانان کشتی
برای رفتن به خشکی

shore - line خط ساحلی،
خط تلاقی آب و خشکی (ساحل)، طول ساحل

shore pack بسته بندی ماهی در خشکی،
نوعی شگ ماهی دودی شده غلیظ که در اروپای شمالی به وسیله بسته‌بندی مجدد آن در خشکی تولید می‌شود. ماهی قبلاً به طور مقدماتی در عرشه شور شده است.

shore patrol پلیس نیروی دریایی، گارد ساحلی

shore-rope طناب ساحلی،
طنابی که یک تور را به ساحل وصل می‌کند.

shore seine تور محاصره‌ای ساحلی،
نوعی تور عمودی که در نزدیکی ساحل و معمولاً با یک بال کوتاهتر کشیده می‌شود.

shoring پیاده شدن در ساحل

shortening in کوتاه کردن (طناب)

short fin mako ماهی ماکوی باله کوتاه، گونه‌ای از خانواده Lamnidae با نام علمی *Isurus oxyrinchus* که حداکثر طول آن ۴۱۰ سانتیمتر و بطور معمول ۲۷۰ سانتیمتر است. از ماهیان گله‌ای (شیر، قباد، ساردین و غیره)، کوسه‌های خطرناک و مهاجم تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از آفریقای جنوبی، موزامبیک، ماداگاسکار، موریس، دریای سرخ، عمان، پاکستان و هند و سریلانکا وجود دارد. از مناطق دیگر در آبهای گرم معتدله و دریاهای گرمسیری یافت می‌شود. یک گونه ساحلی و اقیانوسی می‌باشد. معمولاً در سطح آبهای ساحلی و نزدیک ساحل پیدا می‌شود. گونه‌ای قوی و بسیار فعال است که به هنگام صید توسط قلاب به داخل قایق صیاد می‌جهد، زنده‌زا است. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ رشته قلاب، تور گوشگیر و قلاب و ریسمان انجام می‌شود.

short fin shead ماهی گیش باله کوتاه، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Decapterus macrosoma* که حداکثر طول آن ۳۰ سانتی متر بدون بالهٔ دمی است و از کوچکترین بی‌مهرگان پلانکتونی تغذیه می‌کند. در آبهای ساحلی بیشتر اقیانوس هند غربی، در اقیانوس هند ـ آرام غربی بعلاوه ژاپن، استرالیا و هاوایی و در اقیانوس آرام شرقی از پرو تا خلیج کالیفرنیا یافت می‌شود. انواع گونه‌هایی که بصورت گله‌ای زندگی می‌کنند، در عمق ۱۳۰ تا ۱۷۰ متری و حتی مناطق عمیق‌تر بسر می‌برند. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیله تور کیسه‌ای احاطه‌ای و تور کشش انجام می‌گردد.



Decapterus macrosoma ماهی گیش باله کوتاه

shorthead anchovy متو ی سر کوتاه، گونه‌ای از خانواده آنشوا ماهیان یا متو ماهیان با نام علمی *Stolephorus heterolobus* حداکثر طول آن ۷ تا ۸ سانتیمتر است و احتمالاً در سراسر منطقهٔ اقیانوس هند غربی (بجز خلیج فارس که گزارشی مطمئن در مورد وجود این ماهی نشده)، آفریقای جنوبی و جزایر موریس، در مناطق دیگر به طرف شرق تا گینه نو و سواحل شمالی استرالیا دیده می‌شود. ماهی سطحزی آبهای ساحلی است و یکی از معمول‌ترین گونه‌های این گروه می‌باشد. در آبهای ایران در دریای عمان (از دماغه میانی به طرف شرق) دیده می‌شود.

short-nosed tripodfish سه پایه ماهی پوزه کوتاه، گونه‌ای از خانواده سه خاره ماهیان با نام علمی *Triacanthus biaculeatus* که طول آن ۲۵ تا ۳۰ سانتی متر است. از بی‌مهرگان کفزی تغذیه می‌کند. در آبهای ساحلی دریای عربی از سریلانکا تا خلیج فارس و اقیانوس هند شرقی یافت می‌شود. گسترش آن از شمال تا جنوب و شرق ژاپن و تا شرق استرالیا می‌باشد. در بسترهای صاف آبهای ساحلی کم عمق تا اعماق ۶۰ متری و خورها یافت می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیله تورهای کششی کفی و گوشگیر (شناور و ثابت) انجام می‌گیرد.

short splice پیوند کوتاه

shovel fishing صید با بیل

shovel head کوسه ماهی سرباریک اقیانوسی

shredded cod ریزه‌کاد، محصول شور تهیه شده از ماهی کاد کوچک مارینا د شده یا اضافات حاصل از تهیهٔ ماهی کاد بی‌استخوان که در ماشین «ریز کن» به الیاف ریز خرد می‌شود و در حرارت ۶۵ درجه خشک می‌گردد.

shrimp میگو، روبیان، سخت پوست خوراکی از Natantia با بدن شفاف و شکم انعطاف پذیر. حدود ۲۰۰۰ گونه آب شیرین و شور به طول ۷ تا ۲۰ سانتی متر در آبهای جهان زندگی می‌کنند. بعضی از گونه‌های میگو در مردابها و آبهای لب

شور تخمریزی می‌نمایند. به همین دلیل مطالعه چرخه زندگی انواع میگو ضروری به نظر می‌رسد.

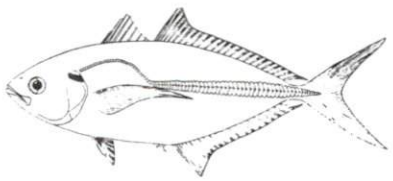
shrimp culture = shrimp farming

پرورش میگو

shrimp farming = shrimp culture

پرورش میگو

shrimp scad گیش میگویی، گونه‌ای از خانواده گیش ماهیان با نام علمی *Alepes djedaba* که طول آن حداکثر ۲۹ سانتیمتر و تغذیه آن از پاروپایان (کوپه‌پودها) و نوزاد سخت پوستان می‌باشد. نمونه‌های بزرگ از ماهیان کوچک تغذیه می‌کنند. در آبهای اقیانوس هند غربی، اقیانوس آرام غربی، و از سوماترا تا فیلیپین و تایلند (حوضه چین) موجود است. در قسمت شرقی دریای مدیترانه (ساحل فلسطین اشغالی، لبنان، مصر) موجود است و از دریای سرخ به طرف کانال سوئز مهاجرت کرده است. تقریباً نزدیک آبسنگهای نزدیک ساحل، حتی در آبهای متلاطم فراوان است و اغلب تشکیل گله‌های بزرگی را می‌دهد و هنگام بلوغ طول آن حدود ۱۷ سانتی‌متر است. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن عمدتاً بوسیلهٔ قلاب و طناب در آبهای ساحلی انجام می‌گیرد.



Alepes djedaba گیش میگویی

shrimp trawl جَل، ترال میگو، مرسوم‌ترین تور صید میگو

shrimp trawler کشتی یا لنج میگوگیر با ترال

shrimp trawling گوفهٔ میگو (بوشهر)

shroud طناب اتصال بادبان به عرشه

shucked جدا شده از کفه یا صدف، صدفی که گوشت آن از کفه جدا شده است، در نرم‌تنان گوشت جدا شده از صدف

shutter دریچه جاپارو

sickbay درمانگاه کشتی

sick leave مرخصی استعلاجی

sickle fishes عروس ماهیان خانواده Drepanidae

side lobe بخش کناری، لوب کناری

side party گروه رنگ زن

side trawl ترال جانبی

side trawler ترالر پهلوکش

side trawling صید با ترال جانبی

Siganidae خانواده صافی ماهیان یا خرگوش ماهیان rabbitfishes, spinefeet

***Siganus canaliculatus* = white spotted spine foot** ماهی صافی

***Siganus javus* = streaked spinefoot** ماهی صافی عربی

signal علامت، مخابره کردن، علامت دادن، مخابره، علامت

signal letters علائم رمزی کشتی

signal - to - noise ratio نسبت علامت مخابره به سر و صدا

significant wave موج شاخص، اصطلاحی آماری برای $\frac{1}{3}$ از بلندترین امواج یک گروه موج مشخص

significant wave period دوره موج شاخص

silent hour ساعت خواب

silicoflagellates فیتوپلانکتونهایی که پوسته یا پوشش شفاف دارند.

silicon = Si عنصر سیلیس، ترکیبات این عنصر در دریا بصورت زیستی و غیر زیستی به وجود می‌آیند.

sill برآمدگی زیر آبی که نواحی اقیانوسی

را از هم جدا می‌کند.

Sillaginidae = sillagos, whitings

خانواده شورت ماهیان

***Sillago maculata* = trumpeter sillago**

ماهی شورت ترومپت‌زن

***Sillago sihama* (silver sillago)**

شورت نقره‌ای

Sillago sp. ماهی شورت که گونه آن شناسایی نشده است.

silt گل و لای، لجن، ماسه، ذرات خاک که قطر دانه‌های آن از $\frac{1}{16}$ میلی‌متر کمتر است. خاک ریز دانه و نرم

siltation ته نشینی گل و لای، ته‌نشین شدن ماسه در کف استخر، لجن گیر شدن، نشست رسوبات ریز دانه و نرم که شامل اجزای سنگی- گلی است.

silting مراجعه شود به siltation

silting of mud گل زدن استخر

silting of sand ماسه زدن استخر

Siluridae اسبله ماهیان

Siluroids, freshwater

اسبله ماهیان آبهای شیرین

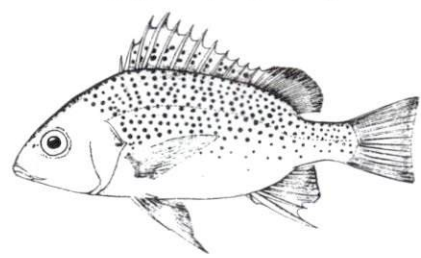
***Silurus glanis* = wels** ماهی اسبله، مراجعه شود به sheatfish

silver ماهی بلوتر شور کرده بسیار غلیظ، دودی شده رقیق به سبک قدیم. در هلند عبارت است از شور کرده سخت دودی نشده

silver carp ماهی فیتوفاگ، کپور نقره‌ای با نام علمی *Hypophthalmichthys molitrix* این ماهی را در بازار ماهی فروشان کشور به غلط ماهی آزاد پرورشی می‌گویند. فلس‌های آن ریز و نقره‌ای، بدن فشرده و دهان برگشته به طرف بالا است. باله پشتی دارای ۳ شعاع باله نرم است. روی خط جانبی ۱۱۰ تا ۱۲۴ عدد، بالای خط جانبی ۲۸ تا ۳۳ ردیف و پایین آن ۱۶ تا ۲۸ ردیف فلس قرار دارد. تعداد مهره‌ها ۳۷ عدد است. آروارهٔ بالایی دارای بریدگی کوچکی است. از اتصال زایده‌های کمان برانشی توده‌ای اسفنجی با ویژگی خاصی درست شده که کار صافی (فیلتر) کردن آب و گرفتن فیتوپلانکتونها را انجام می‌دهد. شکم دارای لبه‌ای تیز از زیر گلو تا مخرج است. طول آن تا بیش از یک متر و وزن آن تا ۲۶ کیلوگرم یا بیشتر می‌رسد. نمونه‌های ۵۰ کیلوگرمی هم گزارش گردیده‌اند. در دریاچه هامون از بچه ماهیهای ریخته شده، نمونه ۳۶ کیلوگرمی هم صید گردیده است.

silver glanis = wels ماهی اسبله

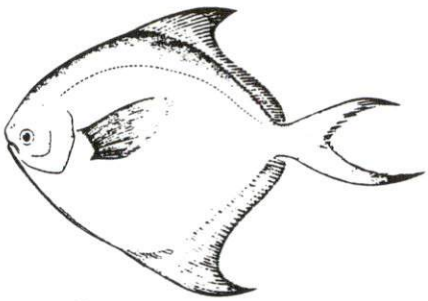
silver grunt ماهی سنگسر نقره‌ای، گدیر (چابهار) گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسر ماهیان با نام علمی *Pomadasys argenteus* که حداکثر طول آن ۵۲ سانتی متر است. در اقیانوس هند غربی، از دریای سرخ تا سریلانکا، همچنین به طرف شرق تا فیلیپین وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی می‌باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. توسط تور کششی کفی و رشته قلابهای کفی، گوشگیر و دام صید می‌شود.



ماهی سنگسر نقره‌ای *Pomadasys argenteus*

silver moony Monodactylidae گونه‌ای از خانوادهٔ با نام علمی *Monodactylus argenteus* که حداکثر طول آن ۲۵ سانتیمتر است و از پلانکتون و اجسام ریز تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند ـ آرام غربی و دریای سرخ از آفریقای جنوبی تا سریلانکا، موریس، ماداگاسکار و سیشل و در مناطق دیگر در آبهای چین، اندونزی، فیلیپین، استرالیا و گینه نو وجود دارد. در آبهای شیرین، خورها و بندر یافت می‌شود. در آبهای ایران در دریای

آن در اواخر زمستان و سراسر تابستان انجام می‌شود که شدت آن در بهار (نیمه دوم فروردین تا اوایل تیر ماه) می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی کفی و گاهی بوسیلهٔ تورهای گوشگیر انجام می‌شود.



ماهی حلوا سفید *Pampus argenteus*

silver sillago ماهی شورت، گونه‌ای از خانوادهٔ شورت ماهیان با نام علمی *Sillago sihama* که طول آن ۱۵ تا ۲۵ سانتیمتر است و از بی‌مهرگان کوچک تغذیه می‌کند. اغلب در سراسر اقیانوس هند غربی، در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی به طرف جنوب تا سواحل شمال استرالیا وجود دارد. ساکن بسترهای کم عمق شنی سواحل و خلیجها و نیز خورها می‌باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط پره و قلاب دستی انجام می‌گیرد.

silver tip shark کوسه پوزه نقره‌ای، گونه‌ای کوسه ماهی از خانوادهٔ Carcharhinidae با نام علمی *Carcharhinus albimarginatus* که اندازهٔ بالغ آن ۱۶۰ تا ۱۹۹ سانتیمتر است. از کفزیان و ماهیان پلاژیک شامل سفره ماهیان و هشت پایان تغذیه می‌کند. در دریای سرخ و اقیانوس هند در آبهای دور از ساحل آفریقای جنوبی، موزامبیک، کنیا، ماداگاسکار، موریس، سیشل، مجمع‌الجزایر چاگوس و نیز در غرب اقیانوس آرام مرکزی، شرق اقیانوس آرام و احتمالاً شمال غربی اقیانوس اطلس وجود دارد. در آبهای ساحلی نزدیک و دور از ساحل از سطح آب تا عمق ۸۰۰ متری یافت می‌شود. اگرچه در آبهای دور از ساحل یافت می‌شود، ولی گونه‌ای اقیانوسی نیست. زنده‌زا می‌باشد. تعداد نوزادان یک تا ۱۱ عدد است که هنگام تولد به طول ۶۳ تا ۶۸ سانتی‌متر می‌باشند. برای انسان خطرناک است. در آبهای ایران، در خلیج فارس وجود دارد. صید آن با قلاب و تور گوشگیر انجام می‌شود.

simulation شبیه‌سازی بر مبنای کمیتهای نمادین اکوسیستم دریایی یا براساس همهٔ دانش تجربی موجود از این سیستم

sin croaker ماهی تان تار (چابهار)، گونه‌ای از خانواده شوریده ماهیان طبال با نام علمی *Johnieops sina* که طول آن ۱۳ تا ۳۰ سانتیمتر است که از سخت پوستان کوچک تغذیه می‌کند. از ناتال به طرف شرق تا هند، همچنین در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی، به طرف سواحل شمالی استرالیا یافت می‌شود. در آبهای ساحلی تا عمق حدود ۴۰ متری دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی، گوشگیر مستقر کفی و کیسه‌ای انجام می‌شود.

sind sardinella ماهی حشینه، ساردینلای پهلو طلایی، از خانواده ساردین ماهیان با نام علمی *Sardinella sindensis* که طول آن ۱۴ تا ۱۷ سانتیمتر می‌باشد. در بخش شمالی اقیانوس هند غربی به طرف جنوب تا خلیج عدن و تا بمبئی، همچنین تا موریس و احتمالاً در دریای سرخ وجود دارد. گونه‌ای سطحزی در آبهای ساحلی می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. توسط تورهای گردان، گوشگیر و کششی در آبهای کم عمق صید می‌شود.

single - banked boat قایق تک پاروزن

single deck کشتی یک عرشه‌ای

sinker فروبر، وزنه‌ای که برای فروبردن طناب یا تور ماهیگیری به کار می‌رود.

sind sardinella ماهی حشینه، ساردینلای پهلو طلایی، از خانواده ساردین ماهیان با نام علمی *Sardinella sindensis* که طول آن ۱۴ تا ۱۷ سانتیمتر می‌باشد. در بخش شمالی اقیانوس هند غربی به طرف جنوب تا خلیج عدن و تا بمبئی، همچنین تا موریس و احتمالاً در دریای سرخ وجود دارد. گونه‌ای سطحزی در آبهای ساحلی می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. توسط تورهای گردان، گوشگیر و کششی در آبهای کم عمق صید می‌شود.

single - banked boat قایق تک پاروزن

single deck کشتی یک عرشه‌ای

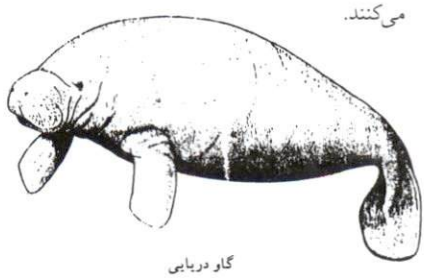
sinker فروبر، وزنه‌ای که برای فروبردن طناب یا تور ماهیگیری به کار می‌رود.

sinousoidal wave موج سینوسی

Siphonophora سیفونوفورا، لوله‌داران، راسته‌ای از کنیداریا که کلنی‌های شناور یا شناگر از نوع پولیپ و مدوز را می‌سازند.

Siphunculida سیفونکولیدا، کرمهای سوسیس شکل پلانکتون‌خوار کفزی

Sirenia گاو دریایی، پستانداران علفخوار آبزی که ۳ تا ۵ متر طول و چند صد کیلوگرم وزن دارند. بیشتر در آبهای ساحلی اقیانوسهای هند، اطلس و آرام زندگی می‌کنند.



گاو دریایی

Sirocco باد گرم سیروکو که از آفریقا به سمت شمال می‌وزد. رطوبت انتقالی توسط این باد از روی مدیترانه هوای مرطوبی را به اروپا وارد می‌کند. همین باد که در مصر بیشتر جهت شرقی دارد، به نام خمسین شهرت دارد.

sistership کشتی همسان، کشتی خواهر

sixblotch hind گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Cephalopholis sexmaculata* که حداکثر طول آن ۴۰ سانتیمتر است. در اقیانوس هند غربی از ساحل شرقی آفریقا (در حدود ۲۱ درجه عرض جنوبی) سیشل، موریس، ریونیون، دریای سرخ، خلیج عمان و سواحل پاکستان، هندوستان و سریلانکا وجود دارد. گونهٔ آبسنگهای مرجانی است که در اعماق ۲۰ تا ۲۷ متر یافت می‌شود. در اغلب غارهای بزرگ وجود دارد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن با قلاب و طناب، دام و تور گوشگیر انجام می‌گیرد.

size group اندازه طولی (یا وزنی) گروه، گروه هم اندازه، گروهی از افراد هم اندازه، برای مثال گروهی که افراد آن در یک محدودهٔ وزنی خاص قرار دارند.

size limits of fish اندازهٔ غیر مجاز صید ماهی

Skagerrak آبراه شمال شرقی دریای شمال بین دانمارک و نروژ که کشورهای اسکاندیناوی و بنادر آلمان را به هم وصل می‌کند.

skate سفره ماهی لقمه، ماهی غضروفی پهنی که باله‌های سینه‌ای آن از سر تا دم حیوان ادامه دارد. این سفره ماهی در قسمت اعظم اقیانوسهای جهان و تا اعماق بیش از ۲۷۰۰ متر زندگی می‌کند.

skate gillnet تور گوشگیر پایه‌دار

skate net تور پایه‌دار، خور بند (جنوب)

skatole اسکاتول، مادهٔ بدبویی که از اثر باکتریها بر روی مواد غذایی دریایی در آخرین مرحلهٔ تخریب حاصل می‌شود، ماده‌ای وابسته به ایندول است.

skewed sex ratio بالا بودن نسبت یکی از جنسها (در شرایط طبیعی نسبت نرهابه ماده‌ها معمولاً یک به یک است).

skid به پهلو سریدن (کشتی)

skiff اسکیف (قایق یدک پرس سینر)

skimming net تور ملاقه‌ای قیچی شکل

skin , to پوست کنی

skin dive زیرآبی رفتن، غوص کردن

skin diver غواص

skinless پوست کنده، بدون پوست

skinned پوست کنده، بدون پوست

skinned cod کاد شور خشک پوست کنده

skipjack tuna ماهی هوور مسقطی، گونه‌ای از خانوادهٔ تن ماهیان با نام علمی *Katsuwonus pelamis* که طول آن ۸۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر می‌باشد. از ماهیان، سرپایان و سخت‌پوستان تغذیه می‌کند. گونه‌ای جهانی در دریاهای استوایی و نیمه استوایی، از دماغهٔ پنسیولا در آفریقای جنوبی، آبهای دور از ساحل شرق آفریقا شامل ماداگاسکار، ریونیون، موریس، الجبرا و سیشل در دریای سرخ، خلیج عدن، دریای لاکادیو، مالدیو، سواحل هند و سریلانکا وجود دارد. ظاهراً در خلیج فارس وجود ندارد. در گله‌های بزرگ در آبهای اقیانوسی و معمولاً بالای ترموکلاین یافت می‌شود. در آبهای ایران در دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای پیاله‌ای گردان و نیز قلاب و طناب انجام می‌گیرد. ماهی مهمی در صید تفریحی است که معمولاً توسط رشته قلابها با طعمه‌های مصنوعی صید می‌شود.



Katsuwonus pelamis ماهی هوور مسقطی

skua مرغ دریایی اسکوا، پرندهٔ قهوه‌ای قوی جثهٔ قطبهای شمال و جنوب

sky light روزنه پنجره دار، هواکش، دریچه، پنجره

slacken شُل کردن طناب

slack salt, to = light salt, to

slack-salt cod ماهی عمل آوری شده رقیق که در ایالت مین (Main) آمریکا، جهت مصارف محلی به وسیلهٔ صیادان تهیه می‌شود.

slack-water = slack tide آب آرام (راکد)، آب ساکن و آرام ، زمان سکون و آرامش دریا، مد آرام ، وضعیت مد هنگامی که حرکت افقی در سطح آب ایجاد نگردد. بخشی از یک رودخانه که از مسیر جریان خارج شده است .

slaked lime آهک مرده ، اکسید کلسیم آب دار

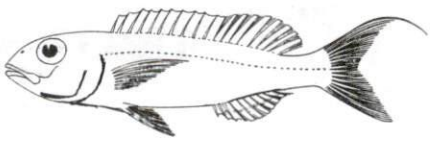
slat net تور پلکانی

slave station ایستگاه فرعی

slender goldband goat fish ماهی کوازرد، ماهی ریش بزی

slender lizard fish ماهی کریشو دراز با نام علمی *Saurida elongata*

slender threadfin bream ماهی دم ریش ظریف، گونه‌ای از خانوادهٔ دم ریش ماهیان با نام علمی *Nemipterus metopias* که طول آن ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر است. در اقیانوس هند غربی، سواحل آفریقای شرقی، سیشل، خلیج عدن، خلیج عمان، سواحل پاکستان، هند و سریلانکا وجود دارد. گسترش بیشتری در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و نواحی هند و مالایا دارد. ماهیی کفزی است و در اعماق ۳۰ تا ۱۰۰ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی کفی و رشته قلابهای کفی انجام می‌گیرد.



Nemipterus metopias ماهی دم ریش ظریف

slime مخاط، مادهٔ مخاطی مرطوب روی بدن ماهی که پس از مرگ کم کم کدر و تیره و در نهایت زرد و غلیظ می‌شود.

slime, to ۱) لجنی شدن و تخریب ماهی شورکرده رقیق، که یک لایه زرد خاکستری از مواد لجنی با بوی زننده در سطح آن ضمن توده کردن و خشک کردن آن ایجاد می‌شود.

۲) برداشتن پوست و خون از فیله‌های عمل آوری شده رقیق

sliminess مخاطی، لزج، حالت لجنی که در اثر عمل باکتریها در شوراب محتوی شکر، در تهیه غذاهای آماده ایجاد می‌شود.

sliming table میزی که روی آن قزل آلا را جهت کنسرو کردن، سرزنی، احشاءدرآوری، شستشو و زدودن بقایای مواد احشایی باقی مانده از عمل پوست کنی، پاک می‌کنند.

sliming tank تانک آب و یخ یا شوراب و یخ مورد استفاده جهت سردکردن پهلوهای قزل آلای بریده شده، قبل از عمل آوری ساده و رقیق

slimy brine fish ماهی شور لزج، ماهیی که از تانک شوراب بیرون آورده شده و حالت «لجنی» دارد.

slimy fish ماهی مخاطی، ماهی مخاط دار یا تخمیر شده، ماهی شور خشک که بر اثر فعالیت باکتریها حالت لجنی پیدا کرده است. حالت لجنی هنگامی صورت می‌گیرد که سطح ماهی با سرعت لازم خشک نگردیده و یا نفوذ نمک ناکافی باشد. ماهی شور شده رقیق مستعد لجنی شدن است.

sling زنجیر لنگر یا یدک کش

slink گوشت آبدار، گوشت نرم و آبدار با میزان آب بیشتر از حد متعارف

slinky ماهی تخم ریخته

slip سرسره، جای ساختن یا تعمیر کشتی

sliteye shark کوسه چشم چاک دار، گونه‌ای از خانوادهٔ Carcharhinidae با نام علمی *Loxodon macrorhinus*. حداکثر طول آن ۹۱ سانتیمتر و در سن بلوغ معمولاً ۷۳ تا ۸۵ سانتیمتر می‌باشد. از ماهیهای کوچک و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از ناتال، آفریقای جنوبی، شمال موزامبیک و ماداگاسکار به طرف دریای سرخ، دریای عمان، هند و شاید سریلانکا و نیز موریس، سیشل و در مناطق دیگر و عمدتاً در آبهای فلات قارهٔ اقیانوس هند، آرام غربی به طرف شرق تا ژاپن، جزیرهٔ تایوان و جزایر فیلیپین و استرالیا یافت می‌شود. در آبهای ساحلی روشن مناطق گرمسیری، از نزدیک سطح تا بستر، در آبهای ساحلی و آبهای دور از ساحل تا اعماق بین ۷ تا ۸۰ متر وجود دارد. این نمونه، گونه‌ای رایج و بدون خطر است. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر کفی و رشته قلابها و نیز رشته قلابهای شناور سطحی انجام می‌شود.

sliver تراشه، گوشتی که هنگام دو نیم کردن ماهی به جای پیوستن به پهلویی که به آن تعلق دارد، متصل به ستون فقرات باقی گذاشته می‌شود. باریکه‌ای از گوشت ماهی که بعنوان طعمه، استفاده می‌شود.

sloop قایق تک بادبان با جلو و عقب برآمده، قایقهای همراه کشتیهای بزرگ دریایی

slop barge دوبه حمل آلودگیهای نفتی دیگر کشتیها و یا جمع کننده مواد آلوده

slope شیب، سراشیبی، دامنه

slope on pond side شیب یک طرفی استخر، دامنهٔ مرطوب و داخلی یک سد حوضچه‌ای، شیب دیواره بطرف استخر

slope on side away from pond شیب یک طرفی دور از حوضچه، دامنهٔ خشک خارجی یک سد حوضچه‌ای

slough شاخابه، دریا شاخه، بخشی از یک زمین نرم باتلاقی یا گلی

sloughs مرداب

slug راب، لیسک، نوعی حلزون بدون صدف، نرمتن شکمپای حلزونی

sluice خروجی، تنظیم آب، آبگیره، سد دریچه‌ای

sluice gate مجرای دریچه‌ای، دریچه سد، آب بند، دریچهٔ تخلیه یا تنظیم سطح آب

sluice way راه آب، کانال یا راه آب مصنوعی که با یک مجرا تغذیه یا کنترل می‌شود.

small Clupeids = *Stolephorus* موتو، شگ ماهیان کوچک (هرینگ کوچک)

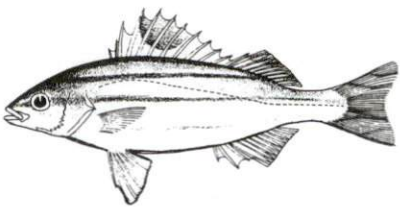
small fish = small fry بچه ماهی کوچک

small head hair tail ماهی یال اسبی سر کوچک، گونه‌ای از خانوادهٔ یال اسبیان با نام علمی *Eupleurogrammus muticus* که طول آن ۷۰ سانتیمتر و بطور معمول تا ۵۰ سانتیمتر می‌باشد. از ماهیهای کوچک و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در منطقهٔ اقیانوس هند غربی، در خلیج فارس و آبهای دور از ساحل هند و سریلانکا، در مناطق دیگر به طرف شرق تا اندونزی و چین وجود دارد. بصورت بنتوپلاژیک در آبهای ساحلی تا اعماق پایین حدود ۸۰ متری و گاهی در شب نزدیک سطح آب می‌آید. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط تورهای احاطه‌ای ساحلی (پره)، تور کیسه‌ای، و تور کشش کفی ساحلی انجام می‌گیرد.

small herring fish ماهی حشینه با نام علمی *Sardinella dussumieria*

small mouth black bass ماهی باس سیاه دندان کوچک با نام علمی *Micropterus dolomiei*

small scaled terapon ماهی یلّی فلس ریز، گونه‌ای از خانوادهٔ یلی ماهیان با نام علمی *Terapon puta* که طول آن ۱۲ تا ۱۵ سانتیمتر است و از بی مهرگان و ماهیان تغذیه می‌کند. در تمام سواحل آفریقای شرقی از تانزانیا به طرف شمال، دریای سرخ، مجمع الجزایر عربی، خلیج فارس و هندوستان و نیز در اقیانوس هند شرقی و جنوب دریای چین وجود دارد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تمام وسایل ماهیگیری آبهای نزدیک ساحلی و تورهای گوشگیر، دام، قلاب دستی و تورهای کششی کفی انجام می‌گیرد.



ماهی یلی فلس ریز *Terapon puta*

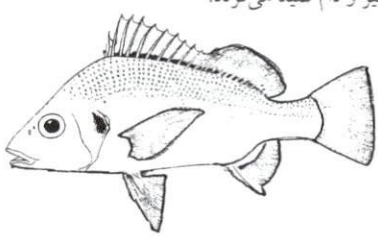
small scale fish breeding enterprise کارگاه یا شرکت کوچک تکثیر ماهی

small scale fishing صید خرد، صید فردی

small spotted dart ماهی پرستو، گیش خال کوچک، گونه‌ای از خانواده گیش ماهیان با نام علمی *Trachinotus baillonii* که حداکثر طول اندازه‌گیری شدهٔ آن ۵۳/۵ سانتیمتر و وزن آن حدود ۹۰۰ گرم است. در آبهای اقیانوس هند و اقیانوس آرام غربی و مرکزی، به طرف شرق در جزایر مارشال و لاین یافت می‌شود. ساکن آبهای ساحلی است. در آبهای ایران، از دریای عمان گزارش شده است. صید آن توسط دام، تور گوشگیر و قلاب دستی انجام می‌شود.

small spotted grunter ماهی سنگسر منقوط، گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسر ماهیان با نام علمی *Pomadasys commersonni* که طول آن ۲۵ تا ۵۰ سانتیمتراست و از سخت پوستان و ماهیها تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، در طول سواحل شرقی

آفریقا بانضمام ماداگاسکار، و از خلیج عدن به طرف پاکستان و هند وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی، خورهای محصور، و خلیجهای کوچک جزر و مدی است. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. توسط تور کششی کفی و رشته قلابهای کفی، تور گوشگیر و دام صید می‌گردد.



ماهی سنگسر منقوط *Pomadasys commersonni*

small toothed jobfish ماهی صافی (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Aphareus furcatus* که طول آن ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر است و از ماهیهای کوچک تغذیه می‌کند. در سراسر آبهای گرم اقیانوس هند غربی، بالای عرض ۲۲ درجه جنوبی بجز خلیج فارس، در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و به طرف شرق تا هاوایی و جزایر سوسایتی وجود دارد. ساکن آبسنگهای صخره‌ای و مرجانی در اعماق بین ۶۰ تا ۷۰ متری است و بصورت پراکنده یا گروهی زندگی می‌کند. در آبهای ایران در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط قلاب دستی یا قلابهای طویل عمودی آبسنگهای ساحلی انجام می‌گردد.

smelt ماهی اسملت، نوعی ماهی فلس نازک با نام علمی *Dsmerus operlanus*

smoke, to دودی کردن ماهی

smoke constituents ترکیبات دود، ترکیبات گوناگون دود از قبیل فنل ها، آلدئیدها، مواد رزینی، اسیدها، قطران و بخارها

smoke cure, to = smoke, to

smoked bonito stick برش دودی شدهٔ ماهی زرده

smoke density غلظت دود، غلظت اجزای دود در دودخانه که اصطلاحاً به صورت عبور نور در واحد طول تعریف می‌شود.

smoke dry, to دودی کردن خشک، خشک کردن یا خشک شدن در طی دودی کردن ماهی

smoked salt = smoking salt

smoke house دودخانه، اطاقک یا محفظهٔ دود، محفظه یا قسمتی که ماهی در آن دودی می‌شود.

smokeless smoking = artifical smoking

smoke light, to = mild smoke

smoke mechanically, to دودی کردن ماهی در شرایط کنترل خودکار تراکم دود، دما و رطوبت

smokemeter دود سنج، دستگاه اندازه‌گیری غلظت دود

smoke oil = liquid smoke

smoke stick سیخ ماهی دودی، میلهٔ نازک چوبی یا فلزی که ماهیها را از آن آویزان می‌کنند و یا قاب دستکها برای دودی کردن یا خشک کردن بر روی آن قرار می‌گیرد.

smoke tunnel تونل دود، ساختمان تونل مانندی که برای دودی کردن مداوم یا متناوب ماهی تحت شرایط کنترل شده، به وسیلهٔ مخلوط دود و هوا که با فشار در اطراف ماهی دمیده می‌شود، به کار می‌رود.

smokie ماهی هاداک دودی شده گرم که برای عمل آوری به صورت هاداک شور دودی، خیلی کوچک است.

smoking chamber = smoke house

smoking kiln = smoke house

smoking salt نمک دودی کردن ماهی، نمکی که به همراه دود حاصل از چوب به درون ماهی نفوذ می‌کند.

smolt بچه آزاد ماهی دوتابستانه (معمولاً)، ماهی آزادی که آمادگی مهاجرت بطرف دریا را پیدا کرده و در مسیر پایین روی خود به طرف دریا، دیده می‌شود.

قزل آلای جوان کاملاً نقره‌ای شده در حال مهاجرت به طرف دریا

smolt stage مرحلهٔ اسمولت

smooth angler ماهی ماهیگیر صاف، گونه‌ای از خانوادهٔ Lophidae با نام علمی *Lophiodes mutilus* که حداکثر طول آن ۳۰ تا ۴۵ سانتیمتر است و از ماهی تغذیه می‌نماید. در سراسر اقیانوس هند، در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی از ژاپن تا شمال استرالیا وجود دارد. یک گونهٔ منحصراً کفزی است که در اعماق بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ متری زندگی می‌کند. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی انجام می‌گیرد.

smooth dwarf monocle bream

بچه سنگسر کوتاه، گونه‌ای از خانوادهٔ دم ریش ماهیان با نام علمی *Parascolopsis aspinosa* که طول آن ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر است. در بخش شمالی آبهای اقیانوس هند غربی به انضمام خلیج عدن، خلیج عمان، سواحل پاکستان، هند و سریلانکا وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی دور از ساحل و اعماق بین ۶۰ تا ۵۰۰ متری است، بطور معمول روی بسترهای نرم زندگی می‌کند. در آبهای ایران در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تور کششی کفی در آبهای عمیق انجام می‌گیرد.

snag hooking = snatch hooking

قلاب اندازی با مانع

snails, aquatic حلزونهای آبزی

snake eel مار ماهی حفار

snake head ماهی سرماری

با نام علمی *Channa agrus*

snapper (Lutjanidae) ماهی سرخو از خانوادهٔ سرخو ماهیان

snatch block قرقره پران

snipe eel مارماهی حفار بینی دراز

snock ماهی باراکودا، ماهی کوتر

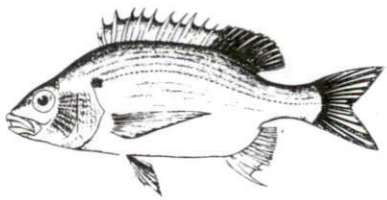
snorkel لوله تنفس غواصی

snubnose pompano = pseudo pomfret

تنگن، ماهی حلوا دروغین، گونه‌ای از خانواده گیش ماهیان با نام علمی *Trachinotus blochii* که طول بزرگترین نمونهٔ آن ۶۵ سانتیمتر، و وزن آن حدود ۵ کیلوگرم اندازه‌گیری شده است. در آبهای اقیانوس هند و اقیانوس آرام مرکزی و غربی، شامل ساموآ، تونگا، جزایر مارشال و ماریانا یافت می‌شود. ساکن نواحی آبسنگی صخره‌ای و مرجانی در آبهای کم عمق ساحلی است. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن عمدتاً توسط دام، تور گوشگیر و قلاب دستی انجام می شود.

soak, to = desalt, to نمک زدایی کردن

sobaity sea bream ماهی صبیتی، سیم دریایی گونه‌ای از خانوادهٔ شانک ماهیان (Sparidae)، با نام علمی *Sparidentex hasta* که طول آن ۲۵ تا ۳۵ سانتیمتر می‌باشد. گوشتخوار است، در خلیج فارس و سواحل هند وجود دارد. ساکن آبهای کم عمق ساحلی تا بخشهای نیمه عمیق می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی یا ریسمان و نیز ابزار سنتی انجام می‌گیرد.



ماهی صبیتی *Sparidentex hasta*

sockeye salmon ماهی آزاد قرمز، ماهی آزاد پشت آبی با نام علمی *Onchorhynchus nerka* که طول آن تا ۸۳ سانتیمتر و وزن آن تا ۴ کیلوگرم می‌رسد. حداکثر وزن گزارش شده آن ۷ کیلوگرم است. آرواره نرها به شدت در فصل تخمریزی قلاب دار می‌شود. تعداد فلسهای روی ردیف اول بالای خط جانبی ۱۲۵ تا ۱۴۳ عدد است. باله پشتی دارای ۱۱ تا

۱۶، و باله مخرجی دارای ۱۳ تا ۱۷ شعاع باله است. تعداد سکومهای گوارشی ۶۰ تا ۱۱۵ عدد است. رنگ پشت آنها در فصل تخمریزی قرمز خونی و در طرفین قرمز تیره تر است .

sodium acid pyrophosphate پیرو فسفات سدیم، ماده‌ای که برای جلوگیری از ایجاد بلورهای کوچک سولفات منیزیوم ـ آمونیوم به کنسرو اضافه می‌شود.

SOFAR = Sound Fixing and Ranging سوفار، روش مثلثی بر اساس حرکت امواج زیرآبی که جهت تعیین منبع صدا استفاده می‌شود.

soft aquatic plants گیاهان نرم آبزی، گیاهان غوطه ور آبزی

soft corals مرجانهای نرم، مرجانهای آلیسوناسئا که پوشش آهکی سخت ندارند.

soft cure, to خشک کردن ملایم، خشک کردن ماهی شور به طور جزئی (مثلاً با حداکثر ۴۸ درصد رطوبت)

soft-finned نرم باله، دارای باله‌هایی که اسکلت آنها را شعاعهای به هم پیوسته و قابل انعطاف نگه می‌دارند.

soft roe بیضه‌ها، اسپرم ماهی

soft shell سخت پوستی که تازه پوست اندازی کرده است.

soft swel کنسرو بادکرده، کنسرو بادکرده‌ای که با فشار انگشت می‌توان هوای موجود در آن را بطرف دیگر قوطی راند.

solar algae ponds حوضچه‌های فایبرگلاس شفاف که برای پرورش جلبکها (فیتوپلانکتونها) در خشکی جهت دریافت بیشترین مقدار نور خورشید مورد استفاده قرار می‌گیرند. روز خورشیدی، فاصلهٔ زمانی بین دو عبور متوالی مرکز خورشید از نصف النهار معین

solar energy انرژی خورشیدی، لایه‌های سطحی اقیانوس از عمق ۱۰ متر به بالا، نور و گرما را جذب می‌کنند. مقداری از انرژی به جو باز گردانده می‌شود ومقداری نیز تا اعماق ۲۰۰ متری نفوذ می‌کند. مقداری از انرژی نیز باعث تبخیر آب دریاها می‌شود که منجر به تشکیل بادهای اقیانوسی می‌شود.

solar salt نمک آفتابی، نمک تهیه شده به وسیله تبخیر طبیعی آب دریا یا دریاچه نمک. عموماً حاوی ناخالصیهایی همچون نمکهای کلسیم و منیزیوم هستند. معمولاً تولید این نوع نمک از طریق قراردادن آب دریا در استخر کم عمق ساحلی و تبخیر آب و جدا کردن نمک انجام می‌شود.

solar sea salt = solar salt

solar tide کشند خورشیدی، جزر و مد نسبی حاصل از نیروی جاذبه خورشید

Solca elongata ماهی کوشک، کفشک ماهی کفزی خوراکی از خانوادهٔ سولیده که در اقیانوس اطلس و مدیترانه زندگی می‌کند. از خانوادهٔ کفشک ماهیان تخم مرغی (چشم راست)

soles کفشک ماهیان، خانواده کفشک ماهیان تخم مرغی (Soleidae)

Solomon Basin بستر دریایی سلیمان، بخشی از دریای مرجانی در اقیانوس آرام جنوب غربی در غرب جزایر سلیمان که در آن زلزله‌های زیر دریایی و زمین لغزشهای فراوانی اتفاق می‌افتد. آب و هوای این منطقه گرم و مرطوب است و در نتیجه تبخیر آب کم و شوری آن پایین است. دمای آب در طول سال ۲۰ درجه سانتی گراد است.

solubility قابلیت انحلال، قابلیت حل شدن در آب، ظرفیت حل شدن، غلظت مواد محلول در حالت اشباع

solvent حلاّل

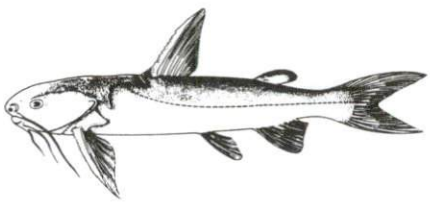
solvsild = Norwegian silver herring

Somali Current جریان آب سومالی، جریان قوی شمالی در شرق آفریقا، با سرعت چهار

کیلومتر در ساعت در تابستانها

SONAR = sound navigation and ranging سونار، سیستم الکتریکی که امواج صوتی افقی و عمودی را با فرکانس معین در آب انتشار داده و انعکاس این امواج را ثبت می‌کند، موج تاب، ردیاب صوتی

Sona Sea catfish گربه ماهی دریای سونا، گونه‌ای از خانواده گربه ماهیان با نام علمی *Arius sona* که حداکثر طول آن ۹۲ سانتیمتر و بطور معمول ۵۰ تا ۶۰ سانتیمتر است. از بی‌مهرگان و ماهیهای کوچک تغذیه می‌کند. در سواحل پاکستان و سواحل غربی هندوستان تا سریلانکا و نیز بنگلادش، مالایا، سنگاپور، جاوه و پلی نزیا یافت می‌شود. در آبهای سواحل دریا، و نیز داخل خورها و دهانه رودخانه‌های جزر و مدی زندگی می‌کند. در آبهای ایران، در شرق دریای عمان (سواحل چابهار) یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی، قلاب، ریسمان در آبهای دریایی با عمق ۵۰ تا ۶۰ متر و نیز در آبهای ساحلی و دهانه رودخانه‌ها انجام می‌گردد.



گربه ماهی دریایی سونا *Arius sona*

sonic depth finder ژرفایاب صوتی، عمق یاب صوتی

sonic layer depth = SLD عمق لایه صوتی، عمق لایه‌ای در زیر آب که سرعت صوت در آن حداکثر می‌باشد. معمولاً نظیر MLD است.

sorbic acid اسید سوربیک، مادهٔ نگهدارندهٔ غذا، موثر در برابر کپک و قارچ. تأثیر بیشتر در شرایط کمی اسیدی دارد.

sorting of fish رقم‌بندی ماهی (وزن، طول)

sorting table میز رقم بندی ماهی

SOS = save our ship علامت اعلام خطر و تقاضای کمک

sound ۱) دهانه، تنگه، بغاز ۲) عمق یابی کردن، صوت

sound channel کانال صوتی، محدوده‌ای در اطراف لایه‌ای از عمق که سرعت صوت در آن حداقل است. (مثلاً بین سطح و لایه حداکثر سرعت صوت)

sounding عمق یابی، صوت پیمایی، تحقیق و آزمایش در مورد عمق یا کیفیت بستر آب

source level سطح یا میزان ذخیره موجود

source of water منبع آب، سرچشمه و بویژه منبع یک رود، هر آبگیری که از آن به منظور خاصی آب می‌گیرند.

sour fish ماهی که کمی ترشیده و فاسد شده است

souse, to ماریناد کردن شگ ماهی و ماهی پیلچارد با نمک، سرکه و ادویه

South American Plate صفحه خشکی آمریکای جنوبی

South China Sea دریای چین جنوبی، دریای مرزی آسیایی بین اقیانوس هند و اطلس

Southeastern Pacific Plateau پهنهٔ اقیانوس آرام جنوب شرقی نزدیک آمریکای جنوبی

Southeast Indian Rise پشته میان اقیانوسی که خشکی استرالیا را از خشکی قطب جنوب جدا می‌کند.

South Equatorial Current and Counter Current جریان آب استوایی جنوبی و خلاف جریان، دو جریان آب مشهور اقیانوس اطلس که از شرق به غرب و از غرب به شرق جاری هستند. جهت جریانها در اقیانوس آرام فرق می‌کند.

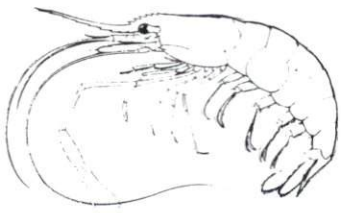
Southern Cross ستاره راهنما در نیمکره جنوبی

southern meager میش ماهی با نام علمی *Argyrosomus hololepi*

Southern Ocean = Antarctic Ocean

اقیانوس جنوبی یا اقیانوس منجمد قطب جنوب که بین آمریکای جنوبی، آفریقا و استرالیا قرار گرفته است. این اقیانوس مکانیسم تعدیل کننده نمک، گاز، مواد غذایی و دمای سه اقیانوس بزرگ را به عهده دارد. پلانکتونها، پرندگان، ماهیان، سخت پوستان و سایر بی‌مهرگان در این دریا فراوان هستند.

southern rough shrimp میگوی خشن جنوبی، گونه‌ای از خانوادهٔ Penaeidae. با نام علمی *Trachypenaeus curvirostris* که حداکثر طول نرها و ماده‌ها به ترتیب ۸/۱ و ۱۰/۵ سانتیمتر است. از جنوب و شرق آفریقا به سمت هند و سریلانکا بانضمام دریای سرخ، خلیج فارس و ماداگاسکار و به طرف شرق تا نواحی ژاپن، فیلیپین و استرالیا گزارش شده است. این نمونه از طریق کانال سوئز به داخل قسمت شرقی دریای مدیترانه وارد شده است. در آبهای با عمق ۱۰ تا ۳۰۰ متر و بر روی شن و گل یافت می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن فقط در آبهای کمتر از ۶۰ متری است. مقدار صید در شب بیشتر می‌باشد که بوسیلهٔ تورهای کششی دهانه‌دار، گوشگیر و میگوگیر و سایر ابزار صید سنتی انجام می‌گردد.



میگوی خشن جنوبی *Trachypenaeus curvirostris*

South Sea دریای جنوبگان

spade fishes = Ephippidae

ماهیهای خانوادهٔ شینگ، شنگو، تیشه ماهیان

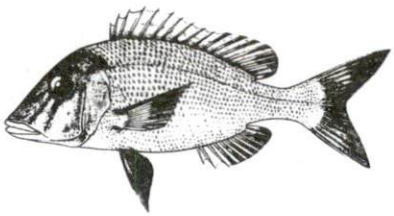
spadenose shark ماهی تَرَک، کوسه نوک تیشه‌ای، گونه‌ای از خانواده Carcharhinidae با نام علمی *Scoliodon laticaudus* که حداکثر طول آن ۷۶ سانتیمتر است. از میگو، ماهیهای کوچک گله‌ای و ماهی مرکب تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی محدود به قسمت شمالی آن می‌باشد که شامل خلیج فارس، پاکستان، هند و سریلانکا است، ولی اخیراً در آبهای دور از ساحل تانزانیا صید گردیده است. در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی از شرق تا تایلند، چین، ژاپن و بورنئو وجود دارد. در اقیانوسیه و محدودهٔ استرالیا وجود ندارد. در آبهای ساحلی گرمسیری و اغلب نزدیک بسترهای سنگی یافت می‌شود. یک گونه کوچک بدون خطر، بسیار فراوان و به شکل گروهی است. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ رشته قلابها، رشته قلابهای طویل شناور، تورهای گوشگیر کفی و شناور انجام می‌شود.



ماهی تَرَک، کوسه نوک تیشه‌ای *Scoliodon laticaudus*

Spangled emperor ماهی شهری جلادار، گدیر (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ شهری ماهیان با نام علمی *Lethrinus nebulosus* که طول آن ۶۰ تا ۸۷ سانتیمتر است و از نرمتنان، سخت پوستان و خارپوستان تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از سواحل شرقی آفریقا از عرض ۳۳ درجه جنوبی به طرف شمال شامل موریس، رئونیون، الجیرا، ماداگاسکار، سیشل، دریای سرخ، خلیج فارس و سواحل هندوستان تا سریلانکا، تونکا و ساموا وجود دارد. ساکن آبسنگهای مرجانی و آبهای نزدیک ساحلی تا عمق ۵۰ متری و نیز خورهای دارای درخت کرنا در اطراف اسکله‌ها و لنگرگاهها می‌باشد. نمونه‌های جوانتر در آبهای نزدیک ساحل و بزرگترها در آبهای عمیق وجود دارند. در آبهای ایران، در دریای عمان و خلیج

فارس دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی کفی، دام گوشگیر، قلاب دستی و تورهای احاطه‌ای انجام می‌گردد.



ماهی شهری جلادار *Lethrinus nebulosus*

spanker نوعی قایق بادبانی سریع السیر

spar الوار یا تکه چوب بادبان

Sparidae = sea breams, porgies خانواده شانک ماهیان

sparkling waves امواج خروشان و کف آلود

Sparus bifaciatus ماهی فاسکار (بحرین)

Sparus cuvieri ماهی صوبتی، صبیتی، سبیتی

Sparus datnia ماهی شاوم، شاقوم

Sparus spinifer ماهی اوفر، مدرز، گوپاه، گوپهر، گوفر

spat صدفچه، بچه صدف نشسته

spawn, to تخمریزی کردن، تخم ماهی (ریخته شده)، تولید تخم یا تخمریزی، واژه‌ای که برای تولید اسپرم یا اسپرم‌ریزی هم به کار می‌رود.

spawn deposition تخمریزی

spawner تخمگذار، ماهی آماده تخمریزی

spawning تخمریزی، ریختن تخم توسط ماده و بارور کردن آن توسط ماهی نر در شرایط طبیعی

spawning area منطقه تخمریزی، بخشی از بستر زایشی که تخمریزی ماهیها روی آن انجام می‌شود.

spawning dress پوشش تخمریزی، لباس تخمریزی، تغییر رنگ ماهی در زمان تخمریزی مراجعه شود به breeding colour

spawning fish ماهی مولد، ماهی در حال تخمریزی

spawning ground زمین تخمریزی، تخمریزگاه، بخش معینی از منطقهٔ تخمریزی که گونه‌های ویژه‌ای از ماهیان در آنجا تخمریزی می‌کنند.

spawning habit رفتار و عادت تخمریزی، حالتی که همیشه نشان ویژگی تخم ریزی یک گونهٔ مشخص است.

spawning livery پوشش تخمریزی، مراجعه شود به breeding colour

spawning migration کوچ تخمریزی، مهاجرت تخمریزی، حرکت ماهیها از محلی که در آن تغذیه می‌کنند و یا زمستان را می‌گذرانند به محلی که در آن تخمریزی می نمایند.

spawning mop گیاه مصنوعی، گیاه مصنوعی که برای تخمریزی انواع کپور ماهیان به کار می‌رود.

spawning period دوره تخمریزی، محدودهٔ معین زمانی که طی آن معمولاً تخمریزی گونه‌های خاصی از ماهیها انجام می‌شود.

spawning place جایگاه یا محل تخمریزی، مکانهای مختلفی از محل تخمریزی که ماهیهای خاصی در آن تخم ریزی می‌کنند.

spawning pond استخر تخم‌ریزی، حوضچه‌های کوچک طراحی شدهٔ خاصی که در آن ماهیهای بالغ به طور طبیعی تخم‌ریزی می‌کنند.

spawning population جمعیت تخم‌گذار، بخش بالغ و رسیدهٔ یک جمعیت ماهی

spawning season = spawning time فصل تخمریزی، زمان تخمریزی، بخشی از سال که گونه‌های مختلف ماهی فعالیت جنسی دارند.

spawning stock ذخیره ماهیان مولد

spawning time = spawning season

spear قارماق، نیزه، وسیله‌ای نوک تیز وخاردار که برای صید ماهی به کار می‌رود.

spear fishing صید با نیزه یا قارماق

speat = smoke stick

species diversity تنوع گونه‌ای

species frequency فراوانی گونه‌ای

species, native گونه‌های بومی (محلی)

species of fish گونه‌های ماهی

species richness غنای گونه‌ای

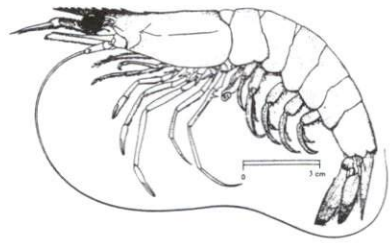
species, wild گونه‌های وحشی

specification مشخصات، موارد مهم دربارهٔ ماده عمل‌آوری شده که برای خریدار یا فروشنده مهم هستند.

specific gravity وزن مخصوص، وزن ماهی در مقایسه با وزن آب هم حجم ماهی

speck fish ماهی لک زده، ماهی که بر اثر نوعی فساد بافت آن تغییر کرده است .

speckled shrimp میگوی لکه‌ای، گونه‌ای از خانوادهٔ Penaeidae با نام علمی *Metapenaeus monoceros* که بیشترین طول نرها و ماده‌ها بترتیب ۱۵ و ۲۰ سانتیمتر می‌باشد. از آفریقای جنوبی تا جنوب هند و نیز دریای سرخ، ماداگاسکار، موریس، رئونیون، سریلانکا و به طرف شرق تا شبه جزیرهٔ مالدیو وجود دارد. ازطریق کانال سوئز وارد مدیترانهٔ شرقی شده است. در خلیج فارس وجود ندارد. معمولاً از خط ساحلی تا عمق حدود ۷۰ متری (اولی در نواحی ماهیگیری دور از ساحل پاکستان تا عمق ۱۷۰ متری) و عمدتاً روی گل و شن و یا ماسه دیده می‌شود. نمونه‌های جوان ساکن خورها، مردابها، پشت ساحل و یا آبهای ساحلی می‌باشند. در سراسر سواحل جنوب غربی هند، در عمق ۵۰ تا ۶۰ متری تکثیر می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن در آبهای دور از ساحل بیشتر بوسیلهٔ تورهای کشششی میگو گیری و در آبهای نزدیک ساحل با وسایلی از قبیل تور احاطه‌ای ساحلی، گوشگیر، احاطه‌ای قایقی، تورهای نرده‌ای، پرتابی و غیره انجام می‌شود.



میگوی لکه‌ای *Metapenaeus monoceros*

speckled tongue sole کفشک زبان گاوی

speight = smoke stick

speld , to شور کردن ماهی با فرو بردن آن در آب دریا و خشک کردن آن در آفتاب

spent تخم ریخته، ماهی که تازه تخمریزی کرده و ارزش غذایی کمی دارد.

spent female ماهی مادهٔ تخمریزی کرده

spent fish ماهی تخمریزی کرده

sperm منی، اسپرم

spermaceti organ عضو اسپرم ساز

spermatophore کیسه اسپرم، کیسه محتوی اسپرم

sperm whale وال اسپرم، پستاندار شناگری که طول آن تا ۲۰ متر می‌رسد و تا اعماق ۴۰۰ متری نیز شنا می‌نماید. هشت پا غذای مورد علاقه این نهنگ است .



وال اسپرم

spherical spreading بازسازی ذخایر پس از

کاهش تلاش صید، افزایش ذخایری که به شدت مورد بهره‌برداری و صیادی قرار گرفته است.

spherics = atmosheric

تشعشعات الکترو مغناطیسی حاصل از تخلیه‌های الکتریکی جوی، عوامل اصلی استاتیک رادیویی

***Sphyraena barracuda* = great barracuda**

ماهی کوتر دراز، باراکودای بزرگ

***Sphyraena flavicaude* = golden barracuda**

ماهی کوتر، باراکودای طلایی

Sphyraena geie ماهی کوتر

Sphyraenidae خانواده کوتر ماهیان

Sphyrna mokarran = great hammerhead shark

ماهی کوسه چکشی بزرگ

spice cure, to نگهداری ماهی با نمک مخلوط با انواع ادویه

spicule ساختار حفاظتی پروتئینی، سیلیسی، یا آهکی بدن بی‌مهرگانی مانند اسفنجها، خارپوستان، کیتونها و شعاعیان

spider crab خرچنگ عنکبوتی، خرچنگ شکارچی درازپا، خرچنگ غول پیکر سواحل ژاپن که فاصلهٔ چنگالهایش تا چهار متر می‌رسد جزو این گروه است. این خرچنگ در عمق حدود ۴۰۰ متر زندگی می‌کند.

spilling breaker موج شکن آشفته

spillway خروجی، آنچه که در انتهای استخر روی لولهٔ خروجی برای تخلیه یا سرریز آب ساخته می‌شود.

spine خار، تیغ، شعاع سخت باله ماهی، ساختار سوزن مانندی که شاخه شاخه و قطعه قطعه نیست و در انتها کم و بیش تیره و محکم است .

spined anchovy = *Stolephorus*

ماهی موتو از جنس *Stolephorus*

spined loach

ماهی لوچ خاردار با نام علمی *Cobitis taenia*

spine feet = rabbit fishes

خانوادهٔ صافی ماهیان یا خرگوش ماهیان خانواده Siganidae

spinner خاردار، یک نوع طعمه متحرک (حشره یا قاشقک) که برای ماهیگیری با قلاب، بویژه برای صید ماهی آزاد بکار می‌رود.

spinner shark کوسه گردان، پشک (چابهار)، نوعی کوسه ماهی از خانواده Carcharhinidae با نام علمی *Carcharhinus brevipinna* که طول آن ۲۵۰ تا ۲۸۰ سانتیمتر است و از ماهیهای کوچک گله‌ای، هشت پا، کوسه‌های کوچکتر و سفره ماهیها تغذیه می‌نماید. در منطقهٔ اقیانوس هند غربی، آفریقای جنوبی، جنوب موزامبیک و مسقط و جنوب هندوستان وجود دارد. گونه‌ای است که در اطراف استوا بیشتر دیده می‌شود. در غرب و شرق اقیانوس اطلس و مدیترانه و اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام وجود دارد. ظاهراً در اقیانوس آرام شرقی دیده نشده است. کوسه‌ای فعال و شناگر است که اغلب بصورت عمودی و با چرخش از آب بیرون می‌جهد. این عمل روش تغذیهٔ کوسه است که توسط آن با دهان باز و چرخش خود از میان گله ماهی عبور کرده و سپس به سطح آب می‌رسد. زنده زا می‌باشد و تعداد بچه‌هایش بین ۶ تا ۱۵ عدد است که به هنگام تولد طول آنها ۶۰ تا ۷۵ سانتیمتر است. در آبهای ایران، در خلیج فارس یافت می‌شود. صید آن توسط تورهای گوشگیر شناور و رشته قلابهای طویل می‌باشد.

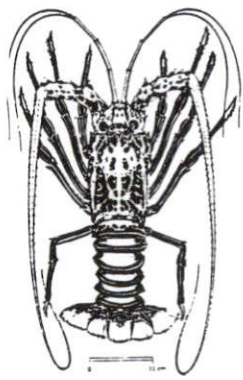
spinning حقه زدن، مراجعه شود به صید با قلاب طعمه دار bait casting

spiny-finned باله خاردار، ویژگی ماهیانی که بالهٔ آنها دارای یک یا تعدادی از یک شعاع یکپارچه و تیز می‌باشد.

spiny flathead گونه‌ای ماهی از خانوادهٔ ماهیان زمین کن (حفار) با نام علمی *Suggrundus rodricensis* که طول آن ۱۷ تا ۲۵ سانتیمتر می‌باشد. از خلیج عمان به طرف سریلانکا و نیز در اقیانوس هند شرقی و غرب

آرام مرکزی به طرف شرق تا اندونزی و ژاپن و استرالیا وجود دارد. گونه‌ای کفزی است که در فلات قاره در روی بسترهای شنی و گلی از اعماق ۶ تا ۷۵ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تور کششی کفی انجام می‌گیرد.

spiny lobster شاه میگوی خاردار، شاه میگوی دریایی با نام علمی *Panulirus versicolor*



Panulirus versicolor شاه میگوی خاردار

spiny-rayed دارای شعاع سخت باله، مراجعه شود به spiny finned

spit ۱) مراجعه شود به smoke stick ۲) زبانه، دماغه کوچک

splash board آب پخش کن، صفحه یا سطحی که زیر و روی آب قرار گرفته و آب ورودی را به گونه‌ای پخش می‌کند که باعث تهویه آن گردد.

splash net مراجعه شود به clam net

split fish ماهی دو نیم شده، ماهی که از قسمت شکمی در امتداد تیره استخوان پشتی با بالهٔ دمی بریده شده است.

spoilage فساد، خرابی، از بین رفتن تازگی، از بین رفتن کیفیت بطور طبیعی پس از صید واژه‌ای که عمدتاً برای ماهی تر تازه یا منجمد به کار می‌رود.

spoilage bacteria باکتریهای فسادزا، باکتریهای ایجاد کننده فساد

spoiled فاسد شده

spoile, to فاسد شدن، خراب شدن

spoiling در حال فساد ولی هنوز کاملاً فاسد نشده

spoils خاکی که هنگام ساختن استخر برداشته می‌شود.

sponge اسفنج، جانور بی‌مهره آبزی، از شاخهٔ پوریفرا که ساختاری حفره‌ای و اسکلتی آهکی (اسفنجهای نرم) دارد.

sponge weed جلبک سبز اسفنجی، جلبک سبز آب گرم، کاهوی دریایی

spongin اسپانژین، پروتئین سفت ساختارهای حفاظتی و یا اسکلتی اسفنجها

spoon قاشقک (قلاب ماهیگیری)، یک قطعه فلز منحنی با دسته‌ای متصل به آن که برای جذب ماهی‌ها در ماهیگیری استفاده می‌شود. نوعی طعمه مصنوعی که شبیه کف یک قاشق است و در ماهیگیری به کار می‌رود.

spoon hook طعمه قاشقی (قلابی)، نوعی طعمهٔ فلزی به شکل قاشق که دارای قلاب یا قلابهایی برای ماهیگیری و یا صید ماهی با حشره (spinning) به کار می‌رود.

spoon - net تور کوچک زمینی که به وسیلهٔ ماهیگیران بکار گرفته می‌شود.

spore اسپور، فرم بذر یا دانه مانند یک میکروارگانیزم که می‌تواند شرایط نامساعد محیط زیست را تحمل کرده و هنگام ایجاد شرایط مناسب رشد و نمو کرده و چرخهٔ حیات را تداوم بخشد.

sporophyte گیاه اسپوردار، گیاهی که از طریق ایجاد اسپور تولید مثل می‌کند.

sporty fishing ماهیگیری تفریحی، ماهیگیری ورزشی، صید تفریحی، صید ورزشی

spotfin flathead ماهی سرپهن باله خالدار، گونه‌ای از خانوادهٔ ماهیان حفار (زمین کن) با نام علمی

Grammoplites suppositus که طول آن ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر است. از دریای سرخ و خلیج فارس تا سریلانکا وجود دارد. گونه‌ای است که در فلات قاره در روی بسترهای شنی و گلی از اعماق ۴۵ تا ۹۴ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط تور کشش کفی انجام می‌گیرد.

spot tail needle fish سوزن ماهی دم خالدار، گونه‌ای از خانوادهٔ سوزن ماهیان با نام علمی *Strongylura strongylura* که اندازهٔ آن ۲۲ تا ۴۰ سانتیمتر می‌باشد. گوشتخواراست و بیشتر از ماهیان کوچک بویژه ساردین تغذیه می‌کند. گسترش آن در خلیج فارس و تمام سواحل پاکستان و هندوستان تا سریلانکا و نیز در شرق و غرب اقیانوس هند و غرب اقیانوس آرام از ساحل شرقی هندوستان تا شرق چین جنوبی، جزایر فیلیپین، استرالیای شمالی می‌باشد. ساکن آبهای ساحلی و مناطق رویشی در مردابهای ساحلی است و نمونه‌های کوچک آن در آب شیرین نیز یافت می‌شود. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. بوسیلهٔ قلاب، قلابهای کششی طعمه‌دار سطحی و نیز تور احاطه‌ای (حصاری) و کاربرد تورهای پرتابی در مردابهای مانگرویی صید می‌شود.

spot tail shark سیاه گوش (چابهار)، کوسه دُم خالدار، گونه‌ای از خانواده Carcharhinidae با نام علمی *Carcharhinus sorrah* که حداکثر طول آن ۱۵۰ تا ۱۶۰ سانتیمتر و احتمالاً تا ۲۳۰ سانتیمتر است. از ماهیهای استخوانی کوچک تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از ماداگاسکار، احتمالاً آفریقای جنوبی، ناحیهٔ موریس، سیشل و دریای سرخ به طرف شرق پاکستان، به طرف غرب و جنوب شرقی هندوستان و شاید سریلانکا وجود دارد. گونه‌ای متعلق به اقیانوس هند می‌باشد. از اقیانوس آرام غربی به طرف شرق تا چین و جزایر فیلیپین، اندونزی، استرالیا و جزایر نیکورو گزارش شده است و باگسترش کمی در اقیانوسیه دیده شده است. این نمونه، کوسهٔ معمولی آبهای ساحلی و بعضی اوقات آبهای دور از ساحل در فلات قاره، فلاتهای محاط از سطح آب تا عمق ۱۴۰ متری و اغلب در اطراف یا بر روی آبسنگهای مرجانی و سایر زیستگاهها وجود دارد. در آبهای ایران، در خلیج فارس یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر شناور و رشته قلابهای شناور انجام می‌شود.

spotted caral - trout ماهی باهار (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Plectropomus maculatus* که حداکثر طول آن ۱۰۰ سانتیمتر است. بطور فراوان در اقیانوس هند غربی تا شمال حدود عرض ۲۷ درجه جنوبی بانضمام دریای سرخ و در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و به طرف شرق تا جنوب ژاپن و استرالیا وجود دارد. در خلیج فارس وجود ندارد. در آبسنگهای مرجانی و در اعماق ۱۳ تا ۱۶۰ متری دیده می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط قلاب و ریسمان، نیزه، دام و تور گوشگیر در آبسنگهای مرجانی در عمق ۱۳ تا ۱۶۰ متری انجام می‌گیرد.

spotted catfish گربه ماهی خالدار، ماهی گلو با نام علمی *Arius maculatus*

spotted croaker ماهی لونت (چابهار)، گونه‌ای از خانواده شوریده ماهیان طبال با نام علمی *Protonibea diacanthus* که طول آن ۷۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر است. بطور عمده از سخت‌پوستان و ماهیهای کوچک تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی در خلیج فارس، خلیج عمان و سراسر سواحل هند و سریلانکا یافت می‌شود. گسترش آن به طرف شرق تا کوئینزلند (استرالیا) می‌باشد. در آبهای ساحلی تا عمق حدود ۶۰ متر یافت می‌شود. اصولاً گونهٔ نواحی گلی است که در بالای بستر دریا زندگی می‌کند. تخمریزی آن از خرداد ماه تا مرداد ماه می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای

spreader تیرهای چوبی که برای پهن کردن قسمتهای خاصی از انواع تورهای ماهیگیری به کار می‌رود.

spread of fish diseases اشاعه و انتشار بیماریهای ماهی

spring چشمه، آب جوشان از زمین

spring range دامنهٔ مد بزرگ

spring tide مه کشند، مد بزرگ، جزر و مد حداکثر که در اول و چهاردهم هر ماه رخ می‌دهند.

springy داری حالت فنری، برگشت پذیر، در ماهی تازه وقتی عضله فشار داده می‌شود بلافاصله به حالت اول بر می‌گردد.

squall بادهای تند زودگذر (سرعت تا ۷۰ کیلومتر در ساعت) که با طوفان یا گردباد مرتبط هستند.

squaloid شبیه کوسه ماهی

squamate پولکی، پولک پولکی، فلس دار

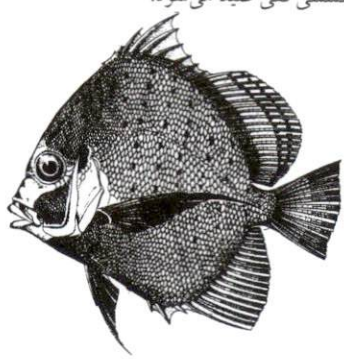
squamous فلس دار، فلسی

square rigger کشتی با بادبان مربعی

square - taile mullet = diamond scaled grey mullet گونه‌ای از خانوادهٔ کفال ماهیان با نام علمی *Liza vaigiensis* که طول آن ۳۵ تا ۵۵ سانتیمتر است و از جلبکهای کوچک، دیاتومه و سایر موجودات هم بصورت زنده و هم لاشه، از میان شن و گل و لای تغذیه می‌کند. در بخش اعظم منطقهٔ اقیانوس هند غربی از ناتال تا دریای سرخ شامل ماداگاسکار، کومورو و جزایر آلدابرا، همچنین خلیج فارس و به طرف شرق تا پاکستان، ساحل غربی هند و سریلانکا، در مناطق دیگر در طول ساحل شرقی هند، تا مدرس و در مالایا، اندونزی، چین، فیلیپین، جزایر مارشال، جزایر توآموتو، و استرالیا وجود دارد. این ماهی در فصول بارانی وارد رودخانه (تا حد بالایی مد) می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن، توسط تورهای پرتابی، نرده‌ای و کششی کفی و گوشگیر انجام می‌گیرد.

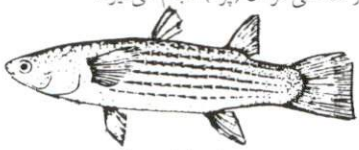
spotted sand smelt گونه‌ای ماهی ازخانوادهٔ Mugiloididae با نام علمی *Parapercis hexophthalma* که طول آن ۱۸ تا ۲۹ سانتیمتر است. از دریای سرخ و ساحل شرقی آفریقا، به طرف شرق، در تمام منطقهٔ اقیانوس هند، آرام غربی و به طرف غرب تا دوربان وجود دارد. محیط زیست آن بر روی آبسنگهای مرجانی و مناطق شنی نزدیک آبسنگها و بیرون زدگیهای صخره‌ای از خط ساحلی تا اعماق متوسط در فلات قاره می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید ضمنی توسط تور کششی کفی انجام می‌شود.

spotted sickle fish عروس ماهی، ماهی ینم، گونه‌ای از خانوادهٔ عروس ماهیان با نام علمی *Drepane punctata* که طول آن ۲۵ تا ۴۰ سانتیمتر است و از بی‌مهرگان کفزی و ماهیها تغذیه می‌کند. در عرض اقیانوس هند غربی از دریای سرخ و ساحل شرق آفریقا به طرف جنوب ناتال و سواحل پاکستان و هند و سریلانکا و خارج از منطقهٔ اقیانوس هند غربی، به طرف شرق تا چین، فیلیپین، ساموآ و استرالیا وجود دارد. در آبهای کم عمق اطراف آبسنگهای صخره‌ای و مرجانی زندگی می‌کند. در دریاها زندگی می‌کند اما در آبهای لب شور نیز دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. بوسیلهٔ قلاب دستی، دام، تورهای کششی کفی صید می‌شود.



Drepane punctata عروس ماهی یا ماهی ینم

تور ساحلی گردان (پره) انجام می‌گیرد.



Liza vaigiensis

squation به شکل فلس یا پولک در آوردن

squid = *loligo sp.* اسکوئید، نرمتن دریایی ده پا از خانوادهٔ Loliginidae که گونه‌هایی از یک سانتیمتر تا ۲۰ متر را شامل می‌شود.

Squilla sp. نوعی خرچنگ

stability - time hypothesis پنداره زمان، پایداری، نظریه تداوم، مانایی، تداوم و مانایی یک فرآورده در زمان پیش بینی شده با توجه به کیفیت و نحوه عمل آوری

stable پایدار، مانا، در مورد فرآورده‌های جنبی شیلاتی که کیفیت آنها در حرارت ۲۷ درجه سانتی گراد در صورت بسته بندی خوب و بدون هوا تا ۶ ماه تغییری نمی‌کند.

stack burn انباشت سوخت، خرابی حاصله در کنسروهایی که از حد معمول بیشتر عمل آوری شده و پس از خارج کردن از اتوکلاو و قبل از سردکردن مدتی روی هم قرار گیرند.

stadimeter فاصله یاب

staff میله پرچم

stage of development مرحلهٔ نمو، مراجعه شود به development stages

stagnant راکد، آب آرام و راکد (مثلاً دریک‌استخر)

stagnant water آب راکد، آب بی تحرک

stagnation رکود، گندیدگی آب حالتی از آبگیر که در آن هیچگونه آمیختگی توده‌های آب انجام نمی‌شود.

stake net ادوات صید: مُشتا، تور ماهیگیری که با ستونهایی نگه داشته می‌شود، سیمی که میله‌ها و ستونهای آن را نگه می‌دارند.

stake - net fihsing صید بروش مُشتا

stale کهنه، مانده، ماهی غیر تازه، ماهی که تازه نیست ولی ماندگی آن در حدی نیست که خراب و غیر قابل مصرف باشد.

standard استاندارد، ویژگیهای قابل ملی یا بین المللی برای عمل آوری کالای ماهی

standard length طول استاندارد، فاصلهٔ بین نوک پوزه تا انتهای ساقهٔ دمی (SL)

standard plate count = SPC شمارش کلی میکروارگانیزمها

standard project haruicane طرح استاندارد گردباد

standing crop محصول پایه، وزن تمامی موجود یا موجودات زنده موجود در آب در یک زمان خاص، تولید ماهی قابل برداشت یک واحد پرورشی

stand pipe قسمت عمودی خروجی آب

stangeon مراجعه شود به gangen

Staphylococus استافیلوکوک، باکتری استافیلوکوک که به میزان زیاد در پوست و موی انسان یافت می‌شود که ممکن است باعث آلوده شدن غذا گردد. ممکن است سمی ایجاد کنند که در مقابل گرما مقاوم است و باعث ایجاد دل درد، بیماری و اسهال پس از ۶ تا ۲۴ ساعت می‌شود.

Staphylococcus aureus نوعی استافیلوکوک، از گونهٔ باکتریهایی که باعث آلودگی ماده غذایی می‌شود. وجود یا عدم وجود آن روی غذا، عامل تشخیص کیفیت آن است. تعداد کمتر از ۱۰۰ عدد باکتری روی نمونه بیانگر سلامت غذا است. همچنین، شاخص آلودگی، آبها با فاضلاب انسانی است.

staple diet رژیم غذایی عمده، مراجعه شود به basic diet

starboard طرف راست کشتی نسبت به جلوی کشتی، سمت راست کشتی

starboard hand buoy بویه دستی سمت راست

star finder ستاره یاب

star fish = sea star ستاره دریایی، جانوری از ردهٔ استروئیدیا، از شاخهٔ خارپوستان یا Ctenophora

starry moray گونه‌ای از خانوادهٔ Muraenidae با نام علمی *Echidna nebulosa* که طول آن ۵۰ تا ۸۰ سانتیمتر است و از جانوران کوچک آبسنگها بخصوص سخت پوستان تغذیه می‌کند. در جنوب آفریقا از ناتال به طرف دریای سرخ، و به طرف شرق شامل ماداگاسکار، رئونیون، موریس، سواحل هند و سریلانکا و نیز در آبهای گرمسیری اقیانوس هند، آرام غربی و به طرف شرق تا اقیانوس آرام و آمریکای مرکزی وجود دارد. نوعی مارماهی بسیار رایج است که در تمام آبسنگهای مرجانی و نیز سایر جاهای دیگر دیده می‌شود و بطور عمده بر روی پهنه‌های آبسنگی در شب فعال می‌باشد. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ قلابهای رشته‌ای، تور، دام و نیز بطور نامنظم در نواحی آبسنگی کم عمق اقیانوس هند غربی انجام می‌گردد.

starry trigger fish ماهی گرگوم، فرور، گونه‌ای از خانوادهٔ Balistidae با نام علمی *Abalistes stellatus* که طول آن ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر است. از جانوران کفزی تغذیه می‌کند. در نواحی گرمسیری و نیمه گرمسیری اقیانوس هند غربی و در اغلب مناطق اقیانوس هند و اقیانوس آرام غربی بر روی اعماق شنی، اسفنجی و گیاهان کفی تا عمق ۱۰۰ متر زندگی می‌کند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود و بوسیلهٔ تور کششی کفی بطور اتفاقی صید می‌گردد.

star shell گلوله نورافشان، گلوله منور

station feeding تغذیه در یک نقطه، جمع کردن قایقها در یک نقطه هنگام غذا دادن

steading sail بادبان ثابت

steady state تعادل، حالت پایدار، حالتی از جمعیت که در آن ممکن است نوساناتی بوجود آید اما افزایش یا کاهش منطقی نسبت به زمان در آن دیده نمی‌شود.

steak استیک، تکه‌ای از گوشت که از طریق بریدن آن با زاویه قائمه نسبت به تیره استخوان ماهی حاصل می‌شود.

steam boat = steamship کشتی بخار

steamer کشتی بخاری، کشتی مولد بخار

steamship کشتی بخار

steer کشتیرانی با سکان

steering gear دستگاه فرمان

Stegosoma fasciatum کوسه فرشی، کوسه عمقی

stellar inertial navigation ناوبری لختی ستاره‌ای

steming تهیه سوخت برای کشتی

stenobathic جانوری که در عمق کم زندگی می‌کند.

stenohaline موجودی که در شوری خاص و محدود زندگی می‌کند. موجودی که نوسانات کم و محدود شوری را می‌تواند تحمل نماید.

stenophagous جانور خاص خوار، جانوری که نوع بخصوصی غذا را می‌خورد. جانوری که تنوع غذایی محدود دارد.

stenothermal موجودی آبزی که تنها می‌تواند نوسانات کم گرما را تحمل کند.

sterile سترون، استریل، بدون میکروب، فاقد هر نوع میکروارگانیزم

sterilization استریل کردن، سترون سازی یک فرآورده یا محل از طریق کاربر مادهٔ شیمیایی یا فیزیکی حرارت یا اشعه

sterilizer سترون ساز، سترون سازی، عقیم کننده، مادهٔ شیمیایی یا فیزیکی که باعث استریل کردن یک ماده یا محل می‌شود. واژه‌های disinfectant، steriiling agent، sanitizer همین معنی رادارند.

stern عقب کشتی

stern most عقب‌ترین قسمت کشتی

stern roller غلتک پاشنه

stern rope طناب پاشنه

stern trawl ترال پاشنه

stern trawler کشتی ترالر پاشنه‌ای

stern trawling صید با ترال پاشنه

stern ward به طرف عقب کشتی

stern way عقب‌روی کشتی، پسروی کشتی

stern wheeler پاروزن عقب کشتی، کشتی دارای پروانهٔ عقبی

stew مخزن یا حوضچه‌ای برای زنده نگه داشتن ماهیهای خوراکی

stick-held dip net تور ملاقه‌ای گود چهارچوب دار

stickleback, ten-spined خار ماهی ده خار از خانوادهٔ Gasterosteidae

stickleback, three-spined خار ماهی سه خار از خانوادهٔ Gasterosteidae

still fishing ماهیگیری آرام، مراجعه شود به ماهیگیری با طعمه bait fishing

still hunt ماهیگیری قاچاق

still waters آبهای ساکن

stinker ماهی بدبو، ماهیی که در اثر خوردن نرمتنان پلانکتونی با نام Pteropodها نامناسب شده است. مخصوصاً در مورد ماهی کاد به کار می‌رود. به آن همچنین blackberr cod، diesel flavour، dimethyl sulphide هم می‌گویند.

stipe کشیدن، دنبال خود کشیدن

stock انبار، انبارکردن، ذخیره، ذخایر موجودی، نگاهداری، مقدار ماهی که در یک وضعیت خاص نگهداری می‌شود. رها کردن ماهی در یک آبگیر

stock assessment برآورد ذخایر، ارزیابی ذخایر

stock biomass توده موجود، توده زنده ذخایر یک گونه یا گونه‌های آبزیان یک منطقه

stock - breeder ذخیره مولدین، مولدینی که برای تولید مثل ذخیره گردیده‌اند.

stocked pond استخر ماهی دار شده

stocking ماهیدارکردن، فعالیت یا عمل وارد کردن ماهی در یک آبگیر

stocking - density ظرفیت ماهیدارکردن، تعداد ماهی پرورشی در واحد سطح یا حجم معمولاً بصورت تعداد در متر مربع یا متر مکعب داده می‌شود، تراکم ماهیدار کردن

stocking formula ترکیب ماهی، فرمول ماهیدار کردن

stocking, mixed ترکیب ماهیدار کردن (مخلوط)

stocking operations عملیات ماهیدار کردن

stocking out of fry ماهی دار کردن با لاروهای پیشرفته

stocking policy مدیریت ماهیدار کردن، برنامه‌ای برای حفظ آبهای باز، به منظور استفاده از آنها در پایدار کردن ماهی

stocking rate میزان و نرخ ماهیدار کردن، میزان ماهیدار کردن، تراکم ماهیدار کردن، تعداد ماهی رها شده در واحد سطح

stock number تعداد ماهیهای ذخیره شده، تعداد کل ماهی موجود ریخته شده

stock pond استخر ذخیره سازی، حوضچه‌ای برای ماهیهای یک نسل به ویژه در زاد و ولد انتخابی

stock pool استخر ماهیان مولد، استخر ذخیره

stock recovery بازسازی ذخایر پس از کاهش تلاش صید، افزایش ذخایری که شدیداً مورد بهره‌برداری و صیادی قرار گرفته‌اند، پس از کاهش تلاش صید.

stole جلیقهٔ نجات

***Stolephorus buccaneeri* = buccaneer anchovy**

موتو، آنشوا با نام علمی *Encrasicholina punctifer*

Stomateidae = pomfrets خانوادهٔ حلوا ماهیان سفید

stone crab خرچنگ سنگی، خرچنگ بزرگ کارائیبی که صید تجاری دارد.

stone loach = *Nemachilus barbatulus* لوچ سنگی، سگ ماهی جویباری

stony coral مرجان سنگی که از سواحل تا اعماق ۶۰۰۰ متری زندگی می‌کند. به تاگها(کلنی‌های) این مرجان اسامی مغزی، قارچی، ستاره‌ای و شاخ گوزنی داده شده است.

stop net تور متوقف کننده، توری که برای بستن دهانهٔ یک خلیج کوچک و نظیر آن بکار می‌رود.

stop seine پره متوقف کننده، تور گردان ثابت، سکار (جنوب)، تور عمودی کوچکی که در عرض یک تور عمودی بزرگتر قرار می‌گیرد و بدین ترتیب ماهیها را در یک حوضچه مصنوعی محاصره می‌کند، تور عمودی کوچکی که برای جمع کردن ماهیهای صید شده در داخل یک تور بزرگتر که آن را احاطه می‌کند بکار می‌رود.

storage life عمر نگهداری، عمر و زمان نگهداری یک کالا که با کیفیت خوب عمل آوری شده است تا وقتی که هنوز کیفیت خود را از دست نداده و کاملاً قابل مصرف است. (واژه‌های معادل آن keeping quality، storage time، shelf life و keeping time می‌باشد).

storage pond استخر ذخیره‌سازی، حوضچه‌ای برای نگهداری موقت ماهی‌های فروشی

stores list فهرست آذوقهٔ مورد نیاز کشتی

stores ship کشتی تدارکاتی

storm,cyclonic طوفان ، طوفان گردباد

storm surge بالا روی آب در اثر طوفان، موج طوفانی

storm tide برکشند (مد) طوفان

stowage بارچینی، چیدن کالا در کشتی

stowaway مسافر قاچاق کشتی

stow net تور قیفی، کرفا (مجموعهٔ یک آب بند و یک تور قیفی)، یک تور بزرگ قیفی یا مخروطی شکل که در زیر یک قاشق یا کشتی لنگر انداخته ، قرار می‌گیرد و گروههای ساردین، با بالاآمدن آب (مد) در آن گیر می‌افتند.

strait تنگه، آبراه باریک بین دو تودهٔ بزرگ آب، بغاز، دهانه، مصب، آبراه

strand ساحل، کنار دریا، شن ساحلی، جریانهای دریایی

stratification لایه لایه شدن، لایه‌های مختلف آب که دارای تراکم های متفاوتی در حرارتهای مختلف و یا غلظتهای مختلفی از مواد محلول می‌باشند.

stratification of water چند لایگی آب (در اثر حرارت آب)

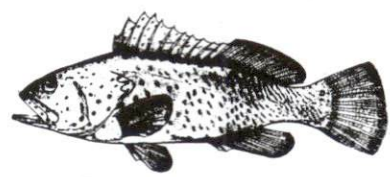
stratified estuary مصبی که آب آن از نظر شوری نسبت به فاصله آن با آب شیرین فرق می‌نماید.

stratum layer لایهٔ قابل تشخیص به دلیل ترکیب خاص آن

streaked spinefoot

صافی عربی با نام علمی *Siganus javus*

streaky grouper لوتاری، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus longispinis* که حداکثر طول آن ۶۰ سانتیمتر است. بطور گسترده در اقیانوس هند غربی و به طرف جنوب تا دوربان (آفریقای جنوبی)به استثنای دریای سرخ و خلیج فارس وجود دارد. در ایران، در آبهای دریای عمان یافت می‌شود. صید آن با قلاب و ریسمان، دام، تور گوشگیر و تور کششی انجام می‌شود.



Epinephelus longispinis لوتاری

stream نهر، رود، نهر کوچک، جریان آب، آبگیری که بر روی یک بستر جریان دارد.

streamlet جویبار، یک جریان یا نهر کوچک

stream net تور نهری، تور میله‌ای که در آبهای تند، بر روی میله‌هایی محکم می‌شود مثل یک کیسه عمل می‌کند.

stream weir مراجعه شود به stream net

stress تنش، ناراحتی، فشار، هر نوع شرایط نامناسب برای سلامت و رشد موجودات زنده

stretch of river امتداد رود، امتداد یا ردپای یک رود که معمولاً ویژگیهای یکسانی دارند.

striate شیاردار

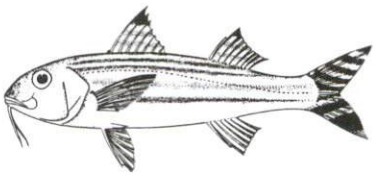
stridulation ایجاد صدا از طریق به هم مالیدن قسمتهای سخت بدن

striped barracuda = Obtuse barracada ماهی کوتر یا باراکودا نواری با نام علمی *Sphyraena obtustata*

striped bass میش نواری با نام علمی *Morone saxatilis*

striped catfish ماهی سه گلو (چابهار)، گونه‌ای با نام علمی *Plotosus lineatus* که طول آن ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر است. از سخت پوستان کوچک، نرمتنان وماهیها تغذیه می‌کند. در جزایر شمال عرض ۳۰ درجهٔ جنوبی، اقیانوس هند غربی، به طرف شرق تا ساموآ، به طرف شمال تا ژاپن و به طرف جنوب تا استرالیا وجود دارد. در روی صخره‌ها، طول سواحل باز، داخل خورها و در نواحی برکه‌های جزر و مدی یافت می‌شود. ماهیان جوان بصورت اجتماعات متراکم دیده می‌شوند. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی کفی ، ساحلی گردان و قلاب و ریسمان انجام می‌گیرد.

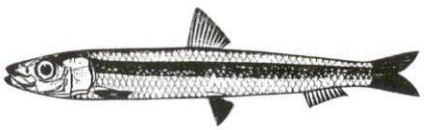
striped goat fish بز ماهی راه راه، کوازرد، گونه‌ای از خانوادهٔ بز ماهیان بانام علمی *Upeneus vittatus* که طول آن ۱۸ تا ۲۸ سانتیمتر می‌باشد. در کرانه‌های سراسر اقیانوس هند - آرام و ناحیهٔ شرق تا پلی نزیای فرانسه می‌باشد.معمولاً در آبهای متلاطم بالای بسترهای گلی در عمق چندمتر تا ۱۰۰ متری و گاهی بصورت گله‌ای دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تور کششی کفی، تورهای گردان ساحلی وگردان قایقی انجام می‌شود.



بزماهی نواری، کوازرد *Upeneus vittatus*

striped large eye bream ماهی شانک راه راه چشم بزرگ با نام علمی *Gnathodentex aurolineatus*

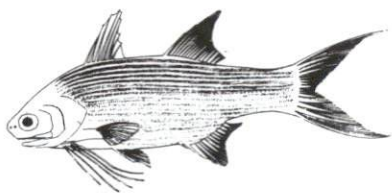
striped round herring ساردین گرد راه راه، گونه‌ای از خانوادهٔ ساردین ماهیان با نام علمی *Spratelloides gracilis* که طول آن ۷ تا ۹/۵ سانتیمتر است و به احتمال زیاد در تمام منطقهٔ اقیانوس هند غربی وجود دارد ولی هیچگونه گزارشی در مورد جنوب موزامبیک، آفریقای جنوبی و جزایر مختلف دریافت نشده است، همچنین به طرف شرق تا ساحل غربی و شرقی استرالیا به طرف ساموآ و شمال ژاپن دیده می‌شود. گونه‌ای سطحزی در آبهای ساحلی است. در آبهای ایران، در دریای عمان وجود دارد. توسط تورهای گردان ساحلی یا پره صید می‌شود.



ساردین گرد نواری *Spratelloides gracilis*

striped threadfin راشگوی راه راه باله نخی،

گونه‌ای از خانوادهٔ راشگو ماهیان با نام علمی *Polynemus plebeius* که از سخت‌پوستان کوچک بویژه میگو و خرچنگ ریز، ماهی و سایر موجودات کفزی تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی در آبهای ناتال (جنوب آفریقا)، موزامبیک، ماداگاسکار، موریس و در بخش شمالی منطقه از دریای سرخ به طرف سریلانکا، از ساحل شرقی هند تا پیانانگ، تایلند، ژاپن، جزایر تایوان، فیلیپین، استرالیا، سلیمان، ساموآ، فی جی، تائیتی و جزایر مارکینز وجود دارد. عمدتاً بر روی بسترهای کم عمق گلی قلاب قاره زندگی می‌کند. در آبهای ایران ، در خلیج فارس (حوالی بندر لنگه) و دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای ساحلی گردان ، و کششی کفی انجام می‌شود.



راشگوی راه راه باله نخی *Polynemus plebeius*

stripping تخمگیری، گرفتن تخم و اسپرم به طریق غیر طبیعی (با دست)

stripping of eggs تخم گیری یا تخم‌کشی ماهی

strip the fish بیرون راندن تخم یا اسپرم از بدن یک ماهی با فشاری که توسط دست اعمال می‌شود. فشار دادن بدن ماهی و بیرون راندن تخمها یا اسپرم

stroma protein پروتئین غیر محلول، پروتئین موجود در بافت پیوندی و غشاء سلولی عضلات ماهی

strop حلقه

strutive بلورهای کوچک سولفات منیزیوم ـ آمونیوم که گاهی در قوطی های کنسرو بوجود می‌آید و اگر چه خطری ندارد ولی ظاهر کنسرو را خراب می‌کند و به آن جلوه شیشه خرده می‌دهد. عمدتاً در کنسرو ماهی آزاد، ماهی تون، و سخت پوستان دیده می‌شود. احتمالاً در اثر فعالیتهای آنزیمی بلافاصله پس از مرگ ماهی که دارای پی اچ بالا است ، حاصل می‌شود. این ماده گاهی در ماهیهای سرد شده و یا دودی منجمد شده هم دیده می‌شود.

stunted رشد نکرده، شرایطی که در آن موجود رشد و نمو نکرده و کوچک باقی می‌ماند. این حالت در جانوران خونگرم دائمی و در جانوران خونسرد در صورت ایجاد شرایط مناسب بازگشت پذیر است .

sturgeon ماهی خاویاری، تاسماهی، استورژن، ماهی خاویاری از خانوادهٔ Acipenseridae و جنس‌های *Huso* و *Acipenser* این ماهیان در دریا زندگی می‌کنند وبرای تخمریزی به رودخانه‌ها می‌روند ولی بعضی از آنها بطورکامل برای زیستن در آب شیرین سازگار شده‌اند. (جدول زیر برخی از گونه‌های دریازی و رودخانه‌ای ماهیان خاویاری را نشان می‌دهد.)

نام رایج	نام علمی	محدوده پراکنش
فیل ماهی	*Huso huso*	دریای خزر ـ دریای سیاه
تاسماهی معمولی	*Acipenser sturio*	اروپای غربی
تاسماهی اطلس	*A. oxyrhynchus*	شرق آمریکای شمالی
تاسماهی روس	*A. guldenstardti*	دریای سیاه و خزر
تاسماهی ایران	*A. persicus*	دریای سیاه و خزر
تاسماهی استرلت	*A. ruthenus*	دریای سیاه و خزر
تاسماهی شیب	*A.nudiventris*	دریای سیاه و خزر
تاسماهی سفید،	*A.transmontanus*	غرب آمریکای شمالی
تاسماهی خاکستری	*A.medirostris*	غرب آمریکای شمالی
تاسماهی چینی	*A. sinensis*	دریای چین و رود زرد (یانگ تسه)
تاسماهی ژاپن	*A. kikuchi*	ژاپن

subaquatic غرقابی، زیرآبی، غوطه ور در زیر آب

sub - bottoming زیر کف، عملیات زیر بستر

subchaser = submarine chaser تعقیب کننده زیر دریایی

subduction حرکت پوستهٔ یک خشکی به زیر دیگری، زیر رفتن پوستهٔ زمین، معمولاً پوسته‌ای که زیر می‌رود، پوستهٔ اقیانوسی است.

subjective اظهار نظر مشخص در بارهٔ کنترل

کیفیت بدون توجه به اندازه‌گیری عوامل مرتبط

sublethal حد زیر کشنده، وضع ناراحت کننده یا خطرناکی که منجر به مرگ و میر نمی‌شود.

sublittoral منطقهٔ تغییر یا انتقال بستر دریا بین منطقهٔ کم‌عمق و منطقه عمیق

submarine کشتی زیردریایی

submarine canyon درهٔ زیر دریایی

submerge,to غوطه ور شدن، فرورفتن در آب

submerged aquatic plants گیاهان غرقابی، گیاهان آبزی غوطه ور، گیاهان ریشه‌داری که بطور کامل یا اکثراً در زیر آب رشد می‌کنند.

submersed aquatic گیاهان آبزی زیرآب، مراجعه شود به گیاهان آبزی غوطه‌ور submerged aquatic plants

submersibles عمق پیماها، نفربرهای کوچک زیر دریایی که مدت زیادی را می‌توانند در اعماق بمانند. انواع گوناگون این عمق پیماها ساخته شده است. جدول زیر انواع قدیمی آن را مشخص می‌نماید.

نام عمق‌پیما	محل	عمق به متر	تاریخ
باتیسفر باتون بیب	برمودا	۱۰۰۰	۱۹۳۴
کوروشیو واوشورومارو	ژاپن	۲۰۵	۱۹۵۱ تا۱۹۵۷
گالیازی - الی مونیر	مدیترانه	۳۳۰	۱۹۵۵ تا۱۹۵۶
FNRS-۳، پیکارد	تیرهاتیان	۳۷۰۰	۱۹۵۶
کالیپسو، ژاک کوستو	مدیترانه‌ای	۳۰۰	۱۹۶۰
نیروی ارشمیدس	پشته میانی اقیانوس اطلس		۱۹۶۱
دریابی فرانسه			
سیانا فرانسه	پشته میان اقیانوس اطلس		۱۹۶۱
آلوین آمریکا	اقیانوس آرام	۳۰۰۰	۱۹۶۴

subsidence نشست خشکی در دریا، فرونشینی خشکی به دریا، ریزش خشکی به دریا

subsidence theory تئوری فرونشینی

subsistence aquaculture کشتاب ورزی به منظور تأمین غذا، نه برای فروش

subspecies زیر گونه

substrate بستر، محلی که جانوران کفزی رو، یا درون آن زندگی می‌کنند و یا برخی ماهیها در آن تخمریزی می‌کنند.

subsurface current جریان زیر سطحی، جریان آب عمقی که سرعتش کمتر از سرعت جریان سطحی است و الزاماً هم سو با آن نیست.

subsurface navigation ناوبری زیر سطحی

subterminal mouth دهان زیر خط محوری، دهان پائینی، دهانی که در قسمت زیرین خط محوری سر قرار می‌گیرد (مانند دهان ماهی کپور معمولی)

subthermocline duct کانال زیر ترموکلاین، هدایت صوت (کانال صوت) در زیر ترموکلاین که با ترموکلاین و لایهٔ دیگری که سرعت صوت در آن حداکثر می‌باشد، محصور شده است .

subtidal منطقه زیر جزر و مدی

subtropical convergence همگرایی زیر استوایی، خط غیر پیوسته‌ای که آبهای زیر استوایی را از آبهای زیر قطبی جنوب جدا می‌کند. (حدود مدارهای ۴۰ تا ۵۰ درجه جنوبی). دمای آبهای شمال خط حدود ۱۰ تا ۱۸ درجه گرمتر از دمای آبهای جنوب آن است .

succession توالی، تسلسل

suction dredge صید بالاروب مکنده

Suez Canal کانال سوئز، آبراه سوئز

suffocation خفگی، بی اکسیژنی، مرگ در اثر فقدان اکسیژن

Sulawesi Sea = Celebes Sea دریای سولاوسی یا سلیبس در نزدیکی فیلیپین

sulfur = S عنصر گوگرد، غلظت آن در

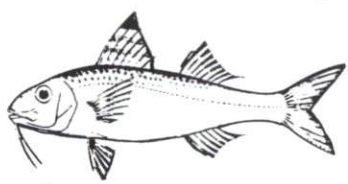
آب دریا ۹۰۰ میلی‌گرم در لیتر است.

sulfur bacteria باکتریهای گوگردی، باکتریهای رشته‌ای خود غذاساز شیمیایی که با احیای سولفیدها قند می‌سازند. این باکتریها در اعماق مختلف، بخصوص در اطراف چشمه‌های آب گرم و در کف دریا زندگی می‌کنند.

sulphite سولفیت

sulphur dioxide دی اکسید گوگرد، مادهٔ فعال متابی سولفیت

sulphur goatfish بزماهی زرد، گونه‌ای از خانوادهٔ بزماهیان با نام علمی *Upeneus sulphureus* که طول آن ۱۵ تا ۲۳ سانتیمتر می‌باشد. در قسمت اعظم اقیانوس هند غربی و در ساحل جنوب شرقی آفریقا از عرض ۲۶ درجه جنوبی وجود دارد. از دریای سرخ هنوز گزارش نشده است و در خارج از منطقهٔ اقیانوس هند غربی، به طرف شرق تا اقیانوس آرام غربی، از جنوب ژاپن تا کوئینلند، مجمع الجزایر فی‌جی گزارش شده است. ساکن آبهای ساحلی است و غالباً وارد خورها می‌گردد. در عمق ۲۰ تا ۶۰ متری و معمولاً بصورت گروهی یافت می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای ساحلی، تور کششی کفی و تله انجام می‌گیرد.



Upeneus sulphureus بزماهی زرد

summer draft آبخور تابستانه

summer kill کشتار تابستانه، مرگ و میر تابستانه، مرگ و میر دسته جمعی ماهیها در اثر کمبود اکسیژن حاصله از گرم شدن آب و یا کم شدن حجم آن

summerling (s) ماهی یک تابستانه، ماهی از مرحله نوزادی پیشرفته تا مرحلهٔ یک سالگی پس از خروج از تخم، معمولاً در پاییز

summery fry نوزاد تابستانه، بچه ماهی یک تابستانه آزاد ماهیان، بچه ماهی که در طول رشد رویشی، صید شده است.

sump حوضچه روغن

sump pump تلمبهٔ تخلیهٔ کثافتهای کشتی

sunda shelf پوستهٔ اقیانوسی سوندا، این پوسته، بزرگترین پوستهٔ اقیانوسی است (۲ میلیون کیلومتر مربع) که دریای جاوه، مالزی، سوماترا، جاوه و کلیمانجارو را در بر می‌گیرد.

sun deck عرشهٔ آفتابگیر کشتی

supercargo سرپرست بارکشتی

superintendent ناظر تعمیرات

superior بالایی، فوقانی، برتر

supernumerary annulus حلقه‌های فوق العاده زیاد، در پولک خوانی به حلقه‌هایی گفته می‌شود که نسبت به تعداد حالت عادی، خیلی زیادتر هستند.

super - saturation (with oxygen) فوق اشباع، حالت اشباعی که در آن غلظت اکسیژن آب بیشتر از میزان حلالیت آن است.

superstructure تأسیسات روی عرشه

supplemental feeding غذا دادن کمکی، تغذیهٔ تکمیلی، تغذیه به منظور بالا بردن کیفیت رشد و یا افزایش کیفیت غذاهای طبیعی

supplementary diet جیره غذایی تکمیلی

supplementary food غذای کمکی، غذای تکمیلی

supplementary of feeding غذاهای کمکی، انواع مختلفی از مواد غذایی که در محیط وجود ندارد ولی برای تغذیه فراهم می‌شوند.

supply channel کانال آب رسانی، کانال تولید،

کانال عرضه، کانال تغذیه

supply of water, to or for ponds آبرسانی استخرها

supralittoral fringe حاشیه بالای ساحل

supramaxilla استخوان کوچک کنارلب بالایی، استخوانهای آروارهٔ بالایی

supraoccipital استخوان میانی در انتهای عقبی بالای جمجمه

surf خیز موج، موج ریز کنار دریا

surf beat ضربان خیزاب

surf boat قایق موج سواری

surface سطح، سطح رویی یک آبگیر

surface area distribution تقسیم‌بندی مساحت کارگاه، پراکندگی مساحت

surface duct هدایت سطحی صوت،

surface tension کشش سطحی

surface trawl ترال سطحی

surface water آب سطحی، لایه سطحی آب یک آبگیر، آبی که روی سطح زمین جمع می‌شود، تمامی آبهایی که در روی زمین وجود دارند شامل رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و دریاها

surfing = surf riding موج سواری

surf-riding موج سواری

surf zone ناحیه خیزاب

surge موج بزرگ، خیزاب

surge channel خط موج

surplus مازاد

surrounding method صید با روش احاطه‌ای

surrounding net تور احاطه‌ای

Surtsey جزیره آتشفشانی سورتسی در سواحل ایسلند که در سال ۱۹۶۳ ایجاد گردید.

survival بقا، تعدادی از موجودات که از یک جمعیت اولیهٔ مشخص باقی مانده‌اند.

survival pack بسته نجات که برای افراد گرفتار در آب به کار می‌رود.

survival rate نرخ بقا، میزان بقا، تعداد ماهیانی که پس از یک گسستگی زمانی ویژه، باقی مانده‌اند و از یک تعداد اولیه، مشتق شده‌اند.

survival suit لباس نجات

survivorship curve منحنی بقا، منحنی که در محاسبات آمار حیاتی به کار می‌رود.

suspended collectors جمع کننده و گردآورندهٔ صدفچه‌ها

suspended solids مواد جامد معلق در آب

suspension feeders آبزیان صافی کننده مانند اسفنجها، مرجانها و بالنها

suspension feeding تغذیه از مواد غذائی معلق در آب، تغذیه از مواد غذائی که بحالت معلق در آب قرار می‌گیرند.

sustenance ratio تناسب اجزای غذا

swale رسوب گیر، گودال کوچکی که اطراف یک منبع آبی کشیده می‌شود تا مواد جامدی را که به وسیله آب باران به طرف منبع آب سرازیر می‌شود، جمع آوری نماید.

swamp لجنزار، مرداب، باتلاق، گور آب، غرق کردن، پر از آب کردن، پر از آب شدن قایق، سیاه آب

swamp mussels = duck mussels صدف مردابی

swamp pond استخر باتلاقی

swash یورش موج

swash channel مسیر یورش موج

sweeps پاروی بلند

swell طغیان و تلاطم آب دریا، خیز آب، موج،

امواج طویل و بلند مدت که از منبع تولیدشان فاصله می‌گیرند.

swim bladder کیسه شنا، بادکنک شنا، کیسه شنای ماهیان استخوانی باله شعاعی (Actinopterygii)

swim bladder inflammation = SBI بیماری التهاب کیسهٔ شنا

swimmer شناگر

swimmeret زواید جفتی کوچک قسمت شکمی سخت پوستان که برای حرکت یا تولید مثل به کار می‌رود.

swimming bladder کیسه شنا

swimming speed سرعت شنا

swimming speed of fish سرعت شنای ماهی

swim - through feeder غذا دهنده‌هایی که فقط ماهیان ریز می‌توانند داخل آن شده و خارج گردند ولی ماهیان بزرگتر باید خارج از آن غذای خود را بگیرند.

swim-up fry نوزاد در مرحلهٔ تغذیهٔ مختلط، نوزادی که کیسهٔ زرده آن جذب شده و آمادهٔ جذب غذا از محیط است. نوزادی که برای دریافت غذا در محیط آبی بطرف بالا شنا می‌کند.

swinging derrick جرثقیل گردان

swivel block قرقره گردان

sword fish اره ماهی، شمشیر ماهی با نام علمی *Xiphias gladius* از خانوادهٔ زیفیده، راستهٔ پرسی فورم که تا ۴ متر طول و ۵۰۰ کیلوگرم وزن دارد.



شمشیر ماهی، اره ماهی *Xiphias gladius*

***Symaptura orientalis* = oriental sole** ماهی کفشک گرد، کوشک (بوشهر)، کفشک شرقی

symbiont همزیست

symbiosis همزیستی

symphysis محل اتصال دو نیمهٔ آرواره‌ها

syneresis جدا شدن خودبخود مایع از یک سوسپانسیون کلوئیدی که از ظاهر ماهی قابل تشخیص است. برای مثال جمع شدن آب بین پوستهٔ کالباس و محتوی آن

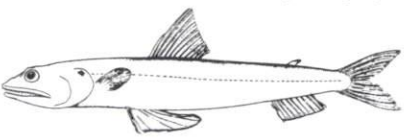
synergism همکاری، عکس العمل دو ماده که مجموع بازده آنها بیشتر از بازده هر یک از آن دو عامل به تنهایی است.

synergy هم دهی، تولید حاصله از فعالیت و اثر دو ماده که هر یک به تنهایی قادر به تولید آن نیستند.

synodical = synodic = lunar قمری (ماه)

Synodontidae (Lizard fishes) خانواده کریشو ماهیان

***Synodus indicus* = lizard fish** کیجار، کریشو از خانواده Synodontidae



کیجار، کریشو *Synodus indicus*

synonym نام همردیف گونه، مترادف گونه، نام همنام گونه

synoptic سینوپتیک، به معنی همزمانی یا همبودی است. در سرویس‌های هواشناسی روزانه، مشاهدات هواشناسی که در مکانهای مختلف صورت می‌گیرد، به خاطر ارائه دلایل واضح باید هم طراز و هم زمان گردند. بنابراین، متئرولوژی کاربردی نام متئورولوژی سینوپتیک را به خود گرفت. نظیر آن نیز در اقیانوس نگاری کاربردی نهایتاً منجر به هدایت سرویس های اطلاعاتی بر روی پدیده‌های کاربردی در اقیانوسها دارد، که باید بر اساس داده‌های کم و بیش سینوپتیک استوار

شده که بطور معمولی در طبیعت یافت نمی‌شود.

system of fish cultivation سیستم پرورش ماهی، نحوهٔ عمل و شیوه‌ای از پرورش ماهی که تحت شرایط خاص اکولوژیک و شرایط ویژهٔ اجتماعی، اقتصادی صورت می‌گیرد.

گردد. بنابراین اقیانوس نگاری سینوپتیک یا هیدروگرافی سینوپتیک، هیدروپسیس نامیده می‌شود.

synthetic مصنوعی، تولید شده بوسیلهٔ انسان، گرفته نشده از تولیدات طبیعی

synthetic fertilizer کود شیمیایی، کود مصنوعی، کود حاصله از طریق یک فعل و انفعال شیمیایی کنترل

T

T پرچمی بین‌المللی به معنای «سبقت نگیرید، من در حال سرعت گرفتن هستم.»

tabby sea دریای مواج

tabemackle مقر دکل

table-carp کپور بازاری

table-fish ماهی بازاری

table-trout قزل آلای بازاری

tack ۱) طنابی ریسمانی که برای مهار قایق استفاده می‌شود، عمل آماده‌سازی بادبانها برای حرکت، باد عوض کردن
۲) کنج راست بادبان

tackle قرقره، مراجعه شود به fishing - tackle

tactile sense حس لمس، احساس لمس

Taeniura melanospile سفره‌ماهی دو خار

tag نشان، علامت، برچسب، هر جسم خارجی که دربیرون یا درون بدن ماهی می‌چسبانند و با این ترتیب سبب شناسایی تعدادی از آنها می‌گردند.

tagged fish ماهی علامت‌گذاری شده، ماهی نشاندار

tagged fish recoveries صید ماهیان علامت گذاری شده

tagged fish release آزادسازی ماهیان علامت گذاری شده

tagging علامت زدن، نشاندار کردن، برچسب دار کردن، هر وسیله‌ای که ماهی را با استفاده از منگوله، نوار و نظیر آن، بعنوان فردی خاص علامت‌گذاری و قابل شناسایی کند.

tagging (marking) mortality مرگ و میر حاصله از علامت زدن، مرگ طی پدیدهٔ نشاندار کردن و یا در اثر آن

tagging of fish علامت گذاری ماهی، صید ماهیهای علامت گذاری شده، صید نشانه‌دارها (یافتن مجدد آنها)

tag return نسبت بین تعداد نشاندارها و تعداد کل نشاندارهایی که در یک گروه ماهی وجود دارد و معمولاً این نسبت به صورت درصد بیان می‌شود.

tag, to برچسب زدن، نشاندارکردن

tail ۱) دم، در سخت پوستان قسمت شکمی یا انتهایی بدن که محتوی گوشت خوراکی است.

۲) بخشی از آب رودخانه که درست زیر سد قرار دارد، در موارد خاص، به آبی که به لوله‌های یک توربین می‌ریزد نیز گفته می‌شود.

tail fin بالهٔ دمی

tail of pool انتهای پایینی یک استخر

tail race canal مجرای آب خروجی، مجرای خروجی آب مصرف شده

tail waters آب خروجی کارگاه، آب حاصله از خروجی کارگاه پرورشی آبزیان بلافاصله پس از خارج شدن از کارگاه یا آب خروجی یک منبع طبیعی یا مصنوعی آب، پساب

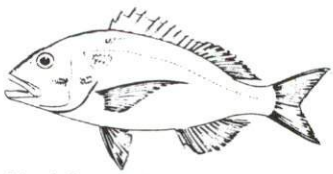
taint بوی نامطبوع، بوی گرفته شده بوسیلهٔ ماهی از مواد بودار اطراف، بوی ایجاد شده در گوشت ماهی در اثر مواد غذایی اطراف

talang queenfish ماهی سارم (چابهار)، گیش چند لکه‌ای، داغی، سلیمانی، گونه‌ای از خانواده گیش ماهیان با نام علمی *Scomberoides commersonnianus* که حداکثر طول آن ۱۲۰ سانتیمتر و وزن نوع آفریقایی آن ۱۴/۴ کیلوگرم است. از ماهیها، سرپایان و طعمه‌های شناور سطحی تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند و اقیانوس آرام غربی از خلیج تایلند، اوکی ناوا، اندونزی، فیلیپین تا گینه نو و استرالیا یافت می‌شود. اگرچه بطور مداوم وارد مصبها می‌گردد، ولی بطور معمول دارای مقاومت کم در برابر آبهای شور و بدمزه می‌باشد و بصورت گروههای کوچک معمولاً در آبسنگهای دریایی نواحی آبهای اطراف جزایر یافت می‌شود. این ماهی در روز تغذیه می‌کند. ماهیهای جوان طعمه خود را از سر پوست می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. بوسیلهٔ تور شناور مستقر، گوشگیر قلاب و ریسمان در اعماق ۱۵ تا ۱۸ متری آبهای ساحلی اطراف جزایر صید می‌شود.

Tanganyika, Lake دریاچه تانگانیکا بین کنگو و تانزانیا که طولانی‌ترین و دومین دریاچه عمیق آب شیرین جهان است.

tangle net تور تابیده، تور گرفتاری، تور سطحی با شبکه‌ای که به سستی آویزان شده و یا به شکل حاصی است که ماهی به محض برخورد با آن گرفتار می‌شود.

tangs snapper ماهی سرخوی زبانه دار، گونه‌ای از خانوادهٔ سرخو ماهیان، با نام علمی *Lipocheilus carnolabrum* که طول آن ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر است و از ماهیها و بی‌مهرگان بزرگ تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی محدود به شمال غربی دریای غرب، و در مناطق دیگر دریای چین جنوبی و دریای آندامان یافت می‌شود. در آبهای عمیق هم وجود دارد. ساکن اعماق ۹۰تا ۳۰۰ متری می‌باشد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. توسط قلابهای طویل کفی و بعضی اوقات با تور کششی در صیدگاههای عمیق دور از ساحل صید می‌شود.



سرخوی زبانه‌دار *Lipocheilus carnolabrum*

tank مخزن، تانک، هرگونه ظرف یا مخزنی برای نگهداری آب

tanker نفت‌کش

tapeworm کرم نواری، کرم سستود، کرمهایی که معمولاً انگل ماهی می‌شوند. بالغ‌ها بصورت نواری و در سیستم گوارشی هستند. نوزادها کوچک و در عضله ماهی می‌باشند. اگر بصورت خام مصرف شوند باعث آلودگی مصرف کننده می‌گردند.

tapeworm of fish = *(Tenia inerme)* کرم انگلی ماهی

target هدف، نشان

target strength قدرت هدف

tarn دریاچه کوچک کوهستانی

Tasman Sea دریای تاسمان، بازوی جنوب غربی

اقیانوس آرام بین استرالیا و زلاندنو که به افتخار آبل تاسمان، کاشف هلندی، نامگذاری شده است. عمق این دریا بیش از ۴۰۰۰ متر است ، آب سطحی آن شور بوده و با افزایش عمق از شوری آن کاسته می‌شود. رسوبات کف آن آهکی و رس قرمز است .

taste مزه

taste panel گروه بررسی کنندهٔ کیفیت ماهی از طریق چشیدن

taster مزه کننده، کسی که از طریق مزه کردن و فرآورده ماهی به کیفیت آن پی می‌برد.

taurine تائورین، نوعی اسیدآمینه گوگرددار که در پروتئین وجود ندارد. به مقدار زیاد در برخی ماهیها دیده می‌شود.

taxonomic key کلید شناسایی، کلید یا دستورالعملی که برای تشخیص موجودات زنده با توجه به رده بندی علمی آنها بکار می‌رود.

taxonomy تاکسونومی، از کلمهٔ یونانی taxis به معنای ترتیب و nomos به معنی عمل، ترکیب یافته و به معنی روش طبقه‌بندی گیاهان و جانوران بر طبق قرابت های طبیعی آنهاست. رده‌بندی، علم رده‌بندی موجودات زنده

TBC = TVC شمارش کلی باکتری ها

tectonic estuary مصب یا خور متحرک، خور یا مصب تکتونیک، خور یا مصبی که در اثر حرکات زمینی بوجود آمده است .

tectonics, plate حرکت قاره‌ها

teeth (tooth) دندانها، زواید صفحات محافظ پوستی در ماهیان ابتدایی یا خزندگان

telemeter دورسنج

Teleost ماهی استخوانی، بزرگترین و معمولترین گروه ماهیان، این ماهیان علاوه بر اسکلت استخوانی، دارای بالهٔ دمی با دو قسمت نسبتاًبرابر هستند. پراکنش ماهیان استخوانی جهانی است. اندازه‌های آنها از ۱ سانتیمتر، تا ۳ متر یا بیشتر می‌باشد. تولید مثل آنها به روشهای مختلف است. بعضی زنده‌زا هستند، گروهی تخمگذار و عده‌ای هرمافرودیت می‌باشند. تعدادی هم در طول زندگی تغییر جنسیت می‌دهند. نوزادان بسیاری از ماهیان تخمگذار جزو جمعیتهای پلانکتونی هستند.

temperate معتدل، خنک

temperature دما، درجهٔ سردی یا گرمی تودهٔ آب، دمای آب دریا به تابش پرتوهای سطحی، تبخیر سطحی و جریان آب بستگی دارد. این عوامل متناسب با فصل و فعالیتهای جزر و مدی به بخشهای کوچکتری تقسیم می‌شوند.

temperature inversion وارونگی گرما، وارونگی درجه حرارت، بطور طبیعی در دریا، حداقل در بالاترین لایه‌ها، درجهٔ حرارت با افزایش عمق کاهش می‌یابد. اگر در یک عمق معین تغییرات عمودی درجه حرارت بر عکس گردد، یعنی به جای کاهش، افزایش یابد، گفته می‌شود وارونگی درجه حرارت رخ داده است. لایه‌ای که این پدیده در آن صورت می‌گیرد، لایهٔ وارونگی نامیده می‌شود.

temporary waters (ponds) آبهای موقتی، آبگیرهای طبیعی که در بخشی از سال خشک می‌مانند.

tench = *Tinca tinca* لای ماهی، در گذشته لای ماهی عمده‌ترین ماهی از خانواده کپور ماهیان بعد از ماهی کپور بود. شکل ظاهری و رنگ آن گونه‌ای است که امکان اشتباه کردن آن با سایر گونه‌ها وجود ندارد. بدن آن نسبتاً کوتاه و بلند و مقطع عرضی آن بیضوی است. خط پشتی بدن از سر بطرف باله پشتی کم کم بالا می‌رود. خط شکمی تقریباً مستقیم است. فلس‌ها خیلی کوچکند. باله پشتی بلند و کمانی دارای ۳ تا ۴ شعاع باله سخت و ۸ تا ۹ شعاع باله نرم است. روی خط جانبی ۸۷ تا ۱۱۵ عدد فلس قرار دارد. کمی قبل از بلوغ، دومین شعاع باله شکمی ماهی رشد و نمومی‌کند و باله‌ها قوی‌تر و بزرگتر می‌گردند و تا مخرج می‌رسند.

tench, common = *Tinca vulgaris* لای ماهی معمولی (خانوادهٔ Cyprinidae)

tenders صورت مخارج کشتی

tender ship = supply ship کشتی تدارکاتی

tenpounder نازماهی، گوشو(چابهار)، گونه‌ای از خانواده نازماهیان، با نام علمی *Elops machnata* که حداکثر طول آن ۹۰ سانتیمتر و بطور معمول ۵۰ سانتیمتر از ماهیان کوچک و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در سرتاسر منطقهٔ اقیانوس هند غربی و در مناطق دیگر به طرف شرق تا اقیانوس آرام غربی، و احتمالاً به طرف هاوایی وجود دارد. یک نوع ماهی سطحزی آبهای ساحلی می‌باشد که‌وارد خورها و مردابها می‌شود. تخم‌ریزی آن در دریا صورت می‌گیرد و لاروهای شفاف به آبهای نزدیک ساحل جهت اقامت مهاجرت می‌کنند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. بوسیلهٔ تورهای گردان، گوشگیر و قلاب دستی صید می‌گردد.

tenpounders = lady fishes خانواده نازماهیان

ten spined stickle back = *Pungitius pungitous* ماهی ده خاره

teratogenic مخرب، دارای توان تخریب یا بد شکل کردن

teredo = shipworm = pile worm کرم کشتی، نرم تن دو کفه‌ای تغییر یافته‌ای از خانوادهٔ تریدینیده که چوب را سوراخ می‌کند. اندازهٔ آن تا ۳۰ سانتیمتر می‌رسد و در حفره‌هایی که در چوب کشتیها می سازد، زندگی می‌کند.

terminal پایانه، انتهایی

tern = sea swallow چلچله یا پرستوی دریایی، تیرن، هر یک از ۴۰ گونه پرندگان خانوادهٔ لاریده از راستهٔ کارادریفورم ها که پراکنش جهانی دارند. این پرندگان شبیه یاغو (مرغ نوروزی)هستند ولی بدن لاغرتر، بالهای درازتر، پاهای کوتاهتر و دم چند شاخه دارند. چلچله‌های دریایی پرواز کنندگان خوبی هستند که مسافتهای زیادی را سفر می‌کنند. خوراک آنها ماهیان کوچک و سخت پوستان است که با شیرجه به آب آنها را صید می‌کنند.

terrigenous رسوبات دریا که منشأ خشکی دارند.

territorial سرزمینی

territorial sea دریای سرزمینی، (آبهای سرزمینی)، قسمتی از دریا به فاصلهٔ ۱۲ مایل از پایین‌ترین حد جزر که تحت حاکمیت دولت هر کشور دریایی است .

territory محدوده، قلمرو، سرزمین

tertiary, period دوران سوم، این دوران ۶۵ میلیون سال پیش شروع شد و مدت آن ۵۵ میلیون سال بود. در این دوران پلهای خشکی بین سیبری و آمریکای شمالی، و نیز پلهای بین جزایر اندونزی زیر آب رفتند و کوههای هیمالیا، آلپ، راکی و اطلس بوجود آمدند.

test ۱) پوشش محافظ سخت از جنس آهک، سیلیس، کیتین، فیبر یا غشای بعضی بی‌مهرگان که توسط جانور ترشح می‌شود. انواع سارکودینا و خارپوست دریایی و تونیکاتها (غلافداران) چنین پوششی دارند.

۲) آزمایش، بررسی

test fishing صید آزمایشی، ماهیگیری به منظور بدست آوردن اطلاعات ضروری نظیر اطلاع در مورد ذخایر قابل بهره‌برداری ماهی

test ponds استخرهای آزمایشی

Tethys Sea دریای تتیس، آبراه شرقی - غربی دوران‌دوم زمین شناسی که قارهٔ اوراسیا را از گندوانا جدا می‌کرد. حرکت قاره‌ای باعث کوه زایی شد و دریای تتیس به تدریج از بین رفت. بقایای دریای تتیس دو دریاچهٔ آرال و مازندران و دریای مدیترانه است.

tetracycline تتراسیکلین یا یکی ازگروههای آنتی بیوتیکهای مرتبط مانند کلروتتراسیکلین (CTC) یا اکسی تتراسیکلین (OTC)، که از طریق مصرف در یخ باعث حفاظت ماهی می‌گردد. امروزه در برخی ازکشورها مجوز مصرف ندارد.

Therapon puta یلی، کمگام، توتوان

Therapons = Therapon perhes, مراجعه شود به Theraponidae

Therapon therapons ماهی یلی، ماهی کمگام فلس درشت

Therapon theraps ماهی ینم

thermal aquaculture کشتاب‌ورزی در آبهای گرم

thermal circulatian گردش حرارتی، دَوَران حرارتی، چرخش حرارتی، گردش توده‌های آب در اثر اختلاف دمای بین لایه‌های آب

thermal death point حد کشنده حرارت

thermal equator کمربند دمایی، کمربند گرمایی، خط فرضی که نقاط گرمتر زمین را به هم وصل می‌کند. این خط بیشتر بین مدارهای ۱۲ درجهٔ جنوبی و شمالی قرار دارد.

thermal gratification رضایت حرارتی، منطقه‌ای از حرارت که مورد علاقه و توجه ماهی است.

thermal noise سر و صدای حرارتی، صداهای حاصله از حرارت (سرما یا گرما)

thermal pollution آلودگی حرارتی، آلودگی حاصل از آب گرم ناشی از فعالیتهای صنعتی یا هسته‌ای

thermal shock شوک حرارتی، صدمهٔ حاصله از تغییر ناگهانی درجه حرارت آب

thermal spring چشمهٔ آب گرم

thermal stratification لایه‌بندی حرارتی آب (دریاچه)، چینه‌بندی حرارتی، شرایطی در بعضی از آبها که در آن سه لایهٔ مختلف حرارتی در آب دیده می‌شود. لایهٔ فوقانی گرم که معمولاً دارای اکسیژن کافی است و به آن لایهٔ فوقانی آب یا epilimnion می‌گویند. لایهٔ میانی یا ترموکلاین thermocline که دارای شیب حرارتی زیاد به کم از بالا به پایین است و لایه زیرین یا هیپولمنیون می‌باشد:

Tetraodon stellatus ماهی چلدایی، لوخو

tetrazolium ترازولیوم، ترکیب بی‌رنگی که در اثر فعل و انفعالات باکتریها بخود رنگ گرفته و از آن برای تشخیص آلودگی در غذاهای دریایی استفاده می‌شود.

Teuthis siganus ماهی صافی (بحرین)

textural attribute وضعیت بافتی، فاکتوری که به وضعیت و کیفیت بافت ماهی شامل نرم و سخت بودن، حالت ارتجاعی و میزان آب موجود در بافت ماهی اشاره می‌کند.

texture بافت، حالت و وضعیت فیزیکی، بافت ماهی، حالت فیزیکی گوشت ماهی شامل مقاومت کشش، یکنواختی مرتبط با کیفیت اولیهٔ آن برای مصرف یا سهولت تصمیم گیری برای عمل‌آوری آن. بطور عمده از طریق احساس و از راه دهان بررسی می‌گردد. در مورد برخی از کنسروها از جمله کنسرو ماهی آزاد از طریق دستگاههای مخصوص بررسی می‌شود.

thalassal deposits رسوبات دریایی

Thalassoma lunare ماهی زمرد

thalassometer جزر و مد سنج

thalassophile elements برخی عناصر دریایی که مقدار آنها بیشتر از مقدار وارد شده به دریا توسط رسوبات است (مانند B, Na, S, C, Br, I).

thalassopsammon شن و ماسه دریایی

thalwey ژرفاب، خط القعر، خطی که ژرفترین قسمتهای یک رودخانه را به هم وصل می‌کند. این خط بطور معمول بعنوان یک استاندارد حقوقی بین المللی برای تعیین مرزهای مشترک دو کشور به کار می‌رود.

thaw چکه، چکه‌های حاصله از ذوب شدن ماهی

thaw lake drip ذوب شدن دریاچه‌ای در منطقهٔ یخ زده که آب بستر آن ازیخ شدن آبها حاصل می‌شود.

Theraponidae خانوادهٔ یلی ماهیان

***Therapon jarbua* = Jarbua therapon** ماهی یلی

thermocline ۱) ترموکلاین، لایهٔ ناهمسانی درجه حرارت، لایهٔ افقی است که دارای پهنای محدود بوده و در آن درجه حرارت بطور عمودی ناگهان تغییر می‌یابد. چون اختلاف درجه حرارت منجر به اختلاف چگالی آبها در بالا و پایین ترموکلاین می‌گردد، این لایه‌ها نمی‌توانند به سادگی با یکدیگر مخلوط شوند. بنابراین، ترموکلاین بطور عمودی دو تودهٔ آبی را ازیکدیگر جدا می‌سازد، شیب حرارتی، لایهٔ میانی آب دریاچه‌ها و آبهای طبیعی در مواقعی که آب دارای چینه‌بندی حرارتی است.

۲) جریانهای آب عمقی که توسط دما و شوری تنظیم می‌شود.

thiamine ویتامین B_1، تیامین

thigmotaxis واکنش به تماس، عکس‌العمل در برابر لمس کردن

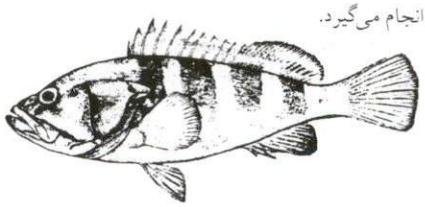
thin-lipped grey mullet = *Mugil capito* کفال خاکستری لب نازک

thiobarbituric acid value = TBV میزان اسید تیوباربی توریک موجود در نمونه، اندازه‌گیری فساد حاصله از اکسیداسیون ازطریق تعیین میزان مالون آلدئید (malonaldehyde) حاصله از تجزیه ترکیبات موجود در نمونه ماهی

tholichthys stage مرحلهٔ لاروی پروانه ماهیان

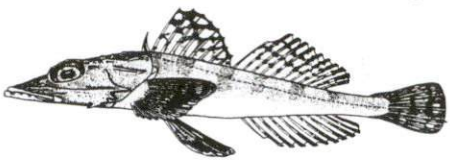
Thompson, Charles Wyviller (1980-1988) چارلز تامپسون، طبیعی‌دان و زیست شناس انگلیسی که سفر زیر دریایی چلنجر را برای بررسی اقیانوس اطلس شمالی برنامه‌ریزی و اجراکرد.

thorny cheek grouper هامور چانه خاری، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus diacanthus* که حداکثر طول آن ۵۲ سانتیمتر می‌باشد. در دریای عمان، سواحل پاکستان، هندوستان و سریلانکا در اعماق ۲ تا ۵۰ متری دیده می‌شود. صید آن با قلاب و ریسمان، دام و تور گوشگیر، تورهای بالاکش و تورهای کششی (ترال) انجام می‌گیرد.



هامور چانه خاری *Epinephelus diacanthus*

thorny flathead ماهی زمین کن خاری سر پهن، گونه‌ای ازخانوادهٔ ماهیان زمین کن (حفار) با نام علمی *Rogadius asper* که حداکثر طول آن حدود ۱۷ سانتیمتر است. ازموزامبیک و آمیرانتز، تا دریای سرخ، دریای عمان، پاکستان، هند و سریلانکا و نیز از اقیانوس هند شرقی و غربی و آرام مرکزی تا ژاپن، فیلیپین و استرالیا گزارش شده است. این گونه کفزی بوده و در فلات قاره بر روی بسترهای شنی و گلی در اعماق ۹۵ تا ۱۵۰ متری یافت می‌شود. در آبهای ایران در دریای عمان وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ تور کششی کفی انجام می‌گیرد.



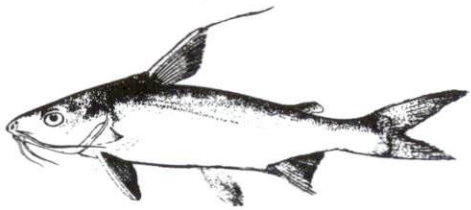
ماهی زمین کن خاری سر پهن *Rogadius asper*

thread fin breams (Nemipteridae) سیم ماهیان باله نخی، دم ریش ماهیان، سلطان ابراهیم

thread fins = tassefishes خانوادهٔ راشگوماهیان یا باله نخی ها(Polynemidae)

thread fin sea catfish گربه ماهی باله نخی، گونه‌ای از خانواده گربه ماهیان با نام علمی *Arius arius* که طول آن ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر می‌باشد و از بی‌مهرگان تغذیه می‌کند. در طول سواحل غربی هندوستان، پاکستان و نیز سواحل شرقی هندوستان (بخصوص در دریاچه چلیکا و اوریسا) پراکنده می‌باشد. معمولاً در خورها، رودخانه‌های جزر و مدی و دریاچه‌های آب لب شور زندگی می‌کنند. در ایران، در خلیج فارس و دریای

عمان یافت می‌شود. به وسیلهٔ تورهای کیسه‌ای، پایه چوبی، تور پیاله‌ای ، و نیز قلاب و ریسمان در دهانهٔ رودخانه‌های جزر و مدی صید می‌گردد.



گربه‌ماهی باله نخی *Arius arius*

thread fin trevally ماهی گیش گوژپشت، پاپیل، مقوا، شینگ با نام علمی *Alectis ridicus*

three lined tongue sole کفشک زبان‌گاوی سه خطی

three - spined stickleback ماهی سه خاره با نام علمی *Gasterosteus aculeatus*

thresher shark ماهی مشک (چابهار)، گونه‌ای با نام علمی *Alopias vulpinus* که حداکثر طول آن ۵۰۰ تا ۶۰۹ سانتیمتر و حداقل ۴۳۰ تا ۴۹۰ سانتیمتر است. از ماهیهای کوچک گله‌ای مانند ماکرل، ساردین، ماهیان سوزنی تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، از آفریقای جنوبی، تانزانیا، سومالی، خلیج فارس، مالدیو، مجمع‌الجزایر چاگوس، خلیج عدن، هند و سریلانکا وجود دارد. بطور گسترده در آتلانتیک، اقیانوس هند و اقیانوس آرام وجود دارد. ساکن آبهای معتدل تا منطقه استوایی است. کوسه‌ای اقیانوسی و ساحلی می‌باشد. جوانترها اغلب نزدیک سواحل و در خلیجهای کم عمق یافت می‌شوند. ماهی زنده زا است، تعداد نوزادان ۲ تا ۴ عدد و اندازهٔ آنها هنگام تولد ۱۲۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر می‌باشد. در آبهای ایران، در بخش جنوب شرقی خلیج فارس وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ رشته قلابهای طویل سطحی انجام می‌شود.

threshold dose دوز آستانه، حد قابل تحریک

thriobarbituric acid value (TBA) ارزش اسید تریوباربی توریک

thryssa ماهی کووا، آنشوا

***Thryssa vitrirostris* = orange mouth**

thumb print monocle bream ماهی سیم، گونه‌ای از خانوادهٔ دم ریش ماهیان، با نام علمی *Scolopsis bimaculatus* که طول آن ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر است. در سراسر بخش غربی وشمالی اقیانوس هند غربی به انضمام بیشتر سواحل آفریقای جنوبی، دریای سرخ، سواحل پاکستان، هند و سریلانکا وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی، بیشتر در اطراف آبسنگهای مرجانی، روی بسترهای ماسه‌ای دیده می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان وجود دارد. صید آن به وسیلهٔ تور کششی کفی، قلاب دستی، دام و تور گوشگیر انجام می‌گیرد.

thunder currents جریانهای کشندی

***Thunnus albacares* = yellow fin tuna** گیدر

***Thunnus thynnus* = blue fin tuna** ماهی تون باله آبی

***Thunnus tonggol* = longtail tuna** ماهی هوور،

thwart جای پاروزنی در قایق

tick- lipped grey mullet = *Mugil chelo* کفال خاکستری لب کلفت

tidal کشندی، جزر و مدی

tidal bench mark شاخص جزر و مد، شاخصی که بعنوان مبدأ برای بررسی تغییرات ارتفاع سطح جزر و مد در ایستگاه اندازه‌گیری جزر و مد نصب می‌شود و تغییرات ارتفاع نسبت به مأخذ تعیین می‌گردد.

tidal bore = eagre امواج جزر و مدی رودخانه، امواج جزر و مدی رودخانه‌هایی که مصب آنها در مجاورت دریا تنگ می‌شود، تاج موج بارزی دارند. ارتفاع تاج موج متناسب با محل رودخانه و یا قسمتهای مختلف یک رودخانه فرق می‌کند. اشتراک کشندی موج

tidal inlet شاخاب کشندی، جریان آبی که از آب جزر و مد تأمین می‌شود.

tidal marsh مرداب ساحلی، زمین باتلاقی مسطح و پستی که دارای تعدادی آبراهه‌های متقاطع می‌باشد و معمولاً در مد بزرگ دریا، زیر آب می‌رود.

tidal outlet = tidal sluice کشندبر، مجرای کنترل جزر و مد، تأسیساتی که برای کنترل تخلیه آب ساخته می‌شود.

tidal period دوره بین دو مد متوالی

tidal pool حوضچه جزر و مدی

tidal prism منشور جزر و مدی، منشور کشندی حجم کل آبی که در اثر جزر و مد به یک لنگرگاه یا خور وارد و یا خارج می‌شود.

tidal range اختلاف بین ارتفاع آب یک جزر و یک مد، دامنهٔ تغییرات جزر و مد

tidal rise ارتفاع جزر و مد نسبت به سطح مبنای یک نقشه

tidal range کشند رود، رودخانه‌ای که در اثر مد آب بوجود می‌آید.

tidal waves امواج کشندی

tidal weir مشتای جزر ومدی

tide کشند، جزر و مد، بالا و پایین رفتن متناوب سطح آب دریا بر اثر قوهٔ جاذبهٔ ماه و خورشید در روی زمین. اصطلاح جزر و مد را نباید برای حرکت افقی آب بکار برد که این حالت جریان جزر و مدی نامیده می‌شود. جزر و مد یا روزانه است یا نیمروزانه، جزر و مد روزانه، روزی یک مد، و جزر نیمروزانه روزی دو مد دارد. حرکت آب در کرهٔ زمین به نیروی جاذبهٔ اجرام آسمانی، عمق دریا و شکل ساحل و نیروی کوریولیس بستگی دارد.

tide, daily retardation of تأخیر روزانه جزر و مد

tide day روز جزر و مدی، فاصلهٔ زمانی لازم جزر و مد، موج بلندی که در نتیجه تلاطم آب یا حرکت مد ایجاد می‌شود و از دریا وارد مصب رودخانه می‌گردد.

tidal channel ورودی جزر و مدی، کانال جزر و مدی

tidal constant ضریب ثابت جزر و مد که مجموع دو پارامتر ارتفاع موج و زمان مبدأ (یا زمان بین گذر نیمروزی ماه و مد بعدی) است.

tidal correction اصلاح کشندی، اصلاح اثر جزر و مد در مطالعات و یافته‌های مربوط به نیروی جاذبه

tidal current جریان کشندی، جریان جزر و مدی، جریان ناشی از تأثیر نیروی کشش ماه و خورشید بر روی آب دریاها که قسمتی از جریان کلی آب دریاها را که بالا رفتن و پایین آمدن آب یا جزر مد می‌باشد، تشکیل می‌دهد.

tidal current chart نقشه جریانهای کشندی (جزر و مدی)

tidal datum سطح مسطح که با دوره‌ای معین از جزر و مد تعریف می‌شود. سطح مبدأ جزر و مد، سطح مأخذ جزر و مدی که برای مرحلهٔ معینی از جزر و مد مشخص می‌گردد.

tidal day زمان چرخش زمین نسبت به ماه

tidal delta دلتای ساخته شده در دهانهٔ طرف دریای کانال جزر و مدی

tidal flat پهنه جزر و مدی، زمین باتلاقی یا گلی بین محدودهٔ آبهای جزر و مد

tidal flood current کشند سیلاب، جریان جهش مد، جریان ناشی از طغیان آب

tidal flood interval زمان واکنش جهش مدی، زمان بین عبور ماه از مدار یک محل و ایجاد مد بالا در همان محل

tidal flood strength تندی جزر و مد، جریان جزر و مد در زمانی که حداکثر سرعت را دارا می‌باشد.

بین دو مد متوالی در محل معین که زمان متوسط آن ۲۴ ساعت و ۵۱ دقیقه می‌باشد.

tide, diurnal جزر و مد روزانه

tide ebb زمان جزر، زمان فروکش آب

tide gate دریچه جزر و مد، مجرایی است که بطور مصنوعی ساخته می‌شود و از داخل آن آب می‌تواند بطور آزاد در جهت معین جریان پیدا کند و بطور خودکار نیز بسته می‌شود ومانع از جریان آب در جهت دیگر می‌گردد.

tide gauge کشندسنج، جزر و مد سنج، شاخص جزر و مد، وسیله‌ای برای نشان دادن ارتفاع جزر و مد

tide head حد مد، حد بالای اراضی ساحل دریا که در مواقع مد از آب فراگرفته می‌شود ویا اراضی ساحلی که هنگام مد آب آن را فرا می گیرد.

tide island جزیره کشندی، جزیرهٔ مرتبط، جزیره‌ای که توسط پلی ماسه‌ای یا سنگی به خشکی وصل می‌شود.

tide land کشندگیر، زمین مدگیر بزرگ، زمینی که در هنگام مد دریا، آب آنرا فرا می‌گیرد.

tide mark خط کشند، حد جزر و مد، داغ مد، نشانه‌ای از مد دریا که هنگام پایین رفتن از خود باقی می‌گذارد و نشان دهندهٔ رسیدن ارتفاع آب به آن نقطه است.

tide, mixed ۱) زمان مد

۲) جزر و مد آمیخته

tide, neap جزر و مد خفیف

tide pool کشند برکه، برکه جزر و مد، آبی که در اراضی پست، پس از فرود مد، باقی می‌ماند.

tide rip موج کشندی

tide-rising force نیروی کشندآور، نیروی عامل

tide,semidiurnal جزر ومد نیمروزانه

tide, slack آب ساکن

tide, spring جزر و مد شدید

tide station ایستگاه جزر و مد، محلی که در آن تغییرات جزر و مد بررسی می‌شود. در صورتی که در آن بررسیها بطور مداوم و برای چند سال طولانی صورت گیرد، آنرا به نام «ایستگاه اصلی» می نامند.

در صورتی که در دورهٔ کوتاه و برای هدف معینی کار نماید آنرا «ایستگاه فرعی» می‌گویند.

tide tables جداول کشندی، جداولی که ارتفاع و موقع جزر و مد را بطور روزانه پیش بینی می‌نمایند.

tide water level ارتفاع آب در حالت جزر و مد، ارتفاعی که سطح آب در موقع جزر و مد پیدا می‌کند که معمولاً بصورت زیر تقسیم بندی می‌شود:

(HW) سطح بالا - مد، بالاترین ارتفاعی که مد می‌یابد.

(HHW) بالاترین - مد، بالاترین ارتفاعی که مد می‌یابد.

(HLW) جزربالاتر، یکی از دو جزر در یک روز قمری که ارتفاع آن از دیگری بالاتر است .

(LW) جزر، پایین ترین ارتفاعی که جزر پیدا می‌کند.

(LHW) مد پایین تر، یکی از دو مد در یک روز قمری که ارتفاع آن کمتر از دیگری است .

(LLW) پایین ترین جزر، یکی از دو جزر در یک روز قمری که ارتفاع آن از دیگری کمتر است. تنها جزری که در دوره‌ای که مد روزانه است، اتفاق می‌افتد، به نام پایین‌ترین جزر نامیده می‌شود.

(MHHW) متوسط بالاترین مد، متوسط ارتفاع سطح آب مد بالاتر در یک مدت طولانی

(MLW) متوسط جزر، متوسط ارتفاع سطح آب در جزر در مدتی طولانی، وقتی که مد نیم‌روزی یا مختلط باشد، فقط مقادیر جزر حساب می‌شود و در چنین صورتی متوسط جزر با متوسط پایین ترین جزر معادل خواهد بود.

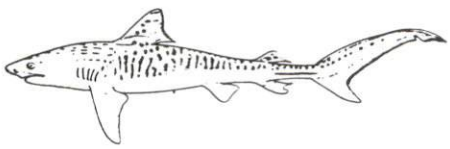
(MLLW) متوسط پایین ترین جزر، متوسط ارتفاع سطح آب در پایین ترین جزر در یک مدت طولانی

tide way کشندگذر، تنگه ساحلی که مد دریا در آن وارد می‌شود و همچنین به عبور سریع مد از تنگه یا رودخانه اطلاق می‌شود.

tide winds بادهای تجارتی، بادهای بسامان

tiger shark کوسهٔ ببری،

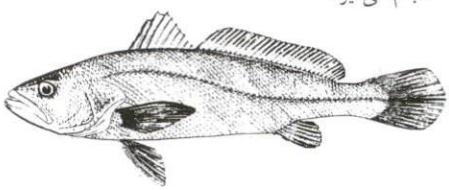
گونه‌ای از خانوادهٔ Carcharhinidae با نام علمی *Galeocerdo cuvieri* که حداکثر طول آن ۶۵۰ تا ۷۴۰ سانتیمتر و معمولاً تا ۴۰۰ سانتیمتر می‌باشد که از انواع ماهیها و جانوران آبزی تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، از آفریقای جنوبی، ماداگاسکار دریای سرخ تا هند و سریلانکا و نیز سیشل، سنت براندن، موریس، تروملین و جزایر اروپا و در مناطق دیگر بصورت گسترده در اقیانوسهای هند، آرام و اطلس وجود دارد. بیشتر در نواحی گرمسیری یافت می‌شود ولی گاهی به آبهای معتدل نیز نفوذ می‌کند. ساکن آبهای ساحلی و آبهای دور از ساحل است . در نزدیک سطح و یا بستر زندگی می‌کند. اغلب در آبهای کم عمق نزدیک ساحل به علاوهٔ مصبهای رودخانه یافت می‌شود. یکی از خطرناک‌ترین گونه‌های کوسه می‌باشد. دارای اندامها و آرواره‌های بلند است . در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن به وسیلهٔ تورهای گوشگیر شناور و کفی و رشته قلابها، همچنین رشته قلابهای سطحی انجام می‌شود.



Galeocerdo cuvieri کوسه ببری

tiger tooth croaker ماهی شوریده،

ماهی موش دندان (بندرعباس)، مشکو (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ شوریده ماهیان با نام علمی *Otolithes ruber* که طول آن ۴۰ تا ۷۰ سانتیمتر است که از ماهی و بی‌مهرگان تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی به جز دریای سرخ، به طرف شرق تا کوئینزلند (استرالیا) و ژاپن، وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی تا اعماق حدود ۴۰ متری است. در آبهای ایران، در دریای عمان و خلیج فارس دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی کفی، گوشگیر و قلاب دستی انجام می‌گیرد.



Otolithes ruber ماهی شوریده

Tigris and Euphrates Rivers

رودهای دجله و فرات، این رودها از کوههای ترکیه سرچشمه می‌گیرند و پس از گذر از عراق به خلیج فارس می‌ریزند.

tilapia = (*Tilapia mossambica*)

گونه‌های مختلف ماهی پرورشی از خانواده Cichlidae (آفریقایی)

tile سفال ناودان یا نیم لولهٔ جمع‌آوری آب باران، لوله‌ای که برای جمع آوری آب باران بکار می‌رود.

tile fish سفال ماهی، زیر گونه‌ای با نام علمی *Lophlatilus chamaeleon ticeps* که از سوف ماهیان است. این ماهی دریازی که بیش از یک متر طول و ۱۵ کیلوگرم وزن دارد، خوراکی است. قسمت بالای این ماهی سبز آبی و قسمت زیرین آن سفید است.

tiller دسته سکان

tiller flat سکان پاشنه

time base پایهٔ زمانی، مبنای زمانی

time-varied gain (TVG)

افزایش در اثر تغییر زمان

Timor Sea دریای تیمور، بخشی از اقیانوس هند بین استرالیا و تیمور

tissue fluids آب بافتی، مایعات خارج شده از دیوارهٔ مویرگها و جمع شده روی سلول، بافت یا عضو

titration عیار سنجی، تیتراسیون، تعیین غلظت یک ماده در یک محلول

TMA مراجعه شود به trimethylamine تری‌متیل آمین

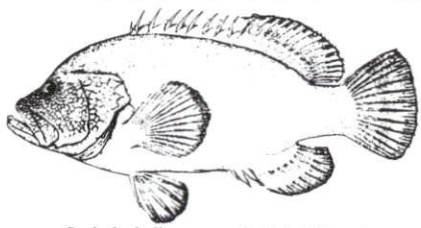
TMAN trimethylamine nitrogen مراجعه شود به

TMO trimethylamine oxide مراجعه شود به

tocopherol ویتامین E، توکوفرول

tom gangen گروه، دسته، مراجعه شود به

tomato hind ماهی چپلر (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Cephalopholis sonnerati* که حداکثر طول آن ۵۷ سانتیمتر است. در اقیانوس هند غربی، به طرف جنوب تا دوربان و نیز در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی تا جزایر مارشال و ساموآ وجود دارد. از خلیج فارس و دریای سرخ گزارش نشده است. گونه‌ای رایج است که نمونه‌های مسن آن تقریباً در آبهای عمق ۱۰۰ تا ۳۰۰ متری دیده می‌شوند. از آبهای ایران، در دریای عمان گزارش شده است. صید آن به وسیلهٔ قلاب و ریسمان، دام و تور گوشگیر انجام می‌شود.



Cephalopholis sonnerati ماهی چپلر (چابهار)

tombolo دیوارهٔ ماسه‌ای یا سنگی بین دو جزیره یا یک جزیره و خشکی

Tonga Trench ترانشهٔ تونگا، فرورفتگی عمیق در بستر اقیانوس آرام جنوب غربی. عمق این ترانشه حدود ۱۱۰۰۰ متر و طول آن ۱۴۰۰ کیلومتر است.

tong fishing تور آزمایشی

tongue sole کفشک ماهی زبان گاوی از خانواده Cynoglossidae

tonnage ظرفیت کشتی (برحسب فوت مکعب)

tonne تن = Ton، هزار کیلوگرم

toothed pony fish ماهی پنجزاری دندان تیز

top line ردیف اول، خط بالایی، رأس، عنوان سردسته

toothed whales وال‌های دندان‌دار، والهای زیر راستهٔ اودونتوسیتی که دندانهای مخروطی دارند. دلفینها، والهای رایت، نارووالها، وال بلوگا، پورپوزها و والهای قاتل از این گروه هستند. این والها با بالنها فرق دارند. بالنها به روش صافی کردن آب، موجودات ریز را می‌بلعند.

top mast دکل فوقانی

top rope طناب بالایی

torch net تور مشعلی

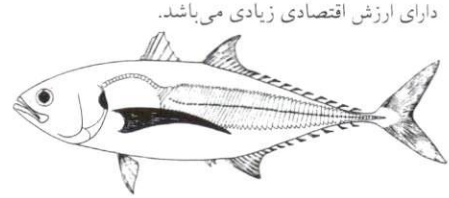
torpedo boat ناوچه اژدر افکن

torpedo fish سفره ماهی برقدار، ماهی غضروفی خویشاوند کوسه، از ردهٔ ماهیان غضروفی. این ماهی پهن بوده و در آبهای سطحی یا عمقی آبهای معتدله و استوایی زندگی می‌کند. اندامهای برق‌ساز در اطراف سر این ماهی وجود دارد. پرتو افشانی اجتماعات این ماهی در اکوسیستمهای مغاکی مشهور است.

Torpedo marmoratus سفره ماهی الکتریکی

Torpedo panthera ماهی آبه نو، نیامه

torpedo scad کتو، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Magalaspis cordyla* که حداکثر طول آن ۸۰ سانتیمتر و بطور معمول ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر و به وزن ۳ تا ۴ کیلوگرم می‌باشد. از سایر ماهیها تغذیه می‌کند. در آبهای اقیانوس هند غربی و نیز در آبهای اقیانوس آرام غربی از ژاپن به طرف استرالیا وجود دارد. گونه‌ای سطح‌زی است که بصورت گله حرکت می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. توسط قلاب و ریسمان، پره، تور کشش، تور پیاله‌ای احاطه‌ای و دام صید می‌گردد و دارای ارزش اقتصادی زیادی می‌باشد.



Magalaspis cordyla کتو

torrent سیلاب، جریان سریع آب

torrymeter توری‌متر، وسیله‌ای برای اندازه‌گیری میزان فساد در ماهی تازه از طریق اندازه‌گیری فاکتور الکتریکی موجود در پوست و عضله ماهی اسم تجارتی آن GR Torrymeter است.

toss your oars پاروها بالا (وضعیت)

total ash خاکستر، خاکستر کل

total bacterial count = TBC

شمارش کلی باکتری، شمارش کل باکتریها مشابه TVC

total basic nitrogen = TBN ازت بازی کل

total length طول کلی، فاصلهٔ نوک پوزه تا بلندترین قسمت بالهٔ دمی

total mortality مرگ و میر کلی، کاهش تعداد یک گروه سنی ماهی از گروه یکساله تا گروههای بعدی، در اثر هر عامل ممکن، حتی گاهی ممکن است این کاهش در اثر مرگ و میر هم نباشد.

total viable count = TVC

شمارش کلی میکروبی، شاخص یا اندیکس، عمومی باکتریها، تخمین کل تعداد باکتریهای زندهٔ موجود در واحد وزن یا واحد سطح نمونهٔ غذایی، پس از رشد و نمو و انکوباسیون در درجهٔ حرارت مشخص، یک شمارش کلی باکتری در ۲۰ درجهٔ سانتی‌گراد شاخص بهداشت و سلامت نمونه است. واژه‌های مشابه عبارتند از:

surface total bacterial count

(شمارش کلی باکتریهای سطحی)

total bacterial count

(شمارش کلی باکتریها)

standard plate

(شمارش بشقاب استاندارد)

total volatile bases = TVB

مجموع بازهای فرار، مجموعهٔ بازهای فرار موجود در ماهی، شاخص سادهٔ فساد ماهی

total volatile basic nitrogen = TVBN

میزان ازت در بازهای فرار موجود در ماهی. یکی از شاخصهای فساد در ماهی که معمولاً برحسب میلی‌گرم در ۱۰۰ گرم از ماهی نشان داده می‌شود. به آن مجموع ازت بازی یا total basic nitrogen هم گفته می‌شود.

total volatile nitrogen = TVN

مراجعه شود به total volatile basic nitrogen

tough سفت، سخت، در مورد گوشت ماهی که هنگام جویدن سفت است، بکار برده می‌شود.

tow یدک کردن، یدک، به دنبال کشتی کشیدن

towage قایق یدک‌کش

towed nets تورهای کشیدنی، انواع تورهای صیادی کشیدنی که آب را غربال می‌کنند و ماهیها را گرفته و درون کیسه خود نگه می‌دارند.

towers کارگران یدک‌کش

towing یدک‌کشی

towing block قرقره تور کشتی

towing bridle حلقه یدک

towing hawser = towrope

سیم یدک، طناب یدک

towing line کابل یدک‌کش

toxaphene توکسافن، نوعی آفت‌کش شیمیایی، یک ترکیب شیمیایی به فرمول $(C_{10}H_{10}Cl_8)$

toxic سمی، کشنده

toxicity سمیت، توان یک ماده در ایجاد مسمومیت

toxigenic سم ساز، قادر به ساختن سم

toxin سم، مادهٔ سمی که بوسیلهٔ یک موجود زنده ایجاد می‌شود.

trace قابل اندازه‌گیری، بسیار کم ولی قابل اندازه‌گیری، ماده‌ای که به مقدار بسیار کم در گوشت ماهی موجود است، ولی امکان اندازه‌گیری آن به روشهای مرسوم وجود ندارد.

trace elements مواد کمیاب، عناصر کمیاب،

برخی عناصر نظیر کبالت که در غلظتهای بسیار کم وجود دارند و برای پدیده‌های زیستی حائز اهمیت هستند.

Trachinotus africanus

پرستو ماهی آفریقایی

Trachinotus baillonii

پرستو ماهی خال کوچک

***Trachinotus blochii* (snubnose pompano - pseudo pomfret)**

ماهی حلوای دروغین، تنگن

Trachinotus indicus

ماهی شب یار

trade winds

بادهایی که بین مدارهای ۳۰ درجهٔ شمال و جنوب خط استوا می‌وزند. جهت آنها در نیمکرهٔ شمالی، شمال شرقی به جنوب غربی و در نیمکرهٔ جنوبی، جنوب شرقی به شمال غربی است.

traditional fisheries

صید سنتی، صیادی سنتی

trail

الیاف چوبی که در انتهای یک بال تور ماهیگیری یا یک تور عمودی قرار می‌گیرند را عمود و باز نگه می‌دارند.

trail - net = trynet

تور آزمایشی

training boat

قایق آموزشی

training wall

دیوار هادی، دیوار یا اسکله عمود بر ساحل، هدایت کننده موج

trammel net

تور گوشگیر سه جداره، مشابه تور گوشگیر معمولی (gill net) که از ۳ لایه درست شده و ماهی درون آن گرفتار می‌شود.

tramp

کشتی‌های آزاد کرایه‌ای

transducer

کاهنده

transform fault

شکستگی جابجایی، گسل دگرگونی، شکستگی در پوسته زمین، بخصوص در پشته‌های میان اقیانوسی، که منجر به جابجایی کوهها یا پشته‌ها می‌شود.

transgression

پیشروی دریا، پس‌روی خشکی

transit

حق العبور، عبور کالا

transition zone

منطقهٔ انتقال، منطقهٔ گذر از یک شرایط یا یک مکان به شرایط و مکان دیگر

translatory wave

موج انتقالی

translucent

نیمه شفاف، دارای قابلیت نورگذری ولی نه شفاف

transmission locked

انتقال بسته

transmission loss

کاهش توان انتقال

transmitter

انتقال دهنده، ارسال کننده

transparency

شفافیت، کیفیت یا شرایطی ویژه که اجازهٔ عبور نور را می‌دهد.

transpiration

تبخیر آب گیاهان، (از دست دادن آب به وسیلهٔ برگ گیاهان سبز)

transplantation

انتقال ماهی از یک منطقه به منطقه دیگر

transpolar drift

جریان قطبی که آب شیرین خیلی سرد قطب شمال را از طریق جریان گرینلند شرقی به اقیانوس اطلس می‌رساند.

transposed hurricane

گردباد دریایی جابجا شده

transverse bulk head

تیغهٔ عرضی

trap

تله، دام، اصطلاحی عام که در برگیرندهٔ روشها و ابزار متعددی است که برای صید ماهی رااسیر می‌کند.

trap line

خط دام، مجموعه‌ای از دامهای توری که تقریباً با فواصل یکسان قرار گرفته‌اند.

trap-net = basket net

تله توری، تور دامی، تور ثابت تله دار، سبد تله دار، یک تور ماهیگیری با دهانهٔ قیفی شکل که درون یک تور بیضی شکل قرار دارد و برای صید ماهی به کار می‌رود.

trap net fishing

صید ماهی با تور ثابت تله‌دار

trapping

دام‌گذاری، تله‌گذاری

trap setter

شناور دام‌گذار، شناور تله‌گذار

trash fish

ماهی بی‌ارزش، ماهی کم ارزش

trash fishing

صید ماهیان کم ارزش، ماهیگیری که نه تفریحی است و نه ارزش تجارتی داد.

trawl

تور کششی، دام یا تور کیسه‌ای که در دریا کشیده می‌شود، تور ترال، کشیدن تور ترال،

کشیدن، تور گونه (بوشهر)، ترال ممکن است مخصوص کف (bottom trawl) یا میان آب (midwater trawl) باشد.

trawler ترالر، شناور و تورکش کشتی ویژه صید با ترال

trawl for shrimp ترال صید میگو، تور ترال جهت صید میگو

trawling صید با تور کیسه‌ای، صید با تور ترال، صید ترال، صید کششی، کشیدن ترال

trawling, aimed صید کنترل شده با تور ترال

trawl line خط تور ترال - خط جل

trawl net تور ترال، تور کششی

treatment of (sewage, waste, etc.) تیمار، تصفیه یا بهسازی (فاضلاب، زباله، هرز آب و ...) با پدیده‌ای که به منظور خالص کردن فاضلاب از زباله‌ها و هرز آبها و نظیر آن صورت می‌گیرد تا حدی که ترکیبات آن سلامتی و رفاه انسان را به خطر نیندازد.

treatment plant تأسیسات بهسازی، تسهیلات تیماری که به منظور سازش زباله‌ها و فاضلابها از طریق پدیده‌های زیستی، شیمیایی و فیزیکی بین یک آبگیر و هرز آبها ایجاد می‌شود.

trematode = fluke کرم پهن، فلوک

tremie-poured concrete بتون ریخته شده در زیر آب

trench گودال، ترانشه، شیار، فرورفتگی عمیق در پوستهٔ زمین بویژه در محل مرز بین پوسته‌ها. در محل ترانشه، یکی از پوسته‌ها به زیر پوستهٔ دیگر می‌رود. این منطقه محل بروز زلزله‌ها است. ترانشه‌های آلوشیان، پورتوریکو، و تونگا از اصلی‌ترین ترانشه‌های جهان هستند.

trevally ماهی گیش

Triachanthus strigilifer ماهی چلیدو

triangle test آزمایش سه سویه، در بررسیهای حسی، گزینش از سه نمونهٔ نا شناخته که دوتای آنها قابل شناسایی و دیگری متفاوت است انجام می‌شود و به آن آزمایش مثلثی هم گفته می‌شود.

Triassic period دورهٔ تریاس، بخشی از دوران دوم زمین شناسی، بعد از دورهٔ پرمین و قبل از دورهٔ ژوراسیک ، حدود ۱۹۰ تا ۲۲۵ میلیون سال پیش بوده است. این دوره را به سه بخش کوچکتر (پایینی، میانی و بالایی) تقسیم می‌کنند. انواع فسیلهای دریایی در رسوبات بخش میانی تریاس دیده شده است. در این زمان فقط خشکی پانگئا وجود داشته است. اقیانوس اطلس در اواخر این دوره بوجود آمده است. دوزیستان، جلبکها، بازدانگان، مرجانها و نرمتنان در این دوره وجود داشتند، ولی به دلیل دمای بالای زمین، آب بسیاری از دریاها تبخیر شد و به همین دلیل فسیلهای دریایی زیادی باقی ماندند.

tributary رود فرعی، رود فرعی که وارد رودخانه اصلی می‌شود، رودی که به یک رود بزرگتر یا به یک دریاچه می‌ریزد.

Trichiuridae = hairtails, cutlass fishes خانوادهٔ یال اسبی‌ها

***Trichiurus muticus* = hair tail** ماهی اسبک، یال اسبی، هسفک، اسفک، ناخوز، هسپ، سالو

trichocyst تریکوسیست، زایده‌ای دفاعی یا هجومی که از بدن بعضی تاژکداران پرتاب می‌شود.

trilobite تریلوبیت، فسیل بندپای دریایی از دورهٔ کامبرین، این موجودات پلانکتون‌خوار یا صافی کنندگان بودند که اندازهٔ آنها به نیم متر هم می‌رسید.

trim توازن، نشست، تفاوت بین آبخور جلو و عقب

trim, to نشست کردن کشتی

trim aft نشست پاشنه

trimethylamine = TMA تری متیل آمین، نوعی باز فرار بدبو که از شکسته شدن اکسیدتری متیل آمین در ماهیهای دریایی در حال فساد حاصل می‌شود. اندازه‌گیری TMA معمولاً از طریق ایجاد نمک پیکرات، و یا از طریق کروماتوگرافی با گاز مایع بعنوان آزمایش شیمیایی برای اندازه‌گیری میزان فساد در ماهی بکار

می‌رود. واژهٔ مشابه آن TMAN است.

trimethylamine nitrogen = TMAN

ازت تری متیل آمین، میزان ازت در تری متیل آمین موجود در ماهی، روش معمول برای اندازه‌گیری میزان فساد در ماهی، اندازه‌گیری ازت تری متیل آمین در ۱۰۰ گرم نمونه است.

trimethylamine oxide = TMAO

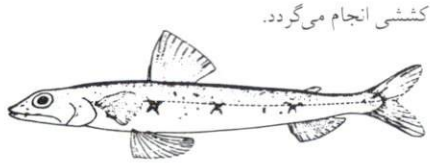
اکسید تری متیل آمین، مادهٔ شیمیایی بدون بو در ترکیب ماهی که در مقادیر مختلف در تمامی ماهیهای دریایی وجود دارد ولی در ماهیهای آب شیرین تقریباً موجود نیست. این ماده در خلال فساد ماهی شکسته شده و به تری متیل آمین تبدیل می‌شود.

trim forward نشست سینه

trim net تور کیسه‌ای که برای صید ماهی سفید و مار ماهی بکار می‌رود. این تور کوچکتر از تور قیفی (stow net) اما شبیه آن است .

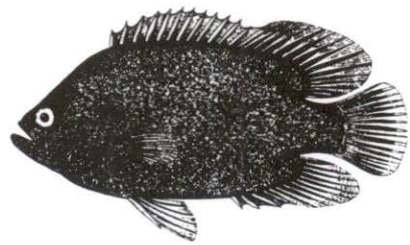
trip یک سفر صیادی، تعداد ماهی صید شده در یکبار ماهیگیری

triplecross lizard fish کریشو، گونه‌ای از خانوادهٔ کریشو ماهیان با نام علمی *Synodus macrops* که طول آن ۱۰ تا ۱۸ سانتیمتر می‌باشد. در شمال اقیانوس هند به انضمام دریای سرخ و در اقیانوس آرام غربی وجود دارد. ظاهراً آبهای عمیق (۳۵ تا ۱۵۰ متری) را ترجیح می‌دهد. از آبهای ایران ، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط تورهای کششی انجام می‌گردد.



کریشو *Synodus macrops*

triple tail ماهی کرت (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ Lobotidae با نام علمی *Lobotes surinamensis* که طول آن ۵۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر است و از سخت‌پوستان و ماهیهای کوچک تغذیه می‌کند. در سرتاسر آبهای گرمسیری و نیمه گرمسیری وجود دارد. ماهی آرام و تنبل ساکن آبهای ساحلی بوده و وارد خورهای گل آلود می‌شود، همچنین، در آبهای دور از ساحل بصورت شناور قرار گرفته و در این حالت به شکل بارزی شبیه برگهای مرده مناطق باتلاقی می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای پره، گوشگیر، دام و قلاب دستی انجام می‌گیرد.



ماهی کرت (چابهار) *Lobotes surinamensis*

triploid تریپلوئید، داشتن سه سری کروموزوم در هر هسته سلول

trochoidal موج چرخکوار، موج نوسانی پیشرونده

troll ماهیگیری با قلاب، قلاب کشیدن، صید با قلاب کششی، صید با یک ریسمان متحرک که معمولاً دارای طعمهٔ متصل به قلابی بویژه در پشت یک قایق است، قرقرهٔ طناب ماهیگیری

troller شناور قلاب کش

trolling صید با قلاب طعمه‌دار در حال کشش با کشتی، قلاب کششی، یکی از چهار روش اصلی ماهیگیری با قلاب که در آن طعمه در پشت یک قایق که حرکت آرامی دارد، کشیده می‌شود.

trolling boom دیرکها و چوبهایی که برای صید ماهی با قلاب در روی کشتی از آنها استفاده می‌شود.

trolling rod چوب ماهیگیری، چوب ماهیگیری قوی برای صید به روش قلاب

trolling spoon مراجعه شود به spoon hook

troll lines قلابهای کششی

troopshil ناو نیروبر

trophic group commensalism همسفرگی گروهی غذایی، گروه آبزیان هم سفره موثر در

تولید غذا در یک آب

trophic level جای یک موجود در چرخه غذایی، سطح تغذیه

trophic state حالت غذایی یک آب، نشان ویژگی یک آبگیر به معنای موقعیتی در محدودهٔ الیگوتروفی (کم غذا) تا یوتروفی (پر غذا)

trophogenic layer لایه غذاساز، لایهٔ آب تولید کننده مواد غذایی، لایه‌ای از آب یک آبگیر که در آن تولید فتوسنتزی مواد آلی بیشتر از تخریب آنهاست.

trophogenic zone منطقه غذاساز

tropholytic layer لایه تجزیه‌کننده غذا، لایهٔ از بین برندهٔ غذا، لایه آب مصرف‌کنندگان مواد غذایی، لایه‌ای ازآب آبگیر که در آن تجزیه و شکستن مواد آلی بیشتر از تولید آنهاست.

tropholytic zone منطقه تجزیه‌کنندهٔ غذا

tropical cyclone گردباد شدید دریایی گرمسیری

tropical fish ماهیان گرمسیری

tropical storm توفان دریایی گرمسیری

tropical tide کشند حاره‌ای، مدی که ماهی دو بار و موقعی که تاخیر انحراف ماکزیمم ماه حداکثر است، رخ می‌دهد.

trot lines رشته قلابهای طویل (آمریکای جنوبی)

trough خط القمر، نشیب موج، ناو آب، کانال کم عرض پرورش ماهی شیار زیر دریایی به شکل U (نه به شکل V)

trough of wave ناویا شیار موج

trout ماهی قزل آلا

trout culture پرورش ماهی قزل آلا

trout farm گارگاه پرورش ماهی قزل آلا

trout feeding تغذیه ماهی قزل آلا

trout fishing صید ماهی قزل آلا

troutlet = troutling بچه ماهی قزل آلا

trout reach = trout region منطقه ماهی قزل آلا

trout rearing پرورش ماهی قزل آلا

trout region منطقه قزل آلا

trout section بخش ماهی قزل آلا، بخش دهانه‌ای یک رودکه جریان آب تندی دارد و بستر آن سنگی است و ویژگی آن ماهیهایی با بدن های استوانه‌ای شکل است (مانند ماهی آزاد، لوچ ، مینو و ...)

trout stream نهر قزل آلا، نهری که قزل آلا در آن زندگی می‌کند.

trout sweetlips ماهی عروس ناخدا، خنو معمولی، گونه‌ای از خانوادهٔ سنگسر ماهیان با نام علمی *Plectorhinchus pictus*که حداکثر طول آن ۶۰ سانتیمتر است. در اقیانوس هند غربی از خلیج فارس به طرف سریلانکا و در مناطق دیگر به طرف شرق تا چین ساکن آبهای ساحلی می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن با قلاب دستی انجام می‌گیرد.

trout zone (reach) منطقه ماهی قزل آلا، مراجعه شود به trout section

true bearing سمت حقیقی

true course مسیر حقیقی

true digestibility = TD هضم واقعی، شاخص ارزش کیفی غذایی پروتئین، که از طریق کنترل غذای جذب شده و دفع گردیده ماهی اندازه‌گیری می‌شود.

trumpeter sillago = *Sillago maculata* ماهی شورت

try net = trial net تور آزمایشی

tryptophan تریپتوفان، نوعی اسید آمینه لازم در گوشت ماهی که با پیشرفت فساد ماهی شکسته شده و به ایندول تبدیل می‌شود.

TSD = thermal stability depth ثبات درجه حرارت - شوری، عمقی از کشتی تحقیقاتی که در آب فرو می‌رود.

tsunami تسونامی، اصطلاحی ژاپنی برای امواج دریایی بعد از زلزله

Tsushima = Tashima Current
جریان تاشیما، جریانی که در اقیانوس آرام غربی از دریای زرد شروع شده و ازطریق تنگه کره به دریای ژاپن می‌ریزد.

TTC Test آزمایش تی تی سی، آزمایش اندازه‌گیری تازگی گوشت صدفها بویژه انواع صدفهای خشن (oyster). در این آزمایش، میزان کلروتری فنیل‌تترازونیوم بعنوان شاخص عمل آنزیمی اندازه‌گیری می‌شود.

tube fishing صید با لوله، صید با تیوب

tube worms کرمهای حلقوی، کرمهای لوله‌ای

tubular trap تله لوله‌ای

tuck - net مراجعه شود به stop seine، تور عمودی ساکن

tug یدک‌کش

tug boat قایق یدک‌کش

tumbler hook قلاب پران

tuna ماهی تون، تونا، ماهی ورزشی - خوراکی از خانوادهٔ اسکامبریده

« جدول انواع مختلف ماهی تون »

نام بومی	نام علمی	طول به متر	وزن به کیلو	زیستگاه
باله آبی	*Thunnus thynnus*	۴ تا ۵	۸۰۰	مدیترانه یا اطلس
آلباکور	*T. alalalunga*	۱	۳۰	آرام
گیدر	*T. albacares*	۲/۵	۲۰۰ به بالا	مناطق استوایی
چشم بزرگ	*T. obesus*	۲/۵	۲۰۰ به بالا	مناطق استوایی
موروسقطی	*Katsuwonus pelamis*	۰/۹۵	۲۲تا۲۴	دریای بالتیک شمال و آرام

tuna long line رشته قلاب، طویل صید ماهی تون

tuna long liner شناور مجهز به رشته قلابهای طویل صید ماهی تون

Tunicata غلافداران، بی‌مهرگانی از زیرشاخهٔ مازه‌داران که پشت مازه (نوتوکورد) آنها در محل دم و بخش خلفی لارو محدود می‌شود. بخش بند بندی پوست میانی را ندارند و پوسته‌ای ترشحی دارند. در این گروه، ۲۰۰۰ گونه وجود دارد که اندازه‌های آنها از یک تا ۳۰۰ میلی‌متر فرق می‌کند. پراکنش جهانی دارند و در انواع زیستگاههای کفی یا سطحی زندگی می‌کنند.

Turbellaria تورکیان، ریز کرمهای پهن آبزی

turbidity کدورت (آب دریا)، حالتی که در آن آب به علت وجود ذرات معلق زلال و روشن نیست، مقدار ذرات کوچک معلق در یک مایع، حالت کلوئیدی آب که معمولاً ناشی از ناخالصی‌هاست. حالت کلوئیدی یک محلول در اثر مواد معلق، گل آلودگی آب

turbidity current جریانهای آشفته، جریانهای گل‌گل آلود، این جریانها بیشتر در محل شیبهای قاره‌ای وجود دارند، جریانهای گل آلود رسوبی که در اثر زلزله‌ها، آتشفشانها و یا رسوبگذاری سریع رودخانه‌ها ایجاد می‌شوند.

turbidity meter کدورت سنج آب

turbulant, sea دریای توفنده، دریای کوبنده، دریای متلاطم و نا آرام

turbulence تلاطم، تور بولانس، اغتشاش آبها در دریا در رابطه با اختلاط آبها؛ طی عمل بر هم زننده، گردابهای متلاطم آبها در جهت های گوناگون به حرکت در می‌آیند. در صورت عدم وجود تلاطم با تزریق رنگ در آب ، رنگ به صورت لایه‌ای حرکت کرده و مسافت بسیار طولانی به صورت لایه نازکی بدون رعایت مسیر معینی در آب باقی می‌ماند. درصورت وجود تلاطم، رنگ سریعاً بطور افقی و عمودی با آبهای همجوار در محل تزریق مخلوط خواهد گردید.

Turkish Plate صفحهٔ پوسته‌ای ترکیه، صفحه‌ای که در محل کوههای قفقاز به زیر صفحهٔ یوراسیا می‌رود.

turnover برگشت، بهم خوردن، فعل انفعالی که در اثر حالت چینه بندی حرارتی آب به هم خورده و درجه حرارت آب در تمامی اعماق یکسان می‌گردد. در فعالیتهای آنزیمی به معنی بازده هم بکار می‌رود.

turtle (sea) لاک پشت دریایی

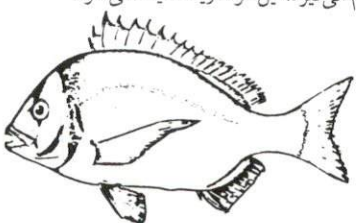
TVBN مراجعه شود به
total voltatile basic nitrogen

tween deck عرشه میانی

tween decker کشتی هایی که بین عرشه‌های اصلی دارای یک عرشهٔ میانی باشند.

twin trawling ترال دو توره، ترال دوقلو

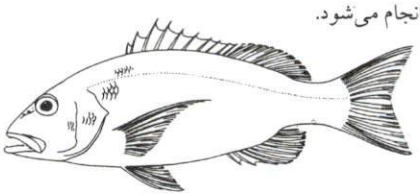
two bar sea bream شانک دونواری،
گونه‌ای از خانوادهٔ شانک ماهیان با نام علمی *Acanthopagrus bifasciatus* که حداکثر طول آن ۵۰ سانتیمتر و بطور معمول ۲۰ تا ۳۵ سانتیمتر است. در آبهای کم عمق ساحلی سراسر منطقهٔ اقیانوس هند غربی به انضمام ماداگاسکار، جزایر موریس و رودریک و به طرف شرق تا آبهای هند و مالایا وجود دارد. وارد خورها و خلیج های کوچک شده و معمولاً در اطراف آبسنگهای مرجانی وجود دارد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط رشته قلابهای طویل، قلاب دستی و تور نرده‌ای و دام انجام می‌گیرد. این گونه زیاد صید نمی‌شود.



Acanthopagrus bifasciatus

two - spot razorfish تیغ ماهی دو خال،
گونه‌ای از خانوادهٔ بچه طوطی ماهیان با نام علمی *Xyrichtys bimaculatus* که حداکثر طول آن ۲۸/۵ سانتیمتر می‌باشد. در دریای سرخ، خلیج فارس و سواحل هند یافت می‌شود. اطلاعات دقیقی از رفتار این نوع ماهی در دست نیست ولی محل زندگی آن احتمالاً در بسترهای شنی باز بوده و در هنگام خطر، سر خود را در شنها فرو می‌برد. در آبهای ایران در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیلهٔ قلاب و ریسمان و گاهی توسط تور کشش انجام می‌گیرد.

two - spot red snapper سرخوی دو خال،
گونه‌ای از خانوادهٔ سرخو ماهیان با نام علمی *Lutjanus bohar* که حداکثر طول آن ۵۰ تا ۷۵ سانتیمتر است و از سخت پوستان و ماهیها تغذیه می‌کند. در سراسر اقیانوس هند غربی، شمال عرض جنوبی ۲۲ درجه و در مناطق دیگر در اقیانوس هند شرقی و غرب آرام مرکزی و به طرف شرق تا پلی‌نزیا وجود دارد. معمولاً ساکن مناطق آبسنگهای مرجانی در آبهای کم عمق است اما گاهی تا عمق ۷۰ متری در مناطق سنگی نیز دیده می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن به طور عمده توسط قلاب دستی و رشته قلابهای طویل کفی در آبسنگهای کم عمق مرجانی و نیز تا عمق ۷۰ متری انجام می‌شود.



Lutjanus bohar سرخوی دو خال

two - walled entangling net
تور گوشگیر دو لایه

two year old fish ماهی دو ساله، ماهی در سنین بین دو تا سه سال پس از خروج از تخم

***Tylosurus crocodilus* = hound fish**
شینگو، خرخور (بزرگ)

typhoon طوفان دریایی استوایی

tyrosine تیروزین، نوعی اسید آمینه
لازم موجود در گوشت ماهی که در اثر آنزیم تیروزیناز، ایجاد ملانین و سایر رنگدانه های قهوه‌ای یا سیاه نموده و باعث تیره‌شدن و تغییر رنگ غذاهای دریایی بویژه دم سخت‌پوستان می‌شود. تیروزین در اثر فعالیتهای باکتریها در حین فساد، از گوشت ماهی و سایر آبزیان جدامی‌گردد.

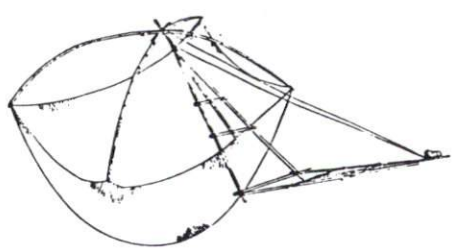
Tyrrhenian Sea دریای تیرانیان، تیرنو،
بخشی سه گوش از مدیترانه بین ایتالیا، جزایر سیسیل و ساردینیا

U

ultraplankton پلانکتونهایی که اندازهٔ سلولهایشان کمتر از ۵ میکرومتر است.

Ulvaceae اولواسه، خانوادهٔ جلبکهای سبز که رشته‌های ماکروسکوپی لوله‌ای یا ورقه‌ای چسبیده به بستر دارند.

umbrella net تور چتری، تور چهارگوشی که از چهار گوشه آویزان شده و هنگامی که ماهی روی آن قرار می‌گیرد به سرعت بالا کشیده می‌شود. مانند تور قیفی عمل می‌کند.



تور چتری

unacceptable غیر قابل قبول، برای ماهی و کالاهای دریایی به فرآورده‌هایی که دارای

U پرچمی بین‌المللی با علامت «در خطر هستیم»

U - boat زیر دریایی آلمانی

UGF مراجعه شود به unidentified growth factor

ugly threatening sky = U آسمان سیاه متراکم

***Ulia mentalis* = cale - cale trevally** ماهی پروو ، مقوا

Ulotrichaceae یولوتریکاسه ، خانواده جلبکهای سبز که رشته‌های پایه‌ای و شناور دارند و سلولهایشان کلروپلاست نواری ، صفحه‌ای یا حاشیه‌ای دارد. جنس یولوتریکس (*Ulotrix*) جنس نمونهٔ این خانواده است.



Ulotrix یولوتریکس

ultra abyssal ماوراء کف، بالای کف

کیفیت نامرغوب هستند و از نظر تازگی و ارزشهای اندازه‌گیری شده در حد قابل قبول نیستند، اطلاق می‌گردد.

under fishing صید کمتر از حد مجاز،
صید کم در آبهایی که ذخایری از آبزیان قابل صید وجود دارند و از آنها به اندازه کافی بهره‌برداری نمی‌گردد. عدم صید کافی از نظر اقتصادی زیان بار است. چون، آبزیانی که صید نمی‌شوند از چرخه غذایی انسان خارج می‌شوند.

under foot زیر سینه، لنگر زیر سینه کشتی

under line جزایر زیر سطح آب،
با خط کشی مشخص کردن

under run جریانهای زیر سطحی،
جریانهای عمقی دریا، امواجی که از ساحل به طرف دریا باز می‌گردند.

undersized fish ماهی زیر اندازهٔ استاندارد

undertow جریان زیرکش،
جریانی رو به دریا در نزدیکی بستر و در ناحیهٔ شیب‌دار کرانه‌ای نزدیک، آب توسط امواج روی ساحل شیبدار بالا برده می‌شود و هنگام بازگشت ، این جریان را می‌سازد. این واژه را اغلب به غلط rip current می‌گویند.

underwater gradient شیب کف دریا

undulation نوسان،
حرکت انتشاری پیوسته‌ای به سوی پس و پیش هرسیال بدون جابجائی همیشگی ذرات

unfed fry نوزاد ماهی تغذیه نشده،
نوزاد ماهی از زمانی که از کیسه زرده تغذیه می‌کند تا وقتی شروع به تغذیه مستقل می‌کند.

unfished ground
منطقه‌ای که در آن صید ماهی انجام نمی‌شود.

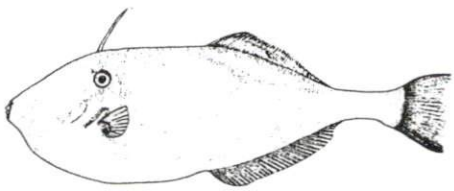
unfit نامناسب، غیر قابل مصرف انسانی،
همچنین به کالاهایی که در طی عمل‌آوری یا توزیع احتمال فاسد شدن آنها وجود دارد اطلاق می‌گردد. به آن condemned هم گفته می‌شود.

ungutted خالی نشده، شکم پر،
ماهی که هنوز امعاء و احشاء آن تخلیه نشده است.

unibranchiate تک آبششی

unicellular موجود تک سلولی، یک سلولی

unicorn leather jacket پمپکا (چابهار)،
گونه‌ای ماهی با نام علمی *Alutera monoceros* که طول آن ۴۰ تا ۵۵ سانتیمتر است و از موجودات کفزی تغذیه می‌کند. در تمام آبهای ساحلی گرم و استوایی کره زمین وجود دارد. ساکن آبهای فلات قاره تا عمق ۵۰ متری می‌باشد. از آبهای ایران ، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بطور عمده توسط تور کششی کفی انجام می‌شود.



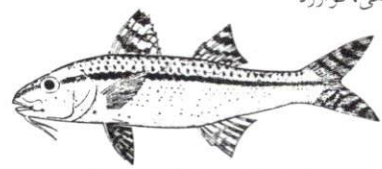
Alutera monoceros

unidentified growth factor = UGF
عامل ناشناخته رشد، افزایش رشد محسوس ماهی پرورشی در اثر کاربرد ماده غذایی در ترکیبی خاص با مواد دیگر. برای مثال کاربرد آرد ماهی در مقایسه با کاربرد آن بصورت ترکیب با مواد غذایی و یا ترکیبات دیگر

union hook قلاب دو حلقه

Unionidae خانواده‌ای از نرم‌تنان دو کفه‌ای آب شیرین از زیر ردهٔ Eulamellibranchia، که لارو

بز ماهی، کوازرد



Upeneus vittatus بز ماهی تیره‌نوار

uplift زیر فشار، فشار آب رو به بالا که به کف یک سازه یا رویه وارد می‌شود.

upper deck عرشه فوقانی

upper pond استخر جلویی در یک مجموعهٔ استخرهای بهم پیوسته، بدین ترتیب، استخر جلویی (بالایی) اولین منبع آب است.

upper reach قسمت علیای رودخانه که ماهی به آن دسترسی می‌یابد.

upper river قسمت علیای رودخانه

uprush = swash هجوم آب به ساحل، یورش موج

upstream به طرف بالای رود، در جهتی مخالف جریان رود

upwelling فراجوشی، بالاروی آب، فراجوشی در آبهای اعماق غنی از نمکهای مغذی، معمولاً در نتیجه وزش بادهای نسبتاً پایدار در ناحیه استوایی و زیر استوایی که در طول سواحل می‌وزند، یا در نتیجه بادهای واگرا در ناحیه استوا پدید می‌آید. فراجوشی پدیده‌ای صرفاً مکانیکی است که از لحاظ زیست شناختی اهمیت بسیار زیادی دارد. این حالت در سواحل غربی خشکیها مشهود است. اگر آب بالارونده سردتر از هوای مجاور باشد، مه ایجاد می‌شود. مانند، سواحل سانفرانسیسکو. اگر آبی که بالا می‌آید دارای مواد مغذی باشد شکوفایی پلانکتونی در سطح ایجاد می‌شود که به نوبه خود باعث تغذیهٔ خوب ماهیان و پرندگان می‌گردد، مانند قطب جنوب و سواحل شیلی و پرو

آنها گلوکیدیوم نامیده می‌شود. این لاروها انگل ماهیان هستند.

uniserial تک ردیفی

univalve نرم‌تن یک کفه، تک کفه‌ای، جانوری که تنها توسط یک صدف یا کفه محافظت می‌شود. مانند صدف *Neopilina*

universal drafting machine خط‌کش ناوبری

unlacked lime اکسید کلسیم بی‌آب، مراجعه شود به آهک زنده (آهک آب ندیده) lime quick

unloading تخلیه بار

unsaturated غیراشباع، اشباع نشده، اسیدهای چرب که ترکیب شیمیایی آنها به گونه‌ای است که می‌تواند با اکسیژن (بویژه، اکسیژن موجود در هوای اطراف خود) ترکیب شده و حالت فساد به خود گیرند.

unseaworthy غیر قابل دریانوردی

unspawned تخم‌ریزی نکرده، ماهی بالغی که تخم‌ریزی نکرده است.

unwater تخلیه کامل آب، خالی کردن آب از یک حوضچه

upcoast ساحل بالا (بسوی شمال)

updrift جهت بالا دست رانش، خلاف جهت رانش

Upeneus asymetricus بزماهی کمرنگ، بچه سنگسر کمرنگ

***Upeneus sulphureus* = yellow goat fish** ماهی قبا زرده، بز ماهی زرد جامه

***Upenus tragula* = darkband goat fish** بز ماهی تیره نوار، کوا زرد

***Upenus vittatus* = yellow striped goat fish**

Uraspis helvola گیش دهان سفید،

urea اوره، مادهٔ سمی حاصله از شکسته شدن پروتئینها در عضلات ماهی که به میزان خیلی کم تولید می‌گردد. مقدار تولید آن زیاد است و پس از مرگ باعث ایجاد آمونیاک و ترکیبات وابسته به آن در گوشت این ماهیان پس از مرگ می‌گردد.

Ursa Major خرس بزرگ، دُب اکبر

Ursa Minor خرس کوچک، دُب اصغر

usable stock ذخیره قابل مصرف (صید) آن مقدار از کل ماهیان موجود در یک منطقه که از نظر قانونی قابل صید می‌باشد.

use - by - date قبل از انقضاء تاریخ مصرف، مصرف شود. مشابه best before date

V

V پرچم بین‌المللی به معنای «کمک»

V = unusual visibility دیدتار، دید غیرطبیعی

vagile واژیل،
به معنی جنبش و خود جنبی است (حس واژیلی حس حرکت می‌باشد)

vagrant benthos موجودات کفزی که در جهات مختلف بستر حرکت می‌کنند.

vail جزر

Valamugil seheli ماهی کفال لکه‌دار، بیاح

valley دره،
یک گودال طویل یا شکافی که کم و بیش بوسیلهٔ تپه‌هایی احاطه شده و معمولاً در کف آن یک نهر یا رود جریان دارد.

valley, sea دره دریایی

valley, submarine دره زیر آبی،
امتداد دره‌ای از خشکی به داخل فلات قاره

van نوک موج

vanishing point نقطه زوال

variability of waves گوناگونی امواج، تنوع امواج

varve لایه رسوب گذاشته شده در
دریاچه در طول یک فصل

vascular plant گیاه آوندی

veen وین، یک اصطلاح هلندی که هم به تورب و هم به زمین توربی گفته می‌شود.

veering تغییر جهت دادن کشتی

veer on power بادوار زنجیر دادن

veer out طناب دادن، بیرون دادن طناب

Vega نسر واقع، کرکس نشسته

vegetative رویشی

vein ۱) رشته جزایر ساحلی،
۲) روده، رودهٔ میگو، اسکامپس و سایر سخت پوستان که در پشت و بالای عضلهٔ دمی و زیر صدف قرار داشته و تا مخرج ادامه دارد، اطلاق می‌گردد. به آن hind gut، intestine gut و weed هم گفته می‌شود.

vela بادبان

veliger پشمالو، اصطلاحی برای لارو نرم‌تنان پس از ایجاد غشای شنا

velocity شدت جریان، سرعت آب،
مسافتی که تودهٔ آب در واحد زمان طی می‌کند.

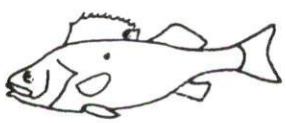
velocity of wave سرعت موج، تندی موج

venomous fishes ماهیان زهرآلود، ماهیان سمی

vent communities اجتماعات روزنه‌ای، اکوسیستمهایی که در مجاورت آتشفشانها و شکافهای کف اقیانوسها ایجاد می‌شوند. مبنای تولید انرژی در این موجودات نور ساخت (فتوسنتز) نیست. این اکوسیستمها در نوع خود بی‌نظیر هستند. زیرا، این موجودات در اعماق حدود ۲۵۰۰ متر و دمای بین ۲۵° تا ۳۵° درجهٔ سانتی‌گراد زندگی می‌کنند. وقتی چاهها، شکافها یا روزنه‌های بستر اقیانوس، اکسیدهای معدنی یا سولفیدها را بیرون ندهند، ویژگی این اجتماعات تغییر می‌کند. باکتریهای گوگردی جزو اجتماعات روزنه‌ای هستند و جمعیتهای کرمهای لوله‌ای، خرچنگهای بزرگ، صدفهای بزرگ، میگو، ماهی و سایر موجودات محیط تاریک کف اقیانوس، برای زیستن به این باکتریها وابسته‌اند.

ventral شکمی، بطنی، مربوط به قسمت زیرین یک حیوان

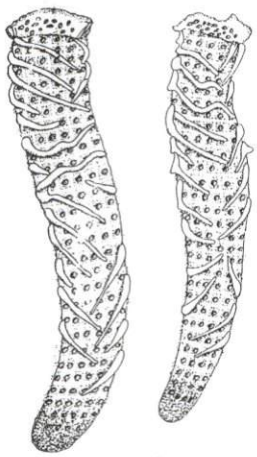
ventral fin باله شکمی



باله شکمی

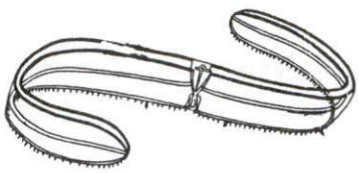
venturi drain لولهٔ خروجی بلندی که وسط یک حوضچه یا تانک قرار دارد.

Venus's flower basket سبد گل ونوس، اسکلت نوعی اسفنج استوایی، نوار لوله‌ای شکل دراز و زیبا به شکل J که توسط جنس *Euplectella* از شاخهٔ اسفنجها ایجاد می‌شود. از اسفنجهای قیمتی است.



سبد گل ونوس

Venus's girdle کمربند ونوس، نوعی حیوان پلاژیک نواری شکل زیبا از شاخهٔ کتنوفوراکه پرتو افشانی می‌کند.

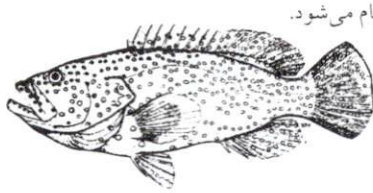


کمربند ونوس

vermiculation علائم کرم مانند، حالت کرم مانندی

vermilion seabass لوتاری (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Cephalopholis miniata* که بیشترین طول آن ۴۰ سانتیمتر می‌باشد. در سراسر اقیانوس هند غربی، بطرف جنوب تا دوربان و بعلاوه دریای سرخ، خلیج فارس و نیز در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی وجود دارد. معمولاً در آبسنگهای مرجانی پراکنده‌اند و بین اعماق ۲ تا ۴۸ متری یافت می‌شوند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شوند.

صید آن توسط قلاب و ریسمان، دام و تور گوشگیر انجام می‌شود.



Cephalopholis miniata لوتاری(جابهار)

vernal = spring بهاری

vernal - automnal آبگیر بهاره ـ پاییزه،

آبگیری که در بهار آب دارد ، در تابستان خشک است و دوباره در پاییز آبدار می‌شود.

vernal equinox = spring equinox

اعتدال بهاری

vernal pond استخر بهاره،

استخری که در بهار، طی یک دوره محدود، بوجود می‌آید.

vertebrate (s) مهره‌دار (مهره‌داران)،

مشتمل بر ماهیان، دوزیستان، خزندگان، پرندگان و پستانداران

vertical distribution گسترش عمودی،

پراکنش عمودی، پخش، جایگزین یا مرتب شدن به طرف بالا یا به طرف پایین (مانند موجودات یک ستون آب یا اطلاعات در یک نمودار و ...)

vertical fins باله‌های عمودی،

نامی که به باله‌های مشخص باله پشتی، مخرجی و دُمی اطلاق می‌شود.

vertical incubator انکوباتور عمودی،

یک وسیله بطری مانند برای پرورش تخم ماهی، بویژه، در اندازه‌های کوچک که آب در آن جریان عمودی دارد.

vertical longlines رشته قلابهای طویل عمودی

vertical migration مهاجرت عمودی،

حرکت شبانه‌روزی عمودی موجودات پلاژیک در ستون آب که در شب از عمق به طرف سطح، و در روز از سطح به عمق صورت می‌گیرد.

vertical mixing اختلاط عمودی،

گردش عمودی توده‌های آب در یک دریاچه که بطور طبیعی در آب و هوای اوائل بهار و اوائل پاییز اتفاق می‌افتد.

very high sea دریای بسیار طوفانی

(ارتفاع موج بیش از ۱۲ متر)

very rough sea دریای طوفانی،

دریای خیلی آشفته

very shallow water آب خیلی کم ژرفا

Vespucci, Amerigo (1454-1512)

امریگو وسپوچی، دریانورد و کاشف فلورانسی که قاره آمریکا به افتخار نام او نامگذاری شده است.

vessel شناور ـ کشتی

viability توانایی زیست، توان زنده ماندن

viable قادر به زندگی، قادر به زندگی و نمو طبیعی

vibert box یک پرورشگاه کوچک درون آب که در زیر شنها مدفون می‌شود.

Vibrio parahaemolyticus

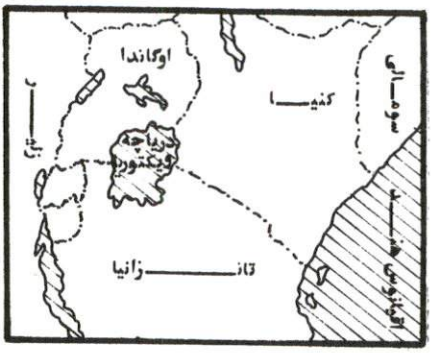
موجود ذره‌بینی دریازی که بصورت طبیعی در برخی ماهیها وجود دارد و باعث ایجاد مسمومیت غذایی، بویژه در معده می‌گردد. سم این انگل براحتی در اثر حرارت از بین می‌رود. انگل در حرارت کمتر از ۸۰ درجه سانتی‌گراد قادر به ادامه حیات است و براحتی در اثر مراقبت و کنترل کیفیت از بین می‌رود. بیماریهای شدید در اثر خوردن ماهی خام، بویژه در ژاپن، ملاحظه گردیده است.

vibrios = *Vibrio sp.* ویبریوها،

میکروبهای مارپیچ متحرک (عامل بیماریهای ماهی)

vice admiral دریابان

Victoria Nyanze, Lake دریاچه ویکتوریا، بزرگترین دریاچهٔ آفریقا، رود نیل از این دریاچه سرچشمه می‌گیرد. این دریاچه، دومین دریاچهٔ بزرگ جهان است.



دریاچه ویکتوریا

victualling allowance جیره روزانه

victualling bill صورت آذوقه کشتی

village pond استخر روستایی، تشکیل یک استخر کوچک مصنوعی یا طبیعی معمولاً در یک روستا که برای محافظت طراحی شده و گاهی از آن برای پرورش ماهی استفاده می‌شود.

villiform مخملی، ظاهر مخمل مانند

viral disease بیماری ویروسی، بیماری ناشی از ویروسها، مانند سیاه شدن عفونی لوزالمعده (IPN) و سیاه شدن عفونی هماتولیتیک (IHN)

viral ethiology سبب شناسی (اتیولوژی) ویروسی

Virgo سنبله

virus ویروس، عامل مولد بیماری که اندازهٔ آن از باکتریهای شناخته شده کوچکتر است. اثر ویروسها در ایجاد مسمومیتهای غذایی نامشخص است ولی، برخی از مسمومیت‌های حاصله از مصرف صدفهای خام به ویروسها نسبت داده می‌شوند.

virus disease = of fish بیماریهای ویروسی ماهی

viscera امعاء

visceral امعائی

viscid eggs تخمهای به هم چسبیده

viscosity چسبندگی

viscosity coefficient ضریب چسبندگی مولکولهای آب یا سیال در حال حرکت که نسبت عکس با دما دارد.

visible rising طلوع مرئی

visible setting غروب مرئی

visual feeder ماهیی که با دیدن غذا آنرا می‌خورد. ماهیی که با استفاده از حس بینائی غذا را پیدا می‌کند.

visual feeding غذایابی با چشم، پیداکردن غذا از طریق دیدن آن

vitality قدرت حیات، شادابی، قدرت ادامهٔ زندگی مستقل دور از شرایط نامساعد

vitamin ویتامین = زندگی بهتر، یک مادهٔ شیمیایی با انواع مختلف که جزو مواد لازم تشکیل دهندهٔ ترکیب غذایی است و در متابولیسم درون سلولی مؤثر است.

vitamin A ویتامین A، یک نوع ویتامین قابل حل در چربیها که به مقدار فراوان در روغن کبد ماهی یافت می‌شود. به این ویتامین رتینول (retinol) هم گفته می‌شود.

vitamin B_1 ویتامین B_1،

نوعی ویتامین قابل حل در آب که به مقدار کم در گوشت ماهی وجود دارد. مقادیر زیادتر آن در تخم و کبد ماهی یافت می‌شود. به این ویتامین آنورین (aneurine)، بیوتین (biotin) و تیامین (thiamine) هم گفته می‌شود.

vitamin B_2 ویتامین B_2،

ویتامین قابل حل در آب که به مقدار کم در عضلات ماهی، و به مقدار بیشتر در تخم و کبد ماهی یافت می‌شود. به آن ریبوفلاوین (riboflavin) هم گفته می‌شود.

vitamin B_6 ویتامین B_6،

ویتامین قابل حل در آب که به مقدار کم در عضلات ماهی یافت می‌شود. به آن پیریدوکسین (pyridoxin) هم گفته می‌شود.

vitamin B_{12} ویتامین B_{12}،

ویتامین قابل حل در آب که به مقدار خیلی کم در عضلات و به مقدار بیشتر در کبد ماهی یافت می‌شود.

vitamin C ویتامین C، اسید آسکوربیک

vitamin D ویتامین D،

ویتامین قابل حل در چربی که یکی از مهمترین مواد تشکیل دهندهٔ غذای انسان است و به مقدار زیاد در چربی کبد و بدن ماهیها غیر از کوسه‌ها یافت می‌شود.

vitamin E ویتامین E،

ویتامین قابل حل در چربی که بصورت ضد اکسیده شدن یا آنتی اکسیدان عمل می‌کند. به آن توکوفرول (tocopherol) هم گفته می‌شود.

vitamin H ویتامین H

vitamin premix مخلوط ویتامینهای مصنوعی

لازم برای اضافه کردن به غذای آبزیان

vitamins ویتامین (ها)،

از دو کلمه vit یعنی زندگی و amine یعنی بهتر ترکیب شده و در مجموع یعنی «کیفیت بخش حیات». مجموعه‌ای از مواد لازم برای تغذیه انسان هستند که در مقادیر بسیار کم اثرات زیادی در سلامت انسان و فعالیتهای سلولی دارند. برخی از ویتامینها ضروری هستند و باید توسط غذای مصرفی تأمین گردند. گوشت ماهیها و سایر آبزیان محتوی تمامی ۱۳ نوع ویتامین‌های ضروری برای انسان می‌باشد.

Vitiac نام کشتی روسی که بین سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۷ برای کشف و نقشه‌نگاری ترانشه‌های اقیانوس آرام فعالیت می‌کرد.

viviparous زنده‌زا، زنده‌آور، زنده گذار

vlei = vley = vly

مرداب یا حوضچه کوچک که معمولاً باز بوده و آب دارد.

void جای خالی،

بخصوص به فضاهای موجود در قطعات منجمد شده ماهی اتلاق می‌گردد که باعث فساد می‌گردد.

volatile acids اسیدهای آلی فرار،

مانند اسید استیک که در ماهی در حال فساد ایجاد شده و قابل استخراج و اندازه‌گیری است. میزان آن شاخص حد فساد در ماهی است.

volatile bases بازهای فرار، قلیاهای فرار،

بازهای فرار بودار مانند آمونیوم، آمین‌های حد پایین و سایر ترکیبات وابسته که در ماهی در حال فساد تولید می‌شوند.

Volatile Reducing Substances = VRS

مواد فرار احیا کننده، مجموعهٔ ترکیبات فرار احیاء کننده که می‌توانند ترکیبات شیمیایی اکسید کننده، مانند،

پرمنگنات پتاسیم، را احیاء کنند. از روی اندازه‌گیری مقدار آنها می‌توان به حد تازگی ماهی پی برد.

volatiles مواد فرار،

موادی که به مقدار خیلی کم در ماهیها وجود دارند و بصورت گاز از ماهی در حال فساد خارج شده و بطور مستقیم بیانگر فساد در ماهی می‌باشند.

volume of lake حجم دریاچه ،

مجموعهٔ حجم آب در هر طبقه‌ای که محاط در طرح بستر آب است.

vomer استخوان میانی جلو کام

که معمولاً دندان می‌سازد.

voracious gulf خلیج جزر و مد دار، خلیج عمیق

vorago خور، خلیج، دریا شاخه

vorticose motions گرداب،

حرکت دورانی موج یا آب دریا

voyage سفر دریایی، مراجعه شود به **VRS**

Volatile reducing substances

vulnerability آسیب پذیری،

واژه‌ای معادل با قابلیت صید که برای بخشهای مختلف ذخایر به‌کار می‌رود. برای مثال قابلیت صید ذخایری که اندازهٔ خاص دارند، یا آنهایی که در یک محدودهٔ خاص آب زندگی می‌کنند.

W

W ۱) پرچمی بین‌المللی به معنای «احتیاج به کمک‌های پزشکی داریم»
۲) شبنم
۳) علامت آبخور زمستانه

Wagener, Alfred Lothar (1880 - 1930) آلفرد وگنر، واضع نظریه حرکت قاره‌ها

wahoo خرگور (چابهار)،



خرگور (چابهار) *Acanthocybium solandri*

گونه‌ای از خانواده شیر ماهیان با نام علمی *Acanthocybium solandri* که طول آن حداکثر ۲۱۱ سانتی‌متر (درون باله‌ای) و وزن آن ۸۳ کیلوگرم می‌باشد. از ماهیان سطحزی و ماهی مرکب تغذیه می‌کند. گونهٔ آبهای گرم با پراکندگی جهانی است، که معمولاً در آبهای خیلی دور از ساحل یافت می‌شود. در منطقه اقیانوس هند غربی، از خلیج آلگوآ و ناتال و آفریقای جنوبی گزارش شده است، همچنین در سراسر ناحیهٔ شرق آفریقا به انضمام ماداگاسکار، موریس، سیشل، خلیج عدن و در طول ساحل غربی هند، در ویزین‌گام و دماغهٔ کومورین و سریلانکا وجود دارد. گونه‌ای است سطحزی که اغلب در آبهای خیلی دور از ساحل صید می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان وجود دارد.

wair سد، سدبندی جهت بالا بردن سطح آب

wair board تخته سد بندی

wake شیار، کف پاشنه کشتی

wale sea دریای کشندی، دریای متلاطم، دریای پر از زلزله

wall دیواره (تور)

walled lake دریاچه‌ای که سنگهای بزرگ همچون دیواری آن را احاطه کرده‌اند، دریاچه دیواره‌دار

walrus والروس، گراز دریایی، پستاندار فوک مانند آبهای قطب شمال که دندانهای عاجی بلند دارد، وزن آن به بیش از ۱۲۰۰ کیلوگرم و طول آن تا ۳ متر می‌باشد.

Walvis Ridge پشته والویس، برجستگی زیر دریایی که از سواحل غربی آفریقا تا اقیانوس اطلس جنوبی ادامه دارد.

wandering of fishes سرگردانی ماهیان،

بویژه در نزدیکی سطح آب. شرایطی که در آن آب در اثر فراوانی جلبکهای پلانکتونی سبز به نظر می‌رسد.

water body آبگیر، اکوسیستم آبی، تودهٔ نسبتاً بزرگی از آب که در درون یک منطقهٔ محدود مثل حوضچه، دریاچه، رودخانه و نظیر آن قرار دارد.

waterborne آبزاد، آب برد

water bugs ساسهای آبی و حشره‌های آبی

water capacity گنجایش نگهداری آب، قدرت نگهداری مقدار مشخص آب

water chestnut = *Trapa natans*

گیاه آبزی، سه‌کوله‌خیز

water circulation چرخه آب، چرخش آب، حرکت آب در یک سیستم بسته یا نیمه بسته

water - collection area حوضچه صید، مراجعه شود (catchment batch area)

water column ستون آب، توده عمودی، استوانه‌ای و محصور آب، ستون آب از سطح تا بستر

water conductivity هدایت الکتریکی آب

water conservation حفاظت آب، نگهداری آب، فعالیتهای پیگیر و توأم با ذخیرهٔ مناسب آب و استفاده معقول از آن

water consumption مصرف آب، مقدار آبی که برای مقاصد مختلف به کار می‌رود.

water content محتوای آب، میزان آب موجود در ماهی یا فرآورده‌های آن، معمولاً بصورت درصد وزن در ماهی درسته بکار می‌رود. به آن میزان رطوبت یا (moisture content) هم گفته می‌شود.

water course مسیر آب، خط جریان آب، یک نهر آب و یا یک کانال مصنوعی، بستر یا کانال یک رودخانه یا نهر

water deficit کمبود آب، کاهش آب، مقدار آبی که برای یک هدف خاص، برداشته می‌شود.

مهاجرت بدون مقصد ماهیها

wane of the moon مُحاق

wardroom اتاق تجمع افسران کشتی، باشگاه افسران ناو

warm - blooded animal جانوران خونگرم

warm water fish ماهیان گرمابی، ماهیانی که می‌توانند درجه حرارت حدود انجماد و بالاتر از ۲۱ درجه سانتی‌گراد را تحمل کنند.

warm - water fish culture پرورش ماهیان گرمآبی

warm waters آبهای گرم

warp ریسمان

warping , or commutation method رسوب‌گیری، روش هدایت کردن آب حاصل از مد دریا به زمینهای پست ساحلی برای ته نشین ساختن مواد معلق آب

warrant officer افسریار

warth کرانه، دریا کنار که پر از ماسه و مخلوط با صدف باشد.

wary موجدار، متلاطم، موّاج

wash موج زایشی

washing تصادم دو موج بزرگ، تصادم امواج

waste ۱) هرز آب، آبهایی که در اثر کارهای مختلف به درجات متفاوتی آلوده شده‌اند.
۲) ضایعات حاصله از عمل‌آوری ماهی

waste water pond استخر فاضلاب، استخر جمع‌آوری آبهای زائد یا هرز آبها

watch نگهبانی، کشیک

water آب

water balance تعادل آب، شرایط تعادل بین عرضه آب (ذخیره آب) و مصرف آن

water ballast آب توازن

water bloom شکوفایی آب (فیتوپلانکتون)، افزایش ناگهانی در میزان فراوانی جلبکهای پلانکتونی

water delivery تحویل آب، تأمین آب

مراجعه شود به water supply

water discharge تخلیه آب

water edge لبه آب، مرز آب و خشکی

waters , enclosed آبهای محصور شده

water exchange تعویض آب، جایگزینی آب، تغییر آب

waterfall آبشار، ریزش کم و بیش عمودی آب از یک ارتفاع

water fleas = Cladocera خاکشی‌ها،

سخت پوستان کوچک آب شیرین از جنس *Daphnia* که در سطح آب حرکت می‌کنند و می‌جهند، پشه‌های آبی، آنتن منشعب‌ها

water fowl پرنده شناگر،

پرنده‌ای که روی آب یا حوالی آن زندگی می‌کند، پرندگانی که تنها به این روش جمع‌آوری می‌شوند.

water gate دروازهٔ آب، دریچه آب،

دریچهٔ سد، دریچه‌ای برای محدودکردن یا آزادکردن آب

water hardness سختی آب

water haul گودال آب،

گودال یا حفرهٔ خالی برای ماهیگیری با تور

water, impounded آبهای سدبندی شده، مهار شده

watering - place محلی در یک آبگیر که جانوران برای آب خوردن به آنجا می‌آیند یا آنها را می‌آورند

water inlet ورودی آب

water intake جای آبگیری، محل برداشت آب

water lentil عدسک آبی، مرجمک، گیاه اردک

water lettuce = *Pistia* کاهوی آبی

water level ارتفاع سطح آب،

سطح افقی آب ساکن، وضعیت و موقعیت سطح آب

water lily لاله مردابی، لاله آبی

تقریباً تمام گیاهان شناور با گلهای جذاب بخصوص اعضای خانوادهٔ نیلوفر آبی (Nymphaceae)

waterline خط آبخور، خط ساحلی دریا،

خط آبخور کشتی، خط آب

water management مدیریت آب،

مدیریت بهره‌برداری از آب، مدیریت سرزمین و منابع طبیعی آب به گونه‌ای که استفاده همزمان از منابع آبی بیشترین نفع را برای همه استفاده کننده‌ها در برداشته باشد. میراب گری

water marking (in Salmonidae)

بیماری کبد (آزاد ماهیان)

water mass توده آبی

water microbiology میکروبیولوژی آب،

زیست شناسی ریز موجودات آب

water milfoil = *Myriophyllum sp.*

گیاه آبزی، هزار برگ

water mill آسیاب آبی، آسیابی که با آب می‌چرخد

water needs نیازهای آبی، میزان آب مورد نیاز،

مقدار کلی آب لازم برای بر طرف کردن یک نیاز خاص

water plants = aquatic plants گیاهان آبی،

تمام گیاهانی که در محیط آبی میرویند و یا در تماس با محیط آبی هستند.

water pocket بسته آبی، توده‌ای از آب که دارای ابعاد محدود بوده و خواص متفاوت (مثلاً درجه حرارت متفاوت) از توده آبهای پیرامون خود دارد. بسته‌های آبی اغلب دارای حد و مرز مجازی بوده طوری که کلاً یا بخشی از آنها از پیکره آبهای اصلی جدا می‌گردد.

water point ایستگاه آب رسانی

water pollution آلودگی آب،

از بین رفتن کیفیت مناسب آب و نامناسب شدن بالقوه یا واقعی آن برای منافع انسانی در اثر ورود مواد خارجی

water protection حفاظت آب،

فعالیتهایی که در جهت جلوگیری از تخریب منابع آبی و تأمین کیفیت مناسب آنها انجام می‌شود.

water purification خالص سازی آب، تصفیه آب

water quality کیفیت آب

water resources منابع آب، مقدار کلی آبهای یک منطقه مشخص

water resources development توسعه منابع آب

waters , confined آبهای بی‌حرکت

watershed حوضه آبریز

watershed catchment basin حوضه آبخیز

water shortage کم آبی، کاهش و از بین رفتن آب، مراجعه شود به water deficit

water side کرانه آب، کنار آب، ساحل، ساحل یک آبگیر

water spout گرداب دریایی، آب پرش، گردباد آبی، ستون قیفی شکل چرخان آب که در اثر گردباد از سطح اقیانوس برخاسته می‌شود.

water stage وضعیت آب، ارتفاع سطح آب

waters , stagnant آبهای راکد، بدون جریان

waters , still آبهای ساکن

water stratification چند لایگی آب، لایه لایه شدن آب، بیشتر لایه‌های حرارتی مورد نظر می‌باشد.

water supply تأمین عرضه آب، منبع آب، آب ورودی، مقدار آب قابل دسترس برای مقاصد مختلف. سیستمی برای ذخیره‌سازی و عرضه آب

water supply channel کانال تأمین آب، کانال آبرسانی

water supply system سیستم آبرسانی

water surface سطح آب

water system سیستم آب، شبکه آبی، رودخانه‌ای با ثمام شعباتش که بعنوان یک واحد آبی (هیدرولوژیک) در نظر گرفته می‌شود.

watertight ضد آب، آب ناپذیر

water vegetation رویش گیاهی آب، سبزینه آب، گیاهان عالی آبی، مراجعه شود به water plants

water velocity سرعت جریان آب

water weeds گیاهان هرز آبزی

wave موج، تاجی از آب که در سطح دریا حرکت می‌کند. دو نوع موج وجود دارد : موجهای کوچک که ارتفاع آنها برابر بوده و به فاصله دو سانتی‌متر از هم جریان دارند و موجهای بلند یا موجهای گرانشی. موجهای بلند بر دو نوع می‌باشند :

۱) موجهای آب سطحی

۲) موجهای آب عمیق

اجزای آب موجهای آب سطحی در جهت افقی جلو و عقب می‌روند. تاج یا طاق موج آب سطحی، تجمع اجزای آب و شیار یا ناو موج جمعیتهای کمتر اجزا هستند. یک موج ساده سطحی توده‌ای از آب است که جلو می‌رود و همان مقدار آب بازمی‌گردد. اگر چه آبهای پیش و پس موج در ظاهر ساکن هستند، آب به جلو حرکت می‌کند. وقتی به ساحل بنگرید امواج پی در پی زیادی را می‌بینید. سرعت این امواج در آبهای سطحی کاهش می‌یابد. چون سرعت جهت حرکت (رفت) موج سریعتر از سرعت جهت بازگشت آن است. تاج موجها روی هم جمع شده و موج شکست (breaker) را می‌سازند که همان انتقال آب کفدار به ساحل است. امواج آب عمیق در اثر طوفانها ایجاد می‌شوند و تاج موجها می‌توانند کیلومترها از هم فاصله داشته باشند. نظرهای متناقضی برای چگونگی تبدیل امواج کوتاه به امواج بلند وجود دارد. سرعت امواجی که در اثر طوفان ایجاد می‌شوند حدود ۸۰ درصد سرعت امواجی است که توسط باد به وجود می‌آیند. بنابراین، امواج بلندی که از وسط طوفان حرکت می‌کنند سرعتی بیش از سرعت امواج سطحی دارند، و همین طغیان شدید است که پیش‌بینی طوفان را ممکن می‌سازد.

با اندازه‌گیری زمان بین حرکت تاج امواج می‌توان پیش بینی کرد که طوفان از کجا شروع شده است. این حالت در سواحل خیلی مهم است، چون طوفانهای شدید در دریا و یا فعالیتهای زلزله‌ای زیر دریا امواج آب عمیق را

ایجاد می‌کند. آب عمقی با سرعت به حرکت درمی‌آید، ولی آب سطحی تغییر جزیی می‌یابد. انرژی زیادی برای حرکت جانبی آب عمقی مصرف می‌شود. این انرژی با برخوردکردن به ساحل، در آبهای سطحی از بین می‌رود. نتیجهٔ این برخورد افزایش سریع سطح آب دریاست. بادها بر آب می‌وزند و بر وخامت اوضاع می‌افزایند. در مناطق ساحلی به تناسب ارتفاع از سطح دریا، سیلابهای مختلفی اتفاق می‌افتند.

wave, capillary موج کشش سطحی

wave celerity سرعت موج

wave crest ستیغ موج، تاج موج، طاق موج، سر موج

wave - cut platform سکوی ایجاد شده در اثر فعالیت امواج

wave, cycloidal موج چرخدستی، موج چرخه‌ای

wave decay فروپاشی موج

wave direction جهت موج

wave forecasting پیش بینی حرکت امواج، با استفاده از یافته‌های هواشناسی، پیش بینی موج

wave generation تشکیل موج

wave gravity موج گرانشی، موج ثقلی

wave group موج گروه

wave height ارتفاع موج، فاصله عمودی بین تاج موج و شیار موج قبلی یا بعدی

wave height coefficient ضریب ارتفاع موج

wave, irrotational موج غیر چرخشی

wave length طول موج

wave of translation موج انتقالی، موجی که در آن ذره‌های آب در امتداد حرکت موج پیوسته به مقدار قابل توجهی جابجا می‌شوند.

wave, oscillatory موج نوسانی

wave period دوره موج، مدت زمان گذشت دو تاج موج پی در پی از یک نقطه ثابت

wave, progressive موج پیشرونده

wave propagation انتشار موج، گسترش موج

wave, reflected موج باز تابیده، موج بازگشته

wave refraction پیچش موج

wave sinusoidal موج سینوسی

wave, solitary موج منفرد

wave spectrum طیف موج، همانند طیفهای شناخته شدهٔ نور، مفهومی محسوس است. بطور طبیعی در دریا امواج با پریودهای مختلف بطور همزمان دیده می‌شوند. در مطالعات موج اقیانوسی، یک نمودار، جدول یا مطالعه ریاضی که توزیع انرژی موج را به گونهٔ تابعی از تواتر موج نشان می‌دهد. این طیف ممکن است بر اساس مشاهدات یا ملاحظات نظری باشد.

wave, standing موج ایستا

wave steepness شیب موج، نسبت ارتفاع موج به طول آن

wave trains امواج متوالی در حال حرکت

wave, trochoidal موج چرخک وار

wave trough پای موج، قعر موج، شیار موج

wave variability تنوع پذیری امواج، گوناگونی امواج، تغییر پذیری امواج

wave velocity سرعت موج

wave, wind موج ناشی از باد

weather آب و هوا، شرایط آب و هوایی حاصل از اثر ترکیبی ابرها، بارش، دما، رطوبت، شفافیت (فاصله دید)، سرعت باد و فشارهوا. بررسی هوا معمولاً به دو صورت جغرافیایی (جهانی، منطقه‌ای یا محلی) و زمانی (دراز مدت یا کوتاه مدت) انجام می‌شود.

weather helm سکان سمت باد

weather side سمت بادگیر

Weddell Current جریان ودل، جریان آب سطحی ساحلی در قطب جنوب که از دریای

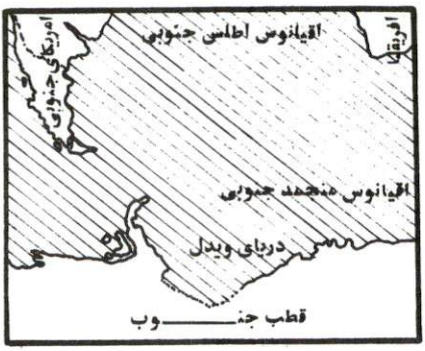
وِدل به طرف شرق جاری است.

Weddell Jones (1787-1834)

جیمز ودل، دریانورد و تاجر انگلیسی که تا مدار ۱۵ °۷۴ قطب جنوب سفر کرد.

Weddell Sea دریای ودل،

جنوبی‌ترین بخش اقیانوس اطلس، بیشتر آبهای عمقی قطب جنوب از این دریا است. آب آن معمولاً یخ زده است و دمای ۱- درجه سانتی‌گراد و شوری ۳/۴۱ درصد دارد.



دریای وِدِل

weed = vein ۱) روده سخت پوستان

۲) گیاهان آبی، گیاهانی که بطور وحشی در آبهای شیرین یا شور رشد می‌کند، مانند نی

weed control کنترل گیاهان آبزی

weed cutter نی‌بُر،

قایقی که در جلوی آن تیغه‌های شعاعی بُرنده یا دیگر وسایل بُرنده تعبیه شده و با یک موتورکار می‌کند.

weed cutting launch

قایق ویژه قطع گیاهان آبزی

weed fish یک گونه ماهی ناخواسته

(در شرایط مشخص)، هرز ماهی

weed hook چنگه علف، ابزاری منحنی برای

به کنار کشیدن (کنار زدن) گیاهان آبی

weed infestation استیلای گیاهان آبزی

بهم خوردن تعادل گیاهی در یک محیط آبی

weed - killer علف کش، یک محصول شیمیایی

(و معمولاً سمی) برای از بین بردن علفهای آبی که به ویژه در استخرهای کشت و پرورش ماهی به کار می‌رود.

weeds, aquatic گیاهان آبزی

weeds, floating گیاهان شناور

(با برگهای روی سطح آب)

weeds, invasion by گسترش همه‌گیر گیاهان آبزی

weedy بدبو، در مورد ماهیها،

به آنهایی که ذاتاً دارای بوی نامناسب در برخی از فصول و در مناطق خاص هستند اطلاق می‌گردد. واژه دیگر stinker است.

weedy cod = blackberry cod

weedy water آبگیر یا مکانی که با گیاهان

آبزی پوشیده شده است.

weight بالاکشیدن لنگر

weight length relationship

رابطه وزن و طول، رابطه بین وزن و طول ماهیهای منفرد که معمولاً به شکل یک منحنی نمایی است و برای گونه‌های مختلف و گاه حتی برای ذخایر مختلف که دارای گونه‌های ماهی یکسانی هستند نیز متفاوت است.

weight loss کاهش وزن، کاهش وزن ماهی در

اثر شرایط نامساعد، بیماری و نظیر آن

weight of catch وزن صید

weight of recrutment وزن به هنگام ورود به

به ذخایر قابل صید، وزن ماهی که تازه به ذخایر قابل صید وارد شده است.

weir مشتا، میلان (با حجره سرپوشیده)،

دام ثابت ماهی که به صورت یک سد در مقابل حرکت ماهی عمل می‌کند و آنرا به طرف جای خاصی هدایت می‌کند، سد یا مانعی برای بالا بردن سطح آب به منظورهای مختلف

weir jetty اسکله سر ریز، بارانداز سرریز

weir, river سد رودخانه جهت بالا بردن سطح آب یا صید ماهی

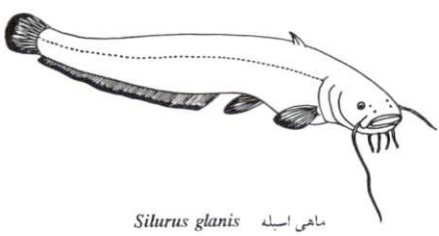
well چاه، چشمه، فضای باز روی عرشه، یک چشمهٔ آب، بخشی از یک قایق ماهیگیری که دارای آب است و ماهیها در آن زنده می‌مانند.

well - boat قایق ماهیگیری که دارای مخزن آب برای زنده نگه داشتن ماهیهای صید شده است.

well deck عرشهٔ بارگیری، پل بارگیری،

well water آب چاه

wels = sheat fish ماهی اسبله، گربه ماهی، این ماهی که نام علمی آن *Silurus glanis* است مخصوص آبهای زمینهای پست است. وزن آن گاهی تا ۱۰۰ کیلوگرم هم می‌رسد. اسبله متعلق به خانواده Siluridae می‌باشد و در دنیا بیش از ۱۰۰۰ گونه را شامل می‌شود. بدن این ماهی کشیده، فاقد فلس با پوست نرم و لزج است و دهان آن بریدگی عمیقی دارد که در آن دندانهای ریز در ۴ ردیف قرار دارند. اسبله دارای یک جفت زائده حسی بلند و متحرک در طرفین دهان، ورودی آرواره بالائی و ۲ جفت زائده حسی کوتاه در زیر آرواره پائین است. باله پشتی بسیار کوچک، فاقد اشعه سخت و دارای ۳ تا ۵ شعاع باله نرم است. باله مخرجی دارای ۷۷ تا ۹۲ شعاع باله نرم است. از ویژگیهای مهم آن داشتن کیسه شنای بسیار بزرگ است.



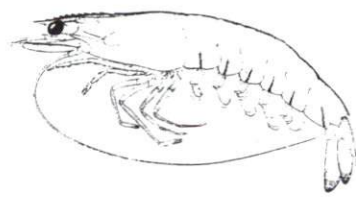
Silurus glanis ماهی اسبله

West Australian Current جریان سطحی استرالیای غربی که از جریان قطب جنوب منشعب شده و بسوی نواحی استوا جاری است.

westbound سمت غرب، به سمت غرب

westerlies بادهای غربی، بادهای نیمکره شمالی و جنوبی بین مدارهای ۳۰ تا ۶۰ درجه که از غرب به شرق می‌وزند. این بادها در مناطق پر فشار زیر استوایی به وجود می‌آیند. دامنهٔ بادهای غربی خیلی وسیع است و ممکن است تا عمق ۱۵ کیلومتری استراتوسفر نفوذ کنند. سرعت این بادها در سطح زمین حدود ۱۰ کیلومتر در ساعت است. چون سرعت باد با افزایش مدار زیاد می‌شود، در نتیجه سرعت آن در ارتفاعات بالای ۱۰۰۰۰ کیلومتر به ۳۰۰ کیلومتر در ساعت هم می‌رسد.

western king prawn میگوی بزرگ غربی، گونه‌ای از خانوادهٔ Penaeidae با نام علمی *Penaeus latisulcatus* که بیشترین طول نرها و ماده‌ها بترتیب ۱۶/۲ و ۲۰/۲ سانتی‌متر می‌باشد. از جنوب و شرق آفریقا به طرف خلیج عمان و خلیج فارس، دریای سرخ، ماداگاسکار، موریس، ریونیون و سیشل و در طول ساحل جنوبی هند و سریلانکا و به سمت شرق از برمه تا کره، ژاپن، گینه نو، استرالیا و فیجی وجود دارد. از خط ساحلی تا عمق حدود ۸۰ متری و بعضی اوقات در آبهای عمقی بر روی بسترهای شنی یا گلی زندگی می‌کند ولی در بیشتر مناطق ترجیحاً بر روی بسترهای شنی وجود دارد. این میگو دارای فعالیت شبانه بوده و در کف دریا در طول روز مخفی می‌ماند و برای غذا در شب خارج می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس دیده می‌شود. صید آن به وسیلهٔ تورهای کششی دردار، دامهای سدی و نیز سایر ابزار صید سنتی انجام می‌شود.



Penaeus latisulcatus میگوی بزرگ غربی

west - flowing currents جریانهای آب سطحی اقیانوسها که در اثر بادهای غربی در مدار ۴۵ درجه هر

دو نیمکره زمین به وجود می‌آیند. گلف استریم جریان غربی اطلس شمالی است. جریانهای برزیل و کیپ هورن در اطلس جنوبی جاری هستند. جریان کوروشیو در بخش شمالی اقیانوس آرام و جریانهای استوایی و استرالیای شرقی در نیمکره جنوبی جاری هستند. در اقیانوس هند به دلیل وجود خشکیها جریان غربی وجود ندارد. جریان آگولهاس نتیجه نهایی جریانهای سطحی غربی در نیمکره جنوبی است.

West Greenland Current

جریان گرینلند غربی که بخشی از جریان گرینلند شرقی است.

West Spitsbergen Current

جریان اشپیتزبرگ غربی که آب اطلس شمالی را به تنگهٔ فرام می‌آورد و به جریان گرینلند شرقی می‌پیوندد.

west wind drift جریان دور قطبی غربی که قارهٔ قطب جنوب را با جهتی شرقی دور می‌زند.

wet dock حوضچه تعمیر

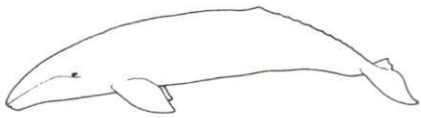
wet fish ماهی غیر منجمد، ماهی تازه، ماهی خنک شده که به اشتباه به آن ماهی تازه (fresh fish) هم گفته می‌شود.

wet fish trawler ترالر حمل ماهی تازه

wet - fly روشی برای ماهیگیری با حشراتی که در آب انداخته می‌شوند.

wet weight وزن تر

whale وال، بالن، پستاندار دریایی بزرگ از راستهٔ سیتاسئا. ده گونهٔ فسیل و تعدادی گونهٔ زنده از والها شناخته شده است. بعضی از گونه‌های زنده در حال انقراض هستند. دندانهای نهنگ دنداندار مشابه هستند و فقط یک سوراخ بینی در بالای سر آنها وجود دارد. دلفینها، پورپوزها و نارووالها جزو این گروه هستند. در والها، آرواره زیرین که دندانهای ریز زیادی روی آن قرار دارد، دیده می‌شود. نسبت سر به بقیهٔ بدن این والها بزرگتر است. وال گوژپشت، رایت و خاکستری جزو این گروه می‌باشند.



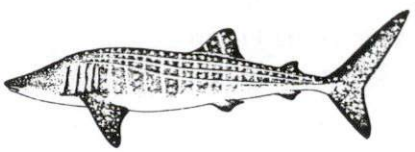
وال خاکستری

whale bone استخوان وال که معمولاً از آن برای ساختن کارهای هنری، زینتی و گاهی کرست‌های مخصوص و غیره استفاده می‌شود.

whale oil روغن وال، روغن بالن

whaler کشتی نهنگ گیری

whale shark وال کوسه، آرمنگرا (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ Rhiniodontidae با نام علمی *Rhiniodont typus* که حداقل طول آن ۱۲ متر و حداکثر تا ۲۱/۴ متر می‌رسد. از سخت پوستان شناور کوچک، ماهیان گله‌ای مانند ساردین موتو، و هشت پاها تغذیه می‌کند. از آفریقای جنوبی، موزامبیک و ماداگاسکار تا دریای سرخ و خلیج فارس، پاکستان، هند و سریلانکا، همچنین سیشل و موریس، و در اطراف ناحیهٔ گرمسیری اقیانوس هند شرقی و آرام و اقیانوس اطلس وجود دارد. این گونه بزرگ شناور بصورت انفرادی یا گله‌ای اغلب در نزدیک سطح یا ساحل یا دریاهای باز ظاهر می‌شود. این جانور، گونه‌ای بی‌آزار بوده و به صیادان حمله نمی‌کند. تخمگذار است و تخمهای بسیار بزرگ زیادی به اندازه توپ فوتبال می‌گذارد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر شناور و گاهی تورهای کششی انجام می‌شود.



وال کوسه، آرمنگرا (چابهار) *Rhiniodont typus*

whaling صید وال

wharehouse انبار

wharf بارانداز، ساحل، کرانه

wharinger متصدی اسکله

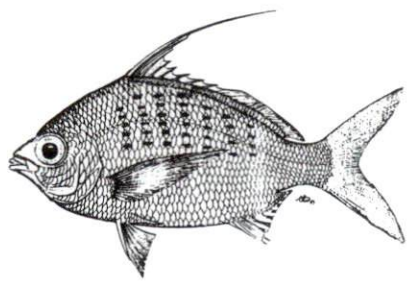
wheel سکان

wheel house اتاق سکان، اتاق فرمان

whelk ویلک، حلزون تک صدفی بزرگ دریایی از خانوادهٔ بوسینیده

whip fin majarra خرگوش ماهی

whipfin silver خرگوش ماهی، چغرق (چابهار)، چغور (بندرعباس - جاسک)، گونه‌ای از خانواده خرگوش ماهیان (بت ماهیان، چاشره‌ها) با نام علمی *Gerres filamentosus* که طول آن ۱۵ تا ۲۵ سانتی‌متر است و از موجودات ریزکفزی موجود در بسترهای گلی و شنی تغذیه می‌کند. در تمام دریاهای گرم اقیانوس هند و آرام، از ساحل شرقی آفریقا تا سراسر مجمع‌الجزایر هند و مالایا، دریای چین جنوبی و شمال استرالیا و جزایر اقیانوس آرام غربی وجود دارد. در آبهای ساحلی کم عمق حداقل تا عمق ۵۰ متر و در بسترهای شنی و مناطق مرجانی زندگی می‌کند. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای ساحلی گردان و تورهای کششی کفی در آبهای نزدیک ساحل انجام می‌گیرد.

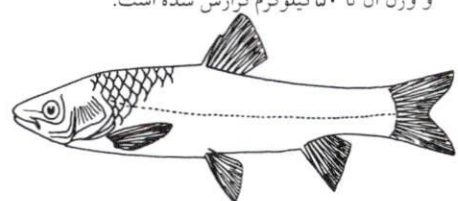


خرگوش ماهی، چغرق (چابهار)، چغور (بندرعباس)

Gerres filamentosus

white amur = grass carp کپور علفخوار، آمور سفید، ماهی از خانواده کپور ماهیان با نام علمی *Ctenopharyngodon idella* که بومی رودخانه آمور چین و برخی دیگر از رودخانه‌های این کشور است، معروفترین ماهی گیاهخوار می‌باشد که در چند دهه اخیر جزء ماهیان پرورشی درآمده است. اولین بار این ماهی در تابستان سال ۱۳۴۵ برای مبارزه با رویش نامتعادل گیاهان آبزی مرداب انزلی از شوروی به ایران آورده شد.

ماهی آمور دارای بدنی کشیده، سر پهن و پوزه نسبتاً گرد است، آرواره فوقانی آن کمی بلندتر از آرواره تحتانی است، فلسهای نسبتاً درشت آن دارای رنگ سبز روشن است، باله پشتی دارای ۳ شعاع سخت و ۷ شعاع نرم است، باله مخرجی دارای ۳ شعاع سخت و ۸ شعاع نرم است. روی خط جانبی آن ۴۳ تا ۴۵ فلس قرار دارد. بدن فاقد فشردگی در طرفین است. طول آن تا ۱۵۰ سانتیمتر و وزن آن تا ۵۰ کیلوگرم گزارش شده است.



کپور علفخوار، کپور سفید *Ctenopharyngodon idella*

white bait طعمه سفید، ماهی کوچک نقره‌ای سفید بخصوص نوزاد ماهی که به عنوان طعمه خورده می‌شود، گونه‌ای ماهی که به قلاب زده می‌شود و بعنوان طعمه برای صید ماهی به کار می‌رود.

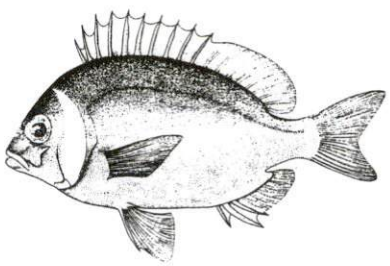
white - blotched grouper هامور دمل سفید، چپلو (چابهار)، گونه‌ای از خانواده هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus multinotatus* که طول آن حداکثر ۱۰۰ سانتی‌متر می‌باشد. در اقیانوس هند غربی از موازمبیک تا پاکستان، بعلاوه سیشل، کومور، الدبرا، ماداگاسکار، موریس و ریونون وجود دارد. ماهیهای مسن در آبهای کم عمق و عمیق یافت می‌شوند. در آبهای ایران، در دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط قلاب و طناب، دام و تورگوشگیر در عمق ۲ تا ۹۰

متری انجام می‌گیرد.

white cap کف سفید رأس موج، سفیدک رأس موج، موج بالا سفید

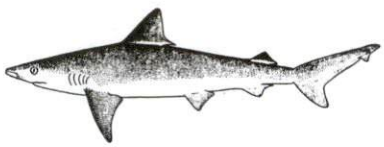
white catfish گربه ماهی سفید آمریکایی

white cheek monocle bream بچه سنگسر پهن، گونه‌ای از خانوادهٔ دم ریش ماهیان با نام علمی *Scolopsis vosmeri* که حداکثر طول آن ۲۰ تا ۲۵ سانتی‌متر است و از موجودات کفزی تغذیه می‌کند. در بیشتر آبهای اقیانوس هند غربی به طرف شرق تا آبهای گرمسیری اقیانوس آرام غربی وجود دارد. ساکن آبهای نزدیک ساحل و بیشتر در اطراف جزایر آبسنگی دیده میشود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن با تورهای کشتی کفی، رشته قلاب و دام در آبهای کم عمق انجام می‌گیرد.



بچه سنگسر پهن *Scolopsis vosmeri*

white - cheek shark کوسه گونه سفید، گونه‌ای از خانوادهٔ Carcharhinidae با نام علمی *Carcharinus dussumieri* که بیشترین طول آن یک متر و یا کمتر است. از ماهیهای کوچک و بی‌مهرگان تغذیه می‌کند. شناخت آن در حال حاضر محدود به قسمتهای شمالی و شرقی اقیانوس هند غربی است. از خلیج عمان و خلیج فارس و به طرف جنوب تا انتهای هند و احتمالاً سریلانکا و از اقیانوس هند شرقی و اقیانوس آرام غربی به طرف شرق تا هائیتی، چین، ژاپن، جاوه و برونئی گزارش شده است. این کوسه به فراوانی در آبهای ساحلی و جزیره‌ای وجود دارد. زنده‌زا می‌باشد. و هر بار بین یک تا ۴ عدد می‌باشد. نوزادان ۳۱ تا ۴۰ سانتی‌متری زاده می‌شود. در آبهای ایران، در دریای عمان و خلیج فارس وجود دارد. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر سرگردان و رشته قلابهای طویل انجام می‌شود.



کوسه گونه سفید *Carcharinus dussumieri*

white fin wolf - herring خارو باله سفید، گونه‌ای از خانوادهٔ خارو ماهیان با نام علمی *Chirocentrus nudus* که حداکثر طول آن ۱۰۰ سانتی‌متر و بطور معمول ۶۰ سانتی‌متر است. از گوشتخواران و احتمالاً از ماهیان کوچک و سخت پوستان تغذیه می‌کند. در سرتاسر اقیانوس هند غربی وجود داشته و اغلب با گونهٔ *C. dorab* اشتباه می‌شود. به سمت شرق تا اقیانوس آرام وجود دارد. در آبهای ساحلی سطحزی است و از ساحل تا عمق حدود ۱۵۰ متری وجود دارد. در آبهای ایران، از خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط دام، تور گوشگیر، تورهای گردان یا احاطه‌ای و تور کششی کم عمق انجام می‌گیرد.



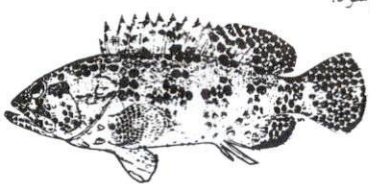
خارو باله سفید *Chirocentrus nudus*

white fish ماهی سفید، ماهیان سفید گوشت، به ماهیان سفید خانواده Coregonidae هم گفته می‌شود.

white fish meal آرد ماهی سفید، آرد ماهی تهیه شده از ماهیهای سفید درسته یا زوائد آنها که بیشتر از ۶ درصد چربی و بیشتراز ۴ درصد نمک دارد.

white naped ماهی نمک سود دو نیمه شده یا بریده

دام در آبسنگهای مرجانی تا عمق ۳۰ متری انجام می‌شود.

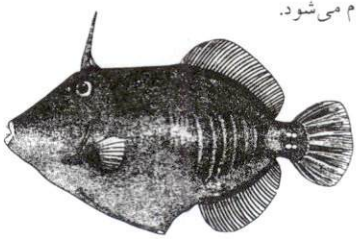


هامور خال سفید *Epinephelus hexagonatus*

white spot لکه سفید،

حاصله از بلورهای نمک که معمولاً از بلورهای نمک دی‌سدیم هیدروژن فسفات (Na_2HPO_4) بخصوص در مواقعی که کالای عمل‌آوری شده در محلهای خیلی خشک نگهداری شود، حاصل می‌گردد.

white spotted filefish سوهان ماهی خال سفید، گونه‌ای از خانوادهٔ Monacanthidae با نام علمی *Cantherhines dumerili* که طول آن ۲۵ تا ۳۸ سانتی‌متر است و از موجودات کفزی تغذیه می‌کند. در اکثر نقاط اقیانوس هند غربی وجود دارد ولی تاکنون از خلیج فارس و سواحل پاکستان، هند و سریلانکا گزارش نشده است. ساکن آبهای ساحلی کم عمق آبسنگهای مرجانی است. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بطور عمده بوسیلهٔ قلاب دستی و دام انجام می‌شود.

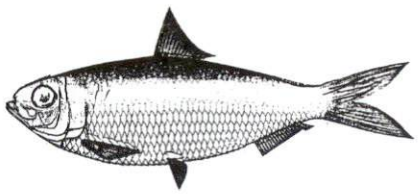


سوهان ماهی خال سفید *Cantherhines dumerili*

white - spotted grouper هامور منقوط سفید، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Einephelus caeruleopunctatus* که حداکثر طول آن ۵۵ سانتی‌متر می‌باشد. بطور گسترده در اقیانوس هند غربی به جز خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و به

که پرده سیاهرنگ روی لایهٔ شکمی گوشت آن برداشته شده است.

white sardinella ساردین سفید، ساردینلای سفید، حشینه سفید، گونه‌ای از خانوادهٔ ساردین ماهیان با نام علمی *Sardinella albella* که طول آن ۱۰ تا ۱۴ سانتی‌متر است. در اکثر نقاط اقیانوس هند غربی، همچنین به طرف شرق تا تایوان، پاپوا، گینه‌نو، سواحل شمال شرقی و غربی استرالیا وجود دارد. گونه‌ای است سطحزی که در آبهای ساحلی بسیار معمول بوده و اغلب با گونهٔ *S. gibbose* که شبیه آن است یافت می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط تورهای گردان، گوشگیر، بالاکش و کششی در آبهای سطحی انجام می‌گیرد.



ساردین سفید *Sardinella albella*

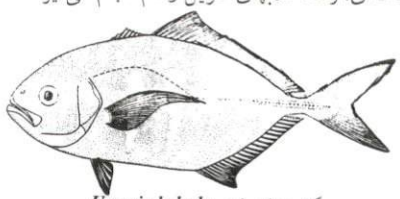
White Sea دریای سفید،

بخشی از دریای بارنتز در جنوب شبه جزیرهٔ کولا در روسیه، شوری آب این دریا بین ۲/۴ تا ۲/۶ درصد است.

white shrimp میگوی سفید با نام علمی *Penaeus aztecus*

white - specked grouper هامور خال سفید، ناجو (چابهار)، گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Epinephelus hexagonatus* که حداکثر طول آن ۲۵ سانتی‌متر می‌باشد. در منطقهٔ استوایی اقیانوس هند غربی از موزامبیک تا سریلانکا (به استثنای خلیج فارس و دریای سرخ) وجود دارد. در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی و به طرف شرق تا جزایر مارشال و شمال ژاپن وجود دارد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده میشود. صید آن توسط قلاب و طناب

گرمسیری، و در آبهای جزیره‌ای و اقلیمی وجود دارد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن به وسیلهٔ تور کششی کفی، گردان یا احاطه‌ای، رشته قلابهای طویل و دام انجام می‌گیرد.



گیش دهان سفید *Uraspis helvola*

white water آب کف آلود، آب کاملاً سفید

whiting ماهی شورت، ماهی خوراکی دریایی، وایتینگ،

whole fish ۱) ماهی درسته شکم خالی نشده ۲) ماهی درسته یا شکم خالی در مواردی که با قسمتی از ماهی مثل فیله‌های آن سر و کار داشته باشیم.

wholesome ماهی سالم، قابل خوردن و غیرآلوده، فاقد مواد بیماریزا یا خطرناک، این واژه ارتباطی با تازگی ماهی ندارد

Wicker trap دامی برای صید ماهی بویژه مارماهیها و خرچنگهای آب شیرین

wiggly دریای طوفانی

Wij's test آزمایش تعیین ارزش یُد

wild spawning واژه‌ای عمومی که در کشت و پرورش ماهی اشاره به تخمریزی کنترل نشده دارد.

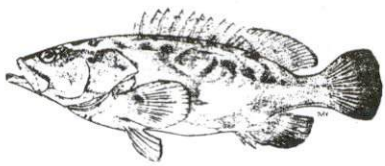
wild species گونه‌های وحشی

wimple ریز موج

winch دوار، دریچه انبار

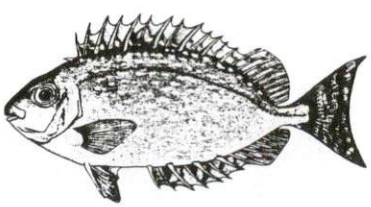
winch driver = winch operator متصدی دوّار

wind باد، جریان نسبی هوا در سطح خشکی یا دریا بادها بر دو نوع هستند: عمومی و محلی. بادهای قطبی شرقی و غربی جزو بادهای عمومی می‌باشند. بادهای ساحلی شامل نسیم دریا و بوران می‌باشد. نسیم دریا جریان باد سرد از دریا به ساحل و بوران جریان هوای طرف شرق تا ژاپن و استرالیا وجود دارد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن با قلاب و طناب، دام و تور گوشگیردر آبسنگهای مرجانی در عمق ۲۰ تا ۶۵ متری انجام می‌گیرد.



هامور منقوط سفید *Einephelus caeruleopunctatus*

white - spotted spinefoot ماهی صافی، گونه‌ای از خانوادهٔ صافی یا خرگوش ماهیان با نام علمی *Siganus canaliculatus* که طول آن ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر می‌باشد. بوسیلهٔ کندن جلبکها از صخره‌ها و مرجانها و نیز خوردن علفها و سبزه‌های دریایی و بی‌مهرگان کوچک تغذیه می‌کند. از خلیج فارس در طول سواحل هندوستان تا مجمع‌الجزایر هند و مالایا وجود دارد. در آبهای ساحلی بصورت گله‌ای از عمق حداقل ۲۰ متری ظاهر می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد. صید آن توسط تورهای کششی کفی و دام در سواحل و خورها انجام می‌گیرد.



ماهی صافی *Siganus canaliculatus*

white steaming light چراغ سینه کشتی

white tongue jack گیش دهان سفید، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Uraspis helvola* که حداکثر طول آن ۶۴ سانتی‌متر (بدون دم) است. در اقیانوس هند غربی از دریای سرخ جنوبی، عمان و سریلانکا، در آتلانتیک جنوبی، فقط از سنت هلن و جزایر هاوایی، در اقیانوس آرام مرکزی و در جزایر دور از ساحل اقیانوس آرام شمال شرقی آبهای

سرد از کوهستان به ساحل است.

wind chop موج تیز رأس

wind, following باد پیرو

windlass دوار زنجیر کشتیهای کوچک

wind, offshore باد رو به دریا

wind, onshore باد رو به ساحل

wind opposing باد مخالف

wind setup خیزاب باد

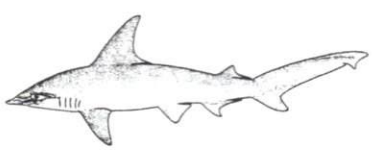
windtide جزر و مد حاصل از باد، کشند ناشی از باد

windward در جهت باد، بادگیر، جهت وزش باد

wind waves موجهای ناشی از باد

wing بال، بازوی تور، جناح، بخش هدایت کننده در هر تور ماهیگیری، بخش جلویی یک تور عمودی

winghead shark کوسه سربال، گونه‌ای از خانوادهٔ Sphyrnidae با نام علمی *Eusphyra blochii* که بیشترین طول آن ۱۵۲ سانتی‌متر است. یک نمونه ساحلی اقیانوس هند و آرام است که در اقیانوس هند غربی محدود به شمال شرق یعنی از خلیج فارس به طرف شرق تا پاکستان و هند و سریلانکا می‌باشد. در اقیانوس هند شرقی و غرب اقیانوس آرام مرکزی وجود دارد و به سمت شرق تا تایلند، برونئی، چین، جزایر فیلیپین و استرالیا یافت می‌شود. گونه‌ای است کوچك، بی‌آزار و زنده‌زا که در آبهای دور از ساحل زندگی می‌کند. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای گوشگیر شناور و احتمالاً تورهای گوشگیر ثابت در کف آب یا رشته قلابهای طویل شناور، قلاب و طناب انجام می‌شود.



Eusphyra blochii کوسه سربال

wing net توری که دارای بال است.

winter breeding تخمریزی زمستانی، تکثیر زمستانی ماهی

wintering migration کوچ زمستانه، مهاجرت از محل تخمریزی یا محل تغذیه به طرف مناطقی که زمستان را گذرانده‌اند.

wintering pond استخر زمستانه، استخری برای گذراندن زمستان ماهیها بویژه کپورهای دو ساله

winterized روغن زمستان گذرانده، به روغن ماهی و به روغنی که دارای ارزش یُد بالاست و از طریق نگهداری در انبارهای خنک، درصدی از نوع اشباع آن جدا گردیده است، اطلاق می‌شود.

winter kill زمستان کُشی، مرگ و میر زمستانی، مرگ و میر حاصله در اثر تجمع برف روی سطح استخر که باعث قطع فتوسنتز و کاهش اکسیژن محلول در آب می‌گردد.

winter pond استخر زمستانی

winter resistance مقاومت زمستانه، قدرت یک موجود (بویژه نوزاد ماهیها) در گذراندن شرایط نامساعد زمستانی

winter solstice انقلاب زمستانی

winter storage ذخیره کردن زمستانی

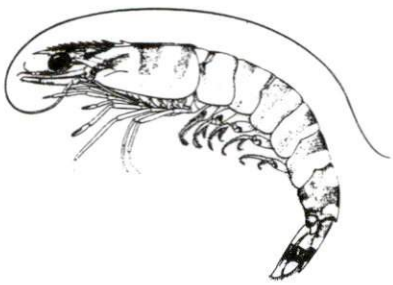
wire basket گرگور سیمی

wire pot تلهٔ سیمی

wire rope طناب سیمی

witch prawn میگوی جادوگر، گونه‌ای از خانوادهٔ Penaeidae با نام علمی *Penaeus canaliculatus* که بیشترین طول نرها و ماده‌ها به ترتیب ۱۴/۵ و ۱۸/۲ سانتی‌متر می‌باشد. از جنوب و شرق آفریقا تا هند به انضمام دریای سرخ، موریس، ریونیون، و سریلانکا و به طرف شرق تا جزیرهٔ تایوان، گینه جدید، و پلی‌نزیا وجود دارد. از خط ساحل تا عمق حدود ۵ متری زندگی می‌کند. جوانهای

آن ساکن خورها و آبهای مردابی پشت ساحل می‌باشند. در آبهای ایران، در دریای عمان یافت می‌شود. صید آن به وسیلهٔ تورهای نرده‌ای، کیسه‌ای، و احتمالاً تور کششی دردار و گوشگیر میگویی انجام می‌شود.



میگوی جادوگر *Penaeus canaliculatus*

wobbler speen طعمه جنبان،
یک طعمه مصنوعی که به بخش هدایت کننده تور در یک انتها، متصل می‌شود و سبب می‌شود که همزمان با حرکت در آب، از طرفی به طرف دیگر بجنبد.

wolf herring ماهی خارو، دوهیر از خانوادهٔ Chirocentridae با نام علمی *Chirocentrus dorab*

worm کرم، نامی عمومی برای هر نوع بی‌مهرهٔ طویل و کشیده با بدنی نرم (که معمولاً بعنوان طعمه ماهیگیری بکار می‌رود) مانند کرم خاکی

worm fishing صید با کرم، ماهیگیری با کرم به عنوان طعمه

wounding gear ابزار صید مجروح کننده

wrasse ماهی راس، ماهی دراز لب کلفت، دنداندار و خاردار از خانوادهٔ Labridae و راستهٔ ماهیان سوف. این ماهیها در صخره‌های مرجانی فراوان هستند و رابطهٔ همسفرگی یا همزیستی با سایر ماهیان دارند.

wreck شناور غرق شده، غرقی، مغروق

wreck buoy نشانه کشتی غرق شده

wreckage باقیماندهٔ شناور غرق شده

wreck vessel شناور یا کشتی غرق شده

X, Y

xanthine oxidase آنزیم اکسید کننده گزانتین، آنزیمی که از شیر تهیه می‌شود و برای تشخیص هیپوگزانتین به کار می‌رود. این آنزیم گزانتین و هیپوگزانتین را به اسید اوریک تبدیل می‌کند.

X پرچم بین‌المللی به معنای «به علائم توجه کنید»

X. = hoar frost یخبندان سخت

Xanthidae گزانتیده، زانتیده، خانوادهٔ سخت‌پوستان ده‌پا مانند خرچنگ گِل‌زی

****

yearlings ماهیان یک ساله، ماهیانی که در سنین بین یک تا ۲ سالگی پس از خروج از تخم می‌باشند.

year - round fishery ماهیگیری در طول سال، ماهیگیری که در سراسر سال ، بدون توقف ادامه دارد.

yellow - banded emperor ماهی شهری نوار زرد، گونه‌ای از خانوادهٔ شهری ماهیان با نام علمی *Lethrinus ramak* که طول آن ۲۵ تا ۴۷ سانتی‌متر است. بیشتر از نرم‌تنان، سخت پوستان و خارپوستان تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی از سواحل شرقی آفریقا، از عرض ۲۵ درجه جنوبی بطرف شمال، از ماداگاسکار، سیشل، دریای سرخ، سواحل پاکستان، هندوستان و سریلانکا، در شرق اقیانوس هند زمان خاص در عرض یک سال ، در کنار یکدیگر تخم‌گذاری می‌کنند، ماهیانی که در یک سال معین تخم‌ریزی می‌کنند یا سر از تخم در می‌آورند.

Y پرچم بین‌المللی به نشانهٔ «حامل بسته‌های پستی»

y. = dry air هوای خشک

yacht شناور تفریحی

yair = yare خط ساحلی در حد خط جزر

Yangtze رود یانگتز، رود بزرگ، رودی که از تبت تا دریای چین شرقی جریان دارد.

yard کارخانه کشتی سازی، میله افقی، دکل، یارد (واحد طول)

yard arm دو طرف عرشه کشتی، بازوی افقی (دکل)

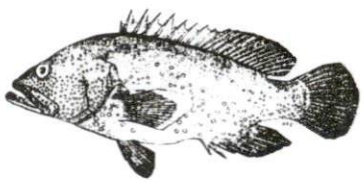
yard seine تور عمودی ساحلی

yaw انحراف کشتی از مسیر

yawl قایق چهار پارویی

year class گروه سنی، گروه هم سن، رده‌های سنی، یک نسل از ماهیانی که در یک سال مشخص به دنیا آمده‌اند. گروهی از جانورانی که در یک

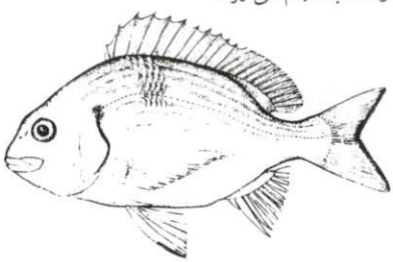
مناطق مذکور یافت می‌شود. صید آن با خط قلاب، دام و تورگوشگیر و در آبسنگهای مرجانی در عمق ۵ تا ۶۰ متری انجام می‌شود.



گربه‌ماهی زرد آمریکایی *Cephalopholis hemistiktos*

yellowfin jack ماهی گیش تیره دم، مقوا باله زرد با نام علمی *Caranx ignobilis*

yellowfin seabream سیم دریایی زرد باله، گونه‌ای از خانوادهٔ شانک ماهیان با نام علمی *Acanthopagrus latus* که طول آن ۳۰ تا ۴۵ سانتی‌متر است. این گونه گوشتخوار می‌باشد. از بی‌مهرگان (خارپوستان، کرمها، سخت‌پوستان و نرمتنان) تغذیه می‌کند. در اقیانوس هند غربی، در خلیج فارس و تمام ساحل هندوستان بطرف شرق تا فیلیپین، ژاپن و شمال استرالیا وجود دارد. ساکن آبهای ساحلی کم‌عمق تا حدود ۵۰ متری می‌باشد. داخل خورها نیز یافت می‌شود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی و طناب انجام می‌گیرد.

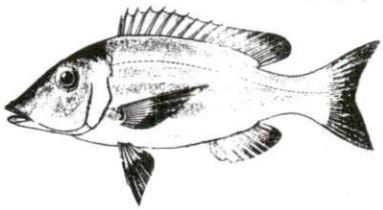


سیم دریایی زرد باله *Acanthopagrus latus*

yellowfin tuna ماهی تون زرد باله، هوور با نام علمی *Thunnus albacares*

yellow goatfish ماهی قبا زرد،بز ماهی زرد جامه با نام علمی *Mulloidichtys martinicus*

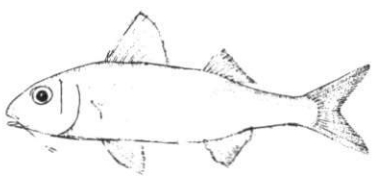
و غرب اقیانوس آرام مرکزی و نیز بطرف شرق تا جزایر ساموآ، مارشال و فی‌جی وجود دارد. ساکن آبسنگهای مرجانی و آبهای نزدیک ساحلی می‌باشد. از آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط قلاب دستی، گوشگیر، تورهای گردان، کششی و دام انجام می‌گیرد.



ماهی شهری نوار زرد *Lethrinus ramak*

yellow catfish گربه ماهی زرد آمریکایی

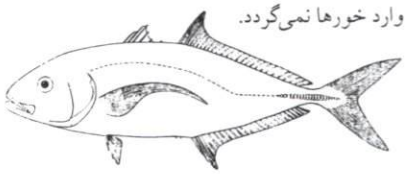
yellowfin goatfish بز ماهی زرد باله،کوا زرد، گونه‌ای از خانوادهٔ بز ماهیان با نام علمی *Mulloides vanicolensis* که طول آن ۲۵ تا ۳۸ سانتی‌متر می‌باشد. در بیشتر نقاط اقیانوس هند غربی، در شمال عرض ۲۲ درجه جنوبی، در خارج از منطقهٔ ۵۱ بطرف شرق تا جزایر هاوایی و پلی‌نزیای فرانسه وجود دارد. گونهٔ آبهای کم عمق است و بر روی بسترهای شنی در مردابها و خلیج‌های آرام زندگی می‌کند. بصورت گله بر روی آبسنگهای مرجانی در طول روز یافت می‌شود و تغذیه‌اش در شب بطور انفرادی انجام می‌گیرد. در آبهای ایران، در دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیله دام، تورگوشگیر، قلاب و ریسمان و نیزه انجام می‌گیرد.



بز ماهی زرد باله،کوازرد *Mulloides vanicolensis*

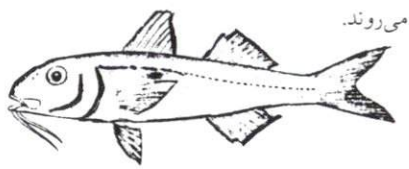
yellowfin hind گونه‌ای از خانوادهٔ هامور ماهیان با نام علمی *Cephalopholis hemistiktos* که بیشتر طول آن ۲۵ سانتیمتر می‌باشد. در آبهای ایران نیز در

yellow spotted trevally ماهی گیش منقوط زرد، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Carangoides fulvoguttatus* که بیشتر طول آن ۸۷/۵ سانتی‌متر و وزن آن ۶/۴ کیلوگرم می‌باشد. از بی‌مهرگان کوچک و ماهی تغذیه می‌کند. در آبهای اقیانوس هند و آرام غربی، اوکی‌ناوا، پالائو و استرالیا یافت می‌شود. بیشتر در آبسنگهای صخره‌ای و مرجانی و گاهی اوقات در آبهای دور از ساحل تا عمق صد متری دیده می‌شود. وارد خورها نمی‌گردد.



ماهی گیش منقوط زرد *Carangoides fulvoguttatus*

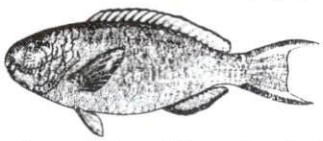
yellow stripe goatfish بز ماهی، قبا زرد، کوازرد، گونه‌ای از خانوادهٔ بز ماهیان با نام علمی *Mulloides flavolineatus* که طول آن ۲۵ تا ۴۰ سانتیمتر است. در سراسر اقیانوس هند غربی، در شمال عرض جغرافیایی ۲۲ درجهٔ جنوبی، بطور گسترده در اقیانوس هند و آرام، بطرف شرق تا جزایر هاوایی، پلی‌نزیای فرانسه، و گروه پیت کرن (pitcarn) وجود دارد. این گونه در آبهای کم عمق به سر می‌برد و روی بسترهای شنی، در مردابها و خلیج‌های آرام یافت می‌شود. در طول روز تمایل به اقامت گروهی در روی آبسنگها را دارد و تغذیه آن روی بسترهای باز و در تاریکی انجام می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن با تورهای احاطه‌ای، دام ، خط قلاب و نیزه انجام می‌گیرد. نمونه‌های جوان که توسط تورهای احاطه‌ای و تور پرتابی صید می‌شوند، اغلب بعنوان طعمه برای ماهیان بزرگتر بکار می‌روند.



بز ماهی، قبا زرد، کوا زرد *Mulloides flavolineatus*

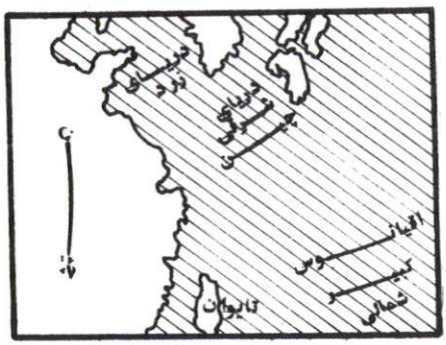
yellow perch ماهی سوف زرد با نام علمی *Perca flauvescens*

yellow scale parrotfish طوطی ماهی، طوطی ماهی پولک زرد چارگوگ، گونه‌ای از خانوادهٔ طوطی ماهیان با نام علمی *Scarus ghobban* که طول آن ۵۷ سانتیمتر و وزن آن ۶/۵ کیلوگرم می‌باشد. این گونه در دریای سرخ، خلیج فارس، جنوب ناتال در سال آفریقای شرقی ، سمت شرقی اقیانوس هند غربی تا گروه جزایر این ناحیه و سواحل هند و سریلانکا و منطقهٔ اقیانوس هند شرقی و شرق و غرب آرام استوایی وجود دارد. در جزایر هاوایی و ایستر وجود ندارد. اغلب در مردابها و خلیجهای کوچک، و نیز بر روی آبسنگهای مرجانی و معمولاً بصورت گروهی یافت می‌شود. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن توسط دام، تور و دیگر ابزار صید سنتی انجام می‌گیرد.



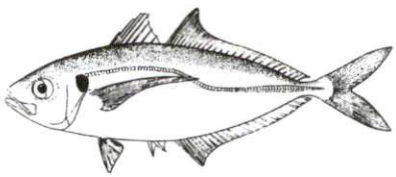
طوطی ماهی پولک زرد چارگوگ *Scarus ghobban*

Yellow Sea دریای زرد، بازوی حاشیه‌ای اقیانوس آرام بین شمال چین و کره. عمق متوسط این دریا حدود ۶۰ تا ۸۰ متر است و دو رود بزرگ یانگتز و زرد به آن می‌ریزند.



دریای زرد

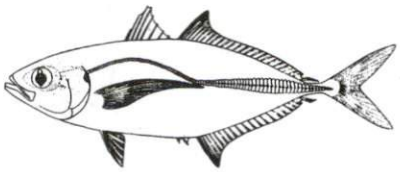
yellow stripe scad ماهی گیش یک لکه،
مقوا نوار زرد، گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Selaroides leptolepis* که طول بزرگترین نمونهٔ اندازه‌گیری شده، حدود ۱۹ سانتیمتر است. از اوستراکودها، شکمپایان، یوفوسیدها، و ماهیان کوچک در شب تغذیه می‌نماید. در آبهای اقیانوس هند غربی محدود به آبهای ساحلی خلیج فارس، به سمت شرق تا سریلانکا، در آبهای هند ـ آرام غربی در خلیج بنگال خلیج تایلند، اوکی‌ناوا، ژاپن، فیلیپین و اندونزی تا استرالیا وجود دارد. بصورت گله‌های عمقی، ساکن بسترهای نرم در عمق کمتر از ۵۰ متر می‌باشد. در آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن توسط تورهای احاطه‌ای، تور کششی کفی، دام و گوشگیر انجام می‌گیرد.



Selaroides leptolepis ماهی گیش یک لکه

yellow tail ماهی گیش دم زرد
با نام علمی *Seriola dorsalis*

yellow tail scad ماهی گیش دم زرد،
گونه‌ای از خانوادهٔ گیش ماهیان با نام علمی *Atule mate* که طول آن ۲۶ تا ۲۸ سانتیمتر است که بطور عمده از سخت‌پوستان و سرپایان تغذیه می‌کند. در سرتاسر منطقه اقیانوس هند غربی بطور وسیع و نیز تا به طرف شرق جزایر هاوایی وجود دارد. بصورت گله تا عمقی حدود ۵۰ متر پیش می‌رود. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان دیده می‌شود. صید آن بوسیله خط قلاب و نیز روشهای مختلف صید سنتی در آبهای نزدیک ساحل انجام می‌گیرد.



Atule mate ماهی گیش دم زرد

Yenisei = Yenisey رودینسی
رودی در سیبری مرکزی از روسیه

yield محصول، استحصال ،
وزن محصول بدست آمده ، معمولاً بصورت درصد از وزن تر ماده اولیه مطرح می‌گردد. برای مثال درصد فیله‌های حاصله از کل ماهی عمل‌آوری شده.

Yolida Sea دریای یولیدا در خلیج فنلاند

yoke یوغ سکان

yolk absorption جذب کیسه زرده (غذایی)

yolk sac کیسه زرده،
کیسه‌ای با غشاء نازک که زردهٔ یک تخم را در بر می‌گیرد.

yolk - sac fry
بچه ماهی یا نوزاد ماهی که دارای کیسه زرده است.

yolk-sac larvae نوزاد دارای کیسه زرده

young breed نسل جوان

young carp بچه کپور، کپور جوان

young fish (less than one year old)
ماهیان جوان (زیر یکساله)

young fish selection گزینش بچه ماهی

young fry بچه ماهیان جوان

young pike = pickerel بچه اردک ماهی

Yucatan Current جریان یوکاتان،
جریانی سطحی در دریای کارائیب که از هندوراس تا کانال یوکاتان و شرق مکزیکو جریان دارد.

Yukon رودی در شمال غربی کانادا و آلاسکا،
این رود طولانی‌ترین رود آمریکای شمالی است.

Z

Z پرچم بین‌المللی چهار رنگ به معنی «قصد تماس با ایستگاه ساحلی دارم»

Z = haw مه کم، بخار

Z = azimuth آزیموت، سمت

zeaxanthin رنگدانه قرمز، رنگدانه قرمزی که گاهی بطور طبیعی باعث تغییر رنگ گوشت ماهی از سفید به صورتی غیرطبیعی می‌گردد. احتمالاً در اثر تغذیه یا ناراحتی‌های گوارشی ایجاد می‌شود.

zebra shark کوسه راه راه (گورخری)، گونه‌ای از خانوادهٔ Stegostomatidae با نام علمی *Stegostoma fasciatum* که بیشترین طول آن ۳۵۴ سانتیمتر است. نمونه‌های کوچکتر از نرمتنان و ماهیهای کوچک تغذیه می‌کنند. در آفریقای جنوبی و ماداگاسکار تا دریای سرخ، دریای عربی، خلیج فارس و سواحل پاکستان، هند و سریلانکا و موریس به فراوانی وجود دارد. در اقیانوس هند شرقی، اقیانوس آرام غربی بطرف شرق تا ژاپن و استرالیا و پالائو وجود دارد. یک گونهٔ معمولی کوسه از آبهای ساحلی نزدیک است. اغلب روی آبسنگهای مرجانی، نزدیک و یا روی بسترها دیده می‌شود. تخمگذار است. اندازهٔ نوزاد آن ۲۰ تا ۳۶ سانتیمتر می‌باشد. از آبهای ایران، در خلیج فارس و دریای عمان یافت می‌شود. صید آن بوسیلهٔ تورهای کششی کفی، تورهای گوشگیر کفی ثابت و شناور و رشته قلابهای طویل انجام می‌شود.



کوسه راه راه (گورخر) *Stegostoma fasciatum*

zenith سمت‌الرأس

zero water level سطح صفر آب، سطح آب که معمولاً در مقایسه بعنوان یک سطح استاندارد به کار می‌رود.

Zoanthidae زوانتیده، راسته‌ای از پولیپهای کلنی ساز که شبیه شقایق دریایی هستند. این جانوران از شاخهٔ کنیداریا (مرجانیان) بوده، خویشاوند مرجانها می‌باشند. در بسترهای ماسه‌ای نواحی استوایی تا معتدله زندگی می‌کنند.

Zodiac دایرةالبروج

zonal منطقه‌ای، نواره‌ای

zonation نواره بندی، منطقه بندی، تقسیم یک زیوم (بیوم) به منطقه‌هایی که شرایط

فیزیکی یکسانی دارند.

zone مدار، منطقه، ناحیه

Zoochlorellae جلبکهای سبزی که همزیست یا همسفره مرجانها، جلبکهای آهکی و اسفنجها هستند.

zoogeography جغرافیای جانوری، شاخه‌ای از جغرافیای زیستی که پراکنش جانوران در فضا و مکان را بررسی می‌کند.

zooid فرد جدا افتاده یا مستقل در گروه جانوران کلنی ساز

zooplankters آبزیان زئوپلانکتون خوار

zooplankton جانور معلق در آب، زئوپلانکتون، پلانکتون جانوری، پلانکتونهای جانوری که در اکوسیستم آبی زندگی می‌کنند.

zoospore هاگ تاژکدار جلبکها و قارچهای آبزی

Zooxanthellae همزیستهای تک سلولی جلبکهای دینوفلاژله که فتوسنتز می‌کنند، می‌توانند در بدن سایر آغازیان زندگی کنند، از گاز کربنیک حاصل از فعالیتهای متابولیک میزبان خود استفاده می‌نمایند و قند می‌سازند، به این ترتیب، قادرند رشد تودهٔ مرجان را در صخره‌های مرجانی بیشتر کنند. این موجودات گاهی بصورت مستقل زندگی می‌کنند.

Zostera زوستر، گیاه نهاندانه‌ای از خانواده نواریان (زوستراسه) که در قسمتهای پر نور زیر آب زندگی می‌کند. این گیاه پناهگاه و منبع غذایی اجتماعات جانوری ناحیه بین جزر و مد است.